

تربیت آزاداندیشان

راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی



شامل
بیش از صد
فعالیت

برگردان: بهمنیار

دیل مک‌کاون، مولین ماتسومارا
آماندا متسگاز و جن دور

تربیت آزاداندیشان

راهنمای کاربردی برای پرورش کودکان

فارغ از اصول مذهبی

دیل مک‌گاون

مولین ماتسومارا

آماندا متسکاز

جن دور

AMACOM

American Management Association

New York ♦ Atlanta ♦ Brussels ♦ Chicago ♦ Mexico City ♦ San Francisco
.Shanghai ♦ Tokyo ♦ Toronto ♦ Washington, D.C

Special discounts on bulk quantities of AMACOM books are available to corporations, professional associations, and other organizations. For details, contact Special Sales

Department, AMACOM, a division of American Management Association, 1601 Broadway,

New York, NY 10019.

Tel: 212-903-8316. Fax: 212-903-8083.

E-mail: specialsls@amanet.org

Website: www.amacombooks.org/go/specialsales

To view all AMACOM titles go to: www.amacombooks.org

This publication is designed to provide accurate and authoritative information in regard to

the subject matter covered. It is sold with the understanding that the publisher is not engaged

in rendering legal, accounting, or other professional service. If legal advice or other expert

assistance is required, the services of a competent professional person should be sought.

© 2009 Dale McGowan

All rights reserved.

Printed in the United States of America.

This publication may not be reproduced, stored in a retrieval system, or transmitted in whole

or in part, in any form or by any means, electronic, mechanical, photocopying, recording, or

otherwise, without the prior written permission of AMACOM, a division of American Management

Association, 1601 Broadway, New York, NY 10019.

Printing number

10 9 8 7 6 5 4 3 2 1

تقدیم به شوخ طبعی ایرانیان

دیباچه‌ی مترجم

فروردین ۹۵ مقاله‌ای از فیلسوفی دیدم، نوشته بود که در ایران امروز هیئت حاکم و تبلیغات از زهد به لذت تغییر جهت داده است. نمی‌توانم سخنان وی را رد کنم و از سوی دیگر نمی‌توانم آن‌ها را تأیید کنم.

جالب است ولی در همین ایران امروز من با افرادی دیدار داشته‌ام که گویی بر خلاف جریان غالب روزمره ایرانیان امروز به تعهدات خود وفادار بوده و به راستی صادقانه کار می‌کنند. در حالی که همکارش در کنارش مشغول دودره کردن است، صادقانه می‌خواهد نان حلال برای خانواده‌اش ببرد. چه امید واهی، بعید است که بتوان از منجلا ب چیز تمیزی گیر آورد. نمی‌توانم آن‌ها را زاهد خطاب کنم. تعداد آن‌ها زیاد نیست ولی هستند. این تسلیم تقدیر شده‌ها تنها می‌خواهند کلاه خود را حفظ کرده مبادا بهشت هم از آن‌ها دریغ شود و فرزندان صالحی داشته باشد تا در پیری دستشان را بگیرد!

بسیاری این سخن مرحوم کسروی را تکرار می‌کنند که گفته ملت ایران یک دوره حکومت به آخوندها بدهکار هستند! من هنوز هم نفهمیدم چه وقت این وام به گردن ما افتاد. بر فرض بدهکار بودن هنوز هم نمی‌فهمم که بعد از ۱۴۰۰ سال چاپیدن و غارت باز چرا بدهکاریم؟ کدام بدهکاری؟ بدهکاری حماقت و دوست را از دشمن نشناختن؟ مشکل ما نداشتن یک طبقه روشن‌اندیش دلاور بوده و هست. این کتاب راهنمای کاربردی برای پرورش کودکان دلاور آزاداندیش بدون نگاهی به اصول مذهبی است. امیدوارم با کمک این کتاب و کتاب‌های مانند این بتوان کودکانی تربیت کرد که جای این روشن‌اندیشان پردل را در ایران پر کنند.

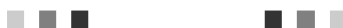
برای بحث و گفتگو و هر گونه انتقاد و پیشنهاد درباره این کتاب به تالار گفتگوی

www.daftarche.com مراجعه نمایید.

بهمنیار

فروردین ۹۵

ایران



فهرست مطالب

v		پیشگفتار
xvi		سیاسگزارى‌ها
۱	ذهن پرسشگر	بخش یک
	دیله مک‌کاون	
۵۱	اخلاقی بودن و آموزش اخلاق در خانواده	بخش دو
	مولین ماتسومارا	
۹۹	خانواده سکولار، جهان مذهبی	بخش سه
	چن دور	
۱۴۴	خود-فیزیکی	بخش چهار
	آماندا متسکاز	
۱۹۴	عناصر یکی زندگی با ارزش	بخش پنج
	مولین ماتسومارا	
۲۳۱	بزرگداشت زندگانی	بخش شش
	چن دور	
۲۶۵	مرگ و زندگی	بخش هفت
	دیله مک‌کاون	

۳۰۹	بخش هشت	بنیادگذاری و برپاساختن انجمن‌ها
		آماندا متسکاز
۳۵۴	بخش نه	گنج
		دیل مک‌کاون
۳۸۴		پیوست ۱: فیلم‌های پیشنهادی با دسته‌بندی
۳۸۹		پیوست ۲: فهرست اصول

پیشگفتار

در فروردین ۱۳۸۶ (آوریل ۲۰۰۷) تربیت فارغ از اصول مذهبی: پرورش کودکان با ملاحظه اخلاقی، بدون دین^۱ منتشر گشت. این کتاب به عنوان نخستین کتاب جامع برای پدر و مادران بدون دین چهارچوب اصلی فلسفی را برای پرورش غیردینی در یک پهنه‌ی گسترده و متنوع ارائه می‌داد. کتاب نه تنها خواسته‌های مقدماتی خود یعنی پشتیبانی و تشویق والدین بی‌دین را برآورده ساخته بلکه (البته این هم یکی از تعهدها بود) شامل پیشنهادهای کاربردی در این باره نیز بود.

آوایی که با باز کردن این کتاب می‌شنوید آوای گام گذاشتن در راه دیگری است. تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی این آوایی است که به گوش شما می‌رسد – راهنمای کاربردی. شما در این کتاب نه تنها اندیشه‌ها و افکار ژرفی را خواهید یافت بلکه پاسخ‌های ویژه برای پرسش‌های کلی و صدها فعالیت و منابعی را خواهید یافت که به این اندیشه‌ها، کاربردی روزانه می‌بخشد.

در راستای این هدف ما هم چنین به برخی از پرسش‌های بزرگ‌تر پیرامون پرورش کودک غیردینی که پس از انتشار کتاب به وجود آمده پاسخ داده‌ایم که شامل نخستین و بحث‌برانگیزترین آن‌ها نیز هست یعنی: پرورش غیردینی به طور دقیق به چه معناست؟

1. Parenting Beyond Belief: On Raising Ethical, Caring Kids Without Religion

زنده‌باد تفاوت - هم چنین زنده‌باد زمینه‌های مشترک

زمان درازی از انتشار کتاب تربیت فارغ از اصول مذهبی نگذشته بود که ایمیلی از یک مسیحی لیبرال دریافت کردم. خانم فرستنده ایمیل یکی از خوانندگان منظم بلاگ سکولار پرورش کودکان من به نام معنای زندگی¹ بود و به اندازه کافی در این باره اطلاعات داشت.

این خانم پرسید، چرا من میان «تربیت دینی» و «تربیت غیردینی» مرز قرار می‌دهم؟ آیا این شیوه‌ی تربیتی که من هوادار آن هستم - پرس و جو بدون مرز، آگاهی از دانش، جهان‌بینی بر پایه مدارک، به چالش کشیدن مرجعیت، رد آموزه «اندیشه‌های گناه آمیز»، توسعه قضاوت اخلاقی به جای پیروی ساده از قانون - درست همان «تربیت درست و خوب» نیست؟ آیا من در واقع می‌گویم تربیت دینی نمی‌تواند این مسائل را به کودکان بیاموزد؟

پاسخ من چنین بود که کاری نیست که پدر و مادری سکولار بتواند انجام دهد و پدران و مادران مذهبی به طور قطعی نتوانند انجام دهند همان طوری که هیچ چیزی نیست که پدر و مادر مذهبی به آن دست پیدا کنند و ما نتوانیم.

خانم پرسید «پس چرا در کل تمایز بگذاریم؟» «پس اگر این گونه تربیت شباهت و همانندی فراوانی با تربیت خوب دینی دارد چرا چیزی را به نام «تربیت غیردینی» تعریف و تشریح کنیم؟»

پاسخ این است: حتا اگر ما بتوانیم و اغلب در پایان به آماج‌های همانند و مشابهی برسیم باز هم تربیت دینی و غیردینی به راستی همانند هم نیست. تفاوت‌های ژرفی در این دو زمینه وجود دارد، منظور فضایی است که تربیت دینی و تربیت غیردینی در آن رخ می‌دهد.

هم پدر و مادران سکولار و هم والدین مذهبی می‌توانند کودکانی تربیت کنند که برای پرسشگری بدون ترس و واهمه، اندیشیدن انتقادی، زیر پرسش کشیدن مرجعیت، رد اندیشه گناه و هم چنین رد بد شمردن شک ارزش قائل باشند. ولی بنیادهای اصلی آزاداندیشی مشوق این ارزش‌ها بوده و از آن‌ها پشتیبانی می‌کند در حالی ریشه‌ی اصلی دین چنین ارزش‌هایی را نفی

1. Meming of Life

پیشگفتار

می‌نماید. یکی خودش را بر آن استوار می‌داند؛ دیگری با ابروهای در هم کشیده مخالف آن است.

من به احترام پدر و مادران مذهبی کلاهم را برمی‌دارم که شک بدون مرز، پرس و جوی بدون ترس و رد توسل به مرجع را تشویق می‌کنند. من اراده آنان در اختلاف عقیده از اکثریت جامعه خود را ستایش می‌کنم. با توجه به رشد بنیادگرایی مسیحیت با صرف و تحلیل رفتن بیشتر میانه‌رو، چنین والدینی مانند ماهی آزاد بر ضد جریان نیرومندتر شنا می‌کنند. در قلب و کانون دین‌های یکتاپرستی سنتی این اندیشه وجود دارد که شک بد است، پرسش‌های ویژه‌ای نباید پرسیده شود و از سوی دیگر مذهب و متون مقدس به‌طور سرشتین و درونی دارای درجاتی از خواست اطاعت بدون چون و چرای است.

ولی مهم‌ترین پیام در ایمیل این خانم پیامی بود که هم مذهبی‌ها و هم بدون دین‌ها به یک صورت به فراوانی آن را فراموش می‌کنند: این واقعیت که پیروان پیشرو دین زمینه‌های مشترک فراوانی با بدون دین‌ها دارند تا با هم‌مسلمانان محافظه‌کارتر و سلفی‌های هم‌مذهب خویش. هر بار که ما میان خودمان و فعالان محافظه‌کار مذهبی مرزی می‌کشیم باید کوششی متناسب و برابر با آن برای تشخیص زمینه‌های مشترک واقعی با این افراد پیشرو انجام دهیم.

یکی از نقاط قوت تربیت غیردینی این هست که می‌تواند بدون نیاز به پوزش‌خواهی چندین ارزش انسانی کلیدی را به کار بست، ارزش‌هایی که دین به‌طور سنتی از آن‌ها در هراس بوده و آن‌ها را سرکوب کرده است. پذیرش با میل این ارزش‌ها به پدران و مادران -هم‌جنس‌گرا یا عادی، مجرد یا دارای شریک زندگی- اجازه می‌دهد که از ناسازگاری درون دینی دوری کرده، در پرتو دانش همراه با کودکان خویش کنکاش کرده و به عنوان بالاترین رسالت انسانی از پرسیدن و شک کردن لذت برده و تنها با محبت و عاشقانه رقابت کنند.

دریافت صدای ما - و همین‌طور یافتن ما

هنگامی که من نخستین بار در سال ۱۳۸۲ خورشیدی (۲۰۰۳ میلادی) با اندیشه یک کتاب درباره تربیت غیرمذهبی به دیدار کارگزاران و انتشاراتی‌ها رفتم، با کمال اطمینان به من اطلاع دادند که چنین کتابی هیچ خواننده‌ای ندارد. کتاب‌هایی با عنوان چگونه پدر یا مادری یهودی

پیشگفتار

باشیم^۱ وجود داشت که برای ۲/۵ درصد جمعیت یهودی امریکا نوشته شده بود؛ عنوان دیگری به نام تربیت مؤثر اسلامی^۲ وجود داشت برای کسانی که مسلمان بودند؛ حتا کتابی با عنوان پرورش جادوگر: آموزش دین ویکن به کودکان^۳ که برای یک برش ۰/۰۰۴ درصدی از کل جمعیت امریکا نوشته شده بود. ولی ۱۴/۱ درصد از جمعیت ایالات متحده که به عنوان بدون دین شناخته شده (۱) کمابیش تا چند سال پیش در هیچ جا حسابی روی آن‌ها باز نمی‌کردند.

این وضعیت در مهر ۱۳۸۴ (اکتبر ۲۰۰۵) زمانی شکست که کتاب سام هریس^۴ به نام پایان باور قلبی^۵ به رده ۴ بالاترین فروش نیویورک‌تایمز^۶ رسید. شش ماه بعد پیدا کردن انتشاراتی برای چاپ کتاب تربیت فارغ از اصول اعتقادی دیگر سخت نبود. این کتاب در میان والدین دسته بزرگی از شنوندگان و آماده شنیدن را جذب کرده که کمابیش همیشه خرسند و شگفت‌زده می‌شدند چون خویش را تنها نمی‌دیدند.

حتا شنیده‌ام که گفته‌اند دوره ما یک دوره «رنسانس تربیت سکولار» است. از زمان انتشار تربیت فارغ از اصول مذهبی در فروردین ۱۳۸۶ (آوریل ۲۰۰۷) در شهرهایی مانند نیویورک، واشنگتن دی سی، رالی، پورت‌لند (اورگان)، پالو آلتو (کالیفرنیا)، آستین، البوکرکی و کلرادو اسپرینگ، ده‌ها منبع پیرامون تربیت غیردینی نوین شامل تالارهای گفتگو، بلاگ‌ها و گروه‌های تربیتی غیردینی به وجود آمده است.

ولی «رنسانس» در واقع واژه درستی نیست. رنسانس یعنی تولدی دوباره - و تربیت غیردینی با هیچ تعریفی دوباره زاده نشده است. این درواقع تولد جنبش تربیتی غیردینی است که ما شاهد آن هستیم نه تولدی دوباره. البته این گفته به این معنای نیست که تربیت غیردینی چیز

-
1. How to Be a Jewish Parent
 2. Effective Islamic Parenting
 3. Raising Witches: Teaching the Wiccan Faith to Children
 4. Sam Harris
 5. The End of Faith
 6. New York Times

پیشگفتار

تازه‌ای است بلکه تنها به این معناست که ما تازه همدیگر را یافته و جنبش و انجمنی را تشکیل داده و یاد می‌گیریم که در همسایگی ما و در شهرهایی محل سکونت ما مملو از پدر و مادرانی است که به طور دقیق با خواسته‌ای دست به گریبان هستند که ما نیز طالب آن هستیم. حتا بهتر، ما وفاق اجتماعی درباره چگونگی بهترین پاسخ به چنین پرسش‌هایی را به دست آورده‌ایم.

«بهترین الگوی» کاربردی

دین‌ها برای والدین پاسخ‌هایی را فراهم می‌کند. ولی پیرامون موضوعات تربیتی یکی پس از دیگری - رشد اخلاقی، جنسیت، برخورد با مرگ، نظم در کودکان، پرهیز از سوء مصرف مواد و غیره - یک بخش پژوهشی رو به رشد در چندین رشته دانشگاهی نشان می‌دهد که پاسخ‌های سنتی مذهبی به راستی نادرست و اشتباه است. این تنها «رویکردهای متفاوت» نیست - نادیده گرفتن بهترین بخش از دانش ما انسان‌ها به خاطر روندهای محافظه کارانه‌ی مذهبی اغلب مایه آسیب‌رسانی به رشد اخلاقی (۲) اختلال‌های رفتاری بیشتر (۳) نرخ بارداری برابر یا بیشتر در سن نوجوانی (۴) برخورد مغشوش‌تر در برابر مرگ (۵) و سوء مصرف بالاتر یا برابر الکل و مواد (۶) نسبت به رویکرد آگاهانه‌ی سکولار می‌انجامد - یک الگوی میانه‌رو در این کتاب مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بنابراین جای شگفتی و تعجب ندارد که بسیاری از پدر و مادران مذهبی و غیر مذهبی به یک صورت از اندیشه‌های تربیتی مذهبی زیان‌بخش دور می‌شوند. ولی حتا اگر پاسخ‌های بد هم دور انداخته شود باز چنین پرسش‌هایی با استواری در روبرو ما گسترده شده است. افزون بر جستجو برای پی بردن به بهترین نگرش بر پایه پژوهش‌ها، والدین بدون دین به هم دیگر روی آورده تا اجماعی آگاهانه و پیوسته مورد آزمایش از بهترین شیوه برای تربیت غیردینی را بر پا سازند.

«بهترین شیوه» شیوه‌ای است که اثبات شود در یک حوزه فرضی مؤثرترین شیوه است. در نبود مرجعی یگانه، پدر و مادران بدون دین مجموعه از بهترین روش‌های شخصی غنی شده با پژوهش‌های دانشیک (علمی) که با تجربه‌های خودشان شکل گرفته را توسعه می‌دهند.

پیشگفتار

مهم‌تر از همه، شاید بهترین شیوه فرمان‌های کنده‌شده بر سنگ‌ها نباشد بلکه مجموعه از رهنمودهای فرگشت یافته باشد - یک جور ویکی فرهنگ^۷ که پیوسته به دست کسانی که فرضیات آن را در بوته‌ی ماجراهای روزانه آزمایش می‌کنند ویرایش و باز ویرایش می‌شود. پس از کمابیش نزدیک به سه سال پژوهش، مسافرت، آموزش و گفتگو من فهرست فرگشت یافته زیر از نه تا از بهترین روش‌های تربیت غیردینی را پیشنهاد می‌کنم.

۱- **تشویق گسترش دایره همدردی.** جهان‌بینی، نژاد، ملی‌گرایی و انواع

دیگر شوونیسم ما را از همدردی با بیشتر انسان‌ها دور می‌سازد. پدر و مادر بی‌دین باید کودکان خویش را به فراتر رفتن از این مرزهای ساختگی تشویق کنند.

۲- **تشویق رشد اخلاقی فعال.** کودکان می‌توانند و باید با درک دلایل چرایی

خوب بودن و کردار نیک برای رشد استدلال اخلاقی فعال تشویق شوند.

۳- **ترویج کنجکاوی سیری‌ناپذیر.** کنجکاوی سیری‌ناپذیر و فعال کلید

یادگیری و موتور یک زندگی خلاق است.

۴- **آموزش تعهد همزیستی.** دین در برخی از شکل‌های خود همیشه با ما خواهد

بود. وظیفه ما پرورش کودکان برای همزیستی با مردم مذهبی است درحالی که با

هواداران آن درگیر و آن‌ها را به چالش کشیده تا پیامد کارهای آنان انسانی‌تر شده

- و به نوبه خود سبب انسانی‌تر شدن کار ما نیز بشود.

۵- **تشویق سواد دینی.** کودکان بدون تلقین دینی باید درباره دین آگاه بشوند.

۶- **به کودکان برچسب نزنید.** یک کودک را «مسیحی» یا «بیخدا» نامیدن بر

خلاف تشویق به آزاداندیشی خلاق است. این کار به همان اندازه نادرست و

فریبکارانه است که به کودکی برچسب یک جهان‌بینی پیچیده مانند «انقلابی» یا

«مارکسیست» بزنیم.

پیشگفتار

۷- **مرگ را طبیعی و آشنا معرفی کنیم.** از محافظت شدید کودکان به طور کامل از اندیشیدن درباره مرگ باید دست برداریم چون در بزرگسالی آن‌ها را در وضعیت بسیار دشوارتر و اختلال بسیار بیشتری در رابطه با فانی بودن قرار خواهیم داد.

۸- **فراخوانی برای به پرسش کشیدن اقتدار و مرجعیت.** در کانون آزاداندیشی رد استدلال‌های انجام‌شده از سوی مراجع وجود دارد. کودکان را برای پرسیدن از دلایل پشت قوانین و دلایل پس زمینه پاسخ‌ها تشویق کنید.

۹- **ناباوری را طبیعی نشان دهید.** هیچ کار بزرگ‌تر از این نیست که پدر و مادران غیردینی برای آینده کودکان خود به عنوان آزاداندیش بتواند انجام دهند مگر اینکه ناباوری دینی را طبیعی، گزینه‌ای غیر استثنایی در فرهنگ ما نشان دهند.

این شیوه‌ها نیاز به یک راهنمایی فلسفی نیز دارد - فلسفه انسان‌گرایی، فلسفه‌ای که ریشه در اصول دوگانه‌ای عشق و خردورزی داشته و به زیبایی بسیار در سخن برتراند راسل نشان داده شده و در آغاز کتاب تربیت فارغ از اصول مذهبی آمده است. برتراند راسل می‌گوید «زندگی خوب، زندگی است که با عشق الهام گرفته و با دانش راهنمایی می‌شود.» خیلی وقت‌ها شده که آزاداندیش در طلب دانش اصول عشق و مهربانی را فراموش می‌نماید. این نقطه‌ای است که دانش و خرد بی‌امنیّت و بیگانه می‌شود. بدون ترحم و دلسوزی و همدردی ژرف و عمیق، میان اصول آزاداندیشی ما و انسانیت ما شکاف بزرگی پدید می‌آید چنان که شاید هیچ خوبی برای ما نداشته باشد.

حتا پدر یا مادری که خوبی این شیوه‌ها را تأیید می‌کند باز هم پرسش‌های بی‌شماری درباره چگونه رسیدن به آن‌ها را دارد: چگونه می‌توانم به فرزندانم پیاموزم با دین به گونه‌ای خلاقانه درگیر شوند؟ چگونه می‌توانم به آن‌ها یادم دهم بدون اینکه تلقین کنم؟ چگونه می‌توانم بچه‌هایی با کنجکاوی سیری‌ناپذیر داشته باشم، آن‌ها را در برخورد با مرگ آرام سازم، مرزهای درک احساس دیگران را در آن‌ها گسترش دهم؟ این پرسش‌ها و بیش از ۱۰۰ پرسش دیگر پایه‌های این کتاب را ساخته‌اند. هر بخش با معرفی چهارچوب موضوع بخش آغازشده و با «پرسش و

پیشگفتار

پاسخ» ادامه یافته که جنبه‌های بسیاری از پرسش‌های کلی پرسیده شده توسط پدر و مادران غیردینی را پاسخ می‌گوید. سپس در پایان هر بخش با فعالیت ویژه‌ای در رابطه با کودکان یا شریک زندگی شما برای درگیر شدن در موضوع بخش آمده و سرانجام یک فهرست به دقت برگزیده شده از منابع برای کاوش‌های بیشتر آمده است.

حامیان

بعد از کتاب تربیت فارغ از اصول مذهبی می‌دانستم که همکاری نتیجه بسیار بهتری خواهد داشت تا اینکه تنها به خودم متکی باشم. پس از بررسی‌ها و مشورت‌های بسیار من از سه نویسنده همکار با دانش ژرف و تجربه بسیار در آموزش کاربردی آزاداندیشی دعوت نمودم. هر یک از این سه تن نویسندگان و اندیشمندانی شگفت‌انگیز بوده و هر یک نقاط قوت و دیدگاه‌های بی‌همتایی را به این پروژه آوردند. برای به پایان رساندن این کتاب بهترین تصمیمی که گرفتم این سه تن بودند، مولین، آماندا و جن:

خانم مولین ماتسومارا، یک فعال انسان‌گرا و نویسنده‌ای با سابقه‌ای بیش

از بیست سال است. کارهای وی عبارت است دفاع از آزادی تولیدمثل، جدایی دین و دولت، آموزش فرگشت و ازدواج هم‌جنس‌گرایان. او نوشته‌های خود را به پرس و جوی بی‌قید، انسان‌گرایی نو (انگلیستان)، یهودیت انسان‌گرا، گزارش‌های کانون ملی آموزش دانش⁸ و هم چنین به نشریات دیگر می‌سپارد. خانم مولین مدیر پروژه برای کانون ملی آموزش دانش⁹ بوده و این روزها در استخدام هیئت مشاورین اتحادیه دانش‌آموزی سکولار و اتحادیه آمریکایی جدایی دین از سیاست

8. Free Inquiry, New Humanist (UK), Humanistic Judaism, and Reports of the National Center for Science Education

9. National Center for Science Education

پیشگفتار

است. وی ستون مشاوره‌ای انسان‌گرا، دلیل دلپسب^{۱۰} را می‌نویسد؛ برخی از نوشته‌های پیشین این ستون را می‌توانید در نشانی www.sweetreason.org یا در بخش تربیت وبسایت نهاد مطالعات انسان‌گرا (www.humaniststudies.org) بیابید.

خانم آماندا متسکاز مدیر اجرایی نهاد کمپ کوئیست (www.camp-quest.org) است. آماندا از ۱۳۸۲ (۲۰۰۳ میلادی) یکی از اولیای امور کمپ کوئیست بوده و از ۱۳۸۳ (۲۰۰۴ میلادی) در هیئت‌مدیره آنجا فعالیت می‌کرده است. وی در سمت رایزن کمپ کوئیست اوهایو، کمپ کوئیست میشیگان، کمپ کوئیست غرب، کمپ کوئیست اسموکی موتاین و کمپ کوئیست مینه سوتا بوده است. در زمان حضور در کمپ آماندا هدایت‌گر فعالیت‌های آموزش پیرامون اندیشیدن انتقادی، بحث و گفتگو و ارتباط بین‌الملل و جهانی است. در طول بقیه سال مشغول تنظیم برنامه و ترویج کمپ کوئیست است که در دفتر وی در ستاد کمپ کوئیست در نهاد مطالعات انسان‌گرا انجام می‌شود. آماندا دارای مدرک کارشناسی علوم انسانی از دانشگاه براون در روابط جهانی و روانشناسی و کارشناسی ارشد در علوم سیاسی از دانشگاه استانی اوهایو است. مقاله‌های وی به عنوان نویسنده همکار پیرامون کمپ کوئیست در تربیت فارغ از اصول دین آمده است.

خانم جن دور دارای مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد از دانشگاه میشیگان است. او برای سیزده سال آموزگار مدرسه راهنمایی بوده و سپس هفده سالی به عنوان مدیر آموزش مذهبی در گردهمایی‌های مذهب جهان‌گرای

10. Sweet Reason

پیشگفتار

توحیدگرا در کنکورد، ماساچوست و میناپولیس در مینه‌سوتا^{۱۱} فعالیت داشته و اکنون نیز در استخدام نخستین جامعه جهان‌گرای است. خانم جن دارای مدرک هم‌تراز کارشناسی ارشد در آموزش مذهبی از انجمن جهان‌گرای توحیدگرا بوده و همکار آموزشی کلاس در کارشناسی ارشد در دانشکده متحده حوزه علمیه الهیات در نظریه آموزش دینی، فلسفه و فعالیت عملی است. جن و شوهرش دوتا بچه‌ی آزاداندیش جهان‌گرای توحیدگرا بزرگ کرده‌اند.

دیل مک‌گاون در سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی) یک دوره پانزده‌ساله استاد دانشگاهی را رها کرد تا به نویسندگی تمام‌وقت پردازد. افزون بر ویرایش و نویسندگی همکار در تربیت فارغ از اصول دین او بلاگ تربیتی سکولار، معنای زندگی را دارد و در سمینارهای آموزش تربیت غیردینی در گوشه و کنار امریکا فعالیت می‌کند. او دارای مدرک در انسان‌شناسی فیزیکی و نظریه موسیقی از دانشگاه کالیفرنیا، برکلی و هم چنین درجه دکتری در آهنگسازی از دانشگاه مینه‌سوتا است. دیل با همسرش به کا و سه کودکشان نزدیک جورجیا در آتلانتا زندگی می‌کند.

اگرچه هر یک از ما مواد و داده‌هایی را برای سراسر کتاب فراهم کرده‌ایم ولی در درجه نخست مسئولیت دو بخش بر دوش هر یک از ماست که در فهرست اشاره شده است. اشاره به اول شخص در هر بخشی می‌تواند به طور کلی اشاره به نویسنده همان بخش داشته باشد. ولی بدون هیچ شکی به عنوان ویرایشگر کل کتاب همه‌ی اشتباهات می‌تواند به من نسبت داده شود.

سخنان خود را در دل نگه ندارید!

چنان هنگامه‌ی شگفت‌انگیزی است پدر یا مادر بی‌دین بودن. ما دارای منابع بیشتر هم هستیم داشتن حس قابل لمس عضویت در انجمن و راه‌های بهتری برای سهم شدن در افکار دیگران

11. Concord, MA, and Minneapolis, MN

پیشگفتار

حتا بیش از پیش. سری به (www.ParentingBeyondBelief.com) بزنید و به تالار گفتگوی تربیت فارغ از اصول مذهبی پیوندید و پیکارهای تربیتی مرا پیرامون معنای زندگی دنبال کرده و با آخرین خبرهای در جهان تربیت بدون دین همگام شوید. امیدواریم هم‌زمان با ادامه‌ی پیشروی ما در این حوزه هر کسی برای کشف، نوآوری و شکل دادن به پشته انباشته شده آگاهی ما از بهترین شیوه برای پرورش کودکان خلاق، اخلاقی، کنجکاو و شاد بدون دین، نظرات خود را ارائه نماید.

دیل مک‌گاون

dale@ParentingBeyondBelief.com

یادداشت‌ها

- ۱- بر طبق آمارگیری هویت دینی آمریکاییان (ARIS) در سال ۱۳۸۰ (۲۰۰۱ میلادی) توسط دانشگاه شهر نیویورک. تخمین‌های کنونی این عدد را میان ۱۶ تا ۱۸ درصد اعلام می‌کند.
- ۲- شامل پژوهش‌های Nucci, et al., quoted in Pearson, Beth, “The art of creating ethics man,” The Herald (Scotland), January 23, 2006. See Chapter 2
- ۳- “Is Corporal Punishment an Effective Means of Discipline?” American Psychological Association, www.apa.org/releases/spanking.html. See also Chapter 9. Accessed May 4, 2008
- ۴- “Abstinence Education Faces an Uncertain Future,” New York Times, July 18, 2007; Bearman, Peter, and Hannah Brückner: “Promising the Future: Virginity Pledges and First Intercourse.” American Journal of Sociology, 106, (4) (January 2001), 859–912. هم چنین بنگرید به بخش ۴.
- ۵- بنگرید به بخش ۷.

پیشگفتار

-۶ Valliant, George E. The Natural History of Alcoholism
هم چنین (Cambridge, MA: Harvard University Press, 1983).

بنگرید به بخش ۴.



سپاسگزاری‌ها

مالین ماتسو مارا

غیر از مادر بودن، نوشتن «دلیل دلچسب» ستون مشورتی بهترین شیوه آماده شدن برای همکاری در نوشتن این کتاب بود. بنابراین ژرف‌ترین سپاس‌های خود را به Matt Cherry برای دعوت من به نوشتن آن تقدیم می‌کنم؛ گاهی دوستان بهتر از خودمان، ما را می‌شناسند. Elaine Friedman and Ruth Geller ویرایشگران اندیشمند و دوست بودند هم چنین Duncan Crary که زحمتهای فراوانی کشید.

Jone Johnson-Lewis, Don Montagna, and Lois Kellerman
برای دادن مجوز استفاده از «Steps to Seeking Forgiveness»؛ Jone and Lois
برای فراهم ساختن پشتیبانی و هم چنین نظرهای آموزنده. Kate Lovelady که مجوز
استفاده از «ارزش‌های بنیادی» جامعه اخلاقی سنت لوئیس را گرفت. Arthur Dobrin
سخاوتمندانه مجوز نقل‌قول‌هایی بزرگی را از کتاب خودش اعطا نمود. Chris
Lindstrom, Susan Rose, Bobbie Kirkhart, Cleo Kocol, John “The”
King و افراد بسیار دیگری که یار و یاور بودند. Tim Madigan که پژوهش تچان را به
من شناساند و در طول سال‌ها پیوسته مشوق من بوده است.

سپاسگزاری‌ها

از Elly Matsumura, Maja Marjanovic, Janelle Ishid`a, Adi Wise, Robyn Gregg, and Caitlin Nye سپاسگزارم - از روی تجربه می‌توانم بگویم که بچه‌های ما بهترین آموزگاران ما هستند. تا یک نویسنده هم از بیان این که Ken Matsumura تا چه اندازه یاور و الهام‌بخش بوده عاجز است.

جن دور

بدین وسیله می‌خواهم از مذهب جهان‌گرایی توحیدگرا سپاسگزاری کنم که موقعیتی را برای پرسشگرانی که درباره دین پرسش دارند فراهم آورده و پاسخ‌هایی برای بلعیدن همه ارائه نمی‌کند. آن‌ها موقعیتی را فراهم کرده که پذیرش و احترام به عنوان راهنمایی برای زندگان در جهان متنوع ما آموزش داده می‌شود. آنجا برای من ندانم‌گرا مانند بهشت است جایگاهی برای پرورش و تربیت خانواده‌ام در اجتماع و یافتن دوستانی برای یاری در سفری که ما آن را زندگانی می‌نامیم.

از سرکار خانم دکتر و روحانی Kendyl Gibbons برای الهام بخشی و دوستی‌اش با بچه‌هایم که باعث وسعت نظر من شده و شوهرم که این جهان را معنادار، عاشقانه و پر از خوشی ساخته، سپاسگزارم.

آماندا متسکاز

از دیل مک‌گاون سپاسگزارم که مرا به این پروژه جالب دعوت نمود. شوخ‌طبعی و فرزاندگی وی کار بر روی این کتاب را لذت‌بخش ساخت.

از همه‌ی پدر و مادران، داوطلبان و برپاکنندگان کمپ کوئیس‌ت سپاسگزارم. من بیشتر سهم خودم را در اینجا مدیون کار کردن و یادگرفتن از یکایک شما هستم.

از شوهرم، August E. Brunsmann IV سپاسگزارم. زمان درازی من یک انسان‌گرا بودم ولی پیش از ملاقات از کتاب انجیل یا یافتن انجمنی آگاه نبودم. برای

سپاسگزاری‌ها

راهنمایی در هنگام سردرگمی و برای پشتیبانی از من، به خاطر بینش و تشویقی که در این مسیر از من کردی، سپاسگزارم.

در پایان و مهم‌تر از همه از والدینم سپاسگزارم که علیرغم پیامدها مرا یک آزاداندیش بار آوردند. اراده شما برای بحث و گفتگو به جای طلب ساده، حوصله‌ای را می‌طلبید که مطمئن هستم من تازه در آغاز درک آن قرار گرفته‌ام.

دیل مگاون

نخست و پیش از هر چیز دیگر از صدها پدر و مادر بی دینی در گوشه و کنار جهان سپاسگزارم که می‌پرسند و پاسخ‌هایی را پیشنهاد داده که این کتاب از میان آن سر برآورده است. سپاس ویژه‌ای به هر بازدیدکننده از تالار گفتگوی تربیت فارغ از اصول مذهبی، خوانندگان یادداشت‌های بلاگ معنای زندگی و مشارکت‌کنندگان در تور سمینار تربیت فارغ از اصول مذهبی. این برای شماست.

از کارگزار خودم Uwe Stender سپاسگزارم هم چنین از Christina Parisi و Kama Timbrell در AMACOM که همیشه رفتارهای ناجور مرا تحمل کردند.

از Molleen, Jan, and Amanda برای گذشت عالی و عاقلانه از صمیم دل سپاسگزارم. راه را برای هر گونه همکاری در آینده هموار ساختید. از Louise Mead در National Center for Science Education نیز سپاسگزارم؛ از Matt Cherry در Institute for Humanist Studies؛ و از Nica Lalli, Susan و Chris Lindstrom و Wurzer در Camp Quest West.

ژرف‌ترین سپاس‌های من تقدیم پدر و مادرم David و Carol برای پرورش آزاداندیشان که همان کار را برای من نیز ساده و هموار ساخت. سرانجام Becca, Erin و Connor و Delaney را صمیمانه در آغوش می‌فشارم. از بهره‌های همسر و پدر شما بودن هر چه بگویم کم گفته‌ام. از بزرگ به کوچک.

سپاسگزاری‌ها

انتخاب نقل و قول‌ها و آمارهای منتخب در سراسر این کتاب هم چنین پیشگفتار کمابیش به طور کامل توسط من انجام گرفته است. هر گونه نقص داوری یا اشتباهی در این موارد باید به پای من گذاشته شود. هم چنین باید گفته شود که هر شخصی که ما چهار تن را در پدید آوردن این کتاب یاری رسانده هیچ مسئولیت پیرامون اشتباهات آن ندارد چون همه به اطلاع سرپرست تیم رسیده است.

ذهن پرسشگر

دیل مک گاون

چگونه یک گاو قرمز شیر سفید مردهد؟
چرا خورشید نم‌افتد؟
چرا این همه رودخانه‌ها به دریا مریزد ولی پرسش نم‌کند؟

این پرسش‌ها که بعید نیست این روزها از هر کودکی شنیده شود، برگرفته از ریگ ودا^۱ یک متن کهن هندوی ۳۰۰۰ ساله است - و بدون شک شگفتی و پرسشگری از این هم دیرین و کهن‌تر است. انسان اندیشمند اولیه (هومو ساپینس^۲) که از ظرفیت جمجمه‌ای همانند عمه‌ی من بهره‌مند بوده (۱) نزدیک به ۱۲۵،۰۰۰ سال پیش چنین پرسش‌های می‌پرسیده است. از سوی دیگر هنگامی که زبان گفتاری به اندازه کافی برای سهیم کردن دیگران در این اندیشه‌ها پیشرفت نمود والدین یا دیگر اطرافیان کودک ناچار به صورتی باید به جریان بی پایان پرسش‌ها، پاسخ می‌دادند.

1. Rig Veda

2. Homo sapiens

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

این سرشت انسان‌هاست که شگفت‌زده شده و پیرسند و سرانجام این شگفتی و پرسش مایه به وجود آمدن دین و دانش گشت، دو راه متفاوت برای پاسخ به چالشی یکسان: یک پیشرفت طولانی مدت نئوکورتکس^۱ تشنه‌ی دانستن.

هنگام آماده شدن برای نوشتن این کتاب من ادبیات مربوط به شیوه‌های تربیت کنونی را از دیدگاه‌های گوناگونی بررسی کردم که شامل کتاب‌های تربیتی مذهبی هم می‌شد. برخی از آن‌ها بسیاری خوب بودند مانند کار بنیه دار دکتر ویلیام سیرس^۲ درباره تربیت مسیحی. برخی برای خودش معجونی بود مانند جمیز دابسون^۳ که در خدمت چندین نهاد مشاوره والدین بود (در کمال تعجب من) دارای اشتیاق شدیدی برای تنبیه بدنی، کلیشه‌های جنسیت و هم‌جنس‌خواه‌ها را هم نیز بود.

ولی اگر با میزان فروش کتاب و شهرت عمومی سنجیده شود یک نویسنده مسائل تربیتی بیش از هر نویسنده دیگری درباره پرسشگری و زندگی ذهنی مطلب برای گفتن دارد: نویسنده و روحانی تلویزیونی خانم جوئیس مایر^۴. مایر نویسنده‌ی کتابی به نام آورده‌گاه ذهن: پیروزی در نبرد ذهن^۵ است که بیش از یک میلیون نسخه آن به فروش رفته است و این بند می‌تواند به عنوان خلاصه‌ی آن دیده شود:

زمانی من از خدا خواستم چرا بسیاری از مردم سردرگم هستند و به من الهام شد «به آن‌ها بگو برای سر درآوردن از هر چیزی زور نزنند و دیگر سردرگم و گیج نخواهند بود.» و من دریافتم که این سخن به طور کامل درست است. خردورزی و آشفته‌گی

-
1. Neocortex
 2. Dr. William Sears
 3. James Dobson
 4. Joyce Meyer
 5. Battlefield of the Mind: Winning the Battle in Your Mind

بخش نخست: ذهن پرسشگر

و سردرگمی دست در دست هم

گام برمی دارند.

» هنگامی که جامعه‌شناسان دانشگاه نگزاس

جان بارتکواسکی^۱ و کریستوفر الیسون^۲ ده‌ها کتاب تربیت سکولار و آیین نامه‌های تربیتی پروتستان‌های محافظه‌کار را با هم مقایسه کرده دریافتند که تفسیری خشک از صلاح‌دیده‌های پرورش کودک برگرفته از کتاب‌های مقدس به طور مستقیم به صورت سرسپردگی به مرجع در همه جنبه‌های زندگی انسانی اثر می‌گذارد این اثرگذاری شامل سیاست نیز می‌شود... هم چنین پی بردند که رهبران روحانی تعلیم و تربیت بشارتی محافظه‌کار کمابیش به طور کامل در هر موردی با همتایان جریان اصلی مخالف هستند. بر طبق بررسی‌های این دو جامعه‌شناس مشاوران تربیت سکولار مبتنی بر دانش بر سازگاری شخصیت، همدردی، همکاری، خلاقیت، کنجکاوی، مساوات‌طلبی در روابط میان والدین، نظم بدون خشونت و خودفرمانی تأکید دارند. از سوی دیگر پروتستان‌های محافظه‌کار بر یک ساختار سفت و محکم سلسله‌مراتب خانوادگی و تقسیم جنسیتی نیروی کار تأکید کرده با تأکید بر پدری با پشتیبان مالی در رأس هرم و کودکان در پایین‌ترین رده‌ی سلسله‌مراتب.

در سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی) کتابی به نام *آوردگاه ذهن برای نوجوانان منتشر ساخت که بندهایی مانند بند زیر در آن وجود داشت:*

من به طور کامل گیج شده بودم، از هیچ چیزی سردر نمی‌آوردم و نمی‌دانستم چرا. یک موردی که سردرگمی مرا بسیار بدتر می‌کرد خردورزی و استدلال بیش از اندازه بود.

این آیات بارها و بارها در نصیحت‌های وی تکرار می‌شود در میلیون‌ها کتاب و در امپراتوری سخن‌پراکنی وی: *هیچ‌گاه به فکر، فکر کردن هم نپفند. در دسرسازترین مورد ممکن این است که کودکان را طوری راهنمایی کنید که از فکر خود بهراند - درست در سنی که باید بجنگند و پرسند تا اینکه یک آدم بالغ مستقل بشوند.*

1. John P. Bartkowski

2. Christopher G. Ellison

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

مداوم از خود پرسید (WWJT^۱) - جر می آدام اسمیت^۵، ویراستار
[خدا ممکن است به چه بیندیشد؟]
باید خاطرنشان شود اگر او درباره
چیزی فکر نمی کند، شما هم نباید در
آن باره بیندیشید... با مراقبت پیوسته
از اندیشه های خود می توان خاطر جمع
شد که هیچ اندیشه ی زیان آور
دشمنانه ای به ذهن نمی خزد. (نقل
قول از کتاب آوردگاه ذهن برای
نوجوانان^۲)

ترس وادار به باور کردن می نماید-
شجاعت و دلآوری به شک. ترسو به سجده افتاده
و نماز می خواند- دلآور سینه را سپر کرده و
می اندیشد. ترس نشانه وحشی گری است -
شجاعت نشانه ی تمدن. ترس جادوگری را باور
می کند به شیطان و روح باور دارد. ترس یعنی دین،
شجاعت یعنی دانش. «

- رابرت اینگرسل

سخنور سده نوزدهم آمریکایی

بسیاری از والدین مذهبی پیشرو از رویکرد «اندیشه ترس^۷» می پر خشمگین هستند. ولی حتا کسانی از
ما انسان ها که غیر آگاهانه این جور اندیشیدن را به کار می گیرند بایستی مستقیم با آن روبرو شوند -
زیرا مانند خون در رگ های فرهنگ ماست. بسیاری از ما در خانه هایی پرورش یافته ایم که تا حدودی
مذهبی بوده و بسیار از ما هنوز هم ته مانده های این ایدئولوژی هراس انگیز را در تربیت خود اعمال
می کنیم. خواه دین دار باشیم خواه بی دین نگاه ما به پرسشگری و رشد اخلاقی بیش از اندازه حاوی
برخی از لایه های نهفته دلواپسی و عدم اطمینان است، احساس سر بسته و آشکار نشده ای که

-
1. What Would Jesus Think?
 2. Battlefield of the Mind for Teens
 5. Jeremy Adam Smith
 6. Greater Good magazine
 7. fearthought

بخش نخست: ذهن پرسشگر

وظیفه نخست ما به عنوان پدر یا مادر جلوگیری از اندیشه‌های پوچ گمراه‌کننده‌ای که درست در پشت سیمای کودکان ما کمین کرده‌اند.

در این بخش من یعنی دیل امیدوارم که روشن کنم که این دیدگاه ترسناک پیرامون سرشت انسان‌ها با اطلاعات درجه یک ما تأیید نمی‌شود. ما بر لحظه‌ی برخاستن پرسش تمرکز می‌کنیم لحظه‌ای که بنیاد تربیت آزاداندیشی بوده و تشویق رویکردی که هیچ پرسش و هیچ اندیشه‌ای را بیرون از دایره دست یازیدن نمی‌شمارد.

من خواستار این اندیشه‌ام که پرسیدن می‌تواند بد و ترسناک باشد زیرا پاسخ‌هایی که به آن داده شود شاید کودکان مرا سردرگم سازد. من می‌خواهم تا ناجوری مسخره این اندیشه فهمیده شود که می‌گوید سرنخ‌های مشخصی از اندیشه نمی‌تواند پیگیری شود چه برسد به فهمیدن. این موضوع به مقدار مشخصی از نظم و انضباط والدین نیز نیازمند است. برای نمونه به این توانایی نیاز دارد که اگر بچه‌ای پنج ساله پرسید آیا میمون‌ها هم رحم دارند، نزنید به سیم آخر یا زمانی که می‌پرسد چرا افراد سیاه‌پوست لب‌های بزرگی دارند یا وقتی مرد چه کسی، پتویش را در قبر برایش می‌آورد - بدی آن این است که همه این پرسش‌ها در هنگام ناهار یا شام خوردن پرسیدن می‌شود. این شیوه نیاز به این باور استوار دارد که هیچ سنگی نیست که نتوان زیر آن را دید هر چند شاید چیزی زیر آن باشد. از همه‌ی این‌ها گذشته البته هیچ‌گاه بعید نیست که زیر سنگ چیزی باشد.

خوب اجازه بدهید با سخنی درباره شگفتی و کنجکاوی که انگیزه‌ی پرسیدن را به پیش می‌راند آغاز کنیم سپس در هنر و دانش شیرجه زده و از پرسیدن لذت ببریم.

پرسش و پاسخ

پرسش: من به یاد دارم که دوران کودکی‌ام، دورانی پر از شگفتی بود، ولی اکنون گاهی نگرانم که نکند کودکان من این حالت را نداشته باشند. چگونه می‌توانم احساس شگفتی را در کودکانم القا کنم؟

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

پاسخ: در حالتی آرمانی و ایدئال این چیزی نیست که از بیرون القا بشود. تنها کاری که والدین می‌توانند بکنند به سادگی، آسان ساختن شگفتی‌های طبیعت با کنار زدن موانع سر راه آن است. تمایل و گرایش به سوی شگفتی از پیش در وجود کودکان هست. ولی مانند بسیاری از پنجره‌های دیگر توسعه که در دوره‌ی کودکی به طور کامل باز است - مانند، زبان، توانایی‌های موسیقایی و غیره - حس شگفتی در گذر زمان کاهش یافته تا جایی که ما دیگر به جای دیدن شگفتی‌های چیزهایی مانند تار عنکبوت، تلفن و بدن خودمان آن‌ها را مانند اشیا و موضوعاتی پیش پا افتاده و عادی می‌بینیم.

رشد و نگاه داشتن یک حس شگفتی نیاز به زمان، موقعیت و تمرین دارد. این‌ها چند تا پیشنهاد است:

۱- اجازه داشتن وقت بدون برنامه و آزاد. بسیاری از مردم امروزه قربانی

ساختارهای همه جانبه هستند. شگفتی، خلاقیت، استقلال و شمار دیگری از ویژگی‌های مثبت مرتب نیاز به فرصت‌هایی به طور کامل بدون برنامه دارد. یعنی وقتی بدون هیچ دستوری، هیچ صفحه‌ی نمایشی (به استثنای شاید سیمای خورشید) و هیچ سناریویی.

اگر شما دیر به فکر افتاده‌اید و کودکان شما به برنامه‌های ثابت خو گرفته و عادت کرده‌اند، نبود مجموعه‌ای از فرمان‌های در آغاز به یک اعتراض خانوادگی و بی‌درنگ می‌انجامد: «حوصله‌ام سر رفته!» آن‌ها را جلوی تلویزیون نبرید یا به سوی بازی‌های گروهی دیگر هدایت نکنید بلکه آن‌ها را از ساختمان بیرون ببرید. بسته به سن کودکان می‌توانید یک بسته گچ مخصوص نوشتن روی آسفالت یا سیمان، یک جعبه ماسه، یک بسته چوب، یک ذره‌بین، میکروسکوپ، تلسکوپ، آکواریوم به آن‌ها داده یا به آسمان اشاره کنید یا آن‌ها به کنار آبگیرهای سنگی ساحلی ببرید - همه این کارها دعوتی برای کودکان برای درگیر شدن با خلاقیت، اندیشیدن و شگفتی خودشان است.

یکی از بهترین فرصت‌ها برای کنجکاوی بدون برنامه مسافرت خانوادگی با خودرو است. به خاطر شگفت‌زده شدن و کنجکاو شدن، **دی‌وی‌دی پلیر** را روشن **نکنید!** یکی از فیلسوفانی که می‌شناسم خیره شدن به بیرون در هنگام مسافرت طولانی با خودرو را به عنوان نخستین محرک برای کنجکاوی فلسفی خودش تأکید کرده است.

۲- فعالیت‌های خانوادگی تلقین کننده شگفتی و کنجکاوی را

برگزینید. فرصت طلایی رفتن به باغ وحش، آکواریوم، موزه دانش، افلاک‌نما یا حتا به سادگی قدم زدن در جنگل می‌تواند فرصتی بی‌همتا برای بررسی و سبک و سنگین کردن موضوعاتی را پدید آورد که هر روز به دست نمی‌آید. این مکان‌ها، جاهایی است که کودکان یاد می‌گیرند جهان را به طور کامل متفاوت ببینند.

۳- چیزهای آشنا را نا آشنا و غریبه جلوه دهید.

کودکان را یاری دهید تا خویش را از شر بی‌حس کننده‌های آشنا، با تغییر یک یا بیشتر نقاط ارجاعی در فضا و زمان آزاد سازند. با میکروسکوپ به چیزهای آشنای پیش پا افتاده روزمره خیره شوید، تبدیل نمک به سنگ و چکیدن یک قطره آب در یک آکواریوم با موجود زنده را تماشا کنید. با گوگل ارت یا از روی سقف خانه با یک تلسکوپ یا با دوربین دوچشمی به فضا خیره شوید. عبارت‌های «حرکت کند» و «مرور زمان» را در یوتیوب جستجو کرده تا ببینید چگونه تغییر شتاب زمان فرایندهای طبیعت شگرفی را در پیرامون ما آشکار می‌سازد.

۴- هر روز به یک شگفتی

اشاره کنید. ناچار نیستید برای اینکه شگفتی‌ها را تجربه کنید به کنار گراندکانیون^۶ رفته یا چتربازی کنید. ناچار نیستید

» من می‌توانم با شک و عدم قطعیت و ندانستن زندگی کنم. من گمان کنم که زیستن بدون دانستن بسیار جالب‌تر است تا همه جواب‌ها را بدانم چون شاید نادرست و اشتباه باشد. به طور تقریبی من

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

برخی از پاسخ‌ها را می‌دانم و دارای اعتقادات پذیرفتنی و درجات ناهمگنی از قطعیت درباره چیزهای مختلف هستم، ولی به هیچ رو یقین کاملی نداشته و چیزهای بسیاری است که اصلاً چیزی درباره آن‌ها نمی‌دانم مانند چرا انسان‌ها وجود دارند، از هر جنبه‌ای که آن را تصور کنیم. من ناچار نیستم پاسخ آن را بدانم. من از ندانستن احساس ترس نمی‌کنم، از بودن در جهانی بسیار بزرگ پر راز و رمز بدون داشتن هدفی احساس ترس ندارم و این حداکثر چیزی است که می‌توانم

بگویم. این مرا نمی‌ترساند.»

- ریچارد فینمن
برنده نوبل فیزیک

تا میکروسکوپی بردارید یا یک دوربین دور- کند. هر چه بیشتر نگاه کرده و یاد بگیرید خواهید دید که چیزهای پیش پا افتاده بیش از پیش به طور شگفت‌انگیزی عجیب می‌شود. یک مرغ مگس را هنگام خوردن خوراک ببینید. برای دیدن بارش شهابی تا دیرهنگام بیدار بمانید. یک گیاه حشره‌خوار تهیه کنید. مجله‌هایی مانند نشنال جغرافیا کودکان^۷ و برنامه‌هایی مانند نورا^۸ و برنامه‌های کانال دیسکاوری^۹

می‌تواند پرده‌ها را از جهان طبیعی کنار بزند. برای افزودن اطلاعاتی که موجب شگفتی می‌شود فرصت را غنیمت شمارید تا هر لحظه از هر روز را. یک غروب زیبا به عنوان یک «چرخش زیبای زمین» بنامید یا به کودکان پیش از بیرون رفتن بگویید تا عینک آفتابی زده چون درخشش ستارگان می‌تواند تکان‌دهنده باشد. در هنگام نگرستن به آسمان شب گوشزد کنید که برای رسیدن نور از ماه به چشم ما یک ثانیه از خورشید هشت دقیقه و از نزدیک‌ترین ستاره بیش از ۴ سال زمان می‌برد. جانور خانگی ما یک سگ است و خانواده من برای تأکید بر اصل

7. National Geographic Kids

8. Nova

9. Discovery Channel

بخش نخست: ذهن پرسشگر

خودمان گاهی این سگ را «گرگ» خوانده و اصل خودمان یعنی میمون را هم فراموش نمی‌کنند. همگی این روش‌ها راه‌هایی برای دگرگون ساختن روزمره‌ای است.

زمانی که کودک مزه‌ی کنجکاوی را چشید تازه نابودی روزمره‌ای رقم‌زده می‌شود، یک ذره هم تحریک آن‌ها نیازی نیست - خود بچه‌ها راهکار را ارائه می‌دهند. ولی والدین برای چرخاندن این چرخ باید سه چیز را به آن‌ها بدهند که بچه‌ها به آن نیاز دارند - زمان، فرصت و تمرین.

پرسش: چگونه می‌توانم کنجکاوی سیری‌ناپذیر را در کودکانم زنده کنم؟

پاسخ: به کنجکاوی ماندنی پیوندی میان شگفتی و درک نگاه کنید. شگفتی لحظه‌ای است که «دهان انسان از تعجب باز مانده و صدایی مانند اووه» شنیده می‌شود: «اووه ستاره‌ها را بین!» «وای آفتاب‌پرست بین چطور رنگش را عوض کرد!» کنجکاوی گام بعدی است - خواهش و تمنای فهمیدن: «چطوری ستارگان می‌سوزند و تمام نمی‌شوند؟» «چند تا ستاره داریم؟» «چطور آفتاب‌پرست رنگش را تغییر داد؟»

«هیچ شکی ندارم که در واقعیت آینده بسیار شگفت‌آورتر از هر چیزی است که می‌توانم تصور کنم. اکنون ظن من این است که گیتی نه تنها پرسش‌برانگیز است بلکه بیش از آن پرسش‌برانگیز که بتوانیم تصور کنیم.»

- جان برتون ساندرسون هالدین
از مجموعه مقالات جهان‌های احتمالی
(۱۳۰۶ خورشیدی - ۱۹۲۷ میلادی)

اگر کنجکاوی آن چیزی است که در پی آن هستید آماج اصلی شما هنگام پاسخ یک پرسش نباید دادن پاسخ باشد. در برخی موارد پاسخ بی‌درنگ می‌تواند حتما مایه خاموشی کنجکاوی شود. خواست شما این است که پرسش‌های همیشه ادامه داشته باشد روزها از پی هم، سال‌ها از پی هم. برای رسیدن به این هدف نخستین و مهم‌ترین کار دادن این

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

احساس به کودک است که پرسش به خودی خود جالب و دارای پاداش است. کمی آب و تاب به آن بدهید - «عجب پرسش و سؤال عالی!» - این سخن برای کودک روشن می‌کند که شما عمل پرسیدن را کاری ماهرانه و عالی می‌دانید.

اگر پاسخ را نمی‌دانید، آن را فرصت بسیار خوبی برای گفتن نمی‌دانم بدانید! با این اعلام شما می‌توانید برای یافتن پاسخ به کودک ملحق شوید و در هر گام از این جستجو برای کنجکاوی او نمونه و الگوسازی کنید. به دختر کوچولو بگویید که شما هم دوست دارید خودتان پاسخ را بدانید. از او پرسید که آیا حدسی در این باره نمی‌زند و آیا می‌تواند پیش از آنکه شما در پی پاسخ بروید چیزی بگوید.

بهرتر از همه این است که شما نیز کنجکاوی خود را نمونه‌سازی کنید: «نمی‌دانم ماهی می‌خواهد یا نه.» «نمی‌دانم شتاب نور بیشتر است یا صوت.» «می‌خواهم بدانم جهان از بیرون چه شکلی به نظر می‌رسد.» مهم نیست، خواه شما پاسخ را بدانید یا مهم نیست حتی اگر پاسخی برای آن وجود نداشته باشد. تنها بگذارید کودکان کنجکاوی شما را بفهمند بدون شک آن‌ها این خط را دنبال خواهند کرد. (بنگرید به کتاب کار این بخش برای بررسی برخی از تقویت‌کننده‌های ویژه کنجکاوی.)

پرسش: می‌خواهم فرزندم را تشویق به داشتن اندیشه‌ای انتقادی کنم نه اینکه بدبین باشند. مرز میان شک‌گرایی سالم و بدبینی مرضی کجاست؟

پاسخ: بیشتر زمان‌ها حتی می‌شنویم که شک‌گرایی سالم نیز متهم می‌شود که چیزی بیش از «چرندیات تازه به دوران رسیدگان منفی باف» نیست همان‌گونه که اسپرو اگنوا¹ آن را بیان کرده، کودکان باید یاد بگیرند که

«ممارست من به عنوان یک دانشمند، بیخدایی است. به عبارت دیگر زمانی که من آماده برای انجام آزمایشی می‌شوم فرض می‌کنم که خدا، فرشته و شیطان نیست که در مسیر این کار دخالت کند؛ و این فرض با موفقیت‌هایی تأیید گشته که من در زندگی حرفه‌ایم به دست آورده‌ام. بنابراین از لحاظ منطقی و عقلانی اگر در امور این جهان نیز بیخدا نباشم، باید شیاد باشم.»

1. Spiro Agnew

بخش نخست: ذهن پرسشگر

بیشتر مواقع به این مورد متهم خواهند شد به ویژه از سوی کسانی که آموزه‌های مورد علاقه‌ی آنان زیر ذره‌بین و تیزبینی دست و پا می‌زند.

- جان برتون ساندرسون هالدین
واقعیت و ایمان (۱۳۱۳ خورشیدی - ۱۹۳۴ میلادی)

شک‌گرایی - درخواست ساده برای منطق یا مدرک پیش از پذیرش یک مطلب - خوبی و فضیلتی، برای ارزشمند و گرامی شمردن به وسیله‌ی کودکان ما می‌باشد. ولی بدبینی و بدگمانی (۳) چیزی به طور کامل متفاوت است. دیدگاه بدگمان فرض‌های منفی را درست و عادی می‌بیند نه هم چون نتیجه به دست آمده از شواهد، بنابراین بدگمانی همانند باورمند خوش‌بین غیر انتقادی عمل می‌کند. یکی بدون اندیشیدن می‌پذیرد؛ دیگری بدون اندیشیدن رد می‌کند. هر دو این حالت‌های سدی بر سر راه اندیشه انتقادی است و باید از هر دو حالت به طور جدی پرهیز کرد. کلید پرهیز از بدگمانی آموختن ارزش اندیشیدن و تفکر انتقادی از سنین بسیار پایین است. اگر شما بتوانید یک الگو بدگمانی ناعاقلانه را ببینید این ارزش می‌تواند به کار گرفته شده تا توسعه کندوکاو در کودکان را در مسیر درست به جریان اندازد.

هرگاه شنیدید که ایده و اندیشه‌ای با اطمینان بسیار و لحن پر سوءظنی رد می‌شود، سرسختانه از آن دفاع کرده، بهترین استدلال طرف مقابل را پیکربندی کنید یا از کودکانتان بخواهید چنین کاری را انجام دهند. اگر کسی خویش را برای شنیدن بهترین استدلال طرف مقابل به رنج و زحمت نیندازد به آسانی می‌تواند با اطمینان خانه‌ای پوشالی یا بسیار سست بسازد. (ما همگی یک وقتی در یکی از این دو طرف بوده‌ایم، مگر این طور نیست؟) جستجو و کنکاش پیرامون

«روند پذیرش [یک ایده و اندیشه نو] به طور معمول دارای چهار گام است:

(۱) این چرندیاتی بی‌ارزش است؛ (۲) این سخن جالبی است ولی گمراه‌کننده است، یک‌جور دیدگاه است؛ (۳) درست است ولی به طور کامل بدون هیچ اهمیتی؛ (۴) من همیشه همین سخن را گفته‌ام.»

- جان برتون ساندرسون هالدین
در مجله‌ی ژنتیک (۱۳۴۲ خورشیدی - ۱۹۶۳ میلادی)

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

خردمندانه‌ترین نظرگاه و دیدگاه طرف مقابل یکی از «بهترین تمرین‌ها» برای به دست آوردن اندیشه و تفکر انتقادی است.

اوه بله درست است نباید نگاه‌های دزدانه روزگار بچگی به آینه را فراموش کنیم. اگر نام شما به دلیل حالت عادی سوءظن و بدگمانی بد در رفته پس نباید تعجب کنید که کودکان همان روش را به بوته آزمایش بگذارند.

پرسش: دوست دارم کودکانم پژوهشگرانی بدون ترس بوده بخواهند که فرض‌ها را باطل کرده و آرمان‌ها و باورها را در مسیر جستجوی خویش برای رسیدن به حقیقت به چالش بکشند. دو تا موضوع در اینجا وجود دارد که انگار در تضاد با هم قرار دارد. چگونه کمک کنم تا کودکانم یاد بگیرند که میان جستجوی حقیقت و ضرورت احترام به دیگران تعادل برقرار کنند؟

پاسخ: مسئله احترام چیز دیگریست که مستقیم در میان قلب اندیشیدن انتقادی قرار گرفته. به ویژه زمانی که موضوع مربوط به دین باشد. کلید آن تشخیص میان چند دسته متفاوت از محترم شمردن می‌باشد. احترام برای افراد و احترام به اعتقادات آن‌ها به طور کامل متفاوت است و بایستی جدا دیده شود.

انسان‌ها به طور ذاتی و سرشتی به عنوان موجود انسانی سزاوار احترام هستند و هیچ کسی را نمی‌توان برای بیرون انداختن شخصی دیگری به خاطر بی‌احترامی به اشخاص سرزنش نمود. عقاید فردی موضوع دیگری است. من برای احترام بیش از آن احساس احترام می‌کنم که بخواهم آن را به طور خودکار به هر اندیشه‌ای اعطا کنم.

حتا اگر من با دیدگاهی موافق هم نباشم اگر بر پایه موردی معنادار مانند استدلال عقلی یا مشاهدات قابل تکرار دقیق باشد، جای احترام دارد. شاید این شخص اطلاعات را جور دیگری تفسیر کند ولی شیوه‌ای که او در این باره پیش گرفته باز هم برای من جای احترام دارد. فرض کنید شخصی می‌گوید الویس و جان اف کندی^۲ در فارگو^۳ در رخت شورخانه‌ای کار می‌کنند

2. Elvis and JFK بازیگران یک فیلم کمدی ترسناک آمریکایی

3. Fargo

بخش نخست: ذهن پرسشگر

و به عنوان مدرک خوابی را که دیده یا برگ چایی یا کف بینی را شاهد می آورد. این ادعا می تواند سبب بی معنا ساختن کلمه‌ی «احترام» در جمله‌ی من به این نظر احترام می گذارم، بشود. نه با

آن موافق هستم و نه احترامی برای آن قائل

»از بلوغ به این سو من به ارزش دو چیز باور دارم: مهربانی و شفاف اندیشیدن. در نگاه نخست اینها تا حدودی متفاوت به نگر می رسند؛ زمانی که حس پیروزی و موفقیت داشتم اعتقاد بیشتری به اندیشیدن واضح داشته و در حالت متضاد بیشتر به مهربانی باور دارم.

هستم و ایرادی هم ندارد. ضرورتی ندارد که

آن شخص را خوار و خفیف کنم. من

آدم‌های دوست داشتنی و قابل احترامی

جورواجوری را می شناسم که دارای یکی یا

دو تا عقاید غیرمنطقی هستند - بدون شک

خودم هم یکی از آنها هستم - و گمان

نمی کنم که قضاوت درباره این عقاید آنها

یا خودم را سزاوار احترام کمتری می نماید.

- فیلسوف برتراند راسل

از اتو بیوگرافی وی

اگر در کودکان شما اندیشه انتقادی باید به عنوان یک رفتار فعال رشد کند لازم است تا آنها بایستی این تفاوت را یاد گرفته و تمرین کنند و هم چنین باید قادر باشند آن را برای دیگران نیز تشریح نمایند. این کار برای اندیشمند انتقادی از پیچ و خم های مسیر مسئله احترام آسان تر گره می گشاید - هر چند هرگز به طور کامل هموار نمی شود.

پرسش: در عرصه و میدان تحقیق آزاد آیا چیز «مقدس» وجود دارد؟

پاسخ: بله و نخیر. آیا حق ندارید از پاسخ هایی این جور بیزار باشید؟

واژه‌ی «مقدس» دارای دو معنای اصلی متفاوت است. مقدس برای ویژه خوانده شدن چیزی به کار می رفته، برای زدن برچسب شگفت انگیز، دارای حرمت یا سزاوار احترام به کار می رفته است. در این حالت نخست، افراد بدون دین چیزهای فراوانی را - زندگانی، بی عیبی و تندرستی، دانش، عشق، حس معنا، آزادی شعور و بسیاری از چیزهای دیگر - مقدس می دانند. شاید شخص هم پیدا شود که رد کردن مقدس را با معنای دوم مقدس بداند: چیزی که ایمن، غیر قابل پرسش و در برابر چالش ایمن به شمار می آید.

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

این معنای دوم از مقدس بسیار همانند مفهوم جهنم است - این مفهوم در اصل به عنوان یک سد و مانع برای اندیشیدن است. از این رو در خانه‌ای با موتور آزاداندیشی برای آن هیچ جایگاهی وجود ندارد. یکی از اصول آزاداندیشی بسیار مقدس (بنا بر تعریف یک) این هست که هیچ پرسشی نباید ناپرسیده بماند. تشویق کودکان به پرس و جوی بی پروا و بدون محابا به معنای با خنده بیرون انداختن مستقیم «مقدس» با معنای دوم است. با فرض درک دوگانه از معنای مقدس دیگر باید روشن باشد که من این را وظیفه مقدسی می‌دانم که هیچ چیزی را مقدس نشمارم.

پرسش: اگر شما باید داستانی از ادبیات کودکان برمی‌گزیدی تا کودکان با شنیدن آن تشویق به اندیشیدن مستقل شوند، آن داستان چه بود؟

پاسخ: داستان‌های فراوانی وجود دارد - فیلیپ پالمن^۴ با کتاب *نیروی اهریمنی* (۵) یا هلکبری فین^۶ برای نمونه - ولی به سختی داستانی یافت می‌شود که بتواند رو دست قوت و پیام لباس بدید (امپراتور)^۷ از هانس کریستین آندرسن^۸ را بیاورد. چندان بعید نیست که به راحتی توجه به نیروی بی‌همتای داستانی بسیار شناخته‌شده از دست برود بنابراین ارزش یادآوری دوباره دارد: امپراتوری که به شدت درباره پوشاک و لباس وسواس داشت دو دوزنده یا خیاط را استخدام کرده تا بهترین جامه‌ای که می‌توان تصور کرد با تاقه‌ای از پارچه جادویی برایش آماده سازند. دوزنده‌ها - که در واقع یک زوج کلاهبردار بودن - ادعا کرده که احمق یا افراد بی‌لیاقت نمی‌توانند لباس را ببینند. در حالی که اصلاً هیچ لباسی در کار نبود.

4. Philip Pullman

5. His Dark Materials

6. Huck Finn

7. The Emperor's New Clothes

8. Hans Christian Andersen

بخش نخست: ذهن پرسشگر

امپراتور ملازمان دربارش را یکی پس از دیگری می‌فرستاد تا از پیشرفت کار دوزندگی اطلاع پیدا کند. هیچ یک از ملازمان چیزی روی دستگاه بافندگی نمی‌دیدند ولی چنان ترسیده که از ترس آشکار ساختن حماقت یا بی‌لیاقتی خود سخنی در این باره بر زبان نرانده و نزد امپراتور تعریف فراوانی از زیبایی آن می‌کردند. سرانجام دوزنده‌ها پوشاک «آماده شده را به نزد امپراتور آوردند و او (که نمی‌توانست به ندیدن اعتراف کند چون زیردستان دیده بودند) برای نمایش لباس در شهر بی‌درنگ آن را بر تن کرده درحالی‌که جماعت از زیبایی لباس خود را شگفتی و حیرت‌زده نشان می‌دادند. ناگهان بچه‌ی کوچکی، بدون توجه به یاوه‌هایی که زبان بزرگ‌سالان را بسته بود بی‌اختیار از زبانش پرید «ولی هیچ لباسی به تنش نیست!» مردم در ادراک خود راست‌گویی کودک را تأیید کرده، پوزخندها امپراتور عریان را به قصرش بازگرداند. داستان به کوتاهی در چند برگ تکبیر، قدرت، هم‌رنگی با جماعت، عدم اعتماد به نفس و زودباوری انسان را هجو کرده در حالی‌که به ستایش از مدرک، دلاوری و دگراندیشی صادقانه می‌پردازد. اگر شما داستانی پیدا کردید که بهتر از این داستان به ارزش‌های آزاداندیشی بپردازد من اسمم را عوض می‌کنم.

پرسش: ویژگی‌های یک ذهن پرسشگر چیست و یک ذهن پرسشگر چگونه پرورش پیدا می‌کند؟

پاسخ: به نظر من یک ذهن پرسشگر سه پیش‌نیاز اصلی دارد: (۱) اعتماد به نفس (۲) کنجکاوی و (۳) عشق بدون شرط به حقیقت.

۱- **اعتماد به نفس**. بهترین راه دمیدن اعتماد در افراد تشویق به استقلال است. ما پدرها و مادران اغلب برای شرم‌ناک شدن کودکان خود در لحظه‌های ناکامی، عدم قطعیت یا شکست بیش‌ازاندازه مداخله می‌کنیم. نوزادی که در میان پایه‌های صندلی اتاق ناهارخوری سینه‌خیز می‌رود و ناگهان شک می‌کند چطور بیرون رود. بچه آغاز به گریه کرده و بزرگ‌سال به تندی بلند شده و بچه را بر روی این می‌گذارد. یک بچه کلاس اولی برای بستن کمربند ایمنی تقلا می‌کند - بابایی،

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

تلق، تندی برایش می‌بندد. یک بچه راهنمایی بعد از ۳۰ ثانیه کلنجار رفتن با یک مسئله ریاضی تسلیم شده و درخواست کمک می‌کند و کمک برایش می‌رسد. این کمک‌ها و نجات یافتن‌ها انباشته شده و بنابراین کودک هر لحظه ناکامی را هم چون کوهی بلند دیده و برای رسیدن کمک چشم به این و آن می‌دوزد. چه کسی می‌تواند او را سرزنش کند چون هیچ‌گاه فرصت کلنجار رفتن، عرق ریختن و زور زدن برای رد شدن از موانع با اتکا به خودش به او داده نشده است؟ پرسشگری، کنش ذهن خودگردان مطمئن به خود است. پرسشگری کنش شخصی است که باور دارد می‌تواند سدهای میان نادانی و دانش را بشکند. اگر کودک کاوشگر و محققی می‌خواهید باید اعتماد به نفس را در وی پرورش دهید - و اعتماد به نفس با استقلال آغاز می‌گردد.

۲- **کنجکاوی**. در جای دیگری از این بخش به ارزش کنجکاوی اشاره شده ولی مهم است که در اینجا بر پیوند آن با ذهن پرسشگر تأکید گردد. اگر برای شخصی پاسخ مهم نباشد و برای دانستن آن کنجکاوی نباشد پرسشی هم نخواهد پرسید. یک

بار والدین یک پسر کوچولوی با کنجکاوی
سیری‌ناپذیر برای من تعریف کردند که
مادربزرگ پسر از پرسش‌های پایان‌ناپذیر
کودک خشمگین شده و ناگهان گفته بود
«تو نباید هر چیزی را بدانی!» بله گاهی با
حوصله ماندن و پاسخ گفتن سخت است
ولی شاید نخواهید احساسات خود را با این

لحن زننده بیان کنید. بی‌تفاوتی و بی‌علاقگی به تندی بر ما انسان‌ها چیره می‌شود. کنجکاوی را پرورش دهید تا زمانی که طبیعی و لگام‌گسیخته است.

1. Gautama Bud

2. Theravada tradition

۲- **عشق بدون شرط به حقیقت**. دل بستگی مشروط به حقیقت هنگامی نقش دارد که یک شخص تندرست، گرسنگی نکشیده، فرهیخته در چشمان من نگاه کرده و بگوید، «بدون خدا زندگی بدون امید، بدون هدف، خالی از هدف و بدون هیچ زیبایی است.» هرگاه من بشنوم که شخصی می گوید «من تنها به این دلیل خوشحالم چون...» یا «زندگی قابل تحمل است اگر...» دلم می خواهد یک دستکش سوارکاری سفیدم را برداشته، بزنم وسط صورتش و به نام حقیقت او را به دوئل دعوت کنم.

دوست دارم بچه هایم گیتی را جایی جالب و پراز شگفتی بینند ولی مهم نیست خدا وجود داشته باشد یا وجود نداشته باشد، خواه ما روحی ابدی داشته باشیم یا نه. من می خواهم بچه هایم عشقی بدون قید و شرط به زنده بودن، کنجکاو و شگفتی زده بودن داشته و از آن ها لذت ببرند. مانند عشقی آتشین به هر چیزی یک عشق بدون قید به واقعیت مایه پرورش گرسنگی سیری ناپذیر برای تجربه مستقیم آن، برای رفتن به سوی آن است به هر کجا که شخص را بکشاند.

کودکانی که دارای این اشتیاق به همراه عشق و سیر ناشدنی هستند در برابر هیچ سدی که در راه این روشنی باشد باز نخواهند ایستاد. ذهن آن ها برای درکی ناب تشنه شده و بهترین کاری که ما بزرگ ترها می توانیم بکنیم قرار نگرفتن سر راه آن هاست. اگر به نظر برسد که آموزه های دینی واقعیت را روشن می سازد، کودکانی با چنین سرشتی چنین آموزه هایی را با آغوش باز خواهند پذیرفت. ولی اگر آموزه های دینی واقعیت را تحریف سازد کودک عاشق و تشنه واقعیت چیزهای نادرست را دور خواهد انداخت.

پرسش: مریان، پسر من را به عنوان «ناهماهنگ» یا «عجیب» توصیف کرده زیرا دوست دارد خارج از قالب های متداول بیندیشد و بیشتر زمان ها دارای دیدگاه هایی متفاوت با هم سالان خودش می باشد. من دوست دارم کودکم چنین باشد ولی می ترسم که او دلسرد شود. آیا کار درستی که باز هم او را تشویق کنم یا بهتر است که در این باره سخت بگیرم؟

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

پاسخ: رابرت هاین لاین^۳ در جایی گفته «برای آسان ساختن زندگی بچه‌ها، آن‌ها را علیل نسازید.» گاهی آسان ساختن کارها، کنش نادرستی است که والدین مرتکب آن می‌شوند. یکی از عمومی‌ترین فشارهایی که روان کودکان را در هم می‌شکند زیر فشار گذاشتن آنان برای هم‌رنگی با جماعت است. روش پوشیدن جامه، نگرش، شیوه‌ی سخن گفتن، تمایلات - وقتی که کودکان هماهنگ با هم‌سالان خود می‌شوند انگار همه چیز او له‌ولورده می‌شود. از سوی دیگر این دسته‌ی از آدم‌ها نه تنها از سیمای روانی ناراحت بوده بلکه خطرناک نیز هستند. نمی‌خواهم در اینجا پای خطر مواد یا رابطه‌ی جنسی را به میان بکشم - بدون شک این‌ها مسائل مهمی است و یک روان‌ناهمساز می‌تواند برای مقاومت در برابر این فشارها نیز کمک کند. ولی زمانی که کودک به بزرگسالی می‌رسد و «متحد باشیم، استوار می‌مانیم» به شیوه‌ی زندگانی بدل می‌شود در مقیاس بزرگ‌تر گزند و آسیب جدی‌تری وارد می‌شود.

کتاب دلیل نیاز بومع به دگراندیش^۴ نوشته کاس سانستای^۵ برای دگراندیش و نا هم‌اندیش به عنوان یک دارایی ناب چهارچوب یک دفاع ثابت را فراهم می‌آورد. از نظر تاریخی سازمان‌ها و ملت‌هایی بیشتر احتمال پیشرفت داشته که پذیرای دگراندیشان بوده و باز بودن را ترویج می‌کردند. هنگامی که دگراندیشی خاموش شود اندیشه‌های خوب و بد اکثریت بدون چالش باقی می‌ماند. ولی زمانی که به دگراندیشی اجازه رشد داده می‌شود این احتمال بیشتر می‌شود که آموزه‌ها و افکار بد پیدا شده و نابود گردد.

شماری از پژوهش‌ها، هم چنین مطالعات سلیمان اش^۶ (که در یک آزمایش ساده ادراکی بسیاری از آزمایش‌شوندگان برای هم‌رنگی با اکثریت نادرست، شواهد روشنی را نادیده گرفته) و آزمایش ترسناک میلگرام^۷ (که اگر دستور از سوی یک شخصیت مافوق می‌رسیده،

3. Robert Heinlein

4. Why Societies Need Dissent

5. Cass Sunstein

6. Solomon Asch

7. Milgram

بخش نخست: ذهن پرسشگر

مردمان عادی برای آزار حتما تا مرگ شخص بی گناهی تمایل ارادی نشان داده) با نیرومندی نشان از یک پیامد فاجعه آمیز برای عشق به هم‌رنگی با جماعت دارد.

الگوهای گوناگونی شکل گرفته بر اساس مطالعات اش درس بزرگی درباره دگراندیشی می‌دهد. مطالعات یکسانی در گروه‌هایی با اندازه مختلف انجام شده است. در هر گروه یکی از همکاران به عنوان یک مخالف منزوی کارکرده که با شناختن درست مسیر بر ضد دوازده تن دیگر کار می‌کند و پاسخ نادرست می‌دهند. در این موارد حضور مخالف منزوی نرخ اشتباه افراد مورد آزمایش را تا ۷۵ درصد کاهش داد. این فهم و درکی بسیار حیاتی است: **اگر گروهی از افراد در مسیر کنش نامبارک و بدی قرار گرفته باشند یک مخالف منزوی با تقویت اعضای مردد به جای پیروی از اکثریت برای پیوستن به دگراندیش می‌تواند مایه چرخش مسیر کنش افراد از مسیر نادرست بشود.** به هنری فوندا^۸ در فیلم دوازده مرد نشدگین^۹ بیندیشید. به ماجرای خلیج خوک^{۱۰} بیندیشید و دستاوردی که با تنها یک مخالف به دست آمد.

با کودکان خود درباره ارزش ناهم‌رنگی با جماعت/تنوع اندیشه‌ها، خطر بدون چون و چرای هم‌رنگی با جماعت، اهمیت دگراندیشی سخن بگویید. افراد الگوی ناهم‌رنگ با جماعت مانند، کوپرنیک، ماندلا، داروین، گاندی و کینگ^{۱۱} را مثال بزنید. هم چنین از عیسا برای ناهم‌رنگی سخن بگویید. برای رساندن بار از راهی دیگر به مقصد ترانه «جعبه‌های کوچک^{۱۲}» مالوینا رینولدز^{۱۳} را مانند لالایی بخوانید.

8. Henry Fonda

9. Twelve Angry Men

10. Bay of Pigs

11. Copernicus, Mandela, Darwin, Gandhi, and King

12. Little Boxes

13. Malvina Reynolds

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

پرسش: من می‌خواهم دخترم را تشویق به پرسیدن کنم، آن هم نه یکی دوتا ولی راهی برای رسیدن به این هدف ندارم. دخترم یک پرسشی می‌پرسد و من پاسخ می‌دهم و تمام می‌شود! چگونه می‌توانم او را به سوی پرسشگری مداوم و بی‌پایان برانم؟

پاسخ: بدون شک بدیهی به نظر می‌رسد که بهترین کار هنگام مورد پرسش قرار گرفتن دادن پاسخ باشد. ولی پاسخ دادن برای مشوق بودن برای کاوش و جستجو در واقع آخرین ابزار تقویت کننده‌ای که والدین می‌توانند آن را به کار گیرند: «مامان، خورشید چقدر دور است؟» «یک صد و چهل و نه میلیون ششصد هزار کیلومتر (نودوسه میلیون مایل)» «پایان! دریچه جستجو بسته شد! دخترم از اتاق بیرون رفت!

بسیاری از والدین بدون دینی که من با آن‌ها گفتگو داشته گویا می‌خواستند با شتاب هر چه بیشتر مغز کودکان خود را با پاسخ‌های درست پر کنند تا شاید دیگر جایی برای یاوه در بالاخانه پیدا نشود: «همه‌ی قفسه‌ها با اشیای بدون اشتباه پر شده، متأسفم، بروید سراغ بچه بعدی.»

در این اندیشه ناشیم که مانند جعبه، کودکان را با پاسخ پر کنیم بلکه خود پرسیدن را یک کردار خوشایند بسازیم. شما به طور عملی با تمرکز بر مثبت ساختن روند پرس و جو به وجود آمدن پرسش بعدی را تضمین خواهید کرد و پرسش بعدی و پرسش بعدی.

پرسش: پس اگر بنا نیست پاسخ دخترم را بدهم قرار است چکار کنم؟

پاسخ: پیش از هر چیز دیگر باید گفته شود که دادن پاسخ مستقیم در بیشتر موارد ایرادی ندارد، تنها باید پاسخ را با برخی از موارد زیر آمیخته سازید:

طالب حدس زدن باشید

کودک: «خورشید چقدر دور است؟»

مامان: «تو چه حدس می‌زنی؟»

کودک: «۱۰۰ کیلومتر!»

بخش نخست: ذهن پرسشگر

مامان: «حدس خوبی بود! مردم خیلی وقت پیش این حدس را داشتند. آنها می‌اندیشیدند که خورشید در آسمان ۱۰۰ کیلومتر دورتر از زمین نصب شده است ولی ما می‌دانیم که خورشید ستاره‌ای است که در فضا قرار گرفته. بسیار خوب حالا. خانه مادربزرگ ۱۰۰۰ کیلومتر دور است. آیا فکر می‌کنی که خورشید نزدیک‌تر از خانه‌ی مادربزرگ است؟»

بیا با هم پیدایش کنیم

بچه: «خورشید چقدر دور است؟»

«نمی‌دانم. بیا یک متر نواری برداریم و بینیم چند متر دور است!»

«بابایی! تو هیچی حالت نیست.»

«خوب، پس چطور می‌توانیم فاصله را پیدا کنیم، بچه هوشنگ؟»

«با گوگل!»

«پس از جستجو با گوگل...» «من که نمی‌فهم این افراد بدون متر نواری چطوری توانسته

این فاصله را اندازه بگیرند؟»

دروغ شاخ‌دار

بچه: «خورشید چقدر دور است؟»

«ده، بیست متری باید باشد.»

«نه نیست!»

«من کمابیش مطمئنم، شاید یک متر کم‌وزیاد»

«نه خیلی خیلی بیشتر است!»

«خوب، گمان می‌کنی چقدر باید دورتر باشد»

پاسخ با اضافه کردن کمیت

بچه: «خورشید چقدر دور است؟»

«یکصد و چهل‌ونه میلیون ششصد هزار کیلومتر (نودوسه میلیون مایل)»

«اوه خیلی دور است!»

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

«می‌خواهی پیاده بروی. می‌دانی چطور این مسافت را حساب کرده‌اند؟ این جالب‌ترین

داستانی...» (۴)

سین، جیم

سرانجام کودک خودش متوجه روند شده و پرسش بعدی را می‌پرسد:

بیچه: «خورشید چقدر دور است؟»

«یک‌صد و چهل‌ونه میلیون ششصد هزار کیلومتر (نودوسه میلیون مایل)»

«اوه خیلی دور است! چطور این مسافت را به دست آورده‌اند؟»

«می‌دانی، این جالب‌ترین داستانی...»

من در اینجا یک پرسش تجربی مطرح کردم - پرسشی که یک پاسخ قابل تأیید تک دارد - ولی

همین فن برای ادامه یافتن پرسش‌های غیرتجربی یا پرسش‌های «ارزشی» نیز کاربرد دارد.

اگر می‌خواهید کودکی را تشویق کنید که به پرسیدن ادامه دهد تنها و بزرگ‌ترین اشتباهی که

شاید انجام دهید، کاری که پدر و مادران آزاداندیش بسیار به دام آن می‌افتند: غلط‌گیری ناخوانده. اگر

کودک شش‌ساله‌ای حدس نادرستی زد تا جایی که می‌شود در برابر وسوسه‌ی درست کردن آن مقاومت

کنید. این اندرز بسیاری از آزاداندیشان را می‌آزارد: «یک پاسخ نادرست را بدون چالش رها کنیم؟!»

ولی، ولی، ولی... خوب اگر همان‌جا قفل شد و جلوتر نرفت، آن وقت چه؟»

سخت نگیرید. یادتان باشد می‌خواهید پرسیدن کنشی خوشایند باشد و غلط‌گیری پیوسته در

سنین پایین به این هدف نمی‌رسد. اگر شما در حال آموزش دادن انتقادی اندیشیدن به عنوان یک ارزش

به کودک هستید به زودی خواستار خوداصلاحی^{۱۴} شده و از شما نیز کمک می‌گیرد.

یک گفتگوی ساده با یک کودک شش‌ساله

کودک: من فکر کنم مرورگر می‌تواند فکر مرا بخواند.

بابا: هان؟ چرا این فکر را داری؟

کودک: من تازه داشتم یک ذره برایش می‌نوشتم و تا فکر کردم یک عالمه برایش نوشته آورد!

14. self-correct

بخش نخست: ذهن پرسشگر

(به طور کلی این هنگامی است که ماشین غلط‌گیری ما شروع به داغ شدن می‌کند تا مطمئن شویم که کودک می‌داند که توضیح غیرمتعارفی وجود ندارد. مقاومت کنید!)
بابا: آهان. خوب پس بهتر است که مراقب اندیشه‌های خودمان باشیم!

بابای خوب! من به این پدر افتخار می‌کنم. این پدر نگفت که این درست است یا غلط و کودک هم (هنوز) از شما نپرسیده است. پدر این کودک تنها اجازه داد که فرزندش احساس خوبی هنگام اندیشیدن و حدس زدن و پرس و جو پیرامون جهان داشته باشد.
زمانی می‌رسد (به طور کلی در سن ۸ تا ۱۰ سال) که کودک درمی‌یابد شما ارزشی برای یک فرضیه قائل نیستید و از شما می‌خواهد که به آن وزنی بدهید:

بابا: آهان. خوب پس بهتر است که مراقب اندیشه‌های خودمان باشیم!
کودک: پس راستی راستی گمان می‌کنی او می‌تواند فکر ما را بخواند؟
(اینک به جای رقصیدن به ساز کودک، اندیشه‌های او بیرون بکشید...)
بابا: نمی‌دانم... آیا توضیح دیگری به ذهنت می‌رسد؟

نزدیک سیزده سالگی به طور کلی کودک از دعوت شما بازمی‌ایستد - یک بخش طبیعی از پی بردن به هویت خودشان. ولی اگر شما به جای پدری با خط قرمزهای فراوان، خویش را هم چون گره‌گشای مسائل فکری نشان داده باشید، بعید نیست که از همه‌ی این‌ها گذشته اجازه همراهی در کاوش‌ها به شما داده شود.

پرسش: برای من گفتن «دروغ شاخ‌دار» سخت است. هرگز نباید به کودکان دروغ گفت.

پاسخ: من همیشه با صدای خفه مناجات گونه‌ای از بسیاری از پدر و مادران بدون دین این تأکید را یعنی «هرگز نباید به کودکان دروغ بگویم» شنیده‌ام صدایی که کمابیش همیشه احکام مقدس با آن تلاوت می‌شود.

بسیاری از والدین بدون دین، زیر نام قابل‌ستایش یکپارچگی و تمامیت عالی، خویش را در جای مرجعی لغزش‌ناپذیر قرار می‌دهند. از سوی دیگر (خواه دوست داشته باشید خواه نه) در جهان کودکان چون ما نخستین و نیرومندترین شخصیت مقتدر هستیم و تغییر موضع ما به ندایی نیک‌خواه

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

حقیقت می‌تواند به آن‌ها بیاموزد که در برابر احکام مراجع بی تفاوت رفتار نمایند. من خودم بیشتر ترجیح می‌دهم در جایگاهی با اهمیت کمتر و با حالت تفریح پیوسته آن‌ها را تشویق کرده که هر چه من می‌گویم شنیده و با متر مزخرف سنجی اندازه بگیرند.

می‌گویم که «خورشید ۲۰ متر آن طرف ترست» و کمابیش همیشه آن‌ها نگاهی به من کرده «بابایی! تو هیچی حالت نیست!!» زمانی که می‌پرسند شام چی داریم، می‌گویم «جگر سفید میمون، بروید دستتان را بشورید.» زمانی که دخترم چهارم بودم و در حال نوشتن تکالیف مدرسه و می‌پرسید ۷ در ۷ چند می‌شود، می‌گفتم ۴۷ زیرا او (الف) خودش دیگر باید بداند و به همان نسبت مهم (ب) هنگام شنیدن پاسخ اشتباه، آن را بشناسد.

بله، اگر موضوع مهم باشد مطمئن می‌شوم که سرانجام پاسخ درست را بفهمند ولی نه همیشه این کار را نمی‌کنم. من را می‌کشند. ولی گاه گاهی غلغلک دادن کودکان هم فال است و هم تماشا. دانستن اینکه حتا بابا هم گاهی پرت‌ویلا می‌گوید بعید نیست که آن‌ها آماده و مهیا برای روبرو شدن و به چالش کشیدن چرندیاتی کوچکی نماید که از هم‌سالان، روحانیون و روسای جمهور می‌شنوند، آگاهانه و عمدی یا به صورت‌های دیگر.

پرسش: شما می‌گویید که به جای انجام پیوسته اصلاحات و پاک‌سازی به کودکان اجازه دهیم «با اندیشه‌ها همراه» شوند. ولی درباره پرسش‌های مذهبی چطور؟ من نمی‌خواهم کودکم وادار به پذیرش موضع من شود ولی از سوی دیگر حس می‌کنم که در این حوزه باید کمی فعال‌تر باشم. من نمی‌توانم خموش بنشینم و دخترم با برخی از آموزه‌های مذهبی همراه شود، مشکلی پیش نمی‌آید اگر چنین شود؟

پاسخ: بستگی دارد. آیا شما می‌کوشید تا کله او را پر از پاسخ‌های درست کنید یا می‌کوشید تا یک اندیشمند خودمختار پر زور را پرورش دهید؟ یک‌بار یک شخصی گفته «پیرامون شک و شبهه‌های مذهبی شما سه راه دارید: درستی آن را برای کودک تأیید و تصدیق کنید، برای کودک بی ارزش آن را تصدیق کنید - یا ماهیگیری را به کودک یاد بدهید.» (۵)

دین‌ها دارای هیچ نیروی جادویی نیستند تا کودکان ما را بفرینند. بله درست است دین با کشش‌های احساسی همراه می‌شود که می‌تواند نیروی خرد را گمراه کند ولی پاسخ مناسب

بخش نخست: ذهن پرسشگر

و درخور پنهان کردن کشش‌های احساسی نیست بلکه نیرومند ساختن نیروی خرد با ساختن مهارت اندیشیدن انتقادی است. دین نیروی خود را برای گروگان‌گیری احساسی مغز از دست می‌دهد زمانی که از حالت تکی خارج شده و چندتا می‌شود. اگر یک کودک در دوران پرورش تنها درباره یک دین بشنود - برای نمونه اسلام، ارتدوکس یا یهودی خاصیدیم یا مسیحیت بشارتی - توان دین برای گروگان‌گیری احساسی بسیار شدید می‌شود. ولی اگر به کودک اجازه داده شود که چندین احتمال متفاوت را بدون ترس بررسی کند همگی هر گونه انحصار احساسی را از دست داده و کودک برای تنظیم آن‌ها به خرد روی می‌آورد.

در این مسیر، البته در شرایط مطلوب و آرمانی کودکان دین‌های بسیاری را بررسی خواهند کرد. دلینی^{۱۵} دختر من در سن ۴ سالگی به من اعلام کرد که سرانجام برای خودش به این نتیجه رسیده که از میان چیزهایی که از آن‌ها به نام «چیزهای خدایی و عیسایی» نام می‌برد، عیسا همه چیزهای خوب این جهان را ساخته و خدا همه چیزهای ترسناک جهان را ساخته است.

شمار اندکی از والدین مذهبی قادر هستند اجازه رسیدن به چنین نتیجه‌ای را بدهند، اجازه بدهند کودکان بر این فرضیه آرام گیرد که خدا خاستگاه همه‌ی بدی‌هاست. از سوی دیگر بسیاری از پدر و مادران بدون دین نیز کمی بهتر هستند هنگامی که می‌گویند «نه، نخیر - خدا وجود ندارد.» در این روند هر دو دسته والدین اقتدار خود را جانشین اندیشه‌ی خودکار کودکان می‌سازند. همیشه من ترجیح می‌دهم تا اندیشه مستقل کودک را پرورش داده و بگذارم کودک با آن همراهی کند. این تمرین خوبی است. من به دلینی گفتم «چه جالب.» «من هرگز به این فکر نکرده بودم.»

هفته بعد دخترم یک الهیات نو داشت: او گفت «خدا چیزها را برای بزرگ‌ها ساخته و عیسا چیزها را برای بچه‌ها می‌سازد. مثال مورد علاقه من: خدا قسمت پایانی ژرف استخر ساخته و عیسا قسمت کم ژرف را برای او ساخته است.

من دخترم را بغل کردم. «پس خدا برای من و عیسا برای تو، بله؟»

او گفت، «من مطمئن نیستم، حدس می‌زنم. هنوز هم دارم فکر می‌کنم.»

15. Delaney

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

این همه چیزی بود که من می خواستم. به تازگی دخترم کوشیده تا جهان را از پشت عینک انسان گرایی سکولار بنگرد ولی من در کل منتظرم او به کوشش‌های خود برای آزمودن دیدگاه‌های گوناگون ادامه داده، بالا و پایین، جلو و عقب رفته تا زمانی که همدمی را بیابد که دارای بیشترین منطق برای وی باشد. پس اجازه دهید کودکان بدون ترس و بدون محدودیت درباره جهان فرضیه‌سازی کنند، در همه زمینه‌ها حتا در مورد دین.

پرسش: هنوز هم درباره سرشت و طبیعت زودباور کودکان نگران هستم که سرانجام زهر خودش را بریزد و کودک من سرانجام به جایی برسد که نتواند خیالات را از واقعیت تشخیص بدهد مگر اینکه من هوشیار باشم.

پاسخ: این بسیار معمول است که کودکان را ساده لوحانی با خیال‌پردازی‌های خوش بدانیم ولی شواهد روزافزون نیرومندی وجود دارد که نیاز نیست والدین بسیار نگران باشند. یک مطالعه در سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی) در نشریه‌ی رشد کودک^{۱۶} به انتشار رسید که اعلام می‌کرد کودکان کوچک هر چند بدون شک تأثیرپذیر هستند ولی کمتر از ترسی که والدین دارند زودباور و گول خور می‌باشند.

در سن ۴ سالگی کودکان زمینه و شرایط منسجم و بی تناقض را برای تصمیم‌گیری در این باره به کار می‌گیرند که آیا یک قطعه اطلاعات تازه به‌دست آمده احتمال دارد واقعیت باشد یا خیالی. در سه مطالعه مجزا به کودکان ۳ تا ۶ ساله اطلاعاتی با اصطلاحات دانشیک و علمی داده شد («دکترها از سومیت‌ها^{۱۷} دارو می‌سازند») یا با عبارت‌های خیالی مانند («پری‌ها از هرک^{۱۸} برای ساختن گرد و پودر پری استفاده می‌کنند»). توانایی کودکان در به‌کارگیری اشارات محیطی برای تصمیم‌گیری درباره درستی احتمالی یک عبارت فرضی بیش از آن است که پیش‌تر تصور شده و در ۳ تا پنج سالگی افزایش می‌یابد.

16. journal Child Development

17. Sumits

18. Hercs

بخش نخست: ذهن پرسشگر

ژاکلین وولی^{۱۹} استاد دانشگاه تگزاس نویسنده مسئول این مطالعه آن را به این صورت بیان می‌کند: «از مطالعات حاضر روشن می‌شود که بچه‌های کوچک هر چیزی را که می‌شنوند باور نمی‌کنند هم چنین روشن می‌شود که آن‌ها می‌توانند شرایطی و محیط پیرامونی یک صورت ذهنی ماهیت تازه‌ای را به کار گرفته و درباره واقعیت یا سرشت خیالی این ماهیت نتیجه‌گیری کنند.» (۶)

این خبر خوبی برای والدین است که آرزو دارند کودکان خود را از تلقین‌های دینی محافظت کرده و شاید کمی روشن سازد که چرا دین‌ها لازم دیده حتما جذاب‌ترین ادعاهای دینی را با همراهی تهدید آتش تقویت نمایند. در برخورد با توانایی طبیعی کودک برای به کار گرفتن زمینه و شرایط برای فرق گذاشتن میان واقعیت و تخیلی تلقین‌های مذهبی باید چندین حفظ و مانع در برابر مهارت‌هایی ایجاد کند که در کودک وجود دارد.

پرسش: دختر شش‌ساله‌ی من شیفته‌ی جهان طبیعت است. کوشیدم تا اندیشه‌ی فرگشت را به وی معرفی کن ولی هنگامی که می‌گویم «در گذشته‌ای بسیار دور، میمون‌ها تبدیل به انسان شدند» اخم می‌کند - و من می‌دانم که او چیزی تا حدی خنده‌دار را تصور می‌کند. چگونه می‌توانم در درک فرآیند، مبهوت‌کننده، آهسته و طولانی فرگشت کمک کنم؟

پاسخ: با آموزش فرگشت به شیوه‌ای که رخ داده - با گام‌های کوتاه در گذر سال‌ها:

۱- **توجه او را به سازگاری جلب کنید:** اگر من با دخترم به جنگل بروم و گوزنی را با رنگ آمیزی حفاظتی ببینم. اغلب می‌گویم «بین - دیدنش راحت هم نیست! اگر من جانوری بودم که می‌خواستم گوزنی را برای خوردن پیدا کنم، آن وقت چه؟ پیدا کردن این یکی چندان راحت نیست. هم چنین بچه‌های آن نیز همین رنگ است پس شرط می‌بندم که پیدا کردن بچه‌های آن نیز راحت نباشد.»

۲- **یک سازگاری ضعیف را تصویرسازی کنید.** «خوب اگر صورتی کم‌رنگ بود، آن وقت چی؟ بعید نبود که هر شب یک گوزن صورتی را برای شام بخورم،

19. Jacqueline Woolley

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

پیدا کردن این رنگ خیلی ساده است.» من پا روی یک شاخه کوچک می گذارم و گوزن مانند گلوله در می رود. «اوه خیلی پرسرعت بود! من شرط می بندم که هر شب یکی از صورتی رنگ های کم سرعت را بخورم.» سپس ادامه می دهم «به زودی دیگر یک گوزن کم سرعت صورتی پیدا نمی شود چون همه را من خورده ام!»

۳- با نمونه‌ی غیر از انسان و یک مقیاس زمانی کوتاه شده به موضوع

گزینش طبیعی بپردازید. فرگشت به خودی خود نیاز به گذر هزاران نسل و یک مقیاس زمانی بسیار بزرگ دارد بنابراین در تراز و سطح بزرگ تر از مولکول ما نمی توانیم در عمل آن را ببینیم. ولی می توانیم گزینش طبیعی را بررسی کرده که سازوکار و مکانیسمی است که فرگشت به وسیله آن رخ می دهد. هنگامی که گزینش طبیعی درک شد فرگشت یک پیامد اجتناب ناپذیر در گذر زمان است. افزون بر این یکی از انواع جانوران به ویژه هم اکنون در صف منتظر نوبت خود است اگر بخواهیم با استعاره فرایند گزینش طبیعی را به کودکان خود روشن کنیم: شاپرک های فلفلی. (۷) بنگرید به کتاب کار این بخش تا بیشتر درباره شاپرک فلفلی بدانید و بعد هنگام رفتن به جنگل در این باره با کودکان خود گفتگو کنید.

۴- مثال و مقایسه را برای آموزش مقیاس زمانی به کاربرد که در غیر

این صورت قابل تصور نیست. بدون شک مقایسه و مثال ها برای کودکان بسیار کوچک دشوار است ولی هنگامی که کودک توانست وارد این مرحله از انتزاع گردد هیچ راه بهتری برای قابل درک ساختن چیزهای غیرقابل درک وجود ندارد. گفتن اینکه یک میلیون زمین درون خورشید جا گیرد خوب است ولی با گفتن «اگر خورشید به یک اندازه توپ فوتبال بود، زمین به اندازه یک دانه فلفل بود»- نتیجه خواهد داد که آهان حالا فهمیدم. همین موضوع در مورد زمان نیز درست است. با سالنامه‌ی فضایی ساگان یا مقایسه طول بازو داو کینز با زمان را به کار برید که هر دو در کتاب کار این بخش توضیح داده شده است.

بخش نخست: ذهن پرسشگر

پرسش: دوست دارم همه‌ی پرسش‌های جالب و شگفت‌انگیز فرزندم را پاسخ دهم ولی اغلب دانش من به آن اندازه نیست. من نمی‌دانم چرا آسمان آبی است ولی می‌دانم که دلیلی برای آن وجود دارد! آیا منبع خوبی برای پدر و مادرائی مانند من وجود دارد که پاسخ‌های مورد پسند کودکان به این پرسش‌ها را داشته باشد؟

پاسخ: بله چنین منابعی وجود دارد و چند تا از آن‌ها در قسمت منابع این بخش آمده است - ولی این موضوع در جایگاه نخست نیست. هنگامی که موضوع تشویق کنجکاوی و پرسشگری در کودکان باشد به یاد داشته باشید که داشتن پاسخ دارای پایین‌ترین اهمیت کیفی برای والدین است. توجه به پاسخ و حتا توجه بیشتر به روند بسیار مهم‌تر از خود پاسخ می‌باشد.

راشل کارسن^۱ در کتاب حس شگفتی^۲ آن را به این صورت بیان می‌کند: «اگر بایستی حس شگفتی مادرزادی کودکی نگه داشته شود لازم است دست کم یک هم‌نشین بزرگ‌سال بتواند همراهی کرده، بالذت و هیجان در این شگفتی سهیم شده و پیچیدگی جهان زیستگاهمان را دوباره کشف کند.» من از صمیم قلب برای کودکی که هرگز نشنود «ای بابا، من هم نمی‌دانم!» سپس از هیجان فهمیدن اگر آب هم دستش باشد زمین گذاشته و برود برای یادگرفتن، احساس تأسف می‌کنم. این هدیه را به کودک خودتان بدهید تا بفهمد که دانش هیچ‌گاه کامل نمی‌شود حتا بابا و مامان هم دانش کاملی ندارند و اینکه یک کنجکاوی سیری ناپذیر هست که همیشه مانند یک پرنده پرشور باید تغذیه شود.

رها ساختن کودکان از «ترس از اندیشیدن»

دخترم ارین^۳ در سن هشت‌سالگی به یک دوره کوتاه وارد شد زمانی که به معنای واقعی کلمه در هنگام خوابیدن باید اشک می‌ریخت ولی نمی‌خواست درباره آن گفتگو کند. در

1. Rachel Carson

2. The Sense of Wonder

3. Erin

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

یک بامداد پس از چنین حالت شبانه‌ای ما هر دو روی ترمبولین لمیده و به آسمان می‌نگریستیم در اینجا بود که من از او پرسیدم که نمی‌خواهد درباره‌ی چیزی که آزارش می‌دهد با من گفتگویی داشته باشد.

پرسیدم، «آیا کاری کردی که احساس بدی داشته باشی یا احساسات بچه‌های را در مدرسه جریحه‌داری کرده‌ای؟ خودت می‌دانی که همیشه راهی برای درست کردن این چیزها هست.»

دخترم گفت، «نه، من کاری نکرده‌ام.»

«یکی دیگه کاری کرده؟ آیا کسی احساسات تو را به درد آورده؟»

«نه» یک سکوت طولانی میان ما حاکم شد. من برای لحظه‌ای به ابرها خیره شده، می‌دانستم که گفتگو ادامه پیدا خواهد کرد.

دست آخر دخترم سر گفتگو را دوباره باز کرد. «نه من کاری نکردم. یک چیزی هست... در فکر من.»

من به سوی او چرخیده و به او نگاه کردم. او باز هم در حال گریه بود.

«چیزی که فکر کردی؟ چیست عزیزم؟»

«من نمی‌خواهم که بگویم.»

«ایرادی ندارد، مجبور نیستی که بگویی. ولی مشکل این اندیشیدن درباره آن چیست؟»

به من نگاه کرده و با نگرانی پیشاپیش «بیش از یک چیز است. اندیشه و افکار بد. من درباره گفتن چیزهای بد، یا انجام کارهایی می‌اندیشم، مثل...»
منتظر ماندم.

«مانند کلمات بد. این چیزاست.»

«تو می‌خواهی کلمات بد به کسی بگویی؟»

او با ترس گفت، «نه، نه نمی‌خواهم!! ولی نمی‌توانم مغز را وادار کنم که در باره این کلمات فکر نکند که در مدرسه شنیدم. این یک کلمه زشت بود و من دوست ندارم. ولی

بخش نخست: ذهن پرسشگر

یک ریز جلوی چشمم می‌آید فرق هم نمی‌کند که در حال انجام چه کاری باشم و باعث می‌شود که من احساس واقعاً، واقعاً بدی پیدا کنم!!»

گریه دخترم شدیدتر شد و من او را در آغوش گرفتم. «ارین به من گوش کن. تو هیچ وقت، هرگز بد نیستی چون به چیزی فکر می‌کنی.»

«چی؟ ولی... اگر بد است که یک کلمه‌ی بد گفته شود پس فکر کردن به آن هم بد است.»

«ولی چطور می‌توانی درباره این کلمه تصمیم‌گیری که آیا بد است یا نه اگر حتا به خود اجازه فکر کردن درباره آن را ندهی؟»

دخترم آهی میان‌هق‌هق گریه کشید و به ابروهای خود چین انداخت.

«پس... اشکالی ندارد به چیزهای بد فکر کنیم؟»

«نه، ایرادی ندارد. ارین، تو نمی‌توانی مغز را از فکر کردن نگه‌داری - به ویژه یک مغز بزرگی مانند مغز خودت را. از این‌ها گذشته اگر حتا بکوشی این کار را بکنی خودت را دیوانه می‌کنی.»

«من همین کار را می‌کنم خودم را دیوانه می‌کنم!»

سرم را به سرش چسبانده و گفتم، «خوب نکن. خوب حالا به من گوش کن، هیچ وقت بد نیست که فکر کنی. تو اجازه داری درباره هر موردی از این جهان بیندیشی. پس از اندیشیدن تصمیم‌گیری درباره این است که آیا این اندیشه را نگه‌داریم یا دور بیندازیم. این کار داوری نامیده می‌شود. در بسیاری از موارد درست نیست که بر اساس اندیشه‌های مشخصی عمل کنیم ولی هیچ‌گاه، هرگز اشتباه نیست که به خودت اجازه دهی درباره آن‌ها فکر کنی.» سپس به سر او اشاره کردم. «دادگاه تو اینجاست و خودت قاضی هستی.»

روز بعد بامداد دخترم هیجان‌زده بیدار شده و تندی به گردنم آویخت. او گفت از هنگامی که اجازه فکر کردن به کلمات بد را داده خودبه‌خود ناپدید شده است. او واقعاً آرام شده بود.

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

تصور کنید به جای این برخورد من اندیشه سنتی حفاظت فکر را به وی تحمیل می‌کردم یعنی رسم نابخردانه فلج‌کننده گناه برای آنچه نمی‌توانید آن را کنترل کنید - یعنی افکار خودتان. در عوض من به وی آموختم معنای واقعی آزاداندیشی چیست.

سال‌ها پس از آن روز باز هم ارین کمابیش بارها از آن لحظه یاد می‌کند. وی می‌گوید این بهترین کاری بود که می‌توانستم برای وی انجام دهم. مانند بیشتر چنین لحظاتی من در آن هنگام هیچ فکر نمی‌کردم که کاری بیشتر از آن لحظه برای وی می‌کنم. آن زمان من تنها می‌خواستم او دست از گریه کردن بردارد برای اینکه خودش را نخورد. ولی در این رویداد آن گونه که پیداست من او را به طور کامل آزاد ساختم.





کتاب کار

شمار فراوانی فعالیت برای پرورش کنجکاوی، شگفتی و پرسشگری چاپ و پخش شده است. من شماری از فعالیت‌های منتشرشده را برگزیده که به ویژه مورد دل‌بستگی پدر و مادران بدون دین است شامل برخی از مواردی که در کمپ کوئیست و جاهای دیگر بر کودکان آزمایش شده است. بخش منابع در برگرنده کتاب و سایت‌هایی است که باز هم سرشار از فعالیت‌های اندیشه‌ها و منابع بیشتری در این زمینه است.

تمثیل ۱: سالنامه‌ی کیهانی

سن هشت سال و بیشتر

بار دیگری که کودک شما با پرسش درباره دایناسورها یا درباره سن زمین یا مهبانگ سردرگم بود یا تکلیفی داشت که درباره زمان بسیار کهن بود - این فعالیت ساده و خوشایند را آزمایش کنید.

مواد موردنیاز: یک سالنامه ۱۲ ماهه‌ی سفید برای هر کودک (آن را از سایت زیر رایگان

دانلود کنید، www.office.microsoft.com >templates

(>calendars

مقایسه‌ها به کودک کمک می‌کند تا مقیاس‌های بزرگ زمانی را دریابد. کارل ساگان پیشینه

گیتی تا امروز را با یک سال مقایسه کرده است. (۸) بر روی یک سالنامه‌ی سفید، مهبانگ را در ۱

نوروز علامت زده و امروز را در گوشه‌ی پایین روز ۲۹ اسفند علامت بزنید.

در میان مهبانگ و امروز رویدادهایی رخ داده است. در واقع همه‌ی اتفاقات. از کودکان

بخواهید تخمین بزنند که در روی این سالنامه‌ی فشرده کی باید رویدادهای زیر را قرار دهند:

- نخستین دایناسور
- نخستین گیاه

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

- نابودی دایناسورها
- تشکیل کهکشان راه شیری
- نخستین انسان
- امپراتوری روم
- تشکیل زمین
- تشکیل اکسیژن در جو کره زمین
- سفر کریستف کلمب

این پرسش‌ها را بدون ترتیب بپرسید تا کودکان درباره کدامیک نخست بوده و سپس بعدی و بعدی نیز فرصت فکر کردن داشته باشند (برای نمونه کهکشان راه شیری پیش از زمین، دایناسورها پیش از انسان‌ها آمده و نابود شده، گیاهان پیش از اکسیژن).
زمانی که بچه بودم شاید راه شیری را در ماه دوم سال، زمین را در ماه سوم، دایناسورها را در ماه چهارم، انسان را در ماه پنجم - قرار می‌دادم - البته شاید به این ترتیب. یک بچه با پاسخ‌های واقعی شوکه می‌شود:

تشکیل کهکشان راه شیری	روز نخست ماه پنجم
تشکیل زمین	چهاردهم ماه نهم سال
نخستین گیاه (با قابلیت فتوسنتز)	دوازدهم ماه یازدهم
تشکیل اکسیژن در جو	روز نخست ماه دوازدهم
دایناسورها	بیست و چهارم ماه دوازدهم
انقراض دایناسورها	بیست و هشتم ماه دوازدهم
نخستین انسان	روز ۲۹ ماه دوازدهم ساعت ۱۰:۳۰ بعدازظهر
امپراتوری روم	چهار ثانیه پیش
سفر کریستف کلمب	یک ثانیه پیش

تمثیل ۲: فراختای زندگانی یا حیات

سن هشت سال و بیشتر

بخش نخست: ذهن پرسشگر

ریچارد داوکینز تمثیل جالب دیگری برای درک زمانی ساخته که بر یک چهارم آخر تاریخ گیتی تمرکز می‌کند: پیشینه‌ی زندگانی بر روی زمین

مواد مورد نیاز: بازوهای (یک انسان)

دست‌های خود را در دو طرف بدن به صورت کشیده قرار دهید تا نمایشگر محدوده یا فراخنای حیات بر روی زمین باشد. از ناخن دست چپ شما تا میان پیکر شما و تا بعد از شانه راست شما از حیات چیزی غیر از باکتری دیده نمی‌شود. با رسیدن به معج راست شما پیچیده‌ترین شکل زندگانی روی زمین کرم‌ها بوده‌اند. دایناسورها در میانه کف دست راست شما پدیدار شده و نزدیک بند آخر انگشت از میان رفته و منقرض می‌شوند. کل جریان انسان هوشمند به پهنای بریده یک ناخن است.

در رابطه با تاریخ نگاشته شده - سومری‌ها، بابلی‌ها و فرعون‌های مصر، یونان و روم باستان، عیسا، ناپلئون و هیتلر، بیتل‌ها^۲ و بریتانی اسپرز^۵ - این افراد و همه کسانی که از آغاز تاریخ نوشته شده زندگی کرده بر روی گرده‌ای زندگی کرده که با یک بار کشیدن سوهان ناخن از آن جدا می‌شود. به عبارت ساده این آگاهی که ۹۹/۹۸ درصد پیشینه‌ی گیتی پیش از به صحنه آمدن گونه ما رخ داده بزرگترین دیدگاه خفت باری است که تا کنون توانسته‌ایم به آن برسیم. ولی بیش از این حرف‌ها هست...

تمثیل ۳: اندازه سامانه‌ی خورشیدی

سن ۶ سال و بیشتر

مواد مورد نیاز: یک توپ فوتبال، چندین دانه‌ی نخود چند تا سوزن ته گرد، یک توپ پینگ پونگ، یک تیله و یک زمین باز

این سخن گفته شده و درست هم هست که انسان‌هایی که خویش را در جهانی با محوریت انسانی ببینند «به نسبت ناتوانی خود به گستردگی قادر به انجام محاسبات هستند.» (۹) حتا بدون محاسبات

4. Beatles

5. Britney Spears

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

فراوان با مقایسه نیز می‌توان راه درازی را پیمود. درک پهناوری فضا بسیار دشوار است ولی به اندازه زمان انتزاعی نیست بنابراین حتا یک بچه کودکستانی نیز می‌تواند کوششی برای درک آن انجام دهد. راه‌های بی‌شماری است که می‌توان به کودکان کمک کرد تا درکی از اندازه گیتی و ناچیزی جایگاه ما در آن را به دست آورند. من مثال زیر را در کتاب تربیت فارغ از اصول مذهبی آورده‌ام:

به یک فضای باز بزرگ بروید. یک توپ فوتبال را وسط آن قرار دهید که نمایشگر خورشید است. ده گام از آن دور شوید یک سوزن را در زمین فروکنید. این سیاره تیر (عطارد) است. نه گام دیگر بردارید یک دانه نخود به عنوان ناهید (زهره) را روی زمین بیندازید هفت گام دیگر بردارید یک نخود دیگر روی زمین بیندازید، این زمین خودمان است. نزدیک دو سانت و نیم دورتر یک سوزن نزدیک دانه‌ی نخود دوم به زمین بزنید این ماه است و به یاد داشته باشید که این دو سانت و نیم دورترین جایی است که تا کنون انسان توانسته است بر آن گام بگذارد. پس چهارده گام دیگر، یک نخود کوچک دیگر بیندازید این در واقع بهرام (مریخ) است سپس ۹۵ گام دیگر برداشته توپ پینگ پونگ را روی زمین قرار دهید این هر مزد (مشتری) است. ۱۱۲ گام دورتر یک تیله بزرگ برای کیوان (زحل) قرار دهید. اورانوس و نپتون هنوز دورتر قرار گرفته و پلوتو که شاید اندازه یک سوزن ته گرد کوچک و نزدیک به یک کیلومتر دورتر (نیم مایل) از توپ فوتبال است که به تازگی تنزل رتبه داده شده است.

خوب چقدر دیگر باید راه بروید تا یک نخود دیگر برای پروکسیما قنطورس^۶، نزدیک‌ترین ستاره به سامانه‌ی خورشیدی ما قرار دهید؟ کفش‌های خوب خودتان را پا کنید باید حالاحالاها راه بروید - بیش از ۶۴۳۷ کیلومتر (۴۰۰۰ مایل) یعنی از تهران تا شانگهای چین (یا از نیویورک تا برلین) فاصله است. (۱۰) تازه این نزدیک‌ترین ستاره بود. خوب نزدیک یک هزار میلیارد از این ستاره در کهکشان راه شیری وجود دارد و به طور کلی یک صد میلیارد کهکشان در طول میلیاردها سال نوری در همه جهتها پخش شده‌اند.

همچنین بنگرید به: یک فایل تصویری در یوتیوب که اندازه نسبی سیارت و ستارگان را مقایسه می‌نماید: www.youtube.com/watch?v=Tfs1t-2rrOM (یا جستجو کنید عبارت «اندازه نسبی سیارات»)

تمثیل ۴: اندازه کهکشان و گیتی

6. Proxima Centauri

بخش نخست: ذهن پرسشگر

بدون محدودیت سنی

مواد موردنیاز: یک جعبه شن با قطر ۵۰ سانتی متر (۲۰ اینچ) - یا یک قوه تخیل قوی

اندازه‌ی کهکشان راه شیری چقدر است؟ نخست به یادآورید که یک میلیون زمین در خورشید جا می‌گیرد. اکنون یک جعبه شنی دایره‌ای شکل بسیار بزرگ تصور کنید با قطر نزدیک ۶۰۰ سانتی متر (۲۰ فوت) و بلندی سی سانتی متر (۱ فوت). اگر خورشید ما یک دانه ماسه در این جعبه ماسه باشد جعبه شن در واقع کهکشان راه شیری است و کمابیش همان اندازه که دانه ماسه در این جعبه جا گرفته ستاره در این کهکشان وجود دارد.

اکنون کل کهکشان راه شیری را به اندازه یک دانه شن بگیرید. اینک شمار دانه‌های شن در این جعبه شن نمایشگر کهکشان‌ها موجود در جهان هستی است. درون جعبه شن نشسته و انگشتان خود را در میان کهکشان‌ها بکشید. این کار را چندین بار تکرار کنید.

همچنین بنگرید به: تصاویر با عمق میدان هابل که بسیاری آن‌ها را «مهم‌ترین عکس‌هایی گرفته‌شده تاکنون» نامیده برای پارادیم- نیروی پرسروصدای: <http://hubblesite.org/newscenter/archive/releases/2004/07> (بازدید شده در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۷-۸ می ۲۰۰۸).

تمثیل ۵: سفر خیالی

سن ۶+

جهان ذره‌بینی کوچک مقیاس را نادیده نگیریم

مواد موردنیاز: هیچ

«اگر یک توپ گلف بتواند به اندازه کل زمین شود، بیشتر اتم‌های آن شاید اندازه‌ای نزدیک به توپ گلف پیدا کند.» (۱۱)

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

بیشتر یک اتم از فضای خالی تشکیل شده - یک هسته که گرداگرد آن را الکترون‌ها فراگرفته که با فاصله‌ای گرد هسته گردش می‌کنند. اگر یک اتم به اندازه یک استادیوم بزرگ شود هسته در خط میانه زمین بازی فوتبال آمریکایی یا خط ۵۰ یارد شاید به اندازه یک حبه انگور برسد.

نگاهی سریع و ویژه به جهان میکرو: «تصور یاخته‌ای: زندگانی نهفته یک سلول»^۷
پویانمایی کوتاهی است که ایکس‌وی‌وا انیمیشن ساینتیفک^۸ ساخته شده و در سراسر اینترنت قابل دسترسی است. عبارت «Cellular Visions» یا «The Inner Life of a Cell» را گوگلی کنید. سن ۶+

کارآگاه تلفن

سن ۷+ برای شش یا تعداد بیشتری بازیکن

مواد موردنیاز: کارت شاخص

کارآگاه تلفن (نام‌های دیگر آن شایعه‌های چینی، رسوایی روسی یا شایعه‌پراکنی^۹ است) یک بازی قدیمی تلفن به کمک تحریف کردن است. یک نقطه کوچک روی یکی از کارت‌های شاخص بگذارید. کارت‌ها را میان همه‌ی بازیکنان تقسیم کنید. یک شخص، به عنوان منبع برگزیده شده پیامی را در حلقه‌ی بازیکنان آغاز می‌کند که به صورت درگوشی از یک شخص به شخص دیگر به جریان می‌افتد. به بازیکن با کارت نقطه‌دار یاد داده شده که پیام را کمی تغییر دهد. سپس منبع (فرد نخست در حلقه) پرسش‌هایی مطرح می‌کند تا روشن کند که کجا پیام تغییر کرده است.

یک مشکل: شاید اعضای حلقه بازی دروغ بگویند. هنگامی که منبع پرسش‌های خود را پرسید (حداکثر) یک پرسش در ازای هر تن از بازیکنان باید به شخصی اشاره کند که گمان می‌کند دارای کارت شاخص علامت زده شده است. فرد متهم کارت خود را نشان می‌دهد. اگر علامتی روی

7. Cellular Visions: The Inner Life of a Cell

8. XVIVO Scientific Animation

9. Chinese whispers, Russian Scandal, or Grapevine

بخش نخست: ذهن پرسشگر

آن وجود نداشت منبع باخته است. اگر علامت روی کارت شخص مورد اشاره قرار داشت او باخته است.

بازی با یک تن دیگر به عنوان منبع دوباره از سر گرفته شده و ادامه پیدا می‌کند تا زمانی که دو برنده باقی بمانند.

ژئومیتولوژی^{۱۰} (کمپ کوئیست)

سنین ۸-۱۱

یک بازی معرکه‌ای در مهمانی‌ها برای کودکان با ذهن خلاق و دانشیک یا علمی

مواد مورد نیاز: چندین کیت مدل اسکلت دایناسورها، کاغذ نقاشی، مداد رنگی

بسیاری از داستان‌های باستانی درباره هیولاهای افسانه‌ای - مانند اژدها، عقاب-شیر و سایکلپس^{۱۱} - با کوشش انسان‌ها با فرهنگ دوره برنز برای توضیح درباره استخوان‌های فسیل شده نزدیک سکونت‌گاه‌های آن‌ها به وجود آمده است. (۱۲) این فعالیت کودکان را به جای انسان‌های باستانی قرار می‌دهد که می‌کوشیده برای سنگواره‌های یافت شده توجیه ای پیدا کند - درست مثال و نمونه‌ای که انسان را به سوی فهمیدن می‌کشاند.

۱- کیت‌ها را از جعبه خارج سازید. قطعات را مخلوط ساخته که نمونه یک محل را رسوب‌های سنگواره‌های مخلوط باشد. بچه‌ها نباید تصویر روی جعبه‌ها یا دستور کیت‌ها را ببینند!

۲- به هر کدام از بچه‌ها یک دسته از استخوان‌های منتخب مخلوط شده را بدهید. به آن‌ها بگویید هنگامی که انسان‌ها این سنگواره‌ها را یافته کمابیش هیچ‌گاه استخوان‌ها کمال نبوده است. بیشتر زمان‌ها سخت است که گفته شود در یک سایت سنگواره‌ای یا تنها یک جانور وجود دارد یا چندین جانور.

۳- هر یک از گروه‌ها با قطعات خود یک جانور یا چندین جانور را بسازند.

10. بررسی ارجاعات بدون مدرک به رویدادهای زمین‌شناسی در اسطوره‌ها Geomythology

11. Cyclops غول‌هایی با یک چشم در میان پیشانی (یونان باستان)

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

- ۴- از کودک یا گروه بخواهید تا شکل جانور یا جانوران زنده مربوط به خودش را بکشد. آیا پولک داشته است؟ مو داشته است؟ خرطوم داشته؟ گردن درازی نداشته است؟
- ۵- هر بچه یا گروه مدل‌های اسکلتی و نقاشی‌های خودش را نشان داده و درباره جانور یا جانوران را توضیح دهد.

همه‌ی افسانه‌ها تولید قوه تخیل نیست. بسیاری از افسانه‌ها ریشه در کوشش برای روشنگری شواهد به دست آمده از طریق حواس ما انسان‌ها بوده است. حتا زمانی که این افسانه‌ها دقیق هم نبوده مردمی که از میان جامعه‌ی آن‌ها این افسانه‌ها برخاسته در آن زمان دلایل خوبی برای باور به آن‌ها داشته‌اند. از سوی دیگر این فعالیت به کودکان نگرشی به درون دانش هم چون یک روند از به کارگیری مدارک در دسترس برای رسیدن به بهترین روشنگری و توضیح را ارائه می‌دهد، بهترین توضیحی که ما می‌توانیم به آن برسیم. اگر مدارک و شواهد بعدی دانسته‌های ما را دگرگون ساخت ما در توضیح‌های خویش تجدید نظر می‌کنیم.

حقیقت در بیرون نهفته است (کمپ کوئست)

سنین ۸-۱۴

مواد موردنیاز: خرده‌ریزه‌ای بدردنخور خانگی، دوربین دیجیتال

کودکان بهترین صحنه‌ی ممکن را برای «تصویربرداری یوفو^{۱۲}» با استفاده از دوربین‌های دیجیتال و اشیای معمولی (دیسک‌های پلاستیکی بازی، تشک کیک، فویل آلومینیمی و غیره) بیارایند.

تک شاخ نامریی (کمپ کوئست)

بدون محدودیت سنی

مواد موردنیاز: مهارت اندیشه انتقادی

12. UFO

بخش نخست: ذهن پرسشگر

این چالش اندیشه انتقادی از افراد کمپ می‌خواهد تا وجود دو اسب شاخ‌دار نامریی را رد کنند که در کمپ کوئیست زندگی می‌کند. کمپ یک جایزه ۱۰۰ دلاری برای شخصی قرار داده که نخستین کسی باشد که بتواند اثبات کند اسب تک‌شاخ وجود ندارد- این جایزه هنوز بعد از دوازده سال برنده نداشته و رقابت هنوز هم ادامه دارد. با کوشش برای اثبات منفی کودکان یاد می‌گیرند چرا بار اثبات باید بر دوش مدعیان ادعاهای نامتعارف باشد.

شب‌پره گردی ۱۳

بدون محدودیت سنی

این فعالیت یک داستان است و بهترین حالت آن در عصرها هنگام گام برداشتن در میان جنگل درست زمان پدیدار شدن شب‌پره‌هاست ...

مواد موردنیاز: یک ناحیه کوچک دوست‌داشتنی دارای درخت

دویست سال پیش شب‌پره‌هایی در انگلستان وجود داشت که شب‌پره فلفلی نامیده می‌شد. این شب‌پره خاکستری روشن با لکه‌های سیاه و قهوه‌ای در سراسر پیکر خود بود. انگار که شخصی روی این شب‌پره‌ها فلفل پاشیده که برای شب‌پره‌ها خوب بود- این شمایل آن‌ها را با پوست درخت یکسان ساخته و کار یافتن و خوردن آن‌ها را برای پرندگان دشوار می‌ساخت. ولی شمار اندکی از شب‌پره‌های فلفلی بودند که هیچ شباهتی به بقیه شب‌پره‌های فلفلی نداشتند. این شب‌پره‌ها به طور کامل سیاه بوده ولی شمار آن‌ها اندک بود. شاید حدس بزنید چرا: شب‌پره‌های سیاه به طور کلی به خوبی با محیط هم‌رنگ نمی‌شده بنابراین پرندگان شام خود را از آن‌ها فراهم می‌کردند. پس اگر یک گونه شام هر شب شکارچی باشد البته که زادوولد زیادی هم نخواهد داشت. افزون بر این چون شب‌پره‌های سیاه بیشتر خورده می‌شد هیچ‌گاه بچه شب‌پره‌های سیاه زیادی هم زاده نمی‌شد. زمان گذشت و اتفاقی جالب رخ داد. کارخانه‌های بزرگی در شهر نزدیک جنگل شب‌پره‌ها ساخته شد. دود سیاه تیره‌ای از دودکش‌های غول‌آسا به بیرون تنوره کشیده و هوای نزدیک شهر را بسیار کثیف ساخت. در واقع از کثیفی دود کارخانه‌ها پوسته درختان جنگل شب‌پره‌ها به طول کامل به رنگ سیاه در آمد.

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

این کار شرایط را برای شب‌پره‌ها کمی متفاوت ساخت. فکر می‌کنید چه چیزی تفاوت کرد؟ اینک دیگر شب‌پره‌های سیاه بر روی شاخه‌های درختان سیاه‌رنگ کمابیش به طور کامل نامرئی بوده و شب‌پره‌های فلغلی با رنگ روشن به آسانی دیده می‌شد. خوب شاید بتوانید حدس بزنید چه رخ داد. پرنده تنها چیزی را می‌خورد که می‌توانست پیدا کند، پس حالا کدام شب‌پره را می‌خورد؟ درست است: شب‌پره‌هایی با رنگ روشن! بعید نیست که شب‌پره‌های سیاه کمی از این موضوع خوشحال بشوند: اینک بچه‌های بیشتری هم‌رنگ آن‌ها می‌توانست از تخم در آید و روی شاخه‌های سیاه‌رنگ درختان از چشم پرندگان پنهان بماند.

نزدیک به دویست سال بعد مردم متوجه بودند که کمابیش همه‌ی شب‌پره‌های در جنگل سیاه بوده و تنها شمار اندکی از آن‌ها خاکستری روشن است. شب‌پره‌ی تغییر کرده بود تنها به این دلیل که محیط آن‌ها دگرگون شده بود.

مکمل با: «استتار شکار تخم» در برگ ۲۴۳-۲۴۱ در تربیت فارغ از اصول مذهبی. (۱۳)
(بنگرید به بخش منابع در زیر برای لینک‌های وبسایت‌های جالب با فعالیت‌های فراوانی پیرامون ذهن کاوش گر.)

بخش نخست: ذهن پرسشگر

منابع

اجتماعی/فرهنگی

سپاه صلح/آموزشگاه‌های جهان خردمند

www.peacecorps.gov/wws

یک منبع شگرف غنی از فعالیت‌ها و طرح درس در دانش، هنر، مسائل زیست‌محیطی، درک

میان فرهنگ‌ها و غیره - همگی با ویژگی جهان و بین‌المللی. سن ۹+

نشنال جغرافیا کودکان

www.kids.nationalgeographic.com

دریایی بی انتها از لذت. سن ۸+

برنج رایگان

www.freerice.com

مفاهیم و اندیشه‌هایی بسیار عالی. به رخ کشیدن دایره لغات و اشتیاق پایان جهان همزمان!

سن ۱۰+

اندیشیدن جانبی و معماهای ذهنی

پری، سوزان کی. ۱۴ زرنگ باش: راهنمای خانواده برای ثروتمند شدن، آموزش غیرعادی

فعالیت‌هایی برای سن ۱۴-۴۱۵، ویرایش اصلاح‌شده (میناپلیس، مینه‌سوتا: انتشارات فری اسپریت،
۲۰۰۱). اینک در سایت نویسنده به نشانی

www.bunnyape.com/other_books.htm در دسترس است. در این رابطه بنگرید به

یک مرور طولانی‌تر در منابع بخش ۵. یک کتاب بدون شک جالب.

14. Perry, Susan K.

15. Playing Smart: The Family Guide to Enriching, Offbeat Learning Activities for Ages 4-

14, revised ed.

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

آزمون ناممکن

یک آزمون آنلاین شادی آور شگفت‌انگیز پر از فرصت‌هایی برای اندیشیدن واگرا. در بسیاری از سایت‌ها قابل دسترسی است. عبارت «آزمون ناممکن^{۱۶}» را گوگلی کنید - سپس کار و بار سخت خود را برای امروز رها کنید... سن +۱۰

مغز سرخوش

www.funbrain.com

«سایت آموزشی درجه یک اینترنتی برای کودکان یک تا ۸ سال و آموزگاران.»

میدان تمرین جعبه ابزار همه کاره مغز و میدان چیستان

www.smart-kit.com

بازهای و چیستان‌های بسیار عالی متنوع شامل انیمیشن‌های فلش. موارد مورد علاقه‌ی شخصی: یورش توده‌ای، اگر توانستید این بازی را ول کنید.

کشف سرعت‌دهنده‌های آموزش مغز

www.discoveryeducation.com > School Resources > Brain Boosters

بیش از ۲۰۰ چیستان و معمای ذهنی در برگیرنده بخش بزرگی پیرامون اندیشیدن جانبی.

مرزهای نهایی

ناسا و سایت‌های وابسته

www.nasa.gov ناسا

www.education.nasa.gov آموزش ناسا

www.jpl.nasa.gov آزمایشگاه پیشرانه جت

بخش نخست: ذهن پرسشگر

ثمر دلارهای پرداخت شده به عنوان مالیات مردم امریکا به خوبی در این کار دیده می‌شود! سه سایت متفاوت جالب و ترکیبی. مقاله، بازی، چیستان، اخبار دانش، ویدئو، فعالیت و غیره. لینک‌هایی با عنوان آموزش، دانش‌آموز و برای کودکان را کلیک کنید.

هم چنین بنگرید به: تصاویر ناسا از گیتی

<http://imagine.gsfc.nasa.gov/index.html> > Teacher's Corner

موارد ویژه بری دانش‌آموزان دبیرستانی: پیوند کیهانی شما با عناصر چیست؟» پی‌دی‌اف قابل دانلود در گوشه منحصر آموزگاران.

فرگشت و ژنتیک

تماشاخانه‌ی چارلی

www.charliesplayhouse.com

یک شرکت تهیج‌کننده جدید که اسباب‌بازی و بازی‌های هوشمندانه می‌سازد و به کودکان درباره فرگشت آموزش می‌دهد از یک نمودار خط زمان نزدیک ۱۰ متری (۳۰ فوتی) از شکل‌های حیاتی مورد گفتگو تا بازی‌های جالب و شادی‌آوری تخته‌ای که شیوه کار کردن گزینش طبیعی را به نمایش می‌گذارد.

روز داوری: طراحی هوشمند در دادگاه

www.pbs.org/wgbh/nova/id

برنامه عالی پی بی اس که به شرح تفصیلی دادگاه کیتز میلر^{۱۷} بر علیه دوور^{۱۸} می‌پردازد، دادگاهی که نقطه عطفی به شمار می‌رود و جدی‌ترین ضربه سهمگین را به علم آفرینش وارد نمود. این برنامه را به طور کامل بر خط ببینید یا از منابع آموزشی عالی بهره ببرید.

پروژه ژئوگرافیک نشنال ژئوگرافیک

www.nationalgeographic.com/genographic

یک فرصت منحصر به فرد و بی‌همتا برای همکاری در پژوهشی پیشگام در الگوهای مهاجرت انسان‌ها. سفارش یک کیت آزمایش دی‌ان‌ای (DNA) را به سایت داده از برش دهنده ساده گونه

17. Kitzmiller

18. Dover

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

برای کندن سلول‌های خود استفاده کرده سپس آن‌ها را در لوله‌ای که برای پروژه‌ای ژئوگرافیک فراهم شده قرار داده و برای آزمایش بفرستید. آزمایشگاه با بررسی از نشانه‌های جهش در ژنوم شما، نیای بسیار دور شما را ردیابی کرده مسیر و زمانی که این نیاکان دور از آفریقا خارج شده را نشان می‌دهد. به خوبی ارزش بهای آن را (۹۹ دلار در هنگام نوشتن این کتاب) دارد. وبسایت این پروژه را برای اطلاعات تفصیلی این پروژه شگفت‌انگیز بررسی کنید.

دانش متفرقه

خبرهای دانشیک و علمی برای کودکان

www.sciencenewsforkids.org

یک وبسایت طلایی. بازدید کنید یا عضو شوید.

اکسپراتاریوم

www.exploratorium.edu

رابطه‌های ویژه:

treats: www.exploratorium.edu/brain_explorer (puzzles, illusions, memory games, and more) and www.exploratorium.edu/ronh/solar_system/all_bodies.html

هر اندازه‌ای را برای قطر خورشید در آن وارد کرده و قطر پیکره‌های دیگر سامانه خورشیدی و شعاع مدارهای دور خورشید را ببینید، بنابراین شما می‌توانید این فعالیت را با خورشیدی با هر قطری انجام داده و فاصله و اندازه بقیه پیکره‌های سامانه خورشیدی را دریافت کنید.

فلسفه/عمومی

کلوب فلسفه/کافه‌ی سقراط

www.philosopher.org

بر روی «Philosopher's Club» لینک برای فعالیت کودکان کلیک کنید.

Calkins, Lucy. *Raising Lifelong Learners* (New York: Da Capo, 1998).

یکی از منابع به راستی بزرگ برای پدر و مادرانی که آرزو دارند کودکانی با کنجکاوی سیری‌ناپذیر تربیت کرده و قصد پرورش و حفظ آن را در سراسر زندگانی دارند.

بخش نخست: ذهن پرسشگر

Zahler, Kathy. 50 Simple Things You Can Do to Raise a Child Who Loves to Read (New York: Arco, 1997).

یک پیوست کاربردی عالی برای کتاب کالکینز، ارزش بررسی دارد.

Galens, Judy and Nancy Pear. The Handy Answer Book for Kids (and Parents) (Canton, MI: Visible Ink, 2002).

یکی از بهترین کتاب‌هایی مرجعی که پاسخ‌های عمومی برای هر پرسش کودکان دارد. کتابی به خوبی سازمان‌بندی شده، جذاب و سودمند و با قابلیت جستجو برای ارجاع خاص. هر چیزی از دانش تجربی («سیاهچاله چیست؟») «چرا راسوی آمریکایی بوی گند می‌دهد؟» «سن زمین چقدر است؟» - به همراه پاسخ‌های درست و صحیح گرفته تا دانش‌های اجتماعی («هم‌جنس‌گرایی چیست؟» - شامل یک تودهنی عالی به هوموفوبیا - هم‌جنس‌گرا هراسی) و پرسش بزرگ («وقتی بمیرم کجا می‌روم؟» «خدا کیست؟»). سن ۱۰ سال و بیشتر

منابع دیگر

هم چنین بنگرید به کتاب‌ها و بررسی ویدئوهای زیر در تربیت فارغ از اصول مذهبی:

McNulty, Faith. How Whales Walked into the Sea (New York: Scholastic Press, 1999). Ages 6-12.

McCutcheon, Marc. The Beast in You!—Activities & Questions to Explore Evolution (Charlotte, VT: Williamson, 1999). Ages 8-12.

Lawson, Kristan. Darwin and Evolution for Kids—His Life and Ideas with 21 Activities (Chicago: Chicago Review Press, 2003). Age 12+.

Peters, Lisa Westerberg. Our Family Tree: An Evolution Story (New York: Harcourt Children's, 2003). Ages 4-9.

Gamlin, Linda. Eyewitness: Evolution (New York: DK Children, 2000). Ages 10-14.

Pfeffer, Wendy. A Log's Life (New York: Simon and Schuster Children's, 1997). Ages 4-8.

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

Couper, Heather, with Nigel Henbest. *Big Bang–The Story of the Universe* (New York: Dorling Kindersley, 1997). Ages 12–18.

Bailey, Jacqui. *The Birth of the Earth from The Cartoon History of the Earth series* (Tonawanda, NY: Kids Can Press, 2001). Ages 9–12.

Walking with Cavemen (London: BBC, 2003). Age 8+.

Walking with Dinosaurs (London: BBC, 1999). Age 10+.

Intimate Universe: The Human Body (London: BBC Warner, 1998). Age 6+.

Evolution, PBS series (Boston: Clear Blue Sky Productions, 2001). Age 12+.

یادداشت‌ها

1. Jurmain, Robert, et al., *Introduction to Physical Anthropology* (New York: Thompson Wadsworth, 2005), p. 374.

2. Smith, Jeremy Adam, “Households to the Right of Me: Going Behind Closed Doors in Christian Right Households,” www.AlterNet.org, April 11, 2008. See also Smith’s phenomenal blog *Daddy Dialectic* at www.daddy-dialectic.blogspot.com. Accessed May 2, 2008.

3. Used here in its modern sense. The ancient Greek philosophy of Cynicism has little in common with current usage.

4. Look into the absolutely heartbreaking story of French astronomer Guillaume Le Gentil, preferably as told by Bill Bryson in *A Short History of Nearly Everything* (New York: Broadway Books, 2003).

5. Dale McGowan, "Santa Claus—The Ultimate Dry Run," in *Parenting Beyond Belief* (New York: AMACOM Books, 2007), p. 89.

6. Woolley, J.D. and J. Van Reet, "Effects of context on judgments concerning the reality status of novel entities," *Child Development*, 77, (6) (2006), quoted at ScienceDaily. Accessed May 2, 2008, from www.sciencedaily.com/releases/2006/11/061116114522.htm

۷- آفرینش‌گراها ابطال فرضی شب‌پره فلفلی را به عنوان توهم‌گزینش طبیعی در بوق کرده و اشاره به اشتباهات گوناگونی می‌کنند که در آزمایش‌های اولیه یافت شده است. ولی آزمایش‌های بعدی فرضیه اصلی را تأیید می‌کند. در کتاب شب‌پره‌ها (London, UK: Collins New) (Naturalist, 2002) مایکل ماجیروس^{۱۹} در مطالعات میدانی این هماهنگی را چنین جمع‌بندی می‌کند: «من اعتقاد راسخ دارم، بدون استثنا، این دیدگاه ما است که در مورد سیاه‌چرذگی در شب‌پره‌های فلفلی هنوز در عمل یکی از بهترین نمونه‌های فرگشت، به وسیله‌گزینش طبیعی است.»

8. Although he often cited this analogy, its first mention was in *The Dragons of Eden* (New York: Ballantine Books, 1977).

9. Wingrove, Rick, "The Assertive Atheist." Accessed April 18, 2008, from www.flamewarrior.com

10. This marvelous exercise is adapted from Cassidy, John, *Earthsearch* (Palo Alto, CA: Klutz, 1994).

11. "Basics for the Non-Scientist," TRIUMF website, Canada's National Laboratory for Particle and Nuclear Physics. Accessed May 8, 2008, from www.triumf.ca/welcome/basics.html

19. Michael Majerus

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

12. See Mayor, Adrienne, *The First Fossil Hunters* (Princeton, NJ: Princeton University Press, 2000) for an excellent description of this phenomenon in Ancient Greece and Rome.

13. Originally in Chapter 6 of Kristan Lawson's *Darwin and Evolution for Kids* (Chicago: Chicago Review Press, 2003).

اخلاقی بودن و آموزش اخلاق در خانواده مالین ماتسوما را

تا از لوئیس کلرمن^۱ که برای مدت درازی رهبر فرهنگ اخلاقی^۲ بوده، بپرسید زمانی که او برنامه آموزش اخلاق برای کودکان را به راه انداخت چه اندیشه‌ای داشت، خواهد گفت «کسی که این کار را انجام می‌دهد بیش از یک کلاس آموزشی به راه انداخته - او فرهنگی را می‌سازد که رشد ارزش‌های انسانی را تغذیه می‌کند. حتا کوچک‌ترین جزییات مایه و باعث تفاوت می‌شود. برای نمونه در آموزشگاه یکشنبه انجمن انسان‌گرا در پلو آلتو^۳ ما به دو دلیل کودکان را وادار به از پا در آوردن کفش می‌کنیم: این روشی غیر زوری و مؤثری است که کودکان را از دویدن به این سو و آن سو و آسیب رساندن به خود در زمان‌های ویژه آیینی باز داشته و هم چنین این کار درآمیخته ساختن کرداری آشنا برای بسیاری از کودکان آسیا-آمریکایی در گروه است. البته هنگامی که کسی چهارچوبی را برپا می‌سازد ناچار خواهد بود آن را نگه دارد.» همین نکته درباره خانواده‌ها نیز تصدیق می‌شود.

1. Lois Kellerman

2. Ethical Culture

3. Palo Alto

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

پدر و مادران آزاداندیش در نهایت امیدوارند کودکانی را تربیت کنند که اندیشمندان مستقلی باشند. آن‌ها کمابیش همیشه اعلام می‌کنند، «بدون شک می‌خواهم کودکانی پرورش دهم که بااخلاق باشند، ولی نمی‌خواهم که مغز آن‌ها را شستشو دهم.» به‌هرحال هر آموزشی شستشوی مغزی نیست و آموزش درست، همان چیز است که کودک از سوی والدین نیازمند آن است. خانه جایی است که کودکان پیش از نخستین روز رفتن به مدرسه مهارت‌ها و گرایش‌های مهم - از زبان گرفته تا محافظت از خود و مهارت‌های اجتماعی - را تا حدودی فرامی‌گیرند. تنها به یاد بسپارید که آموزش (ارائه راهنمایی به کودکان ما هم زمان با یادگیری مهارت‌های زندگی) با تلقین (ریختن اندیشه‌ها در مغز آنان بدون نیتی برای به چالش کشیدن انتقادی) متفاوت است.

آزمایش‌های فراوان تأیید کرده که شیوه تربیت به شدت بر رشد اخلاقی کودکان مؤثر است. تربیت مقتدر (در مقابل سلطه‌گر) که مسئولیت را با انتظارات بیان شده با کلماتی بسیار دقیق و روشن به هم می‌آمیزد بیشترین موفقیت را داشته است. (۱)

پژوهشگران دریافته «یک تصویر پایدار از اثرات پرورش کودک... [] والدینی که گرایش به اقتدار خشن و دلبخواه بدون چون و چرا یا قدرت قاطع دارند... احتمال موفقیت کمتری نسبت به پدر و مادری دارند که تأکیدهای واقعی بر استقرا و خردورزی داشته هم چنین شاید برای پاسخگویی و درک دیدگاه کودکان می‌کوشند.» (۲)

- لری نوچی، مدیر
اداره مطالعات رشد اخلاق،
دانشگاه ایلینوی

بخش دوم: اخلاقی بودن و آموزش اخلاق در خانواده

یک نمونه قوی از تأثیر شیوه‌ی تربیت در رشد اخلاقی در کتاب شخصیت نوع‌دوست^۱ نوشته‌ی پژوهشگران ساموئل و پیرل اوایل‌نر^۲ یافت می‌شود. اوایل‌نر-ها بیش از ۷۰۰ مصاحبه با بازماندگان اروپای اشغالی توسط نازی‌ها - هم «نجات‌بخشان» (کسانی که فعالانه قربانی‌های شکنجه‌های نازی را نجات داده) و «غیر نجات‌بخشان» (کسانی در برابر آزار دیگران منفعل بوده یا به طور فعال در این آزارها شرکت داشتند) - را برنامه‌ریزی و اجرا کردند. این مطالعه تفاوت‌های ژرفی در تربیت دو دسته را آشکار ساخت - در هر دو مورد زبان و فعالیت‌هایی که پدر و مادران برای آموزش ارزش‌های خود به کار گرفته بودند.

شاید چیز شگفت‌انگیز نباشد که اخلاق بزرگسالان بازتاب آموزش اخلاق آن‌ها در زمان بچگی باشد. آنچه برخی را دچار شگفتی می‌کند باورهای سنتی فرضی درباره آموزش اخلاقی، این است که کدام نوع از آموزش اخلاق به کدام نتیجه می‌انجامد.

افراد غیر-نجات‌بخش به احتمال بیست‌ویک درصد بیشتر از افراد نجات‌بخش در خانواده‌هایی پرورش یافته که بر اطاعت تأکید کرده - قوانین به آن‌ها تحمیل و اطاعت بدون چون و چرا خواسته شده - در حالی که افراد نجات‌بخش سه برابر بیشتر از غیر نجات‌بخش‌ها «خردورزی» را هم چون یکی از عناصر آموزش خود دانسته‌اند. نویسندگان اعلام کرده که «روشن ساختن و توضیح کامل» «عبارت مورد علاقه‌ی بیشتر افراد نجات‌بخش» هنگام توصیف کردار والدین خود در منتقل ساختن مفاهیم اخلاقی و قوانین بود. (۳)

در پژوهش‌های میان فرهنگی اداره مطالعات رشد اخلاقی در دانشگاه ایلینوی، شیکاگو هم نتایج اوایل‌نر-ها و هم نقش کانونی که خود کودکان در رشد اخلاقی خود داشته، مورد تأیید قرار گرفته است. در فرهنگ‌های سراسر جهان کودکان گرایش به رسیدن به نقطه‌های عاطفی قابل اتکایی در رشد اخلاق در زمان مناسب داشته و بر طبق گفته‌های پژوهشگر پیشگام لری نوچی به آنچه پدر و مادر انجام می‌دهند یا نمی‌دهند، ربطی ندارد. نوچی می‌گوید، «کودکان این دین را داشته یا آن دین را یا حتا اگر هیچ دینی نداشته باشند درکی یکسانی از اخلاق دارند.»

1. The Altruistic Personality

2. Samuel and Pearl Oliner

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

تنها یک استثنا بزرگ در این میان وجود دارد راهی که والدین در واقع رشد اخلاقی کودکان خود را به تعویق می‌اندازند، وی می‌گوید: «اگر ساده گرفته شده و تلقین شود، بدتر از این است که هیچ کاری نکنیم. این روش در رشد اخلاقی مداخله می‌کند.» (۴)

روشن گشته که شیوه‌ی پافشاری شده در آموزه‌های محافظه‌کار دینی که آن را در آموزش اخلاق بسیاری حیاتی می‌دانند- یعنی آموزش اطاعت بدون چون‌وچرای از قوانین «مطلق»- پست‌ترین نوع خلاقیت است که ما انسان‌ها می‌توانیم برای رشد اخلاقی کودکان انجام دهیم.

در عوض بهترین کاری که پدر و مادر می‌توانند انجام دهند تشویق کودکان برای درگیر شدن فعال در رشد اخلاق خودشان- با پرسیدن پرسش، به زیر پرسش کشیدن پاسخ‌های دریافتی و سخت‌کوشی برای درک دلیل خوب بودن- است. ماروین برکوویتس^۳ استاد آموزش شخصیت در دانشگاه میزوری به روشنی آن را چنین بیان کرده: «سودمندترین شکل آموزش شخصیت تشویق کودکان به اندیشیدن مستقل است.» (۵)

شیوه تربیت «مقتدر» که ریشه در مهربانی و روشنگری دارد موفقیت خویش را در پرورش کودکان با اخلاق نشان داده است. چه چیزی می‌تواند بیشتر با فرهنگ خانواده سازگار باشد غیر از اصول انسان‌گرایی عشق و خرد؟

پرسش و پاسخ

پرسش: اخلاق انسان‌گرایی چیست؟

پاسخ: اخلاق انسان‌گرا بر دو پایه اصلی و عمده بنا شده: خرد و مهربانی. ضرورت دارد که پدر و مادران فهرستی از ارزش‌هایی را تهیه کرده که خانواده آن‌ها را در کاروبار و امور روزمره راهنمایی کرده و به کودکان در رشد به یک انسان اخلاقی کمک می‌کند. برای نمونه ما به کودکان یاد می‌دهیم که نوبت را رعایت کنند زیرا برای ما منصف بودن ارزشمند است (نه چون

3. Marvin Berkowitz

بخش دوم: اخلاقی بودن و آموزش اخلاق در خانواده

«این یک قانون» است). هر کسی می‌تواند ارزش‌ها را بسیار مؤثرتر آموزش دهد اگر آن‌ها را به صورت گفته‌های خود در آورده و برای خودش تصمیم بگیرد کدام یک دارای اهمیت بیشتری است.

با ارزش‌های کلی مورد قبول آغاز کنیم. پس از پژوهشی سخت نهاد اخلاق جهانی^۴ پیرامون ارزش‌های مورد ستایش جوامع در گوشه و کنار جهان، فهرست کوتاه زیر برای ارزش‌های اساسی انسانی به دست آمده:

- راستگویی و صداقت
- احترام
- مسئولیت
- انصاف
- همدردی (۶)

پرسش‌هایی پیرامون این فهرست وجود دارد که پرسیدن آن‌ها می‌تواند به هر کسی برای افزودن اصول ویژه انسان‌گرایی کمک کند. برای نمونه: آیا احترام مختص اولیای امور است یا شامل همه‌ی افراد خانواده و جامعه می‌شود؟ آیا «صداقت و راست‌گویی» شامل صداقت و راست‌گویی ذهنی نیز می‌شود؟ (۷)

گزیده‌ها زیر از «ارزش‌های کانونی» جامعه اخلاقی از آموزشگاه‌های یکشنبه سنت لوییس (۸) نمایشگر اندیشه انسان‌گراست:

- هر شخصی مهم و بی‌همتا است.
- من می‌توانم از هر شخصی یاد بگیرم.
- من بخشی از زمین هستم.
- من با به کار گرفتن منطق، عقل و حواس از جهان پیرامون خودم یاد می‌گیرم.

4. Institute for Global Ethics

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

- من عضوی از جامعه جهان هستم.
- آزادم که هر چه می‌خواهم بپرسم.
- من آزادم اعتقادات خویش را برگزینم.
- من مسئولیت انتخاب و کنش‌های خود را می‌پذیرم.

عبارت‌های «من آزادم اعتقادات خویش را برگزینم» و «آزادم که هر چه می‌خواهم بپرسم»، را با آموزه گناه دانستن اندیشیدن غیر سنتی، مقایسه کنید. شاید بخواهید برخی ارزش‌ها را با کلمات دیگری نوشته یا ارزش‌های دیگری بیفزایید، مانند «فروتنی» یا «شک‌گرایی و اندیشیدن مستقل». شاید خانواده‌ای بخواهد بر زیستن پایدار تأکید کرده درحالی‌که خانواده دیگری بر فعالیت‌های اجتماعی تأکید می‌کند. نتیجه یک نگرش اخلاقی جور شده برای خانواده شما خواهد بود که به گستردگی در مفاهیم اخلاق انسان‌گرا سهیم بوده ولی آگاهانه و به وسیله خود شما به طور انفرادی نیرو می‌گیرد - مجموعه‌ای از «ارزش‌های خانوادگی» که این گام را معنای شخصی نابی می‌دهد. بعید نیست در گذر سال‌ها هم چنانکه کودکان شما رشد کرده و در کنار هم دیگر یاد می‌گیرید این نگرش با ظرافت دگرگون شود.

یک یادآوری مهم: اخلاق تنها پیرامون رفتار شما با انسان‌های دیگر نیست بلکه درباره رفتار شما در رابطه با خودتان نیز هست. از احترام به نفس در کودکان حمایت کرده و کمک کنید تا آن‌ها حس کنند که اشتیاق و لذت بهترین رویکرد برای این تنها یک‌بار زیستن است.

پرسش: تربیت من در حوزه اخلاق کمابیش سیاه یا سفید بوده است. این مورد حتا برای دوستان پرورش یافته در خانواده‌های مذهبی بدتر نیز هست و هر چیزی برحسب تقلید از عیسا و پرهیز از نفوذ شیطان. دیده می‌شود. آیا می‌توانید به من درک بهتری از چگونگی کارکرد و کنش رشد اخلاقی بدهید - چیزی که جای سفید و سیاه را بگیرد؟

پاسخ: بدون شک رویکرد بهتری نیز وجود دارد. شما می‌توانید از توانایی‌های مادرزادی کودک برای رشد وی به یک شخص اخلاقی بهره‌برداری کنید. البته این امر وابستگی بسیاری به مرحله‌ای دارد که کودک در رشد اخلاقی به آن رسیده است. یکی از سودمندترین

بخش دوم: اخلاقی بودن و آموزش اخلاق در خانواده

چهارچوب‌های رشد اخلاقی برای والدین مدل شش مرحله‌ای لارنس کلبرگ^۵ است. (۹) ترس از کیفر و تنبیه در گام نخست که با امید به پاداش ادامه پیدا می‌کند. کودکان کوچک‌تر از ۲ سال به ندرت توانایی به کارگرفتن منطق اخلاقی بالاتر از چنین انگیزه‌هایی هستند.

بیشتر کودکان به تندی به مرحله سوم گام می‌گذارند: گرایش اجتماعی به پذیرفته شدن و پرهیز از پذیرفته نشدن به ویژه از سوی پدر و مادران خود. این دلیل آن است که چرا بچه‌ی کودکستانی به طور کلی هنگام ناراحتی مامانش از کار او بسیار سراسیمه و گیج می‌شود.

مرحله‌ی چهارم تشخیص ارزش قانون و قواعد است. شایعه‌پراکن‌های دوم دبستانی و آقا اجازه‌های چهارم دبستانی به طور ژرفی در این مرحله هستند، مرحله‌ی که قوانین رعایت می‌شود زیرا قانون است. بسیاری از بزرگ‌سالان هرگز از این مرحله به مرحله پنجم، مرحله «قواعد اجتماعی» گام نخواهند گذاشت که در آن هنوز به قوانین و قواعد دل‌بستگی وجود دارد ولی درک می‌شود که آن‌ها به دلیل نظرات اکثریت و همگرایی ساخته شده و در صورت دگرگونی هم‌رایی و وفاق عمومی آن‌ها نیز تغییر می‌کند.

مرحله‌ی ششم از رشد اخلاقی هنگامی به دست می‌آید که یک فرد با اصول جهانی اخلاق پیوند داشته باشد - یعنی اصول اخلاقی که از یک جامعه یا چهارچوب فرهنگی فراتر می‌رود - و گاهی تمایل دفاع از این اصول با به جان خطر خریدن کیفر و تنبیه، نارضایتی یا حتا مرگ وجود دارد.

هنگام اندیشیدن پیرامون این شش مرحله سه مورد را در ذهن داشته باشید. نخست استدلال اخلاقی هم‌زمان با دیگر گونه‌های آگاهی و استدلال رشد می‌کند. یک مطالعه روشن ساخته که کودکان تا مرحله‌ای میان سن ۳ تا ۵ سال درک نمی‌کنند که شخص دیگری می‌تواند اعتقاداتی داشته باشد که کودک آن را نادرست می‌داند. (۱۰) تا زمانی که کودکان به این نقطه نرسند به طور کامل در نمی‌یابند که امکان دارد شخصی به آن‌ها دروغ بگوید.

5. Lawrence Kohlberg

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

دوم، کودکان توانایی خود را برای درک احساسات و احتیاط درباره احساسات دیگران را به طور هم‌زمان گسترش می‌دهند. همان کودک ۲ ساله‌ای که می‌کوشد تا دوست گریان خویش را آرام سازد شاید ده دقیقه بعد کاری کند که همان دوست را گریان سازد. سوم و نکته آخر این مراحل دگرگون‌پذیر و در برابر نفوذ باز است. ما می‌خواهیم کودکان خود را برای رسیدن به مرحله بعد تشویق کرده ولی بعید نیست که در هر مرحله‌ای شخص بر پایه مرحله دیگری کنش کند. برای نمونه شخصی که کمابیش همیشه بر پایه اصول رفتار می‌کند در زمان‌های دیگر شاید شیوه رفتاری خود را بر اساس اندیشه‌های دیگران برگزیند. بعید نیست که شخص پیروی اصول هنوز هم در برابر پاداش و تنبیه واکنش کند و نوجوانان فرهیخته در مرحله‌ی پنجم چون پدر و مادرش شیوه اخلاقی وی را در آن زمان تأیید نکرده‌اند، حتا اگر این عامل توان بالقوه آن زمان خود را نداشته باشد، باز هم شاید هنوز احساس درد شدیدی و ناگهانی از آن گناه را داشته باشد.

پرسش: کدام روش‌های انضباطی بیشترین سازگاری را با اخلاق انسان‌گرا دارد؟

پاسخ: «انضباط» می‌تواند به معنای «روشی برای اطاعت» یا «روشی برای آموزش» باشد. این تفاوت مهم است: روش انضباطی هر شخصی علامت نیرومندی درباره چگونه کنش شخص می‌فرستد. در جریان عادی زندگی روزمره و شتاب‌زدگی ما فراموش می‌کنیم که هر کاری که می‌کنیم در حال آموزش ارزش‌ها هستیم. برای نمونه گفتن «یادت نرود که پسماند را بیرون ببری» یک جور یادآوری برای انجام مسئولیت بوده و این موضوع را یادآوری می‌کند که هر یک از اعضای خانواده نقش مهمی در این میان دارد.

پنج گام^۶ انضباط انسان‌گرایی در زیر آمده است:

مثال زدن، مدل رفتاری که شخص آن را تشویق می‌کند. شنیدن یک‌بار

«سپاسگزارم» بسیار مؤثرتر از هزار بار یادآوری برای سپاسگزاری از دیگران

6. در زبان انگلیسی حرف نخست همه‌ی این مراحل با ایی انگلیسی آغاز می‌گردد Five Es

بخش دوم: اخلاقی بودن و آموزش اخلاق در خانواده

است. در مورد بچه‌های کوچک یا فعالیت‌های تازه، تنظیم یک مثال یا نمونه بیش از دستور دادن یاد می‌دهد. میز را با کمک هم تنظیم کنید تا روشن شود این کار چگونه انجام می‌شود؛ بعد کودکان می‌توانند در این وظیفه مشارکت داشته یا به نوبه خود آن را انجام دهد. برای مثال هنگام صبحانه یکی از بچه‌ها میز را می‌چیند، یکی نان برشته می‌کند و همین طور تا آخر.

توضیح: توضیح به کودکان آموزش می‌دهد که به جای تنها فرمان‌برداری از مرجع چشم به راه دلیل برای قوانین باشند. در همین زمان آن‌ها آغاز به ارائه دلیل برای کردار خویش می‌کنند. زمانی که وقت برای توضیح نیست قول توضیح در زمان دیگری داده می‌شود؛ نگه داشتن وعده مایه اعتماد شده و بر ارزش داشتن یک دلیل برای کنش انجام شده از سوی کسی تأکید می‌کند: از خیلی کوچکی آغاز کنید یک توضیح گاهی به سادگی «نه - داغ است» می‌باشد.

تشویق: تشویق با ستایش متفاوت است. ستودن آنچه را شما از کودک می‌خواهید تأیید کرده ولی می‌تواند باعث دل‌سردی از رفتار قابل ستایش شود. تشویق از اهداف و کوشش‌های کودکان شما قدردانی می‌کند. ستایش اغلب یک ارزیابی کلی است تشویق موردی است. (۱۱) عبارت «عجب ورزشکاری هستی! من به تو افتخار می‌کنم!» را با «وای ده دور! همه‌ی تمرین‌هایی تو خودشان را در اینجا واقعاً نشان داده» مقایسه کنید. عبارت نخست به‌جز مشکلاتی دیگری که به وجود می‌آورد شاید مایه سردرگمی کودک شما شود، «آیا اگر روزی بیرون باشم باز هم به من افتخار خواهد کرد؟» عبارت دوم پشتیبانی را از کوششی که انجام شده اعلام کرده و این تغییر نمی‌کند.

همدلی: همدلی احساسات و اندیشه‌های کودک شما را به میدان می‌آورد شامل همه چیزهایی که می‌توان در این سن از آن‌ها انتظار داشت. برای نمونه زمانی کودک سه‌ساله‌ی من یک عروسک سرامیکی را شکست این کار وی نه از بی دقتی بلکه از روی ناآگاهی بود. فکر کرده بود که فلزی است. هنگامی که

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

بچه‌ای ده‌ساله فریاد می‌زند، «شما که هر کاری دلتان خواست کردید!» پس از یادآوری کارهای روزمره، از جنگ لفظی پرهیز کرده و ندا بدهید که احساسات وی را درک کرده‌اید: «انگار موفق نشدی و خلاصه اینکه این کار باید انجام بشود هنگامی که نقاشی خودت را تمام کردی.»

تعهد: کودکان را در تصمیم‌های خانوادگی درگیر سازید، از انجام کار تفریحی در آخر هفته تا تصور پیامدهای رفتاری نادرست. آن‌ها گفتگو و مهارت تصمیم‌گرفتن را خواهند آموخت و احترام بیشتری برای تصمیمی که با کمک آن‌ها گرفته شده خواهند داشت.

پرسش: این پنج مرحله بسیار خوب است ولی گاهی بهترین رویکرد همان رویکرد کهن پاداش و تنبیه است... این طور نیست؟

پاسخ: بارها برای ما انسان‌ها پیش می‌آید تا بالاترین آرمان‌های خود را چیزهایی مانند زیاده‌روی در تجملات در آب و هوایی بهشتی دیده و با سخت شدن اوضاع از آن دست بکشیم. آزادی بیان به طور کامل خوب است ولی خرد و عقل نتیجه می‌گیرد - نه در زمان جنگ. استدلال همانندی می‌گوید، «توضیح دادن برای بچه عالی است - مگر اینکه او خارج از کنترل باشد در نقطه‌ای که تنها یک کتک زدن خوب کارها را راست و ریس می‌کند.»

بی‌خود است. مگر اینکه عمدی بخواهیم بر اساس آرمان‌های خویش آن هم در چالش‌برانگیزترین هنگام کنش کنیم، ارزش پافشاری را ندارد حتا در یک زمان خوب. خوشبختانه اصول همان‌قدر که سخت و انجام‌شدنی است که ما به آن‌ها تعهد داریم.

این «پنج گام» کاربردهای عملی از

«کمابیش همیشه بالاترین وظیفه اخلاقی دور انداختن رفتارهای اخلاقی منسوخ مربوط به آرمان‌ها کم‌خطرترین روش برای تربیت کودکانی است که نه تنها در همان لحظه گذشته‌هاست.»

- کورلیس لامونت

بخش دوم: اخلاقی بودن و آموزش اخلاق در خانواده

بلکه در درازمدت بر پایه این اصول زندگی
خواهند کرد.
فیلسوف انسان‌گرا

بدون شک در جهانی مطلوبی زندگی نمی‌کنیم. ولی در رشد اخلاق پاداش و تنبیه ابزارهایی کمتر کارآمدی است زیرا تمرکز آن بر نیروی و توانمندی شخصی است که از او صادر می‌شود، مانند خدا که انسان‌ها را با پاداش یا عذاب ابدی کنترل می‌کند. بهتر است که بر تجربیاتی تمرکز شود که برای تبدیل شدن به یک انسان اخلاقی متکی به خود به کودکان کمک می‌کند تا اینکه تنها رفتار خوبی داشته باشند با انجام کاری که به آن‌ها گفته می‌شود. بچه‌ها بهترین یادگیری را از تجربه کردن پیامدهای مثبت و منفی کردار خود به دست می‌آورند.

کمک به یادگیری کودکان از پیامدهای رفتار خویش معادلی برای پنج گام نیست. شایان دوباره گفتن است - پیامدها یک ابزار است و پنج گام بنیادهای آن است. این نکته مهم است که اهداف خویش را برای کودکان توضیح داده و کودکان خود را درگیر فرایند رسیدن به آن آماج‌ها نمایید. برای نمونه دلیل خاموشی شبانه دلواپسی شما برای سلامت کودکان است ولی با بزرگ شدن کودکان زمان و شرایط آن قابل گفتگو می‌شود.

سوای مثبت یا منفی بودن پیامدها شاید پیامدها طبیعی، منطقی یا دلبنوازه (که همیشه هم بد چیزی نیست) باشد. اگر کودک شما یک اسباب‌بازی را از روی خشم یا بی‌دقتی با زدن به دیوار شکست، یک پیامد طبیعی آن شاید جایگزینی با تأخیر آن یا امتناع از جایگزین کردن آن باشد (به ویژه اگر وضعیت همانندی پیش‌تر به وجود آمده باشد). راهی دیگری نیز هست و آن گفتگو با کودک برای همکاری در تعمیر آن است.

گاهی اجازه نمی‌دهیم که «پیامد طبیعی» رخ دهد. اگر کودک شما اسباب‌بازی‌ها را روی پله‌ها رها کرده که شاید شخصی با پا گذاشتن روی آن‌ها آسیب ببیند، ناچار خواهید بود به یک کردار بازدارنده دست بزنید. اگر اغلب اسباب‌بازی‌ها را روی پله جا می‌گذارد، یک پیامد منطقی می‌تواند برداشتن هر اسباب‌بازی است که شما روی پله‌ها می‌یابید و نگاه‌داشتن آن‌ها باشد تا زمانی که دلیلی بیابید که کودک دست‌کم کوششی برای تغییر خود کرده است.

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

یک پیامد دلخواه هیچ ارتباط منطقی یا طبیعی با کنش که باعث آن شده ندارد. اگر پیامدی منفی باشد شاید به نگر نامنصفانه رسیده و به اندازه انضباط کمک کننده به نظر نرسد. برای نمونه محروم کردن نوجوان از تلویزیون، اینترنت و زندانی کردن در اتاقش چون از مهمانی دو ساعت دیر بازگشته یک پیامد منطقی است (هر چند که شاید وحدت و همراهی در مدت زمان طول دادن آن وجود نداشته نباشد). ولی محروم کردن نوجوان از تلویزیون، اینترنت و زندانی کردن در اتاقش برای پرداختن بیش از اندازه به یک بازی و فراموشی چیدن میز سر وقت یک افراط غیرمنطقی است. پیامدهای منطقی (که البته جای گفتگو هم دارد) می تواند افزودن یا جایگزینی وظیفه دیگری مانند شستن بشقابها یا گرفتن موقت بازی مختل کننده تا زمانی که در این روند شما دو طرف موافقت کنید که کارهای روزمره را سر وقت انجام گیرد.

گاهی پیامد مثبت دلخواه مناسب و خوب است. ما بزرگسالان آنها را برای خودمان نیز به کار می‌بریم؛ مثال، «من زحمت سیگار نکشیدن خود را با گرفتن یک سی دی برای هر هفته‌ای آغاز می‌کنم که آن هفته را بدون سیگار سر می‌کنم.» چرا این شیوه را به کودکان یاد ندهیم که به خویش برای انجام کاری ضروری ولی ناخوشایند یا بدون پاداش انگیزه بدهند؟

پیامدهای مثبت می‌تواند انسان را به قلمروهای دشواری بکشاند. فرض کنید کودک شما سخت تمرین می‌کند تا مهارت تازه‌ای را یاد بگیرد برای نمونه بهتر گرفتن راکت یا یاد گرفتن یک قطعه سخت پیانو. پیامدهای مثبت طبیعی شاید همراه با غرور برای استادی در مهارتی یا به صورت «تچان» از خشنودی در انجام کاری با کوشش کمتری همراه باشد (در بخش پنج درباره تچان جزئیات بیشتری آمده است). شاید پیامد منطقی پاداش‌هایی مانند برگزیده شدن برای تیم مسابقات، برنده شدن یک بورس تحصیلی یا رسیدن درخواستی برای نواختن در مهمانی دوستان را دربرگیرد. نمونه آخر نشان می‌دهد که چگونه استدلال پاداش می‌تواند با یک تجربه درهم آمیخته شود. بدون شک شخص نباید موسیقی را به طور نامتعارفی خوب بنوازد تا بتواند با کمک به دوستی برای داشتن چند ساعت خوب لذت ببرد.

بخش دشوار قضیه زمانی است که کودک حس کند شرط خوب نواختن تأیید والدین یا پذیرش دوستانش است. احساس به خود بالیدن زمانی که کودک شما موفق است به طور

بخش دوم: اخلاقی بودن و آموزش اخلاق در خانواده

اجتناب ناپذیری طبیعی جلوه می‌کند ولی پشتیبان از کودک زمانی که او کوشش کرده ولی کاروبار آن طور که امید می‌رفته درست پیش نرفته نیز درست به همان اندازه اهمیت دارد.

پرسش: چگونه می‌توانم به کودکم برای داشتن بیشترین رشد حس همدردی کمک کنم؟

پاسخ: نخست به کودک در رشد «سواد هیجانی»^۷ - تشخیص، ابراز، احترام و پاسخ به احساسات خود و انسان‌های دیگر - کمک کنید. به همراه بچه‌های کوچک احساسات را نام ببرید: احساسات آن‌ها، خودتان یا احساسات شخصیت‌های داستان و افرادی که بچه‌ها آن‌ها را می‌شناسند. («غمگین به نظر می‌رسی.») «من خیلی خوشحالم، نمی‌توانم جلوی خنده‌ام را بگیرم.» «گویا درد می‌کشد.») بعید نیست که با آمیخته‌ای از احساسات روبرو شویم بنابراین درباره این احساسات به هم آمیخته نیز گفتگو کنید.

درباره احساسات قضاوت نکنید. برای نمونه، خشم به‌خودی خود بد نیست اگرچه بعید نیست که در زمان آشکار شدن مهمان ناخوانده‌ای باشد. همان گونه که کودکان بزرگ می‌شوند به آن‌ها کمک کنید تا درک کنند که آشکارترین هیجان شاید تنها هیجان و احساسی نباشد که شخص دارد. برای نمونه کردار خشم‌آلود شاید نشانه‌ای از جریحه‌دار شدن احساسات باشد. دانستن این موضوع، دادن پاسخ مناسب‌تر را امکان‌پذیر می‌سازد.

پیاده‌رو اخلاق

در یکی از روزهای تابستان (ژوئن) من از ایوان جلوی خانه‌ام دینی دختر ۵ ساله‌ام را تماشا می‌کردم که درسی اخلاقی گرفت درسی که موضوع آن برای سده‌ها بسیاری فیلسوفان را سردرگم و حیران ساخته است: له و لورده کردن مورچه‌ها. کانر برادرش - یک پسر یازده ساله و به شدت و به معنای واقعی کلمه مخالف سقط جنین - او را دید که به شدت مشغول پا کوفتن در مسیر مورچه‌ها در پیاده‌رو جلوی خانه است.

فریاد کشید، «لنی، نکن نه!»

7. Emotional literacy

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

دخترم همان‌طور که پا می‌کوبید، پرسید «چرا نکنم؟»

برادرش بریده بریده زیر لب گفت «موجودات دیگری غیر از تو نیز وجود دارند» سپس نیش خندی مطابق بهترین نمونه آن در چهره‌اش پدیدار شد. پای خودش را بالا آورده و به کف کفش اشاره کرد. «خوب، اینجا، زیر پاهات دختر کوچولوهای دیگری هم هستند!»

دلینی جیغ کشید و فرار کرد. می‌شود این‌طور تصور کرد: مورچه‌ها فریاد هورای کشیده و میمونی که پای خود را به سوی میمون دیگر نشانه رفته بود وارد اسطوره‌های این کلنی مورچه شد.

پسرم با استفاده از منطق معیوب حریف یک فن بزرگ انتقادی اندیشیدن را به کار گرفته تا یک نمونه خلاف خنده‌دار بسازد. من بیرون گود سرگردان بودم که آیا توانسته مؤثر و کارا باشد.

چند روز بعد که من آخرین جعبه‌های اثاثیه را برای حرکت بار کرده پاسخ خودم را گرفتم. لنی در حالی که سرش پایین بود، بدون هدف کش می‌زد و مانند یک بچه‌ی بی‌حوصله در وسط تابستان راه می‌رفت سپس قصد خودش را برای «رفتن و له کردن چند تا مورچه» اعلام کرد.

گفتم «آهان.»

دختر ایستاد. «بله؟»

و سپس ادامه داد «خوب، نمی‌دانم. آیا کار خوبی به نظر می‌رسد یا نه؟»

دخترم شانه‌هایش را بالا انداخت.

«می‌دانی» من گفتم و ادامه دادم، «یک دقیقه در این باره بیندیش و بعد تصمیم

خودت را به من بگو.»

«باشد»، او آغاز به راه رفتن و اندیشیدن کرد.

می‌دانستم که دلینی پاسخ را دارد. هر انسانی پاسخ آن را می‌داند. مانند بسیاری از پرسش‌های ابتدایی اخلاقی، هنگامی که پای شما بالا می‌آید تا بر سر نقطه‌هایی که به تندی

بخش دوم: اخلاقی بودن و آموزش اخلاق در خانواده

روی پیاده‌رو حرکت می‌کنند، فرود بیاید دانستن چه چیزی درست است بخش سخت قضیه نبود. چالش انجام کاری بود که می‌دانستی درست است. افزون بر این بهترین بنیاد برای این کنش درست توانایی گفتن این است که چرا چیزی درست است.

نشناختن درست از نادرست بسیار به ندرت رخ می‌دهد به صورتی که دفاع کاملی از جنایت باشد. شخص باید دیوانه تمام‌عیار باشد که در تشخیص تفاوت این دو عاجز بماند. هم چنین بسیار به ندرت چنین دفاع نادری رأی برائت بگیرد. پس چرا این خیال‌واهی در ما شایع است که رشد اخلاقی کودکان در بهترین حالت تنها با تحمیل فهرستی از قوانین تقویت می‌شود؟

به جای اینکه فهرست کنیم «تو نباید» ما باید کودکان را برای کشف و به هم مرتبط ساختن چیزهایی که درستی آن را از پیش می‌دانند، تشویق کرده، سپس از آن‌ها پرسیم چرا این کار درست است. نه شیوه‌ی منفعل تلقین قوانین بلکه این شیوه است که مایه رشد داوری اخلاقی می‌گردد، چیزی که اجازه خواهد داد آن‌ها به طور اخلاقی اندیشیده و عمل کنند وقتی که آقا بالاسر در کنار آن‌ها نیست.

دلینی پس دو دقیقه برگشت و گفت، «من دیگر هیچ مورچه‌ای را له نخواهم کرد.»

«اوه، چرا این تصمیم را گرفتی؟»

«چون آن‌ها باید زندگی خودشان را داشته باشند،» سپس گفت؛ «مثل من.»

همان اصل دوسویه قدیمی. کاری بهتر از این نیست.

- دلیل مک‌گاون، از بلاگ معنای زندگانی

«آغاز از کوچک» درست و صحیح است. با اینکه کودکی که تازه تاتی می‌کند به طور طبیعی به برخی از نشانه‌های هیجانی پاسخ می‌دهد یک کودک پیش از درک اینکه احساسات او از احساسات انسان‌های دیگر متفاوت است دست کم باید به سه‌سالگی برسد. شخص می‌تواند با توضیح چگونگی تأثیر کنش‌های کودک بر دیگران به این روند کمک کند: «جویی گریه می‌کند. او ناراحت است چون شما اسباب‌بازی او را برداشتی.»

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

هم چنین درست و خوب است که نخست کودک همدردی را درباره گروه کوچکی یاد گیرد مانند خانواده یا همبازی‌های خودش. این شیوه‌ی زندگانی انسان‌ها در طول بیشتر تاریخ و پیشینه‌ی بشریت است. درست هم گونه که کوهنوردان نیاز به یک کمپ اصلی برای حمایت از اکتشافات خویش دارند گروه‌های مورد اعتماد و خانواده نیز برای کودکان هم چنان که افراد تازه و مختلف را می‌بینند پشتیبانی و حمایت احساسی و امنیتی فراهم می‌کنند.

آشنایی کودکان با تنوع با تفاوت‌های میان اشخاص آغاز می‌گردد که زیر لوای تنوع اجتماعی جا نمی‌گیرد - مانند تفاوت در قد و قواره و توانایی‌های بچه‌های کوچک، تفاوت‌های سلیقه‌ای یا تفاوت در ویژگی‌های پوست کودکان و همسایگان سالخورده.

پس در صورت وجود تنوع اجتماعی و اقتصادی در مدارس بچه‌های شما و به ویژه اگر تفاوتی هم وجود نداشته باشد راه‌های بی‌شماری وجود دارد که شما می‌توانید این موضوع را در زندگی آن‌ها نشان دهید. تنوع در شبکه دوستان خود، با خواندن مجموعه‌های داستانی فرهنگ‌های دیگر و دیدار با همسایگان از نژاد دیگر، از جمله این راه‌ها است.

ما هم چنین باید درباره تنوع دینی آموزش دهیم. اگر ما بخواهیم جهانی هم‌زیست و همیار بسازیم حتا افرادی که دین ندارند باید قادر باشند تا با افراد با انگیزه‌های مذهبی دست کم در درجاتی همدردی داشته باشند.

این مهم است که به کودکان خود کمک کنیم که راهی را برای به کار گرفتن همدردی و مهربانی پیدا کنند؛ احساس ناتوانی در کمک‌رسانی می‌تواند آن چنان دردناک باشد که فرد را بی‌خیال حس همدردی سازد. یادآوری دوباره، با کنش‌های اساسی کوچک آغاز کنید. از کودک برای آوردن یک لیوان آب در هنگام بیماری خود تشکر کنید یا بگویید، «می‌توانی از بچه نگه‌داری می‌کنی تا شام را آماده می‌کنم؟» به بچه بزرگ‌تر در فعالیت‌های درسی فوق‌برنامه کمک کنید چون که با دوستان متفاوتی از دوستان مدرسه‌ای روبرو می‌شود. خانواده خود را در فعالیت‌های داوطلبانه مشارکت داده یا اگر خود فرصت کافی ندارید کودکان را تشویق به مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه بکنید.

بخش دوم: اخلاقی بودن و آموزش اخلاق در خانواده

به مرحله عمل درآوردن مهربانی و «داروینیسیم نوین به خوبی روشن ساخته که همدردی یک تجربه قوی است: کودکان شما زندگانی خود را با یادگیری غنی می‌کنند و بدین ترتیب می‌توانند جهان را جایگاه بهتری سازند. همدردی- می‌تواند کلید نجات یافتن حیات ما باشد.»

پرسش: گاهی کودکان من انگار در پرخاش و دلخوری بی‌پایانی غوطه‌ور می‌شوند. - کارل ساگان چگونه من به آن‌ها ارزش گذشت کردن را بیاموزم؟

پاسخ: درست است: زندگی خانوادگی پر از دعواست به ویژه زمانی که بیش از یک بچه در خانه باشد و بی‌شک هزار بار به شما یا فرد بزرگ‌تری، به عنوان داور دلخوری‌های بی‌اهمیت مراجعه می‌شود. وسوسه‌انگیز است که به کودکان خود بگویید «بیخس و فراموش کن» یا «ایرادی ندارد.» ولی این کار را نکنید. ادامه دادن بدون روشن کردن مشکل اصلی تنها به چرخیدن در یک حلقه بسته می‌انجامد. این موضوع درست هنگامی آشکارتر می‌شود که قربانی قابل تشخیصی وجود ندارد زیرا همه‌ی افراد درگیر آسیب دیده‌اند.

بیشتر پژوهش‌ها و نوشته‌ها در مورد این موضوع کلمه‌ی «بخشش» را به کار گرفته‌اند ولی مشکلاتی در به کار گرفتن چنین واژه سنگین مذهبی وجود دارد. به عنوان مثال این واژه کمابیش همیشه «آمرزیده شدن» را تداعی می‌کند - رها شدن و بخشش یک شخص به دلیل آسیبی که به دیگری زده از گناهی که به کنش او وابسته بوده است. ولی هیچ چیزی نمی‌تواند کردار نادرستی را به کرداری درست دگرگون سازد. در عوض آنچه باید انجام شود، جبران آسیب وارد شده در صورت امکان است. از سوی دیگر آموزه‌ی «بخشش» به عنوان یک خوبی و فضیلت همه‌ی مسئولیت‌ها را به طور نامنصفانه‌ای بر گرده‌ی قربانی می‌گذارد. از همه این‌ها گذشته و دست آخر به کار بردن واژه‌ی «بخشش» گاهی مایه سردرگمی میان دو کنش بسیار متفاوت و ناهمسان می‌گردد: «پذیرش» و «مصالحه».

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

آقای فرانس دی وال^۸ نخستی شناس^۹ گفته است، «بخشش... یک آموزه والا و پر رمز و راز نیست که ما آن را وام‌دار چند هزارساله‌ی دوره یهودی- مسیحیت باشیم.» (۱۲) درست است - ولی نفوذ مسیحیت در فرهنگ ما غربی‌ها آموزه‌ی بخشش بدون شرط، بدون اهمیت دادن به آسیب وارد شده را جوری ستایش‌انگیز ساخته است که همه مسئولیت بهبودی و اصلاح زیان وارده را بر دوش قربانی می‌گذارد.

پذیرفتن، تصمیم به چشم پوشیدن و صرف نظر از خشم یا دلخوری فرساینده است - یعنی پذیرش واقعیت شرایط و وضعیت. هم چنین چیزی است که پژوهش‌ها به احساسات بسیار واقعی و سودهای فیزیکی آن اشاره می‌کند. (۱۳)

پذیرش به ویژه هنگامی سودمند است که شخص واردکننده‌ی آسیب و زیان توانایی یا اراده اصلاح را نداشته و حتی بیشتر زمانی که افراد درگیر به ناچار باید به زندگی با هم ادامه دهند - مانند اعضای خانواده - حتی اگر به توافقی هم نتوان رسید.

آشتی، فرایندی است که در آن قربانی و شخص آسیب‌رسان راهی را برای بهبود و رفع اشتباه یافته و به رابطه خود ادامه می‌دهند. آشتی کلیدی را برای رویکردی بهتری در اختیار می‌گذارد. اگرچه برخی افراد به آن هم چون یک آموزه مطلق دینی می‌نگرند ولی آقای دی وال آن را فرایندی با ریشه‌های ژرف‌تر از ادیان می‌داند - حتی در میان سایر گونه‌های جانوری نیز دیده می‌شود: این واقعیت که میمون‌ها، کپی‌ها و انسان‌ها همگی رفتار آشتی‌جویی را از خود نشان می‌دهند به این معناست که آشتی‌جویی نزدیک ۳۰ میلیون سال قدمت دارد...» (۱۴) اگر میمون‌ها می‌توانند با هم آشتی کنند پس ما هم می‌توانیم. بعید نیست که افرادی بتوانند کمی شوخی به این فرایند افزوده و به طور مثال بگویند که دست کم از کودکان خواسته نشده تا کک و شپش‌ها یکدیگر را بجویند.

8. Frans de Waal

9. Primatologist

بخش دوم: اخلاقی بودن و آموزش اخلاق در خانواده

بیش از یک راه برای آشتی کردن وجود دارد ولی هر یک از این راه‌ها بستگی به درک دوطرفه دارد. الفی کان^{۱۰} یک پیشنهاد جالب در این زمینه دارد که به کودکان برای رشد همدردی نیز کمک می‌کند: «پس از فرونشستن خشم» «دقیق بگو چی شد و خودت را جای برادرت بگذار و توضیح بده که اوضاع از نظر او چگونه به نظر می‌رسیده است» (۱۵) این برخورد بعید نیست به این کشف بینجامد که آسیب وارد آمده غیر عمدی بوده است - موردی که بخشیدن را بسیار آسان‌تر می‌کند. هر چه بچه کوچک‌تر باشد احتمال غیر عمدی بودن آسیب وارد آمده بیشتر است.

به علاوه زمان‌های دردآوری هست که تند زیر لب گفتن «متأسفم» چاره یک اختلاف نبوده و آن را حل نمی‌کند. کودکان شما پوزش‌خواهی شما را دیده بنابراین می‌دانند که چگونه باید این روند را آغاز کنند. این چهارچوب «گام‌های طلب بخشش» با جزئیات در پیوست ۲ آمده که راهنمایی برای فرایند آشتی است که می‌تواند بارها به کار گرفته شود این روند نه تنها به کودکان شما کمک می‌کند تا بهتر تا کنند بلکه به آن‌ها مهارتی را می‌آموزد که می‌توانند در سراسر عمر یک رابطه از آن بهره ببرند

۱- اعتراف به کار نادرست

- روشن کنید که چرا فلان کردار زیان‌آور است
- پیش خود و دیگران اعتراف کنید که این رفتار یک اشتباه بوده است
- تأسف ناب خود را به همه کسانی که در اشتباه شما زیان‌دیده منتقل کنید

۲- اشتباه را رفع کنید

- یک احساس نیرومند و قوی از تعهد به خویش و به دیگر اعضا را به نمایش بگذارید.
- «رویدادی» برابر با «خشم» خود را بیابید.
- رفع اشتباهی مناسب با شرایط انجام دهید.

10. Alfie Kohn

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

۳- تغییر دهید

- تعهدی واقعی و بی غل و غش برای تغییر الگوهای آسیب‌رسان بدهید.
- آشکار و بدون پرده‌پوشی بر اساس تعهد عمل کنید
- روند تغییر را رعایت کنید.

پرسش: چگونه می‌توانم به کودکانم کمک کنم که بر اساس اصول کنش کنند نه اینکه تنها از قوانین پیروی کنند؟

پاسخ: یک روز جادویی نداریم که در آن روز کودکان ناگهان از پیروی صرف قوانین به اندیشیدن درباره آن‌ها تعالی پیدا کنند. یادگرفتن و پیروی از بسیاری از مجموعه‌های قوانین دستاورد بزرگی است: قواعدی که از سوی منابع بهداشتی متفاوتی وضع شده، قواعد متفاوت در عالم دوستی، خانواده، قواعد بیشتری در مدرسه، قواعد بازی‌ها... این فهرست بسیار بلند است. پیروی از قواعد نیاز به خویش‌داری دارد و هم چنین نیازمند حافظه و داوری خوب نیز است تا بدانیم که قانون و قاعده در چه زمانی اجرا شود. به آهستگی این مهارت‌ها را بنا کنید.

درحالی که کودکان شما یاد می‌گیرند با قوانین زندگی کنند خبرهایی نیز «اگر کودکی در خانواده‌ای ایثارگر و از خود گذشته به گوش شما خواهید رسید. بیشتر هنگامی قرار گیرد و پدر و مادری باشند که به خوبی درباره تربیت کودکان بدانند، کودک گرایش به بهره‌گیری از آن داشته و فردی نیکوکار و خوبی خواهد شد. چیزی درباره قوانین نمی‌داند - برای نمونه با رفتن به یک مدرسه نو - از سوی شاگردان

قدیمی مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد. که البته این قدرها هم بد نیست؛ همان گونه که آرتور دوبرین^۱ اشاره کرده، «رشد اخلاقی [کودکان] به وسیله افراد دیگر تحریک

- ماروین برکوویتس

استاد آموزش شخصیت، دانشگاه

میزوری (۱۷)

1. Arthur Dobrin

بخش دوم: اخلاقی بودن و آموزش اخلاق در خانواده

می‌شود که پختگی آن‌ها کمی پیشرفته‌تر است...» (۱۶) تا زمانی که قوانین منطقی و خردمندانه باشد و به نظر نرسد که کودکان دیگر بچه شما را به دردرس می‌اندازند، تنها مطمئن شوید بچه با یاد گرفتن راه و چاه وضعیتش بهتر می‌شود.

در همین حال دلایل قوانین را توضیح دهید. برای نمونه زمانی که شما پشت چراغ راهنمایی می‌ایستید توضیح دهید که رنگ آن به رانندگان در رعایت نوبت کمک می‌کند. زمانی که کودک شما دریافت که برخی از جنبه‌های قوانین اختیاری است (یعنی پرسد، «ولی چرا ایست با رنگ قرمز است؟») شما می‌فهمید که کودک به قوانین با ملاحظه بیشتری نگاه می‌کند.

کودکان خود را پخته‌تر و کامل‌تر به روند مرحله‌ی اصلاح و تصویب قوانین ببرید. مشارکت در تدوین قوانین مایه آن می‌شود که کودکان با احتمال کمتری تصمیم بگیرند، «اگر قوانین را مردم می‌سازند من هم می‌توانم قوانین خودم را بسازم.»

نخستین گام در این راه اصلاح قوانین در هنگامی که امکان دارد به شیوه‌ای که به کودکان شما انتخاب بیشتر و مسئولیت بیشتری واگذار کند. مثال جایگزین کردن قانون «بشقاب تمیز» با یک قانون «خوردن خوراکی سالم‌تر.» پس اگر کودک نخواست هویج‌های خود را در شام شب بخورد بگویید، «خوب، هویج ویتامین ای (A) فراوانی دارد؛ یک برش طالبی بردار یا کلم برکلی با ماکروویو تهیه کن.» (از سوی دیگر چنین رویکردی به کودک مسئولیت برای کار اضافی می‌دهد که تازه درگیر آن شده است.)

گامی که برخی از کودکان می‌توانند در سن ۱۰ سالگی بردارند برقراری قوانین برای موقعیت‌های محدود است. آن‌ها به شماری از جنبه‌های کاربردی قوانین که می‌شناسند، پی برده و شما با همراهی با آن‌ها می‌توانید حدس بزنید کدام یک بهترین کارایی را دارد. برای نمونه می‌توانید پرسید، «چگونه برای تفریحات تعطیلات خود تصمیم بگیریم؟» بعید نیست یکی از کودکان شما بگوید «ما می‌توانیم هر روز رأی گیری کنیم.»

پرسش: چگونه کتاب و فیلم می‌تواند در رشد اخلاقی کودک من تأثیر داشته باشد؟

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

پاسخ: اجازه دهید که با چیزی آغاز کنیم که بسیاری از ما آن را کم اهمیت می‌شماریم - داستان‌های هنگام خواب. بدون شک می‌دانید که خواندن کتاب نه تنها در بستر خواب بلکه در هر زمانی از روز کمابیش همیشه احساسی از آرامش و صمیمیت در روز را به همراه می‌آورد. ولی ربط آن به اخلاق چیست؟

نکته: هیچ کسی دور از اجتماع و در خلأ اخلاقی نیست. پشتیبانی دوستان و عزیزان علیرغم فشار یا وسوسه‌ی انجام کار نادرست می‌تواند به ما نیروی انجام کردار اخلاقی را بدهد. هر گامی که برای تقویت پیوندهای خود با کودکان برمی‌داریم احتمال آن را بیشتر می‌کند که بتوانیم به پشتیبانی و تقویت رشد اخلاقی آن‌ها ادامه داده و کسی باشیم که آن‌ها می‌توانند در زمان روبرو شدن با معضلات و معماهای اخلاقی با وی گفتگو کنند.

هنگامی که کودکان ما یاد گرفتند که خودشان بخوانند و فیلم را پخش کنند ما باز هم می‌توانیم با آن‌ها به تماشای فیلم پرداخته یا بخشی از همان کتاب‌ها را بخوانیم. این شیوه‌ی خوبی برای صمیمی ماندن و ادامه گفتگو درباره موضوعات مهم است.

هر داستانی که به خوبی تعریف شود مصالحی برای یادگیری اخلاقی ارائه می‌دهد حتا هنگامی که نصیحت نمی‌کند. در زیر یک فهرست جزئی آمده است:

شخصیت‌هایی که می‌توانیم با آن همسان‌سازی کرده یا برای مشکلاتشان احساس همدردی با آن‌ها داشته باشیم به ما همدرد بودن را یاد می‌دهد. برای مثال خواندن درباره شخصیتی که مورد زورگویی قرار گرفته می‌تواند به کودک شما برای داشتن درک بهتری نسبت به یک همکلاسی کمک می‌کند که گویا «مادرزاد بازنده بوده» و «تنها می‌خواهد» راهش دهند. نوجوانی که ناکسترها^۱ را می‌خواند (یا فیلم آن را می‌بیند) شاید با دیدن این موضوع در این داستان که پدر برای راحت شدن از نیش پیش‌دواری‌های مردم و نومیدی، می‌نوشد برای افراد الکلی احساس دلسوزی کند. هم چنین برخوردهایی که انسان‌ها در برابر چالش‌های زندگانی انجام می‌دهد می‌تواند برای ما الهام‌بخش باشد، خواه این انسان‌ها شخصیتی داستانی بوده خواه انسان‌های واقعی باشند. (۱۸)

1. Angela's Ashes

بخش دوم: اخلاقی بودن و آموزش اخلاق در خانواده

۱۵۲ به نود - تا کردن با همان مهربانی و درکی که با دوست رفتار می کند در درک کمبودهای خود شخص - همیشه به آسانی یاد گرفته و عمل نمی شود. خواندن درباره انسان‌هایی واقعی یا داستانی که دارای همان مشکل هستند شاید رحم به خود را آسان‌تر کند. امکان دارد که نگرش نویسنده از یک شخصیت برای خواننده نیز بینشی درباره ویژگی‌های شخصیتی خودش فراهم کند. هم چنین پدر یا مادری که برای کودکش کتابی را می خواند می تواند بگوید، «آیا آشنا به نظر نمی‌رسد؟»

زمانی که درباره شخصی با مشکل و دشواری مشابه ای می‌خوانید (برای نمونه نگرانی با رفتن به مدرسه تازه) حتا اگر به رحم به خود منجر نشود باز هم این احساس را می‌شکند که «فقط من این مشکل را در جهان دارم.» احساس غریبی کمتر حس پیوند داشتن با انسان‌ها دیگر را تقویت می‌کند که اساس کردار اخلاقی است.

خواندن کتاب هم چنین قابلیت کودکان برای اندیشیدن اخلاقی را تحریک کرده و رشد می‌دهد. برخی از خانواده از کتاب‌هایی با برخورد مستقیم در تشریح معضلات اخلاقی را دوست داشته زیرا همه‌ی خانواده می‌توانند پیرامون آن گفتگو کنند. برخی از این کتاب‌ها در بخش منابع توصیه شده ولی اگر شیوه شما جوری دیگری نیز هست باز هم دل‌نگران آن نباشید. زندگی و ادبیات سرشار از موقعیت‌هایی است که سبب به وجود آمدن پرسش‌های با ارزشی برای بحث‌ها و تفکرهای جدی می‌شود. برای نمونه فیلم‌های بسیاری وجود دارد که شخصیت اصلی داستان یک «فرومایه پرجاذبه» است؛ به شیوه‌های مختلف کارگردان ما را به گوشه‌های پنهان این شخصیت یا شخصیت‌ها کشیده که پس از انجام حرفه‌ای یک جنایت می‌کوشد از محکومیت بگریزد. پرسش‌ها می‌تواند چنین باشد؛ نویسنده و کارگردان‌های این فیلم چه کار کرده تا ما از این شخصیت خوشمان بیاید؟ در رابطه با این سوءاستفاده چه احساسی دارید؟

با خواندن درباره مردم با فرهنگ‌های دیگر و با خواندن پیرامون گروه اقتصادی اجتماعی متفاوت ما دانش و درکی به دست می‌آوریم که برای رشد و توسعه عدم تعصب حیاتی است چون برای گسترش یک فرهنگ جهانی دموکراتیک و صلح طلب به شدت به آن نیازمندیم.

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

سرانجام بسیاری از آزاداندیشان با گرفتن کتاب‌های افسانه‌های جن و پری برای کودکان لذت می‌برند و دلیل آن‌ها این است که کودکان همانندی و شباهت میان این داستان‌ها و کتاب‌های آسمانی مختلف را درک می‌کنند.

این دلایل درست است - ولی اجازه دهید دلیل دیگری را نیز برای خواندن اسطوره‌ها و افسانه‌های جن و پری بررسی کنیم. در کل بن‌مایه‌های آن‌ها راه دیگری برای نشان دادن این است که گروه‌های مختلف انسانی دارای اشتراک‌های فراوانی با یکدیگر هستند. برای نمونه شخصیت «شیاد» در بسیاری از زمینه‌های فرهنگی دیده می‌شود - لوکی^۲ در افسانه‌های اسکاندیناوی، کایوت^۳ در فرهنگ بومیان امریکا، انانسی عنکبوت^۴ در فرهنگ‌های آفریقایی، رینارد روباه^۵ در فرهنگ عامه‌ی اروپاییان. اسطوره‌ها هم چنین یک شیوه تمثیلی و نمادین برای سخن گفتن از دشواری‌های زندگی واقعی را فراهم می‌کنند مانند رقابت برادران. خود را از خواندن آن‌ها بی‌بهره نکنید و - برای بهترین داوری بر ضد ملانقطی اندیشیدن، برای تمرینی تخیلی و تنها برای تفریحی بدون دردسر - کودکان را به ساختن افسانه‌های خودشان تشویق کنید.

2. Loki

3. Coyote

4. Anansi the spider

5. Reynard the Fox

بخش دوم: اخلاقی بودن و آموزش اخلاق در خانواده



کتاب کار

افزون بر فعالیت‌های ویژه در این بخش شما راه‌هایی را خواهید یافت که به طور کلی برای تشویق رشد اخلاقی و اندیشه، برای گفتگو و شیوه‌های گفتگو در باره آن‌ها و برای اندیشیدن و شیوه‌های اندیشیدن در باره آن‌ها می‌باشد.

اگر من قانون‌ها را بنویسم

بدون محدودیت سنی

ما در جهانی پر سروصدا با فهرست‌هایی از قوانین، حقوق و مسئولیت‌های اخلاقی زندگی می‌کنیم: «راه اصیل هشتگانه» کردار از بودائیسیم، پیمان شرافت، آزادی‌های چهارگانه فرانکلین روزولت، حقوق شهروندی منشور حقوق بشر سازمان ملل متحد - این سیاهه همین طور ادامه پیدا می‌کند (بنگرید به پیوست ۲ برای مثال‌هایی در این باره). افزون بر این البته پیوسته سخنانی درباره ده فرمان موسا می‌شنیم. در همه‌ی این فهرست‌ها دست‌کم چند تا قانون کمابیش خوب وجود دارد. فهرست‌های دیگر نیز هست که بعید نیست کودکان شما بیندیشند که قوانین موجود در آن‌ها نباید شامل ده تای بالای فهرست در میان مهم‌ترین اندیشه‌های اخلاقی شخصی جا داشته باشند.

چگونه این قوانین به وجود آمده است؟ انسان‌ها آن‌ها را به وجود آورده و مورد بحث قرار داده‌اند، در این شکی نیست و کودکان شما می‌تواند مزه این تجربه را بچشند. از هر یک اعضای خانواده بخواهید فهرستی برای خودش فراهم نماید که دست بالا دارای ده قانون برای عالی ساختن جهان بوده و خودش دوست داشته باشد در سایه آن‌ها زندگی کند.

سپس فهرست‌ها را مقایسه کنید. در چه مواردی با هم موافق و مخالف است و چرا؟ این کار منطق اخلاقی هر شخص را گسترش داده و حتا شاید باعث شود شما نیز برخی از فرضیات خود را به زیر پرسش بکشید.

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

پاداش ۱: بکوشید تا فهرست خود را تنها به پنج قانون محدود کنید. تصمیم‌گیری در این باره که کدام یک از قوانین مهم‌تر است یکی دیگر از تمرین‌های بزرگ در منطق اخلاق است. آیا می‌توانید آن را به سه تا کاهش دهید؟ به یک قانون چطور؟

پاداش ۲: هنگامی که شما قوانینی را یافتید که می‌خواهید با آن زندگی کنید، با سخن گفتن درباره چگونه می‌توان بقیه انسان‌ها را وادار به پیروی نمود گفتگو را بهتر کنید. آیا باید کیفی و مجازاتی برای کسانی در نظر گرفت که پیروی نمی‌کنند؟ پاداش چطور؟ با به کار گرفتن شش مرحله‌ی رشد اخلاقی کلبرگ (با زبان کودکان) و آن را چهارچوب بندی کنید:

گام ۱: ترس از مجازات

گام ۲: امید به پاداش

گام ۳: خواست تأیید شدن توسط اجتماعی

گام ۴: قوانین مرز بد و خوب است

گام ۵: داشتن قانون خوب است ولی آن‌ها قابل تغییر است

گام ۶: پیروی از اصول جهانی

آیا باید از بالا و توسط به اصول جهانی آغاز کرد یا از پایین با تهدید قانون‌شکنان با مجازات؟

چرا؟

خوب این کار را کردید تمام شد، اکنون چکنیم؟

سن ۶+

مواد مورد نیاز: کارت‌های ایندکس

یک سناریوی یک جمله‌ای روی هر کارت ایندکس بنویسید برخی زشت و برخی خوب، چند تا اخلاقی، چند غیراخلاقی. مثال:

- یک قورباغه را زیر یک همشاگردی پرزور می‌گذارید و او با مشت به دماغ یکی دیگر می‌کوبد.
- درباره یکی از نارقیقان خود سخنان زشتی روی دیوار توالت می‌نویسید.

بخش دوم: اخلاقی بودن و آموزش اخلاق در خانواده

- قبول کردن سخنان یاوه فرد دیگری.
- به راه انداختن یک شایعه نادرست درباره اینکه پدر شخصی در زندان است.
- شما از روی تکالیف برادر بزرگ‌تر کپی می‌زنید و گیر هم نمی‌افتید.
- در آزمون نمره خوبی نمی‌آورید ولی تقلب هم نمی‌کنید.
- شما برای بردن یک مسابقه جایزه‌ای دریافت می‌کنید و می‌دانید که تقلب کرده‌اید.
- برای بلند کردن آب‌نبات از فروشگاه به دوستی اشاره کرده و اکنون همه شما را خیرچین می‌نامند.
- با دیدن یک زبانه‌ی برافروخته آتش بیرون پنجره از وان بیرون پریده و لخت به سوی خانه‌ی شعله‌ور همسایه دویده و درست به موقع آن‌ها را بیدار می‌کنید.
- پای شما پیچ خورده و نمی‌توانید پیاده‌روی درآمدزا^۶ برای کودکان بیخانمان را به پایان برسانید ولی به حامی دروغ گفته و پولی را برای این مورد جور می‌کنید.

خوب پس از نوشتن سناریوها هر یک از بازیکنان به نوبت به عنوان گزارشگر برگزیده شده که با هر شخص بر اساس کارتی که به او رسیده مصاحبه‌ی داغی را انجام دهد. شاید سناریو بدین صورت پیش برود: «خوب ما در پیشگاه خانم ماری هستیم که روزی کمابیش خوب و جالبی را سپری کرده است. ماری، ما فهمیدیم که امروز شما شایعه‌ای را پخش کرده که پدر سم در زندان است. چرا شما این کار کردید و آیا گمان می‌کنید که این کار خوبی بوده که انجام داده‌اید؟» مصاحبه شونده (که نمی‌داند کدام سناریو به او داده می‌شود) همان هنگام یا به توجیه کنش پرداخته یا می‌گوید چرا باید آرزوی چنین کاری را داشته باشد. شاید گزارشگر ادامه دهد («آیا این کار را تکرار خواهید کرد؟» یا «آیا موردی هست که شما بار دیگر جور دیگری عمل کنید؟»).

این تمرین یک بازی دو-در یک است. مصاحبه‌شونده به طور عملی با تصور احساس شخصی که «کار بد را کرده» و درگیر شد در منطق اخلاقی برای توضیح هر رویکردی که می‌گیرد، همدردی را تمرین می‌کند.

از کودکان بخواهید که سناریوهایی خود با را مواردی آمیخته از الزام‌های اجتماعی و اخلاقی (درست در تضاد با نادرست به اضافه‌ی تأیید یا رد اجتماع، مجازات یا پاداش، اصول و غیره) بسازند.

(۱۹)

6. Walk-a-thon

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

ساختن دیدگاهی خانوادگی

برای والدین

با شریک تربیتی یا به تنهایی، اگر شما والد تک هستید یک نگرش فرهنگی از خانواده خود بسازید. این کار را پیش از تشکیل خانواده انجام داده یا در هر زمانی پس از ازدواج تنها برای اینکه متوجه شوید با همسرتان توافق دارید یا نه.

هر یک از والدین یک برگه کاغذ برداشته و پنج جمله بنویسید که با «در خانواده من، ما...» آغاز شده و پایان آن شاید «... حسایی تفریح کردیم»؛ «... وقتی که یکی از ما می گوید «بیا این تار عنکبوت شگفت انگیز را ببین» هر کار دیگر را ول کرده و می رویم»؛ «... جوی را ایجاد کنیم که همه احساس امنیت کنند.»

نوشته‌ها را به همدیگر نشان دهید و درباره آن با هم گفتگو کنید. همپوشانی‌ها در کجا شکل گرفته است؟ آیا هیچ عدم توافقی وجود دارد؟ آیا می‌توانید نوشته‌های خود را ادغام کنید؟ بعید است که فهرستی با بیش از ده گزاره بخواهید زیرا هر چه تعداد بیشتر باشد یادآوری آن سخت‌تر خواهد بود. ولی در آینده می‌توانید به فهرست‌ها نگاه کرده و از خود بپرسید، «آیا آنچه را که در حال انجام آن هستید بازتاب فرهنگ خانواده شماست؟»

زمانی که کودکان شما بزرگ‌تر شدند این کار را به یک بازی خانوادگی تبدیل کرده که مطالب فراوانی در این باره خواهید فهمید که چقدر خوب به ترویج ارزش‌های خود پرداخته‌اید.

کاوش برای رسیدن به ریشه‌ها

برای والدین

دیر یا زود هر پدر یا مادری به طور ناخودآگاه از والدین خود تقلید خواهد کرد - در هر موردی خواه دوست داشته باشد یا نه. اندیشیدن زودتر از موعد در این باره می‌تواند در پایان کار بسیار سودمند باشد. یک فهرست از سه رفتاری که دوست دارید سرمشق گرفته و سه مورد که دوست دارید کنار بگذارید را برای هر یک از والدین تهیه کنید: برای نمونه، «من عاشق لحظه‌ای بودم که بابا/مامان سرحال بود،» یا «من از انفجار خشم بابا/مامان به راستی می‌ترسیدم.»

بخش دوم: اخلاقی بودن و آموزش اخلاق در خانواده

این فهرست را با شریک تربیتی خود در میان بگذارید. در این باره که دوست دارید چگونه با این موارد برخورد کنید گفتگو کنید. برای مثال اگر روزی سر یکی از بچه‌ها می‌نق می‌زنید، آیا می‌خواهید شریک تربیتی طرف شما را بگیرد و یک چیزی بگوید برای نمونه بگوید، «آیا واقعاً می‌خواهی به تام سختگیری کنی؟ من یادم می‌آید درباره احساسی گفتی که انگار نمی‌توانی هیچ‌گاه با معیارهای والدینت زندگی کنی.»

اگر یک والد تک هستی هرازگاهی سر به فهرست خود بزنی تا ببینی اگر سازگاری آسانی میان آرمان‌های تربیتی شما و واقعیت وجود دارد

اخلاق خانواده خود را روشن کنید

برای والدین

یک زمان خوب برای آغاز روشن‌گری درباره اخلاق پیش از زاده شدن کودکان است. هنگامی که آن‌ها پا به جهان هستی گذاشته و زندگانی پیوسته شما را با چالش‌های نوین روبرو ساخت شما پیوسته روشن‌گری کرده و شاید هیچ‌گاه دست از این کار برندارید. حتا اگر ارزش‌های شما تغییر نکند همواره پرسش درباره چگونگی اعمال کردن در موقعیت‌ها تازه وجود دارد.

رویکردهای متفاوت در تعریف ارزش‌های شما کارایی بهتری برای انسان‌های متفاوت دارد. شما و شریک تربیتی شما (یا شرکا) شاید دوست داشته باشید که با ارزش‌هایی که در این بخش به آن‌ها اشاره شده، آغاز کنید یا شاید هم با توصیف‌های به صورت گزاره که در بخش منابع فهرست شده است. از سوی دیگر شاید دوست داشته باشید با توصیف موردی که شما را به این ارزش رسانده یا توصیف آنچه دوست داشته و در انسان‌های دیگر آن را ستایش می‌کنید کار را آغاز کنید. گاهی شاید پی ببرید که موضوعات مورد علاقه و دوست‌داشتنی شما، به گفتگوهای مفصل و ژرف‌تر می‌انجامد. برای نمونه من انسان‌هایی را دوست دارم که متواضع و خالی از تکلف هستند؛ اگر کمی بیشتر در این باره بیندیشم متوجه می‌شوم که شیوه دیگری برای بیان آن بدین صورت است که من گمان می‌کنم که در میان مردم این مهم است که با یکدیگر به طور برابر رفتار کنند.

بکوشید تا یک فهرست هشت تا ده‌تایی از اصولی را تهیه کنید که با آن موافق هستید، درباره معنای کاربردی آن‌ها گفتگو کنید.

مهم به ویژه برای آزاداندیشان: هم چنان که کودکان شما با دیگران در مدرسه و جامعه با دیگران بر هم کنش دارند (و شاید در خانواده گسترده شما) چگونه شما به آن‌ها کمک می‌کنید تا

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

تعادلی میان ارزش «احترام گذاشتن به دیدگاه‌های انسان‌های دیگر» و «پاسداری از اعتقادات شما» برقرار سازند؟

تشویق منطق و خردورزی اخلاق در مراحل متفاوت

بدون محدودیت سنی

مواد مورد نیاز: کتاب پرسش‌های کودکان^۷ نوشته دکتر جورج استوک^۸ یا (برای کودکان بزرگ‌تر) چند مورد از مجله‌ی یکشنبه نیویورک‌تایمز^۹ (ستون برای «اخلاق شناس»^{۱۰})

مرتب‌ه دیگر که رفتید برای یک سفر جاده‌ای، یک کتاب جورج استوک را بردارید که شامل ۲۵۰ مورد از پرسش‌های کوتاه و ساده برای گفتگو است. نمونه‌ها:

- آیا بیشتر دوست دارید که بسیار فقیر باشید ولی پدر و مادری داشته باشید که شما و همدیگر را دوست دارند یا دارای ثروتی افسانه‌ای بوده ولی پدر و مادر شما هیچ توجهی به شما نداشته و مدام با همدیگر دعوا کنند؟
- در جامعه افراد بزرگسال کار بیشتری از دستشان می‌آید ولی مسئولیت بیشتری متوجه آن‌هاست. کودکان بیشتر می‌توانند بازی کنند ولی به کودکان دستور می‌رسد که چکار کنند. آیا فکر می‌کنید وضعیت کودکان بهتر است یا بزرگسالان؟
- اگر در کلاس شما همه را بکشند مگر اینکه شما موافقت کنید زندگی خود را فدا کنید، آیا این کار را خواهید کرد؟ آیا مهم است اگر هیچ‌کسی نداند شما زندگی خود را برای دیگران داده‌اید؟

7. The Kids' Book of Questions

8. Gregory Stock, PhD

9. New York Times Sunday Magazine

10. For "The Ethicist"

بخش دوم: اخلاقی بودن و آموزش اخلاق در خانواده

- هیچ‌گاه با گفتن اینکه می‌توانید کاری را بکنید که از پس آن بر نمی‌آید خود را به دردرس انداخته‌اید؟

با موضع گرفتن کودکان در یکسو قضیه از آن‌ها بپرسید چرا فکر می‌کنند این کار درست است. اگر دیدگاه متفاوتی دارید آن را بازگو کنید.

ابعاد اخلاقی را به زندگی روزمره خود نیز مطابقت دهید. زمانی که کتاب داستانی می‌خوانید یا فیلم می‌بینید درباره راه‌هایی که شخصیت‌های داستانی مشکلات اخلاقی خود را حل کرده، گفتگو کنید. آیا کودکان شما موافق شیوه‌ی عملکرد آن‌ها هستند؟ چرا؟ اگر شخصیت داستان حس کرد که راهی برای او وجود ندارد، آیا به راستی راهی نیست؟

زمانی که در خانواده شما دعوا هست یا کودکان به مشکلاتی که میان آن و دوستان وجود دارد اشاره می‌کنند یا به مشکلات مدرسه اشاره می‌کنند هنگام گفتگو در مورد حل آن‌ها درباره اصول اخلاقی مرتبط نیز اشاره کنید. واژه‌های ابتدایی اخلاق (انصاف، رابطه متقابل، درستکاری، بی‌تناقضی و غیره) را تعریف کنید تا به کودکان واژه‌هایی برای رشد مفاهیم داده باشید.

در برنامه‌های اجتماعی ارزش‌های خانوادگی خود را ردیابی نمایید.

از برنامه‌های «آموزش شخصیت»^{۱۱} آموزشگاه‌های کودکان بی‌خبر نمانید. جزوات والدین که به خانه فرستاده می‌شود را مطالعه کنید؛ جزوات مربوط به کودکان را نیز مطالعه کنید؛ به گردهمایی والدین بروید. برخی از برنامه‌ها کارایی کمتری نسبت به برنامه دیگر داشته و برخی شاید به ترویج ارزش‌هایی غیر از ارزش‌های مورد نظر شما بپردازد. خواه با آنچه آموزش داده می‌شود موافق باشید خواه مخالف، درباره آن‌ها با کودک خود گفتگو کنید. اگر شما مخالف باشید بعید نیست که با والدین دیگر رایزنی کرده تا آن برنامه را تغییر دهید. اگر دارای زمان برای داوطلب شدن در انجمن والد-آموزگار هستید یا در انجمن سایت مدرسه شاید بتوانید تشویق کنید که برخی از منابعی که در این کتاب معرفی شده یا در برنامه‌های با ارزش دیگری به کار بگیرد.

۱۱. اصطلاح گسترده که برای توصیف برنامه‌های آموزش کرداری به کودکان 11. Character education به کار می‌رود که به آن‌ها در رشدهای مختلفی مانند اخلاق، فرد متمدن، خوب بودن، منظم بودن و غیره کمک می‌کند

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

آیین نامه انسان‌گرایی: «پنج گام» در عمل برای والدین

نمونه: نمونه‌ای از تغییر آگاهانه با درخواست از کودکان برای کمک به خود درست کنید. مثال، اگر می‌خواهید وزن کم کنید از کودکان بخواهید که در رستوران هنگام آوردن منوی دسر برای شما هشدار دهند «اصلاً نگاهش هم نکن!»

توضیح: با بچه‌های خیلی کوچک: دست‌کم در روز پی یک فرصت باشید تا کنش خود را برای بچه توضیح دهید. مثال، زمانی که کودک نقاشی خود را به پایان رساند، بگویید «خوب حالا این مداد شمعی را کنار بگذار. زمانی که ما می‌خواهیم میز را برای شام آماده کنیم نیازی به آن‌ها نداریم.» یا «چون مدادها گم نمی‌شود.»

کودکان بزرگ‌تر: پیش از معرفی قوانین تازه با شریک تربیتی درباره آن‌ها گفتگو کرده و توضیح دهید. در این مورد گفتگو کنید که آیا پسندیده است که درباره جایگزین‌ها با کودکان سخن بگویید یا نه.

تشویق: با همدیگر یعنی با شریک تربیتی کتاب «پنج دلیل برای نگفتن «آفرین»»^{۱۲} نوشته الفی کوهن^{۱۳} (www.alfiekohn.org/parenting/gj.htm) را بخوانید یا فیلم «چگونه بچه‌ها را موردستایش قرار دهیم» را ببینید (www.greatergood.berkeley.edu/half_full/?p=55). درباره کارهایی بیندیشید که کودکان شما انجام داده و به خاطر آن‌ها شایسته تشویق هستند. برای آنچه به کودکان خواهید گفت نقش بازی کنید. تشویق کردن یکدیگر را نیز تمرین کنید! احساس خوبی به شما می‌دهد و می‌توانید درباره کدام‌یک از واژه به راستی تشویق کننده بوده به هم بازخورد بدهید. مشارکت: خواه شما به انضباط را به مانند «وادار ساختن کودکان به انجام آنچه می‌خواهید،» یا «آموزش مهارت‌های زندگی به کودک» نگاه کنید مشارکت دادن آن‌ها در انتخاب آماج و ابزار رسیدن به این آماج بهترین امید شما برای موفقیت می‌تواند باشد.

12. Five Reasons to Stop Saying 'Good Job!'

13. Alfie Kohn

گسترش دایره همدردی

بدون محدودیت سنی

مثالی خوب می‌توان زد که پذیرش و قدردانی از تفاوت‌ها ارزش‌های کانونی اخلاق انسان‌گراست. هر چند این موضوع در زیر بخش «بنیادگذاری و برپاساختن انجمن‌ها» بخش ۸ با جزئیات فراوانی مورد کاوش قرار گرفته ولی در اینجا نیز چند راه برای برجسته ساختن و بزرگداشت تفاوت برای خانواده‌ها آمده است.

هم‌سفران شما چه کسانی هستند؟ در روابط اجتماعی ما، همدردی بر پایه این احساس استوار است که ما با دیگران در برخی چیزها مشترک هستیم - از این آگاهیم که «ما با هم دیگر یک کشتی نشسته‌ایم.» با این حال هوشیاری فرهنگی ما را در گروه‌هایی مانند جنسیت، نژاد یا دین دسته‌بندی کرده - گروه‌هایی که کمابیش همیشه فرض می‌شود با هم درگیر هستند. گاهی یعنی زمانی که نتایج به صورت طبیعی خود پدیدار شود - برای نمونه کودکان شما می‌شنوند یک تبعیض نژادی در مدرسه رخ داده یا روزنامه‌ای که می‌خوانید گفته‌ی متعصبانه یک سیاستمدار را گزارش می‌کند - این بازی را انجام دهید:

همه‌ی اعضای خانواده را با قلم و کاغذ گرد آورید، مدت زمانی را معین کنید و ۵ دقیقه را برای هر تن از اعضای مشخص کرده تا هر گروهی را که گمان می‌کند به آن تعلق دارد را فهرست کند. زمانی که پنج دقیقه به پایان رسید فهرست‌ها را مقایسه کرده و حدس‌های خود را با همدیگر در میان گذارید و فهرست بلند خوبی به دست آورید - مثلاً سی مورد. برخی از این گروه‌ها شاید بی‌اهمیت باشد («انسان‌هایی که رنگ مورد علاقه آن‌ها بنفش است») یا جدی («انسان‌هایی با ناتوانی یادگیری») داوطلبانه («علاقه‌مند به ورزش هاکی») یا غیر داوطلبانه («چپ‌دست»). این بازی شما را برای این گفتگو آماده می‌سازد که چقدر انسان‌ها پیچیده بوده و راه‌های فراوانی که هر یک ما دارای چیزی مشترک با هر شخص دیگری هستیم. (۲۰)

در هر واژه‌ای چه چیزهایی نهفته است؟ بررسی زبان‌های دیگر اسباب تفریح بوده و قدردانی از تنوع فرهنگی را آموزش می‌دهد تا حدودی به این دلیل که زبان‌های گوناگون کمابیش همیشه بازتاب شیوه‌های متفاوتی از اندیشه است. اگر شما یا شریک تربیتی شما بیش از یک زبان می‌داند دست کم در خانه گاهی از اوقات با دو زبان سخن بگویید. در غیر این صورت از فرهنگ لغت دو زبان استفاده کرده یا با استفاده از اینترنت پنج راه مختلف برای گفتن واژه‌ها و عبارات‌های مهم را یاد

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

بگیرید مانند «لطفاً»، «سپاسگزارم»، «دور»، «ساده» یا هر چیزی که کودکان شما برمی‌گزینند («یک کلمه برای روز» یک «کلمه برای هفته» کلمات موضوعی مانند اصطلاحات ورزشی یا نام پرندگان - هر چیزی که خانواده شما دوست دارند).

در ۹ همدسایه، از همسایگان نژادی دیدن کنید. نه اینکه تنها در روزهای ویژه مانند سال نوی چینی‌ها یا سینکودی میو^{۱۴} بیرون بروید بلکه در طول سال نیز از مراکز فرهنگی همسایگان نژادی، خواروبارفروشی‌ها و غیره دیدن کنید خویش را غرق در اصوات و نشانه‌های زبان‌های دیگر کنید- شاید هم خوراکی جدیدی را به خانه آورده و از آن استفاده کنید. (اگر در یک جامعه کمابیش یکدست زندگی می‌کنید این فکر را در زمان تعطیلات و مرخصی‌ها به کار ببندید.)

درک طرف مقابل. همیشه شر و شیطانی نشان دادن طرف مقابل وسوسه‌انگیز است به ویژه هنگامی که کردار آنان قابل نکوهش باشد. ولی حتی اگر پیوسته با دیدگاه آن‌ها موافق هم نباشیم باید متوجه باشیم که آن‌ها نیز انسان هستند. ارزش آن را دارد که با بچه‌ها فیلم اردوگاه عیسا^{۱۵} را تماشا کنید تا با نفوذ و تأثیری آشنا شوید که کنش‌های روحانیون بر اساس آن شکل می‌گیرد- به ویژه اگر کودکان شما افراد جانماز آبکشی را بشناسند. صحنه‌ای را جستجو کنید که به کودکان در اردوگاه گفته می‌شود حتی اگر اندیشه‌های «ناپاک» به سرشان خطور کند «منافق» هستند و در این باره که چرا کودکان گریه می‌کنند بحث کنید.

البته مهم است که اشاره کنید افرادی که در فیلم اردوگاه عیسا هستند نمایشگر همه سنخ‌های مذهبی نبوده بسیاری از آن‌ها دارای ارزش‌هایی هستند که زمینه‌های مشترک فراوان با بدون دین‌ها دارند تا با افراد افراطی‌تر مذهبی. برای نمونه می‌توانید از وبسایت هواداران آزادی سقط‌جنین کاتولیک‌ها دیدن کنید که بر ضد سلسله‌مراتب مذهبی خود سخن می‌گویند یا درباره چگونه بخش‌هایی از فرقه‌های مذهب از حقوق هم‌جنس خواهان حمایت می‌کنند و یا درباره کسانی که افراد غیر همدین خود را «کافر» به شمار نمی‌آورند.

بهره بردن از ادبیات برای سخن گفتن از اخلاق

14. Cinco de Mayo جشنی که در امریکا و مکزیک در پنجم می برگزار می‌شود روز پیروزی مکزیک در

جنگ با فرانسه

15. Jesus Camp

بخش دوم: اخلاقی بودن و آموزش اخلاق در خانواده

بدون محدودیت سنی

حواس خود را جمع کرده و مواظب فرصتی‌هایی باشید که می‌توانید با کودکان خود درباره پیام‌های اخلاقی کتاب یا فیلم‌ها گفتگو کنید. بی‌احتیاط نبوده و از هر فرصتی برای پیش کشیدن آن استفاده نکنید بلکه زمانی این موضوعات را پیش بکشید که احساس نبرو کرده و در برابر پرسش کودکان خود پاسخگو و مسئولیت‌پذیر باشید. از بچه‌ها پرسید که درباره این گفته نویسنده یا کنش بازیگر چه می‌اندیشند. در زیر چندین نمونه و مثال آورده شده است:

کتاب محبوب کودکان شازده کوچولو^{۱۶} را بخوانید. در یک بخش از داستان شازده سفر خود را به سیاره‌های خیالی توصیف می‌کند. در یکی از سیاره‌ها شازده مردی را می‌یابد که شغل او روشن کردن چراغ‌های گازی روستا در شب است (در اینجا شانس وجود می‌آید که می‌توان برای کی درس کوتاه تاریخی به کار گرفته شود!). این روستا اینک متروک شده بود ولی روشن‌کننده چراغ گازی به کار خود ادامه می‌داد زیرا این «وظیفه او» بود. شازده این ویژگی او را ستایش و تحسین می‌کند. از کودک خود پرسید «آیا قبول داری؟»

نسخه جدید فیلم کارتک شارلوت^{۱۷} را با خانواده تماشا کنید. در این داستان دختر کوچکی به نام فرن بچه خوک لاغر و مردنی را دست‌آموز می‌کند و او را ویلبر می‌نامد. سرانجام عنکبوتی به نام شارلوت که با ویلبر در طویله زندگی می‌کند زندگی ویلبر را نجات می‌دهد. شخصیت دیگر در این داستان یک موش صحرائی خیلی خودخواه به نام تمپلتن است. شاید شما چنین پرسش‌هایی پرسید:

- هنگامی که بابای فرن می‌خواهد ویلبر را قصابی کند، فرن جلوی او را گرفته و اصرار می‌کند که «من به ویلبر قول داده‌ام او را حفظ کنم.» پدر می‌کوشد تا عهد را سست کند ولی فرن می‌گوید، «من به ویلبر قول داده‌ام، نه به تو.» در این باره چی؟ آیا شخصی می‌تواند شخص دیگری را از زیر بار تعهدی که به کس دیگری داده، آزاد کند؟
- زمانی که ویلبر در نمایشگاه شهرستان بوده فرن توجه کمی به او داشته و در عوض بیشتر وقت خود را با دوست هم‌کلاسی اش سپری می‌کند. آیا این بی‌وفایی است؟

16. The Little Prince

17. Charlotte's Web

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

(بدون شک نویسنده چنین فکر نمی کرده ولی جالب است که بفهمید کودک شما

چه فکری می کند - به ویژه آنچه بچه های بزرگ تر از جانب نویسنده می گویند.)

- تمپلتون موش مأموریت های گوناگونی - گاهی خطرناک - را برای شارلوت و ویلبر اجرا می کند ولی هنگامی که به او رشوه داده شود. از بچه ها بپرسید «آیا تمپلتون یک دوست واقعی به شمار می آید؟»

- زمانی که شارلوت در تار خود در توصیف ویلبر عبارت «چه خوکی» را می تند مردم آن را یک «معجزه» می خوانند. این موضوع چه چیزی درباره معجزات به ما می گوید؟

برای ایده گرفتن پیرامون چگونگی بحث درباره داستان ها با بچه ها کم سن به وبسایت

«آموزش فلسفه به کودکان» در www.teachingchildrenphilosophy.com مراجعه

کنید. (در زمان نوشتن این کتاب این سایت «فلسفه کودکان: پرسش های فلسفی در داستان های

کودکان» نامیده شده و در نشانی

www.mtholyoke.edu/omc/kidsphil/stories.html قرار گرفته است ولی طرحی

برای تغییر مکان این سایت به یک نشانی اینترنتی دیگری در دست اجرا می باشد. برای والدین

اطلاعات بسیاری در دست است که شامل گفتگوهای بسیار ویژه پیرامون موضوعات فلسفی

کتاب های کودکان است که به حق محبوب نیز هستند (همه ی آن ها دارای موضوعات اخلاقی نبوده

ولی همه ی آن ها ارزش خواندن دارند). این احساس را نداشته باشید که باید همه پرسش های

مجموعه را به کار ببرید. چیزی را در نظر بگیرید که بدرد شما می خورد و بالاتر از همه، تفریح کنید!

منابع

درک رشد اخلاقی

Dobrin, Arthur. *Ethical People and How They Get to Be That Way* (in press). این کتاب از طریق جامعه انسان‌گرای اخلاقی لانگ آیلند^{۱۸} در دسترس خواهد بود. برای بررسی در دسترس بودن آن به سایت www.ehsli.org/pubs/index.php مراجعه کنید. دوبرین موضوعات گوناگونی و هم چنین آموزش اخلاق را در دانشگاه هافسترا^{۱۹} آموزش می‌دهد و هم چنین بیش از سی سال سکون جامعه انسان‌گرای اخلاقی لانگ آیلند را در دست داشته است. این کتاب با لحنی دانشگاهی و فلسفی بررسی ژرف از موضوعاتی مانند پژوهش پیرامون خردورزی اخلاقی، همدرد کودکان داشته و هم چنین دارای بخشی درباره موارد اجتماعی است که بر رشد اخلاقی مؤثر و کارگر می‌شود. برای اینکه احساسی از گستره این کتاب به دست آورید بنگرید به «چهل کاری که می‌توانید برای تربیت کودکان اخلاقی انجام دهید» در پیوست یک این کتاب.

Faber, Adele, and Elaine Mazlish. *How to Talk So Kids Will Listen & Listen So Kids Will Talk* (New York: Avon Books, 1999) یک کتاب کاربردی، لذت‌بخش هر چند قدیمی ولی با این حال کارا و مؤثر درباره چگونه سخن گفتن که ارتباط را آموزش داده و والدین و بچه‌ها را در یک تیم قرار داده که با هم مشکلات را حل می‌کنند. این کتاب به افراد تازه پدر یا مادر شده کمک می‌کند تا در مسیر درست قرار گرفته و به بقیه کمک می‌کند که شیوه‌های بدردنخور را تغییر دهند. تمرین‌های عملی و داستان‌ها بسیاری در آن وجود دارد؛ بخش‌های تازه به پرسش خوانندگان پاسخ می‌دهد. بهترین بخش شاید بخشی باشد که به کودکان کمک می‌کند تا قوانین کهن را کنار بگذارند.

کانون دانش خوب بزرگ‌تر (در دانشگاه برکلی)، «بلاگ نیمه پر»
[/http://greatergood.berkeley.edu/half_full](http://greatergood.berkeley.edu/half_full)

18. Ethical Humanist Society of Long Island

19. Hofstra University

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

«وسایلی... برای والدینی که آرزوی تربیت کودکان به معنای واقعی کلمه احساساتی و شاد دارند.»
یک فهرست در حال رشد از مقالات و ویدئوها درباره هر چیز از «چگونه ستایش کنیم» گرفته تا
«کمک به کودک... برای جایگزینی کردار ناشایست با کردار نیک.» این کتاب شامل فهرست کاملی
از ارجاع به منابع پژوهش - و برگردان آنها به اصطلاحات کاربردی قابل درک - است.

منابع تربیتی نهاد مطالعات انسان‌گرایان

www.HumanistParenting.org

مقالاتی نوشته والدین انسان‌گرا و برای پدر و مادران انسان‌گرا؛ نقد و بررسی کتاب، دی‌وی‌دی، بازی
و فرآورده‌های دیگر؛ اطلاعات پیرامون مراسم سکولار؛ تجزیه و تحلیل پژوهش و ادعاهای تربیتی و
رشد کودکان؛ و پیوند به منابع دیگر برای خانواده‌های انسان‌گرا.

Kohn, Alfie. *Unconditional Parenting: Moving From Rewards and Punishments to Love and Reason* (New York: Atria Books, 2005).

عنوان آن گویا همه چیز است. این کتاب یک کتاب تربیتی عمومی نیست بلکه بحثی پژوهشی پیرامون
کاستی‌های گوشمالی و پاداش (بله، درست شنیدید) است و توضیح می‌دهد چرا این روش بیشتر
برای کنترل کردن تا اینکه حمایت از کودکان باشد.

مقاله “Beyond the Golden Rule: A Parent’s Guide to Preventing and Responding to Prejudice” at www.tolerance.org

دیباچه‌ای بر شیوه‌های تربیتی

Berkowitz, M.W., and J.H. Grych. “Fostering Goodness: Teaching Parents to Facilitate Children’s Moral Development.” *Journal of Moral Education*, 27(3) (1998), 371–391. Available online at

<http://parenthood.library.wisc.edu/Berkowitz/Berkowitz.html>

این مقاله شامل یک جدول همبستگی «نتایج رشد اخلاقی کودکان» با «متغیرهای منتخب تربیتی»:
برای نمونه: «استقرا» با همدردی، وجدان، نوع‌دوستی و استدلال اخلاقی همبستگی دارد.

بخش دوم: اخلاقی بودن و آموزش اخلاق در خانواده

Crosser, Sandra. "Helping Young Children to Develop Character." Early Childhood News (www.earlychildhoodnews.com/earlychildhood/article_view.aspx?ArticleID=246).

شامل رهنمودهای کاربردی مانند «سخن بچه را بشنوید... به طور واقعی خود را به سطح کودکان برسانید... پرسش پرسید...» و پند و راهنمای برای برقراری چهارچوب‌ها و مذاکره برای حل مشکلات است.

بررسی اخلاق انسان‌گرایی

اتحادیه آمریکایی اخلاق، «هشت مسئولیت فرهنگ اخلاقی»

http://aeu.org/library/display_article.php?article_id=3

Bennett, Helen. Humanism, What's That? A Book for Curious Kids (New York: Prometheus, 2005).

برای سنین ده‌ساله و بالاتر ولی شاید برای سن چهارده سال بسیار ساده به نظر برسد. فضایی که برای گفتگوی آموزگار انسان‌گرا با برخی از دانش‌آموزان وی ترسیم‌شده غیر واقعی به نظر می‌رسد ولی دانش‌آموزان پرسش‌هایی را می‌پرسند که احتمال دارد بچه‌های شما از همسالان خویش شنیده و در کتاب پاسخ‌های آموزگار قابل فهم و روشن است. درباره این کتاب با بچه‌ها بحث کنید؛ نه اینکه فقط کتاب را به دست آن‌ها بدهید. کتاب یک دید کلی دارد و شکاف‌ها را شما می‌توانید پر کنید. فعالیت و گفتگو پرسش‌ها آمیخته به حدسیات که برای گروه‌های سنی متفاوتی مناسب است و پیوند روشن و صریحی با متن ندارد.

Pearson, Beth. "The Art of Creating Ethics Man." Originally appearing in The Herald of Scotland in January 2006

این مقاله عالی خلاصه‌ای از آخرین پژوهش‌ها در رشد اخلاقی را ارائه نموده که به طور کامل در مقابل با دیدگاه متعارف افراد دین‌دار است. گزیده بلندی از این مقاله در وب‌سایت انجمن انسان‌گرایان انگلستان به نشانی

www.humanism.org.uk/site/cms/contentViewArticle.asp?article=2134. در دسترس است.

Grayling, A.C. Meditations for the Humanist: Ethics for a Secular Age (London: Oxford University Press, 2003).

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

یکی از بهترین عناوینی که به بررسی اخلاق انسان‌گرایان با توجه به بازتاب‌های محیط طبیعی بر زندگانی انسان‌ها دارد.

نقل قول‌های خردمندان

www.wisdomquotes.com

International Humanist and Ethical Union (IHEU). "Statement of Fundamental Principles." <http://iheu.org/amsterdamdeclaration>. A shorter version is at <http://iheu.org/resolutions>.

Jone Johnson-Lewis, leader of the Northern Virginia Ethical Society has selected eloquent, thought-provoking quotations. Categories include "Humanism," "Ethics," "Compassion."

کتاب‌های کودکان

«فهرست کتاب‌های توصیه‌شده» از انجمن خدمات کتابخانه‌ای به کودکان

www.ala.org/ala/alsc/alscresources/booklists/booklists.htm

عناوین آن شامل «تعطیلات»، «رشد با گردش به دور زمین»، «تنوع و گوناگونی» و موضوعات بسیار دیگر.

Barker, Dan. *Maybe Right, Maybe Wrong* (Amherst, NY: Prometheus, 1992). A classic and a winner. Ages 6–10.

Dobrin, Arthur. *Love Your Neighbor: Stories of Values and Virtues* (New York: Scholastic, 1999).

بچه‌ها دوست دارند این کتاب مصور شادی‌آفرین را بارها و بارها بخوانند. همه‌ی قصه‌های آن پرمایه است: در هریک بسیار بیش از ارزش پرسش مطرح شده وجود دارد. برای نمونه خانواده‌های جورواجوری تصور شده و زمینه‌ها و شخصیت‌ها باعث تحریک کنجکاوی است («کسکس ۲۰ چیست؟» «تاشکند کجاست؟»). هر داستان با یک پرسش اندیشمندانه به پایان می‌رسد که همیشه

بخش دوم: اخلاقی بودن و آموزش اخلاق در خانواده

هم مربوط به «اخلاق» نیست. پیش‌تر در برنامه‌ی آموزشی فرهنگ اخلاقی در برگه‌ی ۶۱، مهدکودک تا ۶ سالگی توصیف می‌شد.

Gordon, Sol. All Families Are Different (Amherst, NY: Prometheus, 2000).

توصیف ساده، بی‌طرفانه‌ای از انواع خانواده‌ها با تأکید بر اینکه آنچه به راستی مهم است «شما» (خواننده) هستید که دوستان دارند. سن ۸-۴ سال.

Humphrey, Sandra McLeod. It's Up to You... What Do You Do? (ages 9-12) and More If You Had to Choose What Would You Do? (ages 7+) (Amherst, NY: Prometheus, 1999 and 2003). If You Had to Choose

در تربیت فارغ از اصول مذهبی بررسی شده است و داستان‌های به شما بستگی دارد دارای همان اندازه ضعف‌ها و نقطه قوت است. آن‌ها گفت و شنودهایی است که فراتر از داستان است. وضعیت و درگیرهایی را که آن‌ها توصیف می‌کنند واقعی بوده ولی شخصیت‌ها رشد نکرده‌اند. گاهی پرسش پایانی داستان بر موضوع بدیهی اخلاقی انگشت می‌گذارد ولی خواننده و بچه‌ها می‌توانند پرسش‌های خود را داشته باشند.

Clegg, Luther B., et al. "How to Choose the Best Multicultural Books" in Scholastic Books Parents' Resources, <http://content.scholastic.com/browse/article.jsp?id=3757>.

مقاله شامل بررسی پنجاه کتاب کودک - هر ده کتاب از یک گروه نژادی.

Cohen, Randy. The Good, the Bad, and the Difference: How to Tell Right from Wrong in Everyday Situations (New York: Doubleday, 2002). Reprints of the New York Times Magazine column "The Ethicist."

بخش‌ها آن شامل «زندگی خانوادگی» و «زندگی تحصیلی» به همراه پاسخ به انتقادهای خوانندگان. از دست ندهید «من سخنم را پس می‌گیرم» که به توصیف این می‌پردازد که چگونه کوهن پس از به دست آوردن اطلاعات بیشتر ذهنیت خود را تغییر داده و نشان می‌دهد که افراد چگونه شاید به طور توجیه‌پذیری ذهنیت خود را تغییر دهند. پاسخ شوخ طبعانه به پرسش‌ها آن هم این‌قدر خاکی که فروشنده سر محله ما مقاله‌ای در بخش تولید چاپ کند. سن ۱۴ سال و بیشتر.

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

کمک به پدر و مادران برای یافتن کتاب‌هایی درباره اخلاق برای کودکان

Council on Interracial Books for Children. "10 Quick Ways to Analyze Children's Books," www.birchlane.davis.ca.us/library/10quick.htm.

Linville, Darla. "Queer & Questioning Teens." www.nypl.org/branch/features/index2.cfm?PFID=160. Reviews of twelve novels and story collections with gay teen characters.

Roberts, Lisen C., and Heather T. Hill. "Children's Books That Break Gender Role Stereotypes"(National Association for the Education of Young Children,

مواد درسی آموزش اخلاق

Lassen, Veronica, and Debbie Grieb. "Heart Talk for Kids" curriculum. "Our community has tried the 'Heart Talk' curriculum," says Jone Johnson-Lewis, Leader of the Northern Virginia Ethical Society. "It's based on the principles of Non-Violent Communication and is wonderfully humanistic. The teachers tell me it's one of the best they've worked with, for detailed instructions that help them feel confident about teaching. They only needed to make a couple of minor adaptations. Parents are using words like 'transformed' about how it's impacted their families." The curriculum has different modules for different age groups.

این مواد آموزشی برای استفاده در پایه‌گذاری برنامه آموزش اخلاقی طراحی شده است. افراد می‌توانند آن را به سرپرست گروه آموزشی یا استفاده در گروه تربیتی پیشنهاد داده و دست کم برای دو سال کاربرد خواهد داشت.

چهارچوب، اطلاعات سفارش دادن و نمونه درس‌ها در www.uucards.org/lassen0807.php

بخش دوم: اخلاقی بودن و آموزش اخلاق در خانواده

Religious Education Committee of the American Ethical Union. "Love Your Neighbor: An Exploration of Values"—preschool through elementary age. Free download from American Ethical Union at http://64.118.87.15/~aeuorg/library/articles/Love_Your_Neighbor_exploration.pdf.

هر درس آن بر پایه یک داستان از کتاب همسایه‌ات را دوست بدار آرتور دو برین است (که با کتاب‌های دیگری پیرامون استدلال اخلاقی بررسی شده است) به همراه فعالیت‌های و ایده‌های فراوان که والدین می‌توانند در گروه‌های کوچک و حتا با یک بچه آن را به کار گیرند. چیزی که در باره این مواد آموزشی مهم است این است که نشان می‌دهد چگونه داستان را به زندگی خود یا کودکان آورده و با تجربه‌های دیگر یکپارچه ساخته و به ژرف اندیشیدن می‌انجامد.

بخشش

Spring, Janis A. How Can I Forgive You? The Courage to Forgive, the Freedom Not to (New York:HarperCollins, 2004).

مثال‌ها و موضوعات در این کتاب بر روابط و تجربه‌های بزرگسالان تأکید دارد ولی هم چنین به جزئیات اصول و روالی می‌پردازد که در پیوست در بخش «گام‌هایی در جستجو بخشش» آمده است. هم چنین اگر شخصی دارای مشکلات حل نشده‌ای با والدین خود است این کتاب شاید کمکی کند تا از بر این مشکل چیره شود که در غیر این صورت بر روابط با کودکان تأثیر می‌گذارد.

Greater Good magazine. Symposium on forgiveness, including an article on how to apologize. <http://peacecenter.berkeley.edu/greatergood/archive/2004fallwinter/>

تجربه و ارزیابی مثبت از تنوع

فوق‌برنامه‌های غیر تبعیضی برای کودکان

4-H clubs serve 6.5 million urban and rural youth nationwide, with programs in science, engineering and technology, healthy living, and citizenship. 4-H groups are sponsored by extension programs at public universities and cannot discriminate on the

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

basis of religion. Find a nearby club at www.FourHCouncil.edu/find4H.aspx.

Camp Fire USA now serves both boys and girls. Camp Fire is “inclusive, open to every person in the communities we serve, welcoming children, youth and adults regardless of race, religion, or other aspect of diversity. [Our] programs are designed... to reduce... stereotypes and to foster positive intercultural relationships.” Use the “Council Locator” at www.campfire.org to find a group near you.

The National Camp Association (NCA) provides a free summer camp referral service online, offering personalized guidance and referrals for parents selecting a residential “sleepaway.” All camps recommended by NCA “are accredited in accordance with government regulations and have received a positive evaluation from NCA and from parents.” NCA does not accredit camps that have discriminatory policies. www.summercamp.org

The Sierra Club Inner City Outings program provides low-income, innercity youth with trips to the wilderness. “Is moving towards its longterm commitment to give every child in America an opportunity to have an outdoor experience.” So far this program has developed activities in only a few states. www.sierraclub.org/ico

برنامه‌های آموزش و عمل اخلاق

روبروشدن با تاریخ و خود

www.facinghistory.org/campus/reslib.nsf

این سازمان غیرانتفاعی برای آموزگاران با آموزش درباره رویدادهای تاریخی مانند هولوکاست و جداسازی آموزش، توسعه منابع درسی، نمایشگاه‌های سفر (به همراه راهنمای مطالعه)، گفتگوی گروهی و برنامه‌های دیگری برای ترویج مدارا و مشارکت مدنی ارائه می‌کند. این سایت را بازدید کرده تا دریابید چگونه می‌توانید برنامه‌های آن را به مدارس کودکان یا جامعه خود بیاورید.

بخش دوم: اخلاقی بودن و آموزش اخلاق در خانواده

به بچه راهنمایی و دبیرستانی درباره وبسایت «تغییر باش» بگویند که ماجرای دانش آموزان را در گوشه و کنار حکایت کرده که برای متفاوت بودن راه‌هایی یافته‌اند.

www.facinghistory.org/Campus/bethechange.nsf/home?OpenForm

Tolerance.org

www.tolerance.org

این سایت که برنده جایزه نیز شده پروژه کانون حقوقی فقر جنوب^{۲۱} است. این سایت با صفحاتی برای والدین، آموزگاران، نوجوانان و کودکان لبریز از منابع برای مدارا، مقابله با زورگویی و دیدگاه مثبت نسبت به تنوع است. نقشه را برای یافتن گروه‌های عدالت اجتماعی در جامعه خود جستجو کنید

(www.tolerance.org/maps/social_justice/index.html). Beyond the Golden Rule: A Parent's Guide to Preventing and Responding to Prejudice is a 31-page handbook with age-specific advice, downloadable by clicking the book-cover icon at www.tolerance.org/parents/index.jsp.

اون هون، اوچان ایدس (۲۱)

Perry, Susan K. *Playing Smart: The Family Guide to Enriching, Offbeat Learning Activities* (Minneapolis: Free Spirit Publishing, 2001). Chapter 12, "Cultural Diversity: It's All Relative" is jam-packed with fascinating activities and information, including body language in different cultures and "Global Game-Playing." Order online at www.BunnyApe.com.

یادداشت‌ها

1. Darling, Nancy. "Parenting Style and Its Correlates." Clearinghouse on Elementary and Early Childhood Education

21. Southern Poverty Law Center

EDO-PS-99-3, March 1999. Accessed May 2, 2008, from www.athealth.com/Practitioner/ceduc/parentingstyles.html

2. Grusec, J.E., and J. J. Goodnow, "Impact of Parental Discipline on the Child's Internalization of Values: A Reconceptualization of Current Points of View," *Developmental Psychology*, 30 (1994). Cited in Dobrin, Arthur, *Ethical People and How They Get to Be That Way* (in press), chapter 5.

3. Oliner, pp. 181–182.

4. Quoted in Pearson, Beth, "The Art of Creating Ethics Man," *The Herald* (Scotland), January 23, 2006.

5. Pearson, *ibid.*

6. Quoted by permission from Kidder, Rushworth M., *Moral Courage* (Institute for Global Ethics All rights reserved). This list first appears on page 10.

7. At one point in the movie *Jesus Camp*, a child of fundamentalist parents says that Galileo was right to renounce his scientific findings for religious reasons.

8. Quoted by permission. The complete list is at www.ethicalstl.org/sunschool.shtml and in the first Appendix. Accessed May 2, 2008.

9. While there are concerns that Kohlberg's research is limited by its methodology and by its emphasis on reasoning about justice, it is undeniably useful in understanding the many levels and facets of moral understanding. For further exploration of these stages and their implications, see Dobrin, Arthur, *Ethical People and How They Got That Way* (in press), Chapter 3.

10. Callaghan, T., P. Rochat, A. Lillard, M.L. Claux, H. Odden, S. Itakura, S. Tapanya, and S. Singh, "Synchrony in the Onset of

Mental State Reasoning: Evidence from 5 Cultures,” *Psychological Science*. (At time of writing this article is still in press, and available online at www.faculty.virginia.edu/early-social-cognition-lab/reprints/reprints.html. Accessed May 11, 2008.) Children in numerous cultures, both schooled and unschooled, were studied.

11. Kohn, pp. 34–36; Faber and Mazlish, pp. 174–176 (complete citations in Resources).

12. De Waal, Frans, *Peacemaking Among Primates* (Boston: Harvard University Press, 1990), p. 270.

13. Spring, Janice Abrahms, *How Can I Forgive You?* (New York: Harper-Collins, 2005), pp. 51–117.

14. De Waal, p. 270.

15. Kohn, Alfie, *Unconditional Parenting* (New York: Atria Books, 2005), p. 204.

16. Dobrin, Chapter 3.

17. Pearson, Beth, “The Art of Creating Ethics Man,” *The Herald* (Scotland), January 23, 2006. Accessed February 15, 2008, from www.humanism.org.uk/site/cms/contentViewArticle.asp?article=2134

18. When I attended a lecture by Paul Rusesabagina, the person on whose story the movie *Hotel Rwanda* is based, an audience member asked him how he found the courage to protect and provide for the people he helped—sometimes at gunpoint. He replied that he was just being himself, a hotel manager, whose job was to take care of his guests. (Not surprisingly, his autobiography is titled *An Ordinary Man*. Proceeds of the book’s sales are donated to a foundation that helps orphans and survivors of the Rwandan genocide.)

19. Adapted from the Camp Quest ethics curriculum. Used by permission.

20. This suggestion is inspired by Sen, Amartya, *Identity and Violence: The Illusion of Destiny* (New York:W.W.Norton, 2007). The book is really an extended essay; it's 240 pages but they're small pages. Written by a humanist and Nobel-winning economist, it might be worth reading with some highschool-age children. An argument against a worldview that divides people into "boxes" defined by religion, it also includes some very interesting personal anecdotes and discussions of cultural history. Some people might find it too repetitive, so you might prefer to try finding it at the library.

21. That's Spanish for "one," Japanese for "book," Russian for "many," and French for "ideas."

خانواده سکولار،

جهان مذهبی

جن دور

چشم‌انداز مذهبی ایالات متحده به تندی در حال دگرگون شدن است. تا همین چند سال پیش در سال ۱۳۶۹ (۱۹۹۰ میلادی) از هر ده تن شهروند امریکا نه تن وابستگی خود را به پروتستان یا کاتولیک اعلام کرده در حالی که بدون دین‌ها ۸ درصد و ادیان غیر مسیحی ۳ درصد اعلام می‌شد. درست یک نسل بعد معیار جامعه آمریکایی دورنمای بسیار غنی‌تر از عقاید را به نمایش می‌گذارد. از هر چهار تن ساکن ایالات متحده سه تن به عنوان مسیحی شناخته شده یکی از ده تن دینی غیر از مسیحیت دارد و یکی از هر شش تن هیچ دینی ندارد.

هر چند درصد افراد بدون مذهب به رشد اعتقادات آمریکایی‌ها

۸۶ درصد	معتقد به خدا	ادامه می‌دهد ولی از سوی دیگر روشن است
۸۱ درصد	معتقد به بهشت	که دین به ریخت و شکل‌های بسیار
۷۰ درصد	معتقد به شیطان	گونگونگی همواره با ما خواهد ماند.
۶۹ درصد	معتقد به جهنم	انسان‌های بی دین و کودکان آن‌ها در
۳۱ درصد	آیا کتاب آسمانی به معنای واقعی کلمه سخنان خداست	آموزشگاه‌ها، در سر کار، در سیاست، در

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

ورزش و در اجتماع با افرادی با مذاهب بسیار گوناگون روبرو شده و برهم کنش خواهند داشت. پروژه‌ی پلورالیسم در دانشگاه هاروارد این نکته را گوشزد می‌نماید که «در چهل سال گذشته، مهاجرت به شیوه بسیار چشمگیری چشم‌انداز مذهبی امریکا را دگرگون ساخته است.» (۱) صفحه اصلی پروژه پلورالیسم تنوعی جالب از تصاویر پیرامون انجام امور مذاهب گوناگون در ایالات متحده را نشان می‌دهد که در این میانه می‌توان به هندو، بوداییسم، مسیحیت، سیک و اسلام اشاره نمود. برآورد می‌شود که امروزه ۲ میلیون مسلمان در امریکا زندگی کرده (۵) و هم چنین ۷۰۰ معبد هندو نیز در این کشور وجود دارد. (۶)	<p>کتاب آسمانی را خدا وحی کرده</p> <p>خدا راهنمای فرگشت انسان بوده</p> <p>فرگشت بدون خدا رخ داده</p> <p>اعتقاد کلمه کلمه‌ی به داستان آفرینش</p> <p>اعتقاد کلمه کلمه‌ی به داستان نوح و کشتی</p> <p>اصول طالع بینی ستاره‌ای حقیقت دارد</p>	<p>۴۷ درصد</p> <p>۳۸ درصد</p> <p>۱۳ درصد</p> <p>۶۱ درصد</p> <p>۶۰ درصد</p> <p>۲۵ درصد</p>																
	تعیین هویت مذهبی بزرگسالان آمریکایی (برآورد)																	
	<table border="0"> <tr> <td>۲۰۰۸</td> <td>۲۰۰۱</td> <td>۱۹۹۰</td> <td></td> </tr> <tr> <td>%۷۰</td> <td>%۷۷</td> <td>%۸۸</td> <td>مسیحی</td> </tr> <tr> <td>%۱۸</td> <td>%۱۴</td> <td>%۸</td> <td>بدون دین</td> </tr> <tr> <td>%۱۲</td> <td>%۹</td> <td>%۴</td> <td>غیر مسیحی</td> </tr> </table>	۲۰۰۸	۲۰۰۱	۱۹۹۰		%۷۰	%۷۷	%۸۸	مسیحی	%۱۸	%۱۴	%۸	بدون دین	%۱۲	%۹	%۴	غیر مسیحی	
۲۰۰۸	۲۰۰۱	۱۹۹۰																
%۷۰	%۷۷	%۸۸	مسیحی															
%۱۸	%۱۴	%۸	بدون دین															
%۱۲	%۹	%۴	غیر مسیحی															

در مقایسه با دیگر کشورهای جهان پیشرفته در امریکا مسیحیت هم‌زمان آتشی‌تر و هم چنین کمتر «فرهیخته» است. استفان پروتر^۱ در کتاب خودش به نام فرهیختگی دینی، آنچه هر آمریکایی باید بداند و نمی‌داند^۲ اشاره می‌کند که «بسیاری از آموزه‌های خداپرستانه که اروپائیان به عنوان افسانه کنار گذاشته - مانند بهشت جهنم و شیطان - هنوز از سوی اکثریت بسیار گسترده آمریکائیان مورد تأیید است. از هر ده فرد بزرگسال در ایالات متحده بیش از ۹ نفر به

1. Stephen Prothero

2. Religious Literacy, What Every American Should Know and Doesn't

بخش سوم: خانواده سکولار، جهان مذهبی

خدا باور دارند، بیش از هشت نفر می گویند دین به طور شخصی برای آن‌ها دارای اهمیت بوده و بیش از هفت نفر می گویند روزانه خدا را نیایش می کنند.» (۷)

کودکان آدم‌هایی را می بینند که به دلایل دینی دارای پوشاک متفاوتی بوده، با افراد دیدار می کنند که برای نمازهای روزانه در آموزشگاه و مدرسه به دنبال نمازخانه‌های متفاوتی می گردند، کسانی که نماز خود را گرد پرچم خوانده و کسانی که شب شنبه نمی توانند برای بازی فوتبال بیرون آیند زیرا روز سبت است. در نتیجه و در اثر برهم کنش‌های دیگر حتا کودکان

پرورش یافته در خانواده‌های غیردینی دارای پرسش‌های دینی بسیاری می شوند. آن‌ها کودکان دیگری را می بینند که به کلیسا می روند و تعجب می کنند که چرا خودشان نمی روند و می پرسند که کلیسا (معبد یا

«به هر استنباطی که درباره واقعیت وجود خدا برسیم پیشینه این اندیشه بایستی نکته پراهمیتی درباره ذهن انسان و طبیعت آرزوهای ما را روشن سازد.»

مسجد) چیست و چرا مردم به این مکان‌ها - کارن آمسترانگ

می روند. زمانی که بچه‌ها در مرحله‌ی پیش پیشینه‌ی خدا

دبستانی هستند والدین بدون دین با پرسش‌هایی مانند «خدا کیست؟» روبرو می شوند.

هم چنین پرسش‌هایی شنیده خواهد شد که مستقیم به ناباوری مربوط است. باید برای کودکان پیرامون خط‌مشی‌ها و سازمان‌هایی که افراد بدون مذهب را به عضویت نمی پذیرند مانند پیشاهنگان امریکا^۳، توضیح داده شود چون می بینند که دوستان خودشان به آن‌ها ملحق می شوند. بدون شک از اصول اعتقادی کودکان بار آمده در خانواده بی‌دین پرسیده خواهد شد و شاید برای رفتن به کلیسا، مطالعه کتاب‌های آسمانی یا گردهمایی‌های دینی به همراه دوستان از آن‌ها دعوت بشود.

از سوی دیگر با تماشا اخبار کودکان به زودی به این نتیجه خواهند رسید که بیشتر غوغاهای جهان برخاسته از اصول اعتقادات مذهبی است. این دیگر وظیفه‌ای بر دوش پدر و

3. Boy Scouts of America

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

مادران بی‌دین است که اطلاعات، واقعیت‌ها و اندیشه‌های خود را به کودکان انتقال داده تا نفوذ دین در جهان چه خوب و چه بد برای آن‌ها معنادار بشود.

امروزه بیش از هر زمان دیگر اعضا خانواده‌ها با افراد دیگر قرارهای دوستانه گذاشته یا با افرادی با زمینه‌های متفاوت مذهبی ازدواج کرده و «پروژه‌های پلورائسیم» خودشان را تجربه می‌کنند. آیین‌نامه‌های کهنه محدودیت خواستگاری و ازدواج اعضای پیروان یک سنت دینی کمتر و کمتر عمومیت دارد. ثمره‌ی این امر هم پدیدار شدن شرکای زندگی میان دینی و هم

چنین گرد آمدن شرکای بدون دین و با دین

در کنار هم است. چه می‌شود کرد کار دل

است! خوب، اگر شما در چنین وضعیت

زناشویی قرار بگیرید چگونه با آن کنار

خواهید آمد؟ با تفاوت‌های خویشاوندی

سببی در خانواده چه برخوردی می‌شود؟

چگونه یک فرد بدون دین با یک شریک

زندگی مذهبی زندگی می‌کند؟ با آمدن

بچه‌ها چه رخ خواهد داد؟ هم‌وغم این بخش

کمک پیرامون این پرسش‌های مشخص

است.

اثر «روح جهانی»^۱

«در سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) زمانی

که در نظرسنجی گالوپ به پرسش آیا به

خدا باور دارند ۸۶ درصد از آمریکاییان

پاسخ دادند، «آری». ولی هنگامی که

عبارت «من به یک روح جهانی باور دارم»

به آن اضافه شد ۱۴ درصد با برگزیدن «روح

جهان» باور به خدا به ۷۸ درصد سقوط

کرد.»

در امریکا پدر یا مادر بی‌دین بودن یعنی برگزیدن راهی که کمتر در آن رفت و شد می‌گردد. به عبارت دیگر یعنی پذیرش مسئولیت آموزش دین و بی‌دینی به کودکان خود. هیچ‌گاه کافی و بسنده نیست که به کودک گفته شود، «ما قبول نداریم» و دیگر ادامه ندهید. این سر در برف کردن کودکان را دچار آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی می‌نماید. اروپا و امریکا نه در یک سیما بلکه در دو سیما مذهبی ۱۸۰ درجه برعکس هم هستند: اعتقاد به دین و داشتن اطلاعات از دین. آمریکایی‌ها هم دین دارانی مشتاق بوده و هم پایین‌ترین سواد دینی را در میان

1. Universal spirit

بخش سوم: خانواده سکولار، جهان مذهبی

کشورهای پیشرفته جهان دارد. ما آمریکایی‌ها با اشتیاق فراوان دین‌دار هستیم ولی پیرامون اعتقادات همسایگان که پیشکش دانش بسیار کمی درباره خاستگاه، پیشینه و عناصر اصول عقاید خود داریم. از سوی دیگر اروپاییان نشانه‌های اندکی از باورهای مذهبی را پدیدار می‌سازند (۸) ولی به لطف آموزش رسمی دینی در آموزشگاه‌ها دارای آگاهی‌های کمابیش ژرفی از دین هستند.

چون آموزشگاه‌ها و مدارس آمریکایی در آموزش دین محتاط هستند، آموزش اصول دین به گردن والدین است - بدون استثنا همه والدین. والدین مذهبی می‌توانند از امتیاز آموزش ارائه شده در کلیساها بهره بگیرند ولی کاستی و نقص آن محدودیت وجود تنها یک دیدگاه است. پدر و مادران بدون دین این تضاد را معکوس ساخته - مسئولیت آموزش دینی به کودکان در درجه نخست بر دوش آنهاست ولی با توجه به یک آموزش سازمان یافته، ممانعتی از آن به عمل نمی‌آید چون این فکر وجود دارد که دارای فرصتی بزرگ‌تری برای شنیدن چندین دیدگاه برای درک متقابل می‌شویم. افزون بر این پاره‌ای هم نداریم. کودکانی که در عنصر دین نادان هستند هدف ساده‌ای برای تعصبات مذهبی بوده و برای گرفتن تصمیمی آزادانه و مستقل خواهند لنگید. نادانی ضعیف است، دانش قدرت.

والدین بی‌دین در برخورد با شمار بزرگی از موضوعات دینی باید آماده برهم‌کنش با فرزندان خود باشند. ضرورت دارد که کودکان بدانند برای اطمینان از عدم زیر پا گذاشتن مرزها در مدارس قانون بر جدایی دین از دولت نظارت می‌کند. کودکان باید آماده واکنش‌های خلاقانه و سودمند با همکلاسی‌ها، اعضای تیم خود، همسایگان و خویشاوندان دور مذهبی باشند. پدر و مادران بدون دین هم چنین باید مطمئن باشند که کودکان آن‌ها درباره گستره و پیشینه‌ی اندیشه‌های فارغ از الهیات آگاهی می‌یابند از بی‌خدایی و ندانم‌گرایی گرفته تا انسان‌گرایی و آزاداندیشی در کل.

این بخش با پرداختن به پرسش‌های کلی و موضوع‌های مورد علاقه در رابطه با پیوندهای میانجی و واسطه میان خانواده‌های بدون دین و جهان مذهبی پیرامون به پدر و مادران بی‌دین کمک خواهد کرد. ما برای برخی از کلی‌ترین پرسش‌ها پاسخ‌هایی ارائه می‌کنیم که در اثر

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

چهارچوب بندی دوباره بسیاری از اعمال سنتی دینی در بدنه‌ی فعالیت‌ها غیردینی به وجود آمده و از سوی دیگر به بزرگداشت بسیاری از مراحل زندگی به شیوه‌ی غیردینی نیز نگاه خواهیم داشت. این بخش با منابعی برای بهبود ادبیات دینی، کشف کلپ‌های و سازمان‌هایی جایگزین غیردینی به پایان می‌رسد که کمک‌هایی در رابطه با موضوع دین و سیاست فراهم می‌نمایند.

پرسش و پاسخ

پرسش: چرا برای بچه‌های من مهم است که سواد دینی داشته باشند؟

پاسخ: به چهار دلیل عمده سواد دینی - دانش دینی درست در روبرو و مقابل ایمان داشتن - حیاتی و مهم است:

۱- **برای درک جهان.** جهان ما جهانی مذهب زده است. بخش کمرشکنی از اخبار - شامل پزشکی، سیاست، قوانین، نظامی و اخبار مربوط به آموزش و پرورش - دارای اجزای بزرگی از مذهب است. هم چنین این واقعیت وجود دارد که ۹۰ درصد انسان‌های عادی خود و درک خویشتن از جهان را با کلماتی مذهبی بیان کرده پس روشن می‌گردد که ناآگاهی کودکان ما نسبت به دین مایه و سبب بریده شدن آن‌ها از رسیدن به درکی از رویدادهای رخ داده در جهان و درک این می‌شود که چرا این رویدادها رخ می‌دهد.

۲- **برای نیرومند و صاحب اختیار شدن.** در انتخابات ۱۳۸۳ (۲۰۰۴ میلادی) هاوارد دین^۱ نامزد ریاست جمهوری امریکا گفت که کتاب ایوب مورد علاقه وی است ولی آن را به اشتباه به عهد جدید منسوب کرد. کتاب ایوب از کتاب‌های عهد عتیق دارای اهمیت کمی برای بسیاری از ما بود. ولی برای طیف بزرگی از

1. Howard Dean

رای دهندگان مذهبی این گونه نبوده و آقای دین روشن کرده بود که کمابیش آگاهی درستی درباره روایت کانونی زندگی آنها ندارد. برای این افراد آقای دین درجا موردی بی ارزش و بدردنخور گشت. چون ما می خواهیم صدای کودکان ما در بسیاری از موارد با مؤلفه های دینی شنیده شود برای آنها اهمیت فراوانی دارد که درباره این موارد آگاهی خود را به نمایش بگذارند.

۳- **برای داشتن دیدگاهی به راستی آگاهانه.** پدر و مادر بدون دین که مدعی هستند کودکان آنها در اندیشیدن درباره دین آزاد هستند ولی هیچ گاه کودکان خود را در معرض دین یا اندیشه های دینی قرار نمی دهند ارزش های اقرار شده خویش را زیر پا گذشته و کودکان خویش را فریب داده اند. کودکان برای داشتن داوری آگاهانه راستین درباره دین باید به آن دسترسی داشته باشند.

می خواهیم فرصتی را بخرم^۱

چند وقت پیش با دلینی به گردهمایی «دزدان دنوتز^۲» به مدرسه او رفتم. یک مجموعه خوب. ما خوراکی ها را خورده و در سالن ژیمناستیک کمی زود آغاز به جمع شدن کردیم سپس به آهستگی به سوی کلاس کودکان برگشتیم. چند تا از باباها پیش تر به کلاس آمده بودند و بچه ها آنها در کلاس این طرف و آن طرف می کشاندند. لنی دست مرا گرفت و ما به این صف رقصان پیوستیم.

لنی گفت، «این جایی است که همه ی کتابها هست.» «و این وایت برده. این کره زمین است و اینها عروسک.... و این» لحن او پر غرور شده و ادامه داد «میز من است!» من چند کلمه آخر را درست نشنیدم چون من هنوز میخ وایت برد شده بودم که در میان آن با خط تیترا نوشته بود «این هفته!!» - و زیر آن یک صلیب با شکوه درخشان دیده می شد.

1. Buy a Consonant

2. Dads 'n' Donuts

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

و عجب صلیبی! همه‌ی رنگ‌های رنگین کمان در آن دیده می‌شد! اگر نه به خاطر یازده، دوازده ملاحظات دیگر نبود زده بودم زیر آواز **هزاران تاج گل به پایش بریزید!**

تازه چهار هفته شده بود که ما به آتلانتا نقل مکان کرده بودیم و اینجا من در کلاس مدرسه دولتی دخترم ایستاده، میخ دولت و دین شده و در آغوشی پرشور گیر کرده بودم. به طور کامل یخ زده بودم و انگار نمی‌خواستم از این حالت هم بیرون بیایم. زمان از حرکت ایستاده بود، با تمسخر به من نگاه می‌کرد و سپس راه خود را رفت. می‌دانستم که اگر پایش بیفتد می‌پریم روی یک صندلی می‌ایستم و اشاره کرده و نعره می‌زنم «صلیب! تاج گل!!!» راه چاره دیگری نداشتم؛ در آیین‌نامه‌های خون‌آشام‌های بیخدا در پیمان‌نامه ۱۲۹۴ در همه برخوردها حکم به اشاره و فریاد شده بود.

دختری کوچک دیگری که پدرش را با دست راهنمایی می‌کرد وارد جهان تخیلی من شد. او با اشاره به صلیب گفت، «و این چیزی بود که برای این هفته یاد گرفتیم!» دخترک برای به وجود آوردن تأثیری بزرگ مکثی کرد سپس با دقتی معلمی فضل فروش گفت «صلیب با حروف کوچک!»

- دیل مک گاون، از بلاگ معنای زندگانی

۴- **برای پرهیز از «بینش ناگهانی نوجوانی»** کشمکش با هویت، اعتماد به نفس و موارد بی شمار دیگر بخشی و پاره‌ای از سال‌های نوجوانی است. گاهی این تک و تقلاها می‌تواند به بحران‌های واقعی شخصی افزوده شده که در این نقطه همسالان مذهبی خیرخواه کمابیش همیشه یک پرسش مطرح می‌کنند: «چیزی درباره خدا می‌دانید؟» خدا به عنوان پاسخی به همه‌ی مشکلات عرضه می‌شود

1. Crown Him with Many Crowns

بخش سوم: خانواده سکولار، جهان مذهبی

حتا مشکلات برطرف نشدنی. کودکی که در معرض مذهب قرار نگرفته یا بسیار کم با آن برخورد داشته است در هنگام بحران‌های شخصی دچار یک گروگان‌گیری احساسی می‌شود. نتیجه این گفتگو بیشتر زمان‌ها چیزی نیست مگر اینکه به بنیادگرایی بشارتی ختم می‌شود. حتا اندک دانشی درباره دین سبب می‌شود تا نوجوان بگوید، «بله درباره خدا چیزهایی می‌دانم» - و می‌داند که بهتر است جای دیگری در پی پاسخ قابل اطمینان برای مشکلات شخصی بگردد.

پرسش: به نظر من درجه‌های مختلفی از سواد وجود دارد. کودکان باید چه چیزهایی بدانند تا سواد دینی داشته باشند؟

پاسخ: پیش از هر چیز به یاد داشته باشید که منظور از سواد دینی، تنها سواد مسیحیت نیست. دیدگاه تطبیقی بسیاری از روایت‌ها دینی، تفاوتی میان داشتن دانش گسترده و تلقین فکری یک دیدگاه یکتاست.

در زیر مواردی فهرست شده که کودکان سرانجام باید چیزهایی درباره آن‌ها بدانند:

- داستان‌های و شخصیت‌های اصلی کتاب‌های آسمانی (به پایین نگاهی بیندازید).
- داستان ساده‌ای از آغاز پنج دین عمده (یهود، بودائیسیم، اسلام، مسیحیت و هندو) و کشورهای اصلی که این دین‌ها در آنجا به طور کلی رایج است.
- کدام‌یک از این ادیان به خدایی بزرگ ایمان داشته و کدام‌یک ندارد.
- پیشینه مذهبی خانواده گسترده شما و آنچه شما در عمل باور داشته و یا ندارید بر خلاف خویشاوندان خود.

همه‌ی این مسائل باید به عنوان اطلاعات به کودکان داده شود نه اینکه با جوش و خروش بر له یا علیه جهان‌بینی‌های گوناگون موضع‌گیری شود. کودکان حق، جدا و انتخاب کردن واقعیت‌ها را داشته ولی مسئولیت شما اطمینان یافتن از این است که کودکان دسترسی به منابع دینی دارند.

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

چون مسیحیت نمایشگر دین غالب در فرهنگ غرب (ما) است حتا کمی جزئیات بیشتر به کودکان یاری خوبی می‌رساند. دست کم در فرهنگ غرب کودکان باید داستان‌های زیر را بدانند:

- داستان آفرینش با آدم و حوا.
- نوح و کشتی.
- موسا و ده فرمان
- خروج یهود از مصر.
- یحیا تعمیددهنده
- زندگی و مرگ عیسا

کودکان باید تفاوت میان کتاب‌های عهد قدیم و عهد جدید را بدانند. باید بدانند که عیسا مانند یک یهودی تربیت شد و مردی به نام پیلاتس^۱ در حکومت روم عیسا را در دادگاه محکوم به مرگ نمود.

پرسش: چگونه می‌توانم کودکانم را با ادبیات مذهبی آشنا نمایم بدون اینکه تحت تأثیر تلقین قرار گیرند؟

پاسخ: ما به تلقین به عنوان یک پیش فرض نگاه می‌کنیم، ولی در واقع تلقین کردن سخت‌تر از فرهیخته ساختن و ساختن یک اندیشه باز و گشوده است. تلقین کار سختی است. جلوگیری از رسیدن اطلاعات درباره دیدگاه‌های دیگر و رد حق پرسیدن و شک کردن از ضرورت‌های آن است. اطلاعات پیرامون فرهنگ‌ها و سنت‌های بسیاری را در نقشه باسواد ساختن مذهبی گنجانده و به ویژه تشویق به پرسش و شک آنتی تلقین است. این کار را انجام دهید و در سفر اکتشافی به راستی صادقانه خود به سلامت ره بسپارید.

1. Pilate

بخش سوم: خانواده سکولار، جهان مذهبی

سواد دینی نیز مانند سواد‌های دیگر به صورت بسته‌های کوچکی در گذر زمان به دست می‌آید. سواد دینی این نیست که با کودکان یکجا نشسته و کتاب آسمانی را بخوانید - نقشه‌ای که هیچ‌گاه خوب عمل نمی‌کند. در عوض شتاب‌دهنده‌های سواد زیر را آزمایش کنید:

۱- **سخن، سخن، سخن بگویید.** همان‌گونه که لوسی کالکینز^۲ در کتاب تربیت دانش‌جویان فستگی‌ناپذیر^۳ اشاره می‌کند، هر آموزشی با زبان شفاهی آغاز می‌گردد. (۹) در گفتگوهای روزمره خانواده تکه‌ی خوشایند از دانش دینی را جا بدهید. اگر از کنار مسجدی می‌گذارید و کودک ۴ ساله شما به گنبد زیبای طلایی آن اشاره می‌کند از این فرصت برای اندوختن به دانسته‌های کودک استفاده کنید: «قشنگ نیست؟ این یک جور کلیساست و به آن مسجد می‌گویند. مردم هر روز پنج بار برای نماز خواندن اینجا آمده و همگی هنگام نماز خواندن رو به شهری در دوردست‌ها می‌ایستند.» ضرورتی هم ندارد که پنج اصل اسلام پردازید. چند ماه بعد شاید زن با بوبی را در خیابان ببینید و آن را به اطلاعات پیشین پیوند دهید: «مسجد را یادت هست، همان کلیسا با گنبد طلایی؟ آدم‌های این شکلی به آن جور کلیساها می‌روند.»

همان‌طور که کودکان بزرگ‌تر می‌شوند اطلاعات پیچیده‌تری ارائه کنید - همه جور اطلاعاتی یعنی خوب، بد و زشت. هیچ گفتگویی درباره مارتین لوتر کینگ جونیور^۴ کامل نمی‌شود مگر اینکه اشاره کنیم او یک روحانی باپستی بوده و دین برایش مهم نبوده است. به همین صورت هیچ گفتگویی درباره انقلاب آمریکا کامل نیست بدون گفتن اینکه اکثریت بنیادگذاران آمریکا شک‌گرایان دینی و از طیف‌های مختلف بودند. درباره اجزای مذهبی رویدادهای خبری سخن

2. Lucy Calkins

3. Raising Lifelong Learners

4. Martin Luther King, Jr.

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

بگوئید از جروب‌بحث درباره پژوهش یاخته‌های بنیادی و گرمایش جهانی گرفته تا تروریسم و هواداری از عدم خشونت.

۲- درباره اسطوره‌ها، روایت‌های گوناگون را بخوانید. اسطوره‌های

داستان‌های عالی برای زمان خواب است. با اسطوره‌های آفرینش از گوشه و کنار جهان آغاز کنید، سپس به روایت‌های بسیار غنی در سنت‌های دیگر برسید - یونان، رومی، اسکاندیناوی، بومیان آمریکایی، جزایر اقیانوس آرام، آفریقا، آسیا و غیره. هم چنین داستان‌های یهودی-مسیحی فراموش نشود. آن‌ها را در کنار اسطوره‌های سنت‌های دیگر بازگو کرده، بخش‌های تزیینی و تأکیدی مشترک آن‌ها را حذف کنید.

۳- در فرصت‌هایی به همراه خویشاوندان مورد اعتماد به کلیسا

بروید. واجب است که کودکان داخل یک کلیسا را ببینند - به طور ضروری نیازی نیست که هر یکشنبه ولی چندین بار. جلوگیری کامل از اندوختن این تجربه کودکان را بدون دفاع در معرض این ادعا قرار می‌دهد که در صحن آنجا چیزی جادویی وجود دارد که در واقع در هنگام آسیب‌پذیری احساسی، ادعای پرزوری است. اگر هم ترجیح می‌دهید خودتان بروید کودکان را به خویشاوندی بسپارید که به کلیسا می‌رود و درباره رعایت دیدگاه شما و در زمینه عدم تبلیغ مذهبی می‌توان به او اطمینان کرد.

اگر دوستان بچه‌ها، دعوت آن‌ها را گرفتند، بله را بگوئید - و همراه آنان بروید. گفتگویی که بعد از آن رخ می‌دهد شاید پربارترین گفتگو در سراسر نقشه آموزش مذهبی شما بشود.

۴- فیلم‌ها: یکی از نیرومندترین و کاراترین ابزارهای رسیدن بدون دردسر به سواد

دینی فیلم‌هایی با عناصر دینی است. برای بچه‌های خیلی کوچک شاید شاهزاده مصری، بودای کوچک، کیریکو و جادوگر و نوازنده روی پشت‌بام^۵ باشد. برای بچه‌های

5. Prince of Egypt, Little Buddha, Kirikou and the Sorceress, and Fiddler on the Roof

بخش سوم: خانواده سکولار، جهان مذهبی

مدرسه راهنمایی بیسون و آرگونات‌ها، گاندی، بروس قدرتمند، کوندان^۶ است. بچه‌ها در دبیرستان می‌توانند فیلم‌های پر مغزی مانند آفرین و سوسه‌ی مسیح، هفت سال در تبت، رومرو، فهرست شیندلر، کمپ عیسا و میراث باد^۷ را دیده و لذت ببرند. یک فهرست پر بارتر از فیلم‌ها را در پیوست پایان کتاب پیدا می‌کنید ولی این فهرست کوتاه به تنهایی بچه را هشت دستگاه مختلف مذهبی و تأثیرات منفی و مثبت دین در تاریخ آشنا می‌سازد.

فیلمی درجه یک: هر کاری که می‌کنید سوپرستار عیسا مسیح^۸ را فراموش

نکنید بعید نیست والدین بدون دین حتا با فکر دیدن این فیلم هم ناراحت شوند و فراموش کنند این بیان دوباره از آخرین روز زندگی عیسا چه اندازه ویرانگر و برانگیزنده اندیشه است. داستان نه با معجزه رستاخیز عیسا بلکه با به صلیب کشیدن عیسا پایان می‌یابد؛ و یهودای قهرمان داستان است که اصرار می‌کند عیسا برای فراموش کردن فقرا نیست همان گونه که روحانیون آن را تبدیل به یک فرقه شخصی کرده‌اند. این فیلم را در فهرست نت فیلکس^۹ خود قرار دهید. پیشمان نخواهید شد!

پرسش: هفته‌ای یکبار خواهر شوهرم دختر شش ساله‌ی مرا نگهداری می‌کند و من نیز بچه او را هفته یکبار در خانه نگهداری می‌کنم. من از کمک او سپاسگزارم ولی هنگامی که دخترم به خانه برمی‌گردد ذهنش از داستان‌های کتاب‌های آسمانی و اندیشه‌های دینی پر شده است. روشن شد که هر بار آن‌ها فیلم‌های مذهبی می‌بینند. من احساس می‌کنم که خواهر شوهرم حتا

6. Jason and the Argonauts, Gandhi, Bruce Almighty, Evan Almighty, and Kundun

7. The Last Temptation of Christ, Seven Years in Tibet, Romero, Schindler's List, Jesus

Camp, and Inherit the Wind

8. Jesus Christ Superstar

9. Netflix

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

اگر هم نیت پاکی داشته باشد باز هم حریم را زیر پا گذاشته است. برای حفاظت از دخترم از تلقین و البته بدون بی ادبی چه می‌توانم انجام دهم؟

پاسخ: نخست باید مطمئن شوید که خواهرشوهر از مواضع شما نسبت به دین آگاه است. شاید این موضوع دارای دورنمایی وهم‌آلود باشد ولی این یک گام لازم بوده و کمابیش همیشه نسبت به آنچه گمان می‌شود وضعیت بهتری به وجود می‌آید. شاید خواهرشوهر شما بدون آگاهی از ناراحتی شما فیلم‌هایی با چنین موضوعاتی را نمایش می‌دهد. اگر بر حق دیدن و سخن گفتن درباره هر چیز دلخواه خود تأکید قطعی نمود آنگاه باید انتخاب کنید: ترتیب یافتن یک شخص دیگر برای نگهداری را بدهید یا با کودک خود درباره گوناگونی باورها آغاز به گفتگو کرده و از حق او برای تصمیم‌گیری انتخاب هر باوری که می‌خواهد سخن بگویید. بسته به کودک شما شاید کار خواهرشوهر شما به هیچ وجه بد نباشد - فرصتی برای تمرین اولیه با درگیر شدن با اندیشه‌های متنوع.

پرسش: چگونه می‌توانم به کودکان خود برای روبرو شدن با فشار همکلاسی‌های مذهبی - سخنانی مانند «شما جهنمی هستید» تا «باید خدا را قبول داشته باشی» - یاری رسانم؟

پاسخ: نباید اجازه دهید که نخستین برخورد کودکان شما با چنین اندیشه‌های از طرف همکلاسی‌ها باشد. مهم است که بچه‌ها نخست از زبان شما درباره جهنم بشنوند. ایمن ساختن آن‌ها با دور نگه‌داشته شدن از اندیشه ترس‌ناک تنها اشتباه است بلکه به همان اندازه احمقانه است. «آیا به راستی خدا انسان‌ها خوب را تنها به دلیل باور نداشتن به او به جهنم می‌اندازد؟»

دوم، با الگوسازی در خانه به آن‌ها زبان ویژه‌ای بدهید. پاسخ‌ها باید کوتاه بوده و پیام را به آرامی و با اطمینان منتقل کند. «من که این را قبول ندارم.» «قبول دارم که عیسا آدم خوبی بود.» «ایرادی ندارد که انسان‌ها به چیزهای گوناگونی باور داشته باشند.» «مشکلی نیست که هزار بار هم عقیده‌ام را عوض کنم اگر بخواهم.» «یک خدای مهربان مردم را به دلیل شکاکی منصفانه مجازات نمی‌کند.»

بخش سوم: خانواده سکولار، جهان مذهبی

از سوی دیگر مهم است که واکنش خودتان را متعادل کنید. ما پدر و مادران بیشتر از کودکان دلواپس چنین چیزهایی هستیم.

پرسش: خانواده گسترده ما در این ناحیه زندگی می‌کنند. هر هفته ما برای شام شنبه در خانه یکی از خویشاوندان گرد می‌آییم. پیش از خوردن شام یک دعای دراز خوانده شده و در این هنگام کودکانم به من چشم دوخته تا ببینند با این دعا چه می‌کنم. من نه تنها نمی‌خواهم که ریاکار به نظر برسم بلکه می‌خواهم نمونه و الگویی در احترام گذاشتن به سنت‌های سودمند دیگران نیز باشم. بهترین روش با برخورد با این وضعیت چیست - و چه پیشنهادی باید به کودکانم بدهم؟

پاسخ: هر کاری که می‌کنید زودتر و به موقع تصمیم بگیرید که چه کردار مناسب زمانی است که به خانه‌ی افراد دیگری با رسم دعای پیش از شام می‌روید. در این باره با کودکان گفتگو کنید تا هنگام عمل سردرگم نبوده و بنابراین بتوانند درگیر تصمیم‌گیری درباره بهترین انتخاب برای خود بشوند. فکر می‌کنید که باید سیده کنید؟ بگوییم آمین؟ ساکت بنشینیم؟ به طور کامل رک و سراسر سخن بگویید تا کودکان احساس آرامش داشته باشند. ضرورتی ندارد که همه بچه‌های یک جور برخورد کنند: اجازه دهید تا آن‌ها سطح راحتی خودشان را پیدا کنند. درباره این موارد صریح که آغازگر آن بوده‌اید گفتگو کنید (عدم تناقض درونی در برابر احترام به دیگران).

بیشتر والدین بدون دین تعظیم را به عنوان نشانه‌ای از احترام برای رسم‌های سودمند و بی‌زبان برمی‌گزینند. بسیاری نیز تصمیم به نگفتن «آمین» پایانی می‌گیرند چون این واژه به معنای واقعی کلمه به معنای «من موافقم» است. هیچ راه منحصر به فرد یگانه‌ای وجود ندارد و کوشش‌های کودکان در این مورد تمرین بزرگی برای آن‌ها است.

پرسش: اگر خویشاوندان به خانه به طور کامل سکولار ما آمدند آنگاه چکنیم؟ احساس می‌کنم که باید ترجیحات خودم را ابراز کنم که ما هنگام شام کار متفاوتی در این خانه انجام می‌دهیم. گزینه‌های من چه می‌تواند باشد؟

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

پاسخ: حق با شماست: در خانه شما باید کاری که شما مناسب می‌دانید انجام شود، درست همان برخوردی که شما در خانه آن‌ها دارید. در غیر این صورت با سرافکننده نشان دادن خود از داشتن چنین ارزش‌ها و دیدگاه‌هایی، آن‌ها را در معرض خطر بی‌ارزشی قرار داده‌اید. اگر این کار به معنای آن است که شما به همراه این خانواده گسترده دعای پیش از شام را نمی‌خوانید پس من پیشنهاد می‌کنم که شیوه‌هایی جایگزین - به سلامتی آشپز نوشیدن یا هورا کشیدن برای آشپز، یک مراسمی که هرکسی درباره قدر گرد هم آمدن سخنی بگوید، یک لحظه سکوت برای اندیشیدن یا یک دعای سکولار که مناسب خانواده خود می‌دانید - را برای آغاز شام خوردن در خانه خود بسازید. با شوق و شور کامل به اطلاع برساند که شما این را به طور مخصوص برای گردهمایی خویشاوندان در خانه خود ساخته‌اید.

بهتر است این اعلان پیش پیشنهاد یا خواسته شخص دیگری برای انجام گیرد. بی‌درنگ در هنگام قرار گرفتن مردم در سر میز تقاضای یک دقیقه سکوت بکنید و برنامه آماده شده خود را اجرا کنید. این کار را با اطمینانی خوشایند انجام دهید چون کار خوبی می‌کنید سپس بی‌درنگ سورا را ادامه دهید. اگر سخنانی منفی زده شد پاسخ خود را به طور منصفانه چهارچوب بندی کنید: شما می‌توانید این روش را در خانه خودتان پیاده کنید من هم در خانه شما با روش شما رفتار خواهم کرد و همه چیز به خوبی به پایان می‌رسد!

پدر و مادران بدون دین در گوشه و کنار مملکت گزارش داده که بر خلاف انتظار واکنش خویشاوندان بهتر از این‌ها بوده و حتا اغلب واکنش خویشاوندان به طور کامل مثبت بوده است - شامل پاسخ‌هایی بسیار شگفت‌آوری مانند «یا خدا - این کارت خیلی قشنگ بود!» افزون بر این اندیشه‌ای پهنانی وجود دارد که به زبان نمی‌آید «و جالب بود که پای خدا هم وسط کشیده نشد!»

اگر یکی از خویشاوندان هنوز از اصرار به برپایی دعایی گروهی دست برنمی‌داشت می‌توانید اعتراض خود را به این شکل بیان کنید که شما احترام بسیاری برای سخنان عیسا قائل هستید که اجازه انجام آن را بدهید: «و چون عبادت می‌کنی مانند ریاکاران مباش زیرا خوش دارند که در کنایس و گوشه‌های کوچه ایستاده نماز گذارند تا مردم ایشان را ببینند... لیکن

بخش سوم: خانواده سکولار، جهان مذهبی

چون تو عبادت می کنی به حجره‌ی خود داخل شو و در را بسته، پدر (اصل و ریشه) خود را در نهان عبادت نما» (کتاب متا ۶-۶:۵).

این کار بیشتر زمان‌ها جروبحث را پایان می‌رساند - و به شما یک سیمای خوب از سواد دینی می‌دهد!

بسیاری از خانواده‌های سکولار یک‌جور مراسم شام شبانه را پذیرفته که دارای همان هدف احساسی مانند دعا خواندن است - آرام شدن، اندیشیدن، آگاه شدن - بدون بار مذهبی آن. بنگرید به بخش فعالیت در پایان همین بخش تا ایده‌هایی به دست آورید.

پرسش: در شهر ما چهارشنبه‌شب «شب کلیسا» است و دوستان پسر مدام از او برای پیوستن به گروه نوجوانان دعوت می‌شود. به فرزندم گفته‌شده که «خیلی باحال» است و کلی موسیقی پخش می‌کنند و سرپرست «خیلی خوب» است! این موضوع در تابستان هم ادامه پیدا می‌کند زیرا «همگی» به اردویی می‌روند که محتوی سراسر مذهبی دارد. باید چه کنم؟ آیا اجازه بدهم او به این فعالیت‌ها برود؟

پاسخ: در آغاز اهداف خود را به یادآورید - عدم حفاظت کودکان از به دست آوردن تجربه‌ها و اطلاعات مذهبی ولی حفاظت آن‌ها از هدف گروگان احساسی شدن، چون در روند تصمیم‌گیری خردمندانه آن‌ها دخالت کند. این موضوع تا حدود زیادی بستگی به سطح بلوغ و توسعه اندیشه‌ی کودک دارد. آیا این از لحاظ ذهنی آن‌قدر بالغ شده که در طبقه‌بندی اندیشه و احساسات بدون تسلیم شدن در برابر فشار همسالان آماده تصمیم‌گیری برای خودش باشد؟ آیا ارتباط شما با کودکان به صورتی است که پس از رویداد بتوانید درباره آن گفتگو کنید؟

هم چنین هر چه بیشتر درباره برنامه مورد نظر بدانید اهمیت دارد. آیا کودکان شما می‌توانند پرسش‌هایی طرح کرده و موافق نباشند؟ آیا هیچ کوشش قابل‌ذکری برای «متنبه کردن افراد برای ایمان آوردن» رخ داده است؟ پاسخ‌ها هر چه باشد به طور کلی یکی از والدین با کودکان ۱۲ ساله و کوچک‌تر باید همراه باشند. هر برنامه‌ای که از همراهی یکی از والدین

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

جلوگیری کند - که البته این موضوع در مورد بسیاری از آن‌ها درست است - به طور ویژه هدف تبلیغ مذهبی بر روی کودکان را داشته و باید رد شود.

از سوی دیگر نوجوانان درخواست همراهی را به‌عنوان نشانه‌ای از عدم اطمینان والدین به خود می‌بینند حتی اگر برنامه یا رویدادی باشد که به راستی همین وضعیت را داشته باشد. در کل خردمندانه‌تر است که به فرزندان خود اجازه دهید رفته و سپس در باره این تجربه با آن‌ها گفتگو کنید تا اینکه گروه نوجوانان را به عنوان یک «میوه ممنوعه» معرفی کنید. اگر شما در گذر سال‌ها هم سواد دینی و هم مهارت اندیشیدن انتقادی را به نوجوان خود آموخته باشید او باید به طور کامل قادر به کار کردن بر چنین تجربه‌ها و حتا داشتن دستاوردهای بزرگی از آن خواهد بود.

شما هم چنین می‌توانید موارد جالب و خوشایند سکولار یا جایگزین‌های خفیف مذهبی در اردوهای مذهبی و گروه‌های نوجوان بیابید. کمپ کوئیسیت نخستین اردوی تابستانی شبانه روزی برای کودکان با پدر و مادران بی‌دین دارای شش مکان در امریکای شمالی بوده و در انگلستان نیز یک برنامه تازه آغاز شده است. فرقه جهان‌گرای توحیدگرا^{۱۰} دارای اردوی خانوادگی غیر فرقه‌ای و برنامه‌های گروه‌های جوانان برای نوجوانان و سازمان‌های بی‌شمار محلی جوانان است که شامل اجزای غیرمذهبی نیز می‌شود. (برای دیدن جزئیات بیشتر درباره انجمن‌های سکولار جایگزین بنگرید به بخش ۹، «بنیادگذاری و به راه انداختن انجمن».)

پرسش: دختر هشت‌ساله‌ام می‌گوید که مانند بیشتر دوستانش می‌خواهد به کلیسا برود. خوب اکنون چکار کنم؟

پاسخ: این یعنی فشار نیرومند همسالان. ما به عنوان پدر و مادر می‌توانیم آن را در مورد خود نادیده بگیریم ولی خواست کودکان برای رفتن به کلیسا و همانندی با دوستان نیرومند بوده و باید به طور مستقیم با آن برخورد شود. چندین گزینه وجود دارد:

10. Unitarian Universalist

بخش سوم: خانواده سکولار، جهان مذهبی

۱- به کودک چیزی بگویید که می‌خواهید در روز یکشنبه به عنوان یک خانواده انجام دهید (حتا به سادگی رفتن به پارک یا یک صبحانه بزرگ در صبح یکشنبه همگی با هم).

۲- یک مذهب لیبرال مانند جهان‌گرای توحیدگرا، یهودیت انسان‌گرا یا انجمن فرهنگ اخلاقی را بیابید که همگی می‌تواند اجتماعی مورد علاقه‌ی را برای کودکان شما فراهم کند بدون تلقین تعصب به آن‌ها.

۳- به آن‌ها کمک کنید تا سودهای بی‌شمار نرفتن به کلیسا در روزهای یکشنبه را به طور روشن و گویا بشناسند.

۴- درباره شیوه‌های با آن‌ها گفتگو که معنا و اندیشیدن در تارو بود زندگی روزمره ما تنیده می‌شود - و هم چنین بگویید که آن‌ها نیاز به یک مکان و زمان خاص و ویژه ندارد.

همان گونه که در بالا گفته شد شما می‌توانید به کودکان اجازه دهید که با دوستان خود به کلیسا بروند با فرض اینکه شما از برنامه مورد نظر یا رفتن با آن‌ها احساس بدی نداشته باشید. کمابیش همیشه انجام تنها همین کار به خودی خود کشش رفتن به مکان‌های مقدس را کنار می‌گذارد.

پرسش: مربی مهدکودک بچه به من گفته که به خدا ایمان دارد. چگونه باید با این موضوع برخورد کنم؟

پاسخ: مربی مهدکودکی که با باورهای متنوعی برخورد نداشته بسیار کم پیدا خواهد شد. بسته به سن و بلوغ بچه یک سخن کوتاه مانند، «جالب است» شاید کافی باشد یا شاید پرسید چرا - آغازی برای بسیاری از گفتگوهای عالی است که البته امتحانش را پس نیز داده است.

احساس نکنید که ضرورت دارد در این هنگام پیرید به شک‌گرایی یا قاطعانه ادعاهای دروغین را افشا کنید. این بسیار مهم‌تر است که کودکان در این سن عشق به پرسشگری و فرضیه‌سازی را گسترش داده تا اینکه به سوی «پاسخ درست» راهنمایی شوند. به آن‌ها اجازه

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

دهید موضع بگیرند، تغییر موضع داده، طعم اندیشه‌های گوناگون را بچشند. این کارها تمرین خوبی است.

هنگامی که کودکان آماده شوند به سوی شما برگشته و از اندیشه‌های شما خواهند پرسید در این زمان شما می‌تواند باورهای خود را برای آن‌ها روشن کنید. از این سخن پرهیزید، «خانواده ما به خدا ایمان ندارند.» چون خانواده ایمان ندارد؛ افراد ایمان دارند. به جای این سخن می‌شود گفت «من به این چیزها باور دارم ولی بسیار از مردم باورهای دیگری دارند و ایرادی هم ندارد.»

همچنین بد نیست که به کودکان اجازه تغییر ذهنیت داده شود. به کودکان یادآوری کنید که با یافتن و درک تجربیات و مدارک نو آن‌ها اجازه دارند هر چقدر که دوست دارند تغییر عقیده بدهند. آن‌ها باید درباره پرسش‌های دینی اندیشیده، با بزرگ شدن اطلاعات بیشتری اندوخته و ذهن باز خود را از دست نمی‌دهند. همیشه اندیشه‌های آنان برای شما جالب خواهد ماند! این وظیفه والدین است که ذهن خود را برای وراجی‌های پیرامون باورمندی یا ناباوری کودکان باز نگه دارند. از این شاخه به آن شاخه پریدن کودکان خود ناراحت نشوید. کشف اندیشه‌ها گوناگون، بنیادی استوار می‌سازد.

پرسش: مشکل تربیت مستقیم کودکان به عنوان بی‌خدا چیست؟ چرا باید وانمود کنم که من فکر می‌کنم شاید دین‌ها دارای پاسخ‌های معتبری نیز باشد؟

پاسخ: این‌ها دو پرسش متفاوت است. اجازه دهید نخست به پرسش دوم پردازیم. هیچ‌گاه ضرورت ندارد که پیرامون اندیشه‌های خود نقش بازی کنید. به طور کامل برعکس: اگر با صداقتی واقعی نگاه شود، وانمود به داشتن عقیده‌ای که به راستی آن را ندارید - یا بدتر وانمود به نداشتن هیچ عقیده‌ای برای والدین غیرممکن است. شما بر گسترش جهان‌بینی کودکان خود تأثیر داشته و باید هم داشته باشید ولی تأثیر گذاشتن و تلقین دو چیز مختلف است. تنها تأثیر گذاشتن خوب است.

بخش سوم: خانواده سکولار، جهان مذهبی

من در نتیجه گفت‌وشتود، بررسی، درون‌نگری و پس از مدت‌ها اندیشیدن به برداشت خودم از پرسش اصلی زندگی رسیدم. من از رفتن به سوی آن با کوشش خودم احساس غرور دارم. این همان کوششی است که جهان‌بینی مرا بخش ارزشمند و ژرفی از وجودم می‌سازد. نه تنها می‌دانم به چه باور دارم - بلکه می‌دانم چرا به آن باور دارم، زیرا من در هر گام این مسیر حضور داشته و کوشیده‌ام. بدون شک برای شما نیز همین موضوع درست است. خوب با این اوصاف آیا به راستی می‌خواهید کودکان را از سفری که انتخاب نهایی آن‌ها را بسیار معنادار می‌سازد محروم گردانید؟

باری زمان‌هایی هست که والدین باید رأی خود را به جای رأی کودک بنشانند. ناچارید تصمیم بگیرید که آیا یک بسته چپیس به جای شام انتخاب خوبی است یا نه. ناچارید مرزها را تعیین کرده و تحمیل کنید، مسئولیت خانگی را تعریف کرده و بر منصف بودن و راست‌گویی تأکید نمایید. با بزرگ‌تر شدن کودکان ترجیح می‌دهید آن‌ها بیشتر و بیشتر در چنین تصمیماتی شرکت کرده ولی تا زمانی که خرد آن‌ها درخور و مناسب وظیفه مورد نظر باشد والدین بایستی به جای کودک تصمیمات ویژه‌ای بگیرند.

ولی آیا انتخاب اصول عقاید یکی این تصمیمات است؟ اگر ضرورت داشت که کودکان جهان‌بینی شخصی خود را در سن پنج‌سالگی اعلام کنند والدین در واقع ناچار به انتخاب آن برای کودک بودند. البته از این‌ها گذشته این شیوه‌ای است که هزاران سال اعمال شده است: به سادگی به یک کودک اعلام می‌شد که او مسیحی یا هندو یا غیره است. واکنش چندین سال پیش ریچارد داوکینز به عنوان یک عکس در روزنامه‌ی گاردین^{۱۱} که سه کودک در نمایش تولد عیسا در هنگام کریسمس ارجاع شده بودند به عنوان «یک کودک سیک، کودک مسلمان و کودک مسیحی» این موضوع را به طور عالی به نمایش می‌گذارد. وی در یکی از سخنرانی‌های خودش اشاره می‌کند، «کسی تعجب نمی‌کند.» «ولی تنها تصور کنید که در عنوان نوشته شده بود یک کودک پول‌گرا، کودک کنزی یک کودک مارکسیست. خنده‌دار است! کسی پیدا نمی‌شود که به این نخندد.» (۱۰)

11. The Guardian

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

هنگامی که کودکان به اندازه کافی بالغ شده تا برای یافتن جایگاه خویش در جهان جستجو را آغاز نمایند برای کودک دارای برچسب دشوار است تا درباره برچسبی که تا جایی که یادش می آید، مانند شنلی او را در برگرفته بوده، به طور واقعی بیندیشد. اگر کودک تصمیم به کنار گذاشتن آن بگیرد به یک یورش احساسی سریچی تبدیل می شود انکاری بر چیزی که به او داده شده است. افزون بر این در برخی از موارد اشتیاق سرکش طبیعی نوجوانان برای تمایز داشتن از والدین می تواند او را به دور انداختن آن بکشاند زیرا پدر و مادر آن را به او داده اند.

در مرام آزاداندیشی والاترین ارزشی که ممکن است وجود داشته باشد بدون شک بایستی آزادی شخص برای اندیشیدن به جای خود باشد - و چیزی به اندازه جهان بینی شخصی و همه جانبه بایستی پرمعنا و همیشگی باشد زمانی که آزادانه برگزیده می گردد.

به کودکان خود مدارا، اندیشیدن انتقادی، همدلی و عشق به حقیقت را بیاموزید سپس به تصمیمی که او برای افزودن ارزش هایی به این ارزش ها می گیرد اطمینان داشته باشید. حاضرم شرط بندم چنین کودکانی با شخصی هم نشین نمی شوند که نمی داند چه می گوید و ایمان دارد که عیسا در نان مقدس ظاهر شده و از هم جنس گرایان متنفر است. بعید نیست که این کودکان به کسی که دارای تظاهرات سودمندتر مذهبی - یک لیبرال با مذهب انگلیس برای مثال یا یک کنگرگیشن ایست^{۱۲}، جهان گرا یا کواکر^{۱۳} - پیوندند. یا ممکن است ارزش های انسان گرایی سکولار را بپذیرند. در هر صورت شما به کودکان خود مدیون هستید تا فضایی را پیرامون وی برای تصمیم گیری مستقل و بدون اجبار برای بده و بستان از اندیشه های شخص دیگری برای انتخاب درست فراهم کنید - حتا اگر این شخص دیگر پدر و مادر دوست داشتنی وی باشند.

پرسش: چگونه می توانم بدون تلقین دیدگاه خودم به کودکانم اندیشیدن انتقادی را بیاموزم؟

12. Congregationalist

13. Quaker

پاسخ: در واقع کودکان باید دعوت به اندیشیدن به شیوه انتقادی درباره ادیان بشوند. روشن سازید که ادعاهای مبتنی بر واقعیت دین و دانش به یکسان فرضیه بوده و هر فرضیه با توجه به قابلیت‌هایش در برابر موشکافی شدید یا فرومی‌ریزد یا می‌ایستد. این تلقین نیست - بلکه با زحمت کم دین را از طبقه محافظت‌شده بیرون می‌گذارد که به طور سنتی دین خواستار آن است.

به جز این موارد در زیر سه عنصر سازنده برای یک خانه خالی از تلقین وجود دارد:

۱- کوشش جدی برای به وجود آمدن کردار منصفانه داشته باشید.

افزون بر زیان‌های آشکاری که داشته زمان‌هایی را می‌توان برشمرد که دین دارای نفوذ مثبتی بر مردم و رویدادها بوده است. درست مانند آنکه یک بچه با والدین مسیحی احتمال کمی دارد که به سخنانی پیرامون تأثیرات زیان‌آور دین گوش کند کودکی با پدر و مادر بدون دین کمابیش در محیطی به طور کامل در جهت مخالف آن تربیت شده است. کوششی آگاهانه از سوی والدین بی‌دین ضرورت دارد تا زمین‌بازی به همان اندازه که درستکاری و صداقت اجازه می‌دهد - برای برقراری تعادل به جای غرولند سر میز شام از دعا‌های رئیس‌جمهور و روضه‌خوان‌های تلویزیونی، فرصت‌هایی را برای ارجاع به سخنانی از مارتین لوتر کینگ جونیور، ماهاتما گاندی، الیزابت فرای، گوتاما بودا و کاری تن بوم^{۱۴} به وجود آورید که همگی از دین و اندیشه‌های دینی نیرو گرفته و آن‌ها را به طور مثبت به کار گرفتند. چرا باید چنین کوششی انجام شود؟ زیرا در شیوه اندیشیدن انتقادی ناب کوششی برای یافتن و شنیدن بهترین استدلال‌های هواداران هر دو طرف مسئله وجود دارد. اگر انتقادی اندیشیدن یک ارزش ناب برای شما به عنوان یک والد باشد دادن فرصت برابر به بهترین چیزهای دین یک مورد بسیار بدیهی به شمار می‌آید.

۲- دسترسی بدون فیلتر به اندیشه‌های دینی فراهم نمایید. آیا دوستی

یا خویشاوندی مذهبی یا چندین خویشاوند و دوست مذهبی دارید؟ یکی از آن‌ها

14. Corrie ten Boom

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

که به او اعتماد دارید (یعنی کسی که به جهنم اعتقادی ندارد) را یافته و ملاقاتی را تنظیم کنید تا کودکان از این خانم یا آقا پرسش‌هایی درباره اصول اعتقادی‌اش پرسند. اگر کودکان خواستند تا ببینند مذهب چه می‌گوید آن‌ها را ببرید! خلاصه اینکه مهارت‌های اندیشیدن انتقادی آنان را برپا کنید سپس هنگام کاربرد به آن‌ها اطمینان داشته باشید.

۳- به ویژه از آن‌ها بخواهید که درباره نتیجه‌گیری‌های شما شک

کرده و آن را به زیر پرسش بکشند. من به خودم اجازه نمی‌دهم که باورها و اعتقادات خودم را با اصطلاحات مبهم و ناروشن بیان کنم. ولی به ویژه از کودکانم توقع دارم تا ایده‌ها و اندیشه‌های مرا به چالش کشیده هر فکری که می‌خواهند در باره اندیشه‌های من داشته باشند، با آن‌ها موافق نبوده و هنگام بررسی آن‌ها هر چقدر که خواستند فکر خود را تغییر دهند. به آن‌ها گفته‌ام که بیشتر ترجیح می‌دهم به جای شریک بودن در اندیشه‌هایی که من برای آنان توضیح داده‌ام برای خودشان فکر کرده و با من موافق نباشند.

شک را آشنا کردن ساختن دستاورد کمی نیست. شک همان توانی است که در واقع شما آن را می‌جوئید. این دلیلی است که چرا در سنت‌های مذهبی خشکه مقدس شک گناه بزرگی شمرده می‌شود - و چرا ما باید قدر و ارج آن را به عنوان بزرگ‌ترین فضیلت خردمندی بدانیم. والدین که با صداقت در این راه می‌کوشند کودکان خود را بدون تلقین کردن زیر تأثیر قرار می‌دهند. موضوع پراهمیت‌تر اینکه چنین والدینی سپاس و قدردانی کودکان خود را در درازمدت به دست می‌آورند با دادن مجوز به ذهن آن‌ها که در حال رشد کردن آزادانه تنفس کند.

پرسش: من یک انسان‌گرای سکولار هستم و به تازگی با یک پیرو لوتری ازدواج کرده‌ام. ما می‌خواهیم به زودی بچه‌دار شویم. با چنین تفاوت‌های عقیدتی چگونه می‌توانیم یک خانواده منسجمی داشته باشیم؟ آیا ضرورت دارد که از لحاظ دینی یک جور باشیم درست مانند یک جور بودن در نظم و انضباط؟ آیا برای برخورد با این خواسته راهکارهایی وجود دارد؟

بخش سوم: خانواده سکولار، جهان مذهبی

پاسخ: در بسیاری از جنبه‌های تربیتی -نظم و انضباط برای مثال- بسیار مهم است که پدر و مادر هماهنگی داشته باشند. ولی هیچ بعید نیست که کودکان در خانواده‌ای با دیدگاه‌های مختلف دینی پرورش یابند. آنچه در هر خانواده‌ای ضروری است برقراری معیار و قوانینی است که بنیاد زندگی بر آن استوار شود. قانون نخست: تبلیغ مذهبی ممنوع! هنر خوب ارتباط و شونده‌ای فعال بودن باید بدون عیب و نقصی باشد. به کار گرفتن واژه‌ی «من» بخش شفاهی در این ارتباط است («من به بهشت باور و ایمان دارم») انگار که دیدگاه‌های دیگر را نیز به عرض اندام دعوت می‌کند («ولی پدر شما اعتقاد دیگری دارد»).

باید بر یک طرح آموزشی مذهبی توافق شود. والدین شاید بخواهند برای کمک به یک کارشناس مراجعه کرده تا درباره مواردی که پیرامون این موضوع وجود دارد گفتگو شود. (برای داشتن بینشی از مراحل تربیت پسرشان در خانواده با تنوع مذهبی که پیت و همسرش با آن روبرو بوده به مقاله‌ی پیت ورنیک در تربیت فارغ از اصول مذهبی مراجعه کنید.)

«من انسان‌های خوب بسیاری را می‌شناسم که خدا را قبول ندارند. ولی هرگز انسانی را ندیده‌ام که خوب باشد و به انسان‌ها اعتقاد نداشته باشد.»

- جان لاجوی الیوت (۱۹۴۲-
۱۸۶۸)
رهبر جامعه اخلاق فرهنگی

پرسش: من تصمیم گرفته که بچه‌های کوچک خودم را به کلیسا ببرم. رفتن به کلیسا در دوران رشد تجربه مثبتی برای من بود ولی به عنوان یک بزرگسال به کلیسا نمی‌رفتم. شوهر من یک بیخدا است و نمی‌تواند رفتن بچه‌ها به کلیسا را تحمل کند. آیا باید بچه‌ها را با وجود نارضایتی شوهرم به کلیسا ببرم؟

پاسخ: خوب البته که نه، عجا هرگز بچه (ها) را در صورت عدم موافقت یکی از والدین به یک مکان مذهبی نبرید. چنین کنشی می‌تواند رخنه‌ای جدی در اعتماد و احترام ایجاد کند. اگر این

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

موضوع نقطه‌ی نزاعی میان شما و شوهر شما بشود رفتن به کلیسا دیگر تجربه مثبتی برای کودکان نخواهد بود و مهم هم نیست که رفتن به کلیسا به خودی خود چقدر جالب می‌تواند باشد. از سوی دیگر عدم حضور وی برای شما نیز خوب نیست. به جای آن بهتر است که در مورد موضوع با یکدیگر گفتگو کنید. شوهر شما به طور دقیق امید به دوری از چه چیزی داشته و می‌خواهد به چه برسد؟ به جای به طور مختصر و ساده تنها گفتن «به کلیسا می‌رویم» به طور روشن درباره برنامه‌هایی گفتگو کنید که کودکان در آن شرکت می‌کنند. احتمال دارد که برنامه یا فرقه مذهبی را بیابید که هر دو تن شما را راضی کند - یا دست کم به سازشی تحمل‌پذیری برسید. اگر احتمال هیچ سازشی پدیدار نبود با یک کارشناس مشورت کنید. ضرورتی ندارد که والدین دارای یک نوع اصول عقاید باشند ولی واجب است که در باره پگونگی ناسازگاری‌ها و درباره برخورد با دین و بچه‌های بر اساس اصول اصلی توافق وجود داشته باشد.

پرسش: پسر عضو تیم بسکتبال است و هنگامی که یکی از کاپیتان‌ها از من خواست تا پیش از بازی اجازه دعا خواندن را به او بدهم من شوکه شدم. مری با آن موافقت کرده است. من چگونه برخورد کنم؟

پاسخ: با فرض اینکه پسر شما به اندازه کافی بزرگ شده تا بتواند چنین موضعی اتخاذ کند - به طور کلی سن ۱۲ سال و بالاتر - بهترین حالت این است که به تصمیم بچه احترام گذاشته نه اینکه تصمیم خود را تحمیل کنید. پیشاپیش دانستن که چنین وضعیتی رخ خواهد داد می‌تواند به شما کمک کند تا در این باره با بچه بر چند سناریو کار کنید. برخی از کودکان اهمیتی نداده تنها با احترام نشسته و ساکت می‌مانند. در برخورد با موقعیت همانندی فرزند خود من مؤدبانه تنها بیرون از حلقه ایستاده و مشارکت نمی‌کرد. افراد دیگری هم هستند که شاید رویکرد فعال‌تری را برگزینند.

بعید نیست بخواهید تنوع ادیان اعضای دین را بررسی کنید. اگر چند بازیکن دیگر غیر از پسر شما در تیم هستند که در خواندن نماز مشارکت نمی‌کنند می‌توانید به مری اعلام کنید که چندین تن از بازیکنان تیم با نیایش راحت نیستند. شاید او آن اندازه حساسیت داشته باشد

بخش سوم: خانواده سکولار، جهان مذهبی

که با کاپیتان صحبت کند. مواردی هم پیش می‌آید که شاید پسر شما حتا اگر یکتا هم باشد بخواهد در برابر خواسته‌ی کاپیتان مقاومت کند. اگر چنین اتفاقی افتاد فرصت به دست آمده را برای ستایش اراده وی در دفاع از اصول از دست ندهید سپس به او کمک کنید تا رویکردی خردمندانه و خوبی به موضوع داشته باشد.

با توجه به قانونی بودن نمازخواندن؛ بسته به اینکه کجا و چگونه آغاز شود. نهادهای خصوصی می‌توانند هرگاه خواستند آن را انجام دهند. تیم‌های دولتی نباید مربی یا آموزگاری داشته که پیشنهاد خواندن ادعیه یا اجرای آن را بر عهده بگیرد ولی اعضای تیم اجازه برگزاری مراسم مذهبی را به طور مستقل دارند.

پرسش: در آموزشگاه همواره از دخترم خواسته می‌شود که هنگام صبحگاه در کنار پرچم به همراه دوستان خود دعا بخواند. چگونه می‌توانم به او کمک کنم که جلوی این خواسته ایستاده و باز هم از گروه‌های اجتماعی طرد نشود؟

پاسخ: یک درخواست مؤدبانه برای عدم پذیرش آن کافی است. ولی اگر دختر شما مؤدبانه درخواست عدم شرکت در صبحگاه پرچم را داشته و هنوز از او برای شرکت در آن درخواست می‌شود بعید نیست بر اساس شیوه‌ای درخواست از او و شدت آتش اشتیاق گروه به آزار و اذیت بینجامد. اگر دوستان دختر شما اصرار می‌کنند و تنها منظور آن‌ها مشارکت اصیل و خوب یک عضو گروه است باید بدون سخت کردن کار از آن‌ها به دلیل نیت خوب سپاسگزاری شده و به اطلاع آنان رسانده شود که تصمیم دختر شما برای عدم شرکت نهایی بوده و برگشت پذیر نیست. اگر دختر شما از بودن در گروه دوستان احساس راحتی می‌کند شاید بخواهد با آن‌ها بر روی این پرسش بحث کند که چرا برای خواندن ادعیه در جمع آن‌ها شرکت نمی‌کند. اگر این دعوت دوستان یک ابزار تبلیغی است من معتقدم که این گروه مناسب او نیست و بهتر است برای یافتن دوستان دیگری بکوشد. پیوستن به یک تیم ورزشی، گروه خوانندگان، گروه‌های روزنامه‌نگاری یا هر فوق‌برنامه دیگری که می‌تواند در تغییر گروه کمک کند. گفتگو با مشاور مدرسه شاید مایه به وجود آمدن راه‌حلی دربارۀ برخورد با این موضوع و هم چنین کشف

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

گروه‌های مختلفی برای پیوستن به آن‌ها بشود. از سوی دیگر این موضوع از احساسات دانش‌آموزان پیرامون این فعالیت‌ها، اطلاعاتی به هیئت امنای می‌دهد.

پرسش: پسر من دوست دارد که مانند دوستان دیگرش پیشاهنگ شود. من و همسر من گمان می‌کنیم که پیشاهنگ‌ها نخبه‌گرایان مذهبی هستند که نسبت به هم‌جنس‌گرای هراسی بیمارگونه داشته و بدون شک نمی‌خواهیم پیشاهنگ شود. باید به پسر چه بگوییم و آیا گروه‌های جایگزین به جای پیشاهنگی وجود دارد؟

پاسخ: اگرچه نقشه‌ی خوبی است که کودکان را در تصمیمات اخلاقی مشارکت دهیم که بر آن‌ها اثر می‌گذارد ولی برخی از تصمیم‌های مهم برای درک بچه‌های کوچک سرشار از مواردی بسیار پیشرفته یا پیچیده بوده که بخواهند با آن دست‌به‌گریبان بشوند. سنجش هزینه اخلاقی عضویت در گروهی با مواضع نفرت‌انگیز اجتماعی وضعیتی است که پدر و مادران بایستی به جای بچه‌های کوچک خود تصمیم گرفته و بهر حال پیوستن به پیشاهنگی یکی از مواردیست که عمومیت بسیاری دارد. هنگامی که پسر کوچک ما در سال‌های نخست دبستان از ما درباره پیوستن به پیشاهنگی پرسید ما در خانواده خود نیز با این وضعیت روبرو شدیم. در همان زمان به سادگی گفتیم که با تعدادی از مواضع گروه پیشاهنگ امریکا موافق نیستیم و به همین دلیل او نباید عضو این گروه شود. در سال‌های پایانی دبستان درباره برخی از سیاست‌های ویژه‌ای که پیشاهنگ‌ها گرفته و ما فکر می‌کردیم از نگرش اخلاقی نادرست است مانند جلوگیری از اعضای و رهبران با توان بالقوه تنها به دلیل باورها یا ترجیح جنسی آن‌ها.

خوشبختانه چندین جایگزین برای پیشاهنگی وجود دارد. پیشاهنگ پژوهش فضایی یا پیشاهنگ زمین بر خط (بخش منابع را برای نشانی اینترنتی ببینید) یا خودتان بر اساس الگو برنامه‌ی گروه جلوی پیشاهنگ انگلیس برنامه‌ای تهیه و اجرا کنید. (۱۱)

بخش سوم: خانواده سکولار، جهان مذهبی

پرسش: نخستین بچه‌ی ما در راه است و من نمی‌دانم که آیا باید برای مادر بسیار مذهبی‌ام توضیح دهم که ما می‌خواهیم بچه را با تربیت بدون دین بار بیاوریم - یا باید تا رسیدن زمان ممکن صبر کنم؟

پاسخ: شما ناچار خواهید شد تا با مادر خود در مورد عدم تربیت کودک با اصول دین ویژه گفتگو کنید و این موضوع نه خیلی دیر بلکه به زودی پیش کشیده می‌شود. درخواست غسل تعمید (یا خواندن اذان و اقامه در گوش نوزاد) کمابیش بی‌درنگ خود را نشان می‌دهد و شما به‌رحال ناچارید در این هنگام با کارت‌های خود بازی کنید.

پرسش: بسیار خوب در این مورد من با مادرم وارد گفتگو می‌شوم. بهترین روش این کار چیست؟

پاسخ: یک تاریخ ویژه برای این کار بگذارید. با شخص دیدار داشته باشید اگر ممکن است - و تحت هیچ شرایطی با ایمیل این کار را نکنید!

بیشتر دعوای خانوادگی درباره عدم موافقت نیست بلکه بیشتر به دلیل سرپیچی و بی‌احترامی است. با قصد شنیدن و احترام گذاشتن به نگرانی‌های همدیگر پای گفتگو نشسته با این آگاهی که شاید به راستی موافقت میان شما به دست نیاید. نخست به سخنان طرف مقابل گوش کنید سپس نگرانی‌های مادر خویش را با زبان خود دوباره مرور کرده و روشن سازید که مادر خود را درک کرده‌اید. از نکوهش پرهیزید، از بکار بردن عبارتهایی با واژه‌ی «ولی» پرهیز کنید («می‌دانم که مذهب مهم است ولی...») و زمینه‌های مشترک میان خود و مادران را پیدا کنید. (۱۲)

برای مثال به مادر خود اطمینان بدهید که اگرچه شما کودک خود را بر اساس سنت‌های یک دین ویژه تربیت نمی‌کنید با این حال از زندگی بچه را خالی از اندیشه‌های دینی نمی‌گذارید - یعنی شما در واقع بر آموزش گسترده‌تری از ادیان تکیه کرده‌سپس زمانی که به اندازه کافی بزرگ و بالغ شد به او اجازه داده تا برای خودش تصمیم بگیرد.

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

از همه چیز مهم‌تر این است که مادر را تشویق به کمک در این کوشش کنید. اجازه دهید که بداند او دعوت شده تا باورها و سنت‌های خودش را با بچه در میان بگذارد البته تا زمانی که حق بچه را برای پرسیدن پرسش، شک کردن و تصمیم‌گیری برای خودش محترم بماند. مادر با دانستن اینکه می‌تواند ایمان خودش را برای بچه توضیح داده و اینکه قصد شما تربیت کودکی با ارزش‌ها و اصول اخلاقی است که یاد گرفته‌اید گام بلندی در جهت کاستن تنش و حفاظت از روابط میان شماست.

پرسش: بچه‌های من می‌پرسند چرا مردم به این همه چیزهای مختلف در ادیان ایمان داشته و کدام درست است و کدام نادرست. به آن‌ها چه بگویم؟

پاسخ: بسته به سطح پیشرفت بچه‌ی شما، پاسخ‌های مختلفی برای این نوع پرسش وجود دارد. زمانی که کودک هنوز بچه‌ی کوچکی است شاید تنها بپرسد که شما دین را چگونه می‌بینید. زمانی که در سال‌های آخر دبستان هستند و نگران درست و نادرست و انصاف شاید پاسخ کاربردی مناسب باشد: «تعدادی از آدم‌ها خواهند گفت اینکه دین درست است به این دلیل است که دین شما را تبدیل به یک شخص بردبار، متواضع و یک شخص خوب می‌کند. شما باید خودت ببینی و تصمیم بگیری.» هم چنان که آن‌ها بزرگ‌تر می‌شوند والدین می‌توانند به ادعاهای مذهبی بپردازند که می‌توان دروغ بودن و نادرستی آن‌ها را اثبات کرد (برای نمونه ادعاهای تاریخی در کتاب‌های آسمانی) هم چنین ادعاهایی که درست بودن آن‌ها می‌تواند اثبات شود و ادعاهایی که به طور کامل غیرتجربی است و همیشه می‌تواند مورد چالش قرار گیرد. ولی در هر گام و مرحله با هر شیوه‌ی ممکن بر این واقعیت تأکید کنید که او حق انتخاب برای خودش را دارد.

پرسش: ما تصمیم گرفته‌ایم که نوزاد خودمان را ختنه نکنیم و والدین یهودی من در واقع بسیار ناراحت هستند. چگونه این موضوع را حل کنم؟

بخش سوم: خانواده سکولار، جهان مذهبی

پاسخ: پذیرش عدم ختنه بچه برای پدر و مادر بزرگ یهودی بسیار دشوار است. شما باید با پدر و مادر خود وارد گفتگو شده تا آنها شانس تشریح دیدگاه خود را پیدا کرده و شما نیز بتوانید دیدگاه‌های خود را تشریح کنید. احتمال آن بیشتر است که به توافق برسید تا اینکه توافقی بدست نیاید ولی شما در طرف خود چندین مشت‌زن نیرومند دارید: انجمن امور دانشیک و علمی، انجمن پزشکی آمریکایی و چندین سازمان همانند و مشابه در گوشه و کنار جهان که آیین‌نامه‌هایی صادر کرده که عمل ختنه کردن را به دلیل خطرات ناشی از آن «صلاح ندانسته‌اند.» (۱۳) امریکا تنها کشوری پیشرفته جهان است که در آن ختنه کردن هنوز عمومیت دارد. با این حال بسیاری از صندوق‌های بیمه پزشکی آمریکایی آن را پوشش نمی‌دهند.

پرسش: ما بچه‌های خودمان را بدون اصول دینی بار آورده‌ایم ولی به تازگی شنیده‌ام که آن‌ها برای افرادی با باورهای دینی احترام قائل نیستند. در این مورد چطور باید با آن‌ها سخن بگوییم؟

پاسخ: باید به آن‌ها بگویید که به همان دلیلی که خانواده آن‌ها به انسان‌های مختلف با نژادهای مختلف و توانایی‌های مختلف احترام گذاشته و به آن‌ها اهانت نمی‌کنند آن‌ها نیز باید همین رفتار مؤدبانه را به انسان‌های با ادیان مختلف گسترش دهند. مهم است که شخص خودش آدم خوبی باشد. هم چنین می‌توانید میان احترام به افراد و احترام به اندیشه‌ها تمایز قائل شوید. هر چند اندیشه‌های باید احترام را به دست آورند انسان‌ها به طور ذاتی شایسته احترام هستند.

شیوه‌ی دیگر که شاید به این موضوع بتوان نزدیک شد (البته با پوزش از شیوه بیان) با دعوت از کسی که گناهی ندارد تا نخستین سنگ را برای سنگسار گناهکار پرتاب کند. یکی از دوستانم لحظه‌ای از تکبر پسر زیر سیزده سال خود را توصیف می‌کرد: پسر گفته بود «من نمی‌فهمم که مردم چرا به این همه چیزها احمقانه باور دارند.»

دوست من برای لحظه‌ای اندیشیده بود و سپس گفته بود «آهان بله، می‌گویم می‌توانی بروی از زیرزمین یک بطری سودا برای من بیاوری؟»

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

«من ... ولی ..» پسرک کمی تته‌پته کرده بود
«من نمی‌توانم تنهایی به زیرزمین بروم.»
«چرا نمی‌توانی؟»
«من ... من نمی‌توانم!»
دوست من با مهربانی گفته بود، «اوه و آیا این

منطقی است؟»
من بهشت و فرشته‌ها ندارم.»

نکته گفته شده بود: ما انسان‌ها همگی دارای
باورها و ترس‌های غیرمنطقی هستیم.

این بخشی از انسان بودن است.
سپس دوست من برخی از بهانه‌های
غیرمنطقی خودش را با پرسش در میان

گذاشته بود. انتقاد خردمندانه هیچ مشکلی ندارد ولی چون همگی در یک خانه شیشه‌ای زندگی
می‌کنیم پیش از پرتاب هر سنگی ناچاریم بدانیم که مهم نیست چقدر تکیه دقیق بر خرد خود
داشته باشیم. ولی بدون شک این موضوع به طور کامل بد نیست. اگر هیچ چیز دیگری نتواند
مایه فروتنی ما شود این موضوع می‌تواند.

من می‌خواهم از پدر و مادران بخواهم که بررسی دقیقی از آنچه درباره ایمان مذهبی
مردم گفته داشته باشند. بچه‌ها کمابیش همیشه از کردار پدر و مادران تقلید کرده و آموزش
چگونگی رفتار با دیگران از خانه آغاز می‌گردد.

1. Pearl S. Buck



کتاب کار

اندیشیدن

بدون محدودیت سنی

اندیشه خواندن ادعیه را برای جور شدن با نمونه‌های بدون دین خود دوباره چهارچوب بندی کنید شاید با به کار گرفتن اصطلاح قول («لازم است که قول‌های خود را پیش از خوابیدن مرور کنید»). کاتلین کارپنتر^۲ از پیروان جهان‌گرای توحیدگرا این ادعیه سکولار را پیشنهاد می‌دهد:

- ای زمین برای این خوراک‌ها تو را سپاس می‌گوییم برای بودن هم چون گهواره و خانه‌ی ما و همه چیزهای خوب، برای باد و باران و خورشیدی که آن بالاست ولی بیشتر آن برای کسانی باشد که آن‌ها را دوست می‌دارم.
- در نور این عشق و در گرمای این خانواده ما در جستجوی ادامه یافتن و تقسیم هستیم.

هم چنین شاید برای لذت بردن از نیم دقیقه سکوت در کنار هم گرفتن دست‌های همدیگر را در نظر داشته باشید. از بچه‌ها (و بزرگ‌ترها) بخواهید که این زمان را برای درون نگری استفاده کرده و درباره آرزوهای خود بیندیشند - درباره روزی که گذشت، امیدی که برای فردا دارند آرزوی خوب برای فرد بیماری یا به هیچ چیز نیندیشند. هم چنین روشن کنید که اگر کسی دوست دارد می‌تواند به درگاه خدا دعا کند.

ولی نکته آن در اینجاست: این یک لحظه شخصی و خصوصی است. آن را با هم‌اندیشی پس از آن یکسان نپندارید چون که به تندی به یک اعتراض بیانی از سوی کسی که والاترین اندیشیدن را داشته دگرگون می‌شود («می‌دانید داشتم به چی فکر می‌کردم؟ من به کودکان بی‌خانمان می‌اندیشیدم.») بچه‌ها نخست آن را آزمایش خواهند کرد. تنها

2. Kathleen Carpenter

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

سر خود را به علامت تأیید تکان داده و موضوع را عوض کنید. سرانجام برای آن‌ها مشخص خواهد شد که یک لحظه خصوصی است که طبیعت آن تغییر می‌کند. هنگامی که مهمان داشتید (پیش از آنکه کسی بتواند خواندن ادعیه را پیشنهاد دهد) بدون تعارف بگویید که ما شام خود را با یک لحظه اندیشیدن در سکوت آغاز می‌کنیم که در طول آن می‌توان دعا خواند، تمرکز کرد یا تنها خاموش نشست، هر جور که میل خودتان هست.

گفت‌و شنود درباره کتاب

بدون محدودیت سنی

پس از خواندن برخی از کتاب‌های آمده در بخش منابع برای کل خانواده یا برای کودکان درباره تعبیر و اندیشه‌های خود از داستان گفتگو کنید. شما چه اعتقادی دارید؟ داستان چه چیزی برای گفتن داشت؟ بازی تلفن (یعنی «شایعه چینی») را بازی کرده و نشان دهید که چگونه مسائل با انتقال از شخصی به شخص دیگر آمیخته می‌شود. داستان درباره کدامیک از اصول انسانی گفتگو می‌کند؟ آیا می‌توانیم بدون باور به خدا به این اصول اعتقاد داشته باشیم؟

نوشتن درباره خود

۶ سال و بیشتر

کتاب آنچه من باور دارم سخنان کودکان پیرامون ایمان^۳ نوشته دوبای و تام بریدزای^۴ را بخوانید. از اعضای خانواده بخواهید که بخش‌های کوتاه درباره آنچه اعتقاد داشته و راهنمای آن‌ها در انتخاب در زندگانی بنویسند.

آماده به خدمت بودن

بدون محدودیت سنی

3. What I Believe, Kids Talk About Faith

4. Debbie and Tom Birdseye

بخش سوم: خانواده سکولار، جهان مذهبی

جهان سکولار و جهان مذهبی می‌توانند و کمابیش همیشه پیرامون یک اندیشه برای خدمت به جهان همگام باشند. جایی را در جامعه خود بیابید که به خانواده‌ها اجازه می‌دهد کارهای خوبی انجام دهند. برای پناهگاه بی‌خانمان‌ها شام درست کند. با کمک همدیگر یک زیستگاه برای جایگاه انسان‌ها بسازد. برای صلح رژه برود. وسایل نظافت برای نوجوانان فراری فراهم کند. بسته‌های تولد برای کودکان کم سن در پناهگاه‌ها ساخته یا برای بسته‌بندی و پخش خوراک در انبار خوراک یا قفسه خوراکی کمک کند.

تشریفات زمان خواب

بدون محدودیت سنی

لالایی بسرایید که خانواده از آن لذت ببرد. لالایی ما این بود «همه خوردند، بریان و کباب، یک بوس شب بخیر به من بده. تا صبح خواب خوش بین. دوستت دارم، شب بخیر.» کودکان ایمنی تکرار شده با یک دعای هنگام خواب را دوست دارند ولی حتماً نباید بر خدا تمرکز داشته باشد.

بررسی رویدادهای کنونی

سنین ۷-۱۸

زمانی که به کودک تکلیف داده شد تا گزارشی از رویداد روز تهیه کند آنلاین شده و گزارش‌هایی درباره موضوعات کنونی سیاست-دین یا شیوه‌های تبعیضی پیشاهنگی را بیابید. داستان‌ها را خوانده و با خانواده درباره آن‌ها گفتگو کنید. از سوی دیگر درباره اسپیرال اسکات نیز تحقیق کرده و درباره اصول اولیه آن‌ها نیز با خانواده گفتگو کنید (www.SpiralScouts.org).

برنامه‌های خط نخست، برنامه‌های گوناگون پرمایه با نیم‌نگاهی به موارد دینی به نمایش درمی‌آورد. بنگرید به

www.pbs.org/wgbh/pages/frontline/shows/religion

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

برای تحقیق نوجوانان دبیرستانی پرونده حقوقی پنسیلوانیا که شماری از والدین بر علیه مدرسه دولتی دوور^۵ شکایت کردند کسانی مبارزه می‌کردند تا طراحی هوشمند برچسب باور دینی بخورد و بنابراین از برنامه درسی حذف شود. یک فیلم مستند شگفت‌انگیز در نوا که به نام «روز داوری: طراحی هوشمند در دادگاه» نگاه به پشت صحنه پرونده‌ای می‌اندازد که شاید مهم‌ترین پرونده حقوقی در تاریخ آموزش علوم آموزشگاه و مدارس دولتی در ایالات متحده باشد. کل برنامه را برخط در www.pbs.org/wgbh/nova/id/program.html تماشا کنید.

آگاه‌دهنده و آگاه شونده مسائل آموزشی ناحیه خود باشید

والدین

پیش از اینکه مشکل و دشواری پیش آید که نیاز به گفتگو درباره جدایی دین و سیاست پیش آید با مدیر مدرسه، رئیس هیئت آموزشی ناحیه یا با رئیس مدرسه دیدار کنید.

یک گروه گفتگو از شرکا چند مذهبی برپاسازید

والدین

گروهی از دوستان تشکیل دهید که همسر/شرکایی با دیدگاه‌های مذهبی و غیرمذهبی دارند. برای گفتگو و تبادل نظر درباره موارد دیداری در هر ماه ترتیب دهید. یک گردهمایی برای موضوع در شهر خود در www.Meetup.com ترتیب دهید در کریگزلیست^۶ آگهی دهید یا ساده‌تر در سوپرمارکت یا کتابخانه‌ی محله آگهی نصب کنید.

انجمن سخن برای ازدواج‌های آمیخته

والدین

5. Dover public schools

6. Craigslist

بخش سوم: خانواده سکولار، جهان مذهبی

فهرستی از کلمات را فراهم کرده و درباره معنای آن برای خود و شریک خود با وی گفتگو کنید. توافق میان خود و شریک خود را بررسی کنید که آیا می‌توانید بر (۱) چه کلماتی را هر دو می‌توانید با کودکان خود به کار ببرید، (۲) کدام یک برای کاربرد سنگین هستند و (۳) شما با کدام یک می‌توانید معنای خانواده خود را بسازید. واژه‌های نمونه: محراب، آمین، هیبت، غسل تعمید، کتاب‌های آسمانی، آموزش، دعای خیر، توبه، عیسا، جماعت، دین، اعتراف، بیعت، به صلیب کشیدن، شیطان، الهی، روشنگری، شر، ایمان، خدا، انجیل، شکر، عرش، جهنم، الهی، روح القدس، روح مقدس، یهوه، عیسا، خداوند، معجزه، راز، گناه نخست، نیایش، نماز، قضا و قدر، روحانی، نبوت، رسول، رستگاری، رستخیز، وحی، سوگند، مقدس، نجات، منجی، گناه، پسر خدا، روح، معنوی، معنویت، معبد، کتاب عهد جدید.

بررسی جهان‌گرای توحیدگرا

بدون محدودیت سنی

شرکت جستن در فرقه جهان‌گرای توحیدگرا را در نظر بگیرید جایی که همه سنت‌های اعتقادی مورد تکریم و احترام قرار گرفته و خانواده شما حتما می‌تواند سنت خودش را آغاز کند. این فرقه بدون اصول عقاید است و اجازه می‌دهد تا انسان‌ها برای کردار اجتماعی و اندیشیدن درباره زندگی و زیستن اخلاقی در انجمن گرد هم آیند. این دین بر احساس هفت هدف و اصل بر پایه شده که در زیر آمده است

- احترام ذاتی و شأن هر شخص
- دادگری، برابری و همدردی در روابط انسان‌ها.
- پذیرش همدیگر و تشویق رشد روحی در جماعت‌های خودمان.
- جستجو بدون قید و بند و مسئولیت‌پذیر حقیقت و معنا.
- حق منصفانه و استفاده از روند دمکراتیک بسیار گسترده در جماعت‌ها و در جامعه.
- هدف نهایی جامعه جهانی با صلح، آزادی و برابری
- احترام برای شبکه مستقل همه‌ی موجودات که ما انسان‌ها نیز بخشی از آن هستیم.

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

بازی نقش آفرین ۱: مشغول شدن در موارد حساس با خویشاوندان مذهبی

والدین

پیش از مشغول شدن در موضوعاتی مانند غسل تعمید، نرفتن به کلیسا یا کنیسه یا مسجد و موارد حساس دیگری در خطوط اصلی مذهبی در میان خانواده گسترده، با شریک خود برای چیزهایی که باید بگویید بازی نقش آفرینی انجام دهید. کدام رویکرد گویا به طور احتمالی مایه افزایش تنش شده و کدام یک از ژرفای تنش می‌کاهد؟ بهترین پاسخ را نوشته و آن را تمرین کنید. اگر پیشاپیش به پاسخ‌ها اندیشیده باشید، هنگام پرسیده شدن پرسش‌ها احساس راحتی بسیار بیشتری خواهید داشت.

بازی نقش ۲: انتظار پرسیده شدن پرسش‌های حساس از طرف کودکان را داشته

باشید

پدران و مادران

بزرگ‌ترین و مهم‌ترین پرسش‌ها بدون هشدار از سوی کودکان پرسیده می‌شود. برای پرسش‌هایی که بدون شک کودکان خواهند پرسید بازی نقش آفرینی انجام دهید:

- خدا چیست؟
- چرا ما به مسجد/کنیسه/کلیسا نمی‌رویم؟
- چون به مسجد نمی‌رویم به جهنم می‌رویم؟ (لازم نیست گفته شود، «خوب مردم فکر می‌کنند که ما به جهنم می‌رویم.» آموزه وجود جهنم به تنهایی برای منجمد کردن اندیشه بس است. چون یک اندیشه احمقانه انسانی ساخت است آن را فراموش کنید چون یک خدای خوب هرگز چنین کاری نمی‌کند.)
- چرا به خدا باور ندارید؟
- چه اعتقادی داری؟

بخش سوم: خانواده سکولار، جهان مذهبی

بهترین پاسخ‌ها به این پرسش‌ها را نوشته و آن را تمرین کنید. از سوی دیگر بازی نقش‌آفرینی می‌تواند تفاوت‌های میان شرکای تربیتی را آشکار سازد که شاید به گفتگوهای سازنده میان شما دو تن بینجامد!

بازی نقش‌آفرینی ۳: به بچه‌ها در آماده شدن برای پرسش‌ها و تفسیرها که خواهند شنید، کمک کنید

سن هفت سال و بیشتر

شکی نیست که کودکان نیز پرسش و تفسیرهایی درباره اعتقادات مذهبی خواهند شنید. آیا به خدا باور دارید؟ چرا به مسجد نمی‌روید؟ باید اعتقاد داشته باشی وگرنه به جهنم خواهی رفت! نمی‌توانی بدون خدا خوب باشی و گفته‌های فراوان دیگری. از بچه‌های بخواهید که چه پاسخی می‌توانند بدهند اگر با پرسش‌هایی مانند پرسش‌های بالا یا شبیه به آن روبرو شدند.

بازرسی دوباره گذشته مذهبی خود

والدین

از مسجد یا زیارتگاه مذهب سنتی دوران کودکی خود بازدید کنید. با بچه‌ها درباره با رفتن به آنجا گفتگو کرده و بگویید چه چیزی را دوست دارید و از چه چیزی بدتان می‌آید. این کار را می‌تواند در گذر هفته یا با حضور در یک مراسم انجام دهید.

جلب توجه در انسان‌شناسی دینی

سن هفت سالگی و بالاتر

بچه‌ها را به مجالس گوناگون شهر برده و درباره مذهب و مراسم‌های مذهبی آنان گفتگو کنید. مرزها را گسترش داده و دیداری از گاردوار^۷ سیک، یک کلیسا مورمون، یک معبد

7. Sikh gurdwara

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

هندو داشته باشید. به آن هم چون انسان‌شناسی فرهنگی، روبرو ساختن کودکان خود با تنوع گونه انسان نگاه کنید.

در حالی که در شهر به این سو و آن سو می‌رانید و همان‌طور که از کنار هر معبد یا پرستشگاهی می‌گذرید با بچه‌ها درباره اعتقادات مردم آن پرستشگاه سخن بگویید - و اینکه چرا شما به آن اعتقاد ندارید. هنگام رانندگی زمان عالی برای گفتگو بدون راه فرار است!

جشنواره فیلم تنوع مذهبی

بدون محدودیت سنی

با هم دیگر به تماشای فیلم‌هایی بنشینید که دارای زمینه‌های مذهبی گوناگونی هستند. البته سخن ما درباره فیلم‌های سنگینی نیست که در برابر مذهب شل وامی‌دارند بلکه درباره بسیاری از فیلم‌های روشن‌گر و تفریحی سخن می‌گوییم که ژرفای جوهر اصلی دین و فرهنگ را می‌کاوند - هم جنبه‌های مثبت و هم جنبه‌های منفی. همان‌طور که بچه‌ها نظر خودشان درباره اندیشه‌های دینی فیلم را اعلام می‌کنند می‌توان گفتگویی را آغاز کرد.

چند پیشنهاد از فیلم‌هایی که دین را بررسی می‌کند:

- حالا خدا و پیغمبر یک‌کم دیگر صبر کنند! (PG): یک فیلم طنز درباره بازیکن فوتبالی که می‌میرد و ادعا می‌کند که این یک اشتباه بوده. سن هفت سال و بیشتر
- ای، خدا! (PG): یک فیلم طنز با بازی جورج برنز^{۱۰} در نقش خدا. یک رئیس سوپرمارکت ادعا می‌کند خدا با او سخن گفته است. سن هفت سال و بیشتر.
- بودای کوچک (PG): روحانیون تبتی باور دارند که بودا در یک پسر آمریکایی رستاخیز خواهد کرد. معرفی خوبی برای بودائیسیم برای بچه‌های ابتدایی. سن ۷ سال و بیشتر.

8. Heaven Can Wait

9. Oh, God

10. George Burns

بخش سوم: خانواده سکولار، جهان مذهبی

- ابرستاره عیسا مسیح (G): یک فیلم بنیادبرافکن موزیکال درباره داستان عیسا: هیچ معجزه‌ای یا رستاخیزی نشان داده نشده و یهودا قهرمان است! سن هفت سال و بیشتر.
- نوازنده روی بام (G): یک فیلم موزیکال درباره یک خانواده یهودی روسی و زندگانی، سنت‌ها و دردسرهای آنان. بدون محدودیت سنی
- ده فرمان (G): البته تاریخ دارد ولی یک فیلم عالی درباره به وجود آمدن ده فرمان است. به دلیل صحنه‌ای که نوزادان به دست فرشته ابر مانند مرگ کشته می‌شود بسیاری از والدین درباره درجه‌بندی این فیلم می‌پرسند. سن ۱۱ سال و بیشتر.
- بروس قادر مطلق (PG-13): بروس قادر مطلق توهم خدا را از میان برده و با آنچه الهی است مبارزه می‌کند. سن ۱۱ سال و بیشتر.
- رومرو (PG-13): زندگی یک فعال روحانی. سن ۱۱ سال و بیشتر.
- گاندی (PG): زندگی و زمانه‌ی رهبری بزرگ. سن ۱۱ سال و بیشتر. (بیشتر به خاطر طولانی بودن فیلم.)
- اردوگاه عیسا (PG-13): نگاهی آشفته به چگونگی تحت تأثیر تلقین قرار دادن کودکان کم سن در یک اردوگاه تابستانی به وسیله یک گروه از روحانیون. سن ۱۲ سال و بیشتر.
- فهرست شیندلر (R): کوشش‌های یک مرد برای نجات گروهی از یهودیان در زمان هولوکاست. برای بچه‌های بزرگ‌تر و جوانان. سن ۱۴ سال و بیشتر.

(برای یک فهرست بزرگ‌تر از فیلم‌هایی که سواد دینی را بالاتر می‌برد بنگرید به

پیوست ۱.)

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

منابع

ادبیات دینی

Boritzer, Ethan. What Is God? (Ontario: Firefly Books, 1990).

تعریف خدا را گسترش داده و بر پیوند ما و بقیه چیزها تأکید می‌کند.

Bennett, Helen. Humanism, What's That? A Book for Curious Kids (Amherst, NY: Prometheus Books, 2005).

برای بچه‌های سال‌های آخر دبستان که می‌خواهند اصول اولیه انسان‌گرایی را درک کنند.

Gunney, Lynn Tuttle. Meet Jesus: The Life and Lessons of a Beloved Teacher (Boston: Skinner Publishing, 2007).

این کتاب به کودکان دبستانی یک دیدگاه بنیادی طبیعت‌گرا از عیسا و حکایت‌های مذهبی می‌دهد.

Gellman, Marc. Does God Have a Big Toe? (New York: HarperCollins, 1989).

بازگویی داستان‌های کتاب آسمانی با زبانی انسانی. کودکان بدون شک آن را دوست دارند.

Hastings, Selina. The Children's Illustrated Bible (New York: DK Publishing, 1994).

بازگویی داستان‌های انجیل و تورات با تصاویر عالی

Birdseye, Debbie Holsclaw, and Tom Birdseye. What I Believe: Kids Talk About Faith (New York: Holiday House, 1996).

این کتاب شش کودک مختلف با زمینه‌های مختلف دینی را به تصویر می‌کشد که داستان باورهای خود را می‌گویند.

Osborne, Mary Pope. One World Many Religions: The Way We Worship (New York: Random House, 1996).

یک نقشه و خط زمانی از جهان. یک نگاه بی‌طرفانه به همه‌ی ادیان.

بخش سوم: خانواده سکولار، جهان مذهبی

Prothero, Stephen. *Religious Literacy: What Every American Needs to Know—and Doesn't* (New York:HarperCollins, 2007).
بخش شش تعاریف واضحی از اصطلاحات دینی به دست می‌دهد. بهترین کتاب برای والدین برای به دست آوردن درک روشنی از مفاهیم برای انتقال به کودکان.

McGowan, Dale, et al. *Parenting Beyond Belief* (New York: AMACOM, 2007).

واژه‌نامه پی بی بی یک منبع عالی برای تعاریف اصطلاحات دینی است.

اوی‌باتر (دقت، واقع‌گرایی و تعادل در آموزش دینی)^{۱۱}

www.teachingaboutreligion.org

اوی‌باتر اطلاعات عالی و رهنمودهایی برای آموزش درباره دین در مدارس دولتی ارائه می‌کند. طرح درس و رهنمودهایی برای یادگرفتن درباره دین به جای آموزشی دینی وجود دارد. هم چنین از سوی دیگر اوی‌باتر تفاوت مهمی را میان یادگرفتن درباره جشن‌های مذهبی که در کل خوب است و جشن گرفتن جشنواره‌های مذهبی که شایسته نیست، برقرار می‌سازد. یک سایت سودمند برای پدر و مادران و افراد عادی و همین‌طور سایت سودمندی برای آموزگاران است.

جهان‌گرای توحیدگرا

www.uua.org

جهان‌گرای توحیدگرا (UU) یک انجمن فرقه‌ای پیشروی بدون اصول عقاید است که به طور کلی شامل کسانی است که بالاتر از هر چیز دیگر خود را انسان‌گرا می‌دانند. انجمن جهان‌گرای توحیدگرا (UU) دارای برنامه‌های جوانان هست که شاید نیاز به تجربه اندوختن نوجوانان را پر کند. این فرقه یک برنامه جنسی یک ساله به نام کل زندگی ما^{۱۲} دارد، یک برنامه برای تکلیف دارد و گروه‌های نوجوان که بر موارد عدالت اجتماعی تمرکز دارند. تک

11. OABITAR (Objectivity, Accuracy, and Balance In Teaching About Religion)

12. Our Whole Lives

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

بودن آن هم در میان یک جامعه‌ای با اکثریت افراد مذهبی مایه گرفتن دل است و نوجوان نیز دوست دارد با گروه به اردو برود.

کمپته‌ی عدالت اجتماعی جهان‌گرای توحیدگرا (UU) دارای برنامه‌ای به نام کارهای سزاوار دارد که فرصتی برای افراد جوان شانزده‌ساله و بزرگ‌تر فراهم می‌آورد تا به سفرهای عدالت اجتماعی در سراسر ایالات‌متحده پرداخته و به یاری کسانی بپردازند که نیاز به کمک دارند. برای جزئیات بیشتر ایمیل بزنید به justworks@uusc.com

جدایی دین از سیاست

Freedom from Religion Foundation. Accessed July 10, 2008, from www.ffrf.org

Americans United for the Separation of Church and State. Accessed May 4, 2008, from www.au.org

ACLU Students' Rights resource. Accessed May 4, 2008, from www.aclu.org/studentsrights/index.html

یادداشت‌ها

1. The Pluralism Project at Harvard University: www.pluralism.org.
2. ABC News poll, February 2004.
3. Based on polls by the Gallup organization, 2005–2007.
4. American Religious Identification Survey, Graduate Center of the City University of New York. Accessed March 11, 2008, from www.gc.cuny.edu/faculty/research_briefs/aris/aris_index.htm. 2008 projected.

5. American Religious Identification Survey (ARIS), Graduate Center, City University of New York.
6. Op. cit.
7. It should be noted that as many as 10 percent of those affirming belief in God nonetheless refer to themselves as “nonreligious.”
8. The most recent European Values Study measured the percentage of selfidentified religious believers in European countries, including Germany (47%), United Kingdom (38%), France (34%), Norway (32%), and Sweden (23%). Yet all of these populations rank far higher than the United States in all measures of religious literacy.
9. Calkins, Lucy. *Raising Lifelong Learners* (New York: Da Capo, 1998). Mentioned as well in Chapter 1 Resources, this is a brilliant and well-written book for parents wishing to raise curious, inquisitive kids. Not to be missed.
10. Address to Atheist Alliance International, September 29, 2007.
11. It should be noted here that the Girl Scouts organization is quite different from Boy Scouts, having gone out of its way to implement nondiscriminatory practices. For more on Girl Scouts, Boy Scouts, and alternative organizations, see Chapter 8, “Finding and Creating Community.”
12. These techniques are derived from the excellent book *Nonviolent Communication* (Jacksonville, FL: PuddleDancer Press, 2003) by Marshall Rosenberg, PhD.
13. Report 10 of the Council on Scientific Affairs (I-99). Accessed February 15, 2008, from www.ama-assn.org/ama/pub/category/13585.html

خود-فیزیکی

آماندا متسکاز

بسیاری از والدین، چه دین‌دار چه بی‌دین هنگام گفتگو با کودکان خویش پیرامون مسائل جسمی از جمله موارد مربوط به رابطه جنسی احساس راحتی نمی‌کنند. اگرچه پرسش‌هایی که پدر و مادران سکولار درباره رابطه جنسی دارند شاید متفاوت از سؤالات والدین مذهبی نباشد ولی پاسخ‌هایی که پدر و مادران سکولار در پی آن هستند بیشتر زمان‌ها متفاوت است چون بر اصول متفاوتی تکیه دارند.

چون پدر و مادران سکولار به پاسخ‌های سرسری که برخی از مذهبی‌ها بر آن تکیه دارند - «تا زمان ازدواج صبر کن چون که خدا می‌خواهد» - اهمیتی نمی‌دهند، پاسخ به پرسش سخنانی که باید پیرامون رابطه جنسی به کودکان گفته شود پیچیده‌تر می‌گردد. بدیهی است که بدون دین بودن به طور کلی به معنای رد ارزش‌های اخلاقی یا در مقیاس کوچک رد اخلاقیات در روابط جنسی نیست - ولی با توجه به کمبود گفتار قصار کارآمد و مؤثر بیان دقیق چنین ارزش‌هایی که بر تصمیم‌های ما پرتو افکنده و آن را روشن‌تر می‌سازد، سخت‌تر است. برخی از والدین بدون دینی چون در محیطی با اخلاق جنسی مذهبی پرورش یافته این اصول اخلاقی را در راستای پوشش مذهبی آن رد می‌کنند. برخی دیگر با اینکه

بخش چهارم: خود فیزیکی

اصول دین را کنار گذاشته باز هم بخشی از پیام‌های اخلاقی یا همه این پیام‌ها مرتبط با کردار جنسی را که در بچگی آموخته هنوز نیز نگه داشته‌اند.

رهایی از آموزه‌ی گناه

زندگی در لوپک تگزاس^۱ دو پیز به من یاد داد: یکی اینکه خدا بنده‌اش را دوست دارد و از سوی دیگر او را در جهنم خواهد سوزاند. موضوع دیگر این است که رابطه‌ی جنسی بدترین پیز کثیف روی زمین است و باید این رابطه را تنها با کسی برقرار کرد که دوستش دارید.

- بوچ هنکوک^۲، ترانه سرای و خواننده کانتری

تعجبی ندارد که هنگام بحث درباره مسائل جنسی بسیاری از ما در وجود خود موانع روانی احساس می‌کنیم. بعید نیست که پدر و مادران ما هرگز پیرامون این موضوع با ما سخنی نگفته باشند یا شاید مفهوم شرم‌آور و کثیف بودن رابطه‌ی جنسی را رسانده باشند. گذر از موانع تربیتی و رفتن به ورای آن می‌تواند سخت بوده تا بتوانیم با کودکان خود سراسر است‌تر به این موضوع پردازیم.

گام نخست به لرزه درآوردن مفاهیم مذهبی بدردنخور پیرامون رابطه جنسی و چهارچوب بندی این گونه روابط با اصلاحات طبیعت‌گراست. رابطه جنسی نه تنها به هیچ رو «بدترین چیز کثیف روی زمین» نیست بلکه در واقع اصل اساسی تداوم زندگانی و حیات ما انسان‌هاست. نیاکان پیشین هر فردی رابطه جنسی برقرار کرده و سپس شکر زئوس را بجا آورده و در غیر این صورت بعید نبود که این کتاب یک خواننده کمتر داشته باشد. اینکه دین توانسته ضرورت اصلی زندگانی روی زمین را مسئله‌ی شرم‌آوری جلوه دهد یک مثال خوب برای نشان دادن لجوجانه‌ترین و تحریف‌شده‌ترین میراث بجا مانده از اندیشه‌های دینی است. پسر بچه‌های بی‌شماری گرفتار خجالتی تسلی ناپذیری شده چون اشتیاق

1. Lubbock, Texas

2. Butch Hancock

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

مقاومت ناپذیر طبیعی در برابر استمنا به عنوان «خودارضایی» یا «جلق زنی» تصویر شده است. مخالفت مذهب از جلوگیری از آبستنی و تنظیم خانواده میلیون‌ها تن را در بینوایی و فقر شدید نگه‌داشته در حالی که روحانیون به اجبار مجرد مانده را به سوی سوءاستفاده جنسی از کودکان - موضوعی با کمترین احتمال افشا - کشانده است. اشاره به این موارد تنها برای نقد دین نیست بلکه برای اشاره به این است که این موضوع خواه برخاسته از زمینه‌های مذهبی باشد خواه از فرهنگ پیوریتنی^۳ ما باشد، حتا پدر و مادران بی دین بسیاری از این تحریفات و اندیشه‌های غیر فرهیخته پیرامون روابط جنسی را در زندگی و شیوه تربیتی خویش دخالت می‌دهند.

امروزه این پیام‌ها و اندیشه‌های نادرست مذهبی پیرامون مسائل جنسی راه خویش را به سیاست ملی نیز پیدا کرده‌اند. علیرغم بررسی و مطالعاتی که تأیید کرده اکثریت کودکانی که پیمان باکرگی بسته و در نگه‌داشتن قسم و تعهد خود ناکام مانده هنگام برقراری رابطه‌ی جنسی نسبت به غیر پرهیزگاران احتمال بیشتری برای برقراری رابطه جنسی محافظت نشده داشته و هر دو گروه دارای احتمال برابری برای دچار شدن به بیماری‌های آمیزشی هستند بیش از ۱۷۶ میلیون دلار تنها صرف ترویج پرهیز از رابطه‌ی جنسی خارج از ازدواج^۴ گشته است. (۱)

پدر و مادران بی‌دین به جای وسواس داشتن پیرامون اندیشه و آموزه‌های مبهم گناه و وسوسه‌های شیطانی می‌توانند ارزش‌های جنسی خود را بر پایه نگرانی‌های خردمندانه از پیامدهای آن بگذارند. هنگامی باید از رابطه جنسی پرهیز شود که پیامدهای خطرناک آن بزرگ باشد و بارداری در زمان نوجوانی کمابیش با هر معیاری، یک پیامد جانی بسیار بد بوده که سبب بالاتر رفتن نرخ ترک تحصیل، امکان درآمد پایین، کاهش شدید سرمایه‌ها و افزایش خطر برای کودکان همراه است. (۲) خوشبختانه بارداری در نوجوانان در حال کاهش

3. Puritanism گروهی از پروتستان‌های مذهبی سده شانزدهم در انگلستان که به دنبال اصلاحاتی دینی با اجرای دقیق احکام آن بودند.

4. Promotion of abstinence-only sex education

بخش چهارم: خود فیزیکی

است. بر طبق گزارش سال ۱۳۸۵ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی) بنیاد گات ماچر^۱ نرخ آبستنی نوجوانان از سال ۱۳۶۹ خورشیدی (۱۹۹۰ میلادی) ۳۶ درصد پایین آمده و به پایین‌ترین نرخ خود در سی سال اخیر رسیده است. چهارده درصد از کل کاهش مربوط به انتظار بیشتر نوجوانان برای داشتن رابطه جنسی عنوان شده: بقیه ۸۶ درصد در نتیجه استفاده بهتری از وسایل جلوگیری است. (۳)

درصد کاهش آبستنی نوجوانان میان ۱۳۶۹ و ۱۳۸۱ (۱۹۹۰ و ۲۰۰۲ میلادی)	۳۶%
درصد کاهش به علت برقراری دیرتر رابطه جنسی یا داشتن رابطه جنسی کمتر:	۱۴%
درصد کاهش آبستنی به علت افزایش استفاده از وسایل جلوگیری:	۸۶%
هزینه‌ی کل صرف شده برای برنامه‌ی آموزش خودداری از رابطه جنسی در سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی)	۱۷۶ میلیون دلار
برنامه دولت فدرال برای ترویج فراگیر آموزش رابطه جنسی شامل آموزش وسایل جلوگیری	۰ دلار
میانگین سنی نخستین رابطه جنسی در میان دانش‌آموزان آموزش دیده در برنامه آموزشی تنها پرهیز جنسی خارج از ازدواج	۱۴/۹ سال
میانگین سنی نخستین رابطه جنسی در میان دانش‌آموزان بیرون از برنامه‌ی آموزش برنامه تنها پرهیز جنسی خارج از ازدواج	۱۴/۹ سال (۵)
درصد نوجوانان آمریکایی که در برنامه آموزشی تنها پرهیز جنسی خارج از ازدواج در سال ۱۳۷۴ خورشیدی (۱۹۹۵ میلادی)	۹%
درصد نوجوانان آمریکایی که در برنامه آموزشی تنها پرهیز جنسی خارج از ازدواج در سال ۱۳۸۱ خورشیدی (۲۰۰۲ میلادی)	۲۴-۲۱% (۶)
آموزگاران مسائل جنسی آمریکایی که در برنامه آموزشی تنها پرهیز جنسی خارج از ازدواج در سال ۱۳۶۷ خورشیدی (۱۹۸۸ میلادی)	۱ تن برای ۵۰ دانش‌آموز
آموزگاران مسائل جنسی آمریکایی که در برنامه آموزشی تنها پرهیز جنسی خارج از ازدواج در سال ۱۳۷۸ خورشیدی (۱۹۹۹ میلادی)	۱ تن برای ۴ دانش‌آموز (۷)
نسبت آموزگاران مسائل جنسی که اعتقاد دارند باید به دانش‌آموزان درباره وسایل جلوگیری آموزش داد	۹ تن از ۱۰ تن
نسبت منع شدن با قانون از انجام این کار	۱ تن از هر ۴ تن (۸)

1. Guttmacher Institute

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

خلاصه و پوست کنده: «در مطالعات موشکاف روش‌شناسی روشن گشته که تا امروز هیچ برنامه آموزشی پرهیزگاری واجد شرایط برنامه آموزشی پرهیز از رابطه جنسی تا زمان ازدواج با تنخواه ۱۷۶ میلیون دلار دولت فدرال، هیچ تأثیر مثبتی بر کردار جنسی نوجوانان نداشته است. اکثریت مهمی از برنامه‌های آموزش جامع مسائل جنسی بازنگری و بازبینی شده - و هیچ تنخواهی از دولت فدرال دریافت نکرده - مؤثر بوده است. نتایج مثبت شامل تأخیر آغاز رابطه جنسی، کاهش تعداد رابطه جنسی، کاهش تعداد شرکای جنسی و افزایش استفاده از کاندوم یا وسایل جلوگیری بوده است.»

- از «امرچینگ انسرز ۲۰۰۷» مطالعه‌ای از کمپین ملی جلوگیری

از آبستنی ناخواسته و آبستنی نوجوانان

یک بچه ۱۵ ساله افزون بر عدم آمادگی کافی برای تبدیل شدن به والد کمابیش همیشه آمادگی کافی برای برخورد با مسائل عاطفی و پیچیدگی مسائل اجتماعی رابطه جنسی را ندارد. این چنین نگرانی‌هایی درباره پیامدهای واقعی است که باید هدایت‌گر آموزش مسائل جنسی کودکان ما باشد نه برخی پندارهای غیرقابل اعتماد درباره لذت‌های عجیب جسمی - دیدگاهی که میان بیشتر مربیان مسائل جنسی و سلامت مشترک است.

افزون بر مسائل جنسی والدین باید در رهیافت‌های مسائل کلی‌تر پیرامون تصویر جسمی، سلامت، هویت جنسی، تمایل جنسی و استفاده از مواد به کودکان کمک کنند. این بخش پرسش و پاسخ، فعالیت‌ها و منابع برای گفتگو با کودکان درباره بسیاری از موضوعات مربوط به خود- فیزیکی را دربردارد. در حالی که هر یک از این موضوعات باید در یک کتاب کامل مورد بررسی قرار گیرد (و در این باره کتاب‌هایی نیز هست) این بخش می‌خواهد به عنوان دیباچه‌ای بر مواردی باشد که می‌تواند پدر و مادران سکولار را به سوی برخی دیگر

بخش چهارم: خود فیزیکی

از منابع خارجی راهنمایی کند که سازگاری بیشتری با ارزش‌های سکولار و رویکرد آن‌ها به تربیت کودک دارد.

هر موضوع که در این کتاب آمده به طور ضروری چنین نیست. پرسش‌هایی درباره چگونگی پاسخ به پرسش کودکان درباره از کجا بچه‌ها می‌آیند، چگونگی سخن گفتن درباره تغییرات جسمی آن‌ها زمانی که در حال تجربه کردن بلوغ هستند و برای نمونه چگونگی تشخیص نشانه‌های یک اختلال تغذیه و درمان آن در اینجا نیامده چون تا حدودی به این دلیل که بسیاری از منابع بیرونی عالی در این رابطه به سادگی قابل دسترسی است. تمرکز ما در رابطه با این موارد بر این اساس است که رویکرد تربیت دینی و سکولار شاید متفاوت باشد.

در رابطه با مسائل جنسی نه تنها توجیه و نیازی برای مجموعه‌ای مجزای اخلاقی وجود ندارد بلکه نیازی و توجیهی به مجموعه‌ای از اصول مجزا برای راهنمایی تصمیم‌گیری درباره مسائل جنسی وجود ندارد. اصولی یکسانی که در شئون دیگر زندگی حاکم است بر این موضوع نیز فرمانروایی می‌کند یعنی بر محور مسئولیت، نتیجه‌ی عمل، صداقت و انسجام. این ارزش‌ها و خوبی و فضیلت‌های دیگر انسان‌گرایانه می‌تواند به ما در راهنمایی کودکان به سوی درک شایسته و سالم از خود فیزیکی و مسئولیت در برابر آن کمک کند.

پرسش و پاسخ

پرسش: اصول بنیادی انسان‌گرایی در رابطه با تن و جسم کدام است؟

پاسخ: زمانی که در حال بلوغ و رشد بودم بابام همیشه توضیح می‌داد که در خانه ما هیچ مصالحه و گذشته‌ی پیرامون مسائل ایمنی یا سلامت پذیرفته نیست ولی هر مورد دیگری قابل مذاکره و گفتگو می‌باشد. وی هم چنین اشاره می‌کرد که بدن‌های ما چیزی نیست که ما ناچار احساس ناراحتی کرده یا از آن شرمسار باشیم بلکه بدن ما طبیعی و زیبا است. شاید

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

آن زمان هنوز نمی‌دانست ولی من گمان کنم او به دو اصل بنیادی انسان‌گرایی در رابطه با بدن انسان اشاره می‌کرد:

۱- سلامت و ایمنی مقدم است.

۲- بدن ما خوب و زیبا است.

انسان‌گرایان لذت‌های طبیعی و رابطه جنسی را گرمی می‌دارند ولی این به معنای هر چه پیش آید و به هر بهایی نیست. برای انسان‌گرایان رفتار مسئولیت‌پذیر به درکی از پیامدهای عمل برای خود شخص و دیگران می‌رسد.

بدین صورت این اصول از لابه‌لای گفته‌های پدرم سرک می‌کشد. بررسی جزئیات بیشتری درباره آن‌ها دارای اهمیت می‌باشد.

سلامت و ایمنی در جایگاه نخست اهمیت قرار دارد. بدیهی است که هر کنشی که در زندگانی انجام می‌دهیم دارای درجاتی از خطر بوده و این نکته به این معنا نیست که باید بکوشید تا هر عنصر خطرناکی را از محیط کودک خود حذف کنید. نخست روشن است که این کار امکان ندارد. دوم احتمال دارد هنگامی که کودک فرصتی بیابد بر ضد این خواسته والدین شورش کرده و چیزی درباره مسئولیت کنترل ریسک^۱ یاد نگرفته در حالی که این یادگیری برای کودک ضروری بوده است.

اصل قرار دادن ایمنی و سلامت در بالای فهرست در گام نخست به این معناست که ما باید به طور خردمندانه ریسک‌ها را ارزیابی کنیم که در اثر انجام کنش و فعالیت‌ها به وجود آمده و در صورت امکان به طور خردمندانه ابزارهای مناسبی برای کاهش خطر به کار بگیریم. افراد خردمند در برآورد این موارد تا حدودی متفاوت هستند ولی به عنوان یک نمونه می‌توان گفت شما این اصل را برای ممنوعیت دوچرخه‌سواری کودک خود به کار نمی‌گیرید چون ممکن است به خود آسیب زند ولی آن را به کار می‌برید تا تأکید کنید که باید هنگام دوچرخه‌سواری کلاه ایمنی بر سر بگذارد.

1. Managing risks responsibly

بخش چهارم: خود فیزیکی

چون تربیت سکولار وابسته به ارائه دلیل است حتا اگر شخصی به هیچ وجه نخواهد در موارد سلامت و ایمنی کوتاه آید ولی شاید هنوز هم بخواهد با کودکان خود در این زمینه‌ها سخن بگوید که برای ایمنی و سلامت پرا باید کاری را انجام داد. هم چنین می‌توان درباره بزرگی جدی بودن ریسک و درباره خردمندانه بودن برداشتن گامی که مایه‌ی کاهش یا دور کردن خطر و ریسک شود، گفتگویی داشت. اگرچه بعید نیست انسان‌های منطقی در این باره موافق نباشند ولی هنگامی که پای ایمنی و سلامت در میان است جای هیچ مصالحه‌ای وجود ندارد ولی اگر بچه شما را توضیح دهد که خطر این مورد آنقدر بزرگ نیست که شما می‌پندارید یا روشی حفاظتی برای ایمنی و سلامت هنگام فعالیت دلخواه خویش پیدا کرده باز هم شاید به این نتیجه برسید که عقیده خود را تغییر دهید.

پیکر ما زیبا و طبیعی است. ولی هر چیز طبیعی، زیبا نیست - برای مثال بیماری هم به طور طبیعی ایجاد می‌گردد- و به همین دلیل این اصل روشن می‌کند که پیکر ما هم زیبا و هم طبیعی است. ما اعتقاد داریم که انسان‌ها یک موجود مادی، جانورانی فرگشت یافته بوده نه روحی که در میان یک پوسته مادی خانه کرده است. این شکل مادی ما هستیم که بسیار مهم است. ما اعتقاد نداریم «انسان‌ها گناهکار بوده و باید رستگار شوند.» هم چنین باور نداریم انسان اشرف مخلوقات است. خاستگاه انسان‌ها مادی است. در بدن ما هورمون‌ها فعال بوده ما دارای احساسات و اندیشه‌هایی هستیم که همگی نتیجه فرایندهای طبیعی و مادی بوده و ما را چیزی می‌سازد که هستیم. این موارد شامل نقاط قوت و نقاط ضعف ما نیز بوده و سرشت انسانی ما را می‌سازد.

رابطه جنسی یک بخش طبیعی از یک موجود مادی بوده و (اگر به شیوه درست انجام گیرد) لذت بخش و سالم است. لذت‌های مادی نباید به عنوان مسئله‌ای پست یا بد، خوار شمرده شود. لذت‌های مادی یک بخش مهم از موجودی به نام انسان است. در واقع - و این درکی حیاتی است - آن‌ها یک بخش لازم و ضروری هستند. رابطه جنسی به دلایل فرگشتی لذت بخش است. لذت از رابطه جنسی دلیل ادامه یافتن گونه‌ها در طول دوران است. این بخشی از درک کامل از مسائل جنسی است که ما باید کودکان خود را از آن بی‌بهره نگذاریم.

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

این شیطان نیست بلکه فرگشت است که آتش آن را تند می‌کند و هنگامی که اوضاع مساعد باشد مشارکت در لذت جنسی مشارکت در انسانیت است. از سوی دیگر اگر خوشایند نبود انسان‌های بسیار کمتری وجود داشت یا به احتمال بیشتر انسانی وجود نداشت.

پرسش: چگونه ارزش‌هایی رابطه جنسی که می‌کوشم کودکم را از آن‌ها آگاه سازم از ارزش‌های همسالان مذهبی وی متفاوت است؟

پاسخ: بعید نیست که به عنوان پدر یا مادری سکولار دلواپس باشید که آنچه درباره مسائل جنسی به کودکان خود می‌آموزید بسیار متفاوت از چیزی باشد که والدین دیگر به کودکان خود می‌آموزند. زیرا این مورد از جنبه احساسی برای والدین بسیار پرهزینه است شاید نگران باشید که والدین دوستان کودک شما شاید شیوه تربیتی را رفتار کودک شما را به عنوان غیراخلاقی ارزیابی کرده و تأثیر بدی بر کودکان شما داشته باشند.

درجه‌ی تفاوت ارزش‌های شما از ارزش‌های والدین مذهبی در این موضوع به طور کامل وابسته به والدین مذهبی است. اگرچه شکل‌های بنیادگراتر مسیحیت بخش چشمگیری از ملاحظات رسانه‌ای را از آن خود کرده و مفهوم پرهوادار پیرامون شیوه و شکل مذهبی بودن در ایالات متحده در چنگ آنان است، ولی در واقع گستره‌ی بزرگی از تنوع دیدگاه‌های پیرامون مسائل جنسی در والدین مذهبی وجود دارد. باری بعید نیست که شخص سکولاری در ناحیه خودش در آمریکا بسیاری از والدین مذهبی را بیابد که دارای ارزش‌ها و دیدگاه بسیار مشابه با دیدگاه‌های خودش باشند.

حتا منابع تربیتی محافظه‌کار مسیحی از جمله منابعی که تولیدات آن‌ها خانواده‌ها را هدف می‌گرفته شاید راهکارهایی پیشنهاد کنند که شما یا شخص سکولاری با آن موافق باشید. تمرکز بر مشاوره خانواده به کودکان می‌آموزد که بدن‌هایشان هدیه‌ای ویژه از سوی خداست - این آموزش‌ها یاد می‌دهد که پیکر انسانی پیکر خوبی است از سوی دیگر می‌آموزد که بدن بیش از آنکه مادی باشد مقدس است. به جای آنکه مسائل جنسی به عنوان گناه نکوهش شود چون راهکار گروه‌های محافظه‌کار در گذشته بوده این آموزش‌ها این پیام را در

بخش چهارم: خود فیزیکی

خود دارد که «پاکی» ارزشمند است و لذت جنسی چیزی است که باید مختص همسران باشد. (۹) علیرغم وجود چنین موارد احتمالی از عدم توافق که از دگرگونی پیام‌های مذهبی است که بسیاری از ما در گذشته آموخته‌ایم، پیام‌هایی که مسائل جنسی را کثیف و شرم‌آور معرفی می‌کند به یک نگاه مثبت‌تری از مسائل جنسی در این منابع نیز به درجاتی رسوخ کرده است. در مورد مسائل مرتبط با ایمنی و سلامت، والدین محافظه‌کار مذهبی نیز با ما در ارزش این خواسته که کودکان تجربه‌ای ایمن و سالم و دیدگاه مثبتی از مسائل جنسی خود داشته باشند. روشن است که این قراردادهای کلی اغلب به نتیجه‌گیری‌های متفاوتی در این باره مانند آموزش فراگیر جنسی و پذیرش افراد هم‌جنس‌خواه مرد، هم‌جنس‌خواه زن، دو جنس‌گرایی و تراجنسیتی (دگرباشان جنسی - GLBT) می‌انجامد.

بسیاری از گروه‌های میانه‌رو مذهبی متوجه دگرگونی‌های در جامعه ما آمریکاییان شده که شامل بلوغ جنسی زودرس و ازدواج دیرتر نیز می‌شود و نیاز به نوعی اخلاق جنسی فراتر از دستور ساده‌لوحانه‌ی «تا زمان ازدواج صبر کن» پی برده‌اند. (۱۰)

یکی از نمونه‌های برجسته‌ی از افراد و گروه‌های مذهبی هوادار گرایش‌های سالم و اخلاقی مربوط به مسائل جنسی نهاد دینی اخلاق جنسی، عدالت و سلامت است^۱ (www.religiousinstitute.org) خانم دبرا هافنر^۲ روحانی، مدیر این نهاد دوازده سال به عنوان مدیرعامل انجمن اطلاعات و آموزش مسائل جنسی ایالات متحده^۳ (SIECUS)

خدمت کرده دارای مدرک کارشناسی ارشد	«انتظار برای ازدواج» امروزه
الهیات، روحانی جهان‌گرای توحیدگرا شده و	نزدیک به دو برابر سال ۱۳۳۹
بنیادگذار بنیاد مذهبی است که در بالا از	خورشیدی (۱۹۶۰ میلادی) به دراز
آن نام برده شد.	می‌کشد.

1. Religious Institute on Sexual Morality, Justice, and Healing

2. Rev. Debra Haffner

3. Sexuality Information and Education Council of the United States

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

با اینکه آغاز بلوغ جنسی در حال کاهش بوده میانگین سنی افراد در هنگام نخستین ازدواج در حال افزایش است. در ۱۳۳۹ خورشیدی (۱۹۶۰ میلادی) این دو مرحله (با توجه به جنسیت افراد و شماری دیگری از فاکتورها) یا میانگین نزدیک به ۸ تا ۹ سال از هم فاصله داشت. در سال ۱۳۸۷ خورشیدی (۲۰۰۸ میلادی) این فاصله به طور میانگین به ۱۶ سال

رسیده است (۱۱) «

هائفر چندین کتاب و مقاله در رابطه با رشد میل جنسی و مسائل جنسی در دوره‌ی نوجوانی نوشته که یکی از آنها عبارت است از، وراى مبالغه: راهنمای پدر و مادران برای تربیت میل جنسی سالم در نوجوان - از مدرسه‌ی راهنمایی تا دبیرستان و بعد از دبیرستان و بالاتر^۴. وی توصیه می‌کند که با والدین دوستان کودک خود گرد آمده و بکوشید تا به مجموعه‌ی چهارچوب‌هایی مورد توافقی برسید که با مسائلی مانند

وعده‌های ملاقات، نظارت در پارتی‌ها، آرایش و لباس وسوسه‌انگیز و دیگر مواردی سر و کار دارد و هر شخصی در هنگام بلوغ جنسی کودکش و ورود به مدرسه راهنمایی با آن روبرو خواهد شد. بعید نیست به توافقی که میان شما به عنوان یک طرف قضیه با والدینی با دیدگاه متفاوت مذهبی پیرامون این مسائل عملی به دست می‌آید مایه شگفتی و تعجب باشد. چنین توافقات شگفتی‌سازی می‌تواند برای شما یا هر شخصی به عنوان پدر یا مادر چندین بهره و فایده به همراه داشته باشد - نخست اگر بگوید «وا مامانی، مامان کیت اجازه داده که...» شما می‌دانید راست می‌گوید یا نه. اگر والدین به معیارهای مشابه و همانندی رسیده باشند به ندرت احتمال دارد که کودک بتواند استدلالی را به کار گیرد که با جمله بالا آغاز می‌گردد و هنگامی هم که معیارها متفاوت باشد برای والدین بسیار راحت‌تر است تا توضیح دهند چرا خانواده کیت اجازه کاری را داده که در خانواده ما مجاز نیست. از سوی دیگر شما فرصتی پیدا می‌کنید که معیارها و ارزش خود را برای والدین همتای خویش توضیح

4. Beyond the Big Talk: Every Parent's Guide to Raising Sexually Healthy Teens—From Middle School to High School and Beyond

بخش چهارم: خود فیزیکی

داده بنابراین زمانی که کودکان آن‌ها بگویند که کودکان شما اجازه کاری را دارند که آن‌ها ندارند، احتمال بیشتری دارد که آن‌ها بدانند بنیادهای ارزش‌های خانوادگی شما بر چه مواردی استوار است.

پرسش: اصول انسان‌گرایی حاکم بر روابط و مسائل جنسی چیست؟

پاسخ: دو اصل انسان‌گرایی مربوط به بدن در اینجا نیز اعمال می‌گردد ولی تعداد اندک دیگری از اصول انسان‌گرا نیز در این رابطه نقش دارد زیرا ارتباط و رابطه‌ی جنسی پای دیگران را نیز به میان می‌کشد.

این اصول که ایمنی و سلامت در پله نخست قرار دارد و بدن‌های ما خوب و طبیعی است بخش‌های بزرگی از زمینه‌های رابطه و ارتباط جنسی را پوشش می‌دهد. مطمئن شوید که کودکان می‌دانند این اصول پذیرفته شده شماسست و چند نمونه و مثال بزنید تا بدانند کاربرد آن‌ها چیست. موردی که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد این است که آن‌ها باید حفاظ‌های مناسب را هم برای جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و هم در جلوگیری از آبستنی به کار گیرند. افزون بر این بسیار مهم است که بچه‌ها بدانند رابطه جنسی به همراه احساسات نیرومندی است که تا اندازه و حدودی هورمون‌ها موتور آن‌ها هستند. اطمینان پیدا کنید که آن‌ها متوجه هستند که ایمنی و سلامت بر جایگاه نخست اهمیت قرار گرفته و شامل مراقبت از سلامت عاطفی شخص نیز می‌شود. رابطه‌ی جنسی قادر است عواطف نیرومندی میان شرکا به وجود آورد و افراد باید اطمینان پیدا کرده که در روابطی اعتماد، احترام و راست‌گویی دوطرفه وجود داشته و این شامل رفتار جنسی نیز می‌شود.

چون بدن ما خوب و طبیعی است رابطه جنسی باید لذت‌بخش باشد. اجازه دهید کودکان این را دانسته و هم چنین بدانند که این سخن به معنای آن است که هیچ شخصی خواه زن خواه مرد نباید با پیکر و بدن خودش کاری بکند که احساس راحتی و خوبی نداشته باشد. انسان‌ها حق دارند تا رویدادهایی که بر بدنشان رخ می‌دهد را کنترل کنند. حق دارند

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

که اعتقادات خویش را تغییر دهند. این موضوع دوم به ویژه دارای اهمیت بالایی است. اطمینان پیدا کنید که بچه‌ها درک کرده که چون فقط شخصی را بوسیده یا اجازه لمس پا عریان خود را داده به معنای الزامی برای کارهای دیگر نیست. رابطه‌ی جنسی شیوه‌ای است که انسان‌ها در صمیمیت خود با هم دیگر شریک می‌شوند و باید دارای احساس شگرفی باشد. پس اگر احساس خوبی به وجود نیاورد دلیل خوبی است که این کردار انجام نشود. در کتاب تربیت فارغ از اصول مذهبی، نویسنده دلیل مک‌گاون هفت فضیلت و خوبی سکولار را برمی‌شمارد. هر چند فهرست جامعی نیست ولی با چرخاندن آن برای اندیشیدن درباره رابطه و ارتباط جنسی فهرست خوبی می‌شود. هر چند در جامعه ما حوزه‌ی مسائل جنسی آکنده از وسواس‌های فکری و اشاراتی گنگ است ولی همان اصول اخلاقی که در بیشتر حوزه‌های زندگی کاربرد دارد در این زمینه نیز قابل به کار گرفتن است. در زیر فهرست دلیل آمده و توضیحات کوتاهی به آن افزوده شده تا نقش این اصول در هنگام گفتگو درباره مسائل و روابط جنسی با کودکان روشن گردد:

فروتنی: فروتنی داشته باشد تا یاد بگیرید چون هیچ کسی همه چیز را درباره‌ی روابط و رابطه جنسی نمی‌داند. این موضوع هم در رابطه با والدین و هم برای بچه صادق است. از آن‌ها پنهان نکنید که همه چیز را درباره این مسائل نمی‌دانید و برای آن‌ها نیز اشکالی ندارد که هر چیزی را بلد نباشند. این دلیل اهمیت گفتگو با دیگران را برای شما روشن ساخته و بدین وسیله می‌توانید پاسخ، پرسش‌هایی را بیابید که نمی‌دانید.

همدلی: همدلی نکته‌ای اساس در روابط و رابطه‌ی جنسی است. به بچه‌ها کمک کنید که بفهمند لایق شریکی هستند که می‌کوشد احساسات آن‌ها را درک کرده و به آنان احترام بگذارد و ضرورت دارد آن‌ها نیز با همین ملاحظات با شریک خویش رفتار کنند. برای الگوسازی در این زمینه فرد می‌تواند در روابط با شریک و هم چنین در کردار تربیتی خود همدردی نشان داده یا کودکان را

بخش چهارم: خود فیزیکی

تشویق به غمخواری از اعضای خانواده، دوستان و افراد دیگری نماید که در زندگی آنان نقش دارند.

دلاوری و شجاعت: این خوبی یا فضیلت برای مقاومت در فشار دیگران و هنگام انجام کاری کمک می‌کند که شخص آن را درست و صحیح می‌داند. به کودکان بفهمانید که در رابطه جنسی و روابط باید شجاعت ایستادن بر سر خطوط قرمزی خود را داشته باشند. هیچ کسی نباید به دلیل فشار شریک جنسی یا هم‌سالان رابطه‌ی جنسی برقرار کرده و در این رابطه خواست آن‌ها را به خواست خود ترجیح دهد. از سوی دیگر شاید بخواهید درباره دل و جرئت ایستادن در کنار افرادی گفتگو کرده که آزار دیده یا به علت دگرپاش جنسی بودن مورد تبعیض قرار گرفته یا به صورت‌های دیگری در رابطه جنسی یا هویت جنسی خود متفاوت هستند.

راست‌گویی و صداقت: کودکان باید بدانند که در روابطی که دارند سزاوار نیست که به آن‌ها دروغ گفته شود و شریک آن‌ها نیز سزاوار دانستن حقیقت است. چون رابطه‌ی جنسی رابطه‌ای است که می‌تواند پیامدهای جدی برای ایمنی و سلامت داشته باشد بسیار مهم است که شرکا با یکدیگر درباره تجربه‌های گذشته خویش روراست بوده و هم‌چنین در حال حاضر آیا تک رابطه‌ای بوده یا افراد دیگری را نیز ملاقات می‌کنند. صداقت داشتن در احساسات خود نسبت به شخص دیگر و توقعات از این رابطه مهم است چون در این صورت شخص می‌تواند درباره رفتار جنسی خود تصمیم بگیرد که بر اساس درک صادقانه از این است که او یا شریک او این رابطه را چقدر جدی به شمار می‌آورند. بچه‌ها باید بدانند که هیچ‌گاه درست نیست که برای داشتن نزدیکی به شریک خود دروغ بگویند خواه پسر باشد یا دختر. بچه‌ها باید آگاه شوند که اگر شریک جنسی به آن‌ها دروغ می‌گوید آن‌ها باید بررسی کنند که آیا با

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

آن‌ها به صورتی که سزاوار آن هستند رفتار می‌شود یا نه و آیا رابطه آن‌ها بر اساس اطمینان کامل بنا شده سپس درگیر رابطه‌ی جنسی شوند.

فکر باز: فکر باز به معنای بی‌خیالی نیست. فکر باز به معنا آن است که اندیشه‌ها و رفتار انسان دارای دامنه‌ای متفاوت است و این موضوع ایرادی ندارد. به کودکان کمک کنید تا بفهمند مرزها کجا است (ایمنی و سلامت، احترام به خود و شریک) ولی بدانید که بعید نیست کودکان شما تصمیم بگیرند که کرداری متفاوت از اندیشه‌های آرمانی شما از رابطه جنسی و ارتباط با دیگران داشته باشند که شما از آن‌ها توقع و چشمداشت دارید. تا زمانی که بچه‌ها مرزها را نشکسته‌اند موضوع مهم باز نگه‌داشتن خطوط ارتباطی است - تفاوت‌های خود را بیان کرده ولی به توانایی تصمیم‌گیری وی احترام بگذارید. به همین صورت به بچه‌ها این آگاهی را بدهید که می‌توانند پیرامون رابطه‌ی جنسی و ارتباط تصمیم متفاوتی نسبت به هم‌سالان خود بگیرند. این مسئله به این معنا نیست که یکی کردار درستی دارد و دیگری کرداری اشتباه و کودکان آزاد هستند که انتخاب هم‌سالان خود را (اگر با بر ضد ایمنی و سلامت نباشد) بدون اجبار به انجام کاری مشابه بپذیرند. بچه‌ها باید بدانند که دوستان و شرکای جنسی آن‌ها باید پذیرشی به همان گستردگی و احترام برای آنان قائل باشند.

گشاده‌دستی و سخاوت: انسان‌ها در یک رابطه‌ی سالم برای هم سخاوتمند هستند. آن‌ها از پشت به هم دیگر خنجر نزده و هم دیگر را نابود نمی‌کنند. در یک رابطه سالم آدم‌ها مراقب شریک جنسی خود بوده و نیازها و احساسات همدیگر را سرسری نمی‌گیرند. ارتباط شما و شریک جنسی شما الگویی است که گشاده‌دستی و سخاوت را در روابط به کودکان شما می‌آموزد. هم چنین زمانی که متوجه می‌شوید بچه شما رفتار سخاوتمندانه یا به شیوه‌ای دلسوزانه با دوست‌دختر یا دوست‌پسر خود برخورد کرده زمان مناسبی است که نظر

بخش چهارم: خود فیزیکی

مساعد خود را نسبت به کردار او ابراز کنید. به همین صورت زمانی که کاری سخاوتمندانه در حق بچه شما کرده سخن ستایش آمیزی به شریک جنسی بچه خود بگویید. بچه‌ها را آگاه سازید که سخاوت در یک رابطه، نیازی دو طرفه است و هیچ یک از شرکای جنسی به تنهایی نباید پیوسته و مداوم فداکاری کرده یا کمک بدهد.

حق شناسی: قدردانی و حق شناسی پاسخی مناسب به سخاوتمندی در روابط است. زمانی که شریک جنسی شما در حق شما مهربانی می‌کند، سپاسگزاری از کار سخاوتمندانه حق اوست. این یک جور خوبی و فضیلت دیگری است که می‌توان با روابط خودتان برای بچه‌ها الگوسازی کنید.

از یک سو چنین خوبی‌ها و فضیلت‌هایی همگی بازتابی از قانون طلایی (برای دیگران همان را بپسند که برای خود می‌پسندی) و قانون نقره‌ای (با دیگران چنان کردار نکن که برای خودت دوست نداری) است. نهایت امر این است که در یک رابطه با بچه‌ها باید رفتار خوبی انجام گیرد و به نوبه خود آن‌ها نیز با شرکا جنسی خود کرداری نیک داشته باشند. فهرست خوبی از مواردی که باید در یک رابطه‌ی جنسی اخلاق وجود داشته باشد توسط انجمن اطلاعات و آموزش مسائل جنسی ایالات متحده (SIECUS) فراهم شده: روابط باید با رضایت طرفین، غیر بهره‌کشی، صادقانه، لذت بخش برای دو طرف و در برابر بیماری‌ها و بارداری ناخواسته محافظت شده باشد. (۱۲)

پرسش: چگونه می‌توانم به بچه‌ها کمک کنم تا خطرات رابطه جنسی زودهنگام را درک کنند بدون اینکه به آن‌ها تلقین کنم که چیز بدی یا «کثیفی» در رابطه با امور جنسی وجود دارد؟

پاسخ: بخشی از اطمینان یافتن درباره پیام‌ها و سیگنال‌هایی که پیرامون امور جنسی می‌فرستید انگ نادرست بودن یا کثیف بودن را به آن نمی‌چسبانید در گروهی بررسی و درک اندیشه‌های خود و وسواس فکری درباره رابطه جنسی است. در رابطه با امور جنسی چگونه

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

پدر و مادر با شما گفتگو می‌کردند؟ آیا اصلاً سخنی در این باره میان شما پیش می‌آمد؟ آیا آن‌ها به رابطه‌ی جنسی مانند چیز کثیف و شرم‌آوری نگاه می‌کردند؟
بیشتر زمانی بچه‌ها به این نتیجه کثیف بودن رابطه جنسی می‌رسند که موضوعی باشد والدین آن‌ها از سخن گفتن پیرامون آن ترسان بوده یا با رفتار نشان داده که این موضوع خارج از گفتگو است. هم چنین بچه‌ها هنگامی به چنین برداشتی می‌رسند که والدین واکنش شدیدی به چیزی نشان می‌دهند که در این مورد دیده یا می‌شنوند. گفتگو می‌تواند بسیار آسان‌تر از رویدادی باشد که به عنوان یک والد چیزی را ببینید یا بشنوید که بچه انجام داده یا می‌گوید و شما را شوکه کند. نفسی بکشد و تا جایی که می‌توانید با آرامش به آن‌ها نزدیک شوید. اگر در همان لحظه نمی‌توانید با آرامش درباره ماجرا با آن‌ها سخن بگویید آن‌ها را مطلع و آگاه سازید که می‌خواهید در باره آنچه دیده‌اید روی رایانه انجام داده یا شنیده‌اید که با دوستان درباره آن سخن می‌گفته‌اند، در فرصتی مناسب با آنان گفتگو کنید.

کتاب جاستین ریچاردسون و مارک شوستر^۵ به نام مسائلی که نمی‌توانید بپه‌ها در باره امور جنسی بدانند (ولی بدبختانه آن‌ها می‌پرسند)^۶ فن و شیوه‌های همانندی را گزارش می‌کند که با تأخیر انجام برقراری رابطه جنسی بچه همبستگی داشته همان طور که خانم دبرا هانفر نیز پیرامون آن‌ها گفتگو کرده است. نخستین روش کلی تربیتی به نام «تربیت مقتدرانه» نامیده می‌شود. تربیت مقتدرانه دربرگیرنده‌ی دو ویژگی مهم است: این شیوه‌ها مجموعه‌ای از معیارهای سطح بالا را برای رفتار کودکان در نظر گرفته و از لحاظ عاطفی پشتیبان کودکان خود بوده، به گفته‌های آنان گوش می‌کنند. این شیوه قابل تشخیص از شیوه‌ی «والدین مقتدر» است که معیارهای سطح بالا برای کودکان در نگر گرفته ولی نه به کودک گوش کرده و نه از نظر عاطفی از آن‌ها پشتیبانی می‌کنند - در حقیقت آن‌ها قوانین را تعیین کرده و

5. Justin Richardson and Mark A. Schuster

6. Everything You Never Wanted Your Kids to Know About Sex (but Were Afraid They'd

Ask)

بخش چهارم: خود فیزیکی

از کودکان انتظار دارند از آنها پیروی کنند. از سوی دیگر شیوه تربیت مقتدرانه از شیوه تربیت آسان‌گیر قابل تشخیص است که از لحاظ عاطفی از کودکان پشتیبانی کرده و به سخنان آنان گوش می‌کنند ولی برای کردار کودکان معیارها و استانداردهای سطح بالایی تعیین نمی‌کنند - والدین تربیت آسان‌گیر می‌کوشند تا با فرزندان خویش دوست بوده و محدودیت‌هایی را اعمال نمی‌کنند که پدر و مادران باید برای کودکان برقرار کنند.

تربیت مقتدرانه بسیار همانند گونه‌ای از رویکرد تربیتی است که در تربیت فارغ از اصول دین و سراسر این کتاب ترویج می‌شود. کودکان خویش را آگاه سازید که شما انتظارات بزرگی از آنها دارید بگذارید آنها بدانند شما قوانین را وضع می‌کنید ولی با شیوه‌ی ارائه دلیل را به عنوان راهی برای توضیح و راهی احتمالی برای اصلاح این قوانین به کار بگیرید. به کودکان خویش کمک کنید تا دریابند چرا خانواده شما دارای قوانین مشخصی بوده و اگر آنها شما را قانع کردند که قانونی باید اصلاح شود آن را تغییر دهید.

خانواده‌هایی که در کودکان در آنها احتمال بیشتری دارد که در برقراری رابطه جنسی تأخیر داشته باشند خانواده‌هایی هستند که در آنها پدر و مادر خویش را با زندگی کودکان خود در هم می‌آمیزند. این روش دو شکل یا ریخت به خود می‌گیرد: نخستین راه این هست که ارتباط با کودکان را باز کنید. بر خلاف باورهای عمومی گفتگو با کودکان درباره‌ی رابطه جنسی مایه و سبب آن نمی‌شود که آنها زودتر به فکر برقراری رابطه جنسی بیفتند. بر خلاف باورهای عمومی، در خانواده‌هایی که پیرامون امور جنسی گفتگو می‌شود کودکان به طور آماری احتمال بیشتری دارد که برای داشتن رابطه جنسی صبر بیشتری پیشه کنند.

زمانی که شخص با کودکان کم سن‌تر از امور جنسی سخن می‌گوید باید مطمئن شود که به واقعیت‌هایی در باره بدن اشاره می‌کند، نام بخش‌های بدن کدام است و چگونه کار می‌کند. هم چنان که کودکان بزرگ‌تر می‌شود، افزون بر واقعیت‌ها به احساسات نیز اشاره نمایید. مطمئن شوید که اطلاعاتی را که نیاز دارند به آنها منتقل کرده ولی از سوی دیگر درباره ارزش و اخلاق خانواده خود نیز گفتگو کرده و هنگام سرو کله زدن برای تصمیم‌گیری

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

درباره روابط و رابطه جنسی چه احساس‌هایی ممکن است پیدا کنند. بهتر است که پیش از ورود کودکان به مرحله‌ای درباره آن گفتگو شود تا آن‌ها بدانند که چه چیز منتظرشان است. زمانی که می‌خواهید با کودکان درباره ریسک‌هایی گفتگو کنید که در برقراری رابطه جنسی نهفته است - بیمارهای آمیزشی و بارداری ناخواسته - رویکردی واقع‌گرا و حقیقی به موضوع داشته و از تحویل هزاران پند اخلاقی هراس‌آور پرهیز کنید. اگر بکوشید تا کودکان را با ترساندن با بازگو کردن مداوم خطرات از برقراری رابطه جنسی دور کنید احتمال دارد گفته‌های شما را نادیده گرفته و خطر را کمتر از واقعیت برآورد کنند. ولی اگر در عوض شما درباره خطرات و پیامدهای نهفته در رابطه جنسی اطلاعات دقیقی به آن‌ها ارائه نمایید اعتبار خویش را بالا برده و احتمال گوش دادن آن‌ها بیشتر است.

دومین راه که پدر و مادران می‌توانند برقراری رابطه جنسی را در کودکان به تأخیر بیندازند از طریق نظارت است. نظارت به معنای دانستن این است که کودکان شما هم‌اکنون در کجا حضور داشته و از آن‌ها مراقبت کنید. برای نمونه اگر نوجوان شما به مهمانی رفته مطمئن شوید که پدر و مادر صاحب‌خانه در محل حضور دارند. حضور آن‌ها در محل به معنا این است که شما می‌توانید به طور مستقیم به آن‌ها زنگ بزنید. اگر بناست کودک شما در خانه مهمانی برگزار کند در کنار اتاقی که مهمانی در آن برقرار می‌شود به طور دوره‌ای گشت بزنید، چای ببرید، عصرانه‌ی ساده یا یک لقمه حاضری ببرید. نظارت می‌تواند کمی دشوار باشد. جوان رشد کرده و بر استقلال خویش تأکید می‌کند. آن‌ها نیز به حریم خصوصی و استقلال بیشتری نسبت به بچه‌های کم سن تر نیاز دارند ولی این به معنای آن نیست که آن‌ها به طور مستقل آماده گرفتن تصمیمات بزرگ‌سالی هستند. نظارت خیلی بسته در این باره نیز شاید باعث شورش جوان و دست یازیدن به کرداری با خطرات بیشتر شود که می‌تواند مهار و کنترل آن را بیشتر به درازا بکشاند. این شاید تا حدودی دلیلی برای این باشد که پسر نوجوان با مادرانی بنیادگرا احتمال بیشتری در برقراری رابطه جنسی نسبت به هم‌سالان خود دارند. (۱۳)

بخش چهارم: خود فیزیکی

راهی میانه را انتخاب کرده به نوجوان و جوان خود حریم خصوصی و آزادی بیشتری بدهید و هم زمان به برقراری و اجرای قانون ادامه دهید. حتا امکان گفتگوی مستقیم با نوجوان در باره این تنش‌ها وجود دارد. اگر دختر است او را آگاه کنید که به او اطمینان دارید و هم چنین باید آگاه شود که شما می‌دانید هر چقدر بزرگ‌تر می‌شود نیاز به آزادی بیشتری دارد ولی شما نیز معیارهای مشخصی دارید و ناچارید بدانید که او در سلامت و ایمنی است. یک پدر و مادر درگیر و گرفتار که معیارها را تعیین کرده ولی هم چنین دوستدار و پشتیبان عاطفی هستند بهترین راهی است که کمک می‌کند تا کودکان تا زمان آماده بودن برای برقراری رابطه جنسی منتظر بمانند. خط ارتباطی را کور نکنید. ارزش‌های خانوادگی را پیرامون مسائل جنسی منتقل کرده و هنگامی که کودکان شما درباره اندیشه‌های خود درباره تصمیم‌گیری درباره امور جنسی با شما گفتگو می‌کنند بی‌توجهی نکنید. زمانی که وقت آن برسد آن‌ها ناچار خواهند بود بدون وجود شما و با اتکا به خویش تصمیم بگیرند. به آن‌ها کمک کنید تا از اندیشه‌های خود درباره روابط و رابطه‌ی جنسی صحبت کرده تا بتوانند گزینش سالمی داشته باشند. احتمال دارد این کار مایه آن شود که نخستین تجربه آن‌ها یک تجربه مثبت باشد و آن‌ها این فرصت را بیابند که رابطه‌ی جنسی را تجربه‌ای شگفت‌انگیز لذت‌بخش و آن را به صورت یک تجربه خصوصی به صورتی آن را درک کنند که باید باشد.

پرسش: دبیرستان ما یک برنامه آموزشی پرهیز از رابطه جنسی دارد که بیشتر بر اساس حقوق مسیحیت در شهر ما تنظیم شده است. من احساس قوی دارم که گزینه‌های دیگری درباره کنترل آبستنی نیز باید آموزش داده شود. به هر حال دختر من می‌گوید که اگر من برای چنین موضوعی به آموزشگاه بروم مایه «سرافکندگی و شرمساری» وی خواهم بود. چه باید بکنم؟

پاسخ: نخستین موضوعی که باید در ذهن شما باشد این است که دختر شما آموزش رابطه‌ی جنسی کارآمد و صحیحی ببیند. از طرف دیگر چون می‌دانید که در آموزشگاه کنونی وی این امر انجام نخواهد گرفت باید اطمینان پیدا کنید که در محیط‌های دیگر، خانه یا با ارتباط با یک برنامه آموزش امور جنسی غیر مدرسه‌ای این آموزش‌ها فراگرفته شود.

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

پرسش بعدی این است که آیا باید در این آموزشگاه این مشکل در آموزش امور جنسی را مطرح کنید یا نه. پیش از هر چیز من توصیه می‌کنم مقاله استو تان کوئیست^۷ در تربیت فارغ از اصول دینی به نام «انتخاب جبهه‌ی خود» را بخوانید. در این مقاله استو چهارچوب فهرستی را مشخص می‌سازد که هنگام تصمیم برای به چالش کشیدن یک امر اجباری مذهبی نامناسب در مدرسه‌ها دولتی باید در نظر گرفته شود. باید درباره اثری اندیشیده شود که کنش بر بچه شما می‌گذارد - از همه این‌ها گذشته این شما نیستید بلکه شخص دختر شماست که باید در محیط این آموزشگاه روزگاری را بگذارند. از دختر پرسید با مطرح کردن این موضوع در آموزشگاه وی منتظر چه واکنشی است و چگونه سرافکنده می‌شود. این اطلاعات را به کار گرفته و با کمک دخترتان راهی را بیابید که اگر مشکل را در مدرسه وی مطرح کردید او فکر نکند که سرافکنده خواهد شد.

بعید نیست دختر شما گمان کند که با مطرح شدن این موضوع توسط شما استادان و شاگردان گمان کنم که او کشته و مرده رابطه جنسی بوده و با یک «هرزه» طرف هستند. دختر شما شاید دلواپس آن باشد که بقیه گمان کنند که والدین را جلو انداخته تا به جای او مسئله را مطرح کنند. شاید دلواپس باشد که اگر شما مسئله را مطرح کنید دبیران او را نشان کنند. همه‌ی این نگرانی‌ها درست است و بسته به اینکه نگرانی دختر شما کدام باشد چند مورد را باید در نظر بگیرید. نخست مهم‌تر از هر چیز دختر شما باید بداند که شما به نگرانی‌های او اهمیت می‌دهید و بدون نظر او کاری نکرده و او را بی‌خبر نخواهید گذاشت. دوم باید هزینه و سود انجام این کنش را بسنجید.

اگر راهی هست که بتوان بدون به وجود آمدن اثرات منفی برای بچه خود به آن هدف برسید، آن راه را بروید. در صورت تمایل می‌توانید درباره این مشکل به سازمانی مانند تربیت با برنامه^۸ یا انجمن اطلاعات و آموزش مسائل جنسی ایالات متحده (SIECUS)

7. Stu Tanquist

8. Planned Parenthood

بخش چهارم: خود فیزیکی

تماس گرفته سپس این سازمان‌ها به طور ناشناس با آموزشگاه آن را مطرح کرده و خانواده شما نشان نخواهد شد.

بعید نیست که پس از انجام یک گفتگو پربار میان شما و دخترتان او عقیده خود را تغییر داده و از مداخله شما پشتیبانی کند. شاید تمایل پیدا کند که این موضوع را با برخی از هم‌کلاس‌های خود در میان گذارد. ولی آماده باشید چون شاید که از دخالت شما در این کار ناراحت باشد. اگر پس از یک گفتگو حسابی در این مورد دختر شما هنوز احساس راحتی نکند شاید بهترین کار صرف‌نظر از آن باشد.

اندیشه نخست که باید در ذهن باشد: هیچ اهمیتی ندارد که در مدرسه آنان چه می‌گذرد فقط اطمینان حاصل کنید که بچه‌های به طور دقیق و کارآمدی از امور جنسی در خانه یا جاهای دیگر آموزش می‌بینند.

اندیشه دوم که باید در ذهن باشد: نگذارید که یک دعوای اجتماعی به روابط میان شما و بچه‌های شما آسیب وارد کند. اگر تصمیم گرفتید که مسئله را ادامه دهید بچه را بیرون از حلقه نگذارید دلواپسی‌های او را جدی بگیرید و بکوشید که با هم دیگر راهی برای نزدیک شدن به این مشکل بیابید. به طور خلاقانه بیندیشید تا راهی پیدا کنید که هر دو بتوانید با آن کنار بیایید.

پرسش: این طور که پیداست پدران بنیادگرای مسیحی دست همه‌ی دوستان مؤنث دختر من «انگشتر باکرگی»^۹ کرده یعنی با این انگشتر قول گرفته که تا زمان ازدواج باکره بمانند. بدون شک در خانه ما این انگشتر را دست دخترمان نخواهیم کرد ولی از سوی دیگر با عدم انجام این کار او در میان امت مانند دختری شلخته و ولنگار به نظر خواهید رسید. در این مورد چه می‌توانیم بکنیم؟

9. Promise rings

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

پاسخ: این موضوع فرصتی عالی برای سخن گفتن با دخترتان درباره ارزش‌های خانوادگی مربوط به امور جنسی فراهم کرده است. اطمینان پیدا کنید که بچه شما فهمیده که چون خانواده شما هیچ قانون خاصی برای پرهیز از رابطه جنسی تا هنگام ازواج ندارد این به آن معنا نیست که هیچ ارزشی و آرمانی در زندگی شما وجود ندارد. به او کمک کنید تا به سلامت و ایمنی، احترام به خویش و شریک جنسی توجه کند و به جای انداختن خود به زحمت برای پیدا کردن آمادگی منتظر بماند. زمانی که شما در باره این چیزها سخن گفتید به دختر خود کمک کرده تا در یک گفتگو پیرامون ارزش‌های خانوادگی با دوستان خود نقش آفرینی کند. اگر او برای توضیح درباره ارزش‌های خود مشکلی نداشت در نتیجه به راحتی می‌تواند پاسخ هر کسی را بدهد که با ایما و کنایه او را به دلیل نداشتن حلقه باکرگی متهم به ولنگار بودن کند.

ولی از سوی دیگر احتمال دارد که دختر شما حس کند که او مراسمی را که همه دختران با خانواده‌های خود برگزار کرده محروم مانده است. شاید بخواهید مسیر مجزایی برای نشان دادن اینکه دختر شما بالغ شده را طی کنید. شاید در اصل بخواهید تا یک قطعه سنگ گران‌بهای ویژه را به این مراسم به خصوص و ویژه پیوند زنید. در این حالت زمانی که دوستان وی انگشترهای باکرگی خویش را به نمایش می‌گذارند دختر شما نیز نشان خودش را دارد و به رخ کشیده که والدینش مراقب او بوده، به او اعتماد داشته و می‌دانند او بالغ شده است.

پرسش: چطور می‌توانم دخترم را به صورتی بار بیاورم که از وضع خود دفاع کرده و اگر زمانی که هنوز آمادگی نداشت نتوانند او را ناچار به برقراری رابطه‌ی جنسی کنند؟

پاسخ: مجهز ساختن بچه به اطلاعات درست یک بخش ضروری برای پسران یا دختران است تا از قرار گرفتن در تنگنا و فشار پرهیز کنند. داستان‌های فراوانی درباره همسالان و شرکای جنسی وجود دارد که کوشیده تا شخصی دیگری را مجبور به برقراری رابطه جنسی نمایند. آن‌ها ممکن است ادعا کنند «همه» این کار را می‌کنند. ولی آمار چیز دیگری

بخش چهارم: خود فیزیکی

می‌گوید: در مطالعه‌ای در سال ۱۳۷۸ (۱۹۹۹ میلادی) نزدیک نیمی از دانش‌آموزان دبیرستانی گزارش داده که رابطه جنسی داشته‌اند - که البته به این معناست که بیشتر از نیمی از دانش‌آموزان رابطه‌ی جنسی نداشته‌اند. (۱۴) این درصد بزرگ بچه‌ها را آگاه می‌سازد که اگر منتظر ماندن را برگزینند به هیچ رو در دسته‌ی کوچکی از افراد اجتماعی قرار نگرفته‌اند.

بعید نیست که شریک جنسی از افسانه‌هایی مانند «بیضه‌های آبی^{۱۰}» - این ادعا که مردی که از لحاظ جنسی تحریک شده اگر رابطه‌ی جنسی برقرار نکند، عذاب دردناکی خواهد کشید - استفاده کرده تا شریک جنسی را وادار به تسلیم کنند. آگاه کردن کودکان که چنین دردی وجود ندارد آغاز بزرگی برای کمک به آنان است که بر این فشار غلبه کنند. هم چنین حتی می‌توانید اشاره کنید که شرکای آنان گزینه استمنا را برای کاستن از فشار جنسی دارند.

افزون بر دادن اطلاعات درست به بچه‌ها درباره انجام کاری که می‌دانند صحیح و درست است، آن‌ها نیاز به ارزشمند حس کردن خود و شجاعت نیز هستند. هم چنین لازم است درک کنند که رابطه‌ی سالم جنسی مستلزم چیست - نه بهره‌کشی یا اجبار بلکه رضایت طرفین به برقراری رابطه‌ی جنسی. گفتگو درباره سناریوهای محتمل راهی برای کمک به بچه‌ها برای توسعه توان تصمیم‌گیری است.

علاوه بر این‌ها بچه‌ها را برای داشتن گفتگو بی‌پرده پیرامون تصمیم‌گیری درباره امور جنسی با شرکای جنسی خود تشویق نمایید. چه دختر چه پسر لازم است بدانند که چگونه نه بگویند و پای آن بایستند و هم دختران و هم پسران باید درک کنند که با نه گفتن شریک جنسی، دست نگه دارند. در تماس‌های آشنایی هنگامی می‌رسد که مسائل فراتر از میل و خواست یکی از شرکا می‌رود گاهی تنها به این دلیل که شرکا به روشنی مسائل را مطرح نکرده که تا کجا مجاز و چه چیز غیرمجاز باشد. رهنمود خوبی برای تشویق بچه‌ها برای گفتگو

10. blue balls

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

درباره امور جنسی با شرکای جنسی خود این است که اگر گفتگو در این مورد برای آنها سخت است روشن می‌شود که نباید رابطه جنسی با شریک خود برقرار کنند.

پرسش: من پسری دارم که در حال وارد شدن به ۱۲ سالگی است، سنی که پسران اغلب دست به استمنای می‌زنند. من خودم احساسات شدید گناه و شرمساری در این دوره را به یاد می‌آورم چگونه در این باره با پسرم سخن بگویم؟

پاسخ: من به دلیل درک این ضرورت به شما تبریک می‌گویم. در صورت نبود و عدم گفتگو در این باره پسر بچه‌ها بدون هیچ شکی احساس شدید و غیر لازمی از شرم و گناهکاری می‌کنند. چند تا جمله کوتاه می‌تواند کاری کند کارستان. ساده است تنها پسرک باید بداند:

- استمنای چیست.
- استمنای کاری طبیعی و عادی است که کمابیش همه‌ی انسان‌ها در مقطعی انجام می‌دهند.
- استمنای اشاره و نشانه‌ای است که بدن در حال آماده شدن برای فعالیت‌های جنسی و تولیدمثل است.
- همه‌ی داستان‌هایی که درباره پیامدهای ناگوار استمنای وجود دارد به طور کامل چرند است.
- هم چنین استمنای شرم‌آور نیست بلکه یک امر خصوصی است.

پرسش: آیا احتمال دارد که والدین هم سن و سالان پسر معیارهای متفاوتی درباره استمنای داشته باشند؟

پاسخ: بله و بهترین کار این است که پسر شما از آن آگاه باشد. صرف نظر از جهت گیری‌های مذهبی خانواده‌ها احتمال بسیار دارد که هم سن و سالان پسر شما از پدر و مادران خود چیزی درباره استمنای نشنیده باشند. ولی اگر مذهبی باشند حتماً شنیده که استمنای گمراهی و

بخش چهارم: خود فیزیکی

گناه‌آلود است. اکثریت دین‌های سنتی به طور آشکار و اغلب به صورتی غیرعادی و با شرایطی شگفت‌انگیز استمنا را گناه اعلام کرده‌اند.

توضیح المسائل مذهب کاتولیک استمنا را «کنشی به خودی خود و به شدت بیمارگونه» خوانده است. (۱۵) یکی از الهیات دانان یهودی پر هوادار سده‌ی نوزدهم میلادی آن را «گناهی بزرگ‌تر از هر گناه دیگر در تورات» خوانده است (۱۶) مذهب مورمون آموزش می‌دهد که «استمنا رفتاری گناه‌آمیز است که روح را به یغما می‌برد.» در حالی که اسلام شیعی به طور کامل آن را غدغن کرده گفته بنیادگذار این فرقه (و داماد محمد) امام علی را بازگو می‌کنند که گفته «کسی که استمنا شود مرتکب گناهی برابر با هشتاد بار کشتن من شده است.» (۱۷) چه خبره بابا!!

ولی دست کم یک فرد مذهبی محافظه‌کار اعلامی از پشتیبانی برای یک رویکرد تربیتی بیشتر طبیعت‌گرا به استمنا نشان داده است - و سخت مورد انتقاد پیروان خود قرار گرفته است. نوشته زیر نقل قول گفتگویی است که او هنگام بچگی با پدر روحانی خود داشته است:

ما سوار بر خودرو و در حال راندن بودیم که پدرم گفت: «جیم، زمانی که هم سن و سال تو بودم خیلی نگران استمنا بودم. این موضوع واقعاً یک چیز ترسناک برای من شده بود زیرا گمان می‌کردم خدا برای کاری که نمی‌توانستم جلویش را بگیرم، مرا لعنت می‌کند. پس من حالا این را به تو می‌گویم هر چند که امیدوارم وقتی به سن نوجوانی رسیدی ضرورتی برای انجام این عمل حس نکنی ولی اگر دچار آن شدی نمی‌خواهد زیاد نگران آن باشی. من فکر نمی‌کنم که این کار ربط چندانی به رابطه تو با خدا داشته باشد.» آن شب در آن ماشین پدرم چقدر دلسوز من بود. (۱۸)

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

غیر از جمله «امیدوارم ضرورتی برای انجام این عمل حس نکنی» و آوردن نام خدا پیامی است که پدر و مادران بدون دین می‌توانند آن را بازگو نمایند و این جمله از کسی غیر از جمیز دابسون^{۱۱} نیست.

البته او هنوز این کنش را با حماقت گره زده و می‌گوید که پسران در هنگام این عمل به هیچ دختری فکر نکرده بلکه تنها به «همسر احتمالی» خویش می‌اندیشند.» نویسنده مسیحی هربرت مایلز^{۱۲} کمی جلوتر رفته می‌گوید که پسران نخست دعا خوانده از خدا برای عنایت نعمت جنسی تشکر کرده سپس در زمان رسیدن به ارگاسم تنها به او می‌اندیشند (که اگر این جور باشد بدون شک باید معنای جدیدی برای عبارت «اوه، خدا!» در نظر گرفت). (۱۹) ولی چون هر دو پیام اصلی را به درستی انتقال داده و بدین وسیله از شمار کودکان در حال رشد با حس بی‌زاری از خود و سرکوفت‌های جنسی کاسته‌اند اجازه دهید برای هر دو اعتباری قائل شویم.

دست کم ما آن روزها، روزهای زائران را پشت سر گذاشته‌ایم. روزهایی که مهاجر نشینان پیروان آیین پورتن در نیوهیون^{۱۳}، کانتیکات^{۱۴} برای «کفر گفتن، هم‌جنس‌گرایی و استمناء» حکم مرگ می‌بریدند! (۲۰)

پرسش: بچه‌ی من شانزده ساله است و گفتگوی بی‌پرده درباره امور جنسی موردی ندارد. من پیوسته گفته‌ام که اگر رابطه‌ی جنسی با ایمنی برقرار شود امری طبیعی و لذت‌بخش است، حتماً احترام خودت و شریک جنسی خود را نگه داشته و تا زمانی که آمادگی پذیرش مسئولیت آن را پیدا نکرده‌اید صبر کنید. نوجوان من چند ماهی با شخصی ارتباط برقرار کرده و سپس به من گفت که او و دوستش درباره امور جنسی گفتگو کرده و فکر می‌کنند که آمادگی آن را

11. James Dobson

12. Herbert J. Miles

13. New Haven

14. Connecticut

بخش چهارم: خود فیزیکی

دارند. چگونه می‌توانم نگرانی خود را برطرف کرده در حالی که خط ارتباطی کنونی خودم را باز نگه‌دارم؟ اگرچه من به دخترم اعتماد دارم و گمان می‌کنم که انتخاب خوبی کرده ولی باز هم برایم سخت است که او این گام را بردارد.

پاسخ: هر چند که این پرسش تنها یک پاسخ صحیح ندارد ولی هر خانواده‌ای باید موارد اصلی یکسانی را در نظر داشته باشد. از همه‌ی این‌ها گذشته مانند هر شیوه تربیتی طبیعت‌گرا پیامدهای آن اصل به شمار می‌آیند.

پیامدهای قانونی: سن قانونی موافقت برای آمیزش جنسی در ایالت‌های مختلف امریکا متفاوت است ولی به طور کلی میان ۱۶ و ۱۸ سال است (تنسی و پنسیلوانیا سن رضایت برای نزدیکی را تا ۱۳ سال در برخی موارد پایین می‌آورند). در بیشتر موارد تفاوت سنی میان شرکای جنسی تعیین کننده‌ی قانونی بودن عمل است (یعنی آیا تماس جنسی طبق قانون تجاوز به شمار می‌آید یا نه). اگر بچه‌ی شما زیر ۱۸ سال است بررسی دقیق قوانین ایالت شما باید مقدم بر هر گفتگویی باشد.

پیامدهای شخصی: یک رابطه جنسی سالم فارغ از سن باید با رضایت کامل دو طرف باشد. بچه‌های خود را به طور حتم آگاه کنید که آمیزش جنسی هرگز نباید برای «به دست آوردن» دل کسی به کار گرفته شده و هیچ یک از دو طرف به هیچ صورت نباید مجبور به آن شود. یک قاعده خوب: اگر مطمئن نیستید، چه آماده باشی چه نباشی، آماده به حساب نمی‌آیید - و عشق‌بازی با شریک جنسی که مجبور یا تهدید شده ارزش ندارد.

دلیل‌های بد بی‌شماری برای انجام آمیزش جنسی وجود دارد: عقب نرفتادن از دوستان چون رابطه‌ی جنسی برقرار کرده‌اند، چون فکر می‌کند «باید» تا حالا «رابطه جنسی» برقرار می‌کرده است، چون دوستش او را وادار می‌کند یا چون شخص می‌ترسد نه بگوید.

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

از بچه خود بخواهید تا گزینه‌های دیگری را برای ابراز عشق و کاستن از تنش طبیعی جنسی امتحان کند که همراه با بلوغ جنسی پدیدار می‌شود. **پیامدهای فیزیکی:** مهم نیست که چه اقدام احتیاطی صورت گیرد آمیزش دو ناهم‌جنس همیشه باید به صورت کنشی که می‌تواند به بارداری بینجامد دیده شود. اگر این پیامد غیر قابل تصور است، آمیزش جنسی نیز نباید قابل تصور باشد. اطمینان حاصل کنید که بچه می‌داند داستان «شیوه‌های صد-درصد» درست با ادعا جلوگیری از بارداری (نزدیکی منقطع، موقعیت‌های ویژه، آمیزش بار نخست و غیره) همگی یاوه و چرند است. اطمینان حاصل کنید که دختر و شریک جنسی وی طرح به موقع درست برای جلوگیری از بیماری‌ها آمیزشی و بارداری دارند. این موضوع مهمی برای گفتگو بوده اگرچه حتماً او را تشویق به عدم انجام آن کرده باشید زیرا شما سر بزنگاه و در هنگام تصمیم‌گیری بچه آنجا نیستید. می‌توانید چنین گفتگویی را در عبارت‌هایی چهارچوب بندی کنید مانند «اگر تصمیم گرفتید که جلو بروید چه نقشه‌ای برای جلوگیری و حفاظت خودتان دارید؟» ممکن است که بخواهید وقت ملاقات با یک متخصص بیماری‌های زنان برای دختر خود بگیرید (به احتمال بسیار همان دکتری نباشد که مادر وی را می‌بیند) تا درباره جلوگیری از بارداری و گزینه‌های حفاظت از بیماری‌های آمیزشی گفتگو کنند. گاهی نوجوان خیلی راحت‌تر است تا با یک متخصص پزشکی درباره یک روش جلوگیری سخن بگوید تا همان موضوع را با والدین در میان بگذارد و از سوی دیگر متخصص زنان اطلاعاتی دارد که شاید شما نداشته باشید. می‌توانید اعلام کنید که چون دختر نگران رابطه‌ی جنسی است بهتر است با متخصص زنان گفتگو کند بدون توجه به اینکه او تصمیم گرفته با دوست خود رابطه‌ی جنسی برقرار کند یا نه و دیدن متخصص زنان به هیچ رو به معنای این نیست که دختر شما بناست این راه را برود.

بخش چهارم: خود فیزیکی

اگر به تصمیم‌گیری و بلوغ بچه خود اطمینان دارید این رهنمودها باید کافی باشد که مطمئن شوید او همه فاکتورها را در این موضوع بررسی کرده و تصمیم‌گیری او همان اندازه که احساسی است منطقی نیز هست.

پرسش: دختر من می‌خواهد عضو باشگاه هواداران دگرباشان جنسی (GLBT) شود ولی برخی از بچه‌های مدرسه دختر مرا یک لژیون^{۱۵} می‌نامند. برای کمک به او در این موقعیت چه می‌توانم بگویم؟

پاسخ: به دخترتان گوشزد کنی که دلیلی که او را به سوی عضویت در این باشگاه می‌کشاند این است که می‌داند هیچ چیز نادرستی در هم‌جنس‌گرا بودن چه زن و چه مرد وجود ندارد. از او بپرسید چه فکری او را آزار می‌دهد که بچه‌ها او را هم‌جنس‌گرا خوانده‌اند. آیا یک توهین است؟ آیا می‌ترسد که این شایعه پسرها را از او دور کند؟ آیا موضوع دیگری او را پریشان خاطر می‌سازد؟

شجاعت و دلسوزی وی را که سبب جذابیت عضویت در این باشگاه شده را تحسین کرده و بستابید. از او بپرسید که دوستان وی چه فکری درباره افرادی می‌کنند که به عضویت این باشگاه در می‌آیند. از دخترتان بپرسید دیدگاه‌های چه کسانی برایش بیشترین اهمیت را داشته و نظر آنان درباره این باشگاه چیست. وی را متوجه سازید به او افتخار می‌کنید چون که در طرف درست یکی از پر اهمیت‌ترین حقوق شهروندی زمانه ما ایستاده و شما نیز به طور کامل عضویت در این باشگاه را تأیید کنید.

از سوی دیگر این موضوع فرصت مناسبی را پیش می‌آورد تا بر ارزش دگراندیشی تأکید گردد که در بخش یک پیرامون آن گفتگو کردیم. مانند همه موارد دیگر حقوق هم‌جنس‌خواهان به معنای ایستادن بر سر حقوق اشخاصی است که می‌خواهند متفاوت باشند به شرط آنکه متفاوت بودن مایه آسیب و زیان نشود.

15. Lesbian

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

از همه‌ی این‌ها گذشته می‌توانید از تمایل جنسی دختر خود پرسش نموده و دریابید که آیا لزبین خوانده شدن وی او را عصبی ساخته زیرا درباره تمایل جنسی خود اطمینان کاملی ندارد. این زمان خوبی است که بچه متوجه شود شما او را بدون توجه به تمایل جنسی دوست داشته و از او حمایت می‌کنید. یک راه برای انجام زیرکانه‌ی آن می‌تواند این باشد که به دخترتان بگویید که چقدر احمقانه است که بچه‌ها او را لزبین نامیده انگار که چیز بد و شرم‌آوری است در حالی که هیچ چیز نادرستی در زن هم‌جنس‌گرای نیست. وی را آگاه سازید که با گفتن «خوب اگر بودم چی؟» می‌تواند همه‌ی آن‌ها را فراری دهد. تمایل جنسی او هر چه می‌خواهد باشد او می‌داند که زن هم‌جنس‌خواه بودن چیزی برای شرمگین بودن نداشته و می‌تواند این را به هم‌کلاسی‌هایی بگوید چون گویا متوجه موضوع نشده‌اند.

پرسش: من فکر می‌کنم بچه‌ی من هم‌جنس‌خواه باشد. چگونه بدون قرار دادن وی در حالت دفاعی یا پیش کشیده شدن فرض‌های بیجا به وی بگویم که این موضوع مرا ناراحت نمی‌کند؟

پاسخ: به عنوان پدر یا مادری بی‌دین در این حالت شما یک برتری نسبت به والدین مذهبی دارید زیرا شما بچه خود جوری بار نیاورده‌اید که بدی هم‌جنس‌خواهی (یا متفاوت بودن) به طور کلی به وی تلقین شده باشد. با این حال بعید نیست که باز هم بچه شما فرض کند که شما از گی بودن وی ناخشنود بوده و او را طرد کنید. کاری که شما باید انجام دهید آزمایش و بررسی اندیشه‌های خودتان درباره هم‌جنس‌خواهان زن و مرد و تقویت بینش و دانش خودتان است. حتا انسان‌های بدون دین نیز گاهی در برابر هم‌جنس‌خواهی راحت نبوده و کلیشه‌هایی در ذهن آن‌ها وجود دارد که باید بر آن‌ها غلبه کنند. یکجا خوب برای جستجوی منابع والدین، خانواده و دوستان هم‌جنس‌خواهان زن یا مرد (PFLAG) هستند که یک سازمان با گروه‌های حمایتی محلی و وبسایتی عالی (www.pflag.org). روی گزینه «Family and Friends» کلیک کنید و درباره روندی روشن شدن تمایل جنسی فرزند دل‌بند خود یاد گرفته و هم چنین می‌توانید پاسخ پرسش‌های دیگر خود را نیز بیابید.

بخش چهارم: خود فیزیکی

کاری که هر پدر و مادری می‌تواند آن را انجام دهد، خواه گمان کند که فرزندش گی هست یا نیست برخوردی در خانه است که نشان می‌دهد افراد گی و لزیبن پذیرفته شده و بیرون از دایره قرار نمی‌گیرند. بچه شما چه گی باشد چه نباشد طرز برخوردی شما با گی و لزیبن‌ها بسیار مهم است زیرا برخوردها شما برخوردهای بچه شما را در برابر هم‌جنس خواهان زن یا مرد شکل می‌دهد. هم چنین به نمایش گذاردن حالتی که پذیرشگر هم‌جنس خواهان زن و مرد باشد، به استقرار محیطی کمک می‌کند که در هنگام آماده و روشن شدن گی بودن، بچه شما برای بروز دادن خود احساس راحتی می‌کند.

یکی از راه‌های برقراری محیط پذیرا کوشش برای به کار گرفتن یک زبان طبیعی‌تر جنسیت درباره روابط آینده بچه با دوستانش است. به جای این پرسش که «آیا دوست دختر داری؟» می‌توانید بپرسید «آیا با کسی آشنا شدی؟» به جای اینکه به دختر خود بگویید که امیدواری مرد خوبی را پیدا کند می‌توانید بگویید «امیدوارم که شریکی را بیابی که به راستی مناسب تو باشد.» اگر شما زبانی را به کار ببرید که پیش فرض دگرجنس‌گرا در آن وجود نداشته باشد علامتی را به بچه‌ها فرستاده‌اید که برای شما مسئله‌ای نیست اگر پسر یا دختر شما دگر جنس خواه نباشد.

اگر یکی از دوستان یا اقوام شما گی یا لزیبن است روابط با آن‌ها مهم است چون شما الگوی بچه‌ها هستید. پذیرش خوشایند و واکنش عادی با این دوستان و اقوام به بچه‌های شما نشان خواهد داد که به روابط شما و آن‌ها لطمه‌ای وارد نخواهد شد اگر بفهمید که بچه هم‌جنس خواه است. هم چنین این دوستان یا اقوام می‌توانند نقش کسانی را داشته باشند که شما می‌توانید برای راهنمایی به آن‌ها مراجعه کرده و بچه شما درباره گرایش جنسی‌اش با آن‌ها گفتگو کند. از آنان درباره چگونگی و زمان روشن شدن تمایل جنسی برای والدین پرسیده و رفتار والدین این موضوع را مشکل‌تر ساخته یا آسان‌تر.

ممکن است که شما به نقطه‌ای برسید که بخواهید این موضوع را مستقیم‌تر با بچه‌های خود در میان گذارید. بکوشید که آغاز عادی برای این گفتگو پیدا کنید. اگر ناگهانی یا اجباری باشد به سختی گفتگوی خوبی خواهد شد. شاید بچه شما درباره دوستی بگوید که

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

هم‌جنس‌خواه است ولی می‌ترسد به والدین خودش بگوید. بعید نیست که شما تلویزیون تماشا کرده یا فیلمی ببینید که کشمکش شخص برای آشکار ساختن گرایش جنسی خود به تصویر کشیده شده است. این فرصت خوبی است که بدون این پیش‌داوری درباره بچه‌ها پیام مثبتی به آن‌ها برسانید. حتی شاید بتوانید جمله‌ای مانند «امیدوارم اگر موضوعی مهمی مانند همین موضوعی که می‌بینیم در زندگی‌ات داشته باشی می‌خواهم بدانی که من به تو گوش می‌دهم و قبولت دارم، مهم هم نیست که چه موردی باشد.» در این هنگام بعید نیست که بچه موضوع گفتگو را تغییر دهد؛ اگر این اتفاق افتاد دنباله‌ی آن بحث را نگرفته ولی ادامه دهید. تنها به این دلیل که بچه شما از این فرصت برای گفتن حقیقت استفاده نمی‌کند به این معنا نیست که حرف شما را نگرفته است.

در کتاب جاستین ریچاردسون و مارک شوستر به نام مسائلی که نمی‌نخواهید بپه‌ها در باره امور جنسی بدانند (ولی بدبختانه آن‌ها می‌پرسند) که در بخش منابع بررسی شده یک بخش عالی درباره دگر باشان جنسی (GLBT) نوجوان دارد.

پرسش: کدام یک از آموزه‌های انسان‌گرایی می‌تواند به بچه‌ی من کمک کند تا در برابر جاذبه مواد مخدر و دیگر کردارهایی مقاومت کند که سلامتی را تهدید می‌کند؟

پاسخ: هم در کتاب تربیت فارغ از اصول دینی و هم در کتاب تربیت آزاداندیشان از ارائه دلیل به عنوان پایه‌های اندیشه تربیت خوب دفاع شده است. به جای گفتن «مواد بد است - خوب، طرف مواد نرو» مانند آقای ماکی در پارک جنوبی می‌خواهیم با اطلاعات در این باره که چگونه مواد می‌تواند برای سلامت و ایمنی فرد زیان‌آور باشد، پر شویم.

مانند هر موضوع پیچیده‌ی دیگری گفتگو درباره مواد نباید ناگهانی آغاز گردد. از سال‌های آغازین عمر کودکان باید آگاه شوند که چقدر مغز و بدن آن‌ها جالب است. این آگاهی به طور طبیعی آن‌ها را وامی‌دارد تا با مغز و بدن خود رفتار خوبی داشته و با خوردن خوراکی‌های خوب (خوراکی‌های سالم، مایعات فراوان و غیره) و پرهیز از چیزهای بد (خوراکی‌های ناسالم، سموم و غیره) آن‌ها را قهقرا و آماده به کار نگه دارند. این امر به نوبه

بخش چهارم: خود فیزیکی

خود زمینه‌ای حساس برای گفتگوهای آتی درباره مواد و رفتارهای پر خطر فراهم می‌آورد. اصول انسان‌گرایی که در آغاز این بخش آمده به خوبی به موضوع مواد و الکل مربوط می‌گردد.

زمانی که درگیر بحث مواد و الکل می‌شوید برای اعتبار و مؤثر بودن هم که شده مهم است که خود را به خوبی با اطلاعات تجهیز سازید. هشدارهای کلی و تاکتیک ترساندن دارای تأثیر کمتری از اطلاعات دقیق و ویژه است. بچه‌ها اطلاعات و اندیشه‌های پیرامون مواد را از منابع گوناگون و متنوعی به دست می‌آورند. کوشش برای ترساندن بچه‌ها با داستان‌های ترسناکی که با رویدادهای اتفاق افتاده در پیرامون آنان سازگار نیست آنان را به این نتیجه می‌رساند که به سخنان شما در رابطه با مواد بی‌اعتنا شوند. در عوض اگر با اطلاعات واقعی از خطرات و پیامدهای مواد با بچه‌ها گفتگو کرده و آن‌ها را با ابزارهایی تقویت کنید که برای مقاومت در برابر رفتار پر خطر لازم است احتمال بیشتری دارد که بچه‌ها تصمیم خوبی بگیرند.

توصیه شدید من کتاب تنها آنچه را می‌دانم بگو: گفتگو با بچه‌ها درباره مواد و الکل^{۱۶} نوشته‌ی سینتا کوهان، اسکات اسوارتزوالدر و ویکی ویلسون^{۱۷} است. نویسندگان این اثر همگی دانشمند و بچه‌دار بوده و گفتگوی آنان در این باره پر مایه و کاربردی می‌باشد. لحن آن‌ها لحن افراد نگران از لحاظ اخلاقی نیست بلکه با زبان فنی بچه‌ها را مجهزی به اطلاعاتی برای تصمیم‌گیری درست می‌کنند.

پرسش: من و شوهرم به کودکانمان اجازه می‌دهیم که سر میز شام جرعه کوچکی مشروب یا آبجو بخورند. خواهر شوهر من که در ضمن بابتست هم هست از خارج از شهر به دیدار ما آمده و با دیدن این وضع به شدت عصبانی شد. او هشدار داد که ما برای کودکان یک زندگی

16. Just Say Know: Talking with Kids About Drugs and Alcohol

17. Cynthia Kuhn, Scott Swartzwelder, and Wilkie Wilson

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

الکلیسم و مرگ زود هنگام به بار می‌آوریم. این به نظر من خنده‌دار آمد ولی آیا نکته‌ای پر زور و قوی وجود دارد که به عنوان پاسخ بدهم؟

پاسخ: پژوهش‌ها روشن می‌سازد که اطلاعات خواهرشوهر مربوط به گذشته‌هاست. اگر الکل نیز مانند بسیار از چیزهای دیگر (دین، رابطه‌ی جنسی، مرگ و غیره) در دسته غدغن‌ها و به عنوان کرداری ویژه بزرگسالان دیده شود احتمال بیشتری دارد که بچه‌ها با رو آوردن به آن کردار و پنداری ناروا و پرخطر پیدا کنند.

دکتر پال اشتیانبرگ^{۱۸} می‌گوید، «بهترین شواهد نشان می‌دهد که آموزش مسئولیت نوشیدن به بچه‌ها بهتر از غدغن کردن کامل آن است.» وی رئیس پیشین مشاوره در دانشگاه جورج تاون بود. سپس ادامه می‌دهد «اصل این است شما می‌خواهید بچه‌ها را با الکل آشنا کرده و به این نکته برسید که این ماده برای لذت بردن است نه برای سوءمصرف.» (۲۱)

در مطالعه مشهور و بلندآوازه‌ی روان‌پزشک هاروارد دکتر جورج ایمن وایلانت^{۱۹} به نام تاریخ طبیعی الکلیسم^{۲۰} در سال ۱۳۶۲ (۱۹۸۳ میلادی) دریافت که افرادی تربیت شده در خانواده‌هایی که مصرف‌کننده الکل غیر از سر میز هستند هفت بار بیشتر از افرادی گرفتار الکل می‌شوند که در خانواده‌هایی تربیت‌شده که شراب با خوراک سرو شده ولی با بدمستی مدارا نمی‌شود.

هم چنین وایلانت با بررسی اطلاعات میان فرهنگی دریافت، فراوانی بسیار بیشتری از سو مصرف الکل در فرهنگ‌هایی دیده می‌شود که نوشیدن در میان کودکان غدغن شده ولی از مستی بزرگسالان چشم‌پوشی می‌شود (مانند ایرلند) ولی در کشورهایی که به کودکان اجازه داده می‌شود به طور موردی شراب یا آجو را چشیده ولی با مستی بزرگسال برخورد

18. Paul Steinberg

19. Dr. George E. Vaillant

20. The Natural History of Alcoholism

بخش چهارم: خود فیزیکی

می‌شود (مانند ایتالیا) فراوانی سوء مصرف الکل به طور نسبی پایین است. نمایش میانه‌رو به همراه الگوی بزرگ‌سال بالغ اساسی است.

وایلانت نتیجه می‌گیرد که باید به نوجوانان اجازه داده شود در هنگام خوراک خوردن با خانواده از مشروب بی بهره نمانند. به تازگی وی گفته است «روش آموختن مسئولیت این است که پدر و مادر اجازه استفاده درست و بجا را بدهند.» (۲۲)

این حوزه‌ای است که می‌طلبید از قوانین مربوط به آن در ایالت خود آگاه پیدا کنید. در بیشتر ایالت‌ها قانون به پدر و مادر اجازه داده تا به همراه کودکان الکل بر سر میز بیاورند ولی برای غریبه‌ها سن نباید کمتر از ۲۱ سال باشد هم چنین در بسیاری از ایالت‌ها قانون «حتا یک قطره» وجود دارد که محدودیت قانونی سطح صفر الکل در خون را برای رانندگان زیر ۲۱ سال وضع کرده و اگر نوجوان شما در حال انجام فعلیتی است که باید دیروقت رانندگی کند، باید از آن آگاه باشید.

پرسش: یکی از دوستان فرزندم گرفتار افسردگی است. خانواده او «ایمان دارند که خدا کمک می‌کند» تا او از شر این بیماری راحت بشود. تماشاگر این موضوع بودن برای من و پسرم بسیار دشوار است. چگونه نوجوانان باید در این موضوع دخالت کنند (اگر دخالت مجاز است) زمانی که دوستی را می‌بینند که رنج می‌کشد و به دلیل باورهای مذهبی خانواده به او کمکی نمی‌شود؟

پاسخ: کمابیش خانواده‌های مذهبی پیشنهادها بسیار پرسش‌برانگیز درباره افسردگی دریافت می‌کنند. یکی از روان‌شناسان برجسته مسیحی پیش از اینکه اعتراف نماید که شاید مدیتیشن نیاز باشد، برای رسیدن آرامش «همان‌گونه که در عهد جدید در رساله به عبرانیان آیه ۴ آمده» و هم چنین کوشش برای «درک برکت خدا در سختی‌ها» از اعضای خانواده‌ها با افراد دچار افسردگی خواسته تا تاریخچه‌ی خانواده را بررسی کرده و ببینند آیا «افسردگی مورد نظر ریشه در گناهی اعتراف نشده یا معصیتی در گذشته ندارد.» (۲۳)

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

اگر خانواده‌ی دوست فرزند شما سر خود را داخل شن‌ها فرو کرده و عملی انجام نمی‌دهند اهمیت دخالت پسر شما بسیار بیشتر می‌شود. اصل کمک به افرادی که دچار افسردگی شده عبارت است از: (۱) افسردگی فرد جدی گرفته شود، (۲) به نگرانی‌ها و احساسات فرد مورد نظر باید گوش داده شده و (۳) شخص را برای دریافت کمک به یک متخصص درمانگر (سکولار) معرفی نمایند.

بسیاری از انسان‌های افسرده نمی‌دانند که افسردگی یک بیماری قابل تشخیص و هم چنین قابل درمان است. بعید نیست که بزرگ‌ترین یاری و مساعدت فرزند شما به سادگی تنها اعلام این رهنمودها و پافشاری برای اینکه دوستش نزد یک پزشک یا متخصص بیماری‌ها روانی و همراهی با وی باشد. گزارش‌های فراوانی وجود دارد که نوجوان افسرده از رفتن برای درمان سر باز زده تا اینکه دوستی به وی پیشنهاد همراهی را داده است. خواست پسر شما برای مداخله در این موضوع می‌تواند تا اندازه‌ی بزرگی زندگی دوستش را نجات دهد.



کتاب کار

بر خورد نقش آفرین

سن ۱۱ سال و بیشتر

موقعیت‌های نقش آفرینی که در آن کودکان شما دارای انتخاب برای فعال یا منفعل بودن در هنگام شنیدن سخنان هموفوبیا^{۲۱} است. از بچه‌ها پرسید که چه می‌گویند زمانی که در ناهارخوری با حضور کودکان زمانی که یکی می‌گوید «پیت ابنه‌ای است!» یا در سرویس مدرسه زمانی یکی می‌گوید «این ژاکت بدرد هم‌جنس‌گراها می‌خورد.»

تولد دوباره

سن ۱۱ سال و بیشتر

مواد لازم: ملافه، لامپ سرخ‌رنگ ۲۵ وات، ریسمان ۱۵ سانتی، طبل

کما بیش همیشه روند تولد کودک برای کودکانی جالب است که خواهر یا برادری در راه یا مادر بارداری دارند. این روند را انداختن ملافه بر روی کودکی (زهدان، رحم) و با ریسمانی بسته شده به کمرش (بند ناف) و یک لامپ کم وات قرمز رنگ و در غیر این صورت با تاریک کردن اتاق بازآفرینی کنید. تپش قلب مادر را با ضربه‌های آرامی بر روی طبل شبیه سازی کنید. کودک را (به آرامی) فشار دهید تا انقباض عضلات را شبیه‌سازی کرد و در این هنگام تپش قلب و ضربات بر طبل افزایش می‌یابد. با بیرون آمدن بچه از زیر ملافه لامپ‌ها

21. Homophobic

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

را روشن کنید. بچه با خوشحالی جیغ کوتاهی بکشد. آماده باشید که این کار را تکرار کنید... و بازهم تکرار کنید... و بازهم تکرار کنید.

افسانه درباره بدن یا واقعیت

سن ۱۵ سال و بیشتر

مواد لازم: کارت ایندکس خالی (می‌تواند تاس یا یک بازی صفحه‌ای که اختراع خودتان است)

یک شایعه بیخود از بدن/جنسیت یا واقعیتی از بدن/جنسیت روی هر یک ۳۰ - ۴۰ کارت ایندکس بنویسید. در روی دیگر کارت‌ها مشخص کنید که الکی است یا واقعیت. مثال:

- نتیجه آموزش امور جنسی به کودکان برقراری رابطه جنسی زودهنگام در بچه‌ها می‌شود. (شایعه بیخود)
- میانگین نخستین برقراری رابطه جنسی در امریکا برای دختران ۱۷ سالگی است. (واقعیت)
- بیشتر نوجوانان فعالانه به امور جنسی می‌پردازند. (شایعه بیخود)
- در نخستین بار برقراری رابطه‌ی جنسی باردار نمی‌شوید. (شایعه بیخود)
- در هنگام نزدیکی کاندوم باعث می‌شود هیچ حسی نداشته باشید. (شایعه بیخود)
- اگر استمنای کور می‌شوی. (شایعه بیخود)
- ۹۸ درصد پسران خودارضایی می‌کنند. (واقعیت)

(در سایت پی‌بی‌اس (PBS) منبع مشخص‌کننده‌ی افسانه یا واقعیت داشتن در

بخش این د میکس (IN THE MIX) به نشانی www.pbs.org/inthemix/educators/lessons/sex1/myths.html و آزمون

بخش چهارم: خود فیزیکی

امور جنسی لیوساینس^۱ به نشانی
www.livescience.com/php/trivia/?quiz=sex
خانواده یا گروه را به دو دسته تقسیم کنید. یک شایعه یا واقعیت را درباره امور جنسی
بخوانید و از گروه‌ها بخواهید که پاسخ درست را بدهند.

تک‌گویی واژن

سن ۱۵ سال و بیشتر

به خاطر بسپارید و یکی از قسمت‌های تک‌گویی‌های واژن^۲ را به همراه بچه دبیرستانی خودتان خودتان تماشا کنید. بسیاری از دانشکده‌ها در روزها نزدیک به روز ولنتاین (یا وی - دی^۳) برای حمایت از سازمان‌های مخالف با خشونت علیه زنان در محوطه خود این نمایشنامه‌ها را به اجرا می‌گذارند. گفتگوهای پیرامون این نمایشنامه را خوانده و تصمیم بگیرید کدام مناسب‌تر است. گزینه‌های دیگر: فیلمی کرایه کنید که درباره هویت جنسی و فشارهای اجتماعی باشد. این فیلم‌ها را در نظر بگیرید پیش از رسیدن شب (۱۳۷۹ - ۲۰۰۰ میلادی)، فیلادلفیا (۱۳۷۲ خورشیدی - ۱۹۹۳ میلادی) یا کوهستان بروک‌بک (۱۳۸۴ - ۲۰۰۵ میلادی).

فیلم و گپ زدن

سن ۱۵ سال و بیشتر

با نوجوان خود به تماشای یک فیلم با درجه‌بندی آر (R-rated) برای گپی هنگام خوردن پیتزا پس از آن بروید. (با توجه به توصیه‌های دبراهافنر.)

-
1. LiveScience
 2. The Vagina Monologues
 3. V-Day

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

یک کتابخانه‌ی مرجع درباره امور جنسی و بدن ایجاد کنید

سن ۱۳ سال و بیشتر

کتابخانه‌ی کوچکی از کتاب‌هایی درست کنید که پیرامون موضوعات گوناگون امور جنسی، تصویر بدن، پیشرفت و هویت جنسی گفتگو می‌کنند. این کتاب‌ها را در یک بخش خصوصی خانه درست کرده و نوجوان خود را تشویق به استفاده از آن‌ها بنمایید.

منابع

اطلاعات درباره امور جنسی

انجمن اطلاعات و آموزش مسائل جنسی ایالات متحده (SIECUS)

www.siecus.org

یک هوادار رده نخست برای آموزش علمی قابل درک.

نهاد مذهبی درباره اخلاق جنسی، عدالت و سلامت

www.religiousinstitute.org

یک مخالف بسیار عالی اصول جزمی محافظه کار مذهبی با توجه به مسائل جنسی

پلاند پرنث‌هود (Planned Parenthood)

www.plannedparenthood.org

منبع عالی از اطلاعات و منابع مربوط به تولیدمثل سالم.

والدین، دوستان و خانواده‌ی هم‌جنس‌گرایان زن و مرد (PFLAG)

www.pflag.org

یک سازمان ملی غیرانتفاعی با بیش از ۲۰۰،۰۰۰ عضو. «والدین، دوستان و

خانواده‌ی هم‌جنس‌گرایان زن و مرد (PFLAG) بهزیستی و سلامت هم‌جنس‌گرایان زن و

مرد، دو جنس‌ها و افراد تراجنس و خانواده و دوستان آن‌ها را بالا می‌برد با: پاسخگو بودن

بخش چهارم: خود فیزیکی

در برابر جامعه‌ای مخالف: آموزش برای روشن ساختن مردم عامه‌ی بی اطلاع؛ و هواداری برای به پایان رساندن تبعیض و برای جا انداختن حقوق برابر مدنی.»
هم چنین بنگرید به: www.anyoneandeveryone.com یک منبع عالی از اطلاعات و هوادار والدین شدن گی و لزبین‌ها.

کولیج (فرزندان والدین گی و لزبین بدون مرز)

www.colage.org

«یک جنبش ملی از فرزندان، جوانان و بزرگسال با والد یا والدینی هم‌جنس‌گرا زن، هم‌جنس‌گرا مرد، دو‌جنسه، تراجنسیت و یا نامتعارف.»

دکتر مارتی کلونین^۱ - گفتگوی بی پرده درباره عشق‌بازی، عشق و نزدیکی

www.sexed.org

Richardson, Justin, and Mark Schuster. *Everything You Never Wanted Your Kids to Know About Sex (but Were Afraid They'd Ask): The Secrets to Surviving Your Child's Sexual Development from Birth to the Teens* (New York: Crown Publishers, 2003).

یک منبع درجه یک است. نویسندگان در این کتاب به جای اینکه با تمایلات جنسی مانند چیزی برخورد کنند که به طور ناگهانی در بلوغ ظاهر می‌شود رشد جنسی را از هنگام تولد بررسی می‌کنند. توصیه‌های آن‌ها بر اساس داده‌ها و اطلاعات واقعی بنا شده و نویسندگان هنگام ارائه پیشنهاد و دیدگاه به دقت خواننده را از محدودیت یا عدم قطعیت اطلاعات آگاه می‌سازند. آن‌ها با رشد جنسی به صورت پدیده‌ای طبیعی و لذت‌بخش برخورد کرده و اطلاعاتی درباره بیماری‌های آمیزشی و بارداری‌های ناخواسته فراهم کرده البته نه با لحنی که هراس اخلاقی از آن می‌بارد بلکه با لحن اطلاع‌رسان. در پایان آن‌ها تأکید کرده که هر پدر یا مادری ارزش‌های متفاوتی در زمینه‌ی روابط جنسی دارد و می‌خواهد ارزش‌های خود را به فرزندان انتقال دهد و نویسندگان توصیه‌های خود را به صورتی ارائه کرده تا برای فرد برای رساندن پیام شخص خود به شیوه‌ای سالم کمک‌رسان باشد.

1. Dr. Marty Klein

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

نسخه‌ی نمایشی آن قابل‌دسترسی است و شامل رگه‌های واقعی و فرضی از موقعیت‌های تربیتی در سراسر کتاب است. هم چنین دارای یک بخش عالی پیرامون گرایش‌های جنسی کودکان است.

Haffner, Debra. *Beyond the Big Talk: Every Parent's Guide to Raising Sexually Healthy Teens—From Middle School to High School and Beyond* (New York: Newmarket Press, 2001).

هافنر دستاوردهای خویش را بر اساس تجربیاتی خویش در گذر سال‌های مدیریت بر انجمن اطلاعات و آموزش مسائل جنسی ایالات‌متحده (SIECUS) هم چنین تجربه شخصی از تربیت کودکان خویش به تصویر کشیده است. دیباچه توسط دختر وی نوشته شده که در زمان نشر کتاب ۱۵ ساله بوده است. تمرکز وی به جای «گرافه‌گویی» بر «لحظات آموزنده» بوده که به راستی منطقی و قابل‌حس است. کتاب قابل‌دسترسی بوده و ابزارهای سودمندی برای سنجش ارزش‌ها در رابطه با رابطه جنسی برای والدین فراهم ساخته و هم چنین بینشی را در روند رساندن این ارزش‌ها به کودکان و در کمک به کودکان برای رشد مهارت تصمیم‌گیری در رابطه جنسی فراهم می‌کند. این کتاب کار پیشین وی از قن‌داق تا وعده عاشقانه^۱ را ادامه داده و از مدرسه راهنمایی تا ورود به دانشگاه را در برگرفته در حالی که کتاب از قن‌داق تا وعده عاشقانه بر سال‌های آغازین زندگی تمرکز دارد.

Krasny Brown, Laura, and Marc Brown. *What's the Big Secret? Talking About Sex with Girls and Boys* (New York: Little, Brown Young Readers, 2000).

نخستین کتاب عالی درباره مسائل جنسی. سن ۸-۴ سال.

ویدئو:

Abstinence Comes to Albuquerque (2006)

داستان جذاب از سازمانی دین - بنیاد که تنخواه فدرال را آموزش و پرورش را وادار به آموزش - پرهیز از رابطه جنسی در مدارس دولتی آلبوکرکی نمایند. به طور کامل در گوگل ویدئو () قابل دسترسی است. ۲۷ دقیقه. دیدن آن ضرورت دارد.

1. From Diapers to Dating

بخش چهارم: خود فیزیکی

مذهب جهان‌گرای توحیدگرا یک برنامه آموزشی برای گروه‌های مختلف سنی به نام زندگی ما انسان‌ها از الف تا یای^۱ تهیه کرده است. این فیلم در درجه‌های کا-۱ (K-1)، 6-4، 7-9، دبیرستان و بزرگسالان است. برنامه در ادامه هم ساخته و در هنگام تحصیل نوجوان در مدرسه راهنمایی یک مجموعه یک ساعته در طول سال است.

الف- بررسی ارزش‌ها

ب- آگاهی از تن و جنسیت

پ- جنسیت و تنوع

ت- گرایش‌های جنسی و هویت جنسیت

ث- ارتباطات

ج- عشق‌بازی و نزدیکی

چ- آمادگی برای پدر یا مادر شدن

ح- مسئولیت‌پذیری رفتار جنسی

خ- بیماری‌های آمیزشی

د- سوءاستفاده جنسی

همه‌ی برنامه‌ها توسط یک فرد آموزش‌دیده جنسی آموزش داده می‌شود و اجازه والدین نیز ضرورت دارد.

موارد مربوط به بهداشت عمومی و فردی

Kuhn, Cynthia, Scott Swartzwelder, and Wilkie Wilson. *Just Say Know: Talking with Kids About Drugs and Alcohol* (New York: W.W. Norton, 2002).

یک راهنما ساده و با این حال بسیار علمی برای گفتگو با کودکان درباره مواد مخدر. با پرهیز از نوشتن با لحنی از هراس اخلاقی و به جای آن به دادن اطلاعات دقیق به کودکان درباره اثرات مواد پرداخته و بدین ترتیب کودکان کمتر روگردان بوده و بیشتر شنونده

1. Our Whole Lives

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

هستند. نویسندگان دید کلی خوبی از چگونگی کارکرد مغز را فراهم آورده و روشن ساخته‌اند چگونه مواد مخدر بر آن‌ها اثر می‌گذارد هم چنین نگرشی کوتاه از موارد قانونی مربوطه ارائه می‌دهند. چند بخش آخر به پوشش گونه‌های ویژه‌ای از مواد و تأثیرات آن‌ها پرداخته آمار نرخ مصرف را ارائه کرده و مشخص می‌سازد که هسته اصلی گفتگو با کودکان درباره هر گونه مواد باید چه باشد. نویسندگان کافئین و داروهای تجویز شده را در بالای لیست قرار داده سپس به الکل، تنباکو و مواد مخدر غیر قانونی می‌پردازند. بخش مربوط به ماری‌جوآنا بخش خوبی است زیرا بدون اغراق کردن، دلایل قانع‌کننده‌ای برای پرهیز از آن ارائه می‌کند. این کتاب یک مرجع کوتاه ولی جامع است که بر ارائه اطلاعات ضروری مورد نیاز برای گفتگو با کودکان فراهم ساخته و در همان حال بیش از نیاز در جزئیات فنی گیر نمی‌کند.

Mayle, Peter. *Where Did I Come From?* (Fort Lee, NJ: Lyle Stuart, 2000).

شرحی واقعی و قابل فهم برای کودکان پیرامون چگونگی به وجود آمدن بچه. تصاویر متحرک آناتومی به توضیح فرایند کمک می‌کند. سنین ۸-۴.

Schaefer, Valorie Lee. *The Care and Keeping of You: The Body Book for Girls* (Middleton, WI: American Girl, 1998).

یک منبع دقیق، دوستانه، خواندنی و بی‌همتا برای دختران ده ساله و بزرگ‌تر.

Harris, Robie, and Michael Emberley. *It's So Amazing! A Book About Eggs, Sperm, Birth, Babies, and Families* (Cambridge, MA: Candlewick, 2004, ages 7-12) and *It's Perfectly Normal: Changing Bodies, Growing Up, Sex, and Sexual Health* (Cambridge, MA: Candlewick, 2004, ages 9-12).

عنوان کتاب روشنگر موضوع آن است. رویکردی سرشار از شگفتی طبیعت‌گرا که به موضوعات پیرامون تولیدمثل، بلوغ و رابطه جنسی می‌پردازد.

بزرگداشت تفاوت‌ها

Gillespie, Peggy, and Gigi Kaeser. *Love Makes a Family: Portraits of Lesbian, Gay, Bisexual, and Transgender Parents and Their Families* (Amherst, MA: University of Massachusetts Press, 1999). Age 14+.

بخش چهارم: خود فیزیکی

Mills, Andy, Becky Osborn, and Erica Neitz. *Shapesville* (Carlsbad, CA: Gurze Books, 2003).

یک معرفی ابتدایی به گرایش سالم با توجه به تصویر بدن و تنوع. شیپ ویلا شهری است که در آن دوستان با شکل، اندازه، رنگ و مهارت‌های گوناگون با یکدیگر گفتگو کرده و چیزی را ستایش می‌کنند که هریک را بی‌همتا می‌سازد. سنین ۵-۲.

Huegel, Kelly. *GLBTQ: The Survival Guide for Queer and Questioning Teens* (Minneapolis: Free Spirit Publishing, 2003).

یک منبع بی‌همتا برای نوجوانان هم‌جنس‌گرا، نوجوانانی که درباره جنسیت خود پرسش دارند یا کسانی که تنها می‌خواهند اطلاعات بیشتری داشته باشند. سن ۱۲ و بیشتر.

ویدئو:

Let's Get Real (2004).

مستند کوتاهی که دست انداختن و زورگویی را به دلیل مسائل نژادی، گرایش‌های جنسی، تفاوت‌های دینی، آزارهای جنسی و موارد دیگر بررسی می‌کند. فیلم شامل دیدگاه افراد زورگو نیز هست تا دلیل رفتار آن‌ها را بداند. قابل دسترسی در (www.womedia.org) سنین ۱۲ و بیشتر.

The Point! (original 1971, remake 1986, re-released in 2004).

یک فیلم ویژه افسانه‌ای غیرمعمول تلویزیونی با ریشه‌های توهم‌زایی و بیننده بسیار. این داستان در اصل توسط داستین هوفمن^۱ حکایت شده، باز تعریفی آن توسط رینگو استار^۲ بر اساس ترانه‌ای از هاری نیلسون^۳. اوبلیو^۴، پسری که در سرزمین پوینت^۵ زندگی می‌کند

1. Dustin Hoffman

2. Ringo Starr

3. Harry Nilsson

4. Oblivion

5. Point

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

«پونت لس»^۶ شده و اطرافیان او را طرد می‌کنند. آیا باید هم‌رنگ جماعت شود یا خودش باشد؟ در دسترس در نت فلیکس، یوتیوب و چند جای دیگر. سن ۱۰-۴ سال.

That's a Family (2000).

ساخته شده توسط احترام برای هر پروژه‌ای و در (www.womedia.org) در دسترس است. این یک خانواده است یک فیلم قابل توجه و سرگرم‌کننده است که شکل و ریخت‌های مختلف خانواده دوست‌داشتنی را بررسی می‌کند. سن ۱۰-۵ سال.

It's Elementary (2008).

«نخستین فیلم در نوع خود که به پیش‌داوری‌های ضد هم‌جنس‌گرایان می‌پردازد با فراهم کردن درس‌های عملی درباره چگونگی گفتگو با کودکان درباره افراد هم‌جنس‌خواه... فیلم این بدیهی است نشان می‌دهد که کودکان مشتاق و توانا آن را دارند که با کلیشه‌ها جنگیده و واقعیت‌های نو در این باره جذب کنند که هم‌جنس‌خواه مرد یا هم‌جنس‌خواه زن چه معنایی دارد.» ساخته‌شده به وسیله‌ی (The Respect for All Project) و در وب‌سایت (www.womedia.org) در دسترس است.

دسترسی به منابع دیگر

شاید شما به عنوان شخصی با مهارت اندیشیدن انتقادی دارای مهارت مورد نیاز برای ارزیابی منابع قفسه تربیتی کتابخانه یا کتاب‌فروشی باشید یا بتوانید مواد آموزشی را ارزیابی کنید که در مدرسه به وسیله مربی برنامه آموزش رابطه جنسی به کار می‌رود. هنگام ارزیابی کتاب یا مواد درسی نگاهی سریع به چند چیز لازم است - کدام انتشاراتی یا سازمانی این اطلاعات را منتشر ساخته، چه سالی منتشر ساخته و صلاحیت نویسندگان چقدر است. تنها به این دلیل که سازمانی دارای نام وزین است به معنای این نیست که اطلاعات دقیقی منتشر می‌سازد. یک مثال: سازمانی به نام «بنیاد پزشکی سلامت رابطه جنسی»^۷ در واقع

6. Point-less

7. The Medical Institute for Sexual Health

بخش چهارم: خود فیزیکی

یک سازمان کامل هوادار پرهیزگاری جنسی بوده و علیرغم وجود مدارک علمی و دانشیک مخالف، اطلاعات و آماری را منتشر می‌سازد که به طور انحصاری آیین‌نامه‌های خودشان را تأیید می‌کند. (۲۴) برای شخصی که در جستجوی اطلاعات فنی، مانند شیوه‌های جلوگیری است تاریخ چاپ به ویژه مهم است چون با پیشرفت پژوهش‌ها اطلاعات به روز شده و شیوه‌های نوینی در دسترس قرار می‌گیرد.

یادداشت‌ها

1. “Abstinence Education Faces An Uncertain Future,” New York Times, July 18, 2007; Bearman, Peter, and Hannah Brückner, “Promising the Future: Virginity Pledges and First Intercourse,” American Journal of Sociology, 106 (4), (January 2001), 859–912.
2. The National Campaign to Prevent Teen Pregnancy. “Not Just Another Single Issue: Teen Pregnancy Prevention’s Link to Other Critical Social Issues” (February 2002). Accessed March 22, 2008, from www.teenpregnancy.org/resources/data/pdf/notjust.pdf
3. The Guttmacher Institute. “U.S. Teenage Pregnancy Statistics: National and State Trends and Trends by Race and Ethnicity” (September 2006). Available at www.guttmacher.org/pubs/2006/09/12/USTPstats.pdf
4. Abma, J.C. et al. “Teenagers in the United States: Sexual Activity, Contraceptive Use, and Childbearing, 2002, Vital and Health Statistics, 2004, Series 23, No. 24; Santelli, J.S., et al., Explaining Recent Declines in Adolescent Pregnancy in the United States: The Contribution of Abstinence and Improved Contraceptive Use” American Journal of Public Health (2007) 97(1), 1–7.
5. Study commissioned by U.S. Congress and conducted by Mathematica Policy Research, Inc. See www.mathematica-mpr.com/welfare/abstinence.asp
6. Darroch, J.E., J.J. Frost, and S. Singh. “Teenage Sexual and Reproductive Behavior in Developed Countries: Can More

Progress Be Made?" Occasional Report (New York: The Alan Guttmacher Institute, 2001), No. 3.

7. Darroch, J.E. et al. Changing emphases in sexuality education in U.S. public secondary schools, 1988–1999, *Family Planning Perspectives* (2000) 32(5), 204–211, 265.

۸- منبع پیشین.

9. Reisser, Paul C. *Focus on the Family Parents' Guide to Teen Health: Raising Physically & Emotionally Healthy Teens* (Wheaton, IL: Tyndale House Publishers, 1997).

10. Martens Miller, Patricia. *Sex Is Not a Four-Letter Word! Talking Sex with Your Children Made Easier* (New York: Crossroad, 1994), p. 66–68.

11. Quoted at www.contemporaryfamilies.org/subtemplate.php?t=pressReleases&ext=marryolder, based on studies by Evelyn Lehrer at the University of Illinois, Chicago.

12. Haffner, pp. 113–114.

13. Haffner, p. 27.

14. Richardson and Schuster, p. 288.

15. Accessed March 5, 2008, from www.vatican.va/archive/catechism/p3s2c2a6.htm#II

16. Ganzfried, Rabbi Shlomo in the *Kitzur Shulchan Aruch* (1870).

17. Quoted in Rizvi, Sayyid Muhammad, "Marriage and Morals in Islam" (Ontario, Canada: Islamic Education & Information Centre, 1990).

18. He then begs forgiveness from those Christians who find his relatively reasonable attitude "inflammatory." The full text is at www.focusonyourchild.com/develop/art1/A0000553.html

19. Miles, Herbert, *Sexual Understanding Before Marriage* (Grand Rapids, MI: Zondervan, 2000).

20. James, Lawrence, *The Rise and Fall of the British Empire* (London: St. Martin's Griffin, 1997).

21. Quoted in Asimov, Eric, "Can Sips at Home Prevent Binges?" *New York Times*, March 26, 2008.

بخش چهارم: خود فیزیکی

۲۲- منبع پیشین.

23. Hawkins, Dr.David B.“How Can I Help My Depressed Spouse?” Accessed April 23, 2008, from www.crosswalk.com/marriage/1407328
24. www.siecus.org/policy/PUpdates/arch00/arch000004.html

عناصر یک زندگی با

ارزش

مولین ماتسومورا

بسیار خوب. ما انسان‌گرایان همگی هماوا هستیم که برای منطقی به نظر رسیدن جهان، هیچ قانون کارما، هیچ طرح عظیمی و هیچ طراح بزرگی وجود ندارد. بنابراین در عوض کشف «معنای زندگانی» در واقع ما با وظیفه ساختن زندگانی معناداری برای خودمان روبرو هستیم. هم چنین ما انسان‌گرایان همگی موافق هستیم که شادی نه در جای تخیلی پس از مرگ بلکه در همین جا و در همین جهان باید به دست آید.

ولی چگونه کودکان خود را آماده کنیم تا شادی را پیدا کنند؟ این پرسش برای کسانی از ما انسان‌ها که دین اجدادی خود را کنار گذاشته شاید چالش‌برانگیزتر به نگر برسد (به ویژه اگر آن‌ها خشک‌اندیش و متعصب بوده) یا کسانی که قاطعانه کمر بسته تا کودکان ما را از هر گونه «شستشوی مغزی» محافظت کنند. هیچ یک از ما پاسخ‌های غیر ارادی را دوست نداریم و می‌دانیم که چوب جادویی نیست که روی سر کودکان تکان داده و فرمان بدهیم «شاد باشید.»

بخش پنجم: عناصر یک زندگی با ارزش

این موضوع کمک می‌کند تا به یاد آوریم که هر شخص که در سن یکی از والدین - یا به همان دلیل در سن پدر بزرگ یا مادر بزرگ - باشد هنوز هم داستان زندگی‌اش را به پایان نرسانده چون که با به دست آوردن هر تجربه نوینی معنا آن تغییر می‌کند. اصل هم نیز همین است. ما ناچار نیستیم دست به کارهای ناممکن بزنیم و پاسخ‌ها همه‌ی پرسش‌های زندگی‌اش را برای بچه‌ها به دست آوریم. به جای چنین کارهایی می‌توانیم آن‌ها را نیز در ماجراجویی خود در یافتن معنای زندگی شریک ساخته و در توسعه مهارت‌های هیجانی و عقلی به آن‌ها کمک کرده چون برای یک روز و دو روز نبوده بلکه برای یک عمر است.

درست همان گونه که انسان‌گرایان پی برده که هیچ معنای حقیقی در زندگی وجود ندارد همین موضوع نیز برای تعریف شادی درست است. سرچشمه‌های گوناگونی برای شادی وجود دارد؛ برای هر شخصی یک جور شادی با معناتر و قابل دسترس‌تر از بقیه است. ولی ما می‌توانیم با تکیه بر دانش انباشته‌شده‌ی بشر به اندیشه‌هایی دست یابیم که همساز با تجربه‌های ما و کودکانمان باشد. حتا جستجویی سرسری در میان نقل قول‌ها، به روشن ساختن بن‌مایه‌های

اصلی کمک می‌کند. انسان‌ها تعریف‌های
زیر را از شادی ارائه می‌دهند:

«یک معنای جهان‌شمول برای زندگی وجود ندارد، بلکه هر یک از ما انسان‌ها به زندگی خود معنا می‌بخشیم، یک معنای فردی، یک طرح فردی مانند داستان فردی است، کتابی برای هر شخص.»

لذت: آنگاه شادمانی را مدح کردم زیرا که برای انسان زیر آسمان چیزی بهتر از این نیست که بخورد و بنوشد و شادی نماید...» (۱)

- آناییز نین^۱، داستان‌سرا

کار پر ارزش: «آن شادی که به راستی خشنودی می‌آورد با بهره‌مندی کامل از توانایی‌ها و سرشار از درک جهان زیستگاهمان، همراه است.» (۲) «شادی... در لذت موفقیت و شوق کوشش خلاق آرمیده است.» (۳)

1. Anais Nin

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

عشق و پیوند: «تنها یک شادی در زندگانی وجود دارد، دوست بداری و دوست
بدارند.» (۴)

نوع دوستی یا از خودگذشتگی برای چیزی بزرگ‌تر از خود: «راه شادی
کوشش برای شاد کردن شخص دیگری است.» (۵) «بسیاری از مردم اندیشه‌ی
نادرستی از بناگر شادی دارند. شادی با کامروا ساختن خویشان دست‌یافتنی نیست
بلکه با پایمردی در راه هدفی ارزشمند به دست می‌آید.» (۶)

چنین بن‌مایه‌هایی با پژوهش در حوزه‌ی روان‌شناسی مثبت‌گرا نیز به دست آمده که
اطلاعات چشمگیر و فراوانی پیرامون موضوعاتی را به دست می‌دهد که مایه‌ی حس ارزشمند
بودن زندگانی برای انسان‌ها می‌شود. (۷) این بخش دربرگیرنده برخی از اندیشه‌های بنیادی است
که می‌توان بدون هیچ تغییری آن‌ها را به کار بسته و سپس با منابعی همراهی می‌شود که می‌توان
آن‌ها برای تجربه‌های شخص خود به کار گرفت. ولی چون اطلاعات بسیار فراوان‌تری وجود
دارد که بتوان در یک کتاب به رشته تحریر در آورد یک بخش که جای خود دارد تنها بر
موضوعاتی تأکید خواهد شد که به ویژه مورد نظر والدین انسان‌گراست.
اندیشه‌ای که من از پژوهشگران وام خواهم گرفت این است که درک و کسب و توسعه
اجزای فراوان و متفاوت از یک زندگانی رضایت‌بخش سودمند است.

پرسش و پاسخ

پرسش: آیا برخی از انسان‌ها به طور طبیعی از برخی دیگر شادتر نیستند؟ از یک پدر یا مادر
می‌توان انتظار انجام چه کاری درباره حالتی طبیعی را داشت؟

پاسخ: درست است، شواهدی در دست است که برخی از مردم شادتر یا خوش‌بینانه‌تر از برخی
دیگر پا به جهان می‌گذارند. اگر تأثیر شیمی بدن را بر روحیه در نظر بگیرید جای شگفتی ندارد.
ولی... خوب البته دو تا «اما و اگر» بزرگ در این میان نهفته است:

بخش پنجم: عناصر یک زندگی باارزش

نخست، به هیچ وجه کار ساده‌ای نیست که همه‌ی فاکتورهایی را در نظر گرفت که بر حالت و روحیه شخص تأثیر می‌گذارد. برای نمونه اگر یکی از بچه‌های شما درست پیش از شام نونق‌هایش را آغاز کند اصلاً به این معنا نیست که او بچه‌ی کج‌خلقی است. شاید گرسنگی تأثیر بیشتری بر حالت این بچه دارد. شاید بتوان نمونه‌ی دیگری را به این صورت در نظر گرفت که اگر بچه‌ای که بسیار آسان‌تر در انجام وظیفه ویژه‌ای درمانده شده و شکست را می‌پذیرد و پدر و مادر را با این چالش روبرو می‌سازد که حالتی که به نظر بدخلقی می‌آید در واقع و به راستی درماندگی و استیصال است سپس به تصور موردی که بچه را درمانده ساخته و چگونگی غلبه بر آن کمک کنند.

دوم، داشتن خلق خوش کمتر به معنای	«معنای زندگانی چیزی نیست که با آن
محکومیت خودکار انسان‌ها به زیستن و	آغاز می‌کنید بلکه چیز است که با آن به
زندگانی ناشاد نیست. این افراد می‌توانند یاد	پایان می‌رسانید. >>
بگیرند که ظرفیت شاد بودن را به حداکثر	- پیتر البوا، نویسنده

رساننده و منابع دیگری از رضایت را بیانند که بر بنیاد توانمندی‌های ویژه خود بوده و والدین آن‌ها را برای یاد گرفتن چگونگی انجام آن یاری کنند. برای نمونه کودکی که همیشه کنجکاو است و پرسش‌های فراوانی دارد شاید خشنودی خود را در دانشمند یا کاشف شدن بیابد. کودک سخاوتمند مراقبت شاید به بزرگ‌سالی تبدیل شود که سخت هوادار پرشور عدالت اجتماعی است.

پرسش: بیشتر زمان‌ها جستجوی معنا هم چون تجربه‌های شگرفی ترسیم می‌شود- شش ماه در غار بسر بردن، به کوه بالا رفتن، عبور از بیابانی با پای برهنه. چگونه می‌توان به صورت ساده‌تر با لذت متعارف‌تری به زندگانی با معنایی دست یافت؟

1. Peter Elbow

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

پاسخ: در یکی از روزهای پاییزی گمان کنم حدود بیست سال پیش من با دختر سه ساله‌ام حلقه‌ای از آب‌نبات می‌ساختیم. درحالی‌که با کمک خلال‌دندان تکه‌های آب‌نبات را به یک پایه دایره‌ای متصل می‌کردیم، گپ می‌زدیم، می‌خندیم و هر رنگی از آب‌نبات‌ها را مزه می‌کردیم.

هنگامی که کمابیش کار به پایان خود می‌رسید دخترم آهی کشید و به طور لذت بخشی گفت، «زندگی خوب است!»

این لذت ساده بسیار پیچیده‌تر از چیزی است که در نگاه نخست به نظر می‌رسد. ما مانند پازل در حال جور کردن تکه‌های آب‌نبات با اندازه مختلف بر روی یک پایه بودیم و هم چنان که با هم کار می‌کردیم یک جریان پنهان گرم مهربانی وجود داشت.

ولی بدون شک لذت حسی مهم است و از سوی دیگر ساده: به تندی قاپ زدن ده تا آب‌نبات با طعم‌های مختلف نمی‌تواند به اندازه طول دادن این تجربه لذت داشته باشد یعنی به آهستگی مزه کردن و مقایسه مزه‌ها با هم. بدون هیچ نقشه‌ای به دخترم درس مهمی از چشیدن لذتی ساده دادم. این مثال ساده‌ای از ضرب‌المثل پندآموز «اگر صبر کنی از غوره حلوا سازی» است.

پرسش: ما شکایت‌های فراوانی (برخی هم معتبر) از بیش از حد بودن لذت‌گرایی و ماتریالیسم در زندگی روزمره می‌شنویم ولی رگه‌هایی از خشکه‌مقدسی قوی نیز در فرهنگ ما یافت می‌شود که با لذت مخالف است. تنها لحظه‌ای درباره عبارت «خوشمزه گناه‌آلود» بیندیشید. چگونه می‌توانم کودکان خود را از گرفتاری در چنگ برخی از این خشکه‌مقدسی‌ها دور نگه دارم؟

پاسخ: همه‌ی ما از این طرف یا آن طرف چنین گفته‌هایی را شنیده‌ایم. بیایید نگاهی به چند نمونه بیندازیم:

«بپرهیزید از لذات مبادا دچار افراط شوید.» حالا چون یک بخش از

آن خراب است دلیل نمی‌شود که کل آن را دور بیندازیم! به آسانی می‌توانیم به

بخش پنجم: عناصر یک زندگی با ارزش

کودکان میانه‌روی را بیاموزیم. برای نمونه، «مطمئن می‌شود که یک قاچ دیگر کیک می‌خواهی؟ آخرین بار دل‌درد گرفتی.»

«لذت جویان خودخواه و خودمحور هستند.» البته بعید نیست؛ ولی اگر لذت‌جویی با هیچ تعهد و الزامی همراه نباشد آنگاه دیگر خودخواهانه نیست. از سوی دیگر لذت اغلب هنگامی خوشایندتر است که مشترک و با همکاری باشد. مانند اسکی روی آب - در حالی که یک تن اسکی می‌کند، یکی باید پشت فرمان باشد.

هر گاه سخنی مانند «دل‌م می‌خواست همگی اینجا بودند و این موسیقی را می‌شنیدند،» بگویید شما در حال ارائه الگوی لذت‌سهم ساختن دیگران در خوشی هستید. به عبارت دیگر شما طالبید به کودکان کمک کرده تا درک کنند که همه‌ی افراد از چیز یکسان لذت نمی‌برند. بیشتر زمان‌ها یک جور بده و بستان دیده می‌شود: «تو را وادار به بازی اسکروبل با خودم نمی‌کنم، در عوض تو هم مرا مجبور نکن برویم بیرون برای قدم زدن.»

«چون لذت ابدی نیست نباید خویشتن را برای آن به دردمس

انداخت.» این خط اندیشه ریشه در ژرفای اخلاق مذهب پروتستان و دیگر سنت‌های دینی زاهدانه دارد، این گفته در واقع تضاد لذت‌های مادی، زودگذر و «بد» را با لذت «خوب» ابدی فرضی برجسته می‌سازد. هم چنین این سخن پیوند نزدیکی با پرسشی دارد که اغلب از افراد بدون دین پرسیده می‌شود: «اگر گمان می‌کنید که روزی نابود می‌شوید چرا حتا باامداد رنج برخاستن از خواب را به خود می‌دهید؟»

بله عمر به‌خودی‌خود کوتاه است و برخورد انسان‌گرا با آن گران‌بها دیدن آن درست به همین دلیل کوتاهی است. در ارزش‌دار ساختن زندگان ما به آن چیزی بها می‌دهیم که زندگانی را خوب می‌سازد. سستی تار عنکبوت چیزی از زیبایی درخشش قطرات شبنم روی آن نمی‌کاهد.

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

اگر ما درک کنیم که لذت حسی تنها یک بخش از زندگانی خوب است، همین کافی است که بدانیم لذت تا هنگام بودنش خوب است. هم چنین می‌توانیم به کودکان برای شناسایی فعالیت‌هایی کمک کنیم که بیشترین لذت را به آنها می‌بخشد هم چنین به آنها کمک کنیم تا از انجام تجربیات تازه لذت ببرند. لذت نمک مهمانی بزرگ زندگانی است. آنها به خودی خود شادی بخش بوده و کمابیش همیشه منبعی از انرژی در دسترس است ولی از سوی دیگر ما نیازی واقعی تر به منبع خشنودی نیز داریم. «تچان» یک تجربه‌ی هیجانی است که به طور نیرومندتر و قوی‌تری احساس معنادار بودن زندگانی را قابل لمس می‌سازد.

پرسش: «تچان» چیست و چگونه در ارزشمند ساختن زندگانی نقش دارد؟

پاسخ: تچان حالتی است که همه‌ی ما آن را تجربه می‌کنیم. اگرچه بسیاری از ما انسان‌ها به طور الزامی برای آن نامی نداریم یا چیزهایی را می‌دانیم که در مطالعات علمی و دانشیک درباره آن یاد گرفته‌ایم. پژوهشگران با تشخیص احساسات مثبت در دسته‌بندی ویژه‌تری نسبت به «شادی» و بررسی تجربه احساسات انسان‌ها در هنگام انجام فعالیت‌های گوناگون، چیزی که «تچان» نامیده می‌شود را شرح داده‌اند. چند نمونه آشنا از زندگی روزمره درک توصیف ماهیت «تچان» را آسان‌تر می‌سازد:

- موسیقی دانی که درست پیش از کنسرت تمرین می‌کند.
- کودک نوپایی که برای یادگیری تاتی کردن دقت می‌کند.
- داستان‌سرایی که «کارش روی غلتک افتاده» است.
- فرد علاقه‌مندی که برای سر هم کردن پازل دقت فراوان می‌کند.
- دوستی‌هایی که در گفتگوهای سخت از میان می‌رود.

نمی‌توان تچان را به سادگی «شاد بودن» دانست. تچان در واقع عبارت است پی به لحظه‌ی حال بردن، نه در اندیشه فردا و نه گذشته بودن است بلکه توجه کامل به فعالیت است

بخش پنجم: عناصر یک زندگی باارزش

که به آن مشغول هستیم. شخصی که به راحتی خوشحال است شاید بسیار آرامش داشته باشد در حالی که تچان تمرکز را می طلبد.

برای چشیدن مزه زندگی، زمان بگذاریم

بر طبق پژوهش‌های نهاد شخصیت^۱ از بیست و چهار نقطه قوتی که در هزاران انسان اندازه گیری کرده پنج تا برای رضایت از زندگی بیشترین اهمیت را داشته است: قدرشناسی، خوش بینی، نشاط، کنجکاوی و دوست داشتن و دوست داشته شدن.

درباره «قدرشناسی» شایان توجه است که کسی ناچار به قدرشناسی ویژه از چیزی یا از کسی نیست؛ آنچه لازم است توانایی سپاسگزاری یا لذت بردن از گوهرهایی است که زندگی روزمره با آن‌ها تزئین شده است.

من بیست سال پیش در یک روز زمستانی بارانی در این باره فکر نمی کردم هرچند در آن روز وقتی از پله‌های خانه بالا می رفتم برای نخستین بار در زندگی‌ام یک هزارپا دیدم. تا آن زمان چیزی درباره بیست و چهار نقطه قوت نشنیده بودم. فقط می دانستم که چیز جالب و زیبایی را دیده‌ام. آن روز سی تا پله را دویدم تا به درب خانه رسیده و به خانواده گفتم «یک چیزی آنجاست که باید ببینید!»

همگی به طرف پایین پله‌ها دویدم تا از دیدن این حشره دوست‌داشتنی لذت ببریم. من برگی جلوی آن گذاشتم که روی آن خزید سپس به آرامی برگ را بالا آورده به صورتی که دست آخر توانستیم بخش آخر بدنش را دقیق ببینیم.

این دوست تازه ما از روی برگ سقوط کرده و روی پشت افتاد - خوشبختانه ارتفاع بلندی نداشت و آسیبی ندید. هم چنان که تعداد اندکی از جفت‌پاهای خود را هم‌زمان حرکت می داد با شگفتی به آن نگاه می کردیم که با وقار به سوی شکم خود پیچیده و سپس سفر خود را در طول پله پی می گرفت. پس از تماشای هزارپا به خانه برگشتیم و شام خوردیم.

1. Institute on Character

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

یافتن این هزارپا تنها یکی از هزاران لحظه‌ی شگفت‌انگیز در خانواده ما بود. بهترین کلامی که در این باره می‌توان گفت این هست که هیچ‌گاه ما سخنی درباره ارزش زندگانی و قدردانی از آن نمی‌گفتیم - ما فقط آماده بودیم که کسی بگوید «باید این را ببینید،» تا همه به آن سو بدویم.

چندین سال بعد دخترم مقاله‌ای برای پذیرش در دانشکده‌ای می‌نوشت. از میان فهرستی از موضوعات مورد پذیرش دخترم موضوع توصیف شام در خانه برای یک دوست را برگزید. آغاز مقاله‌ی وی را در خاطر دارم:

«ساعت هفت است: می‌دانید شام شما کجاست؟»

«صدای ناخوشایند غرغر صدلی مادرم به گوشم رسید چون از پشت میز کارش برخاست تا واکنشی به فریاد شاد من نشان دهد...» [البته من مشغول یادگرفتن طفره رفتن نبودم، من در حال تچان بودم و هم چنین در حال آموختن اهمیت تفسیر تجربه تچان به یک دلیل به طور کافی خوب بودم - مانند فراهم کردن مواد لازم برای رشد برای بچه خودم]. سپس مقاله دخترم با توصیف موارد دیگری پی گرفته می‌شد که تا رسیدن به میز شام ادامه داشت - مانند سخنی که به من می‌گوید، «باید بیایی و این غروب آفتاب دل‌انگیز را ببینی!» ا پدرش که صدا می‌زد «نگاه کنید! یک تار عنکبوت عالی!»

مقاله با توصیف شادی از گفتگوهای گوناگون سر میز شام پایان یافت و خوب البته پر واضح است که دخترم از گرسنگی نمرد. ولی دخترم دلیل دیگری در اهمیت عدم سازمان بندی همه‌ی زمان خود یافته است. انعطاف نه تنها شانس ما را برای پیروزی در تچان بالا می‌برد - بلکه وقت و زمانی را برای لذت بردن از تجربه‌های کوچکی برای ما فراهم می‌کند که مجموع آن‌ها یک شادی بزرگ را می‌سازد.

- مولین ماتسومورا

در طی تچان یک شخص، به طور کامل بر فعالیت انتخاب شده تمرکز کرده بنابراین با فعالیت‌های پس زمینه مانند صدای آمدوشد یا خیس شدن با باران هنگام راه رفتن حواسش

بخش پنجم: عناصر یک زندگی باارزش

پریشان نمی‌شود. برای چنین شخصی به فراوانی رخ می‌دهد که آهنگ گذر زمان را فراموش کند. زمانی که مشغول یک پروژه پرجاذبه و گیرا شده یا گفتگویی طولانی شده و ناگهان شگفت‌زده می‌شوید که «چقدر زود گذشت؟» شما در واقع در تچان بوده‌اید.

مانند شادی، تچان نیز فعالیتی است که مردم تنها به خاطر خودش پیگیر آن می‌شوند. تجربه تچان با فعالیتی آغاز می‌گردد که شخص گمان می‌کند ارزش دارد؛ شاید طولانی مدت یا به طور کامل داوطلبانه نباشد حتماً می‌تواند چیزی باشد که فرد ناچار به انجام آن باشد ولی تنها به این دلیل انجام نمی‌شود که کاری بهتری برای انجام دادن وجود ندارد. به عبارت دیگر به انجام تجربه تچان می‌پردازیم زیرا برای آن ارزش قائل هستیم یعنی تنها «وقت کنشی» نیست.

از سوی دیگر یافتن موضوعی برای تچان شامل یافتن تعادل درستی میان فعالیتی که آسان نبوده ولی کسل‌کننده است ولی هم چنین آن قدر هم دشوار نیست که بیهوده باشد. هنگامی که تعادل را یافتید و کنشی به اندازه کافی چالش‌برانگیز بود تا همه‌ی مهارت‌های شخص را به کار گیرد - و شاید با خود چیزهای برای پیشرفت و یادگیری به همراه آورد - احتمال بیشتری دارد که تجربه تمرکز ذهنی و جسمی رخ دهد. (۸)

پرسش: من منظور شما را از «تچان» دریافتم ولی چگونه با تربیت پیوند می‌خورد؟

پاسخ: چون تچان در میان بامعناترین چیزهایی است که می‌توانیم به آن دست پیدا کنیم پدر و مادران می‌توانند به کودکان کمک کرده تا با یافتن و درگیر شدن در تچان، تجربه‌ای ژرف‌تر از زندگانی به دست آورند. هم چنین یکی از شایع‌ترین دشمنان تچان تعداد فراوان جداول کنترلی از سوی والدین است.

درست همان زمانی که فعالیت یا

کنشی به راستی جالب شده و تجربه کردن
تچان آغاز می‌گردد زمان درستی است که

میز را بچینید، بروید به مهدکودک، به

ژیمناستیک بپردازید. کمبودهای زمان در

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

شخصی می‌تواند سبب ندیدن این شود که - چو انگتسی، فیلسوف چینی
بچه به هیچ رو لیج نکرده بلکه در آن هنگام (۲۸۶-۳۸۹ پیش از میلاد)
دوست ندارد افکارش بریده شود. از سوی دیگر شاید دست کشیدن از زمان و اوقات مناسب
تمرکز گسترده آن هم نه یک بار و دوبار بلکه بارها چالش برانگیز باشد.
همه‌ی کنش‌هایی که زمینه تجربه نمودن تچان را فراهم می‌کنند پرمایه و معنادار نیستند.
مثال بازی‌های رایانه‌ای. بی شک می‌دانید چرا برخی از آن‌ها جذاب هستند: این بازی‌ها دارای
اهداف روشن، بازخوردی بی‌درنگ و گزینه‌های انتخاب سطح مهارت بوده که بازی را «در
سطحی به اندازه کافی دشوار» نگه می‌دارد و به‌خودی‌خود هیچ بدی ندارد، در این شکی ندارم.
همین موضوع را می‌توان درباره بسیاری از فعالیت‌های تفریحی و سرگرم‌کننده دیگر نیز گفت.
اصل این است که به فعالیت‌های کم‌مایه‌تر اجازه ندهیم تا بر فرصت‌های ژرف‌تر پرمعناتر چیره
شده و آن‌ها را به عقب هل بدهند.

به کودکان برای داشتن تجربه‌های تچان یاری رسانیم که از یک سو به طور سرشتین و
ذاتی ارضاکنده بوده و از سوی دیگر سیماهای دیگر زندگانی را پرمایه می‌سازد و البته بسته به
تعیین و شناسایی توانایی ویژه کودکان خواهد بود. تمرین چیز خوبی است، ولی تمرین سخت
در زمینه‌ی یک فعالیت ویژه مانند نواختن پیانو یا بسکتبال ارزش بیشتری خواهد داشت البته نه
در هر کودکی. مشاهدات دقیقی را می‌طلبید تا بدانیم آیا به راستی ضرورت دارد که کودکی
کمی سخت‌تر کوشیده یا باید به کار متفاوتی پردازد.

پرسش: چگونه می‌توانیم به کودکان خود
دلگرمی‌های معنادار بدهیم به صورتی که
رشد، هویت و استعداد آنان را بالابرد و
ارتقا بدهیم؟

«وظیفه اخلاقی ما، معنا بخشیدن به
زندگانی است و در انجام این وظیفه ما باید بر
روزمره‌گی نافع بی‌تفاوت چیره شویم.»

- الی ویزل^۱، برنده‌ی نوبل صلح

1. Elie Wiesel

بخش پنجم: عناصر یک زندگی باارزش

پاسخ: زمان جوانی و بی‌تجربگی (عذر من) یک‌بار کودکی نوپایی را تماشا می‌کردم که تاتی می‌کرد. وقتی بدون اینکه دست خود را به جایی بگیرد کمی راه می‌رفت من دست می‌زدم و هورا می‌کشیدم. بیشتر راه می‌رفت - دست زدن و هورا بیشتر. پس از مدتی از سر شانه خود نگاه کرده، لبخند زده و منتظر هورای من ماند... سپس به عقب افتاد. این اتفاق یک مثال عالی برای اینکه چرا کودکان در حال یادگیری و رشد را تشویق نکنیم.

بچه‌ها با آمادگی برای یادگیری پا به جهان می‌گذارند. یک کودک نوپا برانگیخته می‌شود که راه رفتن را یاد بگیرد. هیچ نیازی به هورا یا ریشخند نیست - تنها چند اسباب و اثاثیه خانه برای دست گذاشتن یا یک بزرگسال که دست بچه را بگیرد. یک بچه کوچک پس از زمین خوردن شاید گریه کرده یا نیاز به دل‌داری داشته باشد - سپس از نو آغاز می‌کند. روز بعد، هیچ بچه‌ای هم نمی‌پرسد «ولی اگر افتادم آن وقت چی؟» بچه به تمرین ادامه می‌دهد تا هنگامی که راه رفتن را یاد بگیرد سپس گام به راه چالش‌انگیز دیگری می‌گذارد - این بار شاید بالا رفتن از پله‌ها.

فرآیند یادگیری شباهت فراوانی به روش کار برای تچان دارد هنگام تمرکز شخص را به ورای محدودیت‌های پیشین خود می‌برد. زمانی که شاگرد یا کارآموزی آماج خود را برگزید یا دست کم ارزش‌های خود را یافت بعید نیست یادگیری به تچان انجامیده و به خودی خود دوست داشته شود - هم چنین کمک کردن به کودکان برای به دست آوردن مهارتی که به آن ارزش می‌دهند. با این حال متأسفانه انگار بچه‌های بزرگ‌تر شوق و اشتیاق کمتری به یادگیری نشان می‌دهند.

برخی از جنبه‌های این دشواری و مشکل بیرون از کنترل ماست - ولی بیرون از نفوذ ما نیست. بعید نیست برخی از دوستان بچه‌های از اشتیاق یادگیری آن‌ها بکاهند. می‌توانیم دوستی‌ها را تأیید کنیم که دیگران را در هیجان یادگیری خود شریک می‌کنند، هر چند با بالغ شدن بچه‌ها گاهی باید عقب ایستاده و به کودکان اجازه داد تا مشکل را خودشان حل نمایند.

هم چنین می‌توانیم به بچه‌ها کمک کنیم تا بالاترین بهره را از آموزشگاه و فعالیت‌های فوق‌برنامه داشته اگرچه رک و پوست‌کننده بگویم گاهی نومیدکننده است. برای نمونه می‌توانیم

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

برای بچه‌ها ارزش مطالعه‌ی موضوعاتی را یادآوری کنیم که اهمیتش برای آنان آشکار نیست یا کمک کنیم تا با آموزگار یا مربی کمال طلب فلسفی^۲ کنار آید.

خوشبختانه، مهم‌ترین کاری که از دست ما برمی‌آید در حوزه قدرت ماست: ما می‌توانیم چیزی را تقویت کنیم که برای ما به نام «ذهنیت رشد»^۳ شناخته می‌شود. پژوهشگران و مشاوران تربیتی «ذهنیت ایستا»^۴ را در برابر «ذهنیت رشد» می‌گذارند. اگر شخصی دارای ذهنیت ایستا باشد توانایی‌های خود را غیرقابل تغییر دیده و شاید حتا میلی برای یادگیری فعالیت نو و تازه‌ای نداشته باشد. با ذهنیت رشد شخص باور دارد که می‌تواند توانایی خویش را با کوشش بالا برده و به طور ارادی به عنوان بخشی از یادگیری گرایش ارادی به خطر کردن دارد.

برخی از مطالعاتی که پیرامون ذهنیت انجام گرفته شامل دادن پاداش‌های متفاوتی به دو گروه بچه‌ها بوده که در وظیفه‌ای همانند موفق بوده‌اند. به برخی از کودکان گفته شده بود «شما باید بسیار زیرک باشید.» در حالی که گروه دیگر گفته شده بود که «شما باید بسیار سخت بکوشید.» گروه دوم به طور چشمگیری نسبت به گروه نخست تمایل بیشتری برای آزمودن وظایف نو و تازه‌ای داشته که درباره آن‌ها گفته شده بسیار چالش‌برانگیز بوده و شاید در حالی برای حل آن می‌کوشند چیزهایی یاد بگیرند. (۹)

در حالی که چنین پژوهش‌هایی نشان داده که توضیحاتی با نیت خوب که کودکان را با اصطلاحات ثابتی مانند «شما زیرک هستی» یا «دارای استعدادی طبیعی هستی» در واقع می‌تواند به نتایج منفی بینجامد: یک کودک شاید بترسد اگر شکست بخورد ارزشی مانند «یک کودک زیرک» را نداشته باشد؛ یا شاید احساسی مانند این داشته باشد، «اگر این بار آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد ولی سرانجام دریابند من آن قدرها هم با استعداد نیستم چه خواهد شد؟» در جو خانواده‌ای که بر یادگیری تأکید می‌شود، والدین گرایش به کوشش‌های ضروری را ستایش می‌کنند. آن‌ها دستاوردها را تشخیص داده در حالی روشن می‌کنند که عاطفه آن‌ها

2. Perfectionist

3. Growth mindset

4. Fixed mindsets

بخش پنجم: عناصر یک زندگی باارزش

بر موفقیت تأثیری ندارد. آن‌ها فعالیت‌های نوبی را به همراه کودکان خویش آزموده و هم چنین هم دیگر را در لذت‌هایی سهیم می‌کنند که برای هر دو طرف شناخته شده بوده و از سوی دیگر با حسن نیت درباره چیزهایی سخن می‌گویند که از اشتباهات خودشان یاد گرفته‌اند.

پرسش: یکی از سیماهای تربیتی که پیوسته برای من جالب بوده و مرا با چالش روبرو ساخته تفاوت بچه‌های من از هم دیگر بوده است. چگونه می‌توانم نقطه قوت‌های هر یک از آن‌ها را تشخیص داده و آن‌ها را در آن زمینه تشویق نمایم؟

پاسخ: پسر یکی از دوستان من برای چند روز به دیدار ایشان آمده بوده و در این دیدار به مادر پیشنهاد کمک در خرید یک خودرو را داده بود. ولی مدت زمان دیدار پسر به پایان رسیده و مادر هنوز حتی نتوانسته بود تصمیم بگیرد که خودرو را برای چه می‌خواهد. پسر ناراحت شده چون احساس می‌کرده که او و مادرش زمان بسیاری را صرف تصمیم‌گیری به طور نسبی ساده‌ای کرده‌اند. ولی دوست من و مادر ایشان تصور می‌کرد که پیش از یک خرید بزرگ نیاز به اطلاعات بیشتری دارد. بعد توضیح داد که «فکر می‌کردم می‌خواهد لج من را درآورد.»

آنچه در داستان این افراد جالب است این است که هر دو در حوزه سلامت کار می‌کردند. مادر شغل خویش را به عنوان پرستار توان‌بخشی آغاز کرده و اینک رئیس پروژه‌ی برنامه توسعه آموزش سلامت است. نخستین شغل وی نیاز بیشتر به صبر و حوصله داشته و حساسیت به نشانه‌های کوچکی از پیشرفت. برای شغل کنونی او نیاز به اطلاعات دقیق فراوانی برای توجیه راه‌اندازی یک پروژه وجود داشت و وی باید به ناچار درباره هر موضوعی می‌اندیشید که ممکن بود در طی انجام پروژه پیش آید. پسر او پزشک اورژانس بوده و ناچار بود اطلاعات درست را به سرعت گردآوری کرده و اغلب زمان کافی و بسنده برای گردآوری همه اطلاعات مورد نیاز پیش از گرفتن تصمیمات حیاتی نداشت. تنش میان آن‌ها پیرامون گرفتن تصمیم از تفاوت‌های نقاط قوت شخصیت آن‌ها ناشی می‌شد و هر یک نیز جداگانه به خوبی از آن‌ها بهره می‌برد. آن‌ها هر دو آن اندازه خوش اقبال بوده تا محیطی را بیابند و بتوانند از نقاط

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

قوت خاص خود بهره ببرند- محیط‌هایی که به طور احتمالی به افزایش روزانه تجربه تچان می‌انجامد.

درک نقاط قوت شخصیت و چگونگی پرورش آن‌ها یکی از حوزه‌های فعال پژوهشی است. «نقطه قوت شخصیت» روش یا الگوی رفتاری است که کمک می‌کند تا به شیوه‌ی سازنده و ارضاکنده بر رویدادهای زندگانی کنار بیاییم. بسیاری از پژوهش‌گران در این میدان بر روی بیست و چهار نقطه قوت تمرکز کرده که به طور کامل متفاوت است؛ برای نمونه ارزش‌ها در عمل [VIA]^۵، طبقه‌بندی نقاط قوت و خوبی‌های شخصیت دربرگیرنده پشتکار، مهربانی، قدردانی و شوخ‌طبعی. (۱۰)

این نقطه قوت‌ها ویژگی‌هایی غیرقابل تغییر نیست؛ درحالی‌که هر شخصی گرایش به داشتن توانایی در حوزه‌ی ویژه‌ای دارد اگر کوششی ارادی داشته باشد می‌تواند توان و نقطه قوتی را افزایش دهد. هم چنین بعید نیست که در گذر زمان نیز تغییراتی انجام گیرد: در یک مطالعه دریافته‌ایم که به طور میانگین افراد در نوجوانی و هنگام بزرگسالی نقاط قوت متفاوتی را نشان می‌دهند. (۱۱)

برای والدین مهم است که چنین اندیشه‌هایی را به کار گرفته تا درک کنند که:

... درک ارزش‌ها در عمل [VIA] فراتر از «داشتن آن» یا «نداشتن آن» است. این پژوهشگران دریافته‌اند که هر شخصیت نه تنها «مجموعه‌ای از تفاوت‌های فردی پایدار و کلی نیست بلکه... توانایی تغییر دارد.» افرادی با مجموعه‌ای از نقاط قوت شخصیتی قابل‌شناسایی و قابل پرورش دیده شده... که هیچ‌گونه همسانی با یک مفهوم مناسب همگان رایج‌تر از «شخصیت خوب» ندارند (نمونه‌ای از این مفاهیم، همه‌ی کودکان باید مجموعه‌ای از شش ویژگی یا خصلت باشند)، ارزش‌ها در عمل [VIA] نشان می‌دهد که هر شخص دارای نمایه‌ای از ویژگی‌های مثبت مربوط به خود است.... (۱۲)

5. VIA [Values in Action]

بخش پنجم: عناصر یک زندگی با ارزش

درحالی که نمی توان گفت که یک نقطه قوت «بهتر» از دیگری است پژوهش هایی وجود دارد که نشان می دهد برخی از نقاط قوت رابطه ی نیرومندتری با رضایت از زندگی دارد. (۱۳)

(۱۴)

درک نقاط قوت کودکان به چندین صورت به والدین آنها کمک می کند:

- با دادن دیدگاه های متفاوت درباره رفتار بچه ها. برای نمونه کودکی که در راه مدرسه ولگردی کرده یا وقت تلف می کند یا در حالی که با شما برای انجام کاری بیرون است شاید گام ها را آهسته کند تا به خط نقره ای به جا مانده از رد حلزونی که از روی برگ ریخته شده توجه کند، کنجکاوی خود را نشان دهد که چگونه حلزون ها آنجا پیدا شده اند یا ساده تر از زیبایی آنها ذوق زده شود.
- با کمک به ما برای تشویق کودکانمان برای به کار گرفتن نقاط خودشان که هم به طور ذاتی و سرشتین لذت بخش بوده و هم سرچشمه ای از پیامدهای مثبت است. (برای نمونه انجام آزمایش های دانشیک و علمی با کودکان کنجکاوی و اندیشیدن انتقادی را در آنها تشویق کرده و اطلاعات آنها را درباره جهان طبیعت گسترده می سازد.)
- با کمک به ما تا ببینیم «شکست» ظاهری در واقع نقطه قوتی است که نیاز به متعادل ساختن یا بسترسازی دوباره دارد. برای نمونه «لج» می تواند پشتکاری باشد که با یافتن راهی متفاوت برای رسیدن به هدفی نیاز به بستری سازی دوباره دارد.
- با آشنا ساختن ما با شیوه ای که به بچه ها کمک کنیم تا درباره تفاوت های میان افراد بیندیشند.
- با فراهم ساختن راه های آشنا برای خانواده ها تا درحالی که در فعالیت های درگیر هستند که توانایی و نقاط قوت آنها را نیرومندتر می سازد پیوندهای خویشاوندی خود را نیز استوارتر سازند. (من برای یافتن راه هایی تشویق می کنم که کل خانواده را درگیر چنین فعالیت هایی سازد؛ زمانی که به یک توانایی اشاره

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

می‌کنید از این خطر پرهیز کنید که از بچه نومی‌د و سرخورده به نظر برسید. زمانی که کل خانواده با هم کار می‌کنند پیام این است که جا برای رشد همه وجود دارد).

پرسش: با رشد بچه‌ها و رسیدن به سن نوجوانی من از افزایش نفوذ هم‌سالان آن‌ها نگران شده‌ام. چگونه می‌توان بالاترین درک از این تغییر را به دست آورم؟

پاسخ: ما انسان‌ها جانورانی اجتماعی هستیم. هزاران صفحه نوشته‌شده تا نشان دهد که این موضوع در هر جنبه از زندگی ما چه معنایی دارد. هم چنین بسیاری از چیزهایی که می‌دانیم - برای نمونه اهمیت خاطر جمع بودن کودکان در ارتباط با مراقبان خود - درباره خانواده‌ها، بدون توجه به اعتقادات آنان نیز درست است. بیشتر به جای تکرار اطلاعات مربوط به کلیات می‌خواهم درباره چیزی گفتگو کنم که به ویژه برای والدین انسان‌گرا مهم است.

والدین امیدوار هستند که بچه‌ها دوستانی شایسته‌ای را برگزیده که دارای تأثیر مثبتی باشند. از سوی دیگر دست کم در اینجا یعنی امریکا زمانی که بچه‌ها به سال‌های آغازین نوجوانی خود می‌رسند والدین به ویژه درباره «فشار هم‌سالان» نگران می‌شوند. پدر و مادران هم چنین درباره گروه‌های اجتماعی «گروهک»^۶ نوجوانی نگران هستند. دشواری ویژه برای والدین آزاداندیش این است که شاید بیشتر از میانگین جامعه درباره اندیشیدن مستقل و توانایی «همرنگ جماعت نشدن» نگران هستند.

زمانی که درباره رفاقت بزرگ‌سالان می‌اندیشیم که به چه شباهت دارد نگرانی‌ها درباره هم‌نواپی و هم‌رنگی با جماعت متفاوت می‌شود. حتا کسانی که از گردهمایی و یادگیری از افراد متفاوت از خود لذت می‌برند حریم ویژه برای دوستان و افراد هم‌رنگ خود دارند. برای مثال بیخ‌دایان بارها خواسته خود را برای دیدار «افراد هم عقیده» ابراز می‌کنند. در سطوح بالای رفاقت نه تنها ما انسان‌ها احساس راحتی بیشتری در کنار افراد هم عقیده می‌کنیم بلکه می‌دانیم

6. Cliquishness

بخش پنجم: عناصر یک زندگی باارزش

که می‌توانیم بر روی آن‌ها حساب کرده چون در موقع (ضروری) رهنمودهایی ارائه نموده که با ارزش‌های ما هم‌خوانی داشته، ما را به چالش کشیده تا از معیارها خود در زندگی منحرف نشده، و روحیه ما را بدون توضیحات طولانی درک می‌کنند. هم‌چنین درک می‌کنیم که تراز و سطوح متفاوتی از رفاقت وجود دارد. برای نمونه هم بازی گلف شما شاید کسی نباشد که با او درباره مشکلات احساسی خود گفتگو می‌کنید شاید هم باشد.

برای نوجوانان نیز رفاقت سیمای بسیار متفاوتی ندارد. آن‌ها چیزهای مشابه ای را می‌خواهند فقط با شور و هیجان بیشتر. (۱۵) نوجوانان ما در حال یادگیری این موارد است، چگونگی برگزیدن دوستان به طور واقعی هم‌رنگ، چگونگی ادامه یافتن دوستی و چگونگی اجبارها و محدودیت وفاداری در دوستی را تشخیص دهند. دست یافتن به این مهارت‌ها بخش مهمی از تبدیل شدن به بزرگ‌سال است. این یادگیری‌ها هم‌چنین در رشد استقلال آنان از والدین مهم است. والدین برای ابد زنده نیستند تا پشتیبانی عاطفی و عقلی برای بچه‌ها فراهم کنند. کودکان ما باید یاد بگیرند دست رفاقت به سوی چه کسی دراز کرده و چگونه.

یکی از شادترین لحظات بلوغ دخترم هنگامی بود که با من درباره رابطه‌ی دوستی دشواری گفتگو می‌کرد. تا آن زمان دیگر می‌دانستم که با شکیبایی منتظر است پیرسم، «دوست داری با تو همدردی کنم یا راه‌حل می‌خواهی؟» من با دلسوزی به او گوش می‌دادم که می‌گفت، «می‌دانم که این کار را خواهم کرد! من از آدی^۷ خواهم پرسید. همیشه این خانم نظرات خوبی دارد.» آدی یکی از قدیم‌ترین دوستان دختر من بود و بدون ریاکاری می‌توانستم بگویم «فکر خوبی است!» نظرات آدی خوب بود و این خوبی دختر من بود که از شخص درستی نظر بگیرد و سپس نظر را به کار گیرد که به من اطمینان می‌داد که آینده شادی در انتظار او خواهد بود.

سخن این نیست که نباید نگران باشیم که نوجوانان زمانی که هم‌سالان خود را به جرگه خود راه نداده یا آن‌ها را دست می‌اندازند، چقدر آسیب‌رسان هستند. بهترین حالت این زمینه دست پا چلفتی بودن هنگام یادگیری مهارت نو رخ می‌دهد؛ بدترین حالت زمانی است که عدم

7. Adi

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

تحمل و زورگویی باعث درخواست دخالت بزرگسالان می‌شود. این موضوع بسیار مهم است که ما کودکان خودمان را مورد احترام و محبتی بدون شرط قرار دهیم بنابراین آن‌ها چیز کمتری هم از دوستان خود نخواهند خواست.

هم چنین مهم است که فراز و فرودهای دوستی بچه‌های خود را جدی بگیریم؛ زمان نوجوانی خود را به یاد آورید که این پیشامدها چه اندازه نیرومند و مؤثر بود و هر چقدر که می‌توانید پشتیبان نوجوان خود باشید. به ویژه زمانی که کودک در حال توصیف شیوه‌ای است که آیا شخصی با او رفتار کرده به این معناست که این دوستی باید قطع گردد یا باید جلوی این دوست درآمد. چنین تصمیماتی در آمادگی برای زندگی بزرگسالی مهم است. (بله این فرض وجود دارد که آن‌ها نظر شما را بخواهند. اغلب آن‌ها ترجیح می‌دهند که کورکورانه راه خویش را پیدا کنند).

دست آخر اگر در نهایت تصمیم به «ادب کردن» نوجوانی گرفتید مراقب باشید بی‌گدار به آب نزنید، خواه دختر باشد خواه پسر. به این صورت به آن نگاه کنید: امروزه دیگر ما گمان نمی‌کنیم که فرستادن یک کودک بدکردار به رختخواب بدون خوردن شام، کار درستی باشد زیرا او برای رشد خود به مواد مغذی نیاز دارد. به همین صورت بیشتر نوجوانان در دوستی‌های خود نیاز به مواد عاطفی دارند. اگر گروهی از دوستان همگی به طور جدی دارای کردار نادرستی بودند (برای نمونه، شوخی‌های احمقانه یا مستی هنگام رانندگی) باید بر زمان کنار هم بودن آنان نظارت شده و شاید محدود گردد. ولی اگر بچه‌ای به طور کلی بیشتر کردار متعارف دارد و کردار نادرستی کمتری از او سر می‌زند، دلیل خوبی برای ادب کردن او وجود ندارد.

پرسش: من احساسات بد و خوب فراوانی درباره خیال‌بافی دارم. من می‌پندارم که ما انسان‌ها به‌جای جستجوی زیبایی در واقعیت بیشتر گرایش به چسبیدن به چیزهای خیالی را داریم. به عبارت دیگر مطالعات من در زمان کودکی همگی درباره پریان و اژدها بود؛ من به آن جور داستان‌ها عشق می‌ورزیدم ولی هرگز آن را با جهان واقعیت قاتی نمی‌کردم. به عنوان یک والد انسان‌گرا باید چقدر برای خیال‌بافی و تصورات در جهان بچه‌هایم حریم رها کنم؟

بخش پنجم: عناصر یک زندگی با ارزش

پاسخ: بچه‌ها بسیار نزدیک به کانون این جهان خیال‌بافی و تصور هستند. جان استاین‌بک^۸ در مقدمه‌ی کتاب یادداشت‌های روزانه کشتی از دریای کورتز^۹ نوشته است، «انگیزه‌ای که شخصی را به سوی شاعری می‌فرستد شخصی دیگری را به استخرهای سنگی طبیعی ساحلی خواهد فرستاد تا به ناچار گزارشی از چیزهای یافت شده در آنجا را ارائه بدهد.» شاید شخصی از سر اطمینان چنین بگوید این گفته اکتشاف داستان‌نویس و نویسنده‌ای در قلمرو دانش است. باری این گفته، سخنی ژرف درباره سرشت انسان است: هم هنر و هم دانش از گرایش انسان در جستجوی الگوها در جهان پیرامون ما به بیرون می‌جوشد و برای کنجکاوی درباره «چه می‌شود اگر...؟»

گفته گمراه‌کننده ساده‌ی استاین‌بک دارای پیام نیرومندی برای پدر و مادران انسان‌گرا است. در واقع می‌گوید درست به همان اندازه که تشویق کودکان به خیال‌بافی و گرایش‌های هنری مهم است به همان اندازه نیز تشویق توانایی خردورزی و عشق برای دانش مهم است. بدون شک پدر و مادران انسان‌گرا به اندازه والدین دیگر خیال‌بافی و هنرمندی را در کودکان خود تشویق می‌کنند. ولی در گفتگو و بحث‌های عمومی این علاقه‌مندی‌ها با دلواپسی درباره نفوذ خرافات و تعصب در فرهنگ ما در سایه قرار می‌گیرد. این وضعیت به این برداشت نادرست می‌انجامد که این انتخابی اجباری است. در واقع ما تنها گزینه‌های نگه‌داشتن توهم فراطبیعت یا پذیرش یک واقعیت خش سرد را نداشته که گاهی تنها چیزی بیش از تسلیم شدن در برابر بدترین چیزها در زندگانی نیست بلکه به راستی گزینه‌های بیشتری برای انتخاب داریم. راهکار اساسی برای ارزانی کردن گزینه‌های بیشتر به بچه‌ها کنار گذاشتن آموزه‌ی گناه با تداومی است. طبل و شیپور سربازان را به جنگ تحریک می‌کند ولی به جای کنار گذاشتن موسیقی زیرا دارای کاربردی در جنگ است، می‌توانیم آن‌ها را برای آوازهای عاشقانه و جشن‌های شاد به کار بگیریم. خیال‌بافی - توانایی مفهوم‌سازی از رخدادها و تجربیات است که

8. John Steinbeck

9. The Log from the Sea of Cortez

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

وجود ندارند - ناچار به خدمت‌رسانی به سیاست‌های ظالمانه و بنیادهای مذهبی گشته و اغلب مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند. ولی با همهی این‌ها به جای دور انداختن خیال‌بافی می‌توانیم آن را به عنوان ثروتی فردی هدایت کنیم.

کار سختی نیست که اظهارهای روشن‌اندیشانه درباره خوبی‌های خیال‌بافی به عنوان سرچشمه هنر، ادبیات و نوآوری‌های عملی داشته باشیم. چنین سخنانی حقیقت هم خواهد داشت ولی اگر ته سخن این باشد در واقع ما گفته‌ایم که ناچاریم کاربرد خیال‌بافی را توجیه کنیم. رهیافتی که به طور مشخص‌تر انسان‌گرایانه است بزرگداشت و پرورش دست کم دو کاربرد از خیال است: خیال به عنوان ابزاری که بچه برای کنار آمدن با جهان به کار برده و خیال به عنوان منبعی از لذت.

یکی از بزرگ‌ترین لذت‌های کودکی خیال‌بافی است که از سوی دیگر خیال‌های کودکانه بی‌نهایت متنوع و گوناگون است. تماشای بازی خیال جالب است و والدین نباید احساس ناراحتی در پیوستن به این بازی داشته باشند. پدر و مادران انسان‌گرا با همسرانی مذهبی با آمدن بچه از آموزش یکشنبه به خانه با اسطوره‌های تکراری شاید دلواپس شوند؛ بعید نیست والدین فمینیست نگران شوند که افسانه‌های جن و پری به شیوه گذشته باعث شود دختر آن‌ها احساس بی‌ارزش کرده یا پسر آنان را گستاخ بار بیاورد. ولی اگر ما یاد بگیریم شیوه‌ای را درک کنیم که کودکان خیال‌پردازی را به کار می‌گیرند می‌تواند ابزاری نیرومند و خوشایندی برای ارتباط باشد.

یک‌بار نیم ساعتی را صرف تماشای دو دختر کوچکی کردم که سفیدبرفی را بازی می‌کردند. اگر آن‌ها به صدای بلند داستان را تکرار نمی‌کردند شاید متوجه نمی‌شدم که سفیدبرفی داستان مورد نظر آنان است چون آن‌ها تنها یک صحنه را بارها و بارها تکرار می‌کردند - صحنه زنده شدن سفیدبرفی. بچه‌ها از همهی جزییاتی که بزرگ‌ترها را دلواپس می‌کرد، چشم‌پوشی کرده بودند: نامادری شرور به هیچ رو مانند مادر دوست‌داشتنی خودشان نبود و شاهزاده شباهتی با پسر بچه‌هایی ژولیده نداشت که با هم بازی می‌کردند. ولی مانند بسیاری از بچه‌های چهارساله درباره مرگ چیزهایی یاد گرفته و بازی آن‌ها احساسی را آشکار می‌ساخت

بخش پنجم: عناصر یک زندگی باارزش

که با بسیاری از بزرگسالانی شریک بودند چون آرزوی وارونه ساختن مرگ به هر صورتی را داشتند.

بعدها که در خانواده مرگی رخ داد و ما سوگوار شدیم، من و دخترم داستان بودا و دانه‌ی خردل را بازی کردیم؛ در هنگام دیگری ما داستان خودمان را درباره تناسخ سرودیم. خانواده دیگری شاید خواندن داستان‌هایی درباره دیدگاه‌های متفاوتی از زندگی پس از مرگ را برگزینند: والهالا^{۱۰} با بهشت مسیحیان متفاوت است. کسان دیگری شاید گفتن داستان دیمتر و پرسفون^{۱۱} را برگزینند. از سوی دیگر کودک چه دختر چه پسر با شنیدن این داستان روزی میان این داستان و داستان ابراهیم و اسحاق مقایسه خواهد کرد. داستان‌سرایی و گفتن داستان هر دو کودکان را برای به کار گرفتن خیال‌پردازی و ارتباط خود تشویق می‌کند چون خیال‌بافی یک فعالیت ارزشمند است. از سوی دیگر هم افسانه و هم داستان‌های تمثیلی را در نظر بگیرید؛ کودکی که با این افسانه‌ها بازی کرده سپس دوستان خیالی را از دست داده و درباره ارواح خیالی در فرهنگ دیگر می‌خواند آسیب‌پذیری کمتری در برابر فرشته یا بیگانه‌ها دارند.

کودکی که در ابرها و در قطعات شکوفه (پاپ کورن) در جستجوی شکل جانوران است در حال آماده شدن برای درک این هستند که چگونه افرادی تصور می‌کنند که مریم را در روی نقاط برشته شده‌ای بر نان ذرت دیده - که بعید نیست الهام‌بخش تصاویر هنرمندانه سطح بالایی نیز بشود.

آرزو نوع دیگری از خیال‌پردازی است که بر واقعیت تأثیر می‌گذارد. کودکانی که گمان می‌کنند برادر یا خواهر هم هستند اغلب دوستی‌هایی را برای همه‌ی عمر شکل می‌دهند.

به عنوان بزرگسال ما نیز به رؤیا و خیال‌های روزمره ادامه می‌دهیم. گاهی این خیال‌ها تنها خوشی ماست و تا هنگامی که حواس ما را از فعالیت برای بهتر ساختن وضعیت ما پرت نکرده رؤیا یک کنش روانی برگشتی است. با این حال رؤیا و خیالی که مهار نشده (مانند اشتیاق شدید سیاسی و شفا) به طور کلی به عنوان بیچگی کنار گذاشته می‌شود. از همه این گذشته

10. Valhalla

11. Demeter and Persephone

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

خیال به خودی خود لذت‌بخش است و چیزهایی که ما انسان‌ها درباره آن‌ها خیال‌پردازی می‌کنیم قدرت، ثروت، عشق و عشق‌بازی است - لذت‌های ارزشمند انسانی که توسط سنت‌های ظالمانه‌ی دینی مورد هجوم قرار گرفته است.

از سوی دیگر خیال‌پردازی تغذیه‌کننده‌ی ظرفیت امید است. امید بسیار متفاوت از ایمان است. امیدوارم بودن به معنای این نیست که وضعیت بهتر خواهد شد بلکه نداشتن حس بی‌ثباتی بوده با این منطق که شاید وضعیت رو به بهبود رفته و بر طبق آن عمل کردن است. با داشتن امید ما لحظاتی را شناسایی می‌کنیم که ما را نه تنها برای سازگار شدن با محیط بلکه جستجو، تشخیص و به دست آوردن فرصتی برای تغییر فرامی‌خواند.

جستجوی فرصت به معنای آغاز کردن با کنشی از تخیل است که تنها با اراده و پیکاری منطقی با آمیختن و تلفیق همه نیروهای بالقوه انسانی می‌تواند به سرانجام برسد.

پس منتظر درخواست بچه‌های خود ننماید. لذت ببرید با دیدن اینکه چه روی می‌دهد وقتی که بگویید، «خوب بیاید تصور کنیم که.»



کتاب کار

آفریدن زندگانی پرمعنا نه موضوعی چند روزه بلکه طلبی در سراسر زندگانی است - و چیزی نیست که یک بعد از ظهر بارانی ناگهانی وارد زندگانی شخص بشود. از سوی دیگر راه‌های کلی بی‌شمار دیگری وجود دارد که می‌توانیم در خانواده‌ی خود کارآفرینی خلاق به همراه معنادار بودن را اشاعه بدهیم. این بخش شمار اندکی از اندیشه و حدس‌هایی را پیش می‌کشد که برای ساختن فعالیت‌های معنادار به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از زندگانی خانوادگی کاربرد دارد.

لذتی ساده

بدون محدودیت سنی

پرمعناترین و درگیرسازترین فعالیت‌ها اغلب ساده‌ترین فعالیت‌هاست: کایت‌های پرنده، قدم زدن در جنگل، رفتن به تماشای آکواریوم. بزرگ‌ترین مانع بر سر راه خوشی‌های ساده زندگی برنامه‌های سخت‌گیرانه است. از فعالیت‌های روزمره عادی بکاهید. زمان‌های بدون برنامه‌ریزی در جدول هفتگی خود قرار دهید. کار را به بازی تبدیل کرده و زمان‌های انتظار را به زمان بازی با کلمات، بازی یافتن شباهت‌ها، داستان‌گویی تبدیل کنید.

منابع بزرگ برای بازهای زمان انتظار: بخش یک از کتاب سوزان پری^{۱۲} به نام زیرکانه بازی

کنید: راهنمای خانواده به فعالیت‌های آموزنده‌ی پرمایه غیرعادی برای سنین ۱۴-۱۶ سال^{۱۳}.

بچه‌های خود را درگیر فعالیت‌هایی کنید که همه حس‌های آن‌ها را به کار می‌گیرد - حس‌های سنتی لامسه، چشایی، بویایی، بینایی و شنوایی هم چنین جنبشی (موقعیت بدن در فضا - حسی که شنا کردن یا تنها دویدن دایره‌وار را لذت‌بخش می‌سازد). از هر دو حالت وضعیت فعال و وضعیت منفعل لذت ببرید - برای نمونه گوش کردن به موسیقی یا ترانه خواندن.

منبع بزرگ برای بازی حواس: بخش سوم از کتاب سوزان پری به نام زیرکانه بازی کنید:

راهنمای خانواده به فعالیت‌های آموزنده‌ی پرمایه غیرعادی برای سنین ۱۴-۱۶ سال.

12. Susan Perry

13. Playing Smart: The Family Guide to Enriching, Offbeat Learning Activities for Ages 4-

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

با انتخاب زمانی که کودکان شما پرنرژی بوده و آماده آزمودن فعالیت‌های نو هستند چیزهای آشنا و تازه را با هم بیاموزید. این را سنت خانواده ساخته که دست کم هفته یک بار حسی نویی را بیازمایند - گلف مینیاتوری، کاروکه، یک میوه ناشناخته که تا کنون مزه آن را نچشیده‌اید. این کارها را بر اساس دوست داشتن‌ها و دوست‌نداشتن‌های کودکان خود بنا کنید. برای نمونه یک فرد «بدخوراک» می‌تواند از مزه مزه کردن با چشمان بسته لذت ببرد. آیا کودکان شما به راستی تفاوت مزه میان رنگ‌های متفاوت آب‌نبات‌های شکلاتی کوچک^{۱۴} را چشیده است؟ تفاوت مزه پوره هویج با هویج کوبیده را چگونه؟ آواز خواندن به همراه هم شاید به کودکی ماهر در گفتار کمک کند تا کلمات طنزآمیز با لحن آشنا بسازد یا دادن ابزار و آلات موسیقی به کودکی که ملودی برایش جالب‌تر است شاید به تشویق به نواختن موسیقی تازه بشود.

تشویق به فعالیت‌های تچان

بدون محدودیت سنی

برای کودکان به زبان عامیانه و ساده درباره تچان گفتگو کرده تا ارزش آن را درک کرده و تشخیص دهند. برای نمونه بارها پیش می‌آید که یکی از اعضای خانواده بگوید «اگر می‌شود بعد صحبت کنیم؟ اکنون در حال تمرکز هستم.» افزون بر این شما می‌توانید الگو لذت بردن از چالش را با گفته‌هایی مانند، «جالب بود! من باید به سختی می‌کوشیدم تا برقرار کردن تعادل روی یک چرخ را تصور کنم.» منابع بزرگ برای تشویق به تچان: برگه ۱-۴ از زیرکانه بازی کنیم.

تشویق مثبت به گرایش به سوی رشد و یادگیری

پدر و مادران

چندین ویدئو تربیتی هاف فول (Half Full) را در وبسایت آن به نشانی (<http://peacecenter.berkeley.edu/tools.html>) مانند «Effort, Not

14. M&Ms

بخش پنجم: عناصر یک زندگی باارزش

Fostering Growth» و «Achievement» «Embracing Kids' Failure Mindsets» را ببینید. درباره آموزه‌های این فیلم‌ها با شریک تربیتی خود گفتگو کنید. باهم به توافق برسید که چه موقع یک کنش اشتباه بچه باید به‌عنوان فرصتی برای رشد و چه موقع به معنای نیاز کودک به یاری شدن است.

زمانی که اشتباهی می‌کنید یک الگوی صادقانه و همیشگی از آن برای یادگیری بسازید. در چنین موقعیتی طنز یا درس بیابید. برای مثال، «په، شکر را بیرون از لیوان آب‌لیمو ریختم. چقدر گیجی؟ بچه گمان می‌کنید دفعه دیگر باید با لیموترش امتحان کنم؟» یا پس از اینکه اسباب‌خانه را به وسیله یک جعبه ابزار سر هم کردید، «خوب تعجب ندارد که صندلی یک‌ووری شده است. من دستورات صفحه شش را ندیدم. دفعه بعد پیش از اجرای یک پروژه نخست به دستور عمل آن نگاه می‌کنم.»

تأیید پرسشنامه‌ی نیرومندی و قدرت

سنین ۱۸-۱۵ سال

بچه‌های زیر سیزده‌ساله و نوجوان‌ها از پرسشنامه‌ای لذت می‌برند که برای ارائه اطلاعات بیشتر از خودشان طراحی شده باشد. آن‌ها را تشویق به پر کردن پرسشنامه «شادی واقعی» وبسایت «امضای قدرت» (Signature Strengths) نمایند. بعید نیست که گفتگو پیرامون پرسش‌های آن با بچه‌ها برای شما نیز جالب بوده یا حتی آن‌ها را با هم یکجا گرد آورده و یادداشت‌ها را با هم مقایسه کنید ولی مواظب باشید که بسیاری از نوجوان‌ها شاید ترجیح دهند با همسالان خویش درباره آن گفتگو داشته باشد- این دیگر در محدوده نوجوان بودن قرار می‌گیرد. باری هر جور که پیش رود پر کردن پرسشنامه درها را برای اندیشیدن باز می‌کند.

درباره دریچه‌ای که نتایج پرسشنامه‌ای نیرومندی بر روی شخصیت و روابط شما باز کرده گفتگو کنید: برای نمونه، «تعجب ندارد که شما بچه‌ها چرا مداوم از من پرسش می‌پرسید! کنجکاوای یکی از قدرت‌های کلیدی شماست.»

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

به عنوان یک خانواده یک ویژگی قدرت و نیرومندی را برگزیده و یک ماه بر روی آن کار کنید. برای نمونه تمرین‌های در بخش «مواظبت» کتاب از چه هدفی دفاع می‌کنید؟^{۱۵} را انجام دهید. یا با کنار گذاشتن زمانی از روز برای هر یک از اعضای خانواده و درباره «سه چیز خوبی که برای من رخ داده» گفتگو کرده و بدین صورت سپاس و قدردانی خوب از چیزهای خوب زندگی را افزایش دهید. (این تمرین بر اساس یافته‌های پژوهشی است که انسان‌هایی که «خاطرات سپاسگزاری» را به یاد می‌سپارند، سپاس و شادی خود از زندگی را افزایش می‌دهند.)

یک پرسشنامه عالی دیگر: باربارا لوئیس^{۱۶}، از چه هدفی دفاع می‌کنید؟ راهنمایی برای کودکان در ساختن شخصیت (برگه ۷).

اندیشیدن درباره دوستی

بچه‌های کوچک

به کودکان خود برای رشد «هوش هیجانی» درباره خودشان و دیگران کمک کنید. از احساسات آشکار افراد و شخصیت‌های پیرامون خود به صورت داستان گفتگو کنید. «جویی گریه می‌کند؛ حتماً دلش گرفته است.» «گمان می‌کنی چرا ماریا می‌خندد؟» نظر خود را در برابر احساسات کودک ابراز کرده و بچه را تشویق کنید که احساس خودش را ابراز کند. برای توضیح احساسات پیچیده واژه‌های ساده را به کار ببرید؛ برای نمونه، زمانی که دختر سه‌ساله‌ی من احساس دو جنبه‌ای می‌کرد من به او می‌گفتم که گویا «احساسات قاتی» شده است. هم چنین با تفسیر از احساساتی که در پشت گفتار یا کردار خوابیده، باب گفتگو را باز نگه دارید. برای مثال اگر بچه گفت «از تو نفرت دارم!» پاسخ دهید «اووه، تو عاشق من هستی، نیستی؟» با بچه درباره اینکه دوست دارد با چه کسی بازی کند یا نکند گفتگو کرده و پرسید چرا. زمانی که بچه نمی‌خواهد با بچه دیگری بازی کند شاید مشکلی در میان باشد که شما

15. What Do You Stand For?

16. Barbara Lewis

بخش پنجم: عناصر یک زندگی با ارزش

بتوانید آن را حل کنید. ولی برخی از بچه‌ها به‌راستی ناهماهنگ با بقیه بچه‌ها بوده و باید به گزیده‌ها و انتخاب‌های آنان تا جای ممکن احترام گذاشت. گاهی بچه‌ها به شیوه‌های مختلف با دوستان متفاوت بازی می‌کنند و این تا زمانی طول می‌کشد که آن‌ها آن‌قدر بزرگ نیستند تا بتوانند تصویری از هم‌زیستی همه دوستان داشته باشند (برای نمونه بچه‌ی شما شاید احساس ناراحتی کند که دوستی که بی‌نظم و ترتیب بازی می‌کند را با دوستی کنار هم بیاورد که دقیق مانند داستان بازی کند). همه‌ی این موارد بر رشد حس هویت کودک تأثیر می‌گذارد.

مدرسه راهنمایی

این زمانی است که بسیاری از والدین می‌ترسند که بچه‌ها بشدت با فشار برای تأیید شدن تحریک شده باشند. کمابیش همیشه این موضوع درست است ولی به این سادگی‌ها نیز نیست. بچه‌ها تا حدودی دوستی را انتخاب می‌کنند تا هویت خود یا چیزی را تصور کرده که می‌خواهند باشند و به عنوان روند از مستقل‌تر شدن از خانواده است. دانستن توان ویژه کودک به والدین توان کمک کردن به کودک برای انتخاب دوستانی را می‌دهد که آن‌ها نیز هم چنین کنجکاو یا مهربان یا عاشق‌یادگیری باشند. به عبارت دیگر اگر افراد بسیار متفاوت برای بچه جالب هستند توجه‌ای با حساسیت بالا می‌خواهد تا کشف شود که آیا بچه در حال اکتشاف احتمالات تازه‌ای است که به شیوه‌ای که والدین پشتیبان او باشند یا در واقع تسلیم فشارهای ناسالم اجتماعی شده است.

اولف راهنمایی و دبیرستان

به نوجوان خود برای برگزیدن و انتخاب فعالیت‌های فوق‌برنامه کمک کنید که مطابق با توان ویژه شخصی اوست - برای نمونه اردوی دانش‌اندیشمندان انتقادی کنجکاو یا کارهای مناسب داوطلبانه برای یک بچه دست‌و‌دل‌باز مهربان.

خلاقیت و تخیل را تشویق کنید

بدون محدودیت سنی

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

در کنار کودکان خود از هنر لذت برده و هم چنین آن‌ها را تشویق کنید که تفریحی برای خود داشته باشند. چه فعال و چه منفعل در هر صورت از هنر لذت ببرید یعنی چه با خواندن یا نواختن و چه در جایگاه شنونده به هر صورت از آن لذت ببرید؛ هنرهای تجسمی و نقاشی کشیدن، رنگ آمیزی و از کوزه گری لذت ببرید. داستان بخوانید و خودتان نیز داستان درست کنید. با یادگرفتن از مواد تفریح کنید؛ کتاب‌های پیش‌دستانی با فعالیت‌های هنری دارای اندیشه‌های خوب فراوان هستند. حمام کردن با صابون «شمعی» را یک تفریح ساخته چون با شستشو از روی وان پاک می‌شود؛ اثر انگشت با مخلوط پودینگ؛ طبل زدن بر دیگ و قابلمه با قاشق‌های چوبی.

پیش از دادن یک درس رسمی و جدی به دقت ببینید. برخی از کودکان می‌خواهند بدون داشتن دستوری لذت ببرند در حالی که برخی دیگر دوست دارند به عنوان شیوه برای یاد گرفتن فن و مهارت تازه درس بگیرند.

بازی‌های نقش‌آفرین می‌تواند کودکان را برای یافتن دل انجام یک کنش ترسناک کمک کرده یا یک مهارت تازه را به آن‌ها یاد بدهد. برای نمونه، اطمینان به کودکی ۴ یا ۵ ساله در مسئولیت پاسخ دادن به تلفن، برای کودک بسیار هیجان‌انگیز است. با طرح این کار را انجام دهید:

یکی از والدین: زینگ! زینگ!

بچه: آلو. کیه؟

یکی از والدین: خانم ماتسومارا هست؟

بچه: الان می‌بینیم. می‌شود بگوید کی هستید؟

از خیال‌بافی‌های خنده‌دار داستان‌های کودکان الهام بگیرید. برای نمونه در کتاب اوی شگفت‌انگیز^{۱۷}، جمیز توربر^{۱۸} پیامدهای غدغن ساختن استفاده از کلمه او «O» را توسط شاهی به تصویر می‌کشد - موارد بسیاری به وجود می‌آید که یکی از آن‌ها این است اوفلیا اولیور

17. The Wonderful O

18. James Thurber

بخش پنجم: عناصر یک زندگی باارزش

(Ophelia Oliver) نمی‌خواهد نام خودش را بشنود! چه اتفاقی می‌افتاد اگر شاه تصمیم می‌گرفت حرف ای «A» را کنار بگذارد؟ اگر رودخانه به عقب برگردد؟ اگر انسان‌ها بتوانند مانند مگس روی سقف راه بروند (به ویژه زمانی که کلاه بر سردارند)؟

کمابیش همیشه متمایز ساختن واقعیت از خیال یک نگرانی عمومی در میان پدر و مادران انسان‌گراست. به یاد داشته باشید که تخیل جدی می‌تواند گام نخست به سوی هدفی شگفت‌انگیز باشد. شخص می‌تواند با کودک خود درباره تفاوت میان تصور شیوه ساختن شدن چیزی و روشی واقعی ساختن همان چیز گفتگو کند. افسانه‌های بسیاری درباره‌ی انسان‌هایی است که با تکان دادن بازوها پرواز کرده یا کوشیده با تقلید از بال پرندگان پرواز کنند. پس از این قصه‌ها داستان تجربیاتی است که سرانجام به اختراع هواپیما انجامیده و حتا پرواز با قدرت انسانی (و در حال حاضر «گوس مار کاندور»^{۱۹}) اصلی در بنیاد اسمیتسونین^{۲۰} به نمایش گذاشته شده و کتاب‌ها و دی‌وی‌دی درباره آن وجود دارد).

به خیال‌بافی‌های کودکان به عنوان راهی برای یادگیری درباره احساسات آنان گوش دهید. برای نمونه، در حالی که داشتن یک دوست خیالی شاید تنها یک بازی جذاب باشد از سوی دیگر شاید به معنای این است که کودک شما در جستجوی احتمال بیشتری برای بازی کردن با کودکان دیگر است.

منابع

شادی و تچان

شادی واقعی^{۲۱}

www.authentic happiness.com

19. Gossamer Condor

20. Smithsonian Institution

21. Authentic Happiness

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

وبسایتی که به وسیله کانون روان‌شناسی مثبت‌گرا^{۲۲} دانشگاه پنسیلوانیا به راه افتاده و نگهداری می‌شود، این وبسایت مواردی مانند ابزارهای خود-ارزیابی هم چون بررسی قدرت شخصیت برای بزرگسالان و پرسشنامه‌های کوتاه‌تر برای کودکان ده‌ساله و بزرگ‌تر برای کمک به تعیین توان شخصیت فردی آنان است. بچه‌های کوچک‌تر از ۱۳ سال باید توسط والدین ثبت‌نام شوند. چون گزارش‌های جالب پژوهشی در این سایت انباشته می‌شود بعید نیست بخواهید هر از گاهی سری به آن بزنید. حدس بزنید چه اندازه سودمند خواهد بود که بدانید نتیجه یک پروژه پژوهشی درباره روان‌شناسی مثبت‌گرا دانش آموزان نهم چیست. جنبه ویژه: مقالات نوشته شده از بن دین^{۲۳} درباره «ذهنیت باز»، «عشق یادگیری»، «ثبات قدم» و «درستی»^{۲۴} در خبرنامه آموزشی شادی واقعی.

کانون دانش خوب بزرگ‌تر: دانش تربیت کودکان شاد

www.greatergoodscience.org < سپس بر FOR PARENTS کلیک

کنید.

وابسته به دانشگاه کالیفرنیا، برکلی، این یک سایت پر بار، متنوع و گنجینه‌ای دست‌یافتنی از منابع برای پدران و مادران می‌باشد. این سایت بر «درک دانشیک و علمی شادی و مهربانی افراد، قوت پیوندهای اجتماعی و کردارهای نوع‌دوستانه» متمرکز است. ویدئوهای تربیتی، «نیمه‌پر» بلاگ تربیتی و مجله‌ی خوبی بزرگ‌تر شمار اندکی از هدایای سودمند این سایت است. جنبه ویژه: ویدئوهای جالب، جذاب واقع‌بینانه پیرامون تربیت کودکان شاد.

Seligman, Martin. *Authentic Happiness: Using the New Positive Psychology to Realize Your Potential for Lasting Fulfillment* (New York: Free Press, 2004).

یک بررسی کوتاه از پژوهش دانشیک و علمی درباره آنچه به راستی مردم را شاد می‌سازد شامل خودآزمایی‌های کوتاه و ابزارهای کاربردی برای استفاده در زندگی روزمره، خوش بودن با

22. Positive psychology

23. Ben Dean

24. "Open-Mindedness," "Love of Learning," "Persistence," and "Integrity"

بخش پنجم: عناصر یک زندگی باارزش

داستان رویدادهای روزمره و عادی. یک بخش درباره تربیت وجود دارد بنابراین شاید ترجیح دهید که این کتاب را از کتابخانه بگیرید (هر چند که بسیاری از ابزارهای مناسب بزرگسالان را می‌توان به کودکان پیشنهاد کرد).

Carter, Christine. "The Childhood Roots of Adult Happiness," a research report for the Greater Good Science Center at the University of California, Berkeley. http://peacecenter.berkeley.edu/research_families_carter.html.

این بخش بر اساس پژوهش‌های میدانی روان‌شناسی مثبت‌گرا نتیجه‌گیری کرده و این مقاله بخش‌هایی از یافته‌های آن را به طور کوتاه و فشرده بیان می‌کند. چون برای والدین نوشته شده به دسته‌بندی طبیعت و عوامل محیطی کمک کرده و پژوهشی را به طور خلاصه بیان می‌کند که چگونه می‌توانیم به کودکانمان برای تبدیل شدن به بزرگسالی شاد با مهارت‌هایی کمک کنیم که او را از زندگی راضی سازد.

Csikszentmihalyi, Mihaly. *Finding Flow: The Psychology of Engagement with Everyday Life* (New York: Basic Books, 1998).

پژوهش دقیق در رابطه با شادی.

خلاقیت

نوشتن با نویسندگان

www.teacher.scholastic.com/writewit

این وب‌سایت وابسته به کتاب‌های آموزشی بوده و شامل اندیشه و ایده‌های بسیاری برای نوشتن است (برای مثال، زندگینامه، نوشته‌های توصیفی، افسانه) و وب‌سایتی است که نوشته‌های کودکان را منتشر می‌سازد. **جنبه‌های ویژه:** یک «ماشین توفان مغزی» برای نوشتن افسانه. بر روی WRITING MYTHS سپس Myth Brainstorming Machine کلیک کنید.

Perry, Susan K. *Playing Smart: The Family Guide to Enriching, Offbeat Learning Activities for Ages 4–14*, revised ed. (Minneapolis: Free Spirit Publishing, 2001).

اکنون در سایت نویسنده www.bunnyape.com/other_books.htm در دسترس قرار گرفته است. من آرزو داشتم که در زمان بچگی کودکانم این کتب را داشتم؛ البته کاری

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

خواهم کرد که بدون شک در دسترس والدین نوه‌هایم قرار گیرد. کجا دیگر می‌توانید کتابی پیدا کنید که فهرستی از چندین کتاب از نویسندگان مشهور بزرگسال (مایا آنگلو، دیوید مامت، ایزاک باشیویس سینگر^{۲۵}) برای کودکان آمده باشد و بخش‌هایی برای تفریح در آشپزخانه، حیاط خلوت، در آرامستان و گورستان، بخشی درباره چگونگی یادگیری کودکان از روان‌شناسی خود و روان‌شناسی افراد دیگر. بدون شک کتابی است که زندگی را پربارتر می‌کند.

Gould, Roberta. *The Kids Multicultural Craft Book: 35 Crafts from Around the World* (Charlotte, VT: Williamson Publishing, 2004).

چرا این کتاب، آن هم وقتی که تعداد بی‌شماری از کتاب‌های هنری و کاردستی وجود دارد؟ آموزش‌ها دقیق و روشن بوده و اگر باید در سر کار بزرگسالی حضور داشته باشد به بچه‌ها آن را گوشزد می‌نماید؛ بسیاری از پروژه‌های تشریح شده در آن در واقعیت می‌تواند و مورد استفاده قرار خواهد گرفت (مانند لوازم موسیقی)؛ آموزه‌های بازیافت مواد به خوبی بررسی شده تا برای به یافتن کاربردهای بیشتر لوازم روزمره زندگی برای بچه‌ها الهام‌بخش باشد؛ افزون بر این‌ها جلایی از هیجان و انگیزه با داستان‌های افزوده شده توسط خانم نویسنده پیرامون چگونگی یادگیری کاردستی‌های مختلف به آن اضافه شده و هم چنین توضیحاتی پیرامون زمینه‌ی فرهنگی نویسنده نیز در آن وجود دارد. (در آغاز هر پروژه‌ای نقشه‌ای اضافی محل پیدایش کاردستی را در روی نقشه قاره اصلی نشان می‌دهد.)

شخصیت، اندیشه و چیزهای دیگر

Lewis, Barbara A. *What Do You Stand For? A Kid's Guide to Building Character* (Minneapolis: Free Spirit Publishing, 1998).

بچه‌های کوچک‌تر از ۱۳ سال و نوجوان‌ها از دادن آزمون‌های اطلاعات عمومی و پیمایش‌ها لذت می‌برند چون به آن‌ها کمک می‌کند خود را بهتر بشناسند. پیمایش آمده در برگه ۷ کتاب لوئیس باربارا در تشخیص قدرت اخلاقی کنونی و به جایی که خواهند رسید به بچه‌ها کمک

25. Maya Angelou, David Mamet, Isaac Bashevis Singer

بخش پنجم: عناصر یک زندگی باارزش

می‌کند. سپس بخش‌های بعدی پرسش‌های کاوشی و تمرین‌های کاربردی را برای کمک به کودکان برای رسیدن به انسان‌هایی پیش می‌کشد که می‌خواهند باشند.

Comte-Sponville, Andre. *The Little Book of Atheist Spirituality* (New York: Viking Adult, 2007).

یک کتاب جدید شگفت‌انگیز محرک اندیشیدن که به توضیح رایج‌ترین نگرانی‌ها جهانی افراد بی‌دین می‌پردازد.

Grayling, A.C. *The Meaning of Things: Applying Philosophy to Life* (London: Phoenix, New Ed edition, 2002).

در این کتاب یکی از نویسندگان بزرگ زنده به اکتشاف معنا از دیدگاه انسان‌گرایی می‌پردازد.

Winell, Marlene. *Leaving the Fold: A Guide for Former Fundamentalists and Others Leaving Their Religion* (Berkeley: Apocryphile Press, 2006).

این کتاب به عنوان راهنمایی برای افرادی که از بنیادگرایی دینی دست کشیده و در حال گذر از تغییرات بزرگ احساسی هستند و هم چنین برای کمک به پدر و مادرائی است که می‌خواهند کودکان خویش را به شیوه‌ای متفاوت از پرورش خود، بار بیاورند. این کتاب دارای تمرین‌ها کاربردی و فرصت‌هایی برای اندیشیدن است که می‌تواند به اشخاص برای تبدیل شدن به والدینی کمک کند که می‌خواهند باشند یا به کودکان رهنمودهای سودمندی ارائه نماید.

ویژه‌ی معنا و هدف: بخش ۱۳ «اکنون زندگی کن» (به ویژه قسمت‌های مربوط به لذت و شوخ‌طبعی)؛ بخش ۱۴ «به جای خود بیندیش»؛ و بخش ۱۵ «گزینش و خلاقیت».

یادداشت‌ها

1. Ecclesiastes 8:15 (King James version).

بله واقعاً همین طور است! چه گفته انسان گرایانه‌ای! جای شگفتی ندارد که مفسران اشاره

کرده که کتاب جامعه بسیار متفاوت از بقیه بخش‌های کتاب مقدس است.

2. Russell, Bertrand. Quoted at www.wisdomquotes.com (WQ), a reliable source maintained by Ethical Culture Leader Jone Johnson. Accessed March 4, 2008.

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

3. Roosevelt, Franklin D. First Inaugural Address. Saturday, March 4, 1933.
 4. George Sand.
 5. Ingersoll, Robert G., in the course of a discussion on The Limits of Toleration (1888). For the full text of this statement by the “Great Agnostic” of the 19th century, www.secularweb.org. Accessed March 4, 2008.
 6. Helen Keller. Wisdom Quotes. www.wisdomquotes.com
- ۷- روشی که این پژوهشگران در روش نمونه‌گیری تجربه^{۲۶} (ESM) که در آن هر یک از آزمایش‌شوندگان یک دفترچه یادداشتی با خود نگه داشته که در آن فعالیت‌ها و حالت خود را در هنگام انجام آن فعالیت‌ها در فهرستی پر جزئیات تهیه‌شده توسط پژوهشگران وارد می‌کردند. ده‌ها هزار تن از مردم در انجام چنین مطالعاتی شرکت داشته‌اند که به نوبه خود تبدیل به پایه‌های پژوهش‌های دانشیک و علمی بی‌شماری گشته است.
8. Csikszentmihalyi, Mihaly. Finding Flow: The Psychology of Engagement with Everyday Life (New York: Basic Books, 1998), pp. 28–29. Other aspects of this discussion have been taken from pp. 23–34. See also “Flow vs. its opposite” (www.daddy-dialectic.blogspot.com/2007/01/flow-vs-its-opposite.html) and “Outside Room 15” (www.greatergoodscience.blogspot.com/2007/01/outside-room-15-chocolate-ice-cream-vs.html#links) for two brilliant blog excursions on flow. Both sites accessed April 28, 2008.
 9. For example, Dweck, C.S., & Kamins, M.L. Person versus process, praise and criticism: Implications for contingent self-worth and coping, *Developmental Psychology*, 35(3) (1999), 835–847; and Dweck, C.S., & Kamins, M.L. Praise for intelligence can undermine children’s motivation and performance, *Journal of Personality and Social Psychology*, 75(1) (1998), 41. These and similar research results are described at http://greatergood.berkeley.edu/half_full/?p=49. Accessed April 28, 2008.

26. The Experience-Sampling Method (ESM)

10. Peterson, C., and Seligman, M., *Character Strengths and Virtues, A Handbook and Classification* (New York: Oxford University Press, 2004). This is the academic text. A list of the “twenty-four strengths” is at www.viastrengths.org, along with a brief summary of how the classification was developed and how it is used in research. Accessed May 4, 2008.
 11. Park, N., Peterson, C., & Seligman, M.E.P., *Strengths of character and wellbeing among youth*. Unpublished manuscript, University of Rhode Island, 2005. Abstract accessed May 4, 2008, from www.viastrengths.org/Research/Abstracts/tabid/63/Default.aspx
 12. “History of the [VIA] Classification and Survey.” Accessed May 4, 2008, from www.viastrengths.org/AboutVIA/ClassificationOverview/tabid/66/Default.aspx
 13. According to a research overview at www.viastrengths.org/Research/tabid/57/Default.aspx, “Much of the early research... [on] the association between character strengths and life... point[s] in particular to the strengths of love, hope, gratitude, curiosity, and zest as robust contributors.” (This overview includes citations of scholarly literature). Site accessed May 4, 2008.
- ۱۴- «یک پژوهش با بیش از ۴۰۰۰ آزمایش شونده روشن ساخت که پنج نقطه اصلی قوت -
قدردانی، خوش بینی، شور و اشتیاق، کنجکاوی و توان عشق ورزیدن و معشوق بودن -
نسبت به نقاط قوت دیگر رابطه نزدیک تر و همبستگی پایدارتری با رضایت از زندگی دارد.»
- Dean, Ben, PhD, “The Five Key Strengths” adapted from the *Authentic Happiness Newsletter*, 2(7), and posted at www.viastrengths.org/VIAClassification/MoreOnStrengths/FiveKeyStrengths/tabid/116/Default.aspx. Note that these lists of key strengths are overlapping, but not identical. Accessed May 4, 2008.
15. Csikszentmihalyi points out that, “The most positive experiences people report are usually those with friends. This is especially true for adolescents...” (p. 81). He continues on pp.

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

85–88 to discuss how friendship has become an important part of modern family life, and how friendships within the family work differently from friendships outside the family.

بزرگداشت زندگانی

جن دور

جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم گویا همیشه لبریز از امور بسیار جدی است. خبرهای بد و ناخوشایند، قوانین خشن برای کودکان («در مرکز خرید از جلوی چشمم دور نشوی وگرنه دزد می‌برد!») و چهره‌های عبوس. آموزگاران، والدین و مربیان پیوسته به کودکان می‌گویند «جدی باش!» هر شخصی که انگشت بر او گذاشته می‌شود باید دانش‌آموزی جدی، کارگر جدی، موسیقی‌دانی جدی یا ورزشکاری جدی باشد تا بتواند پیشرفت کند.

در واقع مسائل فراوانی وجود دارد: از نگرانی‌های اقتصادی و خشونت و بی‌عدالتی گرفته تا مشکلات فقر، قحطی و جنگ که گویا غیرقابل مهار است. دلیل درگیر شدن افراد بدون دین در بسیاری از مسائل اجتماعی و شهروندی نیز همین است: ما دریافته‌ایم که کوشش کنونی و این جهانی ما تیری است که برای بهتر ساختن این جهان پرتاب می‌شود. کارهای بسیاری هست که باید انجام شود، موضوعات بسیاری هست که باید بر روی آن‌ها کار شود، مسائل بسیاری هست که باید درباره آن‌ها بیندیشیم و گفتگو کنیم.

ولی چون ما بیش از یک بار طعم زندگی را نمی‌چشیم، خواه ناخواه کودکان ما نیز تنها یک بار دوره‌ی کودکی دارند. پس عذاب‌آور است که بگذاریم چهره‌ی خشن و جدی مسائل خوشی‌های دل‌انگیز زنده بودن را نابود کند. بنابراین چگونه می‌توانیم تجربیات کودکان از جهان

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

را سبک بار کنیم؟ چگونه به آن‌ها جرعه‌هایی از امید، شادی و هیجان بدهیم، احساسی که بزرگ شدن ماجراجویی پر از معنا بوده و سبک بار است؟ چگونه می‌توانم به آن‌ها احساسی از خانواده و پیوستگی زمان بدهم؟ یکی از شیوه‌ی بسیار کارآمد از طریق مراسم، جشن و روزهای تعطیلی است.

مراسم چیزی است که شما بارها تکرار می‌کنید. مراسم احساسی از ادامه یافتن را برای خانواده شما و زندگانی شما فراهم می‌آورد. اعیاد فرصتی برای برگزاری پارتی است! می‌توان مراسم و جشن را با هم آمیخت، حرفی در این نیست. جشن تولد یک نمونه عالی برای مثال زدن است. مراسم از سالی به سال دیگر متفاوت است ولی اغلب دربرگیرنده‌ی برخی از عناصر سنتی نیز بوده و مانند رشته‌های طلایی هر جشن منفردی را با کسانی پیوند می‌دهد که آن را از سر می‌گذارند. بعید نیست که والدین به دلخواه شعرهایی را درباره تولد شخص بخوانند که خود سروده‌اند. شاید هم آخرین روز مدرسه را در خانه خاله مگی سر کنید.

تعطیلاتی‌های عید جشن‌های فرهنگی مذهبی هستند که کمابیش سالی یک مرتبه رخ می‌دهند - و اغلب به معنای دور بودن از مدرسه برای از یک روز یا چند وقت است! این تعطیلاتی‌ها هم شامل تعطیلات مذهبی و هم شامل تعطیلات غیرمذهبی می‌شود هم چنین تعطیلات مذهبی با آب و تاب‌های به طور کامل شکل داده‌ی شده سکولار مانند عید پاک و کریسمس.

همین موضوع است که به عنوان والدین بی‌دین ما را به کانون خود می‌کشاند. اندیشه نشانه‌های سکولاری هم راستا با تعطیلات مذهبی کلیدی برای افراد بدون دین برای تجربه کردن جشن‌های مذهبی است. این موضوع که بیشتر تعطیلات ریشه‌های مذهبی دارد حتا آن‌هایی که ما به آن به طور کامل هم چون تعطیلاتی سکولار نگاه می‌کنیم نباید مابه شگفتی شود چون مذهب سالنامه و ضرب‌آهنگ سال را برای سده‌های بسیاری کنترل می‌کرده است. از همه‌ی

بخش پنجم: عناصر یک زندگی با ارزش

این‌ها گذشته هم روز ولنتاین^۱ و هم روز حضرت پاتریک^۲ در اصل روزهای روزه‌داری امامان بوده است. آیا این باید مانعی برای تجربه کردن ما از عشق و خوش گذرانی^۳ بشود؟ پدر و مادران بی‌دین به این طریق یا به روش‌های دیگری بایستی با تعطیلات مذهبی کنار بیایند. بچه‌ها دوست ندارند که احساس ناهم‌رنگی با اکثریت دوستان خود داشته باشند که جشن می‌گیرند، جشن‌هایی مانند عید پاک یا کریسمس. پدر و مادری نباشید که بچه‌ها را ناچار سازید به جای «عید پاک مبارک» بگویند «بهار مبارک». به جای به رسمیت نشناختن تعطیلات مذهبی، آن را از آن خود کنید. بسیاری از ما در زمان کودکی پیش از آنکه حتا بدانیم عیسایی در کار است کریسمس را جشن می‌گرفتیم! به فراتر از شالوده‌های مذهبی هر جشنی بنگرید به معنای انسانی که آن را در برگرفته به نیازهای انسانی که این جشن‌ها برآورده می‌سازند. سخاوت، مهربانی، صلح در روی زمین، بی‌همتا بودن هر بچه - این‌ها ارزش‌هایی است که منحصر به دین نیست!

جنبش نوین شگفت‌انگیزی به نام کریسمس^۴ که همه‌ی جنبه‌های شور، خمیره و شیرینی کریسمس را دارد ولی بر کریس (کارینگل)^۵ و گشاده‌دستی وی تکیه دارد. بسیاری از خانواده‌های سکولار آن را راهکاری عالی برای این جشن ویژه یافته و با فریادهای «مری کریسمس» از صمیم دل برای دوستان و همسایگان خجسته بودن آن را آرزو می‌کنند. این بخش شامل پیشنهادها فراوانی پیرامون چگونگی چهارچوب بندی دوباره جشن‌ها با نگاهی سکولارتر است. هم چنین جشن‌هایی مانند چهارم جولای (۱۳ تیر) روز زمین و روز شکرگزاری فرصت‌های خوبی برای دعوت خویشاوندان مذهبی به جشنی است که هنوز در زیر کوهی از توقعات مذهبی دفن نشده است.

-
1. Valentine's Day
 2. St. Patrick's Day
 3. Irishness
 4. Krismas
 5. Kris (Kringel)

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

جشن‌های نوآورانه‌ی تکلیف و یادبود راه‌های معناداری برای پذیرش و اعلام بالغ شدن کودکان است. چنین مراسم‌هایی می‌تواند تأیید حرکت میان سطوح مدرسه باشد - مهدکودک به کودکان، راهنمایی به دبیرستان و غیره - یا راهی برای یادآوری شخص درگذشته.

بابانوئل‌شناسی^۶

مادربزرگ: آه نگاه کنید یکی دیگر هم هست: «برای دولینی، از طرف بابانوئل!»
دولینی (۵ ساله): ای، هه‌هه‌هه! (صدای ملایمی در آورد) ای که‌ای پیژامه نو!! با عکس
توله‌سگ!!

مادربزرگ: خوب حالا اگر اندازه نبود می‌شود عوض کرد. من قبض رسیدش را دارم.
دولینی، با ابروهای درهم کشیده: منظورتان چیه که رسیدش را دارید؟ رسیدش دست شما
چکار می‌کند؟

مادربزرگ: خوب، منظورم... خوب بابانوئل رسیده‌ها را کنار کادوها گذاشته بود.

دولینی، با همان ابروها درهم کشیده: آهان.

کانر (۱۱ ساله): لینی مواظب باش. اگر به بابانوئل اعتقاد نداشته باشی حتا برای یک دقیقه،
به جدای هدیه کریسمس زغال گیرت می‌آید.

دولینی: نه، این طور نیست.

کانر: خوب، بهتر که شک نکنی فقط برای احتیاط شاید درست باشد!

دولینی: من فکر کنم برای بابانوئل بیشتر خوب بودن من مهم است تا اینکه به او اعتقاد داشته
باشم.

این همه‌ی گفتگوی سراسر تاریخ دین در ۱۵ ثانیه انجام گرفت. آن را دوباره بخوانید «خدا»
را به جای «بابانوئل» بگذارید و به جای «زغال» «سوختن در جهنم» را جایگزین کنید.

برای حس بهتری از آن کانر را با بلیز پاسکال و دولینی را با ولتر جایگزین کنید.

- دیل مک‌گاون، از وبلاگ معنای زندگانی



برخی از مادران می‌خواهند بلوغ یک دختر را آغاز قاعدگی وی دانسته درحالی‌که برخی از پدر و مادران دیگر پانزده یا شانزدهمین سال روز تولد را به عنوان این نشانه در نظر می‌گیرند. نباید برپایی یک مراسم جشن تکلیف، کار دشواری دیده شود - تنها یک امر معنادار است! همه‌ی آنچه نیاز است یک جور به رسمیت شناختن رخداد مهمی در زندگی بچه است. اگر کمی کوشش به خرج دهید تا چنین مراسمی را برای آن‌ها شخصی شود، بدون شک واکنش بچه‌ها به مراسم تکلیف شما را نومی‌د نخواهد ساخت. سخنی شخصی مناسب و بجایی که در این مراسم گفته شود برای همیشه برای در یاد کودکان شما خواهد ماند. یک هدیه دست‌ساز نشان می‌دهد که برپایی این مراسم چقدر دقت و اهمیت داشته است. تهیه شام مورد علاقه بچه و چند کلمه سخن یک شام خانوادگی را به یک مراسم ساده جشن تکلیف تبدیل می‌کند! به رسمیت شناختن این پیشرفت مهم است نه هدیه‌های داده شده.

این بخش به شما در یافتن رهیافتی برای برخی از موقعیت‌ها کمک کند که شاید در جشن‌ها و تعطیلات در جامعه و شاید خویشاوندان از لحاظ مذهبی متنوع ما پیش آید. این بخش منابعی را برای خانواده‌های بی‌دین فراهم می‌کند تا مراسم، جشن‌ها و تعطیلات معنادار خویش را ساخته و فعالیت‌هایی را پیشنهاد می‌کند که می‌تواند برای خانواده‌های بدون دین خاطره و بازی و تفریح فراهم کند. خانواده‌های بدون دین دارای فرصت‌های بسیاری برای برقرار ساختن زمان‌های ویژه با معنای ویژه برای خانواده‌های خویش هستند.

پرسش و پاسخ

پرسش: زمانی که بچه بودم حال و هوای کریسمس و عید پاک را دوست داشتم ولی امروزه به عنوان یک بزرگ‌سال نمی‌خواهم که برای کودکان من این جشن‌ها پیرامون آموزه‌های مسیحیت باشد. آیا راهی است که بتوان بدون توجه به معنای مذهبی آن‌ها را برگزار کرده و هم چنین بدون اینکه تبدیل به جشنی سوداگرانه شود؟

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

پاسخ: راه‌های بی‌شماری برای بزرگداشت روزهای کریسمس و عید پاک است ولی بیشتر آن‌ها در جایی میان تشریفات مذهبی زاهدانه و فقط مصرف غیر قابل تحمل قرار می‌گیرد جشن گرفتن برای کریسمس به عنوان احتمال وجود هر بچه‌ای و عید پاک به عنوان تازه شدن روحیه انسان‌ها و زمین بدون شک راه کاری برای چهارچوب بندی این تعطیلات به شیوه‌ای غیرمذهبی است. وبسایت جالبی وجود دارد که پیشنهاد جشن گرفتن کریسمس را با عنوان کاریسمس و تعطیلات آن را نزدیک جشن کریس کرینگل تنظیم می‌کند. اطلاعات بیشتر در این باره را از نشانی <http://krismas.org> به دست آورید.

با توجه به گرمای روحیه و اجتماع انسانی، تازه شدن امید و فعالیت‌های خوشایند در چنین روزی بسیاری از ما این جشن‌ها را از گام نخست به شیوه سکولار برگزار می‌کنیم. وبسایت www.tetrakatus.org فهرستی از دوازده روز کریسمس سکولار را ارائه داده است. این روزها شامل انقلاب زمستانی، نور انسان، کاریسمس، تردی، هفته جهان، روز بکس، کوانزا و نوروزها^۷. کتاب تربیت فارغ از اصول دین دربرگیرنده بخش‌هایی مانند «برای خرگوش عید پاک یا نه برای خرگوش عید پاک؟» و «پرس بابانوئل - آیا خانواده‌های سکولار باید بابانوئل را کنار بگذارند یا نه؟» است که به تنظیم دلیل یا خلاف آن برای بحثی می‌پردازد که سده‌ها ادامه دارد.

به دنبال کاری می‌گردید که بشود به طور گروهی در کریسمس یا بامداد عید پاک انجام داد؟ جماعت‌های جهان‌گرای توحیدگرا گزینه‌ای عالی است یا نهادهای مذهبی لیبرال مانند جامعه فرهنگ اخلاقی را امتحان کنید. از طرف دیگر در کمال شرم و دلخوری بنیادگرایان اشاره کرده که هیچ کمبودی در جشن‌های خانواده‌های بسیار سکولار در چنین روزهایی وجود

7. Winter Solstice, Human Light, Krismas, Crispness, World Week, Boxing Day, Kwanzaa, and New Years

بخش پنجم: عناصر یک زندگی با ارزش

ندارد از بزم‌های اسکی روی یخ در بامداد کریسمس گرفته تا قل دادن تخم‌مرغ^۸ و شکار تخم‌مرغ^۹. روزنامه محلی یا وبسایت اتاق بازرگانی را بررسی کنید.

پرسش: چگونه می‌توانم تشریفات خانوادگی شخصی برای ماه دسامبر (آذر-دی) را بسازم؟

پاسخ: ماه دسامبر ماه فرصت‌های احتمالی فراوانی برای تشریفات خانوادگی ارائه می‌دهد. چه چیز برای شما کشش و جاذبه دارد؟ شام خانوادگی در زیر نور شمع؟ شاید هم ساختن زنجیره‌ای تزئینی از کاغذ که هر روز یک دانه از آن کم شود تا بامداد کریسمس برسد یا به انقلاب زمستانی برسد؟ درباره ساختن تاج گل ظهور ویژه خودتان بنگرید به کتاب کار این بخش. آواز خواندن راه جالبی برای شادی بخشیدن به یک غروب تیره است. آیا دستور پختی در اختیار دارید که بتوانید نگه دارید و تنها در ماه دسامبر آن را بپزید؟ خودرو را بردارید و با خانواده برای تماشای چراغانی جشن بروید. نیازی نیست که تشریفات بسیار پیچیده باشد. کاری که تشریفات می‌کند گردآمدن خانواده برای یک هدف بوده و می‌تواند هر زمانی که بخواهید رخ دهد. دو بار آن را انجام دهید و تبدیل به یک سنت می‌شود!

پرسش: شب کریسمس همیشه در خانواده‌ی من با کوشش و تقلا همراه است. ما به خانه‌ی والدینم رفته و آن‌ها اصرار می‌کنند که برای مراسم نیایش دسته‌جمعی به کلیسای قدیمی خانوادگی برویم. من از آنجا خاطرات دارم که برایم چندان خوشایند نیست و از رفتن به آنجا بیزارم ولی رفتنم تنها به خاطر خشنودی والدینم است. آیا گمان می‌کنید که باید به این تظاهر ادامه بدهم؟

پاسخ: همکاری در برخی از مراسم‌های مذهبی - برای نمونه غسل تعمید و عشای ربانی - می‌تواند خاستگاه موضوعات جدی درباره هم‌رنگی با جماعت بوده و این پیام را آشکار سازد

8. Easter egg rolls

9. Egg hunts

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

که شما اندیشه‌های ویژه‌ی مذهبی (مانند گناه نخستین^{۱۰}) را تأیید می‌کنید درحالی‌که این‌طور نیست. ولی رفتن به کلیسای خانوادگی در شب کریسمس به سادگی دارای همان وزن نیست. شما پیش از این عدم مشارکت در دین خانواده را برگزیده‌اید که به خوبی گویا این موضوع است که دین برای شما دارای اعتبار و ارزشی نیست. پس ناچار نیستید که با رد همراهی با خانواده برای رفتن به کلیسا دوباره بر این موضوع تأکید نماید و رفتن می‌تواند نه به عنوان نشانه‌ی احترامی برای مذهب بلکه نشانه احترام شما به خانواده باشد.

من شاید به این روش برای کودکانم توضیح می‌دادم: «در حالی‌که من با آموزه‌های این مذهب موافق نیستم در واقع این موضوع را در نظر می‌گیرم که این مذهب برای پدربزرگ و مادربزرگ مهم است و به خاطر آن‌ها می‌روم. پس از انجام مراسم نیایش می‌توانیم درباره آن و احساس شما در این رابطه گفتگو کنیم. من توقع ندارم که در هنگام نماز شما زانورده یا سر خم کنید مگر اینکه خودتان دوست داشته باشید ولی هیچ‌کدام از ما نان و شراب عشای ربانی را بر نمی‌داریم چون به معنای این است که ما عضو این مذهب هستیم. من توقع دارم که آرام نشسته و احترام مردمی که آنجا آمده‌اند را نگه دارید.»

پرسش: خویشاوندان برای فرستادن کارت‌های تبریک و هدایای بسیار مذهبی در تولدها و جشن‌ها برای بچه‌های من پافشاری می‌کنند. این موضوع به راستی برای من ناراحت‌کننده است - ولی هیچ‌کسی نمی‌خواهد با حرکتی خشن کتاب تازه‌ی را از دستان بچه‌ای بیرون بکشد یا آن را نخواند! چگونه با این وضعیت کنار بیایم؟

پاسخ: گفتگو کردن درباره هدایای مذهبی پیش از رسیدن زمان آن‌ها، مهم است. منتظر ماندن تا زمان باز شدن یک هدیه مذهبی و سپس سخن ناساز زدن به سادگی درشتی و بی‌تربیتی را می‌آموزد. من ترجیح می‌دهم تا با اشخاص آورنده‌ی هدیه‌ها گفتگو کرده و بخواهم به خاطر لذت بردن همه از این موقعیت هدیه‌ای با سرشت سکولار هدیه بدهند. اگر شخص موافقت

10. Original sin گناه که باعث اخراج آدم و حوا از بهشت شد

بخش پنجم: عناصر یک زندگی با ارزش

نکرد راهی نمی‌ماند مگر گفتگوی پیش از رسیدن موعود جشن با بچه‌ها درباره افکار خود و هم چنین خیال دارم چگونه با این موضوع برخورد کنم. به همین ترتیب هرگز فراموش نمی‌کنم که پسر برای کریسمس یک تفنگ اسباب‌بازی بزرگ هدیه گرفت. اجازه داشتن چنین اسباب‌بازی‌هایی در خانه ما وجود ندارد. پسر به آن نگاه کرد و گفت، «مامان تو این چیزها را دوست نداری؟ دوست داری؟» در حالی که ناچار نبودم که اسباب‌بازی را از دست او خارج کنم احساس اطمینان کردم که ارزش‌هایم دور ریخته نشده و این موضوع شانس برای گفتگو میان ما پیش آورد. (پسر دو روزی با آن بازی کرد و سپس آن را کنار گذاشت و فراموشش کرد!)

پرسش: خانواده ما برای مراسم عشای ربانی دختر برادرم دعوت شد. به چشم دختر من این یک مهمانی بزرگ بود و او می‌خواهد بداند که نخستین عشای ربانی او کی خواهد بود! چه کار می‌توانم بکنم تا دخترم نیز احساس ویژه بودن داشته باشد؟

پاسخ: این شیوه درستی برای بیان پرسش است. بچه‌هایی که احساس حسادت به مراسم مذهبی هم‌سالان خود دارند اغلب طالب همان احساسات ویژه بودن نیز می‌شوند - چیزی که به هیچ وجه ضرورتی برای عهد وفاداری بستن با خدا یا حفظ آیات کتاب آسمانی را ایجاد نمی‌کند. نخستین عشای ربانی نمایشگر رسیدن بچه به مرحله‌ای است که مذهب کاتولیک آن را «سن تمیز بد و خوب»^{۱۱} می‌نامد. به طور سنتی نزدیک ۸ سال است و معتقدند که بچه به اندازه کافی بزرگ شده تا سرشت نان و شراب مقدس را درک کرده، برای ارتباط با عیسا آمادگی دارد و آماده بر عهده گرفتن مسئولیت شخصی برای گناهان خودش است.

بدون جر و بحث درباره (چون به شدت شک برانگیز است) این نکته‌های الهیاتی پدر و مادران می‌توانند رویدادهای انسان‌گرایانه‌ی همانندی را برای کودک برپا سازند - یک جور گام نخست یا مقدمه رسیدن به سن تکلیف سنتی ۱۳ سالگی.

11. age of reason

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

دوستان و خانواده خود را دعوت کنید تا برای یک رویداد به رسمیت شناختن در خانه‌ی شما آماده شوند. سخنرانی کوتاهی - برای نمونه ۱۰ دقیقه‌ای - تهیه کنید که توجه‌ها را به چگونگی رشد سریع و خوب دخترتان جلب کند. تعداد اندکی از اسلایدهای روزهای آغاز زندگی وی نشان دهید. از یک دوست، یکی از والدین و پدر بزرگ بخواهید هر یک درباره ارزش‌های ویژه دختر چند کلمه کوتاه بر زبان آورند. از دخترتان بخواهید شعری را از بر بخواند (یا دستاوردهای مشابه دیگری برای نشان شدن آن روز). با یک آواز به پایان ببرید سپس شام بیاورید!

می‌توان اندیشه‌ی همانندی را اقتباس کرده و برای انجام مراسم سن تکلیف در ۱۲ یا ۱۳ سالگی، مراسمی مناسب این سنین ساخت. در هر صورت شما مراسم شگفت‌انگیز بدون کتاب‌های مقدس و سخن گفتن درباره گناه ساخته‌اید که بچه شما همیشه به یاد خواهد آورد.

پرسش: آیا هیچ‌گونه مراسم سن تکلیف سکولاری وجود دارد که بتوانم به عنوان الگو و مدل آن را بررسی کنم؟

پاسخ: بله، در واقع وجود دارد. جامعه اخلاقی مکان خوبی برای آغاز است. جامعه اخلاقی سنت لوئیس در میسوری ۱۲ یک برنامه تکلیف پیشرفته دارد. کلاس‌های مدرسه یکشنبه هشت پایه‌ای آن‌ها به طور کامل مانند گذر به سن تکلیف از کودکی به بزرگ‌سالی تنظیم شده است. آن‌ها به پرسش‌هایی مانند «کی هستم و چه باوری دارم؟» می‌پردازند. (گفتگو درباره وجود خدا، گفتگو درباره واقعیت مرگ، واقعیت رنج و موضوعات دیگری در همین رابطه)، «از کجا آغاز کنیم؟» (کوششی مشترک میان دانش‌آموز و والد غیر هم‌جنس در ساختن انجمن و همکاری کردن)، «چه بر سر من خواهد آمد؟» (کارگاه گفت‌وگو والد-نوجوان که بر مسئولیت رابطه جنسی و آشنایی متمرکز است) «چگونه می‌توانم مایه به وجود آمدن تفاوت شوم؟»

بخش پنجم: عناصر یک زندگی باارزش

(همکاری گروهی در خدمت‌رسانی به جامعه) که با فرصتی برای هر دانش‌آموز برای سخنرانی در گردهمایی به پایان می‌رسد.

جای شگفت ندارد که اروپا در این رابطه بسیار جلوتر از امریکا قرار دارد. انجمن ملی انسان‌گرایی در انگلستان، آلمان و در سراسر اسکاندیناوی برنامه‌های سنگینی برای سن تکلیف تهیه و فراهم کرده که گاهی به آن‌ها با نام «تفید شهروندی»^{۱۳} اشاره می‌شود. توضیحات کوتاه شده عالی از این موارد که شامل پیوندهایی برای اطلاعات بیشتر است در ویکی‌پدیا به نشانی www.en.wikipedia.org/wiki/Secular_coming_of_age_ceremony قابل دسترسی است.

پرسش: خواهرزن من معتقد است که جشن هالوین معصیت است و اجازه نمی‌دهد که بچه‌های وی در این جشن کاری انجام دهند. این موضوع به راستی برای کودکان من مایه‌ی سردرگمی شده است. آیا گفته‌های وی هیچ پایه‌ی مشروعی دارد؟

پاسخ: بیشتر مسیحیان با اتکا بر اعتبار خویش در برابر چنین واکنش‌های ترس‌آلودی به هالوین شگفت‌زده می‌شوند ولی برخی از پیروان این دین هستند که به این جشن به چشم گونه‌ای از تجسم یا بزرگداشت شیطان نگاه می‌کنند. خود من شنیده‌ام که ادعا شده هالوین جشن تولد شیطان است - یک اندیشه به ویژه تعجب‌برانگیز چون اهریمن/شیطان در اصل فرشته است و بنابراین نباید زاده شده باشد بلکه باید آفریده شده باشد!

هم چنین این اندیشه نادرست در میان مسیحیان محافظه‌کار عمومیت دارد که خاستگاه هالوین در اصل برای ستایش «سوون»^{۱۴} خدای مرگ سلت‌ها است. «غیر از مشکلات بسیاری دیگری که در ارتباط با این عقیده وجود دارد یکی هم این است که هیچ یک از خدایان سلتی به نام سوون نبوده است.

13. Civil confirmations

14. Samhain

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

سلت‌ها^{۱۵} دو نوع فصل را مشخص کرده‌اند: تابستان (زندگی) و زمستان (مرگ). سوون (که سو-ان «sow-en») تلفظ شده و به معنای «پایان تابستان» است) نام ماهی است که مطابق با نوامبر (آبان-آذر) است. «روزه‌ی سوون» در ۳۱ اکتبر (۹ آبان) پایان تابستان و آخرین برداشت محصول را مشخص می‌نماید. در اسطوره‌شناسی سلت این به طور نمادین به عنوان مرگ یک خدا است که شش ماه بعد رستاخیز کرده و جشن بلتن^{۱۶} (۳۰ آوریل - ۱ می - ۲۹ و ۳۰ اردیبهشت) آن را مشخص می‌کند. بنابراین سوون درباره خدای مرگ نیست بلکه درباره مرگ یک خداست. (۲) از این رو هالوین ریشه در زمینه‌های اسطوره‌ای یکسانی با عید پاک مسیحیان دارد.

مانند روز مردگان مکزیکی‌ها سوون نیز به رسمیت شناختن پیوند و ارتباط میان زندگانی و مرگ است. مسیحیان محافظه‌کار با همانند و برابر شمردن مرگ با شر، خویش را از آن دور ساخته و از آن واهمه دارند.

در عوض پدر و مادران بی‌دین با پذیرش مرگ به عنوان بخش طبیعی از چرخه زندگانی، در خاستگاه این جشن کشش و جذابیت‌های بی‌شماری می‌یابند. سلت‌های باستانی معتقد بوده که در روز سوون مرز میان جهان زندگان و مردگان نازک‌تر شده و هم‌چنین گمان می‌کردند که ارواح نیاکان عزیز آن‌ها می‌توانند از این مرز گذشته و به میان زندگان بیایند. برای این ارواح سفرکرده در آستانه خانه‌ها خوراکی‌ها قرار داده می‌شد. (۳)

بچه‌ها از دیدن پوشش جامه‌های سنتی ارواح مانند و رفتن خانه به خانه برای رفتاری که تجسم این اندیشه سلت‌های باستانی برای به یاد داشتن و به خاطر آوردن افراد عزیز مرحوم شده، شیفته خواهند شد.

15. Celts

16. Beltane

بخش پنجم: عناصر یک زندگی باارزش

پرسش: من احساس می‌کنم که ارتباط ما با سیاره بیش از همیشه اهمیت یافته و دوست دارم تا این آگاهی را به درون مراسم‌های خانواده‌ام بیاورم. برخی از طرح‌هایی که بیشتر به بزرگداشت زمین می‌پردازد و ما می‌توانیم در آن همکاری کنیم کدامست؟

پاسخ: جشنواره ملی و جهانی یا بین‌المللی روز زمین (۲۲ آوریل - ۳ اردیبهشت) از هنگامی که نگرانی‌ها درباره گرمایش جنبه عمومی پیدا کرد اهمیت بیشتری برای آن در نظر گرفته می‌شود. امروزه عمومیت دارد که جوامع پروژه‌های و جشنواره‌های محیطی در روز زمین اجرا کنند. روزنامه محلی یا وبسایت‌های فهرست شده در پایان این بخش را برای فعالیت‌های روز زمین چک کنید.

هم چنین جوامع کافر تنها ۴ جشن چرخه‌ی خورشیدی را برگزار نمی‌کرده بلکه چهار جشنواره‌ی دیگری نیز داشته که مرتبط با چرخه‌ی کشاورزی است. این جشنواره‌ها عبارت است ایمبلک یا اویمیل^{۱۷} از یکم تا سوم فوریه (۱۲-۱۴ بهمن)، بلتان^{۱۸} ۳۰ آوریل - ۱ می (۱۰-۱۲ اردیبهشت)، لامس^{۱۹} ۳۱ جولای تا ۳ آگوست (۹-۱۲ مرداد) و سوون ۳۱ اکتبر (۹ آبان). (۴) برای اطلاع یافتن از اخبار کافران، ابزار فعالان و جنبه‌های بیشتر به گزارش بنیاد کافر به www.paganinstitute.org/PIR/contents.shtml مراجعه کنید.

پرسش: پس از مرگ پدرم بچه‌ها کسی را از دست داده که به آن‌ها نزدیک بود. آن‌ها می‌خواستند در مراسم خاک‌سپاری حضور یابند ولی می‌دانستم که این مراسم پر از پیام‌های مذهبی بوده و شاید آن‌ها را بترساند. آیا باید بچه‌ها را به مراسم ببرم؟ آیا می‌توانید شیوه‌ی جایگزینی را برای بزرگداشت پدر بزرگ مرحوم پیشنهاد بدهید؟

17. Imbolc or Oimele

18. Beltane

19. Lammas

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

پاسخ: بردن بچه‌ها به مراسم خاک‌سپاری یک تصمیم خانوادگی است که در صورت امکان باید نظرات بچه‌ها را نیز شامل بشود. هیچ محدودیت سنی در نظر گرفته نشده که پیش آن بچه‌ها نباید در مراسم خاک‌سپاری حاضر شوند - در واقع برخی از روان‌شناسان رشد به احتمال نقص اندیشه فرجام در کودکانی که به مراسم خاک‌سپاری نرفته، اشاره می‌کنند. اگر کودکان شما خواست خود را برای رفتن ابراز می‌کنند، آن‌ها را به مراسم ببرید - ولی درباره چیزهایی که خواهند دید و این مراسم برای چیست، پیشاپیش با آن‌ها گفتگو کنید. بیشتر از هر چیز به احساسات آن‌ها درباره مرگ، از دست رفتن و شخص مرده گوش دهید و درباره خودتان نیز گفتگو کنید.

به یاد داشته باشید که اجباری نیست که زنگی زنگ یا رومی روم باشید. یک بچه می‌تواند تصمیم بگیرد که در بخش‌های ویژه‌ای از نیاپیش شرکت کرده یا آن را بیازماید و اگر بچه احساس ناراحتی کرد می‌توانید از پیش نقشه‌ی آماده‌ای داشته باشید.

اگر تصمیم گرفتید که بچه‌ها به مراسم نیابند می‌توانید یک‌جور مراسم در خانه برگزار کنید. جایگاهی در خانه بسازید که تصاویری از شخص مرحوم نمایش داده شده و بچه‌ها بتوانند درباره خاطرات شیرین مرحوم سخن گفته داستان‌های خوشایندی را تعریف کرده یا شاید برای بزرگداشت وی شمعی روشن نمایند. می‌توانید خوراک مورد علاقه مرحوم را پخته یا فعالیتی که از آن لذت می‌برده را انجام دهید.

هم چنین این زمان می‌تواند زمان خوبی برای معرفی جشنواره روز مردگان باشد که هر سال در نیمه نخست نوامبر (۱۰ تا ۲۵ آبان) در مکزیک برگزار می‌شود. این جشنواره بر یادآوری مردگان، تمیز کردن آرامگاه مردگان، قرار دادن خوراک مورد علاقه مرحوم و آراستن آرامگاه با گل‌های رنگارنگ همیشه بهار متمرکز است. کتاب‌های فراوانی بسیاری درباره این سنت وجود دارد که فهرست برخی در بخش منابع آمده است.

توضیح دهید که شما هرگاه مرحوم را به یاد می‌آورید از او تجلیل کرده و زنده نگه داشتن یاد او در خاطر یک راه بسیار معنادار برای همراهی او در سراسر زندگانی است.

بخش پنجم: عناصر یک زندگی باارزش

(هم چنین برای اطلاعات دقیق‌تر از روز مردگان بنگرید به بخش هفت، «مرگ و زندگی». هم چنین برای ملاحظات پیرامون رویکردهای به مرگ در عین بزرگداشت زندگانی بنگرید به مقاله «برخورد با مرگ در خانواده سکولار ۲۰» نوشته کیندیل گیسون ۲۱ در کتاب تربیت فارغ از اصول مذهبی.)

پرسش: ما نزدیک به زمان داشتن نخستین فرزندمان هستیم. آیا رسم‌های غیرمذهبی برای استقبال از نوزاد وجود دارد؟

پاسخ: شادباش می‌گوییم! عجب حالی می‌کنید. راه‌های شگفت‌انگیز بسیار فراوانی برای استقبال از ورود کودک به این جهان وجود دارد و بسیاری از آن‌ها بدون ارجاع به هر گونه خدایی است. کتاب کار این بخش برخی از نظرهای مشخص و ویژه را ارائه می‌دهد ولی شما نیز به آسانی می‌توانید مراسم ویژه خود را داشته باشید. گمان کنم که قابل لمس‌ترین چیز این است که می‌توانید در روز زاده شدن پیامی برای کودک خود بنویسید، درباره احساسی که در آن روز دارید. بر کاغذ ویژه‌ای پیام را نوشته و آن را در جایگاه امنی گذاشته و در مراسم روز تکلیف، در شانزدهمین سالگرد تولد یا در زمان ویژه دیگری آن را به فرزندتان بدهید. اگر ترانه‌سرا هستید ترانه‌ای بسرایید؛ اگر شاعر هستید شعر ویژه‌ای بسرایید. زاده شدن یک بچه یک رویداد شخصی بسیار بزرگ است و برای بزرگداشت آن باید دقت و اندیشه بسیار به کار گرفت. می‌توانید نیت خوب ویژه‌ای برای او کرده که در هر جشن تولدی خوانده شود. بگذارید خیال خودتان راهنمای شما باشد.

جماعت‌های جهان‌گرای توحیدگرا تشریفات پرمعنا و گرمی را به این موضوع اختصاص داده است. سخنرانی‌های این مراسم بسیار متنوع بوده ولی با اطمینان می‌توان گفت که «خالی از خدا» است. بسیاری از سرپرستان جهان‌گرای توحیدگرا به عنوان نمادی از آشکار شدن

20. Dealing with Death in the Secular Family

21. Kendyl Gibbons

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

توان‌های بالقوه کودک از گل سرخی با خارهای تراشیده شده استفاده می‌کنند. بعدها در هنگام جشن تکلیف می‌توان گل سرخی با خار به بچه بالغ شده داد که به رسمیت شناختن آن است که اکنون می‌تواند «خارها» زندگی را خود کنار زند!

به طور کلی سخنرانی افتتاح مراسم جهان‌گرای توحیدگرا بر روی راز و رمز زندگی، نقش والدین در تربیت به همراه احترام و عشق تمرکز داشته و برای الگو ساختن چگونه بودن کودکان در جهان، برای دقیق گوش سپردن به سرشت کودکان و پرداختن به آن‌ها با عشق و دقت است. هم چنین می‌توانید نگاهی به مراسم روبه رشد و شگفت‌انگیز سنت‌های نام‌گذاری انسان‌گرا بیندازید. هم انجمن انسان‌گرای انگلستان^{۲۲} (www.humanism.org.uk) و هم بنیاد مطالعات انسان‌گرا^{۲۳} (www.humaniststudies.org) منابعی را برای برنامه‌ریزی چنین مراسم‌های نام‌گذاری ارائه می‌کنند. وبسایت بنیاد مطالعات انسان‌گرا (IHS) حتا شامل متن کامل نمونه یک مراسم نام‌گذاری است. یک مراسم استقبال یا نام‌گذاری می‌تواند در هر جایی و در هر سنی رخ دهد با این حال برگزاری چنین مراسمی از تولد تا ۲ سالگی بیشترین عمومیت را دارد. بخش‌های نمادین دربرگیرنده خواندن کتاب (هر چیزی از کتاب مایا آنجلو تا کتاب دکتر سوس)، ترانه، داستان، توضیح درباره خاستگاه نام کودک و اهمیت خانوادگی آن و نام‌گذاری یک یا دو تن از بزرگسالان ویژه در زندگی بچه - ولی به جای والدین روحانی اغلب «مرشد» خوانده می‌شوند - که پیمان می‌بندند تا از بچه در زندگانی حمایت کرده و او را تشویق به درگیر شدن با زندگانی و وارد شدن به جوامع کند.

یک نکته دیگر: اغلب این مراسم‌ها می‌توانند تا حدودی پدر و مادر بزرگ مذهبی خواستار غسل تعمید نوه‌ها را خشنود سازد. هرچند بیعتی مذهبی و وفاداری به دین در این مراسم‌ها جایی ندارد ولی باین‌حال بسیاری از پدر و مادر بزرگ‌های مذهبی شگفتی خوشایند

22. British Humanist Association

23. Institute for Humanist Studies

بخش پنجم: عناصر یک زندگی باارزش

خویش را از این مراسم پر شور، زیبا و دوست‌داشتنی نام‌گذاری یا تشریفات اختصاصی غیر مذهبی ابراز کرده‌اند.



کتاب کار

جشن تولد: کمک به بقیه برادران و خواهران برای استقبال از نوزاد

- ساختن نحاف و تشک ساده‌ی و کوچک: با کمک بچه‌ها از مواد به‌جامانده تشک و نحافی برای نوزاد بدوزید. با همراهی بچه‌ها کتاب هدیه نحاف سازها^۱ نوشته جف بروم بیو^۲ (ارکید بوکس ۲۰۰۰) را بخوانید و در این باره که چقدر انسان‌ها در هنگام کمک به دیگران خوشحال‌تر بوده و چقدر خوشحال‌ترند که به جای گرفتن، ببخشند، گفتگو کنید. این موضوع می‌تواند در آماده ساختن بچه‌های بزرگ‌تر برای داشتن نقش یاور به آن‌ها کمک کند. هم چنین بنگرید به: پلوکا، پاتریک^۳ نحاف محافظ (نیویورک: علاءالدین، ۲۰۰۱).
- کتاب دوازده هدیه تولد^۴ نوشته شارلین کوستانزو^۵ (نیویورک: هایپرکولینز، ۲۰۰۱) را برای بچه‌ها بخوانید. این دوازده هدیه در لحظه تولد به هر بچه‌ای داده می‌شود: نیرومندی، زیبایی، شجاعت، همدردی، امید، خوشی، استعداد، تخیل، تکریم، خردمندی، عشق و ایمان به (بدون مشخص شدن هدف ایمان). در این باره گفتگو کنید که بچه‌ها چرا نیاز به نیرو، زیبایی، خردمندی و دیگر ویژگی‌ها دارند. آیا ویژگی‌های دیگری وجود دارد که کودکان شما گمان می‌کنند که بچه برای به دوش کشیدن بار زندگی نیاز به آن‌ها داشته‌ولی در این فهرست نیامده است؟
- به افتخار نوزاد، پتو ساده بدوزید که از پشم ساخته و سرپناه موضعی بسازد. یک راه ساده برای ساختن پتو دو قطعه چهارگوش هم اندازه از پارچه‌ای پشمی بریده از هر طرف سه اینچ بریده، بخش‌های بریده را روی هم گذاشته و سپس هر بخش قرنیه را با هم محکم کرده تا این دو تکه پارچه را تبدیل به یک پتو نمایید! بچه‌ها باید این پروژه را اجرا کنند!

-
1. The Quiltmaker's Gift
 2. Jeff Brumbeau
 3. Polacco, Patricia
 4. The Twelve Gifts of Birth
 5. Charlene Costanzo

بخش پنجم: عناصر یک زندگی باارزش

- شعر ویژه‌ای برای نوزاد بسرایید. بر روی کاغذ مخصوصی بنویسید تا یادگار بماند. از نام نوزاد استفاده کرده و برای هر حرف نام او آرزویی ویژه‌ای بنمایید. شاید بخواهید قایمی برای آن درست کرده و آن را بیارید.
- برای جشن پذیرش فرزندخواندگی از کشور دیگر، رنگی را با معنای ویژه از زادگاه بچه در جامه مخصوص آن روز قرار دهید. برای نمونه قرمز رنگ شادی در چین است.

بزرگداشت زمین - حتماً هم نباید در روز زمین باشد!

- **ساختن خوراک دهنده‌ی کاجی**^۶. کافی است کمی کره بادام‌زمینی روی میوه کاج مالیده و در دانه پرندگان غلت دهید سپس با بندی آن را آویزان کنید و بدین ترتیب دارای یک آهنربای پرندگان خواهید شد! درخت بکارید، گل بکارید یا یک باغچه سبزی.
- نگاهی به کبوس بیندازید (<http://holidays.kaboose.com>) تا فعالیت‌های جالب مربوط به زمین را بررسی کنید!
- **انجام مدیتیشن هدایت‌شده**^۷ به همراهی کودکان خود. از آن‌ها بخواهید که آرام شده و چشمان خود را بسته سپس آن‌ها را به سفری در سراسر جهان بدون طبیعت ببرید. از آن‌ها بخواهید تا تصور کنند که در جهانی که تنها سیمان، شیشه و آجر دارند بیدار شده با بیرون رفتن از خانه نه درختی می‌بینند نه گلی نه چمن سبزی. جای بازی آن‌ها کجا خواهد بود؟ سایه درختی پیدا نمی‌شود؟ خاستگاه الهام زیبایی کجاست؟ از آن‌ها پرسید که چگونه جهان طبیعت را بازسازی خواهند کرد.
- **ده فرمان نوینی برای زمین صادر کنید:** «تو نباید پسماند در آب بریزی؛ تو باید تا جایی که ممکن است دوچرخه برانی؛ و غیره»

6. Pinecone bird feeders

7. Guided meditation

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

- **گردآوردن پول برای اجرای پروژه‌های محیطی منطقه** با پختن و فروش کلوچه یا سازمان‌دهی فروش خرده‌ریز و یا قرعه‌کشی محلی.
- همه خانواده **بزنید بیرون** و مسیر را از پسماندها پاک‌سازی کنید.
- کتاب افسانه‌های زمین از سراسر جهان^۸ نوشته مایکل کدیوتا^۹ (گلدن، کو، فال کروم، ۱۰، ۱۹۹۷) و درباره بسیاری از پندارهای آن گفتگو کنید که در فرهنگ‌های متفاوت درباره چگونگی آغاز جهان وجود دارد. به بچه‌ها اجازه بدهید که داستان آفرینش خودشان را بسازند!
- کتاب پاسداران زمین نوشته‌ی مایکل کدیوتا و جوزف بروچاک^{۱۱} (گلدن، کو، فال کروم، ۱۹۸۸) را بگیرید. این کتاب بزرگی است که افسانه‌های آفرینش را با پروژه‌های محیطی آمیخته است. پس از خواندن یکی از افسانه‌های آفرینش، کتاب پرسش‌هایی و فعالیت‌هایی را برای انجام پیشنهاد کرده تا در درک افسانه مورد نظر کمک برساند.

جشنواره ضرب‌آهنگ سال: انقلاب زمستانی

انقلاب زمستانی رسیدن نقاط متضاد به هم است: روز و شب، تاریکی و روشنایی، گرما و سرما. فعالیت‌هایی را بیابید که این تضادها را نشان داده و شما را دوباره با زمان گذشته پیوند دهد زمانی که انسان‌ها به جدیت در برگشت آرام خورشید در تاریک‌ترین و سردترین لحظه سال لحظه‌شماری کرده و جشن می‌گرفتند.

8. Earth Tales from Around the World

9. Michael J. Caduto

10. Golden, CO: Fulcrum

11. Joseph Bruchac

- نمادهای مختلفی از خورشید ساخته و آن‌ها را رنگ نمایید. از آن طرح‌ها اثری متحرک بسازید.
- اشعار غنائی ترانه‌ها و شعرهای آشنا را بازنویسی کرده تا با موضوع انقلاب تابستانی یا زمستانی، دربرگیرنده برگشت روشنایی، فرار شب یا آگاهی از جایگاه پست ما در طبیعت جور در آید.
- اگر در منطقه‌ای هستید که زمستان‌ها برف می‌بارد، در حیاط خانه خود با برف تندیس بزرگی از خورشید بسازید. از رنگ‌های خوراکی برای آراستن تندیس با رنگ‌های روشن استفاده کنید.
- مفهوم فصل را توضیح دهید با قرار دادن یک خلال‌دندان بر روی پرتقال (زمین) و یک خلال‌دندان دیگر در زیر پرتقال. در اتاقی تاریک پرتوی نوری را (خورشید) روشن کنید که مستقیم به میان پرتقال بتابد. خلال‌دندان قطب شمال را کمی به سوی نور کج کرده و گوشزد کنید که بیشترین تابش نور به بالای پرتقال یا زمین در طول تابستان نیمکره شمالی است. قطب‌ها را با زاویه یکسانی نگه‌داشته و پرتقال (زمین) را به پشت چراغ چرخانیده و نور را نیز بچرخانید تا نور دوباره پرتقال را روشن کند. در این هنگام قطب شمال کمی از نور منحرف شده است - وضعیت زمین در هنگام انقلاب زمستان نیمکره شمالی که نور کمتری از نیمکره جنوبی دریافت می‌کند. توجه کنید که انسان‌هایی که در نزدیکی استوا زندگی می‌کنند دارای فصول واقعی نیستند زیرا مقدار نور و گرمایی کمابیش در طول سال اختلاف چندانی پیدا نمی‌کند.

یک جشنواره ظهور سکولار

در دسامبر (آذر و دی) به جای انتظار برای هفته‌هایی که به تولد عیسا می‌رسد بهتر نیست جشن ظهوری گرفته و آن را به صورت سیستم ارزشی خود دوباره شکل دهی کنیم؟ به جای جشن‌های

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

ظهور یک کنده بردارید (کنده یول^{۱۲}) و در بالای آن در چهار جا سوراخ ایجاد کنید. در هر یک شمعی قرار دهید، هر شمع برای یک هفته ماه دسامبر. با یک قلم بر روی هر یک از شمع‌ها کاری را نوشته یا علامت بزنید که دوست دارید در آن هفته بر آن تمرکز کنید. خانواده من واژه‌ها عشق، امید، صلح و لذت را بر شمع‌ها گذاشتند. در نخستین هفته دسامبر در هنگام شام ما نخستین شمع را روشن کرده و در این باره گفتگو کردیم که چگونه عشق می‌تواند به جهان و این خانواده کمک کند. هفته بعد ما شمع دوم را روشن کرده و درباره اینکه چه امیدهایی داریم و همین طور تا چهار هفته دسامبر به پایان رسید. هر کسی می‌تواند واژه‌های مورد توجه خودش را بگیرد (برای نمونه خرد، شوخی، مهربانی و خوشی) و یک تعطیلات ظهوری مخصوص خود را آغاز کند. رنگ شمع‌ها نیز می‌تواند به دلخواه هر شخص تغییر کند که بر اساس معنایی است که به آن‌ها می‌دهید. در کتاب دلی قدرشناس^{۱۳} ام ج رایان^{۱۴} می‌گوید «سفید برای روح حقیقت و تصفیه شدن خانوادگی، سبز برای سلامتی، رونق و خوش‌شانسی، سرخ برای سلامت تن و بنیه و زرد برای گیرایی و اطمینان. (۵)

فعالیت‌های دیگر ظهور اقتباس شده

- سالنامه‌ی مهربانی. یک سالنامه ظهور^{۱۵} در روزهای دسامبر بسازید. در هر روز این ماه یک کار و کنش پرمحبت را بنویسید که شما به عنوان ابراز اولویت‌های انسان‌گرایانه خانواده، برای یک عضو خانواده انجام خواهید داد. فعالیت‌ها را سرپوشیده و مخفی نگه دارید تا افراد خانواده را شگفت‌زده بمانند که هر روز با خودش چه خواهد آورد.

12. Yule Log

13. A Grateful Heart

14. M.J. Ryan

15. یک سالنامه ویژه که برای بزرگداشت روزهای پیش از کریسمس استفاده می‌شود Advent Calendar

بخش پنجم: عناصر یک زندگی باارزش

- سالنامه‌ی پیدایش کیهانی (از انسان‌گرای دوستانه تی موتی مایلز). (۶) سالنامه‌ی پیدایش نوجوانی من^{۱۶} پنجره‌های کوچکی برای هر روز ماه دسامبر دارد که پشت هر یک اسباب‌بازی یا تکه کوچکی از شکلاتی کهنه قرار گرفته بود. به جای سالنامه پیدایش کیهانی گوشه‌ی چشمی به نشانه‌های بزرگ فرگشت داشته باشید! نخست درباره سالنامه‌ی کیهانی کارل ساگان^{۱۷} (دربخش ۱، کتاب کار، تمثیل ۱) که کل تاریخچه‌ی گیتی را در یک سال فشرده می‌سازد. بعد از به دست آوردن این اطلاعات برای یافتن جزئیات روزانه ماه دسامبر در گوگل «سالنامه‌ی کیهانی (Cosmic Calendar)» را جستجو کنید. تنظیم به صورت چنین «ماه‌های» کیهانی گام‌های بزرگ در پیشینه‌ی فرگشتی است. کرم‌ها در زمانی برابر با ۱۶ دسامبر فرگشت یافته‌اند - خوب فقط یک سالنامه پیدایش با کرم‌های چسبناک در روز شانزدهم دسامبر تصور کنید! ماهی‌های گرد چسبناک را در روز نوزدهم قرار دهید سپس یک شکلات گازدار^{۱۸} را برای نمایش شهاب‌سنگ دایناسور- سوز در بیست و هشتم، میمون‌های قهوه‌ای مایل به قرمز را در بیست و نهم... و ویتامین‌های مؤنث و تو دلبرو عصرحجر^{۱۹} را در روز ۳۱ دسامبر قرار دهید! (خوب باید کمی سر و سامان به آن داد. بنابراین دوباره آن را بازسازی کنید و یک امیل به دلیل بزنید به dale@parentingbeyondbelief.com)
- برای چیزی که در خانه دارید پول اهدا کرده و سپس این پول را به شخص دلخواه احسان کنید. مثال: روز یکم برای هر تلویزیونی که در خانه دارید یک دلار در قلک بیندازید؛ روز دوم برای هر دست سوپ‌خوری که در خانه دارید ۵ سنت کنار بگذارید- و همین طور تا آخر در سراسر ماه.

16. My youth

17. Carl Sagan

18. Pop Rocks

19. Flintstones vitamins

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

- با کمک کودکان خود کارت تبریک‌هایی بسازید که ارزش‌های خانوادگی تعطیلی را به نمایش بگذارد. می‌توانید به صلح، مهربانی یا ارزش‌های دیگر انسان‌گرا که مربوط به تعطیلات دسامبر توجه کنید. به یاد داشته باشید که کارت‌های تعطیلاتی رسیده یا کاغذهای کادو را نگه‌دارید چون می‌تواند آن‌ها را برش داده و کارت‌ها خود را بسازید.
- درباره تعطیلات اصلی جوری گفتگو کنید که خود و بچه‌ها احساس راحتی داشته و سختی زیادی برای پیوستن به سنت‌های فرهنگی احساس نکنند: کریسمس = هدیه تولد و نوید هر بچه‌ای که زاده می‌شود؛ عید پاک = شگفتی چرخه‌ی طبیعت و زندگانی؛ حنوکا = این اندیشه که نور معجزه است؛ انقلاب‌های تابستانی و زمستانی = چرخه‌های طبیعت و زندگانی.

بررسی رسم‌های دیگر ماه دسامبر

به عنوان یک خانواده دستوری خوراکی از مراسم کاوانزا^{۲۰} تهیه کرده و با بچه‌های خود درباره اصول که سبب به وجود آمدن آن شده گفتگو کنید که در این جشن پیش کشیده می‌شود: اتحاد، خودمختاری، کار همگانی و مسئولیت، اقتصاد مشترک، هدف، خلاقیت و ایمان. ببینید آیا بچه‌ها این مفاهیم را درک کرده و درک می‌کنند چرا شما فکر می‌کنید که آمریکایی آفریقایی‌ها این اصول را انتخاب کرده‌اند؟ خانواده شما فکر می‌کنند چه اصولی باید در زندگانی خانواده شما آورده شود.

تعطیلات کیهانی

در رابطه با ایده سالنامه پیدایش کیهانی در بالا: چرا نباید گذاشت که سالنامه کارل ساگان هم چنین مایه برخی از تعطیلات با حال انسان‌گرایانه شود؟ در این سال فشرده کیهانی، راه شیری در یکم می (۱۱ اردیبهشت) پدیدار شده - بنابراین این روز را به عنوان روز راه شیری جشن بگیریم!

20. Kwanzaa

بخش پنجم: عناصر یک زندگی با ارزش

نهم سپتامبر (۱۸ شهریور) روز خورشید است که خوب دلیل آن هم معلوم است. یکم نوامبر (۱۰ آبان) روز جنس است (تولید مثل جنسی در ۲/۵ میلیارد سال پیش فرگشت یافت). ستایش دوباره نثار انسان‌گرایی دوستانه تی موتی مایلز برای این موضوع.

بزرگداشت صلح

صلح و عدم خشونت نزدیکی بسیاری با ارزش‌های انسان‌گرایانه دارد. دو تا از تعطیلات جهانی یا بین‌المللی توجه ویژه‌ای را به سوی این ارزش‌ها می‌کشد: روز جهانی صلح^{۲۱} (۲۱ سپتامبر - ۳۰ شهریور) و روز جهانی عدم خشونت (۲ اکتبر - ۱۰ مهرماه، روز تولد گاندی). چند روش که خانواده شما می‌تواند این تعطیلات را بررسی و جشن بگیرد:

- به رهبر کشور خود نامه‌ای از خواسته خود برای صلح در بخشی از جهان بنویسید.
- پیک نیکی برای صلح با همسایگان برگزار کنید.
- بنر یا پوستر را تهیه کرده و در چمن جلوی خانه نصب کنید.
- ویدئو بسازید که در آن مردم از امید خود به صلح سخن می‌گویند.
- شمعی را روشن کرده و هنگام شام روی میز قرار دهید.
- کارت صلح برای خانواده و دوستان بفرسید.
- برای پشتیبانی از نیروی صلح عدم خشونت^{۲۲} اوراق صلح^{۲۳} بخرید (www.nonviolentpeaceforce.org).
- از سایت «یک نسل ایمن^{۲۴}» در بنیاد مطالعات انسان‌گرا (www.humanistparenting.org > One Safe Generation) دیدن کنید و برای حفاظت کودکان از خشونت در هر مرحله‌ای الهام بگیرید.

21. United Nations Peace Day

22. Nonviolent Peaceforce

23. Peace Bonds

24. One Safe Generation

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

(بخش منابع وبسایت‌ها را با منابع برای بزرگداشت و ترویج عدم خشونت و صلح ببینید.)

بزرگداشت چرخه زندگانی و مرگ: روز مردگان

گاهی رد شدن از نفرت و بیزاری سنتی ما از مرگ یک کم کار می‌برد. روز مردگان راهی معرکه برای این کار است. محرابی در خانه خود بسازید. تعدادی شمع و گل و تصاویر از شخص مرحوم روی آن قرار دهید. درباره خاطرات خوبی که از مرحوم دارید سخن بگویند و درباره اینکه به عنوان یک شخص مانند چه کسی بوده گفتگو کنید. می‌توانید برای گوشزد این موضوع که روزی همه‌ی ما می‌میریم آینه‌ای در این محراب قرار دهید. با گوگل شیوه تهیه مجموعه شکری^{۲۵} را جستجو کنید! یک اسکلت چوبی از فروشگاه صنایع دستی محل خریداری کرده و آن را به صورت شخص مرده بیارید و درباره خاطراتی که از آن شخص دارید گفتگو کنید. از مزار عزیز از دست رفته‌ای دیدار کرده و آن را جارو زده، تیز کرده و سبزه‌ها را وجین کنید - و درباره شخص داستان‌هایی را که می‌دانید تعریف کنید.

بزرگداشت تکلیف شدن: جشن تکلیف

این مواقع از زمان‌هایی است که می‌توان با خرج کمی خلاقیت و آینده‌نگری تصور کرد که کودکانی که تبدیل به نوجوان یا نوجوانانی که تبدیل به جوان می‌شوند چگونه به نظر خواهند رسید. چیزی که به گمان من به صورت یک اصل کلی در هر جشن تکلیفی وجود دارد تنظیم وقت ویژه‌ای برای یک بزرگسال یا بزرگسالانی است که در زندگانی کودک یا جوان حضور دارند. طرح ویژه‌ای برای یک شام با تنها نوجوان یا یک سفر اردوگاهی راهی برای گفتن این نکته است که ما گذشت زمان را می‌فهمیم و کودک در حال رشد کردن است. در این رابطه جشن‌های بزرگی در برخی از سنت‌های دینی اجرا می‌شود ولی از بزرگی این مراسم‌ها ترسید و دست روی دست بگذارید! یک وقت پرمعنا و آرام می‌تواند به سادگی یک شام در خانه با کتاب

25. Sugar skulls

بخش پنجم: عناصر یک زندگی با ارزش

و شعرخوانی‌های ویژه باشد. کتاب جشن تکلیف، گنبدینه‌ای از شعرها، نقل‌قول‌ها و خواندنی‌ها هنگام بالغ شدن^{۲۶} که توسط ادوارد سیریل گردآوری شده یک منبع بزرگ برای داشتن چنین خواندنی‌هایی است.

من عاشق این گفته ماری پی فر^{۲۷} هستم: «برای هر شخصی، بلوغ به معنای صادق بودن و روراست بودن با خوداست، تصمیم گرفتن بر اساس فرایندهای خودآگاهی درونی، فرض مسئولیت برای تصمیمات خودش، دارا بودن روابط سالم با دیگران و توسعه دادن استعدادهای خویش. این موضوع شامل اندیشیدن درباره محیط خودش و تصمیم گرفتن بجای خود و تعیین اندیشه‌هایی است که خواهد پذیرفت یا نمی‌خواهد بپذیرد.» برای کودک خود قابی بیاراید و این نقل‌قول یا سخن دیگری پیرامون بالیدن و بالغ شدن که با احساسات شما جور است را در قاب قرار دهید.

جشن تکلیف هنگام مناسبی است تا یادگارهای ویژه‌ای به اعضای خانواده واگذار شود - یک عبارت درست در این باره که بالغ شدن افراد جوان نمایشگر آینده است.

بسیاری از فرقه‌های جهان‌گرای توحیدگرا برنامه‌های جشن تکلیف برای نوجوانان داشته که در این برنامه‌ها نوجوانان آغاز به شناخت خود پرسش بزرگ زندگانی می‌کنند. ارزش آن را دارد که برای تجربه گروهی نوجوان خود نگاهی به آن‌ها بیندازید.

هم چنین هنگام مناسبی برای نوشتن نامه به کودک در حال رشد خود است درباره‌ای که چقدر برای شما ارزشمند است، امیدهای شما برای آینده و امیدوارید چه ارزش‌هایی را در زندگی پیاده کند. هم چنین زمانی است که باید درباره اینکه چه راهی را پیموده و چقدر راه مانده، سخنانی گفته شود! با بچه خود درباره درس‌هایی گفتگو کنید که از زندگی گرفته‌اید و شاید در مسیر زندگانی به او نیز کمک کند. این نامه را در زمان ویژه‌ای در پاکت مخصوصی به او اهدا کنید.

26. Coming of Age A Treasury of Poems, Quotations and Readings on Growing

27. Mary Pipher

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

پذیرفتن مراسم‌های موجود

مراسم جشن تکلیفی مانند کواین سرین را^{۲۸} مکزیکی را انتخاب کنید. جشن تکلیف انتخابی را با جایگزین کردن ارزش‌ها و نمادهای خود به جای عناصر سنتی مال خود کنید. (هم چنین برای فهرست از فیلم‌های بزرگ با موضوع وابسته به جشن تکلیف و موارد دیگر در رابطه با یافتن هویت فردی بنگرید به پیوست‌ها.)

بزرگداشت تولد دوباره: بهار

بازی جستجوی تخم مرغ، با تخم مرغ‌های پلاستیکی پر شده با مبالغ مختلف پول ترتیب بدهید. زمانی که بچه‌ها همه‌ی تخم مرغ‌ها را جمع کرده حساب و کتابی کرده و مبلغی کل جمع شده را شمارش کرده و سپس تصمیم بگیرد برای چه کار نیکی این پول را هزینه خواهید کرد. به جای مراسم سنتی جستجوی تخم مرغ عید پاک یک هفته پیش از عید پاک بچه‌ها را برای گردآوری کنسرو از همسایگان و سازمان‌بندی این کنسروها و اهدا آن‌ها در بامداد عید پاک برای انواع کارهای نیک فرستاده و آن‌ها را وادار به «شکار» کنسرو کنید. بامداد عید را بروید قدم بزنید و بنگرید کدام گیاهان آغاز به جوانه زدن و تولد دوباره کرده، یا به مزرعه‌ای رفته و ببینید چه جانورانی به دنیا آمده‌اند.

28. Quinceanera

منابع

نقشه کشیدن برای بزرگداشت - عمومی

Lang, Virginia, and Louise Nayer. How to Bury a Goldfish and Other Ceremonies and Celebrations for Everyday Life (Boston: Skinner House, 2007).

مراسم‌های نو برای بزرگداشت یک لحظه ویژه و رویداد بزرگ زندگی. بیش از ۱۰۰ آیین تشریفاتی برای هر موضوع مربوط به زندگانی از تعطیلات و تولد گرفته تا نخستین شغل نوجوان و دگرگون زنان در نیمه راه زندگانی. مربوط به هم سنین.

Cox, Meg. The Book of New Family Traditions: How to Create Great Rituals for Holidays and Everyday (Philadelphia: Running Press, 2003).

مجموعه‌ای از مصاحبه‌ها با خانواده‌های جورواجور درباره مراسم و بزرگداشت‌های خانوادگی. برای بزرگسالان.

تشریفات تکلیف

Wall, Kathleen. Rites of Passage: Celebrating Life's Changes (Hillsboro, OR: Beyond Words Publishing, 1998).

توصیفات خوبی درباره چگونگی ساختن مراسم یا تشریفات مواقع مختلف زندگانی آورده است. بخش درباره تشریفات برای خانواده سالم در برگیرنده نگرش‌هایی درباره مواردی همانند ارتباط، وقت خوراک و تعطیلات. بدون شک در طرف «معنوی ولی نه مذهبی» طیف. بزرگسالان.

Searl, Edward. A Treasury of Poems, Quotations and Readings on Growing Up (Boston: Skinner House, 2007).

این کتاب را می‌توان از کتاب‌فروشی جهان‌گرای توحیدگرا تهیه نمود (uua.org/bookstore). در این کتاب کوچک شعرها، سخنان و خواندنی‌های پیرامون رشد و رفتن از نوجوانانی به سوی بزرگسالی از گوشه و کنار جهان آمده است.

(برای یک فهرست بزرگ از فیلم‌های مربوط به موضوع بلوغ، بنگرید به پیوست

نخست).

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

رویدادهای ویژه

Seaburg, Carl. Great Occasions: Readings for the Celebration of Birth, Coming of Age, Marriage and Death (Boston: Skinner House Press, 2003).

سخنانی از بسیاری از سنت‌ها برای بزرگداشت جشن‌های تکلیف در زندگی که شامل مسیحیت نیز می‌شود. همه سنین.

انقلاب زمستانی و انقلاب تابستانی

Pfeffer, Wendy. The Shortest Day (New York: Dutton Juvenile, 2003). Ages 4–10.

Shragg, Karen. A Solstice Tree for Jenny (Amherst, NY: Prometheus, 2001). Ages 4–8.

(هر دو این کتاب‌ها در تربیت فارغ از اصول مذهبی بررسی شده است.)

Martin, Jacqueline Briggs. Snowflake Bentley (New York: Houghton Mifflin Company, 1998).

برنده مدال کالدکت، این کتاب یک داستان واقعی درباره ویلسون بنتلی است که از دوربین میکروسکوپی با گرفتن عکس از شگفتی‌های برف نشان داد که دانه‌های برف هیچ‌یک مانند هم دیگری نیست. سنین ۴-۸ سال.

(هم چنین بنگرید به کتاب شگفت‌انگیز سربلندی طبیعت، در بخش روز زمین، در زیر)

ابراز قدرشناسی

Wood, Douglas. The Secret of Saying Thanks (New York: Simon and Schuster, 2005).

یک دیدگاه غیر دین درباره چگونه سپاسگزار بودن بدون در نظر داشتن خدا. سن ۴-۸.

London, Jonathan. Giving Thanks (Cambridge, MA: Candlewick Press, 2005).

یک رویکرد نا ثابت بدون دین برای سپاسگزار بودن از محیط که پیرامون ما قرار گرفته است. سنین ۴-۸ سال.

کریسمس

بخش پنجم: عناصر یک زندگی با ارزش

Waldron, Jan. *Angel Pig and the Hidden Christmas* (London: Puffin Books, 2000).

لذت دور شدن از بازار و بازاریان و ساختن هدایا خود را نشان می‌دهد. سنین ۸-۴ سال.

Robinson, Jo, and Jean Staehel. *Unplug the Christmas Machine* (New York: William Morrow Publishing, 1991).

کتاب عالی برای والدین (اکنون به چاپ سی‌ام رسیده است) به روشی غیرسودآور ساختن

کریسمس برای بازاریان. توجه ویژه‌ای به بدون دین‌ها دارد. بزرگ‌سالان.

Elliot, Jock. *Inventing Christmas: How Our Holiday Came to Be* (New York: Harry N. Abrams, 2002).

یک کتاب بزرگ و ساده با نگاهی تاریخی به آغاز جشن کریسمس و سنت‌های آن. بدون

محدودیت سنی.

کاریس مس^{۲۹}: <http://krismas.org>

دوازده روز کریسمس: www.tetrakatus.org

EvolveFISH.com دارای کارت‌های تبریک شماری چند از جشن‌های بی‌همتا و جالب

سکولار است و از جشن‌های کله شق بازی تا الهام بخش بگیر تا شر و خوب را شامل می‌شود.

گزینش کارت مناسب و درست شاید یک مایه و فرصتی برای یک گفتگو جالب توجه در

خانواده شما شود.

روز زمین

Brisson, Pat. *Wanda's Roses* (Homesdale, PA: Boyds Mills Press, 1994).

داستان دختر کوچکی که هم زمان خیال و امید تبدیل گورستان مخروبه‌ای را به باغ و به وجود

آوردن جامعه‌ای را دارد.

Montley, Patricia. In *Nature's Honor, Myths and Rituals*. Celebrating the Earth (Boston: Skinner House Books, 2005)

29. Krismas

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

اطلاعاتی از انقلاب زمستانی، امبولک، تطهیر و عید شمع، اعتدال بهاری، بلتن و روز می، انقلاب تابستانی و میانه تابستان، لوگناسا و لوماس، اعتدال پاییزی و سوون، روز همه ارواح و روز مردگان به دست داده و هم چنین توضیحاتی پیرامون جشن‌های معاصر، خواندنی‌ها و راه‌هایی برای برپا ساختن و بزرگداشت این جشن‌ها برای افراد و خانواده‌ها ارائه می‌کند.

تولد / پذیرش فرزندخوانده

Costanzo, Charlene. *The Twelve Gifts of Birth* (New York: HarperCollins, 2001).

بررسی ساده هدایایی که شخصی می‌تواند به یک کودک تازه بدهد مانند دلگرمی، امید و زیبایی.

Searl, Edward. *Bless This Child: A Treasury of Poems, Quotations, and Readings to Celebrate Birth* (Boston: Skinner Publishing, 2007).

Kranz, Linda. *Only One You* (New York: Rising Moon Publishers, 2006). "There is only one you in this great big world. Make it a better place."

افکار میز شام و طلب آمرزش

Ryan, M. J. *A Grateful Heart: Daily Blessings for the Evening Meal from Buddha to the Beatles* (Newburyport, MA: Conari Press, 2002).

منبعی بی‌همتا از اندیشه‌های گوناگون و مدیتیشن از منابع گوناگون هم دینی و هم غیردینی.

عید پاک

Berenstain, Stan and Jan. *The Berenstain Bears and the Real Easter Eggs* (New York: Random House, 2002).

شکار تخم‌مرغ عید پاک به بچه‌ها نشان می‌دهد که زندگانی تو پیام واقعی عید پاک است. سنین ۴-۸ سال.

Barth, Edna. *Lilies, Rabbits, and Painted Eggs: The Story of the Easter Symbols* (New York: Clarion Books, 2001).

بخش پنجم: عناصر یک زندگی با ارزش

یک منبع بزرگ برای عید پاک با توضیحات روشن از بسیاری از رسوم و نمادهای آن. سنین ۹-۱۲ سال.

صلح و عدم خشونت

Munson, Derek. *Enemy Pie* (San Francisco: Chronicle Books, 2000).

دشمنی با واکنش‌های خردمندانه والدین به دوست تبدیل می‌شود.

Rice, David. *Because Brian Hugged His Mother* (Nevada City, CA: Dawn, 1999).

یک کردار خوب بازتابی برای کردارهای خوب در سراسر روز می‌شود.

Pearson, Emily. *Ordinary Mary's Extraordinary Deed* (Layton, UT: Gibbs Smith, 2002).

چگونه نیت خوبی مایه خوبی‌های دیگر می‌شود.

MacLean, Kerry Lee. *Peaceful Piggy Meditation* (Morton Grove, IL: Albert Whitman and Co., 2004).

وبسایت‌ها بزرگداشت و ترویج صلح و عدم خشونت

www.internationaldayofpeace.org

www.peaceday.org

منابع متفرقه

Pagan Institute Report (نهاد گزارش کفار)

www.paganinstitute.org/PIR/contents.shtml

British Humanist Association (انجمن انسان‌گرای انگلستان)

www.humanism.org.uk

Institute for Humanist Studies (نهاد پژوهش‌های انسان‌گرایانه)

www.humaniststudies.org

Secular Seasons (موسم سکولار)

www.secularseasons.org

یادداشت‌ها

1. In 2005, violent crime in the United States across the board reached its lowest level ever—yet our hysteria about violent crime has never been more extreme (U.S. Bureau of Justice Statistics, www.ojp.usdoj.gov/bjs/glance/viort.htm).
2. See Robinson, B.A. “The Myth of Samhain.” Accessed February 11, 2008, from www.religioustolerance.org
3. Danaher, Kevin. *The Year in Ireland: Irish Calendar Customs* (New York: Mercier, 1972); O’Driscoll, Robert (Ed.), *The Celtic Consciousness* (New York: Braziller, 1981).
4. Landon, Christa. *The Pagan Institute* (www.paganinstitute.org)
5. *The Grateful Heart*, p. 62. Full citation in Resources.
6. Visit Friendly Humanist Timothy Mills at www.friendlyhumanist.blogspot.com. Accessed August 17, 2008.

مرگ و زندگی

دیل مک گاون

از صدها پرسش پیرامون تربیت غیرمذهبی که از گزارشگران و حضار گرد آورده‌ام یکی از آنها به دلیل توان شگفت‌زده، مشغول و سرگشته ساختن من یک سر و گردن بالاتر از بقیه ایستاده: «بدون پاداش اخروی چگونه بچه‌ها را برای کنار آمدن با مرگ تربیت می‌کنید؟»

نمی‌توانم به این پرسش عادت کنم مهم نیست که چند بار آن را شنیده باشم. دست کم سه قصه لابه‌لای کلمات این پرسش خوانیده است - سه درک نادرست شایع که برای درک موضوع باید آن‌ها را از سر راه برداریم. بیابید نیم‌نگاهی به این سه افسانه انداخته هم چنین نیم نگاه دیگری به دو تعهد و اجباری بیندازیم که پدر و مادران بی‌دین درباره مرگ برای بچه‌های خود بر دوش دارند.

سه قصه، دو تعهد

قصه ۱: دین داروی ترس از مرگ است

با وجود مدارکی سنگین بر ضد این ادعا، هرگاه آن را می‌شنوم که دلالت بر درمان ترس از مرگ به وسیله دین دارد، سر در گم می‌شوم. بسیاری از انسان‌های خشکه‌مقدس را می‌شناسم که همگی سخت تقلا کرده تا مرگ خویش را عقب بیندازند. آن‌ها هنگام عبور از خیابان به دقت

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

نگاه می‌کنند. با دقت خوراکی‌ها خود را بررسی کرده دستورات دکترها را موبه مو اجرا کرده و زمانی که معاینه‌ای سختی در پیش دارند با ترس قدم جلو می‌گذارند، برای بهبود دوست خود از بیماری خطرناک دعا کرده و در هنگام از دست دادن عزیزی به صورتی غیرقابل کنترلی مانند بیشتر انسان‌ها گریه می‌کنند. به همان اندازه‌ای که من از وضعیت روزگار ناراضی‌ام آن‌ها نیز ناراضی هستند.

اگر بیشتر ناراضی نباشند. هم چنین کسانی را می‌شناسم که در حدی دیوانگی دل‌وایس هستند که آیا پیش نیازهای ورود به بهشت را دارند یا نه. زنی را می‌شناسم که پس از مرگ شوهر

هفته‌ها نتوانسته بود بخوابد چون به این نتیجه رسیده بود که به دلیل افراط در کاهش وزن به جهنم رفته است.
برخی آسوده هستند.
«اگر عمر جاویدان داشتیم این یک واقعیت و اصل طبیعی بود و چنین اصلی هیچ‌گونه پیوند و ربطی به کتاب‌های آسمانی، خدایان، روحانیون یا عقاید نداشت. اصول عقاید نمی‌تواند اصل برخاسته از جهان طبیعت را خنثی سازد.»

زمانی که نوبت آرامش دادن به کودکان برای روبرو شدن با مرگ می‌رسد کارشناسان تربیتی جریان غالب دست به دامان خدا شدن را در بهترین حالت دارای دشواری‌های فراوانی می‌یابند. در کتاب

- رابرت گرین اینگرسل، سخن‌دان «ندانم‌گرای بزرگ»

راهنمایی کودکان در فاجعه^۱، جمیز و ماری آن ام‌سیلور^۲ بر ضد عبارت چندش‌آوری مانند «خدا مامان را برده چون خیلی خوب بود» یا «یا خدا بابا را برده تا در کنارش باشد»، به دلایلی هشدار داده که به هیچ‌رو ندانسته و پنهان نیست. «خدا یا دین را به عنوان آرامش‌بخش به کار نگیرید. به احتمال بسیار بالا هیچ‌دردی را دوا نخواهد کرد.» آن‌ها در ادامه می‌گویند «مرگ را به عنوان پاداش یا کیفری از جانب خدا توصیف نکنید.» (۱) امروزه غیر از این نویسندگان بیشتر

1. Guiding Your Child Through Grief

2. James and Mary Ann Emswiler

بخش هفتم: مرگ و زندگانی

کارشناسان رشد کودک به همین نتیجه رسیده، بزرگ‌ترین و یگانه برتری فرضی مذهب نخ نما شده است.

ما صحنه‌ای منطقی‌تر آماده ساخته‌ایم. آماج ما به عنوان والدین یک جور درمان ترس از مرگ نیست بلکه نگه داشتن ترس طبیعی و غیر قابل پرهیز آن از مداخله در تجربه زندگی است.

قصه ۲: کودکان توان کمتری از بزرگسالان برای اندیشیدن در باره مرگ دارند

ما بزرگسالان با این حدس خود را راضی می‌کنیم که در جایگاهی هستیم که در هنگام برخورد و اندیشیدن به مرگ باید برای کودکان آرامش ایجاد کنیم. اگر موردی هم باشد درست وارونه و برعکس آن درست است. بچه‌ها در مقایسه با پدر و مادران خود درک بسیار پایین‌تری از مرگ دارند. همان طور که روان‌شناس ملوین کانر^۳ از دانشگاه اموری^۴ در کتاب برجسته خود، بلک در ۱۹۵۵ پیپیده^۵ اشاره کرده «از سن ۳ تا ۵ سالگی بچه‌ها آن را بازگشت‌پذیر می‌دانند مانند یک مسافرت یا خواب. پس از ۶ سالگی آن را چون یک واقعیت زندگانی به شمار می‌آورند ولی واقعیت بسیار دور.» (۳) اگرچه نرخ رشد تصوری متنوع است با این حال کانر نخستین درک از پایان و فراگیر بودن مرگ را نزدیک ده‌سالگی می‌داند - درکی که شامل نخستین سرآغاز این آگاهی ژرف است که مرگ به سراغ آن‌ها نیز خواهد آمد.

منتقدان رویکرد مستقیم گفتگو مستقیم با بچه‌ها درباره مرگ فرض می‌گیرند که پدر و مادران بدون دین در واقع به کودکان خود می‌گویند، «برای خودت حلش کن.» این یک انتقاد به طور عمد جاهلانه است. پدر و مادران بی‌دین از هر جنبه‌ای به همان اندازه والدین مذهبی دلواپس شادی و آرامش کودکان خویش هستند. چندان دشوار نیست که دیده شود آن‌ها تنها به این درک رسیده که درگیری طبیعی زود هنگام با این موضوع کنار آمدن با دشوارترین واقعیت زندگانی انسانی را نه سخت‌تر بلکه آسان‌تر می‌سازد.

3. Melvin Konner

4. Emory University

5. The Tangled Wing,

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

این اصل که کودکان در نخستین سال‌های زندگی آمادگی «درک» کامل مرگ را ندارند در حال سرنگونی است - عبور از خیابان نباید سخت‌تر از آن باشد اگر بخواهند - ولی از سوی دیگر دارای وجه بالاتری نیز هست. این سنین، سال‌هایی است که در گذر آن بچه‌ها می‌توانند با راحتی و متانت بیشتری با موضوع مرگ برخورد کنند تا برخوردی که در بزرگسالی خواهند داشت. از سوی دیگر چنین برخوردهای زود هنگامی تنها می‌تواند به ساختن بنیادی برای درک و آشنایی بینجامد که راحتی و اطلاع از روبرو شدن آینده با این واقعیت بسیار ژرف انسان بودن را در پی خواهد داشت.

قصه سوم: ما می‌توانیم یا باید با اندیشه مرگ راحت باشیم.

ترس از مرگ یکی از خواستنی‌ترین و سالم‌ترین ترس‌های ما انسان‌هاست. از همه‌ی این‌ها گذشته فرگشت خاستگاه آن بوده و دلیل خوبی هم برای آن دارد. تصور کنید که دو نیای پیشین در حال گذر از ساوانا^۶ هستند. یکی به طور ژنتیکی دارای ترس از مرگ است و دیگر نسبت به آن بی تفاوت است. یک شکارچی در مسیر آن‌ها به سرعت در حال دویدن است. اگر همه‌ی شرایط دیگر یکسان باشد کدام یک از افراد با توجه به گرایش خود به مرگ زنده می‌ماند تا به پایان این راه برسد؟

خواست زنده ماندن یک تنظیم‌کننده اجتماعی سودمند نیز هست. چندین مفسر به این نکته اشاره کرده که تنها وعده زندگی پرآب و تاب پس از مرگ، ترس ساده و طبیعی مرگ را سرکوب کرده و یورش ۱۱ سپتامبر را امکان‌پذیر نموده است. (۳) عضویت در رده کسانی که ترسی از روبرو شدن با مرگ ندارند چیزی نیست که برای کودکان خویش باید آرزو آن را داشته باشیم.

پس شاید بتوانیم هم‌صدا باشیم که مصون ساختن کودکان در برابر ترس از مرگ را باید از گزینه‌های هدف حذف کنیم. ولی گذشته از این‌ها با توجه به ابدی نبودن چه وظایفی در

بخش هفتم: مرگ و زندگانی

برابر کودکان بر دوش ما سنگینی می کند؟ من می گویم ما دو وظیفه داریم: فراهم کردن آرامشی منطقی و تشویق به درگیر شدن اندیشمندان.

وظیفه ۱: فراهم کردن آرامش

اگرچه نمی توانیم ترس از مرگ را در کودکان درمان کنیم ولی مهم است که اجازه ندهیم زیر بار آن خرد شوند.

حتا هنگامی که پای مرگ در میان نباشد خسارت و زیان برای کودکان موضوع دشواری است به ویژه در چند سال نخست زندگی. برای نوزادان بازی دالی به طور دقیق بازی تمرکز است زیرا پدر یا مادر محو شده و دوباره پدیدار می شود - یک جور رستاخیز کوچک که به جیغی از روی شادی می ارزد. اسباب بازی که می چرخد و زیر گهواره ناپدید می شود مایه برخاستن صدای زاری شدیدی می شود که لایق بیوه ایرلندی^۷ است. تنها پس از تجربه ها و پیشرفت کمابیش فراوان بچه ها تازه یاد می گیرند که چیزهایی که از محدوده ی بینایی خارج می شوند باز هم وجود داشته - و شاید باز دیده شود.

چندان جای تعجب ندارد که نخستین برخورد بچه ها با مرگ آشوب بی رحمانه باشد. پس از دروانی طولانی و با به سختی دور شدن از درک نادرست خود درباره از دست رفتن کسی ناگهان بچه می فهمد که آقای اسکی تلز، همستر^۸ از دست رفته و هیچ گاه برنخواهد گشت. جای شگفتی بسیاری ندارد که ما در خیالات خود جایگاه های امن و شادی را برای عزیزان و افراد مرحوم می سازیم تا بیرون از دایره قرار نگیرند.

خوشبختانه راه های آرامش بخش هوشمندانه ای وجود دارد تا به کودکان کمک کنیم که پایان راه را مرگ ببینند - هم برای خود و هم درباره دیگران - البته بدون نیاز به تصورات واهی زندگی پس از مرگ. این بخش افزون برای منابعی برای بررسی بیشتر چندین راه ها برای فراهم ساختن آرامشی صادقانه ارائه می کند.

7. Irish widow از دیوید کریگ

8. Mr. Skittles the hamster

بودا و دانه‌ی خردل

زمانی که بچه‌ام به دلیل بارداری خارج رحمی سقط شد زمان ناراحت‌کننده و ترسناکی برای بچه پنج‌ساله‌ی دیگر من بود. تنها چند هفته‌ی پیش بود که ما با شادی ترانه‌ای برای استقبال خانواده از نوزاد می‌ساختیم. ولی پس از آن بود که مادر برای عمل جراحی سه روز را در بیمارستان به سر برد. زمانی که به خانه برگشتم ناچار باید به دخترم می‌گفتم که بچه‌ای در کار نخواهد بود و خودم هم بیش از آن ناراحت بودم که دخترم را بغل کرده و به او آرامش بدهم.

اگرچه هنوز می‌توانستیم به آغوش هم پناه ببریم و چند روز بعد همان گونه که نزدیک هم روی کاناپه نشسته بودیم، ناگهان از دخترم پرسیدم، «تا حالا داستان بودا و دانه خردل را برایت تعریف کرده‌ام؟» پس از این که سرش را به علامت منفی تکان داد گفتم که، «روزگاری آموزگار بزرگی بود که به او بودا می‌گفتند. برخی از انسان‌ها گمان می‌کردند معجزه کند. بامداد یک روز مادری در حالی که بچه‌ی مرده‌اش روی دستش بود به دیدن او آمد. زن گفت «مردم می‌گویند که تو می‌توانی معجزه کنی. آیا بچه مرا زنده خواهی کرد؟ قلبم شکسته است.»

بودا گفت «اگر از خانه‌ای، دانه‌ی خردلی بیاوری که کسی در آن نمرده باشد، آن را در پایان روز برای من بیاور تا بچه را با آن زنده کنم.»

سپس به دخترم گفتم، «می‌توانیم بقیه ماجرای داستان را اجرا کنیم. روی دیوار می‌زنم و من گمان می‌کنم در را باز می‌کنم و تو مادر می‌شوی و از من می‌خواهی که اگر دانه خردل دارم آن را به تو بدهم.» دخترم در زد. من قیافه‌ی باز کردن در را گرفته و گفتم، «بله؟» او پاسخ داد «اگر بتوانم برای بودا یک دانه‌ی خردل از خانه‌ای را ببرم که کسی در آن نمرده باشد، او آن را برای زنده کردن بچه‌ی من به کار خواهد برد.» من گفتم، «متأسفم، دل می‌خواست کمک کنم ولی همین هفته‌ی پیش پدر بزرگ من مرد. هر چند پیر بود و دیگر وقتش رسیده بود ولی باز هم برای از دست دادن وی غمگینم.»

سپس گفتم، «خوب حالا بیا در خانه‌ی دیگری را بزنیم.» این بار داستانی که گفتم از این قرار بود که درست یک ماه پیش شوهرم در اثر تصادف با یک گاری گاو کش، مرد، اگر می‌توانستیم کمک می‌کردیم.» من گفتم که دو تا خانم چند دقیقه با هم گفتگو کرده و همدیگر را تسلی دادند. ما تعداد اندک دیدار دیگری را تصور کردیم. یک بار نقش مردی را بازی کردم که در پاسخ گفت، «راه درازی را پیموده‌اید. به نظر که خسته و تشنه می‌رسی. میل دارید که کمی استراحت کنی و لیوانی آب بنوشی؟»

دست آخر داستان را این گونه به پایان رساندم، «در پایان روز، زن به نزد بودا رفت و گفت، «خوب دیگر می‌دانم» و بودا برای خاک سپاری کودک به زن کمک کرد.»

بخش هفتم: مرگ و زندگانی

چندین روز پس از آن ما این داستان را باز هم بازسازی کردیم، گاهی با ماجراهای متفاوتی در زندگانی مردمی که آن‌ها را خیال می‌کردیم. سپس یک روز دخترم گفت، «امروز جای مادر بچه باش و در بزن.»

همین کار را کردیم و زمانی که ماجرای خودمان را تعریف کردم، دخترم گفت، «ما نمی‌توانیم دانه خردل بدهیم زیرا ما داشتیم بچه‌دار می‌شدیم ولی بچه مرد. ولی بابا و مامان می‌خواهند دوباره بچه‌دار شوند و شاید شما هم بتوانی دوباره بچه‌دار شوید.»

«فکر خوبی است»، این را گفتم و ادامه دادم «سپاسگزارم که این را به من گفتید.» سپس دخترم را در آغوش گرفتم.

این طور که بعد روشن شد من هیچ‌گاه بچه دیگری پیدا نکردم. ولی دخترم درس‌های ارزشمندی درباره آفریدن معنا از تجربیات دردآور به دست آورد. او یاد گرفت که این درد ما، تنها نیست و دانستن این موضوع مایه تسلی است. یاد گرفت چگونه انسان‌ها در تنگنا و درد با حمایت و تسلی به همدیگر آرامش می‌دهند. دخترم شبکه‌ای از دوستان را ساخته که مانند خواهر و برادر هستند. حتا برخی از آن‌ها مرا «ماما» صدا می‌زنند. این داستان تغذیه فراوان احساسات از یک دانه کوچک خردل است!

- مولین ماتسومورا

وظیفه ۲: کمک به کودکان برای پرداختن به ژرف‌ترین مفهوم

یکی یک وقتی گفته که مهم‌ترین و ژرف‌ترین موضوع زنده‌بودن ما پایان یافتن است که روی دیگر واقعیت آغاز آن است. (۴) یکی از ایرادات من به اندیشه زندگی پس از مرگ این هست که این اندیشه مایه گمراهی و انحراف ما از نگرانی ژرف و صادقانه میرا بودن می‌شود با این گمان که بابا آخرش واقعاً ما از میان نمی‌رویم!

پدر و مادران بی‌دین برای کمک به کودکان خود برای آغاز عمری با بازتاب نیرومند از مرگ و زندگی، با غوطه خوردن در ژرف‌ترین و غنی‌ترین جریان‌های اندیشه در موقعیتی یکتا هستند. میرا بودن همیشه آسان نیست ولی آیا به راستی می‌خواهیم تجربه کودکان خود از جهان را تنها به موقعیت‌های «همیشه راحت» محدود کنیم؟ آیا با گذشت این همه سال هنوز به این درک نرسیده‌ایم که پرمعناترین مشغولیات زندگی، شامل چالش‌ها نیز می‌شود؟

سخن را کوتاه کنم.

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

«همه‌ی ما لختی درنگ می‌کنیم تا پرسشی‌های پرسیده شده توسط بقیه انسان‌ها را باز هم بپرسیم، پرسشی که روشن می‌کند یک انسان چیست: «چرا من این اینجا هستم؟» «مرگ چیست؟» «امروز چگونه باید زندگی کنم؟» این‌ها برخاسته از ذهن بیمار نیست؛ این پرسش‌ها زندگانی را در کانون توجه قرار می‌دهد. اگر ما هزار سالی برای زندگی فرصت داشتیم شاید پاسخ به این پرسش‌ها چندان اضطراری نبود. به طور کنایه‌آمیز این مرگ است که به ما می‌آموزد چگونه زندگی کنیم.»

- ایکنات ایشواران^۲

جنسی، الکل، دین، مواد و هر چیز دیگری نویسنده هندی و استاد ادبیات انگلیسی

که سرانجام بچه‌ها با آن روبرو می‌شوند بدترین کاری که می‌توانیم انجام دهیم کوشش سخت برای دور نگه داشتن کودکان از موضوع تا جای ممکن است. هر چه بیشتر آن‌ها از اندیشیدن درباره این موضوعات دور نگه داشته شوند سرانجام در هنگام روبرو شدن با آن آشفتگی بیشتری را تجربه خواهند کرد. این گفته به معنای رویکردی «کنار آمدن» با مرگ از راه دور نیست. برعکس و به وارونه: گفتگوی رک، صادقانه و دلسوزانه درباره مرگ بهترین راه حفاظت و پاسداری از کودکان برای رنجی ناگهانی است که بعدها در زندگانی به سراغ آن‌ها خواهد آمد. کتاب تربیت فارغ از اصول مذهبی برای ژرف‌اندیشی پیرامون مرگ و شیوه‌ی پر ارزش و چهارچوب داری که مرگ به زندگانی ما می‌بخشد، بنیادی را برای بررسی سالم فراهم می‌سازد.

1. Michel de Montaigne

2. Eknath Easwaran

بخش هفتم: مرگ و زندگانی

در این بخش امیدواریم که اندیشه فلسفی را به اندیشه‌های یکپارچه عملی برگردان کرده و برای رویکرد و پذیرش این واقعیت راستین شگفت‌انگیز به کار بگیریم زیرا روزی هستی ما به پایان می‌رسد - و از سوی دیگر این واقعیت شگفت‌انگیز وجود دارد که ما نخست فرصتی برای بودن داریم.

پرسش و پاسخ

پرسش: چگونه یک فرد بدون دین می‌تواند بچه‌ای را که دستخوش ضربه‌ی دلخراش از دست دادن کسی شده، آرام سازد؟

پاسخ: پدر و مادران بی‌دین اغلب درباره چیزهای پرمعنا ولی بی‌فایده‌ای سخن می‌گویند که در هنگام از دست دادن خویشاوندی نزدیکی در زمان کودکی به آن‌ها گفته شده: «من می‌دانم که مامان در بهشت کنار خداست.» «خدا او را برد چون خیلی خوب بود.» («خوب دیگر بچه خوبی باش و سیت را بخور.»)

به سختی می‌توان یک کارشناس آندوه از جریان اصلی را یافت که در هنگام تسلی دادن به کودکی مصیبت‌دیده مشاوره‌های مذهبی را سودمند یا حتی قابل

«مرگ واقعیتی در زندگی است. به عنوان بزرگ‌سالی منطقی همه‌ی ما این را می‌دانیم. ولی به عنوان پدر و مادری نگران از سوی دیگر می‌خواهیم آن را رد کنیم و کودکان خود را در برابر واقعیت دردناک محافظت نماییم، به ویژه هنگامی که آشنای نزدیکی آن‌ها آخر عمرش باشد یا بمیرد. ولی همان گونه که از موارد سو مدیریت شده در برابر کودکان مانند رابطه جنسی، ترس و پرهیز از موضوع مرموز که به طور احساسی تحریک شده یا ترسناک می‌تواند ترس و نگرانی غیرضروری، کردار ناشایست و ضربه‌های روانی را تغذیه نماید.»

- جین برودی، ستون سلامت شخصی، نیویورک تایمز
۱۲ اوت ۱۹۸۷

توصیه بداند. پس از پیشنهاد راه‌های فراوان که در زیر آمده، چنین کارشناسانی به طور کلی یک جور مرثیه پایانی به سخنان خود می‌افزایند - چیزی مانند، با توجه به سنت‌های مذهبی

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

خانوادگی خودتان شاید بخواهید توضیحی درباره مرگ شخص به بچه‌ها بدهید مانند خواست خدا یا زندگی پس از مرگ. ولی متوجه باشید که عبارت‌هایی از این دست «او می‌خواسته پهلوی خدا برود» می‌تواند به احساس سردرگمی و بی‌قیدی بینجامد در حالی که «خدا او را پهلوی خود برده می‌تواند به احساس خشم منجر شده که به احساس گناه و ترس می‌انجامد.» (۵) بدترین سخن این گفته است که بچه نباید غمگین باشد («تو باید خوشحالی باشی، هم اکنون پیش خداست!») زیرا ناراحتی طبیعی کودک را نفی و غیرمعتبر می‌کند.

این چیزی است که نباید گفته و انجام شود. خوب پس کارشناس اندوه چه پیشنهادهایی

می‌دهند؟

- **صادق باشید.** گمان نکنید که چیز کمتر از بدترین رویداد زندگی بچه رخ داده است. ناراحتی و رنج او را معتبر بدانید. به کودک بگویید که تنها ناراحت بودن «درست» نیست: خوب هم هست. سوگواری وی مایه افتخار مادرش است چون نشان می‌دهد که او چقدر زیاد مادرش را دوست می‌داشته و به جای نگه‌داشتن در درون خود احساس واقعی را آشکار می‌کند.
- **در احساسات طرف مقابل شریک شوید.** خودداری در هنگام بودن با بچه‌ها به هیچ‌وجه، هیچ کمکی به کودک سوگوار نمی‌کند. سوگواری خود را با بچه در میان بگذارید- یا بهتر است آن را به نمایش بگذارید.
- **صبور باشید.** هیچ شیوه سالم یا مؤثری برای تاختن به روند اندوه وجود ندارد. این صلاح‌دید که «زمان گذاشتن او رسیده» تنها باید از خود شخص سوگوار صادر شود نه از بیرون.
- **گوش بدهید.** از کودک بخواهید که اگر مایل است احساس خود را بازگو نماید. اگر نخواست، به سکوت وی احترام بگذارید. بدون هیچ‌گونه قضاوت و داوری به سخنان بچه گوش کنید.
- **قوت قلب دادن چندین باره.** هیچ‌کسی نه می‌تواند پدر یا مادر مرده را زنده کرده نه می‌تواند وانمود کند که به سفر به جای دیگری رفته است.

بخش هفتم: مرگ و زندگی

ولی می‌تواند و باید هر کار ممکن را انجام دهد که بچه به طور شخصی احساس امنیت کرده، احساس کند که دوستش دارند و مواظب او هستند.

• **رک سخن بگویید.** فقدان پدر یا مادر دردناک‌ترین عنصر فاجعه مرگ افراد است. پرهیز از بردن نام مرحوم یا گفتگو از پدر یا مادر مرحوم بیشتر زمان‌ها احساس فقدان شخص را دردناک‌تر و شدیدتر می‌سازد. از خاطرات خود درباره شخص سخن گفته و نام مرحوم را به کار ببرید یا بگویید «مامان تو.» اگر نتیجه آن به گریه انجامید به یاد داشته باشید: هدف پرهیز از ناراحتی و اندوه نیست بلکه کمک به کودک برای گذر کردن از این سوگ و ماتم شدید است. اجازه دهید بچه آن شخصی باشد که در صورت دردناک بودن شدید گفتگو، آن را به شما بگوید.

منبع بسیار عالی: تروزی، ماریا^۳. گفتگو با کودکان پیرامون مرگ نزدیکان^۴ (نیویورک: پریمی ترید، ۱۹۹۹).

پرسش: اگر رویدادی برعکسی اتفاق افتد، آنگاه چه؟ دوست من یک مادر بدون دین است و به تازگی دختر خود را در اثر سرطان خون از دست داده است. من حتما نمی‌توانم رنجی را تصور کنم که او احساس می‌کند. تنها کاری که می‌خواهم بکنم دور کردن این رنج از او است. آیا بدون نوید بهشت این کار حتما ممکن است؟

پاسخ: این کار نه با نوید بهشت ممکن است - نه بدون نوید بهشت. حتما افراد مذهبی که داغ فرزند دیده رنجی بی‌اندازه بزرگی در دل داشته و دستخوش آشفتگی پریشانی بزرگی می‌شوند. برخی حتما در اوج غم‌زدگی احساس گناهکار بودن، دارند هم چنان که نه یک بار یا دو بار بلکه بارها به یاد می‌آورند که همه چیز در بهشت عالیست ولی باز هم حس بهتری ندارند.

3. Trozzi, Maria

4. Talking with Children About Loss

5. New York: Perigee Trade

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

من قبول دارم که مرگ فرزند بدون چون و چرا باید غیرقابل درک‌ترین نوع رنج و عذاب ممکن باشد. یکی از بهترین کارهایی که می‌توانید انجام داد تصدیق و اعتراف به این موضوع است. هرگز نگویید «من احساس شما را درک می‌کنم.» بدون شک احساس شخص داغ دیده را درک نمی‌کنید. تا جایی که روشن است بهتر است آن را به صورت این عبارت بیان کنید: «من حتماً نمی‌توانم درد و رنج شما را تصور کنم.»

اگرچه نمی‌توانید رنج شخص را بکاهید یا از میان ببرید ولی راه‌هایی هست که می‌توانید برای گذر و عبور از میان رنج به دوست خود کمک کنید:

- **در کنار وی باشید.** حضور شما نمی‌تواند جای بچه ازدست‌رفته را پر کند ولی پدر و مادران داغ‌دار کمابیش همیشه گفته که حضور دیگران مایه درهم نشکستن آن‌هاست تا زمانی که تنها هستند. شخص داغ‌دار را در آغوش بگیرید، گفتگو کنید و عبارت بسیار ساده «من بسیار متأسفم» را بر زبان بیاورید. به درد دل او گوش کنید. از هر گونه قضاوتی پرهیز کنید.
- **کاستن از فشار روزانه.** منتظر نمانید تا از شما خواسته شود. صورت‌حساب را پرداخت کرده، کارهای روزمره خانه را انجام دهید، بچه‌های دیگر را به مدرسه یا باشگاه برده، کارهای محوله را انجام دهید - تا هنگامی که چنین کارهایی مایه تنها جدا ماندن پدر یا مادر نشود.
- **توجه مخصوص به خواهر و برادر بازمانده داشته باشید،** بسیاری از آن‌ها اندوه خود را سرکوب کرده تا بر پدر یا مادر فشار بیشتری وارد نشود. با آنان گفتگو کنید و سوگواری آن‌ها را بجا بدانید.
- **درباره بچه سخن بگویید.** مانند مورد مرگ والدین، پرهیز از اشاره به نام مرحوم می‌تواند جای خالی شخص را بیشتر نشان دهد.
- **در دسترس بمانید.** برای پدر و مادر داغ دیده شرایط هیچ‌گاه مانند پیش نخواهد شد. فرض نکنید که برگشتن به سر کار یا گذاشتن چند روز یا هفته یا ماه به معنای پایان نیاز برای همدردی و غمخواری است. (۶)

بخش هفتم: مرگ و زندگانی

سازمانی عالی برای پدر و مادران داغدار: دوستان همدرد (www.compassionatefriends.org)، با بیش از ۶۰۰ شعبه در امریکا و انگلیس. «هوآدار هیچ دین یا فلسفی ویژه نیست.»

پرسش: من درباره جشنواره روز مردگان مکزیک شنیده‌ام. در این باره بیشتر توضیح دهید؟ آیا می‌تواند روش خوبی باشد که پدر و مادران سکولار باعث شوند کودکانشان درباره مرگ بیندیشند؟

پاسخ: روز مردگان (که دهم و یازدهم آبان - ۱ و ۲ نوامبر جشن گرفته می‌شود) یکی از نمونه‌های جالب از تلفیق عقاید در بسیاری از فرهنگ‌هایی است که در گذشته مستعمره بوده‌اند. اعمال و اعتقادات فرهنگ مهاجم (در این مورد کاتولیک اسپانیایی) با اعمال و اعتقادات محلی در هم آمیخته شده (در این مورد جشنواره مک‌تاگل سوهالت^۶ باستانی آزتک، ملکه زیرزمین و محافظ مردگان) و سنت تازه‌ای را می‌سازد. (۷)

مانند جشنواره سوون سلت‌ها (۸) روز مردگان لحظه‌ای را مشخص می‌کند که تابستان به زمستان تغییر می‌کند به عنوان زمانی که جهان مردگان و زندگان در نزدیک‌ترین حالت خود قرارگرفته است. مردم محراب ساخته و آن را پر از گل و خوراک محبوب شخص مرده ساخته تا عزیزان مرده را برای دیدار جلب کنند.

مردم به مزار رفته تا با مردگان ارتباط برقرار کنند. در شهرها رژه رقص مردگان با شرکت افرادی برگزار می‌گردد که یا جامه‌هایی مانند اسکلت پوشیده یا پوشاکی به سبک خویشاوند مرحوم بر تن کرده‌اند.

امروزه بسیاری از انجمن‌ها و گروه‌های آمریکایی جشنواره‌ی روز مردگان را برگزار می‌نمایند، به ویژه انجمن و گروه‌هایی که دارای جمعیت بزرگی از مکزیکی‌های جلا‌ی وطن کرده است. هر چند که این روزها زنی که در جشنواره به او ارجاع می‌شود و جای مک‌تاگل سوهالت را گرفته، مریم مقدس است ولی با این حال بسیاری از خانواده‌های سکولار

6. Mictecacihuatl

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

عناصر فراوانی از این جشن را گرفته، از آن لذت برده و آن را به کار می‌برند تا مرگ و ارزش زندگانی بر روی زمین بازتاب و منعکس کنند.

(برای جزییات بیشتر درباره روز مردگان بنگرید به بخش ۶ بخش «بزرگداشت زندگانی.»)

پرسش: من یک پسر پیش دبستانی دام که دائم از دوستان خودش می‌شنود که پدر یا مادر بزرگ پس از فوت به بهشت رفته و پس از مرگ بچه‌ها هم جدوآباد خود را خواهند دید. پس من دست‌آخر به این نتیجه رسیدم که این سخنان راست و درست است. چگونه می‌توانم او را از این نتیجه‌گیری دور کنم؟ یا آیا باید او را متوجه کنم؟

«هرازگاهی من به مرگ و مراسم خاک‌سپاری خودم می‌اندیشم. سپس از خویش می‌پرسم، «دوست دارم چه بگویم؟» اگر در روز اجل من هیچ یک از شما در آن اطراف بود، من مراسم خاک‌سپاری طولانی نمی‌خوانم. هم چنین اگر شخصی را برای مداحی مجلس ختم من آورید بگوئید که سخنرانی را طول ندهد... بگوئید که اشاره نکند که من جایزه صلح نوبل برده‌ام، چون اهمیتی ندارد. بگوئید که نگوید سیصد یا چهارصد نشان دیگر دارم، این‌ها هم مهم نیست... دوست دارم در آن روز یکی بگوید مارتین لوتر کینگ جونیور می‌کوشید با دادن جان خویش، جان دیگران را حفظ کند. دوست دارم کسی باشد که در هنگام اجل من بگوید مارتین لوتر کینگ جونیور کسی را می‌کوشید دوست داشته باشد. می‌خواهم

پاسخ: به بازی کودک با اعتقادات به عنوان «رسیدن به نتیجه درست بودن آن» نگاه نکنید. باید توقع داشته باشید که کودک شما در مسیر بالغ شدن کلاه دین‌های مختلفی را آزمایش کند، اعلام همبستگی با این عقیده یا آن یکی را کرده و سپس هفته بعد یکی دیگر. این بخشی از یک روند سراسر سالم برای ساختن ذهن شخص درباره پرسش‌های مذهبی است. به سادگی:

- اجازه دهید بداند شما چه باوری دارید و چرا.
- پرسش کردن از عقاید خود و دیگران را تشویق کنید از جمله باورهای خودتان را.

بخش هفتم: مرگ و زندگانی

آن روز بدون تعارف بتوانید بگویید که من می‌کوشیدم گرسنگان را سیر کنم... می‌خواهم بگویند کوشیدم تا به انسانیت عشق ورزیده و در خدمتش باشم. بله اگر می‌خواهید ما رهبر دسته معرفی کنید بگویند که من رهبر دسته عدالت‌خواه بودم؛ بگویند که من رهبر دسته گرفتن حق بودم. خوب بقیه چیزهای کم‌مایه دیگر، ارزش نخواهد داشت. من پولی ندارم که ماترک من باشد. من کالاهای تجملی و خوبی برای باقی گذاردن ندارم. ولی تنها می‌خواهم زندگی متعهد خودم را پشت سر رها سازم.»

- دکتر مارتین لوتر کینگ جونیور
از سخنرانی در کلیسای باپتیست البنزر
در ۱۵ بهمن ۱۳۴۶ (۴ فوریه ۱۹۶۸)

- همان گونه که در بخش ۳ اشاره شد به طور گسترده به وضعیت آموزش دینی پردازید،
- بچه باید بداند که به هر تعداد باری که خواست می‌تواند اصول عقاید خود را تغییر دهد و (از همه مهم‌تر) تصمیم نهایی با خودش است - و به این تعهد خود عمل کنید.

پرسش: آیا بچه‌های من (با سن ۶ و ۸ و ۱۰ سال) باید در مراسم به خاک سپاری مادر بزرگ شرکت داده شوند؟

پاسخ: هرچند این موضوع بستگی بسیاری به هیجان و احساساتی دارد که کودکان دارند ولی توصیه اکید من این است که به هر بچه‌ای که دوست دارد به مراسم خاک‌سپاری بیاید اجازه حضور داده شود. افزون بر

بهره‌های احساسی دانستن فرجام، بچه‌ها فرصت دیدن و مشاهده خانواده و گروهی از مردم را در روند سوگواری و بدرود گفتن خواهند یافت و خود نیز بخشی از این روند خواهند بود. بچه‌ها مدیحه‌سرایی درباره مادر بزرگ خود را خواهند شنید و می‌بینند کسانی او را دوست داشته و به یاد او هستند و فرصتی برای آغاز یک عمر ژرف‌اندیشی پیرامون ژرف‌ترین پرسشی را می‌یابند که زندگانی و مرگ را احاطه کرده است.

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

به طور نظری شما با سال‌ها گفتگو درباره مرگ، از مرگ پرنده‌ای در حیاط خلوت تا قدم زدن در گورستان. به شیوه‌ای غیراجباری و سازگار با اصول طبیعت‌گرایی که در سراسر این بخش از آن گفتگو شده آن‌ها را آماده خواهید ساخت. با فرض این آمادگی، مراسم خاک‌سپاری یکی از عزیزان گامی خوب و طبیعی به جلو در روند سبک و سنگین کردن موضوعی غیر قابل سنجش است.

پرسش: به تازگی یکی از دوستان خانوادگی ما مرده و اکنون دخترم به راستی از مرگ من یا پدرش می‌ترسد. او پیوسته از ما می‌پرسد که اگر ما بمیریم چه بر سرش خواهد آمد. چگونه به پاسخ بدهم که هم واقعیت را تحریف نکرده و هم دلگرم شود؟

پاسخ: ترس از مرگ پدر و مادر کمابیش همیشه مقدم بوده و بر ترس مرگ خود بچه‌ها سایه خواهد انداخت. از این‌ها گذشته این حس وجود دارد که نسل بزرگ‌تر میان ما و مرگ قرار دارند - یعنی تا زمانی که پدر و مادر هنوز زنده هستند سدی در راه رسیدن مرگ به بچه قرار دارد. (۹)

به بچه‌ها بگویید که راه‌های فراوانی هست که شما مراقب زندگانی خود بوده و از هم دیگر نیز مراقبت می‌کنید. ضرورتی ندارد که وانمود شود این راه‌ها یک حفاظت بدون نقص است. در واقع این پرسش روشن می‌کند که بچه از هم اکنون دل‌نگران عواقب چنین اتفاقی است. زمان بگذارید و برای این احتمال خودتان نقشه بکشید، قیمی یا چند قیم را برگزیده و به بچه‌ها بگویید که حتا درباره این احتمال بعید با دقت اندیشیده و امنیت آن‌ها برقرار مانده و کسی هست که مراقب آن‌ها باشد.

پرسش: ما ناچار باید تصمیم بگیریم که اگر اتفاقی برای ما رخ داد چه کسی باید از کودک ما مراقبت نماید ولی این تصمیم آسانی نیست. والدین و خواهر و برادران ما بسیار مذهبی بوده، دیدگاه تربیتی بسیار متفاوتی با دیدگاه ما دارند و هم چنین در استان دیگری زندگی می‌کنند. برای گرفتن این تصمیم چه کاری می‌توانیم انجام دهیم؟

بخش هفتم: مرگ و زندگانی

پاسخ: این تصمیمی سخت ولی مهم است، تصمیمی است که هر پدر و مادری باید برای آن زمان بگذارد.

یکی از بهترین راه‌ها برای پیشروی در آن بررسی موقعیت‌های فرضی تا حد امکان می‌باشد. به فرض کودک هر دو والدین خود را بدون هیچ هشدار و به طور ناگهانی از دست داده و جهان‌ش ناگهان از هم می‌پاشد. همه مسائل برای آن‌ها رنگ و بوی دیگری می‌گیرد. دو ملاحظه مهم و بزرگ در این مورد امنیت و استمرار یا پیوستگی می‌باشد. به عبارت دیگر برای نمونه شما می‌خواهید کودکان دست آخر زیر دست کسانی باشند که امنیت آن‌ها را (فیزیکی و احساسی) تأمین کرده تا این تغییر کمترین تکان را داشته باشد.

هیچ شکی نیست: ما غرق در دریای سوسی بودیم. برای سه هفته، هر داستانی که موقع خواب گفته شد از آفریده‌های دکتر سوس بود. سپس یک شب در میانه کتاب اوه جاهایی که خواهی رفت!^۱ بودیم که با سر رفتیم در دل فناپذیری.

آرین (۹ ساله): هنوز زنده است؟
من (یعنی بابا): کی؟
آرین: دکتر سوس^۲.

بابا: ای بابا، نه گمان کنم نزدیک پانزده سال پیش مرد. ولی زندگی طولانی خوبی داشت.
ناگهان فهمیدم که دولینی (۶ ساله) به گریه افتاده است.
بابا: ای بابا، عزیزم چی شده؟
دولینی: آیا کسی جای او را گرفته؟
بابا: منظورت چی بود، نازنین؟
دولینی: آیا کسی جای دکتر سوس برای نوشتن کتاب‌هایش را گرفته است؟ (و زد زیر گریه.) خوب من آن‌ها را خیلی خیلی دوست دارم و نمی‌خواهم هیچ وقت تمام بشود!
او را محکم در آغوش فشرد و هر جمله‌ی باورنکردنی که توانستم به یاد بیاورم را گفتم - هر چیزی غیر از «من مطمئن هستم که او در بهشت در حال نوشتن انتقام لورکس» است.

1. Oh, The Places You'll Go!

2. Dr. Seuss

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

من نگاهی به فهرست کتاب‌های سوس پشت جلد کتاب انداختم. سپس به آرامی گفتم «اوه خیر نداری؟» «ما هنوز نیمی از کتاب‌های او را هم نخوانده‌ایم!»
دختر با صدای بلند پاسخ داد، «ولی بالاخره همه‌ی آن‌ها را خواهیم خواند! و خوب بالاخره تمام می‌شود! تنها کاری که می‌شد کرد جابجا کردن هدف بود که مشکل را به هیچ رو حل نمی‌کرد. لنی (خودمانی دلینی) می‌خواست نویسنده شود. من هم این موضوع را قاپیده به او گفتم که بعید نیست دکتر سوس بعدی خودش باشد. دخترم از این فکر خوشش آمد و ما کتاب را به پایان رساندیم. روز بعد بر داستانی به نام «به چه باید علاقه‌مند باشم؟» کار می‌کرد که درباره دختری بود که صدای خودش را دوست نداشت چون هیچ‌گاه حرف نزنده بود.
هرگاه یکی از بچه‌های من گریه می‌کرد - به ویژه گریه عمیق واقعی از روی ناراحتی - به طور غریزی می‌خواستم که آن‌ها را شاد کنم. گاهی کاری خاصی نبود مگر اینکه چیزی را روی سرم گذاشته - هر چیزی - که بی‌درنگ خنده جای گریه را می‌گرفت. با بزرگ‌تر شدن بچه‌ها این کار کمی سخت‌تر می‌شود و ناراحتی محدود بودن که نشانه آن مرگ‌ومیر افراد موردعلاقه است جای زانوی خراشیده را می‌گیرد.

ولی آیا «شاد ساختن دوباره بچه‌ها» هدف درستی است؟

مرگ بی‌نهایت ناراحت‌کننده است اگرچه زندگانی را پر ارزش‌تر می‌سازد. گمان کنم چنین باشد. بنابراین نیازی نیست که خیلی با استعداد باشم تا هر باری که کودکان من با اندوه مرگ روبرو می‌شوند، فکر بکری بردارم یا رؤیایی ببینم. سد راه اندیشیدن نشوید تا ببیندند که معنای جمله‌ی دکتر سوس به پایان خط رسید چیست و حتا با چنین گریستن از ته دلی، هنگامی که به راستی قلبش شکسته باشد.

عبارت‌های مذهبی به طور چشمگیری متفاوت است بنابراین ضرورت بسیاری دارد تا بررسی کنید که اعضای خانواده شما در کجای این طیف قرار می‌گیرند. حرکت کودکان از خانه آزاداندیشی به منزل مذهبی بنیادگرا حتا با وجود نگرهبان‌های خوش‌نیت می‌تواند برای بچه‌ها درست در زمانی که نیاز به ثبات دارند با آشفتگی بسیار همراه باشد. به عبارت دیگر اگر محیطی با جهت‌گیری پیشرفته مذهبی باشد به طور کامل احتمال دارد که بتوان دوباره یک جابجایی باثبات و بدون آشفتگی سخن گفت. افراد مذهبی لیبرال فراوانی وجود دارند که به طور بی‌کم

بخش هفتم: مرگ و زندگانی

و کاستی نیت پرورش کودکان مرحوم را در یک محیط آزاد پرسشگر دارند. از فردی مورد نظر خود پیرسید تا ببینید که با پرسش درباره دین، مراجع و درباره مرزهای پژوهش چگونه برخورد می‌کند.

هواداران رفاه کودکان هم چنین کاستن از مختل‌کننده‌های دیگری را تا حد امکان توصیه می‌کنند مانند جابجایی به شهر یا استان دیگر و تغییر مدرسه.

اگر دارای دوستی خانوادگی هستید که به خوبی می‌شناسید کسی که شیوه تربیتی و باورهای وی بهتر با شما سازگار بوده در ناحیه شما زندگی کرده و نیت گرفتن مسئولیت را دارد چنین ملاحظاتی را می‌توان و باید بر روابط خانوادگی برتری و ترجیح داد. باری اما و اگرهای فراوانی وجود دارد ولی آن‌ها ارزش سنجش دارد. افزون بر این زمانی که در مورد بهترین وضعیت برای کودکان تصمیم گرفتید (و آن را به تأیید شخص مورد نظر رساندید)، آن را مستند کنید. برای گرفتن توصیه برای نوشتن یک پیمان‌نامه به یک مشاور حقوقی مراجعه کنید.

پرسش: من و شوهرم درباره اهمیت برنامه‌ریزی پیشاپیش برای مرگ خود موافق نیستیم. او می‌خواهد که جزییات برنامه‌ها نوشته شود ولی برای من اهمیت ندارد. اگر من مردم! مرا به خاک بسپارید نخواستید بسوزانید، یا به فضا پرتاب کنید هر چه که می‌خواهید! آیا من متوجه موضوع نشده‌ام؟

پاسخ: البته که بله. این پیش‌فرض نادرست که مراسم خاک‌سپاری بیشتر با مرده کار دارد تا زندگان.

تا جایی که مورد نظر ماست شاید در واقع هیچ اهمیت برای ما نداشته باشد که مراسم خاک‌سپاری خودمان چگونه باشد. ولی کمی به بازماندگان بیندیشید کسانی که شما را دوست داشته و از اصول عقاید و باورهای شما آگاه بودند. بازماندگان با مسائل بسیاری دست به گریبان خواهند شد مگر اینکه خواسته‌های خویش را به طور کامل روشن ساخته یا به عبارت دیگر روشن سازید که هیچ اهمیت برای شما ندارد. آن‌ها نمی‌دانند که آیا باید رونقانی برای مراسم بیاورند؟ آیا باید مراسم در پرستشگاه انجام گیرد یا مناسب نیست؟ آیا جلوی چشم‌های فاله کلادیس را نون

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

می‌گیرد اگر تصویری از آندروما به صلیب آویخته شود؟ آیا آواز «آو موریآ» برای خواندن زیادی مذهبی است؟

اینک شما دریافتید که مشکل کجاست. افراد بی‌دین حتما دارای مسئولیت بیشتری برای رک بودن دارند زیرا هیچ نهاد و سازمانی وجود ندارد که این شیوه‌ها را برای بازماندگان آنها تشریح کند. بسیاری از عبارتهای مذهبی دارای عناصر بنیادی قابل جایگزین مراسم خاک‌سپاری بوده ولی یک مراسم بدون دین باید از آغاز برنامه‌ریزی شود. اگر می‌خواهید مراسمی فارغ از دین داشته باشید کتاب‌های بخش منابع را به کار گرفته و وصیت‌های خود را برای نواختن موسیقی و آواز خواندن روشن کنید. از سوی دیگر اگر به راستی هیچ اهمیتی برای شما ندارد این موضوع را به طور کامل برای وراثت خود روشن ساخته و آنها را از کشمکش، احساس گناه و بی‌اطمینانی نجات دهید.

پرسش: هیچ یک از بچه‌های من (۳ و ۶ ساله) هرگز مرگ کسی را ندیده ولی چند خویشاوند بسیار نزدیک دارند که بسیار مسن و مرگ آنها نزدیک است. چگونه می‌توانم کودکان خود را به بهترین وجه برای نخستین برخورد با مرگ آماده سازم؟

پاسخ: نخستین راه طبیعی و متعارف نشان دادن مرگ از زمان بسیار زود آغاز می‌گردد. ما انسان‌ها دارای کمابیش توانایی بی‌نهایتی برای پذیرش هستیم حتی چیزهای بسیار عجیب و غریب و بسیار دشوار و سخت البته اگر چنین چیزهایی از آغاز برای ما طبیعی و متعارف نشان داده شود. بار بعدی که با مادر خود دیدار داشتید این اندیشه در ذهن شما بدرخشد که شما از بدن او پا به این جهان گذاشته‌اید. مرگ عجیب‌تر نیست - ولی چون (البته غیر از افرادی که هنوز فکر می‌کنند نوزادها را لک‌لک‌ها می‌آورند) موضوعی دائمی و همیشگی برای ماست، ما به سادگی با او به شیوه‌ای سخن می‌گوییم انگار او شخص دیگری در جهان است نه آستانه‌ای برای آغاز ما. ما چیزی به طور شگفت‌انگیزی عجیب را به عنوان طبیعی می‌پذیریم زیرا هیچ

بخش هفتم: مرگ و زندگانی

وقت جور دیگری نبوده است. داگ لاس آدامز^۴ که فردی بی همتاست این موضوع را به خوبی در گفته خود آورده است: «این واقعیت که ما در ته یک چاه گرانشی قوی، بر سیاره‌ای که با گاز احاطه شده و به گرد یک گوی آتشین هسته‌ای با فاصله‌ای نزدیک به ۱۴۴ میلیون کیلومتر (۹۰ میلیون مایل) گردش می‌کنیم و گمان کنیم، طبیعی است یک جور اشاره به این است که چقدر دیدگاه‌های ما گرایش به انحراف دارد.» (۱۰)

همین سخن را می‌توان درباره فناپذیر بودن گفت. اگر بچه‌ها با این آگاهی بزرگ شوند که هیچ انسانی با عمر جاودانه وجود ندارد در ذهن آن‌ها ثبت می‌شود که این موضوع طبیعی و عادی است. هیجان‌انگیز نیست و حتا شاید آسان هم نباشد ولی احتمال بیشتری دارد که آن‌ها واقعیت را پذیرفته و اگر با آن آغاز کنند در واقع آن‌ها با درک آن به کارهای عادی زندگی روزمره بپردازند. بعید نیست بچه‌های حتا متوجه شوند که چگونه فناپذیر بودن هر لحظه از زندگانی را به طور بسیار شگفت‌انگیزی گران‌بها تر می‌سازد. بنابراین هرگز به مرگ چون موضوع غیرقابل لمسی نپردازید. از هر جنبه‌ای آن را بررسی کنید. هر چه بیشتر شناخته شود کمتر ترسناک خواهد بود. این چالشی پیوسته برای کنار آمدن با مرگ است ولی کودکان ما همه آینده را خواهند داشت اگر ناچار نباشند تا زمان و توان خود را برای زدودن بهشت و جهنم از نقشه‌های مفهومی خود صرف کنند.

به‌هرحال برای آموزش عمری درباره فناپذیری بعید نیست پای جانوران خانگی نیز به طور تصادفی به میان کشیده شود. اگرچه ما جانوران خانگی نمی‌خریم تا کودکان مرگ را تجربه نمایند (البته به استثنای احتمالی آکواریوم، با عرض پوزش!) ولی بیشتر جانوران خانگی البته به استثنای لاک‌پشت‌های گول‌پیکر خشکی زی^۵ زودتر از صاحب خود خواهند مرد. مرگ انواع خوکچه‌هندی، سگ، ماهی و خرگوش‌هایی که من نگه می‌داشتم نخستین آشنایی من با مرگ‌های غیرقابل برگشت بود. با مرگ آن‌ها هم یاد گرفتم که چگونه سوگواری کنم و هم چنین ژرفای عشقی را فهمیدم که قادر به احساس آن بودم. افزون بر این من شکی ندارم که مرگ

4. Douglas Adams

5. Giant land tortoise

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

آن‌ها به من کمک نمود تا برای مرگ ناگهانی پدرم آماده بشوم. دیدن مرگ آن‌ها نه مرحوم شدن پدرم را راحت یا آسان‌تر کرد نه سوگواری مرا کوتاه‌تر ساخت، اندوهی که هنوز هم با آن زندگی می‌کنم. ولی سوگ و اندوه رسیده می‌توانست مرا به طور کامل زمین‌گیر سازد اگر فوت پدرم نخستین مرگی بود که تجربه می‌کردم.

پرسش: می‌توانم درک کنم که تجربه مرگ جانور خانگی می‌تواند به آماده ساختن بچه برای مرگ‌های اندوه‌بارتری کمک می‌کند که برایش رخ خواهد داد، ولی چگونه می‌توانم به کودکم کمک کنم که برای مرگ جانور دست آموزش آماده شود؟ ما یک سگ پیر بسیار مورد محبت داریم و من نگران تأثیر شدیدی هستم که مرگ جانور بر بچه‌هایم خواهد داشت. چه باید بگویم؟ با جنازه سگ چکار کنم؟ می‌خواهم تجربه‌ای سالم پیرامون اداره کردن احساسات و جزئیات برای همه خانواده‌ام باشد.

پاسخ: مرگ یک جانور دست‌آموز کمابیش شاید به اندازه مرگ یک از اعضای خانواده برای یک کودک گزنده و آشفته‌کننده باشد. اولویت نخست تشخیص آن و اطمینان از آن است که شما نیز مردن جانور را به همان اندازه جدی گرفته‌اید. برای نمونه در زیر چندین راهنمایی است که کارشناسان رشد درباره آن‌ها هم عقیده هستند:

- **چاه را پیشاپیش بکنید.** گفتگو درباره این واقعیت که سگ شما برای ابد زندگی نمی‌کند می‌تواند به بچه‌ها کمک کند تا از زمان باقی مانده بیشترین استفاده را کرده و احساس کنند که به طور مناسبی بدرود گفته‌اند. از جانور فیلم و عکس تهیه کنید. اگر بچه‌ها می‌خواهند اجازه دهید برای جانور هنوز زنده، نامه نوشته و عشق خود را ابراز کنند.
- **صادق باشید.** درست مانند مرگ یک انسان در این مورد نیز مهم است که صادقانه با موضوع برخورد کنید. نگوئید سگ ما رفته مسافرت یا (اِهه) خوابید و بیدار نشد. با این فرصت دست بالا را گرفته برای اینکه به آرامی واقعیت مرگ را پیش کشیده در حالی که کودک را دلگرم می‌سازید که چیزهای تسلی‌دهنده‌ی بسیاری برای کمک به ما برای گذر از سوگواری وجود دارد.

• **کودک را مشغول سازید - تا یک حدی.** اگر شما نقشه‌ی برای به خاک سپردن جانور مرده را دارید (خوب بله، این گزینه‌ای قابل پذیرش بود اگر شهرداری اینجا اجازه می‌داد) به کودک گزینه شرکت در مراسم را پیشنهاد دهید. این اعلام که جانور به خاک سپرده شد پس از انجام عمل می‌تواند به طور جدی روند سوگواری را با اختلال روبرو سازد، مانع احساس صمیمیت شده و اطمینان کودک به شما را با خطر روبرو سازد. در کنار مقبره از هر کسی به تربیت بخواهید داستانی درباره جانور خانگی تعریف کند، آواز بخوانید، اسبابی بازی در قبر بگذارید، خداحافظی کنید. در تصمیم‌گیری برای کشتن دلسوزانه‌ی^۶ جانور خانگی به هیچ‌وجه^۹ پسندیده نیست که بچه‌ای را شرکت دهید. چنین تصمیم اخلاقی پیچیده و چند لایه حتا برای یک بزرگ‌سال نیز آکنده از رنج است. در بیشترین موارد نیز توصیه می‌شود که بچه‌های کوچک هنگام کشتن از روی دلسوزی^۷ حاضر نباشند، اگرچه نوجوان‌ها شاید بخواهند که خود در این باره تصمیم بگیرند. دیدن جانور پس از کشتن دلسوزانه برای یک بار دیگر شاید در روند سوگواری برای کودکان کمک‌کننده باشد. این لحظه‌ای است که بدون شک دل هر کسی را به درد خواهد آورد ولی بسیاری از والدین گزارش داده‌اند که روند ختم بدون دیدار آخر بسیار سخت‌تر بوده است.

• **به اندوه بچه‌ها ارج و اعتبار داده و آنان را برای اندیشیدن تشویق کنید.** واقعی دیدن اندوه بچه‌ها در سوگ جانور خانگی، مانند مرگ یک انسان مهم است اجازه دادن به آن‌ها برای اشک ریختن و اجازه دادن به مشاهده و شنیدن درباره احساسات شما مهم است. جوری برخورد کرده که بچه‌ها پرسش‌های خود را پرسیده و به آرامی و با صداقت به پرسش‌ها

6. Euthanize

7. Euthanasia

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

پاسخ دهید. بیشتر زمان‌ها مرگ یک جانور خانگی نخستین برخورد کودکان شما با این جستار زندگانی است. این روند را با حضور در مراسم گرامی بدارید به روند اجرایی آن اعتبار ببخشید.

این تجربه زود هنگام می‌تواند به معنای واقعی کلمه به کودکان چگونه سوگواری کردن را بیاموزد - هر چه باشد بخشی جدایی‌ناپذیر زندگی است. بچه‌ها در این روند می‌توانند چیزهای فراوانی درباره خویش و هیجانان خویش یاد گرفته و از سوی دیگر در اندیشه‌های خویش درباره واقعیت مردن هر چیز زنده، پیشرفت کنند.

پرسش: دختر ۷ ساله‌ی من به تازگی ترس از مرگ خودش را تجربه می‌کند. در حالی خودم به جهان آخرت ایمان ندارم چگونه می‌توانم به او آرامش بدهم؟

پاسخ: فیلسوفان در گذر دوران با اندیشه مرگ دست به گریبان بوده و برای ذهن‌های بالغ‌تر گاهی تسلی‌های نوآورانه‌ای ساخته که درباره چند مورد آن‌ها در زیر گفتگو شده است. برای بچه‌های بسیار کوچک دو راه اصلی برای کاهش ترس وجود دارد:

۱- **فاصله‌ی زمانی.** این موضوع مانند یک تردستی کم ارزش به نظر می‌رسد ولی ساده است مطمئن ساختن بچه‌های کوچک از داشتن عمر بسیار طولانی به طور کامل مؤثر است. زمانی که دخترم آری^۸ در سن هفت سالگی برای نخستین بار گفت «من نمی‌خواهم بمیرم» من پاسخی ساده دادم، گفتم «می‌دانم که منظورت چیست. من هم نمی‌خواهم بمیرم! ولی تو پیش از هر چیز صدسال عمر خواهی کرد. تو از مامان هم پیرتر خواهی شد حتا پیش از تمام شدن عمرت از مادربزرگ هم پیرتر خواهی شد!» برای یک بچه هفت ساله، سنی «پیرتر از مادربزرگ» آن قدر زیاد است که کمابیش در نزدیک مرز فناپذیری قرار گرفته و ترس از مرگ را تسکین می‌دهد، (دست کم تا هنگام بحران‌های میان‌سالی).

8. Erin

۲- سوء تفاهم‌های درباره مرگ را درست کنید. زمانی که خود من بچه بودم کوشیدم تا مرگ را بدون آخرت درک کنم تصویری به راستی ترسناک نصیب شد - آن را این طور توصیف کنم - «شناور در سیاهی برای ابد.» در مقایسه با آن (و در مقایسه با ترسناکی جهنم و ملال‌آوری بهشت) عدم وجود واقعی یکسره دوست‌داشتنی است.

پرسش: خوب چگونه نبودن را درک می‌کنید؟ من دوران سختی را برای درک کردن آن می‌گذرانم.

پاسخ: این کار را کردید، یا نه؟ پس می‌توانم حدس بزنم که موجودی خودآگاه هستید. نسبت به یک ناموجود ناهشیار هیچ چیزی برای یک موجود خودآگاه دشوارتر از درک عدم وجود ناآگاهانه نیست. این موضوع به طور کامل بیرون از دایره تجربه ما می‌باشد چون این عدم تجربه، یک عدم درک است.

این نقصی در «شناور بودنم در سیاهی برای ابد» بود. در گام نخست بایستی تاریکی درک شده باشد. در عوض ناچارید نیستی را درک کنید و یک راه بزرگ برای این کار وجود دارد: تأیید اینکه پیش از بودن «وجود نداشته‌اید- و زمان بسیار طولانی هم به این صورت گذشت.

این اندیشه که به شیوه‌های مختلف به لوکرتیوس و اپیکور فیلسوف نسبت داده «ترتیب متقارن»^۹ نامیده شده است. زندگانی هر شخصی تنها با یک مرز نیستی مشخص نشده بلکه با دو کرانه نیستی مشخص می‌شود: دوره‌ی پیش از متولد شدن و دوره‌ی پس از مرگ. اگر بچه‌ای - یا بزرگی سالی به دلیلی مشابه- ترس خود را از آموزه مرگ را آشکار سازد پرسید آیا یک سده یا صدسال پیش نیز می‌ترسیده است. زمانی که شخص خندیده و پاسخ می‌دهد، «البته که نه! من نبوده‌ام!» توضیح دهید که زمانی که زندگی وی به پایان رسید به طور دقیق یکسان خواهد بود. به معنای واقعی کلمه هیچ تفاوتی وجود ندارد. در این موضوع تسلی واقعی وجود دارد.

9. Symmetry argument

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

پرسش: در برخورد با مرگ فلسفه و دانش چه تسلی‌های دیگری می‌تواند به افراد بی‌دین بدهد؟

پاسخ: همه‌ی انسان‌ها در آموزه‌های یکسانی تسلی را نیافته بلکه در گام‌های متفاوت بررسی فناپذیری می‌یابند. در زیر سه شیوه دیگری برای آزمودن بزرگی آمده است:

۱- **محافظه‌کار:** آرون فری من^{۱۰} مفسر رادیو ملی دولتی در گفتاری به نام «باید فیزیک‌دانی در مراسم خاک‌سپاری شما سخنرانی کند» سخنی درباره دید نوینی تسلی آمیزی را پیش می‌کشد. گزیده‌ای از این سخنرانی:

باید فیزیک‌دانی در مراسم خاک‌سپاری شما سخنرانی کند. باید فیزیک‌دانی در میان خانواده داغدار شما پیرامون پایستگی انرژی سخن بگوید به این ترتیب درک خواهند کرد که انرژی شما از میان نمی‌رود. بخواهید که این فیزیکدان قانون نخست ترمودینامیک را به مادر شما گوشزد کند؛ بگوید که در جهان انرژی به وجود نمی‌آید و هیچ انرژی نیز نابود نمی‌شود. بخواهید تا مادر شما بداند که همه‌ی انرژی شما... هر موجی از ذراتی که وجود کودک دوست‌داشتنی او را می‌ساخته همراه وی در این جهان باقی خواهد ماند...

در هنگام سخنرانی فیزیکدان شاید اندک کسانی باشند که خویشتن را با چیزهایی سرگرم سازند. افزون بر این وی به آن‌ها خواهد گفت که گرمایی که در دوران عمر در دوران شما جاری بوده هنوز هم هست، هنوز هم بخشی از کل ما است حتا هم چنان که سوگواریم با آن چرخ زندگانی خویش را چرخانده و گرم می‌کنیم.

از سوی دیگر باید بخواهید که فیزیکدان برای کسانی که شما را دوست داشته توضیح دهند که نیاز به داشتن ایمان ندارند... دانش کارآمد

10. Aaron Freeman

بخش هفتم: مرگ و زندگانی

است... بر طبق قانون بقا یا پایداری انرژی یک ذره از وجود مرحوم از میان نمی‌رود؛ تنها نظم موجود را از دست می‌دهد. آمین. (۱۱)

برخی بقای ماده را بی‌ربط و بدون هیچ تسلی خواهند یافت، ولی هستند کسانی که این قاعده را هم چون روزه‌ای به پیشرفت بزرگ‌تری از سهم ما در این گیتی ادامه‌دار ببینند و من هم از این دسته هستم. هر اتمی از پیکر من و شما از نخستین لحظه‌های آغاز گیتی وجود داشته و تا پایان زمان باقی خواهد ماند. این موضوع که این اتم‌ها برای لحظه کوتاهی به هم پیوسته تا پیکر ما را بسازند، هم شگفت‌انگیز و هم مبهوت‌کننده است. هم چنین این نکته که «من و شما» از میان نمی‌رویم اگرچه با آرایشی بسیار بی‌نظم‌تر ادامه پیدا می‌کنیم، نکته‌ای است که ارزش اندیشیدن را دارد.

۲- **وارونگی و معکوسی مرگ و زندگی.** ما به این اندیشه گرایش داریم که زندگی را مانند شرایط طبیعی خود دانسته و مرگ را یک جور وضعیت متضاد و چالش‌انگیز چنین شرایط طبیعی می‌بینند. ولی رصد زندگانی خویشتن در چشم‌اندازی گسترده‌تر چنین دیدگاهی را در ذهن شخص وارونه می‌سازد. از سوی دیگر چون چنین قطعاتی که ذهنیت ما را می‌سازد همیشه در کنار ما بوده و همیشه هم خواهند ماند، نبودن می‌تواند هم چون شرایط طبیعی و نرمال دیده شود، البته به جز چشمکی کوتاه در پهنه‌ی بسیار گسترده عدم وجود- ترق، تورق - همین. یک عمر می‌گذرد، یک آگاهی به پایان می‌رسد. این دیدگاه به جای دیدن مرگ به عنوان وضعیتی بد و وحشیانه به ما اجازه می‌دهد تا مرگ را به عنوان هنجار و زندگانی را هم چون استثنایی بوالهوسانه بنگریم.

آرتور دوبرین به این صورت آن را بیان می‌کند: «گمان کنم دو مأخذ برای آramش افراد سوگوار وجود دارد. نخست این تشخیص که راز بزرگ مرگ نیست بلکه پا گذاشتن به جهان هستی است، این نیست که عزیزی از دست‌رفته بلکه راز

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

بزرگ این است که این عزیز در این جهان بوده است.» (۱۲) با درک واقعی از این چشم‌انداز وارونه افسوس ما از مرگ می‌تواند به قدردانی از زندگانی تبدیل گردد.

۳- **چقدر احتمال زاده شدن یک شخص کم بوده است.** موضوعی بسیار نزدیک با موضوع بالا اندیشیدن ژرف پیرامون احتمال بسیار اندک برای وجود هر یک از ما انسان‌هاست. برای میلیاردها سال هر انسانی موادی ساده - انبوهی از عناصر گسسته- بوده است. بخش بزرگ گیتی - $99/999999$ درصد آن- بی حس و هوش، ناخودآگاه و بی کنش است. البته ما انسان‌ها خوش‌شانس بوده‌ایم. با وجود بیش از کوآدریلیون‌ها احتمال ترکیبی از عناصر و دی‌ان‌ای (DNA) و علی‌رغم شمار بی‌نهایت از مواردی که می‌توانسته نیاکان مستقیم هر شخصی را از دیدار یکدیگر محروم سازد، از اینکه هم دیگر را جذاب ببینند، از اینکه (درست در زمان دقیق) نزدیکی کنند و علی‌رغم مواردی بی‌نهایتی که می‌توانسته از رشد هر شخص و ورودش به جهان بزرگ‌سالی جلوگیری نماید - علی‌رغم همه‌ی این ناممکن‌های باورنکردنی، بفرمایید ما اینجاییم. مبارک باشد.

در پرتوی این بخت و اقبال بلند، گله و شکایت از این واقعیت که چرا زندگانی ابدی نیست و ما برای ابد زنده نمی‌مانیم بسیار کثیف و آژمندانه به نظر می‌رسد، این طور فکر نمی‌کنید؟

تسلیهایی وجود دارد که من آن‌ها را پرمعنا دیده‌ام. افرادی دیگر هستند که چنین تسلی را در هنر، در موسیقی در شعرهای متعالی یافته‌اند - برخی هم در تصورات افسانه‌ای. شما هم انتخاب کنید.

پرسش: نوه ده ساله‌ای داشتم که به تازگی با خودرو تصادف کرده و کشته شد. چگونه می‌توانم به کودکانم کمک کنم تا با مرگ ناگهانی این بچه آن هم با این سن کم کنار بیایند؟

بخش هفتم: مرگ و زندگانی

پاسخ: هیچ شکی وجود ندارد که مرگ شخصی در چنین سنی - که مایه احساسی می‌شود که گویا نظم و ترتیب طبیعت به هم ریخته - درد جانکاه بیشتری را به سوگواران تحمیل می‌کند. روحانی دکتر کندیل گیسون^۱ گفته است که «هنگامی که فرزند یا دوست هم سن و سال بچه فردی می‌میرد، بیشتر زمان‌ها رخدادی ناگوار و شدیدتر برای بزرگسالان و رخدادی گیج و حیران کننده تر برای کودکان است زیرا «فرض نیست» که چنین رویدادی رخ دهد.» (۱۳) افزون بر همه تسلی‌هایی که برای سوگواران «عادی‌تر» تشریح شد کودکان در چنین موقعیت‌هایی باید به طور ویژه دوباره اطمینان خاطر داده شده که آن‌ها در نتیجه این مصیبت در معرض ریسک و خطر بیشتری نیستند. هم چنین هم زمان نباید ناپسند شمرده شود که بر شیوه‌های امنیتی تأکید کنید (احتیاط، کمربند ایمنی و غیره) که بچه‌ها می‌توانند از ایمنی خویش مطمئن شوند. اگر چنین مرگ دردناکی بر کودکی تأثیر ویژه‌ای گذاشته مشاوره‌ی حرفه‌ای گزینه‌ای است که ارزش بررسی دارد.

اگرچه در چنین موقعیت‌هایی پدر و مادران بدون دین به تسلی‌هایی عرضه شده دینی دسترسی ندارند ولی دارای یک برتری قابل توجه هستند: پدر و مادران بی‌دین این وظیفه بسیار ناخوشایند را بر دوش ندارند که در این باره توضیح دهند که یک خدای رحمان و رحیم و قادر مطلق چگونه اجازه می‌دهد که چنین رویدادهایی رخ دهد.

«حدس می‌زنم که دیگر هرگز تو را نبینم»

موفقیت ما به عنوان پدر یا مادر کودکی داغ‌دیده تناسب اشک‌ها یا ژرفای ماتم را وارونه و معکوس سازیم. دوست‌داشتنی‌ترین رویکرد بیشتر زمان‌ها صادقانه‌ترین آن‌هاست - رویکردی که بدون ترس در چشم مرگ خیره شود، وجود اندوه را معتبر دانسته و تأیید کرده و اجازه دهیم فرد داغ‌دیده غم خویش را ابراز کند.

1. Rev. Dr. Kendyl Gibbons

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

هنگامی که لوکاس^۲ چهارساله سخن گفتن درباره مرگ را آغاز کرده پدر وی آندرو^۳ این قدر او را دوست داشت و برایش ارزش قائل بود تا پرسش‌هایش را جدی بگیرد. نتیجه آن انگیزه و دلیلی احساسی پسر آندرو در نخستین برخوردش با فناپذیری بود که با مرگ یک جانور خانگی رویداده بود. این رویداد برای بار نخست در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۷ (۳۰ آوریل ۲۰۰۸) در تالار گفتگوی www.AtheistParents.org پست شده است.

امروز سی‌مور^۴ گربه ما جان خودش را تسلیم کرد. او یک گربه نر ۱۷ ساله بود و کلیه‌های وی از کار افتاد.

پس از مرگ او من به همراه لوکاس بیرون رفته قبری برایش آماده کردیم. لوکاس به خاطر کندن قبر بسیار هیجان‌زده بود. همین هیجان را در گورستان و آرامگاه نیز داشت. کمی به این خاطر که «چیزهای ترسناک» را دوست داشت و تاحدودی هم به دلیل نادانسته‌هایش پیرامون مرگ. نزدیک به پنج ماه پیش پرسش‌های او درباره مرگ آغاز شد. من به او گفتم «هر چیز زنده‌ای خواهد مرد.» شبی پرسید که این خانم پیری که در تلویزیون برنامه دارد خواهد مرد. پاسخ دادم، «هر چیز زنده‌ای بالاخره روزی خواهد مرد.» سپس پرسید «من هم خواهم مرد؟»

من با لحن حساب‌شده‌ای گفتم، «هر موجود زنده‌ای روزی خواهد مرد.» او گفت، «من نمی‌خواهم بمیرم» سپس ادامه داد «می‌خواهم همیشه باشم! می‌خواهم با همه‌ی این ماشین‌ها بازی کنم! به همه‌ی رستوران‌ها برم! هر چی کتاب هست بخوانم! نمی‌خواهم بمیرم!» پس از کمی تعریف و کمی اشک ریختن گویا آرام شد. از آن روز «چیزهای ترسناک» و گورستان‌ها نقش بیشتری در بازی‌های او داشت. سپس، سی‌مور هم مرد.

آوریل به خانه برگشت و پس از دل‌داری و تسلی‌های من، هر دو راه افتاده و به سوی آرامگاه محقر رفتیم. لوکاس جلوتر از همه، کمابیش لی‌لی می‌کرد. «قبری کن‌دیم و می‌خواهیم که جسد سی‌مور را در آن قرار دهیم.» ما جسد گربه را در سوراخ قرار داده و هنگامی که نخستین بیل خاک را روی گربه مرحوم خودمان می‌ریختیم لوکاس با صدای بریده یکی دو بار غیرارادی خندید. دومین بیل خاک چهره‌ی پسرک را غرق اشک ساخت.

2. Lucas

3. Andrew

4. Seymour

«بدرود سی مور.» سپس ادامه داد «فکر کنم هرگز دیگر تو را نبینم،» و پیش از اینکه بتواند بگوید «دوستت دارم» حرفش را خورد.

لوکاس چند تا بنفشه‌ی وحشی و قاصد را چیده و بر روی تل خاک گذاشت. «من هم او را خیلی دوست داشتم. امیدوارم خاطرات روزهای سالم بودنش را به یاد بیاورم.» لوکاس یک تکه بلوک بزرگ سیاه رنگ را در یک سوی چاله گذاشت و از آوریل خواست که بنویسد «مامانی و بابا و لوکاس سی مور را دوست داشتند.»



کتاب کار

سوت زدن در گورستان

بدون محدودیت سنی

چندتا از پرمعناترین و ژرف‌ترین گفتگوها با بچه‌هایم را در گورستان‌ها داشته‌ام. هیچ سفر طولانی با خودرو در خانواده ما رخ نداده مگر اینکه برای درکردن خستگی پاهایمان در آرامگاه‌های کنار جاده ایستاده‌ایم و به تخیل پیرامون موقعیت دل‌انگیزی پرداختیم که در حال حاضر در آن قرار داریم.

قبرستان درستی انتخاب کنید- دست کم صدساله با سنگ‌قبرهای مختلف بهترین انتخاب است. به سناریو نیازی نیست. بچه‌ای که هرگز درباره مرگ چیزی نشنیده باشد یا «بیمار» است یا در غیر این صورت از این درگیری سالم دور نگه‌داشته شده بی‌درنگ درباره این کشف آغاز به ابراز آن خواهد کرد. سنگ‌قبرها خبر از فاجعه‌هایی نیز می‌دهد - جوانی ۱۹ ساله که در ۱۳۲۳ خورشیدی (۱۹۴۴ میلادی) مرده است که بعید نیست سرباز بوده؛ زنی که پس از یک هفته از پی شوهر مرحومش دار فانی را وداع گفته؛ مردی که به همراه پسر هفت ساله‌اش در همان روز مرحوم شده است؛ نوزاد و بچه‌های کم سن و سال؛ سی چهل تنی که در یک زمستان مرده‌اند، شاید یک بیماری واگیر باعث مرگ آن‌ها شده باشد. ولی گذشته از این

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

موارد شاید سنگ قبر بانوی بزرگ خاندان با قدمتی یک صد و چندساله نیز دیده شود که نام شهرک نیز از نام او گرفته شده است، تجلی عشق خانوادگی و مدرکی دیگر در میان مدارک بی شمار پیرامون افرادی که خوب زیسته‌اند.

اگر در گورستانی آرامگاهی یافتید که مرثیه‌ای مانند - عزیز مادر، هنرمند و دوراندیش، او بسیاری از انسان‌ها را شاد ساخت و... - بیندیشید و با آوایی بلند اعلام کنید که خودتان می‌خواهید در کدام دسته قرار داشته باشید. کدام جمله‌ی کوتاهی پیرامون مجموع زندگانی شما وجود دارد که امیدوارید به خاطر آن، به یاد آورده شوید؟ بچه‌ها برای جور دیدن مرثیه‌های کنده شده بر سنگ قبرها با خویش - یا برای حدس که شما به راستی چگونه باید باشید - نیاز به هیچ محرکی ندارند!

اگر ناگهان به این اندیشه رسیدید که انجام چنین فعالیت‌هایی بدسیرتی و پلیدی است سریع این فکر را دور بیندازید، یک بار هم که شده قدمی در گورستان بزیند سپس ایمیلی به من زده و تشکر می‌کنید.

موضوعات مرتبط دیگر برای گفتگو:

مراسم به خاک سپاری خود را تصور کنید. می‌خواهید درباره شما چه بگویند؟ می‌ترسید درباره شما چه گفته شود؟ هم اکنون چه می‌توانید بکنید که «فیلم‌نامه» تغییر کند؟

گفتگو درباره موارد «حق مردن»^۵

سن ۸ سال و بیشتر

راهی مناسب سن بچه‌ها برای گفتگو درباره‌ی خبری بیابید که به مورد «حق مردن» بپردازد. کودکان را از آرزوهای مربوط به درمان‌های پایان زندگانی خود آگاه ساخته و در جای قابل دسترسی آن را بنویسید.

5. Right-to-Die

موارد دیگر پایان زندگانی

سن ۶ سال و بیشتر

به طور اتفاقی پیرامون خواست‌های خود درباره (سوزانده شدن، خاک‌سپاری و غیره) سخن گفته و درباره جایی که دوست دارید به خاک سپرده شوید، یا خاکستر شما پخش شود و غیره نیز گفتگو کنید. الگویی راحت بودن در چنین بحث‌هایی به کودکان کمک می‌کند. از بچه‌ها پرسید که دوست دارند کجا به خاک سپرده شده یا خاکستر آن‌ها پخش شود. یک بار دیگر بهتر است گوشزد شود: اگر شما از این طرح چنین گفتگوهای یکه می‌خورید باز دوباره این بخش را بخوانید. کودکان در مقایسه با بزرگ‌سالان گرایش به برخورد واقعی‌تری با این مسائل دارند.

بودا و دانه‌ی خردل

سنین ۸-۱۴ سال

این فعالیت (که در آغاز این بخش توسط مالین ماتسومارا توصیف شده - جعبه مربوط به آن را ببینید) به ویژه هنگامی سودمند است که مرگی در خانواده رخ می‌دهد. ماجرای بودا و دانه‌ی خردل را بازی کنید. زنی به دیدار آموزگار بزرگ (بودا) رفته و از او می‌خواهد که بچه‌اش را زنده کند. آموزگار بزرگ به زن می‌گوید که دانه‌ی خردل بیاورد ولی از خانه که در آن بچه، همسر، پدر یا مادری یا دوستی نمرده باشد. پس از سپری کردن همه‌ی روز برای یافتن چنین خانه‌ای، زن با دستان خالی بازگشته ولی آنگاه دیگر فهمیده که مرگ و سوگ در همه جهان وجود دارد.

برای این بازی به بچه‌ها بگویید که با زدن بر روی میز یا دیوار ادای در زدن را در آورده و تقاضای دانه خردل بکنند هر بار داستانی درباره مرگی در آن خانه بسازید مانند «پدر بزرگ من خیلی خیلی پیر بود و هفته پیش مرد،» یا «سگم دوید وسط خیابان و تصادف کرد.» هر بار

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

نیز یادآوری کنید که این افراد به صورتی هم دیگر را دلداری داده‌اند (برای نمونه، با گفتگو کردن یا تعارف خوراکی). سرانجام باز هم روی دیوار، در زده و بگوید، «اینک مادر در خانه‌ی ما را می‌زند.» به بچه‌ها بگویید تا وانمود کنند که به در زدن پاسخ می‌دهند. درحالی‌که بچه‌ها در حال شرح ماجرای از دست رفتن عضو خانواده بوده نقش مادر داغدار را خود بردارید و آنچه را که در حال انجام آن هستید توضیح دهید. این فعالیت با برجسته ساختن شیوه‌هایی که انسان‌ها می‌توانند به هم یاری برسانند پیامی بالاتر از پیام داستان اصلی را در بر گرفته و اعلام می‌کند که مرگ به سراغ همه می‌آید.

شمع خاطره

بدون محدودیت سنی

در روز تولد یکی از آشنایان مرحوم، یا در سالروز فوت شخص یک شمع ۲۴ ساعته خاطره برافروزد (البته در محافظ شیشه‌ای). هم چنان که شمع در حال سوختن است شما داستان و خاطرات شخص را برای دیگران تعریف کنید. توجه به شعله شمع فضای خوشایندی را برای توجه به شخص فراهم می‌کند و ناپدید شدن تدریجی شمع هم چون یادآوری تلخی از چرخه زندگانی و نیروی خاطرات می‌تواند دیده شود.

عموم مردم با اندیشه بزرگداشت «روز مرگ»^۶ در مجموعه هری پاتر^۷ نوشته‌ی جو رولینگ^۸ آشنا شدند ولی این اندیشه توسط او اختراع نشده است. سنت یهودی مانند بهریت^۹، به طور دقیق همانند آن است. بر خط «شمع بهریت» را جستجو کرده تا شمع‌های ۲۴ ساعته عزاداری را بیابید.

گفتگو درباره مرگ شما را نخواهد کشت (۱۴)

بدون محدودیت سنی

از طرفی گردهاگرد ما را زندگان و حیات فرا گرفته و از سوی دیگر مرگ نیز ما را محاصره کرده است. بزرگسالان گرایش به عدم توجه و ندیدن پرنده مرده افتاده در حیاط خلوت یا مگسی مرده روی لبه پنجره، یا صاریغی^{۱۰} مرده در کنار جاده را دارند. از امتیاز توانایی مشاهده و تفسیر

6. Deathday

7. Harry Potter

8. J.K. Rowling

9. Yahrzeit

10. Opossum

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

کودکان استفاده کرده و با طرح پرسش‌های جالب آن‌ها را درگیر کنید. برای مثال، پرسید: گمان می‌کنی چطور این اتفاق برایش افتاده؟ آیا فکر می‌کنی الان دیگر دردش می‌آید؟ فکر می‌کنی چه اتفاقی برای پیکر پرنده در یک هفته، سال، ده سال بیفتند؟ مولکول‌های بدن این پرنده هزار سال دیگر کجا هستند؟

اگر حیوان خانگی کوچکی بمیرد، اگر حیاط دارید، با همکاری هم حیوان خانگی خود را خاک کرده (یا خاکستر آن را پخش کنید). بدن جانور را زیر درخت کوچک میوه یا بوته‌های گل خاک کرده یا بر روی مزار آن گل بکارید؛ بچه‌ها به معنای واقعی کلمه تجربه تبدیل شدن به چیز دیگری را کسب خواهند کرد.

روز مردگان

بدون محدودیت سنی

با کمک بچه‌ها یک محراب روز مردگان ساخته و از خاطراتی عزیز از دسته رفته‌ای با آن‌ها گفتگو کنید. (برای جزئیات بیشتر درباره فعالیت‌های روز مردگان به بخش ۳ مراجعه کنید.)

فهرست افسوس

بدون محدودیت سنی

با کودکان خود فهرستی از کارهایی که پیش از مردن می‌خواهند انجام دهند، تهیه کنید - یک فهرست «زندگانی بدون افسوس و دریغ».

منابع

برنامه‌ریزی برای مراسم خاک‌سپاری/ یادبود غیرمذهبی

York, Sarah. Remembering Well: Rituals for Celebrating Life and Mourning Death (San Francisco: Jossey-Bass, 2000).

بخش هفتم: مرگ و زندگی

نویسنده که روحانی جهان‌گرای توحیدگراست بدون شک هم در سوگواری دارای تجربه بوده و هم متوجه به داغداران غیردینی است. منبعی بسیار عالی.

Bennett, Amanda, and Terence Foley. In Memoriam: A Practical Guide to Planning a Memorial Service (New York: Fireside, 1997).

شامل بیش از هشتاد صفحه از خواندنی‌های پیشنهادی است که بسیاری غیرمذهبی می‌باشد.

Munro, Eleanor. Readings for Remembrance (New York: Penguin, 2000).

شامل بسیاری از خواندنی‌های غیرمعمول شگفت‌انگیز در فلسفه، داستان، خطابه و شعر از اندیشمندی مانند جویس، هومر، لائوتسه، اوید، تولستوی و داتته و از منابع جورواجوری مانند بودیسم، آرتک‌ها و فرامدرنیسم.

Willson, Jane Wynne. Funerals Without God (Amherst, NY: Prometheus Books, 1991).

آخرین سخن در آخرین سخنان

کودک داغ‌دیده

Silverman, Janis. Help Me Say Goodbye: Activities for Helping Kids Cope When a Special Person Dies (Hudson, NY: Fairview, 1999).

یک کتاب هنر درمانی با فعالیت‌هایی برای کودکان داغ‌دیده. سنین ۴-۸.

Dennison, Amy, Allie, and David. Our Dad Died: The True Story of Three Kids Whose Lives Changed (Minneapolis: Free Spirit, 2003).

پدر هنگام خواب بر اثر آریتمی قلب می‌میرد. مادر (در آن زمان) بچه‌هایی (۸، ۸، و ۴ ساله) داشته برای دو سال رویدادها را یادداشت می‌کند. هر چند این خانواده یک خانواده یهودی بوده ولی

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

ارجاع و اتکا ناچیز به اندیشه‌های دینی در آن وجود دارد. بسیار ساده کتاب بی‌همتایی است. نیرومند، پویا، محرک. سن هشت سال و بیشتر.

Romain, Trevor. *What on Earth Do You Do When Someone Dies?* (Minneapolis: Free Spirit, 1999).

صادق، دردآشنا، ناب. توصیه اصلی درمانگران اندوه. سنین ۹-۱۲ سال.

در هنگام مرگ یک جانور خانگی

Rogers, Fred. *When a Pet Dies* (New York: Putnam Juvenile, 1998). Ages 3–6.

سپاس بر خوبی‌ها به خاطر این روان روشن‌بین (که در ضمن یک گماشته روحانی پریمیتری است).

Wilhelm, Hans. *I'll Always Love You* (Albuquerque: Dragonfly, 1988).

یک کتاب بی نظیر اشک‌آور درباره مردن یک جانور خانگی و ادامه یافتن عشق به آن. سنین ۴-۸ سال.

Viorst, Judith. *The Tenth Good Thing About Barney* (New York: Aladdin, 1987).

پسرک کوچکی به نه چیز خوب گریه‌اش، بارنی که جمعه گذشته مرده فکر می‌کند. ولی پس از خاک‌سپاری، او به ده چیز خوب فر می‌کند - یک مورد طبیعت‌گرا و شگفت‌انگیز که پدر و مادران بدون مذهب آن را مناسب خواهند یافت. سنین ۴-۸ سال.

برای نوجوانان داغ‌دیده.

Fitzgerald, Helen. *The Grieving Teen: A Guide for Teenagers and Their Friends* (New York: Fireside, 2000).

Gootman, Marilyn, and Pamela Espeland. *When a Friend Dies: A Book for Teens About Grieving and Healing* (Minneapolis: Free Spirit, 2005).

بخش هفتم: مرگ و زندگانی

Dougy Center. *Helping Teens Cope with Death* (Portland, OR: Dougy Center, 1999).

پدر و مادران سوگوار

Mitchell, Ellen, et al. *Beyond Tears: Living After Losing a Child* (New York: St. Martin's Griffin, 2005).

نه (۹) مادری که بچه‌های خود را ازدست داده نویسندگان همکار این راهنمای قوی برای نجات از این سخت‌ترین غم و اندوه هستند. بزرگسالان.

دوستان همدرد

www.compassionatefriends.org

یک سازمان حمایت‌کننده جهانی برای والدین داغ‌دیده و حمایت‌کنندگان آنها. «عدم حمایت از هیچ دین یا ایدئولوژی فلسفی ویژه.»

کمک به کودکان برای اندیشیدن به مرگ

Hill, Frances. *The Bug Cemetery* (New York: Holt, 2002).

کودک‌دانی یک کفش‌دوزک مرده را یافته و ادای یک به خاک‌سپاری مسخره را در می‌آورند سپس یکی دیگر و همین‌طور برای همه‌ی حشرات در محله. این کارها همگی بازی و جالب است تا اینکه گربه بیلی با ماشین تصادف کرده و آنگاه دیگر غم و اندوه به واقعیت تبدیل می‌شود. همانند کتاب عالی وایز براون *The Dead Bird* نیست ولی چرخش آن را حتا نیرومندتر نیز می‌سازد. سنین ۸-۴ سال.

Brown, Laurie Krasny, and Marc Brown. *When Dinosaurs Die: A Guide to Understanding Death* (New York: Little, Brown Young Readers, 1998).

«به راستی هیچ‌کسی مرگ را درک نمی‌کند، ولی مرگ عزیزی برای کودکان به ویژه می‌تواند گیج‌کننده و پردردسر و مشکل‌ساز باشد.» شامل بخش‌های «زنده‌بودن به چه معناست؟» «چرا شخصی می‌میرد؟» «مردن یعنی چه؟» «بدرود گفتن» «نگه‌داشتن سنت‌ها» «پس مرگ چه

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

می‌شود؟» و «راه‌های به یاد آوردن افراد». یکی از شخصیت‌های کتاب می‌گوید، «خانواده من گمان می‌کنند که روح مامان پیش خداست.» سپس ادامه می‌دهد «ولی من مطمئن نیستم.» برای آزاداندیشان چه توصیه بهتری از این یک عبارت وجود دارد. سنین ۴-۸ سال.

Buscaglia, Leo. *The Fall of Freddie the Leaf: 20th Anniversary Edition* (Thorofare, NJ: Slack, 2002).

یکی از کتاب‌های مورد علاقه بزرگ عالی، فردی یک برگ را در طول بهار و تابستان تا پاییز دنبال می‌کند. هم چنان که او به برگ‌هایی که می‌ریزند نگاه می‌کند، درمی‌یابد که این واقعیت نیز برای او رخ خواهد داد. سنین ۶-۱۲ سال.

Schweibert, Pat, and Chuck DeKlyen. *Tear Soup*, 3rd ed. (Portland, OR: Grief Watch, 2005).

به سختی می‌توان اعترافی مستند، قانع‌کننده و زیبا از سوگواری را غیر از این کتاب تصور کرد. به‌سادگی عالی است. سنین ۴-۸ سال.

فیلم‌هایی که به بررسی مرگ و از دست دادن می‌پردازند

برای یک فهرست کامل از فیلم‌های پیشنهادی به همراه رده‌بندی و درجه شایستگی بنگرید به پیوست ۱.

سه تا بهترین کارها ادبیات کودکان در بررسی موضوع مرگ

White, E. B. *Charlotte's Web* (New York: HarperCollins, 1952, renewed 1980). Ages 6–12.

Babbitt, Natalie. *Tuck Everlasting* (New York: Farrar, Straus, & Giroux, 1985). Ages 6–12.

Paterson, Katherine. *Bridge to Terabithia* (New York: HarperTeen, 2004). Age 9+.

اندیشیدن برای میان‌سالان و بزرگ‌سالان

Dobrin, Arthur. *Love Is Stronger Than Death* (1986).

بخش هفتم: مرگ و زندگانی

یک کار اندیشمندانه، محرک زیبا، که امروزه دیگر چاپ نمی‌شود ولی بر خط به نشانی www.ethicalunion.org/loveis/index.html در دسترس است.

Willson, Harry. *Myth and Mortality—Testing the Stories* (Albuquerque: Amador, 2007).

این کتاب اندیشمندانه و جالب توجه به سی‌ودو آموزه و اعتقاد در برخورد با مرگ پرداخته و کمک آن‌ها را در روبرو شدن با فناپذیری بررسی می‌کند. ویلسون یک روحانی مبلغ پیشین است و اکنون یک انسان‌گرای سکولار فعال عدالت اجتماعی می‌باشد.

Wilson, Robert Anton. “Cheerful Reflections on Death and Dying.” Google it, or brave the long URL: www.deepleafproductions.com/wilsonlibrary/texts/raw-dying.html

Morris, Virginia. *Talking About Death Won't Kill You* (New York: Workman, September 10, 2001).

کتابی با نگاهی بی طرف و کامل به مرگ که هم چنین به گرایش ما به پرهیز از این موضوع می‌پردازد. تنها تاریخ چاپ آن کافی است تا توجه شخص را جلب نماید.

Montross, Christine. *Body of Work: Meditations on Mortality from the Human Anatomy Lab* (New York: Penguin Press, 2007).

این کتاب برای همه نوشته نشده بلکه برای کسانی است که دیدی بسیار (بسیار) مستقیم به فناپذیری با عینک فیزیکی را ترجیح می‌دهند، ارزش نگاه کردن را دارد.

Enright, D.J. (Ed.). *The Oxford Book of Death* (London: Oxford University Press, 2002).

مجموعه مهمی از مقالات پیرامون مرگ و مردن.

Nuland, Sherwin. *How We Die: Reflections on Life's Final Chapter* (New York: Vintage, 1995).

یک هدیه عالی و مهم به ادبیات از دیدگاه یک پزشک با دلی روشن.

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

Byock, Ira, M.D. *Dying Well* (New York: Riverhead Trade, 1998).
کتابی ستایش شده برای «جوهر انسان گرایانه» خودش. کتاب *Dying Well* گشت و گذاری
اندیشمندانه و روشن بینانه در روند پیری و مرگ است که بر اساس تجربه شخصی نویسنده
پیرامون مرگ پدرش شکل گرفته است.

هم چنین به بررسی های زیر در تربیت فارغ از اصول دین نگاه کنید:

Emswiler, James, and Mary Ann. *Guiding Your Child through Grief* (New York: Bantam, 2000).

Arent, Ruth P., MA, MSW. *Helping Children Grieve* (Belgium, WI: Champion Press, 2005).

Thomas, Pat. *I Miss You—A First Look at Death* (New York: Barron's, 2000). Ages 3–8.

Bryant-Mole, Karen. *Talking About Death* (Redwood City, CA: Raintree, 1999). Ages 4–8.

Rothman, Juliet Cassuto. *A Birthday Present for Daniel: A Child's Story of Loss* (Amherst, NY: Prometheus, 2001). Ages 7–10.

Trozzi, Maria, M.Ed. *Talking with Children About Loss* (New York: Perigee Trade, 1999).

یادداشت ها

1. Emswiler, James, and Emswiler, Mary Ann, *Guiding Your Child Through Grief* (New York: Bantam Books, 2000), p. 112.
2. Konner, Melvin, *The Tangled Wing* (New York: Holt Paperback, 2003), p. 369.

3. Dawkins, Richard, "Religion's misguided missiles." The Guardian (UK), September 15, 2001.

4. Oh... that was me: Accessed August 2, 2008, from <http://parentingbeyondbelief.com/blog/?p=71>

5. See Emswiler, James, and Emswiler, Mary Ann, *Guiding Your Child Through Grief* (New York: Bantam, 2000) for an excellent example of a mainstream parenting book with similar caveats.

۶- پیشنهادهای همانند از سوی بسیاری از درمانگران اندوه و هم چنین نویسندگان ارائه شده ولی شمار اندکی از آنها به کوتاهی و روشنی وبسایت The Compassionate Friends Accessed July 8, 2008, from www.compassionatefriends.org است.
۷- چندین فرهنگ دیگر در مکانی که امروزه مکزیک و امریکای مرکزی را تشکیل می‌دهد جشنواره‌هایی را با مراسم‌ها و تندیس‌های همانندی برگزار می‌کنند مانند مایا، اولمک، زاپوتک و میکزتک.

8. See the entry on Halloween and Samhain in the Q&A section of Chapter 6, "Celebrating Life."

۹- این موردی در دوره‌های آغازین تاریخی نیست که مرگ‌ومیر کودکان و نوزادان به طور چشمگیری بالا بوده است.

10. From an impromptu address at Digital Biota 2, Cambridge, UK, September 1998. Full text available at www.biota.org/people/douglasadams. Accessed March 22, 2008.

11. Freeman, Aaron. "You Want a Physicist to Speak at Your Funeral," National Public Radio, June 1, 2005. Available in podcast at www.npr.org/templates/story/story.php?storyId=4675953. Accessed March 22, 2008.

12. From Chapter 1 of *Love Is Stronger Than Death* (1986). Accessed May 4, 2008, from www.ethicalunion.org/loveis/index.html

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

13. Parenting Beyond Belief, pp. 170–171.

14. See the book of the same name in the Resources section.

بنیادگذاری و برپاسازی

انجمن‌ها

آماندا متسکاز

در بهمن ماه ۱۳۸۵ خورشیدی (فوریه ۲۰۰۷ میلادی) هنگام گشایش تالار گفتگوی تربیتی در سایت ParentingBeyondBelief.com یک گفته و نظر به شیوه‌های گوناگونی پیوسته پست می‌شد: «بسیار خوب است تا با پدر و مادران سکولار پیرامون برخورد با موارد مشابه گفتگو شود.» این نظر کمابیش همیشه با تعریف رویدادهایی از تنهایی، احساس عدم اطمینان - و نیاز به وجود انجمنی ادامه داده می‌شد.

در ایالات متحده به معنای واقعی کلمه میلیون‌ها خانواده با دیدگاه‌های غیرمذهبی وجود دارد ولی بیشتر مواقع آن‌ها حس می‌کنند که تنها هستند. ولی در روی دیگر برای خانواده‌های مذهبی اغلب پرستشگاهی در نزدیکی دارای انجمنی است که دارای آموزش‌های یکشنبه، گروه‌های تربیتی و گردش‌های خانوادگی سازمان‌بندی شده است - و همه‌ی این‌ها افزون بر این خدمات نیایشی هفتگی است. (۱) خانواده‌های سکولار به ندرت دارای چنین دسترسی‌های بسامانی به انجمن‌هایی هستند تا در کنار آن بتوانند گردهمایی داشته، اندیشه‌های خود را با دیگران در میان گذاشته و ارزش‌های خود را به کودکان خویش منتقل سازند. این موضوع شاید بتواند روشن سازد که چرا ازدواج و داشتن بچه‌ها دو عامل اصلی کشیده شدن افراد به سوی

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

مذهب است. (۲) شاید با اطمینان بتوان گفت که انجمن‌های حاضر و آماده، بخشی است که تربیت دینی دارای برتری واقعی است.

هشدار برای سازندگان انجمن‌ها

در کوشش برای ساختن و استفاده از یک انجمن نکته مهمی باید مورد توجه قرار گیرد. یک انجمن به سادگی و سرعت می‌تواند تبدیل به یک قلمرو بسته مجزا بدل گردد، تبدیل به «ما» گردد که نه تنها اعضای خود را گرد هم می‌آورد بلکه «آنها» را جدا از خود دانسته و حتا از «آنها» یک دیو بسازد- «آنها» کسانی هستند که بیرون از دیوارهای تعریف شده «ما» قرار می‌گیرند.

به طور طبیعی ما در محیطی از دایره‌های هم‌مرکز زندگانی می‌کنیم. اغلب اوقات درونی‌ترین دایره، خویشاوندان نزدیک مانند پدر، مادر، خواهر و برادران ما کسانی هستند که ما بیشتر احساس وابستگی را با آنها داریم. پیرامون این دایره، دایره بزرگ‌تری وجود دارد که خانواده گسترده را در برمی‌گیرد و با گروه‌های وابسته دیگر مانند گروه‌های ناحیه‌ای، فرهنگی یا زبانی پیوند می‌خورد؛ نژادها، مناطق و ملت‌ها؛ جهان‌بینی‌ها ما؛ حتا گونه ما. هر یک از این دواير هم‌مرکز یک انجمن یا جامعه را تعریف کرده که ما را با کسانی پیوند می‌دهد که دارای وجه اشتراک مهمی هستیم.

افزون بر این حلقه‌های هم‌مرکز، افرادی با هویت و عضویت منقطع وجود دارد - ممکن است شخصی از برخی جنبه‌ها با افرادی همانند و مشابه بوده و در برخی جنبه‌ها متفاوت باشد. (۳) برای نمونه شاید یک خانم دکتر عضو جامعه درمانگران حرفه‌ای باشد و در جنبه‌های دیگر مانند نژاد، دیدگاه‌های مذهبی یا ویژگی‌های دیگر با بسیاری از اعضای دیگر متفاوت باشد. بعید نیست عضو گروه توانمندسازی زنان افریقایی-آمریکایی بوده ولی پیرامون دیدگاه‌های مذهبی یا هویت شغلی خویش با بسیاری از اعضای دیگر متفاوت باشد.

احساس پیوند، دلسوزی که در وجود ما هست و احساس همدلی ما با رفتن به سوی لبه‌های بیرونی این دواير هم‌مرکز اجتماعی یا در برهم کنش‌های ما با افرادی که در شاخص‌های

بخش هشتم: بنیادگذاری و برپاسازی انجمن‌ها

مهم با ما متفاوت هستند پایین می‌آید این جنبه در گستره‌ای رخ می‌دهد که ما آن را «طیف همدلی^۱» می‌نامیم. گرایش ما چنین است که بالاترین احساس امنیت و پیوستگی را در کنار کسانی داشته باشیم که با آن‌ها خویشاوندی نزدیک داشته یا از جنبه‌های دیگری با ما شباهت دارند- گزینش طبیعی در عمل- و سپس نوبت به افرادی می‌رسد که در نزدیکی ما زندگی کرده ولی همانندی و شباهت کمتری با ما دارند. از سوی دیگر ما از کسانی که در فواصل دوری از ما زندگی می‌کنند یا کسانی که به هر شیوه‌ای با ما متفاوت هستند احساس نزدیکی کمتری داشته و گرایش به همدردی کمتری داریم. احساس همدردی با کودک همسایه با بیماری سرطان خون بسیار آسان‌تر از داشتن احساس همدردی با کودکی در سرزمین دور با شرایط مشابه است.

تنها سپری کردن مدت کوتاهی با انسان‌های متفاوت، همیشه مایه افزایش همدردی و درک نمی‌شود. همان گونه که مظفر شریف^۲ در سال ۱۳۳۳ خورشیدی (۱۹۵۴ میلادی) در آزمایش مشهور خودش به نام «آزمایش غار روبرس^۳» یافته، سپری کردن زمان با دیگران می‌تواند کمک فراوانی به داشتن هدف مشترک کند. در این آزمایش دو گروه از پسران در اردوگاه تابستانی به تیم‌های رقیب تقسیم شدند. آزمایش‌کنندگان کوشیدن تا با گردآوردن پسرها در کنار هم دشمنی را میان گروه‌های رقیب بکاهند ولی به جای کاهش آن‌ها در خوراک سرا با همدیگر دعوا می‌کردند. هنگامی دشمنی روبه کاهش گذاشت که شرایطی پیش می‌آمد که هر دو گروه باید برای موفقیت با هم کار می‌کردند تا به چیزی دسترسی یافته که همه افراد دو گروه خواهان آن بودند. این شرایط نیروی کار هر دو گروه را می‌طلبید مانند هنگامی که باید چادرهای کمپ برپا می‌شد.

چندین مطالعه تازه‌تر نیز به نتایج مشابه ای رسیده است. (۵) برای نمونه نشان داده شده که در هنگام محدودیت منابع و اجبار افراد به تخصیص و به اشتراک‌گذاری منابع، هویت

1. Empathy gradient

2. Muzafer Sherif

3. Robbers Cave Experiment

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

اجتماعی اختصاصی قابل‌شناسایی و هویت‌های مشترک هر دو به همکاری گسترده‌تر و نتایج بی‌طرفانه‌تر در موقعیت‌های دشوار اجتماعی می‌انجامد. (۶)

به عنوان یک انسان‌گرا، هدف ما نباید تنها ساختن حلقه‌های داخلی اجتماعی باشد بلکه گسترش احساس پیوستگی به بیرون از هر گونه مرز تا جای ممکن است. انجمن آزاداندیشان باید تنها یکی از چندین انجمنی باشد که ما خود را بخشی از آن می‌دانیم. این یکی از نه «بهترین کنش» برای تربیت غیرمذهبی است که در پیشگفتار گفته شده است: تشویق به گسترده‌ترین حلقه همدلی ممکن. همان گونه که ما نزدیک‌ترین انجمن و جامعه خود را تعریف می‌کنیم، بازشناسی و تقویت انجمن‌هایی که هم اینک ما بخشی از آن هستیم نیز مهم است؛ پیش به سوی گسترده‌ترین حلقه بیرونی: که جامعه زنده روی زمین است.

می‌توانیم از کنش بیخداپان، ندانم‌گراها و آزاداندیشان دانشگاه الینویز تقلید کرده که به همراه اعضای مدرسه گروه پیکار دانشکده‌ای برای مسیح به مسافرتی برای خدمات اجتماعی در تعطیلات بهاری برای بازسازی نیو اورلئان رفتند. همان گونه که ما پیگیر تشکیل انجمن‌هایی با دیگر خانواده‌های آزاداندیش هستیم می‌توانیم و باید با گروه‌های دیگر به هم پیوسته تا انجمن یا جامعه گسترده خویش را مکان بهتری سازیم.

(به راستی) انجمن انسانی برای چیست

گروه‌های آزاداندیش و اشخاص آزاداندیش در گوشه و کنار کشور برای ساختن انجمن‌های موفق و بادوام، ارضاکننده و چند نسلی کوشش می‌کنند - و به درجاتی از موفقیت نیز دست یافته‌اند. برخی ارتباطاتی را با نسل جوان و خانواده‌ها شکل داده حتا برنامه‌های انسان‌گرایانه کودکان را آغاز کرده و دارای گروه‌های تربیتی پشتیبانی هستند. به‌رحال گروه‌هایی هستند که اعضای آن پس از سال‌ها به همان شکل آغازین و ابتدایی باقی مانده و منحنی سن اعضای آن به آهستگی به سوی بالا حرکت می‌کند. چه چیزی یک انجمن شکوفای در حال رشد را از انجمنی را کد متفاوت می‌سازد؟

بخش هشتم: بنیادگذاری و برپاسازی انجمن‌ها

پاسخ در درک جامعه نهفته است. شما نمی‌توانید خانواده خود را برگزیده ولی عضویت در هر انجمنی به طور کامل دلبخواه است. به یک شخص چیزی را که دوست دارد بدهید و سپس او بعید است که نماند. کمتر از چیزی که می‌خواهد بدهید و به جای دیگری خواهد رفت. موضوع به همین سادگی است.

انجمن‌های آزاداندیشی زمانی از جنبش بازمی‌ایستند که به اندازه کافی برای درک خواسته‌های مردم نکوشد- آن نیاز انسانی که در نخستین گام انگیزه و خمیرمایه‌ای برای طلب و خواست همانندی می‌شود. بسیاری از انجمن‌های آزاداندیشی آماج خویش را بسیار تنگ نظرانه دیده‌اند. این اهداف پیرامون کاوش، منطق، جستجوی حقیقت و رد دین است. اعضای چنین گروه‌هایی گرایش برای رفتن به پرستشگاه ندارند زیرا تمایلی به عضویت در انجمن‌هایی ندارند که خدا و الهیات محور آن است.

آنچه آن‌ها نمی‌توانند دریابند این است که برای بیشتر کسانی که به پرستشگاه‌ها می‌روند الهیات نسبت به بهره‌های دیگر دارای اهمیت کمتری است. در بسیاری از موارد با وجود بیزاری از الهیات باز هم گرایش و تمایل به رفتن به پرستشگاه را دارند.

گفته می‌شود که تنها ۲۷ درصد از پاسخگویان آمریکایی در نظرسنجی گالوپ در سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) در هنگام پاسخ پیرامون دلیل اصلی رفتن به کلیسا به طور بی طرفانه از خدا نام برده‌اند. (۷) بسیاری از افراد برای رشد شخصی، برای گرفتن راهنمایی در مسیر زندگی، برای انگیزه گرفتن، به دلیل الهام‌بخش بودن به کلیسا می‌رفتند - یا به دلیل هم‌رنگی با جماعت و بقیه مردم. این‌ها، غیر از پرستیدن، نیازهای اولیه انسان‌هاست که در پرستشگاه‌ها برآورده می‌شود.

اگر انجمن‌های آزاداندیش آرزوی بردن نمودار عضویت خود به فراتر از مرزهای جمعیت‌شناسی مردان سفیدپوست دهه ۶۰ میلادی (۱۳۳۹-۱۳۴۹ خورشیدی) را دارند که امروزه دوره‌شان گذشته (خدا همه‌شان را بیامرزد!) باید به دلایل واقعی کشیده شدن مردم به سوی پرستشگاه توجه کنند. نکته آن خدا نیست. نکته آن در تعلق داشتن نهفته است. نکته مورد

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

پذیرش بودن است. نکته در پشتیبانی دو طرفه و پشت گرمی می باشد. بالاتر از همه، بر نیازهایی انگشت می گذارد که ورای منطق بوده و به درون احساسات و هیجان کشیده می شود. این بخش چندین راه حل ویژه ارائه می دهد که انجمن های آزاداندیشی به وسیله آنها می تواند سراسر تر با این نیازها برخورد کنند. سازمان دهی آزاداندیشان با گله های گربه سانان مقایسه شده است و در این استعاره نکات خوب و بدی وجود دارد. با وجود همه این ها، بدون شک خانواده های بی دین پیگیر برپا سازی انجمن هایی هستند. این بخش برای بنیادگذاری و یافتن انجمن هایی دلخواه به خانواده های آزاداندیش کمک می کند.

پرسش و پاسخ

پرسش: من و شریکم مذهبی نیستیم ولی اکنون دیگر دارای فرزندان شده و به راستی به وجود انجمن هایی احساس نیاز می کنیم تا ارزش هایی آموزش داده شده در خانه را تقویت نماید. بنابراین ما گفتگویی را برای برگشتن به مذهب در خانه آغاز کرده ایم. آیا راه حل جایگزینی وجود دارد؟

پاسخ: در واقع چندین راه کار وجود دارد و این راهکارهای جایگزین هم از لحاظ تعداد و هم از تنوع در حال افزایش است. قسمت منابع این بخش شامل وبسایت هایی برای سازمان بندی گروههایی و اجتماعات محلی است که برخی شاید با خانواده شما جور و همهانگ باشد. آنها در هر زمینه ای برنامه نداشته و برخی برنامه های بیشتری برای کودکان و خانواده ها دارند ولی به هر حال این بخش در واقع گام نخست برای پیگیری و یافتن انجمن های تأسیس شده است که شخص بتواند به عضویت آن در آید.

خانواده های بدون دین پیگیر یافتن انجمن های بسیار متفاوتی هستند. برخی الگوهای هیئتی را دوست دارند که بسیاری از بهره های اجتماعی و روانی را بدون ادعاهای دگم و فراطبیعت ارائه می کند. در زیر سه گزینه ی درباره هیئت های آمده که در بخش پایانی طیف جا دارند:

بخش هشتم: بنیادگذاری و برپاسازی انجمن‌ها

انجمن جهان‌گرای توحیدگرا

انجمن‌های جهان‌گرا «بدون اصول عقاید» هستند و این به معنای عدم نیاز به ابراز هیچ اندیشه متعصبانه، آموزه یا باورهای مذهبی است. به جای آموزه‌های اعتقادی این فرقه بر اساس هفت اصل جهان‌گرای توحیدگرا بنیادگذاری (این اصول در پیوست آمده) گردیده است. اکثریت اعضای جهان‌گرای توحیدگرا بیخدا و ندانم‌گرا هستند و حتا درصد گسترده‌تری از پیروان (۹۱ درصد) «انسان‌گرایی» را به عنوان هویت خویش به شمار می‌آورند. (۸) جماعت‌های جهان‌گرای توحیدگرا دارای یک برنامه‌ی آموزشی گسترده خوب برای کودکان است که بر دین و اخلاق تطبیقی تمرکز داشته و هم چنین ملاحظات سطح بالایی پیرامون برنامه آموزش روابط جنسی دارد. امروزه در امریکای شمالی جهان‌گرای توحیدگرا بیش از ۱۰۴۰ انجمن دارد بنابراین بعید نیست که هر کسی یکی از آن‌ها را در ناحیه زندگی خود بیابد.

تنوع گسترده رویکرد و فضای حاکم بر پیروان جهان‌گرای توحیدگرا (UU) وابسته به کشیشی بوده و ساختاری جماعت گونه دارد. برخی هنوز زبان و نمادهای مسیحیت را به کار می‌گیرند در حالی که دارای جوی به طور کامل غیر الهیاتی هستند. اگر بیش از یک جهان‌گرای توحیدگرا (UU) در ناحیه شما فعالیت داشت آن‌ها را مقایسه کرده تا دریابید کدام یک بهترین حالت هماهنگی را با خانواده شما دارند. اگر خدمات ارائه شده توسط آن‌ها مناسب شما نیست باز هم شاید هنوز برنامه‌های دیگری داشته باشند که بدرد شما بخورد.

افزون بر دیدار از جماعت‌های، پاسخ‌های بسیاری از پرسش‌های را می‌توان در

www.uufaq.com یافت.

جامعه اخلاقی

این روزها بیست و پنج جامعه اخلاقی در ایالات متحده با اصول فرهنگ اخلاقی سازمان‌دهی شده هم چنین برای مکان‌هایی که دارای جامعه اخلاقی محلی نیست یک وب‌سایت «جامعه اخلاقی بدون مرز» (www.eswow.org) راه‌اندازی شده است. بر طبق گفته‌های اتحادیه

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

آمریکایی اخلاق^۴ «فرهنگ اخلاقی جنبشی آموزشی و دینی انسان‌گرا و الهام گرفته از این آرمان است که هدف ولای زندگانی انسانی کوشیدن برای داشتن یک جامعه‌ی انسانی تر است.» (۹) بر خلاف جماعت‌های جهان‌گرای توحیدگرا (UU) که افراد دارای دین‌ها گوناگون و باورهای غیردینی هستند گروه‌های فرهنگ اخلاقی دارای یک دسته از باورها و اصول اعتقادات محوری هستند. هر چند غیر الهیاتی هستند، بسیاری از اعضای این جنبش فرهنگ اخلاقی را مذهب خود به شمار می‌آورند. فرهنگ اخلاقی برنامه‌های آموزش دینی را از سن کودکی تا دانشجویان دانشگاه ارائه می‌دهد. اتحادیه آمریکایی اخلاق هم چنین گردهمایی سالانه‌ای برای بچه‌های راهنمایی، دبیرستانی و دانشجویان برگزار می‌کند. منابع فراوانی از دروس آموزشی برای برنامه‌های کودکان فرهنگ اخلاقی در وب‌سایت آن‌ها به نشانی www.aeu.org وجود دارد.

جماعت‌های انسان‌گرای یهود^۵

برای کسانی که خداپرست نبوده ولی به همان فرهنگ و هویت نژادی یهود و سنت‌های آن پایبند مانده بیست‌ونه جماعت در امریکای شمالی برپا شده که ماهیتی یهودیت انسان‌گرا دارند. جماعت‌های یهودیت انسان‌گرا جشن‌ها و سنت‌های یهودیت را به شیوه‌ای فارغ از عناصر فراطبیعت برپا می‌دارند. این جماعت‌ها برنامه‌هایی برای کودکان ارائه کرده و جامعه یهودیت انسان‌گرا گردهمایی جوانان را برپا می‌سازد.

برای آگاهی از برنامه‌های جوانان به www.shj.org مراجعه کنید. هم چنین گروه‌هایی فرهنگی و سکولار یهودی وجود دارد که وابسته به کنگره سازمان‌های یهودیان سکولار^۶ (www.csjo.org) بوده و برخی از این گروه‌ها دارای مدارس و برنامه‌های دیگری برای کودکان هستند.

4. The American Ethical Union

5. Humanistic Jewish

6. The Congress of Secular Jewish Organizations

بخش هشتم: بنیادگذاری و برپاسازی انجمن‌ها

برای پدر و مادران غیرمذهبی که تمایلی چندانی به گزینه «جماعت‌ها» در اجتماعی با ارزش‌های مشترک ندارند شاید الگو گروه‌های آزاداندیش بتواند کاربرد داشته باشد. چنین گروه‌هایی تا کنون به ندرت برنامه‌هایی برای کودکان و خانواده‌ها داشته‌اند ولی این وضعیت با شتاب و به سرعت در حال تغییر است. انجمن انسان‌گرا در پالو آلتو^۷ در کالیفرنیا^۸ یک برنامه مدرسه یکشنبه برپا ساخته که به آموزش اخلاق پرداخته و شرح کوتاهی از آن در مجله‌ی تایم^۹ ارائه می‌شود. برنامه‌های مشابه دیگری به وسیله گروه‌های انسان‌گرا در فونیکس، البوکوکو، کلرادو اسپرینگ و پورتلند^{۱۰} در حال آغاز به کار است.

افزون بر این فرصت‌های محلی همیشگی، برای پی بردن به وجود انجمن‌هایی که ارزش‌های خانواده آزاداندیش شما را منتقل سازد فرصت‌های دیگری مانند کمپ کوئست (www.camp-quest.org) نیز وجود دارد. کمپ کوئست برنامه‌های اردوگاهی تابستانی هفتگی را ارائه می‌کند که فعالیت‌های سنتی تابستان مانند شنا، هنر و هنرهای دستی و قایق‌رانی را با فعالیت‌های آموزشی در هم می‌آمیزد و بر اخلاق سکولار، اندیشیدن انتقادی، دلاوران آزاداندیش و کاوش‌های علمی متمرکز است. بچه‌ها فرصتی می‌یابند تا با کودکان دیگر از خانواده‌های آزاداندیش برخورد داشته و دوستی‌هایی که در این اردوگاه‌ها برقرار می‌شود کمابیش همیشه پایدار و دائمی است. برای بسیاری از کودکان برخوردی که در این اردوگاه پیش می‌آید آن‌ها را متوجه می‌سازد که خانواده آن‌ها تنها نبوده و فرصتی برای برهم‌کنش و ارتباط متقابل میان کودکان هم سن درباره این موضوعات پیش می‌آید و به آن‌ها کمک می‌کند تا باورها و ارزش‌های خود را توسعه دهند.

7. Palo Alto

8. California

9. TIME

10. Phoenix, Albuquerque, Colorado Springs, and Portland

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

پرسش: من و شریکم در نخستین روزهای دیدار با یکدیگر در گروه آزاداندیش محلی در این شهر عضو بودیم. ولی زمانی که دارای فرزندان شدیم دیگر در گردهمایی آن شرکت نکردیم زیرا هیچ برنامه یا فعالیتی برای کودکان ارائه نکرده و ما نمی‌خواستیم در هنگام حضور در گردهمایی ناچار به استخدام پرستار بچه شویم. برای خانواده پسنده‌تر ساختن گروه آزاداندیش منطقه خویش چه کاری می‌توانیم انجام دهیم؟

پاسخ: زمانی که نوبت به خدمات خانوادگی می‌رسد بسیاری از بیخدایان، آزاداندیشان و گروه‌های انسان‌گرا گرفتار مشکل «اول تخم مرغ بود یا مرغ» می‌شوند. این گروه‌ها برنامه‌ای برای بچه‌ها ارائه نمی‌دهند زیرا هیچ خانواده‌ی دارای فرزند عضو آن‌ها نیست و هیچ خانواده‌ای عضو آن‌ها نیست زیرا برنامه‌ای برای کودکان ندارند.

پیش از آنکه راه خود را پیش گرفته و از گروه بفرید من توصیه می‌کنم کوشش کنید تا در گردهمایی گروه محلی برنامه‌ای برای کودکان برپا و دایر سازید. از سازمان دهندگان گروه جویا شوید که آیا اعضای کنونی یا پیشین از گروه وجود دارند که در فهرست‌نامه رسانی گروه قرار داشته و در گردهمایی حاضر نمی‌شوند. این افراد هسته‌ی اصلی گروه شما را خواهند ساخت! با چنین افرادی تماس برقرار سازید. از این افراد جویا شوید که اگر برنامه‌ای برای کودکان هم‌زمان با گردهمایی برپا شود خواهان برگشت به گروه هستند یا نه. اگر از سوی این خانواده‌ها تمایلاتی دیدید اطلاعات آن را به آگاهی سازمان دهندگان گروه رسانده و از آن‌ها بخواهید تا این فکر و اندیشه را به مرحله عمل درآورند.

اگر گروه هیچ خبر و آگاهی از خانواده‌ای در فهرست‌نامه رسانی نداشته فهرستی برای گرفتن امضا در محل دیدار والدین قرار دهید. هم چنین جویا شوید که آیا می‌توانید در سایت گروه اعلام کنید و هم چنین در نامه خبری گروه از افراد خواستار ایجاد برنامه‌ای برای کودکان بخواهید به شما ایمیل بزنند. در وبسایت‌های www.craigslist.com و www.meetup.com آگهی بدهید.

هنگامی که چند همراه خواهان و صمیمی یافتید و از پشتیبانی مدیریت گروه خاطر جمع گشتید، آنگاه هنگام آن رسیده تا برای برنامه نقشه راه را تهیه کنید. یک اشتباه کلی که افراد در

بخش هشتم: بنیادگذاری و برپاسازی انجمن‌ها

این مرحله به فراوانی انجام می‌دهند کوشش برای انجام کارهای فراوان و زیاد در زمان کوتاه است. به احتمال بسیار شما و خانواده‌های دیگری که به این گروه علاقه‌مند هستید افرادی بسیار مشغولی بوده و زمانی برای نوشتن کل دروس آموزشی روز تعطیلی یا رویدادهای پر جزئیات را نخواهید داشت. حتا شاید هیچ درخواست سختی برای ارزیابی چنین برنامه‌هایی در آغاز راه وجود نداشته باشد.

به طور کلی بهترین راه، آغاز کردن یک برنامه در گام‌های ساده و کوچک است. اگر بیشتر خانواده‌های علاقه‌مند دارای بچه‌های کوچک و کم سن و سال هستند با برنامه‌ای مانند داستان خوانی، نقاشی و رنگ آمیزی و شعرهای ساده آغاز کنید. آماج گام‌های نخست ساختن عزم نیرومندتر و آگاه ساختن افراد از وجود یک برنامه برای کودکان است و هم چنین وادار ساختن بچه‌ها و والدین به آشنا شدن با همدیگر است. اگر سه خانواده بچه‌دار علاقه‌مند به این برنامه هستند شاید هر یک خانواده‌های بتواند برای یکی از مراحل برنامه‌ریزی کرده و آن را اجرا کند. این وضعیت، خبر را پخش کرده و (با همان اهمیت) انجمنی را بر پا خواهد ساخت که همه‌ی والدین را درگیر خواهد ساخت.

پرسش: چگونه می‌توانم گروه تربیتی بدون دین را در منطقه خود راه‌اندازی کنم؟ در منطقه ما گروه‌های سکولار سازمان‌یافته فراوانی وجود نداشته و گروه‌هایی نیز که وجود دارد در واقع کاری برای ما نمی‌کنند.

پاسخ: در سال‌های اخیر شماری از گروه‌های تربیتی غیرمذهبی در سطح ملی آغاز به شکل گرفتن کرده است. به فاصله اندکی پس از انتشار کتاب تربیت فارغ از اصول مذهبی یک گروه «گردهمایی رسمی» با نام همانندی در رالی در کارولینای شمالی^۱ به راه افتاد. پس از سه ماه گروه دارای ۵۰ عضو شد. در ماه‌های پایانی ۱۳۸۷ (ماه‌های آغازین ۲۰۰۸) مرکز کاوش^۱ (CFI)

1. Raleigh, North Carolina

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

CFI^۱) آغاز به سازمان‌دهی گروه‌های تربیتی غیرمذهبی در شهرهایی مانند آستین^۲ و پرتلند نمود، به طور کامل همانند یک «حلقه‌ی تربیتی دشوار» برای پدر و مادران سکولاری که آغاز به برپایی گردهمایی‌هایی در شهر نیویورک کرده بودند. اگر شما نقشه راه‌اندازی گروه خود را دارید، شما در دسته خوبی قرار گرفته و دارای شماری از گروه‌های موجود برای الگوبرداری هستید.

نخست آماج یا اهدافی را روشن و مشخص سازید که امیدوارید گروه آن را برآورده سازد. آیا خواستار یافتن پدر و مادران سکولار و شریک شدن در صلاح‌حدها و اندیشه‌های آن‌ها هستید؟ آیا در جستجوی برقرار ساختن ارتباط میان کودک خود و کودکان دیگر با زمینه‌های اعتقادی مشترک هستید؟ یا موضوعاتی وجود دارد که می‌خواهید کودکان شما در گروهی بزرگ‌تر از خانواده آن‌ها را فراگیرند مانند اخلاق؟

تصمیم گرفتن پیرامون آماج گروه و گام برداشتن صادقانه در مسیر آن هدف، برای موفقیت بنیادی پایدار، حیاتی است. بدون شک بعید نیست که چنین آماجی در گذر زمان دستخوش دگرگونی شود ولی این مهم است که هماهنگ با هم باشد.

اگر تنها در جستجوی زمین‌بازی برای کودکان خود به همراه کودکان دیگری با اندیشه‌های همانندی هستید و چند تن از پدر و مادران سکولار همراهی و هم نظر را می‌شناسید، آن‌ها را از این اندیشه آگاه ساخته و تبادل نظر داشته باشید شاید بهترین گزینه شما راه انداختن موردی غیررسمی باشد. اگر هدف شما موردی به این سادگی باشد، برنامه‌ریزی سازمان‌دهی یک گروه رسمی‌تر می‌تواند پر مسئولیت و غیرضروری باشد.

انجمن‌های برخط سکولار در بخش‌های منابع خود اغلب اجازه می‌دهند که افراد نام شهر یا استان خود را اعلام کرده و راهکارهایی برای فرستادن پیام‌های هدف‌دار یا خصوصی را ارائه می‌کنند. چند خانواده سکولار ساکن در ناحیه زندگانی خود با کودکان هم سن را یافته و پیشنهاد رفتن به موزه، باغ وحش، استخر شنا، پارک یا جاهای نزدیک دیگری را بدهید که برای

1. The Center for Inquiry

2. Austin

بخش هشتم: بنیادگذاری و برپاسازی انجمن‌ها

خانواده‌ها جذاب است. با والدین و کودکان دیدار کرده و اگر اوضاع بر وفق مراد پیش رفت، دیدارهای منظم در هر تعطیلی یا دیدارهای هفتگی منظم خانوادگی والدین را پیشنهاد دهید. در چنین مواردی نیاز نیست که با راه‌اندازی وبسایت، تبلیغ و برپا ساختن سازمانی با کارمند و بودجه زندگی خویش را سخت‌تر کنید.

از سوی دیگر اگر هدف شما راه‌اندازی گروهی است که بیش از یک گردش آموزشی رسمی بیرون از خانه باشد - مانند آموزش اخلاق، اندیشیدن انتقادی، مقایسه دینی، تاریخ آزاداندیشی، تحقیق و کاوش دانشیک یا علمی و غیره - آنگاه در واقع شما گروهی می‌خواهید که جدی‌تر بوده و در واقع به چنین گروهی نیز نیاز است. بعید نیست که با مهارت و استادی آموزش‌هایی را برنامه‌ریزی کرده و برای این درس‌ها منابع و تجهیزاتی را خریداری کنید بنابراین می‌خواهید بدانید چند تن بچه در هنگام آغاز در سر کلاس حاضر خواهند شد. شاید نیاز باشد با یک گروه سنی خاص‌تر کار کرده و اگر در این مسیر پرتلاش افتادید بعید نیست برای گسترده‌تر ساختن گروه خود تبلیغاتی نیز داشته باشید.

این هدفی والا است ولی بهتر است که با برنامه‌ای کوچک آغاز کرده و با گذشت زمان فعالیت‌ها و برنامه‌های خود را گسترش دهید. با دیدار در بیرون از خانه و جلسه‌های بازی بچه‌های کوچک که والدین آن را برنامه‌ریزی کرده، با والدین علاقه‌مند دیگر آغاز کرده و پدر و مادران دیگر را بشناسید. دریابید که آیا دیگران برای کار کردن بر پروژه یک «کلاس آزاداندیشی روزهای تعطیل^۱» موافق هستند و چه تصویری از چنین آموزش‌هایی دارند. بفهمید که والدین همراهی با شما چه مدت می‌توانند برای این پروژه کار کنند و چه مهارت‌هایی دارند. تقسیم فعالیت‌ها پیرامون برنامه‌های در حال اجرا مهم است تا همه بار بر دوش شما نباشد و بنابراین خانواده‌های دیگر در برنامه سرمایه‌گذاری کرده و کوشش‌های سخت خود را رایگان اهدا نکنید.

هم چنان که گروه شما رشد می‌کند دلیل اصلی تشکیل گروه را از یاد نبرید. اجازه ندهید که سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی گروه در سر راه هدف اصلی - یعنی ساختن یک انجمن

1. Freethought Sunday school

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

برای خانواده - قرار گیرد. فعالیت‌ها آموزشی باید سرگرم‌کننده باشد نه چیزی که مایه ترس و هراس کودکان شده و آن‌ها را مجبور و ناچار به توجه سازد. گروه به جای اینکه تنها بار نقشه کشیدن را بر دوش والدین بگذارد و بدون رساندن هیچ بهره‌ای باید پدر و مادران را پشتیبانی کرده و اندیشه‌های سودمندی به آن‌ها عرضه نماید.

برای فعالیت‌های که برای گروه بزرگی از کودکان مناسب است بنگرید به کتاب کار. برای ایده و اندیشه‌های برنامه‌های آموزشی بنگرید به بخش منابع.

پرسش: هیچ گروهی در ناحیه ما فعالیت ندارد (یا گروه‌های محلی در ناحیه ما متناسب با زمان‌ها یا وظایف خانوادگی ما نیستند) و از این‌ها گذشته من وقت ندارم که گروهی تازه‌ای را به راه اندازم. چه پیشنهادهایی برای من دارید؟

پاسخ: حتا اگر در ناحیه شما گروهی نیز وجود نداشته باشد باز هم چندین راه دیگر برای یافتن یک انجمن آزاداندیش متناسب با خانواده خود در اختیار دارید.

برای خانواده‌های آزاداندیش منابع برخط وجود دارد - برای نمونه تربیت فارغ از اصول مذهبی دارای وبسایتی (www.ParentingBeyondBelief.com) به همراه تالار گفتگویی است که والدین می‌توانند درباره موارد تربیتی سکولار گفتگو کرده، به تبادل رویدادها پرداخته و ایده گرفته یا مورد حمایت قرار گیرند.

جامعه اخلاقی بدون مرز¹ (www.eswow.org) و مذهب جهان‌گرای توحیدگرا (UU) از جمعیت گسترده‌تر (<http://clf.uua.org>) دارای مواد درسی مذهبی هستند که می‌توانید برای خانواده از آن‌ها بهره ببرید. (البته در گروه‌های فرهنگ اخلاقی و جهان‌گرای توحیدگرا (UU) عبارت «آموزش مذهبی» به هیچ وجه به معنای «مطالعات کتاب‌های آسمانی» نیست.) نهاد مطالعات انسان‌گرا دارای یک بخش تربیتی در تارنمای جهانی به نشانی (www.humaniststudies.org/parenting/) با منابعی جالب برای پدر و مادران انسان‌گرا و آزاداندیش است.

1. The Ethical Society Without Walls

بخش هشتم: بنیادگذاری و برپاسازی انجمن‌ها

شاید گروه‌هایی در محله‌ی شما وجود داشته باشد که آشکارا بدون مذهب نبوده ولی دارای همان ارزش مدارا کردن هستند که در وجود شما نیز هست و خانواده‌های آزاداندیش را پذیرا می‌شوند. گروهی را جستجو کنید که فعالیت‌های علمی کودکان را هدایت کرده یا دارای برنامه‌هایی برای کودکان باشند که هوشمندانه کنجکاو و یا خوش استعداد بوده یا فرصت‌های داوطلبانه‌ای را برای خانواده‌ها مهیا می‌کنند. یک گروه پذیرا که بر همدلی، خلاقیت و اندیشیدن انتقادی تکیه دارد جای بزرگی برای خانواده شماست مهم نیست که اکثریت اعضای آن زمینه دینی داشته باشند یا غیردینی. در واقع محیط‌هایی از این دست می‌تواند بهترین مکان برای اکتشاف کودکان پیرامون گوناگونی و تنوع جهان‌بینی‌ها در یک محیط غیر تلقین‌گر باشد.

گردهمایی‌های سالانه، برنامه‌های شامگاهی و اردوهای تابستانی می‌تواند بچه‌های شما را با جامعه‌ای از آزاداندیشان روبرو سازد. هر چند این گزینه برای شما یک انجمن محلی با گردهمایی‌های منظم در طول سال نمی‌سازد ولی آن‌ها می‌توانند مکملی برای موارد در دسترس در ناحیه شما باشند. کمپ کوئیس در چندین نقطه امریکای شمالی اردوهای تابستانی هفتگی برگزار می‌کند.

شمار اندکی از سازمان‌ها گردهمایی‌هایی را ارائه می‌دهند که مناسب نوجوانان است: اتحادیه آمریکایی اخلاق گردهمایی برای نوجوانان در مقاطع راهنمایی، دبیرستان و دانشگاهی برگزار می‌کند. مجمع دانش‌آموزان سکولار^۱ (www.secularstudents.org) گردهمایی را برگزار می‌کند که در درجه نخست ویژه دانشجویان است هر چند برخی از دانش‌آموزان مقطع دبیرستان نیز در آن شرکت دارند.

در گوشه و کنار تعدادی اردوگاه‌های و آسایشگاه‌های غیر رسمی خانوادگی نیز سر برآورده‌اند. مراسم دریاچه هایپاتیا^۲ که هر ساله در ۱۳ تیرماه (۴ جولای) و با مشارکت نهاد

1. The Secular Student Alliance

2. Lake Hypatia

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

آزاداندیش آلاباما^۱ و بنیاد آزادی از دین^۲ (www.ffrf.org/lakehypatia) بر پا می‌شود را بررسی کنید چون که مراسم جالبی از آزاداندیشی را با کنفرانس و اردو در هم می‌آمیزد. در این رخداد برخی مسابقات عجیب مانند مسابقه سافتبال بیخدایان با ندانم‌گراها نیز برگزار می‌گردد.

پرسش: آیا برای کودکان شناختن خانواده‌های آزاداندیش دیگر مهم است یا آیا تأثیر محیط خانوادگی برای عرضه و آشکار ساختن اندیشه‌های آزاداندیشی بسنده و کافی نیست؟

پاسخ: هر چند که مطمئن هستم که کودکان شما در هر دو صورت به خوبی تربیت خواهند شد ولی اجتماعی از خانواده‌های آزاداندیش به شیوه‌های بسیار مهمی قادر به کمک است. همان گونه که بابی کیرک‌هات^۳ در کتاب تربیت فارغ از اصول مذهبی توضیح داده کودکان بر خلاف بسیاری از بزرگ‌سالان آزاداندیش که شاید گرایش و تمایل به «عضو بودن» ندارند کمابیش همیشه به دنبال شیوه‌ها برای متعلق بودن هستند. از سوی دیگر این احتمال وجود دارد که کودکان بدون تعلق به اجتماعی با ارزش‌های مشترک سرانجام راهی برای خود پیدا کرده و بعید نیست دست آخر عضو «گروه اجتماعی» شوند که بر محور کنش‌های مخاطره‌آمیز بنیاد گرفته شده باشد.

بچه‌ها چیزهای بسیاری از هم دیگر یاد می‌گیرند و این مهم است که در محیط خود با افراد هم سن و سال تماس داشته باشند تا بتوانند از دیدگاه و جهان‌بینی خود سخن بگویند. از سوی دیگر این کودکان به‌طور ضروری نباید همگی تربیت شده خانواده‌های آزاداندیش باشند - در واقع این بهترین حالت است اگر آن‌ها بتوانند اندیشه خود را با کودکانی با دیدگاه‌های گوناگون در میان بگذارند. خود من گفتگوهایی را با دوستان خود پیرامون جنبه‌های گوناگون

1. Alabama Freethought Association

2. Freedom from Religion Foundation

3. Bobbie Kirkhart

بخش هشتم: بنیادگذاری و برپاسازی انجمن‌ها

دینی به یاد می‌آورم. هر چند بیشتر دوستان من پدر و مادران مسیحی داشتند ولی می‌کوشیدند تا آنچه را درباره جهان می‌اندیشیدن به تصویر بکشند درست همان کاری که من می‌کردم. (البته پدر و مادر آن‌ها هنگامی که درباره این گفتگوها آگاهی پیدا کردند چندان هم احساس شور و شوق نمی‌کردند.)

بیشتر خانواده‌های آزاداندیش هر چند که در جستجوی انجمن یا اجتماعاتی با ارزش‌های مشترک هستند بچه‌ها را از وجود دیدگاه‌های دیگر ناآگاه و بی‌خبر نگذاشته ولی می‌کوشند درس‌های اخلاقی آموزش داده شده در خانه را تقویت کنند. در حالی که هر کسی می‌تواند در خانه کارهای بسیاری برای آموزش ارزش‌هایی مانند همدلی و اندیشیدن انتقادی انجام دهد با این حال بدون شک بچه‌ها خانواده خود را با خانواده‌های دیگر مقایسه خواهند کرد. اگر بچه‌ها خانواده‌هایی دیگر را بشناسند که دارای جهان‌بینی همانندی بوده و درباره این موضوعات گفتگو کنند آموزش‌های ارائه شده در خانه دارای اعتبار بیشتری می‌شود.

یک دلیل دیگر برای پیگیری یافتن انجمن و اجتماعات آزاداندیش غیر از خانواده: بسته به اینکه در کدام ناحیه زندگی می‌کنید ممکن است باورها و اصول عقاید شما در میان والدین هم کلاسی و هم سالان بچه شما بحث‌انگیز باشد. در مدرسه برخی از بچه‌ها برای در تنگنا قرار گرفتن و آزار رساندن مورد کم‌محلّی واقع شده، خائن، اهریمنی خوانده شده و وعده آتش دوزخ به آن‌ها داده می‌شود. دیده شده که مربی‌ها و آموزگاران یا سرگروه‌ها به دلیل عدم شرکت در نماز و نیایش یا فعالیت‌های مذهبی بچه‌ها را تنبیه کرده که به گفته آن‌ها «هر کسی» به انجام آن می‌پردازد. بچه‌هایی که به دلیل باورها با نظر منفی و تعصب یا زورگویی روبرو می‌شوند این بسیار مهم است که مجموعه‌ای از آزاداندیشان دیگر در زندگانی آن‌ها حضور داشته باشند. دانستن این موضوع که کسانی دیگری همانند آن‌ها و خانواده آن‌ها وجود دارد می‌تواند به کودکان در درک تنها نبودن کمک کرده و در صورت تصمیم به مقاومت در سنگر باورهای خود به عنوان منبعی دلگرم‌کننده و پشتیبان کنش کرده و به هم‌کلاس‌های آنان یاد دهد که آن‌ها چه کسی هستند و چگونه می‌اندیشند.

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

پرسش: پیشاهنگی یکی از اجتماعات بزرگ در رشد من بود ولی گویا دیدگاه‌های نامداراگرانه ای در سال‌های اخیر داشته‌اند. آیا می‌توانید به طور دقیق خط‌مشی پیشاهنگان امریکا (BSA) پیرامون دین را توضیح دهید؟ آیا بیخدایان به طور عملی منع شده یا سیاست «نپرس و نگو» حاکم است؟

پاسخ: دقیق‌ترین پاسخ برای ابراز خط‌مشی آن‌ها این هست که اعتقاد به دین برای آن‌ها الزامی است. اگرچه بیخدایان منع شده ولی بعید نیست کودک بدون «برچسب» را بپذیرند. ولی سازمان پیشاهنگی پسران اعلام باورهای مذهبی را الزامی می‌داند. در اعلامیه پیشاهنگی امریکا درباره اصول دین آمده است:

پیشاهنگی به این نتیجه رسیده که هیچ عضوی نمی‌تواند به درجه یک شهروند عالی برسد مگر اینکه به بندگی خدا گردن نهاده باشد. شناخت خدا به عنوان نیرو و حاکم گیتی و شکر نعمت‌ها و توجه وی برای بهترین شهروندان الزامی بوده و قواعدی درست و سالم در آموزش اعضای در حال رشد و در حال بالیده شدن است.

سوگند پیشاهنگی با «با افتخار بالاترین توان خود در راه خدا و کشورم می‌کوشم.» همان گونه که دیده می‌شود سوگندی در حد حرف نیست. ضرورت دارد که پیشاهنگ پیوسته و به طور عملی بر اعتقاد به خدا تأکید نماید.

پرسش: علیرغم همه‌ی این‌ها همه‌ی دوستان پسر پیشاهنگ شده و او نیز می‌خواهد پیشاهنگ شود. آیا باید به او اجازه این کار را بدهم؟

پاسخ: در اصل این یک پرسش اخلاقی است و پرسشی هست که باید با پسر خود در این باره به گفتگو پردازید. ولی چون این مورد در سن ۸ سالگی دیده می‌شود در نهایت تصمیم‌گیری آن به عنوان والدین به شما بستگی دارد.

بخش هشتم: بنیادگذاری و برپاسازی انجمن‌ها

پیشاهنگی امریکا دارای یک خط‌مشی ملی است که بیخدایان (و هم‌جنس‌گرایان) را از عضویت منع کرده است. برخی از دسته‌های آن‌ها شاید این خط‌مشی را به طور دقیق پیاده نکنند ولی (همان‌گونه که در بالا گفته شد) اعضای بایستی در هنگام سوگند پیشاهنگی بر ایمان خویش تأکید کنند و این موضوع به طور پیوسته رخ می‌دهد. پیشاهنگانی که ایمان ندارند - و توجه داشته باشید که شامل بچه «بدون برچسب» نیز می‌شود که هنوز درباره مسئله ایمان تصمیم نگرفته - زمان سوگند خوردن ناچار به دروغ گفتن هستند مگر اینکه رهبر دسته بخواهد سوگندنامه را تغییر دهد. بنابراین ما آن را مورد اخلاقی یکم می‌نامیم.

مورد اخلاقی دوم: چنین خط‌مشی اگر اجباری هم باشد ناگزیر به قرار گرفتن در یک سنگر دین می‌کند - که گاهی به طور مستقیم مخالف با «کنش عالی» عدم انتخاب برچسب برای کودکان است.

مورد سوم: عضویت در یک سازمان دلالت بر یک حد ویژه از تأیید خط‌مشی گروه دارد. برخی از افراد حس می‌کنند پیشاهنگ شدن (یا اجازه به فرزند برای عضویت در پیشاهنگی) پشتیبانی و اعتماد در برابر تبعیض را به ارمغان می‌آورد که بر پایه باورهای دینی و گرایش جنسی نهفته است.

این‌ها در مجموع با یک تصمیم راحت و سریع جمع نمی‌شود. هر پدر و مادری شاید به طور منطقی به نتایج مختلفی برای پیوستن یا نپیوستن به پیشاهنگی برسند. اگر با اطمینان نمی‌توانید تصمیم‌گیری با سرپرست دسته پیشاهنگی گفتگویی داشته باشید چون بچه را دست او خواهید سپرد. درباره نگرانی خود توضیح داده و واکنش او را بررسی کنید. مواد آموزشی را بررسی کنید که پسر شما استفاده خواهد کرد و دریابید که سرپرست دسته این گرایش و تمایل را دارد که اجازه دهد پسر شما نسخه متفاوتی از سوگندی را بخواند که خدا در آن نیست و فعالیت‌های اصلاح‌شده‌ای را برای نشان شایستگی انجام دهد که دارای اجزای مذهبی نبوده چون مایه ناراحتی شما می‌شود. به سرپرست دسته توضیح دهید که شما متعهد هستید تا فرزندان را آزاد گذاشته تا هنگامی که بالغ شد راه خودش را درباره دین را انتخاب کرده ولی می‌خواهید

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

در محیطی قرار نگیرد که (آشکارا یا به طور ضمنی) آموزش ببیند که افراد بدون دین دارای ارزش‌های اخلاقی نبوده یا به هر صورت از افراد متدین پایین‌تر و پست‌تر هستند. هم چنین با پسر خود نیز گفتگو کنید. او باید درباره خط‌مشی پیشاهنگی بداند و ببیند نظر او چیست. در این سن جذابیت رفتن با پیشاهنگان بسیار سنگین‌تر از یک استدلال اخلاقی است. اگر پس از گفتگو باز هم خواست به اردوی پیشاهنگی بپیوندد به او بگویید که در زمانی که با پیشاهنگان هست باز هم باید در این باره فکر کند. اطمینان پیدا کنید که بچه می‌داند که لازم نیست در سوگند یا فعالیتی مشارکت کند که با آن مخالف است و همیشه می‌تواند درباره مشکلاتی که در سر راه قرار می‌گیرد با شما گفتگو کند. از سوی دیگر اگر در نهایت شما از پیوستن به پیشاهنگان نگران هستید برای پسران توضیح دهید که چرا و به او کمک کنید تا در فعالیت‌های دیگری شرکت کند.

منابع بیشتر

- مقاله مارگات دونی «آموزش کودکان برای ایستادن بر سر اصول» در کتاب تربیت فارغ از اصول مذهب.
- پیشاهنگی برای همه (www.scoutingforall.org) سازمانی که کمر بسته تا پیشاهنگی پسران آمریکایی را به یک سازمان غیر تبعیضی اصلاح نماید.

پرسش: پیشاهنگی دختران برای دختر من جذابیت فراوانی دارد. آیا پیشاهنگی دختران نیز دارای تبعیض‌های همانندی است؟

پاسخ: نه، پیشاهنگی دختران این تبعیض‌ها را ندارد. علیرغم حضور واژه‌ی «خدا» در تعهد و پیمان پیشاهنگی سازمان پیشاهنگی دختران (که به طور کامل سوا و مستقل از سازمان پیشاهنگ پسران است) راه خود را بر پایه‌ی یک خط‌مشی غیر تبعیضی گذاشته است. نتیجه آن عالی نیست

بخش هشتم: بنیادگذاری و برپاسازی انجمن‌ها

- گزارش‌هایی محلی از کنش‌های تبعیض‌آمیز بر خلاف اصول سازمانی وجود دارد- ولی در گروهی با این گستردگی این موارد نمی‌تواند دور از انتظار باشد.

این ویژگی پیشاهنگ دختران امریکا درباره باورهای دینی در پیروزی بزرگ رأی‌گیری سال ۱۳۷۲ خورشیدی (۱۹۹۳ میلادی) به نتیجه رسید و این سازمان معیاری را پذیرفت که اعضای آن می‌توانند در پیمان پیشاهنگی دختران واژه یا عبارت دیگری را جایگزین واژه «خدا» کنند. یک اعلامیه منتشر شده در سال ۱۳۸۲ (۲۰۰۳ میلادی) با عنوان «آنچه ما از آن دفاع می‌کنیم» دربرگیرنده‌ی این بند بسیار واضح و روشن است:

سازمان دختران پیشاهنگ هیچ‌گونه فلسفه‌ی ویژه و خاص یا باور دینی را تأیید و ترویج نمی‌کند. جنبش ما یک جنبش سکولار بوده و ریشه در اصول دموکراتیک آمریکایی دارد اصل آزادی دین. (۱۱)

یک آیین‌نامه در سال ۱۳۷۰ (۱۹۹۱ میلادی) هم چنین خط‌مشی گرایش جنسی را روشن ساخته است.

به عنوان یک سازمان خصوصی، دختران پیشاهنگ امریکا به ارزش‌ها و باورهای هر عضو خود احترام گذاشته و پای موضوعات شخصی افراد را به میان نمی‌کشد. بنابراین خط‌مشی عضویت به هیچ‌رو بر اساس گرایش و سلیقه جنسی انتخاب نمی‌شود. (۱۲)

پرسش: آیا جایگزینی در برابر سازمان‌های پیشاهنگی سنتی وجود دارد؟

پاسخ: تا حدودی در نتیجه سیاست‌های تبعیض‌آمیز پیشاهنگی پسران امریکا و موضوعات دیگری پیرامون پیشاهنگی سنتی (شامل تقویت نقش جنسیت، تأکید بر فرمانبری و موارد دیگر) به تازگی چندین جایگزین دیگر گسترش یافته است که شامل:

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

- پیشاهنگان زمین^۱ (www.earthscouts.org): «پیشاهنگان زمین یک برنامه پیشاهنگی فراگیر مختلط پسران و دختران است... [که تأکیدش بر] پایدار بودن، برابری و عدم خشونت است.» (۱۳)
- اسپیرال اسکاتز^۲ (www.spiralscouts.org): «اسپیرال اسکاتز بر... مدارا مذهبی و همکاری میان مذاهب، مسئولیت شخصی و پرورش بوم شناختی و گفتگو رشد یافته متمرکز بوده تا به کودکان ما در تبدیل شدن... به یک شهروند جهانی کمک کند.» (۱۴) اسپیرال اسکاتز از یک سنت مذهبی غیر مسیحی اقتباس شده و برخی از اصطلاحاتی به کار رفته از سوی آنها مانند «دایره‌ها» و «قلب‌ها» در دسته‌های این گروه بازتاب آن سنت‌ها می‌باشد ولی فعالیت‌های آنها برای هر بچه‌ای با هر سنتی تنظیم شده است. وبسایت آنها اطلاعات بیشتری را ارائه کرده و راهی برای یافتن حلقه‌های نزدیک به محل شما ارائه کرده است.

پرسش: من دوست دارم کودکانم عضوی از جامعه آزاداندیشان باشند ولی از سوی دیگر نمی‌خواهم پیش از اینکه شانس و فرصتی برای غور کردن در اندیشه خود داشته باشند برچسب بیخدا به آنها زده شود. چگونه بدون خوردن برچسب یا مورد تلقین قرار گرفتن می‌توانم آنها را با اجتماعی از آزاداندیشان روبرو سازم؟

پاسخ: شما درست اصل کلام را دریافته‌اید. این هم‌رایی و وفاق میان آزاداندیشان وجود دارد که کودکان باید خود راه خویش برای مذهبی بودن (یا غیرمذهبی بودن) را برگزیده و هم چنین در چنین اجتماعی نگرانی‌ها و دل‌مشغولی‌ها پیرامون برچسب و تلقین بسیار جدی گرفته می‌شود. آزاداندیشان بنا بر تعریف بر اساس خرد ورزیدن، مطالعه و ژرف‌اندیشی به باورهای خود رسیده و بیشتر از هر کس دیگری می‌دانند که کودکان آنها همین حق را دارند. بسیاری از آزاداندیشان

1. Earth Scouts

2. Spiral Scouts

بخش هشتم: بنیادگذاری و برپاسازی انجمن‌ها

در بچگی تجربیات ناخوشایندی از تلقین‌های مذهبی داشته و درک کرده‌اند که بهترین راه برای دور کردن یک کودک از یک آموزه - هر آموزه‌ای - به زور خوراندن آن است. یکی از آماج‌های اصلی بنیاد خرد و دانش ریچارد داوکینز^۱ (www.richarddawkinsfoundation.org) بالا بردن آگاهی پیرامون مشکل برچسب زدن دینی (یا غیردینی) به بچه‌ها بر اساس باورها و اعتقادات پدر و مادران است. هم چنین کمپ کوئست نیز از برچسب زدن به کودکان پرهیز کرده و در عوض می‌کوشد تا پایگاهی باشد که کودکان بتوانند جهان‌بینی‌ها در حال رشد خودشان را رها از کلیشه‌های منفی و متضاد کشف کرده که البته شاید با برگشت با خانه نزد خانواده به دلیل باورهای والدین از میان برود. البته اگرچه اکثریت آزاداندیشان در این باره نظر یکسانی دارند ولی همه نیز با آن موافق نیستند. درست با همان وسواس و شدتی که فعالیت‌های دیگر بچه خود را بررسی می‌کنید فعالیت‌های آزاداندیشی که بچه به آن مشغول می‌شود را نیز واری کنید. با سرپرست فعالیت درباره مسائل مورد توجه خود گفتگو کنید.

در حالی که بیشتر آزاداندیشان می‌کوشند تا از برچسب زدن به کودکان بر اساس باورهای پدر و مادران خودداری کنند ولی احتمال دارد که برچسب از سوی اعضای دیگر اجتماع به بچه داده شود. در این باره با کودک خود گفتگو کنید و به او کمک کنید تا پاسخ‌هایی آماده داشته باشد مانند «چرا فکر می‌کنید چون پدر و مادر من به چیزی اعتقاد دارند من هم همان اعتقاد را دارم؟ هر چه پدر و مادر شما قبول دارند بدون استثنا شما هم قبول دارید؟» به کودک خود یادآوری کنید که آزاد است باورهای خود را هر چند مرتبه خواست تغییر دهد و هم چنین یادآوری کنید که هر اعتقادی پیدا کند شما خواهید پذیرفت هر چند ممکن است گاهی بزرگسالان دیگر آن را فراموش کنند. زمانی که بزرگسالان دیگر بر اساس باورهای شما به بچه برچسب می‌زنند، اشتباه آن‌ها را با ملایمت درست کنید: «خوب این اعتقادات من است ولی اگر می‌خواهید از اعتقادات پسر من آگاه شوید باید از خودش پرسید.»



1. The Richard Dawkins Foundation for Reason and Science

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

مادری بدون دین از ایالت اوهایو پاسخی به آموزش و پرورش خانگی کودکان^۱ (نفرستادن بچه به مدرسه) توسط بی دین ها داده است.

پرسش: چرا به جای فرستادن بچه به مدرسه تصمیم به آموزش و پرورش خانگی گرفتید؟

پاسخ: دختر من آلیسن^۲ در پایه دوم بود و خیلی به وی سخت می گذشت. البته وی با مدرسه یا آموزگار خویش مشکل نداشت بلکه تنها به دلیل نپرستیدن خدا مورد آزار و فشار قرار می گرفت. دو دختر دیگر او را در گوشه ای از دستشویی گیر کشیده و به او گفته بودند که چون به خدا اعتقاد ندارد به جهنم خواهد رفت. ماجراهای فراوانی از این دست رخ داد. من با آموزگار و مدیر گفتگو کردم. ولی چون دانش آموزان به میل خود چنین کرده بودند مدرسه از مداخله خودداری کرد. اولیای مدرسه اعلام کردند که حکم به توقف به معنای زیر پا گذاشتن حق آزادی بیان آن دانش آموزان است. من به جای رفتن به سوی کارزاری طولانی تصمیم گرفتم دخترم را در خانه آموزش دهم.

پرسش: آیا آموزش و پرورش خانگی به طور کامل ویژه و مخصوص بنیادگرایان دینی نیست؟

پاسخ: نزدیک به سه چهارم از افرادی که در ایالات متحده امریکا به آموزش و پرورش خانگی روی می آورند از مسیحیان انجیلی هستند ولی از سوی دیگر شمار فراوانی از افراد غیر الهیاتی با آموزش و پرورش خانگی وجود دارند. تنها پیدا کردن ما غیر الهیاتی ها کمی سخت تر است! هر چند که این روزها بیشتر بر سر زبان ها افتاده ایم. راه اصلی ما برای ارتباط نامه الکترونیک

1. Homeschooling

2. Allison

گروهی است (بنگرید به بخش منابع). ما از هم دیگر حمایت و پشتیبانی کرده و در یافتن مواد درسی سکولار برای مدارس کمک‌رسانی می‌کنیم.

پرسش: بنابراین تعداد فراوانی دوره آموزش و پرورش خانگی وجود دارد؟

پاسخ: بله - ما به راستی باید متوجه کارهایی که می‌کنیم باشیم. بیشتر ناشران مذهبی به کارهای خویش افتخار کرده و تأکید می‌کنند که کارهای آن‌ها سکولار نیست. ولی برخی از آن‌ها نیز دزدانه کار می‌کنند. زمانی که من نخستین بار به آموزش و پرورش خانگی رو آوردم گمان می‌کردن که می‌توانم کتاب‌های آنان را به کار گرفته و تنها از روی جملات و عبارت‌های دینی رد شوم ولی به تندی دریافتم که کل جهان‌بینی آن‌ها با جهان‌بینی من متفاوت است. بسیاری از شرکت‌های تأمین‌کننده مواد آموزشی آموزش و پرورش خانگی به طور آشکار و رسمی مسیحی هستند ولی برخی از آن‌ها مواد آموزشی سکولار را نیز به فروش می‌رسانند. من وقتی کتابی را می‌خرم که هشدار را بر کتابی بینیم که ناشر کتاب یک ناشر سکولار بوده و شاید خوشایند نباشد!

پرسش: منابع سکولار را از کجاها تهیه می‌کنید؟

پاسخ: اگر یک جستجوی اینترنتی درباره منابع سکولار آموزش و پرورش خانگی انجام دهید پیوندهای بسیاری خواهید یافت. افرادی هم هستند که مواد آموزشی را مورد بازبینی و پژوهش قرار داده و فهرست‌هایی را به وجود آورده‌اند. من به تازگی کتاب‌های درسی مدارس دولتی را سفارش داده‌ام. بررسی من به این سرانجام رسید که همه‌ی آن‌ها سکولار است. هر چند که این کتاب‌ها گران است. هم چنین می‌توانید در سایت ای‌بای (eBay) کتاب‌های چاپ قدیمی‌تر را با تخفیف‌های بزرگ خریداری کنید. افزون بر این‌ها من از انگلستان نیز کتاب خریده‌ام و از آن‌ها بسیار راضی و خشنود بوده‌ام.

پرسش: درباره فرایند اجتماعی شدن سخنی دارید؟

پاسخ: این پرسشی است که مجریان آموزش و پرورش خانگی کمابیش بیش از هر پرسش دیگری می شنوند. بعید نیست که اجتماعی شدن فرایندی دشوار به ویژه برای افراد غیرمذهبی باشد. من در بسیاری از گردهمایی‌ها حضور پیدا کرده‌ام که افراد فرض می کرده من فردی مذهبی هستم. من می توانستم انتخاب کنم: اعلام انسان گرا بودن، که به طور احتمالی مایه و باعث طرد من و دخترم از گروه شده یا می توانستم نخست خاموش مانده و بعد اعلام کنم. زمانی که آلیسن کوچک تر بود من زبانم را نگه می داشتم. ما تازه آموزش و پرورش خانگی را آغاز کرده بودیم و دخترم نیاز به هر هم بازی داشت که پیدا می کرد.

این روزها من رک و راست تر برخورد می کنم. از سوی دیگر چون آلیسن بزرگ تر شده او هم نیز برخوردی رک تری با دوستانش دارد. خوشبختانه یک خانم بسیار خوب در همین شهر یک گروه آموزش و پرورش خانگی راه انداز کرده است. ما گروه آموزش و پرورش خانگی سکولار مید اوهایو^۱ هستیم. ما سرانجام وضعیتی مناسب با حال خود را یافتیم شرایطی که به طور کامل ساخته خود ما است! گاهی گفتگوهای ما به مواد آموزشی سکولار کشیده شده ولی بیشتر ما برای رابطه دوستی و حمایت جمع می شویم. اکنون آلیسن احساس راحتی فراوانی دارد چون می تواند با آزادی درباره غیرمذهبی بودن سخن بگوید. بچه‌ها هم دیگر را تشویق به پایداری و مقاومت در راه آزاداندیشی می کنند. هم چنین برای کنار آمدن با مشکلات زندگی به هم کمک می کنند.

پرسش: نقاط ضعف و قوت آموزش و پرورش خانگی چیست؟

پاسخ: برای ما بالاترین سود آموزش و پرورش خانگی در شیوه زندگانی است. ما آزادیم و در محدوده دیوارهای مدرسه دربند نیستیم و در هر مکان و زمانی تجربه یادگیری را داشته باشیم. یادگیری تنها محدود به چهاردیواری ای به نام کلاس‌های مدرسه نیست! ما می کوشیم

بخش هشتم: بنیادگذاری و برپاسازی انجمن‌ها

تا آلیسن‌ها را به عنوان شهروندان جهانی تربیت کنیم و آموزش و پرورش خانگی این امکان را به ما می‌دهد. با پرداخت نرخ پایین در فصل تعطیل تا حد ممکن به سفر می‌رویم. ما مواد درسی و شیوه یادگیری را خودمان برمی‌گزینیم. از سوی دیگر به کسی به آلیسن زور نمی‌گویید چون انسان‌گرا است.

«نقطه ضعف» اصلی اجبار برای به طور فعال پیگیری تجربه اجتماعی است. آلیسن عاشق وقتی بود که بچه‌ها دور و برش بودند و گاهی یک روز کامل دلتنگ شد و می‌رفت از دور کلاس‌ها را نگاه می‌کرد. به ندرت گاهی اوقات هم را تلخ می‌کردیم زیرا بیشتر شبانه روز را در کنار هم بودیم. ما ارتباطی دو طرفه در این باره داشتیم و تنها یکی سخنگو نبود. ما احساس می‌کنیم که یادگرفتن برای موفق بودن و گفتگو درباره مسائل یکی از مهارت‌های مهم زندگی برای کودکان است از سوی دیگر ما ناچار باید با این کلیشه سروکله می‌زدیم کلیشه‌ای که آموزش و پرورش خانگی را تنها مذهبی می‌شمرد. ما دوست داریم ذهن انسان‌ها را باز کرده تا بدانند همه جور انسانی در آموزش و پرورش خانگی پیدا می‌شود.

اجازه ندهید که بدون خدا بودن شما را از آموزش و پرورش خانگی بازدارد. ما می‌توانیم پشتیبان هم بوده و صدای خود را رساتر سازیم. همان طور که شمار افراد آموزش و پرورش خانگی افزوده می‌شود، ناشران این نیاز بازار را در خواهند یافت و مواد آموزشی بیشتری برای ما منتشر خواهند ساخت.

تصمیم به انجام آموزش و پرورش خانگی شاید تصمیمی دلهره‌آور باشد. در نخستین روزها آغاز این کار من به راستی عصبی بودم ولی اینک به طور کامل مطمئن هستم که این تصمیم درستی برای خانواده‌ام بوده است.

- امی پیج، آموزش و پرورش خانگی مید اوهایو،
ohiohomeschoolhumanist@yahoo.com

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی



کتاب کار

این بخش کتاب کار در برگیرنده‌ی اندیشه‌هایی برای بنیادگذاری، به راه انداختن و کشف ایده‌هایی برای انجمن‌ها می‌باشد.

آزمون بلیف او ماتیکTM

www.beliefnet.com برای بلیف او ماتیک

سن ۱۱+

از دوستان و خانواده بخواهید تا آزمون بلیف او ماتیک به نشانی www.beliefnet.com را انجام دهند. بیست پرسش چندگزینه‌ای درباره باورهای خود را پاسخ داده و سپس فهرستی از اصول عقاید و درصد جور بودن با هر کدام را دریافت کنید. یک تمرین جذاب هنگام ساختن انجمن و در تشریح ریشه‌های اشتراک در میان اصول عقاید.

زدن به جاده برای یافتن گروه‌های آزاداندیش

بدون محدودیت سنی

از گروه‌های آزاداندیش محلی، جماعت‌های جهان‌گرای توحیدگرا یا جامعه اخلاقی دیدن کنید. دریابید که چه چیزهایی برای ارائه داشته و راه‌هایی را بررسی کنید که خانواده شما می‌توانند در آن‌ها مشغول شوند.

آزاداندیشان مشهور، قهرمانان انسان‌گرا

بدون محدودیت سنی

1. The Belief-O-MaticTM Quiz

بخش هشتم: بنیادگذاری و برپاسازی انجمن‌ها

بیشتر کودکان بزرگ می‌شوند بدون اینکه کمترین آگاهی از کمک‌های فراوانی داشته باشند که توسط بی‌دین‌ها انجام گرفته است. درست همان گونه که جهان‌بینی خداپرستانه مارتین لوتر کینگ و ماهاتما گاندی شناخته شده و روشن است، همان طور هم ارزش‌های غیر الهیاتی انسان‌گرایانه زندگانی و کارهای چنین شخصیت‌های برجسته مانند جان استورات میل، سوزان برونول آنتونی، جین آدامز، آلبرت اینشتین، توماس ادیسون و تعداد بی‌شماری از افراد دیگر. دفعه بعد که بچه شما برای گزارش درسی یا پروژه، شخص مشهوری را برگزید چرا یک آزاداندیش را پیشنهاد نکنید؟ برای دیدن فهرستی از صدها بیخدا و ندانم‌گرا به سایت www.celebatheists.com مراجعه کرده و چند تن را که برای بچه شما یادگرفتن در باره آن‌ها جالب است برگزینید.

نقاشی دیواری انجمن

بدون محدودیت سنی

مواد: کاغذ کلفت و مداد شمعی، مارکر یا رنگ

همه افراد را جمع کرده و یک توفان مغزی^۲ در رابطه با اینکه انجمن چیست، راه بیندازید. به کودکان کمک کنید تا بتوان فراتر از مرزهای فیزیکی جامعه رفته و متوجه مفهوم ارزش‌های و سنت‌های مشترک بشوند. بچه‌ها را وادار کنید تا از تصور خود از جامعه نقاشی دیواری رسم کرده یا بکشند. از آن‌ها بخواهید که تصاویری از افراد را نیز در نقاشی بیاورند که در حال انجام کارهایی هستند که جامعه را به هم پیوند می‌دهد. سپس درباره راه‌های حمایتی از همدیگر و از هم‌نشاندن جامعه گفتگو را ادامه دهید.

گو-تو-گو (Guru2Go)

بدون محدودیت سنی، (بهترین حالت در گروه‌های دوازده تنی یا بیشتر، به طور نسبی در گروه‌های

2. Brainstorm

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

(سن پایین)

- ۱- به کودکان بگویید که شما در جستجوی ۴ «گرو» «مرشد» هستید - بچه‌هایی که می‌توانند دانسته‌های خود را در ۳ یا ۴ دقیقه به شخص دیگری یاد بدهند. (برای درک اندیشه‌های توفان مغزی به بچه‌ها کمک کنید: آیا در کشور دیگری بوده‌اید؟ آیا می‌دانید ستارگان چگونه تشکیل شده‌اند؟ آیا می‌توانید توضیح دهید چگونه درختان تور خورشید را به مواد مغذی تبدیل می‌کنند؟)
- ۲- چهار گرو را در اتاق پخش کنید. بقیه بچه‌ها را به گروه‌های سه تنی تقسیم نمایید.
- ۳- از هر گروه یکی نزد گرو برود و گرو آنچه را که بلد به وی یاد می‌دهد. فراگیران، به سخنان گرو گوش داده، پرسش‌های خود را پرسیده و یادداشت برمی‌دارند.
- ۴- فراگیران به گروه‌های خود برگشته و آموخته‌های خود را به گروه یاد می‌دهند.
- ۵- این کار را با گروه‌های جدید ادامه دهید.

رشته‌های مشترک

بدون محدودیت سنی، گروه‌های هشت تنی یا بیشتر - هر چه بیشتر بهتر

مواد لازم، کاغذ چرک‌نویس، مداد، کاغذ کلفت، مارکر

- ۱- کودکان را به گروه‌های دوتایی تقسیم کنید.
- ۲- اعضای هر گروه با یکدیگر گفتگو کرده و نقاط مشترک را پیدا کنند (یک علاقه، ترجیح، استعداد، تجربه و غیره) سپس آن را بنویسند.
- ۳- سپس هر جفت با گروه دو تایی دیگر را انتخاب کنند. سپس کودکان مورد مشترک در میان هر چهار تن را پیدا کرده و آن را بنویسند.
- ۴- هر گروه چهارتایی، گروه چهارتایی دیگر را یافته و موردی را تشخیص دهند که در میان هر هشت تن مشترک باشد.
- ۵- تا پایان یافتن همه‌ی بچه‌ها ادامه دهید.
- ۶- یک نقاشی دیواری روشن‌کننده هر سطح از اجتماع را بکشید.

بخش هشتم: بنیادگذاری و برپاسازی انجمن‌ها

همه‌ی دوستان و همسایگان من

بدون محدودیت سنی، بزرگسال و بچه می‌توانند با هم این بازی را بازی کنند.

مواد لازم: یک میدان بزرگ یا فضای بزرگ و تعداد صندلی کافی به اندازه گروه بازیکنان منهای یک.

این بازی در کمپ کوئیسیت برای کمک به افراد برای شناختن همدیگر انجام می‌شد. صندلی‌ها را به شکل دایره قرار دهید در حالی که یک صندلی کمتر از تعداد بازیکنان است. شخصی که بازی را آغاز می‌کند در میانه ایستاده و حقیقتی را درباره خودش می‌گوید که گفته او با این عبارت آغاز می‌شود «همه‌ی دوستان و همسایگان من...». مثال: «همه‌ی دوستان و همسایگان من درس ریاضی را بیشتر از هر چیز دیگر دوست دارند. افراد نشسته در دایره که این عبارت درباره آن‌ها نیز درست است و شخص گوینده دویده و یک صندلی تازه‌ای در جای تازه‌ای از حلقه پیدا می‌کنند (اغلب اوقات بازیکنان اجازه ندارند از صندلی نزدیک به خود استفاده کنند). شخصی که بدون صندلی مانده به میانه‌ی حلقه رفته و حقیقتی را درباره خودش می‌گوید مانند، «همه دوستان و همسایگان بافتنی بافتن را بلد هستند.» تا هر وقت که آمادگی دارید، این بازی را ادامه دهید.

راهنمایی: سعی کنید که تنها به ویژگی‌های قابل مشاهده بپردازید. بازیکنان چیزی زیادی از همدیگر یاد نمی‌گیرند اگر در همه دورها گفته شود «همه دوستان و همسایگان ما شلوار جین آبی می‌پوشند.» افراد را تشویق کنید که مراقب باشند که با هم برخورد نداشته یا زمانی که نشسته‌اند راهنمایی کنید. اگر بچه‌های کوچک‌تر پشت سر هم می‌بازند و به میان می‌آیند به آن‌ها در پیدا کردن صندلی کمک کنید یا با کسی که تا کنون به میان نیامده جایش را تعویض کنید.

«چرا، ولی...»

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

سن هشت ساله و بالاتر، دو تا هشت گروه. اگر شرکت‌کنندگان بیشتر هستند آن‌ها را میان پند گروه تقسیم کنید.

مواد لازم: موضوعاتی برای بحث مناسب گروه سنی.

این فعالیتی است که در کمپ کوئیس برای تشویق کودکان برای اندیشیدن مستقل و تشویق به استدلال به سود هر دو سوی یک قضیه به کار می‌رفت. این از فعالیتی به نام «زنجیره بحث ۳» گرفته و اصلاح شده است که به عنوان پیش تمرین در دستور کار تیم بحث و گفتگوی دبیرستان به کار می‌رود. این فعالیت برای گروه‌های کوچک از بچه‌های ۸ ساله و بزرگتر فعالیت خوبی است. هم چنین این فعالیت می‌تواند به عنوان روشی برای از میان بردن ناهماهنگی در گروه و شیوه به بحث گذاشتن موضوع است. درس و نکته آن در اینجا چند طرفه بودن موضوع است. درک استدلال افرادی که با شخص موافق نیستند کمک به بهتر ساختن استدلال برای دفاع از موضع خود می‌نماید - یا شاید به تغییر ذهن و اندیشه فرد بینجامد. زمانی که با گروه کار می‌کنید، شاید موافق نباشید ولی می‌توانید راهی را برای گفتگو درباره موضوع پیدا کرده و با هم بر روی آن کار کنید.

۱- گروه در یک دایره می‌نشیند.

۲- توضیح دهید که شما می‌خواهید یک موضوع را آغاز کرده و هر شخص باید به استدلال شخص کنار دستی‌اش پاسخ دهد. باید بگویید که مهم نیست که اعتقادات شخصی فرد چیست باید بر ضد نکته که شخص قبلی استدلال نماید.

۳- با ارائه یک دیدگاه و ارائه دلیل، موضوعی را آغاز کنید. برای نمونه، بگویید، «بچه‌ها باید در مدرسه یونیفرم بپوشند زیرا دیگر بچه‌ها ناچار به رقابت با هم نیستند که خانواده کدامیک می‌تواند باحالت‌ترین طرح پوشاک را داشته باشد.»

۴- شخص بعدی پاسخ می‌دهد، برای مثال، «بچه‌ها نباید یونیفرم‌های مدرسه را بپوشند زیرا پوشیدن پوشاک شخصی خود به آن‌ها اجازه می‌دهد تا فردیتی خویش را ابراز

بخش هشتم: بنیادگذاری و برپاسازی انجمن‌ها

کنند که بدون شک با پوشاک ارزان قیمت نیز می‌توانند این کار را انجام دهند.»

۵- شخص بعدی بر ضد شخص پیش از خود استدلال می‌کند. گفتن این نکته ضرورت دارد که این شخص باید به این استدلال تازه پاسخ گوید نه اینکه دوباره به سخنان شخص نخست بپردازد. برای نمونه می‌تواند بگوید، «فردیت می‌تواند به شیوه دیگری در مدرسه ابراز شود و چون مدرسه باید محیطی باشد که کودکان بر فراگیری تمرکز داشته باشند آن‌ها باید یونیفرم مدرسه را پوشیده تا حواس آن‌ها با پوشاک منحرف نشود.»

۶- این کار را ادامه داده تا هر شخص دست کم یک‌بار نوبتش بشود. در گروه‌های کوچک‌تر شاید بخواهید استدلال کردن در مورد مشخصی بیش از یک‌بار انجام گیرد. اگر تعداد بازیکنان در دایره فرد است در دور دوم هر شخص باید مخالف بار نخست استدلال نماید. این مورد حتا با تعداد زوج هم می‌تواند انجام شود اگر مجری نوبت خود را به شخص بعدی پاس دهد.

راهنمایی: انتخاب موضوعاتی که برای گروه سنی کودکانی که با آن‌ها کار می‌کنید، مناسب و قابل دسترسی باشد موفقیت این فعالیت را تضمین می‌کند. حدس‌های پیشنهادی عبارت است، یونیفرم مدارس، ساعت خاموشی، کارهای روزمره در خانه، مشق شب. موضوعی را انتخاب کنید که کودکان درباره آن به اندازه کافی دانسته و بتوانند درباره آن دلیل آورند و موضوعی باشد که به روشنی دارای دو جنبه نظری و به طور برابر قابل دفاع باشد. برای بازیکنان بزرگ‌تر، موضوعاتی برگزیده شود که بیشتر انتزاعی و پیچیده باشد. از پیش از آغاز این فعالیت چندین موضوع را بنویسید و اگر موضوعی به خوبی جلب توجه نکرد آن را عوض نمایید.

گروه داستان

بدون محدودیت سنی، با هر تعداد شرکت‌کننده

مواد لازم: چیزی لازم نیست؛ می‌توان از کاغذ، قلم یا مارکر استفاده کرد

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

افراد را گرد هم جمع کرده و به آگاهی همه برسانید که شما می‌خواهید داستان‌هایی را تعریف کرده (یا بنویسید). ولی شرطی در آن وجود دارد: شما داستان را با کمک همدیگر خواهید گفت. دایره‌ای تشکیل بدهید. نخستین فرد در دایره یک کلمه خواهد گفت تا داستان آغاز شود. هر شخص در نوبت خودش تنها یک کلمه به داستان می‌افزاید. کلمه افزوده شده باید از جنبه دستور زبان با کلمات پیشین جور باشد - غیر از این مورد هر چه می‌تواند باشد. تا هنگامی که داستان به یک نقطه پایان طبیعی برسد ادامه دهید.

روش جایگزین ۱: به جای دور زدن در یک دایره یک تن به عنوان «استاد» باشد و به هر کسی که می‌خواهد اشاره کرده تا آن شخص کلمه بعدی را اضافه کند.

روش جایگزین ۲: یک کاغذ را دست به دست داده و هر شخص کلمه‌ای را که می‌خواهد به این نوشته بیفزاید پس در پایان شخصی باید داستان را به طور کامل با آوای بلند بخواند. در این روش روند رویدادهای داستان برای افراد روشن و مشخص نمی‌شود تا اینکه کاغذ به دست او رسیده و تا پایان هیچ شخصی داستان را به طور کامل نمی‌داند.

روش جایگزین ۳: به جای افزودن یک کلمه از بازیکنان بخواهید که تعداد معلومی از کلمات یا یک جمله به داستان بیفزایند.

گرگی (Blob Tag)

بدون محدودیت سنی: بهترین حالت با ده تن شرکت‌کننده یا بیشتر

مواد مورد نیاز: یک میدان باز و ایمن برای دویدن

یک شخص «آن» را آغاز کرده و می‌کوشد تا دیگران را لمس کند. زمانی که دست شخص به کسی خورد به کمک شخص قبلی می‌رود. با کمک هم می‌کوشند تا افراد دیگری را بگیرند. این ادامه پیدا می‌کند تا اینکه همه افراد گرفته شوند.

راه کار جایگزین: اگر با شمار بسیاری روبرو هستید می‌توانید آن‌ها را به دودسته تقسیم کرده تا

بخش هشتم: بنیادگذاری و برپاسازی انجمن‌ها

به یک تعداد مشخص برسید.

روح تیمی

بدون محدودیت سنی، برای گروه‌های ۱۱ تا ۱۳ و بیشتر

مواد لازم: کاغذ بزرگ، مارکر، کاغذ چرک‌نویس، مداد یا خودکار

در این فعالیت کودکان نام تیم، سرود تیم و لوگوی تیم را می‌سازند. یک فعالیت بزرگ که در نخستین دیدار یک گروه استفاده می‌شود که این گروه برای مدتی با هم هستند یا بارها با هم دیدار خواهند کرد. بسته به تعداد شاید همه کودکان را وادار کنید با هم کارکرده تا یک تیم یکسان را پدید آورند یا شاید بچه‌ها را به چند گروه مجزا تقسیم کرده و هر گروه را وادار سازید تا هویتی را بسازد. گروه‌های کوچک‌تر به ویژه می‌تواند خوب باشد اگر دارای تعداد فراوانی هستید و می‌خواهید به نوبت از میان فعالیت‌ها انتخاب کرده یا تیم‌هایی را برای بازی‌های تیمی بعدی آماده سازید. اگر چندین تیم درست کردید، به گروه‌ها شماره تصادفی بدهید یا از بزرگ‌ترها بخواهید که گروه را تشکیل داده تا گروه از افراد مختلفی تشکیل شده و افراد نیز به خوبی با همدیگر آشنا نباشند.

۱- به هر گروه مداد یا قلم و کمی کاغذ چرک‌نویس بدهید. به هر گروه پانزده دقیقه فرصت برای توافق بر سر نام گروه بدهید. به گروه‌ها یادآوری کنید که آن‌ها می‌توانند با هر روش دلخواهی بر سر نام گروه به توافق برسند ولی باید بر سر روش آن توافق داشته باشند (برای نمونه: رأی‌گیری، عقیده اکثریت، یا قرعه‌کشی) و نام گروه باید چیزی باشد که افراد گروه از آن بدشان نیاید.

۲- زمانی که گروه بر سر نام به توافق رسید ده دقیقه دیگر به آن برای سرود یا هورا به گروه وقت دهید. اعضای گروه را آگاه نمایید که سرود باید شادی‌آور باشد نه چیزی که گروه را بی حال نماید.

۳- سپس به گروه‌ها پانزده دقیقه وقت دیگر برای رسیدن به توافق بر سر لوگو تیم بدهید که

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

کاغذ چرکنویس را برای کار بر روی طرح به کار بگیرید.

۴- هنگامی که گروه‌ها طرح لوگوی خود را تهیه کرد، مارکر و کاغذهای بزرگ را به آن‌ها داده تا هر یک از تیم‌ها بتوانند لوگوی خود را کشیده و آن را رنگ نمایند. لوگوها می‌تواند در اتاق مشترک گردهمایی استفاده شده یا مکان هر تیم را اتاق مشخص کرده تا اعضا گرد آن جمع شوند.

۵- در پایان از گروه‌ها بخواهید نام، سرود یا هورا و لوگو خود را برای گروه‌های دیگر به معرفی کنند. اگر تنها یک گروه وجود دارد از اعضا بخواهید که آن‌ها را به رهبر گروه اهدا کنند. راهنمایی: شاید بخواهید که زمان این مراحل را بر اساس اندازه گروه‌ها تغییر داده و مدت استفاده از گروه‌ها را اصلاح کنید. اگر بخواهید می‌تون از بخش لوگو را صرف نظر کرده و تنها به نام و سرود پرداخته و سپس به فعالیت‌های دیگر پردازید.

گره انسانی

بدون محدودیت سنی، بهترین حالت با گروه ۸ تا ۱۵ تن. هم‌پنین می‌تواند با پندین گروه با پنین اندازه انجام شود.

مواد مورد نیاز: یک میدان یا فضای باز

۱- از اعضای گروه بخواهید که روبروی هم شانه به شانه هم در یک دایره، بسیار نزدیک هم بایستند.

۲- هر شخص دست‌های خود را دراز کرده و با هر دست، دست شخص دیگری را می‌گیرد. نباید دست شخص کناری خود را گرفته و نمی‌تواند دو دست یک شخص را بگیرد.

۳- گروه می‌کوشد تا آرایش دوباره‌ای به صورت دایره پیدا کنند بدون اینکه دست‌ها از هم جدا شود و به صورتی که در پایان هر شخص در میان دو شخصی که دست‌هایشان را گرفته قرار گیرد. توجه کنید که در این دایره آخری به وجود آمده برخی از افراد به سوی بیرون چرخیده و صورت آن‌ها به سوی بیرون است.

بخش هشتم: بنیادگذاری و برپاسازی انجمن‌ها

روش‌های جایگزین: برای دشوارتر ساختن این فعالیت، در حین اجرا به برخی از افراد یا همه‌ی اعضای گروه اجازه سخن گفتن ندهید.

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

منابع

یافتن انجمن‌های غیر الهیاتی موجود در ناحیه خود

انجمن آمریکایی انسان‌گرایی فهرست شعبه‌ها

[/www.americanhumanist.org/chapters](http://www.americanhumanist.org/chapters)

فهرست شعبه‌های بیخدایان آمریکایی

[/www.atheists.org/affiliation](http://www.atheists.org/affiliation)

اعضای گروه‌های جهانی اتحادیه بیخدایان

www.atheistalliance.org/aai/members.php

انجمن‌های اخلاقی اتحادیه آمریکایی اخلاقی

www.aeu.org/index.php?case=members

جامعه جماعت‌های یهودیت انسان‌گرا

www.shj.org/CongList.htm

شعبه‌های سازمان کنگره یهودیان سکولار

www.csjo.org/pages/affiliates.htm

جماعت‌های جهان‌گرای توحیدگرا

www.uua.org/aboutus/findcongregation/index.php

کانون انجمن‌های کاوش

www.centerforinquiry.net/about/communities

شعبه‌های دانشگاهی اتحادیه دانش‌آموزان سکولار

www.secularstudents.org/affiliates

بخش هشتم: بنیادگذاری و برپاسازی انجمن‌ها

هواداران محلی سرزنده‌ها

www.the-brights.net/community/blc/list.html

کمپ کوئیست

www.camp-quest.org

گروه‌های با گردهمایی رسمی

بیخدایان: www.atheists.meetup.com

انسان‌گرایان: www.humanism.meetup.com

سرزنده‌ها: www.humanism.meetup.com

تربیتی: www.parenting.meetup.com

بنیاد رهایی از دین دارای چندین شعبه محلی نیز هست ولی فهرست برخی از آنها وجود ندارد.

برای اطلاعات بیشتر بروید به، www.ffrf.org

جایگزین‌های پیشاهنگی سنتی

پیشاهنگان زمین (Earth Scouts)

www.earthscouts.org

پیشاهنگان اسپیرال (Spiral Scouts)

www.spiralscouts.org

برنامه‌های آموزشی

اتحادیه آمریکایی اخلاق

برنامه‌های آموزشی نمونه:

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

http://64.118.87.15/~aeuorg/library/articles/Love_Your_Neighbor_exploration.pdf

اتحادیه آمریکایی اخلاق برخی از مواد آموزشی دینی برای کودکان را در وبسایت خودش منتشر ساخته است. برنامه آموزشی همسایه‌ات را دوست بدار مواد آموزشی اخلاقی و ارزش آن برای پیش‌دبستانی تا سال‌های نخست دبستان است. اگر شخصی می‌خواهد برنامه‌ای را برای کودکان آغاز کند شاید این داستان‌ها و فعالیت‌ها نیز سودمند بیاید. اگر شخصی اندیشه برپایی یک انجمن اخلاقی را در نظر داشته باشد بعید نیست که مواد آموزشی به عنوان نمونه‌ای از برنامه کودکان جالب توجه باشد.

اوی‌باتر^۴ (دقت، واقع‌گرایی و تعادل در آموزش دینی)

مواد آموزشی نوازندگان طبل‌های مختلف:
www.teachingaboutreligion.com/new_dd.htm

نوازندگان طبل‌های گوناگون، یک ماده آموزشی پیرامون نقش آزاداندیشان در تاریخ است که توسط اوی‌باتر تهیه شده است. این ماده آموزشی که برای کاربرد در مدارس دولتی تهیه شده بر نقش اجتماعی مهم افراد تکیه می‌کند که بر خلاف جریان اصلی اندیشه جامعه می‌اندیشیدند. اگر در اندیشه به راه انداختن یک برنامه برای کودکان هستید شاید برخی از بخش‌های این ماده درسی کمک باشد. هم چنین شاید بخواهید این ماده آموزشی را به آموزشگاه بچه خود پیشنهاد کنید به ویژه اگر در جستجوی روشی برای کمک به بازسازی بنیادی برای مسیحیت یا هم‌رنگی در کلاس درس هستید.

جامعه اخلاقی بدون مرز

www.eswow.org

فرهنگ اخلاقی

4. OABITAR (Objectivity, Accuracy, and Balance In Teaching About Religion)

بخش هشتم: بنیادگذاری و برپاسازی انجمن‌ها

www.aeu.org

انجمن یهودیان انسان‌گرا

www.shj.org

کنگره سازمان یهودیت سکولار

www.csjo.org

انجمن درمانی آموزشی اعتقادات جهان‌گرای توحیدگرا

www.uua.org/religiouseducation/curricula/tapestryfaith/index.shtml

برخی از داستان و درس‌های این مواد آموزشی برخط در دسترس هستند. برخی از بخش‌های آن برای برنامه سکولار کودکان مناسب است.

منابع برای آموزش و پرورش خانگی سکولار

صفحات تربیتی آموزش خانگی سکولار

www.geocities.com/hs_hopeful/personal_pages/Secular.html

آموزش و پرورش خانگی سکولار

www.atheistview.com/secular_homeschool.htm

اطلاعات عمومی درباره آموزش و پرورش خانگی

<http://homeschooling.about.com>

تالار علوم لارنس، مرکز عمومی دانشگاه کالیفرنیا برکلی از مهدکودک تا دبیرستان مواد آموزشی علوم، مواد آموزشی ریاضی تهیه کرده است که برخی به منظور آموزش و پرورش خانگی بوده

است. www.lhs.berkeley.edu

ياهو گروپ برای آموزش و پرورش خانگی آزاداندیشان (کل اعضای در مجموع همان اعضای

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

می ۲۰۰۸ است)

گروه آموزش و پرورش خانگی سکولار (۱۵۲۰ عضو)

www.groups.yahoo.com/group/secular_homeschoolers

گروه آموزش و پرورش خانگی بیخدایان (۷۲۹ عضو)

www.groups.yahoo.com/group/homeschool_atheists

گروه آموزش و پرورش خانگی جهان‌گرای توحیدگرا (۹۹۵ عضو)

www.groups.yahoo.com/group/UUHomeschoolers

گروه آموزش و پرورش خانگی آزاداندیشان (۲۷۰ عضو)

www.groups.yahoo.com/group/FreeThinking-HomeEducators

گروه غیر مدرسه‌ای آزاداندیشان (۵۸۲ عضو)

www.groups.yahoo.com/group/freethinking_unschoolers

گروه‌های کوچک‌تر فراوانی هستند برخی در سطح استان و برخی در سطح شهر. در سایت

www.groups.yahoo.com عبارت مناسب را جستجو کنید (مانند، secular

homeschool Georgia).

متفرقه

Pollack, Stanley, and Mary Fusoni. *Moving Beyond Icebreakers* (Boston: Center for Teen Empowerment, 2005).

یک منبع عالی برای سازمان دادن به گروه‌ها و گردهمایی کودکان، نوجوانان و بزرگسالان. دارای

بیش از ۳۰۰ تمرین است ولی بر خلاف بسیاری دیگر از منابع راهکارهای سودمندی درباره چرا

باید این فعالیت‌ها را یکپارچه ساخت، هماهنگ ساختن و چیره شدن بر مقاومت‌های اعضای

گروه به اضافه راهنمایی با ملاحظه به چگونگی انتخاب بهترین فعالیت که به خوبی با اعضای

بخش هشتم: بنیادگذاری و برپاسازی انجمن‌ها

گروه و اهداف شما هماهنگ باشد.

این کتاب برای کسانی سودمند خواهد بود که می‌کوشند گروه تازه‌ای را به راه اندازند خواه آماج این گروه کودکان، نوجوانان بزرگسالان یا به همراه خانواده‌های مشارکت‌کنندگان باشد. هم چنین می‌تواند ابزار سودمندی برای کسانی باشد که می‌کوشند احساس همبستگی و پویایی گروهی را بهتر سازند. اگر گروه آزاداندیشان در ناحیه شما دارای یک برنامه ماهیانه سخنرانی به همراه پرسش و پاسخ است و سپس همگی ناپدید شده این کتاب نگرشی پیرامون چگونگی ساختن یک انجمن نیرومندتر در گروه شما با جذاب‌تر ساختن گردهمایی‌ها ارائه می‌کند. این کتاب از سوی یک سازمان غیرانتفاعی به نام توانمند ساختن نوجوان (www.teenempowerment.org) منتشر شده و در وب‌سایت و هم در کتاب‌فروشی مورد ترجیح شما در دسترس است.

پرسش‌های کلی درباره جهان‌گرایی توحیدگرا: www.uufaq.com. هم اکنون چندین منبع تازه جالب برای والدین بدون دین در حال گسترش است که شامل یک «ویکی تربیتی سکولار» از فعالیت‌هایی که مربوط به اندیشیدن انتقادی، اخلاق، معنا و کاوشگری است و هم چنین مواد آموزشی آموزشگاه یکشنبه انسان‌گرا از انجمن آمریکایی انسان‌گرا. برای آگاهی از به‌روزرسانی‌های پیوسته منابع برای پدر و مادران بدون دیدن از وب‌سایت تربیت فارغ از اصول اعتقادی در www.parentingbeyondbelief.com دیدار کنید.

یادداشت‌ها

۱- کلیسا و مدرسه یکشنبه اصطلاحاتی است که اکثریت مسیحیان جوامع دینی در ایالات متحده آن را به کار می‌برند. من این اصطلاحات را برای راحتی به کار برده‌ام. گروه‌های مذهبی دیگر اصطلاحات متفاوتی را برای مراسم‌های همانندی به کار می‌برند. برای مثال خانواده‌های یهودی اغلب متعلق به کنیسه یا معبد هستند و بچه‌های آن‌ها شنبه‌ها را در مدرسه عبری سپری می‌کنند.

2. From a study conducted by W. Bradford Wilcox, reported by

PBS on October 19, 2005, in its Religion and Ethics Newsweekly. The analysis is available at www.pbs.org/wnet/religionandethics/week908/analysis1.html.

Table 1, which includes the relevant findings, is available at www.pbs.org/wnet/religionandethics/week908/Wilcox_Data.pdf. Both accessed May 20, 2008.

3. Roccas, S., and M. B. Brewer, (2002). Social identity complexity. *Personality and Social Psychology Review*, 6, 88–106.
4. Sherif, Muzafer, O. J. Harvey, B. Jack White, William R. Hood, Carolyn W. Sherif (1954/1961), *Intergroup Conflict and Cooperation: The Robbers Cave Experiment*. Available online here: <http://psychclassics.yorku.ca/Sherif/index.htm>. Accessed April 13, 2008.
5. Gaertner, S. L., J. F. Dovidio, P. A. Anastasio, B. A. Bachman, and M. C. Rust. The common ingroup identity model: Recategorization and the reduction of intergroup bias. In W. Stroebe & M. Hewstone (Eds.), *European Review of Social Psychology*, 4 (1993), 1–26.
6. Witt, A. P., and N. L. Kerr. “Me versus just us versus us all”: Categorization and cooperation in nested social dilemmas. *Journal of Personality and Social Psychology*, 83 (2002), 616–637.
7. Accessed May 14, 2008, from www.gallup.com/poll/27124/Just-Why-Americans-Attend-Church.aspx
8. Based on several internal and external UUA surveys, including the Casebolt survey (2001) and the FACT survey (2000). The Casebolt survey offered seven labels and allowed respondents to select as many as they felt applied to them. “Humanist was a clear choice (54 percent), but agnostic (33 percent) beat out earth-centered (31 percent). Atheist was picked by 18 percent and Buddhist by 16.5 percent. Pagan and Christian tied at 13.1 percent.” The UUA’s 1997 in-house survey asked members to choose only one label. “The

top choices were humanist (46 percent), earth/nature-centered (19 percent), theist (13 percent), [and] Christian (9.5 percent).”Quotes from Dart, John, “Churchgoers from Elsewhere,” *The Christian Century* (December 5, 2001).

9. Accessed May 14, 2008, from www.aeu.org
10. Lee-St. John, Jeninne. “Sunday School for Atheists: An oxymoron? Nope—nonbelievers need places to teach their kids values too,” *TIME Magazine* (December 3, 2007), 99.
11. Accessed June 4, 2008, from http://en.wikipedia.org/wiki/Girl_Scouts_of_the_USA
12. Accessed June 4, 2008, from www.bsa-discrimination.org/html/gsusa.html
13. Accessed June 4, 2008, from www.earthscouts.org
14. Accessed June 4, 2008, from www.spiralscouts.org

کنجه

دیل مک گاون

خیلی عالی بود اگر زندگی یک بسته‌ی به طور کامل معلوم، مرتب و کوچک بود. نه- این جورها هم نیست. اگر این طور بود بسیار بد و وحشتناک می‌شد. بنابراین این بخش یک بزم از همه‌ی این بی‌نظمی‌ها، جایی برای مطرح شدن پرسش‌ها، پاسخ‌ها، آمار، نقل قول‌ها، گفته‌ها، منابع و گلچینی از چیزهای دیگر که بدون شک با موضوع‌های بخش‌های دیگر کتاب دارای هماهنگی است. من همه‌ی کوشش خود را به کار بردم تا هر تظاهری از نظم حذف شده و در برخی موارد حتا شاید بی ربط نیز به نظر برسد، لذت ببرید.

دوازده بلاگی که بدرد ما می‌خورد

مادری بدون سانسور

www.motherhooduncensored.typepad.com

بخش نهم: گنجه

کریستین کیز^۱ یک مادر بددهن، بدبین و رک گو دو تا بچه است که بویی از ادب و خوش برخوردی مرسوم در میان مردم را نبرده است. من وی را ستایش می‌کنم. او نیز مانند من یک استاد موسیقی است که به تازگی به دیپ ساوت^۲ رفته است.

بیخدایی دوستانه

www.friendlyatheist.com

اگر شخصی به استدلال، هوش و تفسیرهای دوستانه ولی استوار درباره جهان دین و بی‌دینی حساسیت دارد گرد بلاگ همان‌ت‌تا نگردد، در غیر این صورت تشریف بیاورید.

فارین گولا

www.scienceblogs.com/pharyngula

پل زکری مایرز^۳ یکی زیست‌شناس دانشگاه مینه‌سوتا، مورس است و نویسنده هوشمندانه‌ترین و سرگرم‌کننده‌ترین بلاگ دانش روی زمین است.

بد آسترونومی

www.badastronomy.com

فیل پالیت^۴ (نزدیک به نام واقعی‌اش)(۱)، نویسنده/ستاره‌شناس درباره سوء تفاهم‌ها ستاره‌شناسی، حقه‌ها و چیزهای دیگر است.

اخلاق شناس بیخدا

www.atheisthethicist.blogspot.com

-
1. Kristen Chase
 2. Deep South
 3. P.Z. Myers
 4. Phil Plait

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

بلاگ اخلاق - فلسفی النزوفای فی^۵، برای ژرف اندیشیدن ما.

انسان گرایی دوستانه

www.friendlyhumanist.blogspot.com

این بلاگ هوشمندانه و (البته) دوستانه‌ی یک انسان گرایی کانادایی در اسکاتلند است. یکی از بلاگ‌های مورد علاقه من برای اندیشیدن ژرف.

یاوه‌سرایی و خردورزی

[/http://blog.thehumanist.com](http://blog.thehumanist.com)

«دیدگاه‌های انسان‌گرا پیرامون خبرهای داغ فوری و سیاست»

بلاگ نیمه‌پر

[/http://greatergood.berkeley.edu/half_full](http://greatergood.berkeley.edu/half_full)

زیر عنوان آن «دانش تربیت کودکان شاد» است. بهتر از این جایی را پیدا نخواهید کرد.

انسان‌گرای نوین

[/http://blog.newhumanist.org.uk](http://blog.newhumanist.org.uk)

بلاگ یک مجله‌ی انگلیسی به همین نام.

معنای زندگی

www.ParentingBeyondBelief.com/blog

شما بدون شک صادقانه گمان کردید که من این قدر فروتن شده‌ام که سخنی از بلاگ تربیتی سکولار خودم به میان نیاورم. تازه خودتان را هم منطقی می‌نامید.

بلیگ‌بی

www.blighi.com

5. Alonzo Fyfe

بخش نهم: گنج

«وراجی‌های یک مامان شبه‌نظامی مهاجم بیخدا»

دیالکتیک بابایی

www.daddy-dialectic.blogspot.com

یک بلاگ نوشته‌ی سکولار جرمی آدام اسمیت و ویراستار گریتر گود که بابا هم هست البته با کمک چند نویسنده دیگر که از هر جنبه از بلاگ من بهتر و زیرکانه‌تر است. خوب که چی؟

پرسش: اگر یکی از بچه‌های شما مذهبی شد چه واکنشی خواهید داشت؟

من این پرسش را از هر چهار تن نویسنده همکار این کتاب پرسیدم و خواستم که یک پاسخ کوتاه (۱۵۰ کلمه‌ای) به این پرسش کلی بدهند. نتیجه این شد:

جان دور: نخست اطمینان پیدا می‌کنم که نوجوان من تنها از دسته‌های محلی «در» اجتماعات مذهبی یا برنامه‌های نوجوانان پیروی نمی‌کند. به ملایمت می‌پرسم که چرا او چنین تصمیمی گرفته و پاسخ وی را می‌شنوم. بعید نیست که بچه بدانند شما درباره دین چه اندیشه‌ای داشته و رغبت و میلی به این گفتگو نداشته باشد.

بعید نیست که شما متوجه ضعف‌ها یا خطاهایی در اندیشه وی بشوید. ولی انگشت گذاشتن بر این خطاها راه درستی نیست. اجازه دهید بچه خط سیر فکری خودش را در این حوزه ادامه دهد.

بینید که می‌توانید پیرامون الهیات آن دین مطالعه کرده و در گذر زمان گفتگوی رک و راستی با بچه پیرامون یادگیری‌ها و کنش‌ها در این جماعت داشته باشید. شاید بتوانید حتا با او در یکی از مراسم‌ها شرکت کنید.

مهم‌تر از هر چیز، آرام بمانید. نوجوانان اغلب نیاز به اندوختن تجربه پیرامون هر چیزی دارند تا احساسات خود را پیرامون آن‌ها دسته‌بندی کنند. این موارد اکتشافی در دین نادر نیست.

مولین ماتسومارا: عملی که باید انجام شود بستگی به دلیل دلبستگی کودک و ژرفای این دلبستگی دارد. دلایل فروانی برای کاوش و بررسی دین وجود دارد که لازم نیست درباره

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

هیچ کدام از آن‌ها ترسی به دل راه داد - بدون شک آن اندازه مهم نیست که نیازی به جنگیدن با آن‌ها باشد.

بعید نیست که کودک برای کشف ریشه‌های خود به دین علاقه‌مند شده باشد به ویژه اگر خانواده وی برخاسته از یک اقلیت دینی یا نژادی باشد. بنابراین به طور الزامی به معنای آن نیست که کودک یک اصول اعتقادی را پذیرفته و اگر چنین هم نباشد بهترین کاری که می‌توان انجام داد تشویق دل‌بستگی به راه‌های دیگر است: برای نمونه، مطالعه زبان نیاکان یا پختن خوراک‌های ویژه نژاد با هم دیگر.

در خانواده‌هایی که اعضا دارای هم‌رایی و وفاق درباره دین نیستند شاید کودک بکوشد تا پیوندی را برقرار سازد برای نمونه با همراهی مادر بزرگ برای رفتن به نیایشگاه؛ مراقب باشید که فرض نکنید که او طرف کسی را گرفته است. دیدن این ماجرا به عنوان یک آزمون وفاداری تنها مایه و باعث فاصله افتادن میان شما می‌شود.

آماندا متسکاز: باید به بچه اطمینان داده شود که والدین او را از صمیم قلب دوست دارند و این دوست داشتن به اعتقادات او بستگی ندارد. به اندیشه‌های بچه اهمیت داده شده و جدی گرفته شود. رفتار کردن با بچه به صورتی که انگار در «حال طی کردن مرحله‌ای» است یا تنها طوطی‌وار اندیشه شخص دیگری را تکرار می‌کند تنها به روابط والدین و فرزند آسیب رسانده و ارتباط را سرکوب می‌کند.

کودک را تشویق کنید که به اکتشافات خود ادامه داده و خود نیز پرسش‌هایی بپرسد. به بچه برای جدیتی که در این مورد داشته، تبریک بگویید هم چنین بگویید که مشتاق وقتی هستید که در این باره با هم گفتگو داشته باشید. به یاد داشته باشید که اکتشاف اندیشه‌ها بخشی مهمی از رشد ما انسان‌هاست.

هر اندیشه و آموزه‌ای که با ارزش‌های شما و ارزش‌های مورد قبول بچه شما متناقض است به چالش و زیر پرسش بکشید.

اگر بچه شما به دینی پیوست که برای مثال دارای فتوایی پردردسری درباره درمان‌های پزشکی یا منزوی کردن اعضا است - موقعیت متفاوت است. گفتگو با یک مشاوره‌ی حرفه‌ای

بخش نهم: گنج

را در دستور کار قرار دهید. بکوشید تا دریابید که آیا چیزی در زندگی بچه رخ داده که او را به سوی پیوستن به این دین رانده است.

دیل مک گاون: من کودکانم را تشویق می‌کنم که به هر تعداد باور و عقیده‌ای پیوندند که دوست دارند و هرگاه احساس آن‌ها به سوی دیگری تمایل پیدا کرد باورهای خود را عوض کرده و آن را تجربه کنند. آن‌ها در نهایت به آگاهی بهتری پیرامون هویت که سرانجام بر خواهند گزید رسیده و هم چنین آگاهی بهتری از آن‌هایی دارند که کنار خواهند گذاشت. از سوی دیگر واکنش من وابسته به معنای «مذهب» نیز می‌شود. آیا دین «همسایه‌ات را دوست بدار» است یا دین «خدا از هم‌جنس‌گرایان نفرت دارد» است؟ دین «دالایی لاما» است یا دین «هوایماربایان ۱۱ سپتامبر»؟

اگر کودکان من نشانه‌های دینی را برگزینند، احتمال دارد چیزی باشد که ارزش‌های همدردی و خرد را آشکار سازد چون که در چنین محیطی نیز تربیت شده‌اند. شاید بشود بهره‌های بسیار بیشتری از یک جهان کواکر لیبرال ببریم. به جای آن اگر یک از کودکان من با یک دین بدخواه‌تر یکسان‌پنداری کنند آنگاه نه این واقعیت که «دین» است بلکه پیامدهای منفی این باورها را به چالش خواهیم کشید. از همه‌ی این‌ها گذشته عشق من به کودکانم به طور کامل غیر قابل تغییر خواهد ماند.



شش کاری که افراد مذهبی (به طور کلی) (بسیار) بهتر از افراد بدون دین انجام می‌دهند یکی از پیام‌های اصلی تربیت فارغ از اصول دین و تربیت آزاداندیشان این هست که راه‌های سکولار برای به دست آوردن همه‌ی مزایای مذهبی وجود دارد. این درست است. این قدر جسارت داشته‌ام که بگویم من کار بهتری نیز انجام می‌دهم. زمان آن رسیده که بگذاریم ماجرای دیگری پیش آید. در زیر شش چیزی است که در ایالات متحده امریکا مسیحیت در آن‌ها جلوتر از غیر مذهب است:

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

۱- **بخشش سخاوتمندانه.** اگرچه شمار افراد بدون دین در داوطلب بودن بر تعداد افراد مذهبی غلبه دارد و با «دستکاری مذهب» این داوطلبی را باطل دانسته‌اند (۲)، ولی زمانی که نوبت به بخشش و دهش واقعی با پول واقعی می‌رسد، هیچ جوری نمی‌توان انکار کرد: مذهبی‌ها بر ما غلبه دارند. نسبت به سکولارها احتمال بیشتری دارد که افرادی که به طور منظم به کلیسا می‌روند پول ببخشند. (۹۱ درصد به ۶۱ درصد). (۳) روشن است که استثناهای قابل ذکری وجود دارد- سه تا از چهار خیرخواه در جهان بیخدا یا ندانم‌گرا هستند (۴) - ولی تصور کلی دهش و بخشش افراد سکولار باید بهتر بشود.

بخشش از راهکار به سامان و منظم کردن بخشش است. آن بشقاب نذورات که به طور منظم جلوی شکم افراد گرفته می‌شود تأثیری شل‌کننده بر بند کیف دارد..

۲- **پیوند دادن کارهای خوب به اصول اعتقادات.** همان‌گونه که در بالا گفته شد افراد بدون دین برای آستین بالا زدن و داوطلبی بسیار خوب عمل می‌کنند، ولی هیچ‌کسی نکوشیده تا روشن سازد که این کنش‌های نیک بازتاب ارزش‌های انسان‌گرایانه ما می‌باشد. در نتیجه حضور نا‌باوران در هنگام انجام کنش‌های نیک کمابیش همیشه نادیده گرفته می‌شود. درست به همین دلیل پس از فاجعه دانشگاه ویرجینیا تک^۶ دنش دسوزا^۷ می‌تواند مقاله‌ای دراز و خسته‌کننده «بیخدایان کجا بودند؟» را بنویسد. (۵) نا‌باورمندان حضور داشته و به عنوان مشاور، نجات‌دهنده و تکنسین فوریت‌های پزشکی فعال بودند ولی چون آن‌ها با نام و واحدی معاف از مالیات سازمان‌دهی نشده بودند جهان‌بینی آن‌ها به چشم نمی‌خورد. ما باید در روشن ساختن این موضوع بهتر عمل کنیم که ما انسان‌ها کردار نیک انجام می‌دهیم نه به دلیل باور و اعتقادات بلکه به خاطر خود کردار نیک.

6. Virginia Tech

7. Dinesh D'Souza

۳- **ساختن انجمن**. تا امروز نیز بدون دین‌ها در تشکیل گروه‌های معتبر بسیار بد عمل کرده‌اند. ما بیشتر دلوایس و نگران نیازهای و مسائل اضطراری برای منطقی‌تر بودن جهان بوده و به طور کامل نیازهای اولیه انسانی مانند پذیرش بدون قید و شرط را نادیده می‌گیریم. بیشتر انسان‌ها برای خداشناسی به پرستشگاه نمی‌روند - آن‌ها می‌روند تا به جایی و گروهی تعلق داشته باشند. آن‌ها به پرستشگاه می‌روند تا در محاصره افرادی باشند که به آن‌ها لبخند زده و با خوبی با آن‌ها تا می‌کنند، مردمی که حال بچه‌ها را پرسیده و شاید بپرسند کمرت که درد می‌کرد خوب شد یا هنوز دستت بند است. تا زمانی که دلیل گرد هم آمدن مردم را نشانیم - که دلیل آن «سرباز خرد و منطقی بودن» نیست - گروه‌های آزاداندیش در برپا ساختن انجمن و گروه باز هم هزاران فرسنگ عقب‌تر از مذهب خواهند بود.

۴- **به کار بردن عبارات‌های الهیاتی**. واژه و عبارت‌های فراوان الهیاتی وجود دارد که معادل خوب سکولار برای آن یافت نمی‌شود. عبارت مترادف سکولاری برای «آمزش» وجود ندارد. اگر دوست داشته باشم معادلی هم باشد باز هم «خوشبخت» به پای آن نمی‌رسد. هم چنین واژه‌ای به جای «مقدس» می‌خواهم. می‌خواهم بتوانم چیزی مانند «ملکوت» بگویم بدون این بار پنهانی خدا در آن وجود داشته باشد. می‌خواهم از «روح» خودم سخن بگویم البته به صورت سراسر طبیعت‌گرا و نمی‌خواهم سوءتفاهمی پیش بیاید. معجزه، معنویت - این فهرست بسیار دراز است. [زمانی که سلمان رشدی^۸ نکته همانندی را مطرح نمود مولین ماتسوما را یک استدلال مخالف اندیشمندانه مطرح ساخت. بروید به www.humaniststudies.org/podcast و بروید به شماره #۱۹ برای نسخه پادکست.]

۵- **در زمان نیاز پشتیبان هم باشید**. پشتیبانی مردم در هنگام نیاز از هم دیگر کار قشنگ و خوشایندی است، بدون توجه به مرام شخص. باز هم هنگام پذیرش

8. Salman Rushdie

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

بدون قید و شرط یک اجتماع یا انجمن، دین این کار را بسیار بهتر از هر انجمن و اجتماع غیردینی می‌کند تا جایی که من دیده‌ام. بله، دین دارای تعداد بیشتری است و بله آن‌ها دارای ساختار نیز هستند - ولی من آن‌ها را ستایش می‌کنم چون این نیاز را شناخته و تمایل به برآورده ساختن آن دارند. (۶)

۶- **اعتراف آن‌ها به جهان بینی.** درست است، برای فرد مذهبی بسیار آسان است

که با جهان بینی خود «آفتابی شود» زیرا همه جا هستند. حدس بزنید - خوب ما هم همه جا هستیم. برآوردهای کنونی ۱۸ درصد از جمعیت ایالات متحده را در دسته بی‌دین‌ها جا می‌دهد. افراد بدون دین آمریکایی بیشتر از افراد بی‌دین آفریقایی آمریکایی هستند. در این باره بیندیشید. بیرون آمدن از پستو و اعتراف به جهان بینی خود، کار را برای شخص بعدی آسان‌تر می‌سازد. خوب پس معطل نکنید.

انگیزه بیشتری می‌خواهید؟ به بچه‌ها بیندیشید. من دوست دارم کودکانم جهان بینی را برگزینند که به بهترین صورت مناسب حال آن‌ها باشد هم چنین دوست دارم انسان‌گرای سکولار نیز یکی از موارد مورد توجه آن‌ها باشد. این جهان بینی هرچه بیشتر به چشم بخورد و هر چه بیشتر متعارف به نظر برسد شانس و بخت بهتری برای اعمال جاذبه بر آن‌ها دارد. ولی اگر با بلند نظری بیشتر کردار نیک خویش را به باورهایمان پیوند دهیم، اجتماعاتی برپا کنیم، بر زبان آوردن عبارتهای متعالی را یاد بگیریم و توانایی دسته‌جمعی بهتری برای پشتیبانی از هم دیگر در زمان نیاز را گسترش بدهیم می‌تواند کمکی برای آن باشد.



پرسش: چون بنا است پسر ما در سال دیگر به مدرسه راهنمایی برود من و همسر با یک دشواری و مشکل سختی روبرو شده‌ایم. سیستم مدرسه دولتی ناحیه ما به طور چشمگیری فاقد استانداردهای محیطی و آکادمیک است که ما انتظار و توقعی داریم. ما تصمیم گرفتیم

که وی را در مدرسه خصوصی محلی ثبت نام نماییم ولی همه‌ی مدارس خصوصی در این ناحیه مبنا و پایه‌های مذهبی دارند. مدرسه‌ای که ما بیشتر از همه آن را دوست داریم یک مدرسه مسیحی «چند فرقه‌ای» که هر روز کتاب مقدس در آن خوانده می‌شود. من از اندیشه ادبیات مذهبی بدم نمی‌آید ولی از تلقین دین می‌ترسم. آیا نباید نگران باشم؟

پرسش درباره سوگند پرچم

دلینی (۶) در هنگام میان وعده بعد از مدرسه پرسید «معنی آزادی یعنی چه؟»
بی‌درنگ متوجه شدم که چرا او این پرسش را می‌پرسد و یک‌بار دیگر باز هم در مقایسه خودم با کودکان شرم‌منده شدم. گمان نمی‌کنم که تا واسط راهنمایی در باره‌ی معنای تعهد وفاداری اندیشیده باشم. زمانی که در سن او بودم بدون شک فکر کرده بودم که «آی پل جالی جنس» کلمه‌ای است با معنایی مانند «هی، به پرچم نگاه کن.» بدون شک نمی‌دانستیم که سر جان پیمان می‌بندیم که به چیزی وفادار باشم.
گفتم، «آزادی یعنی رهایی. یعنی آزادی که تا وقتی به شخص دیگری زیان و آسیب نرسد هر کاری خواستی بکنی.»
«اوه، بله.» مکث کرد. «خوب عدالت یعنی چه؟»
«عدالت یعنی انصاف. اگر عدالت وجود داشته باشد به معنای این است که با هر کسی برخورد منصفانه انجام می‌گردد.»
«خوب! پس وقتی ما می‌گوییم «با آزادی و انصاف برای همه» یعنی هر شخصی باید آزاد باشد و هر شخصی باید منصف باشد.»
«همین طور است.»
دختر گفت «اوهوم، دوستش دارم.»
من هم آن را دوست دارم. یک ایده بسیار خوب. هم چنین من این فکر را دوست دارم که بار دیگر که لنی (دلینی) تعهد را می‌خواهد اطلاعات بیشتر داشته باشد که درباره چه چیزی تعهد و پیمان می‌بندد.

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

ایمیلی در هنگامی که از ما خواسته شده بود که بر ضد [نام دشمنی سرسخت و لجوج را در این گروه بگذارید] متحد باشیم برای مدت طولانی دست به دست می‌گشت - متنی از سخنرانی اسکلت قرمز^۱ بازیگر کمدی در سال ۱۳۴۸ خورشیدی (۱۹۶۹ میلادی) که از سخنان یکی از نخستین آموزگاران خویش را بازگو می‌کرد. گویا این طور بوده که آموزگار توجه کرده که شاگردان طوطی‌وار سوگند پرچم را خوانده و تصمیمی می‌گیرد که کلمه به کلمه معنای آن را بازگو نماید.

این فکر که می‌خواسته کودکان درک کنند چه می‌گویند، اندیشه‌ی خوبی بوده است. این یکی از چهار مشکل مرا با سوگند تابعیت حل کرد. البته عبارت «زیر سایه خدا» وجود داشت - ولی این آخرین مشکل من بود.

واقعیت خیلی بدتر این است که به صورت حکم و دستور داده می‌شود یا قانون، یا سیاست یا به وسیله فشار اجتماعی. هیچ شخصی در هر سنی نباید در موقعیتی قرار گیرد که ناچار به تعهد سرسپردگی شود چه با زور یا حيله یا روش‌های دیگر.

هنوز بدتر از همه این‌ها چیزی که هیچ‌گاه نگران آن نبودم تا هنگامی که روحانی جهان‌گرای توحیدگرا و همکار تربیت فارغ از اصول مذهبی خانم کندیل گیسون^۲ مرا متوجه آن کرد (در این نوشته) در آغاز آخرین جنگ عراق در یک مقاله‌ی عالی به نام «چرا دیگر سوگند شهنوردی نمی‌خورم.» در بخشی این خانم می‌گوید که همبستگی چه اندازه برای انسان‌گرایی اهمیت دارد:

یکی از اصولی‌ترین وظایفی که من به عنوان یک انسان‌گرا با آن بزرگ شدم این بود که از مراقب استحکام قول‌های و پیمان‌های خودم باشم. کسی و چیزی که به عنوان یک انسان هستم تابع نقش داده شده‌ای از سوی یک آفریدگار فراطبیعت نیست... بلکه من چیزی هستم که خودم می‌گویم؛ صداقتی که خودم می‌گویم، قول‌هایی که بر سر آن می‌ایستم،

1. Red Skelton

2. Kendyl Gibbons

بخش نهم: گنج

ارزش‌هایی که تأیید می‌کنم، آیین‌هایی که در زندگی می‌پذیرم. سپردن سبکسرانه‌ی تعهدها، الزام‌های بی‌فکرانه یعنی دور ریختن یکپارچگی و تمامیتی که مرا تعریف می‌کند، چیزی که کمک می‌کند تا به عنوان یک کل زندگی کنم و ارزش بی‌همتا و شأن خودم به عنوان یک شخص را گرامی بدارم... باید توجه دقیق‌تری به آنچه آشکارا و رسمی می‌گوییم و تأیید می‌کنیم، داشته باشیم.

از سوی دیگر، نکته اصلی آن - تعهد به یک پرچم است که باید به اصول یا ارزش‌ها باشد. کسی شاید امیدوار باشد که پرچم در راه این چیزها باشد ولی اصول و ارزش‌ها بسیار آسان و راحت کژ شده و در پشت نمادی ناپدید می‌گردند. در آیین باستانی بودا و تندیس‌های هندو صلیب شکسته نماد هماهنگی جهان است ولی در آلمان دهه ۳۰ و چهل میلادی ناگهان به چیزی سراسر متفاوت تبدیل می‌گردد. بهتر است پیمان وفاداری به هماهنگی جهانی ابراز شود تا به صلیب شکسته که به بیراه کشیده شده است.

همین موضوع در رابطه با پرچم - هر پرچمی - درست است. باز هم کنذیل می‌گوید:

من به هیچ پرچمی پیمان وفاداری نخواهم بست... من مرتکب اشتباه گرفتن پرچم با ملت نخواهم شد یا مرتکب اشتباه گرفتن ملت با آرمان‌ها... وفاداری من به کشورم هم چون یک نمایشگر از آرمان‌های آن است.

تا جایی که جمهوری، که پرچم ما برای آن ایستاده، صادقانه به پیمان‌های بنیادگذاری شده برای آن پایند است، من به آن وفادارم... ولی در صورتی که این یک ابراز ناقص و محدود از آرمان‌هایی باشد که من در نهایت سوگند وفاداری به آن می‌خورم، در صورتی که به گودال فریب و خودگول زدن بلغزد، به درون تکبر و زورگویی و خشونت بیفتد، به جاده نهن کاری خودپرستی و معیارهای دوگانه عدالت برود، در این

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

حالت وفاداری من باید شکل اعتراض به خود بگیرد و فداکاری من باید

نمایشگر نا هم‌اندیشی باشد. (۷)

این شیواترین سخنرانی بوده که تا کنون من شنیده‌ام. هم چنین هنوز هم منبع الهام‌بخش من برای پرورش کودکان شده که کورکورانه سوگند وفاداری نخورده بلکه سوگند وفاداری مشروط می‌خورند - چیزی که وفاداری نهایی آنان را بدون شک پرمعناتر می‌سازد.

- دیل مک گاون، از وبلاگ معنای زندگی

پاسخ: من یک پشتیبان پرشور مدارس دولتی هستم ولی اگر این مدارس در ناحیه شما این قدر بد است درست نیست که بچه خود را در راه چنین اصولی شهید کنید. بعید نیست که یک بچه در یک محیط مدرسه‌ای (به راستی) پیشرو مذهبی و یک محیط خانگی آزاداندیش در بهترین حالت برای آزاداندیشی واقعی قرار گیرد. سه پرسشی که باید پرسید:

۱- آیا به راستی چند فرقه‌ای است؟ یک ویژگی فراگیر نیاز به اندازه معینی انعطاف‌پذیری دارد وگرنه شرایط مانند بدتر از جهنم پدید خواهد آمد. ولی بسیاری از مدارس تنها برای بالا بردن میزان ثبت‌نام‌های خود چنین ادعایی را مطرح کرده در حالی به وسیله یک گروه غالب بنیادگذاری گردیده است. آمار رابطه‌ی دینی دانش‌آموزان را بخواهید. اختلاط هر چه بیشتر، بهتر. اگر نشانه‌ای وابستگی به باپتیست یا کاتولیک دیدید، از آن مدرسه دور شوید. زمانی که نوبت به بررسی آزاد واقعی می‌شود هیچ یک از این دو فرقه هیچ دگرگون و تغییر به خود نداده تا این افتخار نصیب آنها شود.

۲- برخورد با پرسش‌های باز و شک دینی چگونه است؟ گفته‌های هیئت نمایندگان بیشتر مواقع نگرش رسمی را آشکار می‌سازد. گفتگویی با مدیر می‌تواند موضوعات بیشتری را آشکار سازد.

بخش نهم: گنج

۳- نگاهی به سرفصل‌های استاندارد علوم بیندازید و به هر طریقی کتاب علوم پایه هشتم را بررسی کنید. اگر اشاره به عمری کمتر از ۱۰,۰۰۰ سال برای زمین کرده بود به هیچ وجه از صد کیلومتری آن هم رد نشوید.

اگر پاسخ‌های خوبی به شما داده شد با توجه به وابستگی، بازی و آموزش علوم من شرط می‌بندم که اوضاع بر وفق مراد شما خواهد بود. به صورت ملایم و بی‌خطر قرار گرفتن در معرض آموزه‌های دینی ادبیات فرهنگی را تقویت کرده و به کودکان جواز اندیشیدن مستقل را می‌دهد. این نیرو را در خانه تقویت کنید.



یافته‌های سرگرم‌کننده

Godchecker.com - راهنمای شما به سوی خدایان

[/www.godchecker.com](http://www.godchecker.com)

یک بایگانی اطلاعاتی پر پیچ‌وتاب شگفت‌انگیز صادقانه از خدایان، درباره بیش از ۲۸۰۰ خدا که بر اساس منطقه و فرهنگ دسته‌بندی شده است.

کفرگویی - بازی

www.blasphemythegame.com

بلاسمی (نشانه تجاری)^۳ یک بازی تخته‌ای خوش‌ساخت، به دقت مطالعه شده و به طور جالبی هوشمندانه است که تنظیم شده تا همزمان هم افراد را با ادبیات دینی آشنا ساخته و هم به مقدسات سیخ بزند. در روزگار باستان در یهودیه بیش از یک مدعی برای عنوان مسیح وجود داشته است. هر بازیکن برای مسیح بودن در شش مرحله زندگانی عیسا مانورهایی انجام می‌دهد. هر کسی بتواند در اردن کفرگویی را به دست آورد در بیابان در برابر شیطان مقاومت

3. Blasphemy™

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

کرده، بزرگ‌ترین سخنرانی را داشته باشد، مؤثرترین معجزه‌ها را انجام دهد رقیبان را بی‌اعتبار سازد و زودتر از بقیه به صلیب برسد برنده بازی است. اگر شخصی (یا بچه‌ی نوجوانش) بازهای چند لایه پیچیده را دوست ندارد که تا بوق سگ طول می‌کشد این بازی را هم دوست نخواهد داشت. به عبارت دیگر اگر این جمله آخری آب دهان شما راه انداخت و گاو مقدس را یک سیخ کباب عالی می‌دانید این بازی برای شما ساخته شده است. سن +۱۳.



پرسش: مدرسه دختر من بسیار کوچک است و تالار سخنرانی ندارد. آن‌ها مراسم فراغت از تحصیل کودکان را در کلیسا بایپیتست در روبروی مدرسه برگزار می‌کنند. آیا پیشنهادی یا فکری ندارید؟

پاسخ: هر گونه نگرانی پیرامون دین-سیاست باید با این تک پرسش آغاز شود: آیا موضوع مورد بحث با تحمیل تنها یک اصول عقاید به عنوان «حقیقت و درست» تأثیر منفی بر آزادی اعتقاد در کودکان دارد یا نه؟ استفاده از ساختمانی (به ویژه زمانی که شما جای دیگری ندارید) به طور احتمالی با این معیار تضادی ندارد. مشکل بسیار بدتر توسل به خدا است که هزاران دانش‌آموز دبیرستانی هر سال در ماه ژوئن (خرداد-مرداد) برپا می‌کنند. چیز دیگری هم هست که بدون شک می‌دانید ما عبارات مذهبی را بر روی پول چاپ کرده‌ایم. (په) اگر اولیای این کودکان در جشن پایان کودکان نیایشی یا مواد آشکار دیگر مذهبی را در برنامه می‌گنجاند موضوع متفاوت می‌شود و من با آن‌ها درباره مرز دین و سیاست بسیار جدی برخورد خواهم کرد. طبق معمول هر گونه نگرانی خود را در این مورد نه به عنوان اجتناب از «اهانت» بلکه به عنوان آزادی عقیده برای همگان ابراز کنید. در قانون اساسی مورد نخست تضمین شده است؛ دومی نه.

پرسش: یکی از همسایگان من به پسر شش‌ساله‌ی من پیشنهادی کرده که می‌تواند او را با خودش به آموزش یکشنبه ببرد تا «در کنار بچه‌های دیگر باشد.» این همسایه خانم خوبی است ولی گمان می‌کنم کلکی در کار باشد. آیا چیزی باید بگویم؟

بخش نهم: گنج

پاسخ: بله. در دیدار بعدی، هنگام بردن پسماند بیرون از خانه، برداشتن نامه‌ها از صندوق پستی، و غیره از موقعیت استفاده کنید - مستقیم به خانه همسایه مراجعه نکنید. به سادگی، با ملایمت ولی به طور کامل رسمی، بگویید که تصمیم‌گیری برای رفتن به هر گونه پرستشگاهی به پدر و مادر مربوط می‌شود و همسایگان نمی‌توانند در این باره تصمیم‌گیری کنند و دادن چنین پیشنهادی به طور مستقیم به یک بچه شش‌ساله و بدون اطلاع والدین در شان آدم نیست. یک غریبه با یک آب‌نبات و خلاص. اگر خانم همسایه خودش نیز دارای فرزندی است و می‌خواهید این نکته را به خوبی حالی وی کنید پرسید آیا ممکن بود خوشحال شود که می‌شنید شما به بچه او پیشنهاد رفتن به گردهمایی انجمن انسان‌گرایان محلی را می‌دادید. دست آخر لبخندی تحویل همسایه داده و موضوع را عوض کنید: «می‌بینم که گل‌های اطلسی شما دوباره گل‌های قشنگی داده است!»



تالارهای گفتگوی تربیتی افراد بی‌دین

تالار تربیت فارغ از اصول دین www.ParentingBeyondBelief.com/forum

پدر و مادران بی‌خدا www.AtheistParents.org

تربیت بی‌خدا/ندانم‌گرا <http://messageboards.ivillage.com/iv-ppatheist>

پرسش: بهترین شیوه برای بهبود فضای مذهبی خانواده گسترده من چیست؟ ما هیچ‌گاه از ایمان و اعتقاد حرفی به میان نمی‌آوریم با این حال آن‌ها بر هر جنبه و سیمایی از کنش و کردار خانواده ما تأثیر می‌گذارد.

پاسخ: یک و در اولویت نخست، عقیده خود را ابراز کرده و پنهان نشوید. امکان دانستن وجود یک شخص بدون دین به طور عالی دوست‌داشتنی در میان خانواده یگانه مشارکت نیرومندان است که شما می‌توانید برای بهبود فضای دینی خانواده به کار برید.

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

دوم، اصول اعتقادی و باورها را یک موضوع طبیعی متعارف جلوه دهید. این کار را به سادگی با پیش کشیدن موضوعات اعتقادی در گفتگوها انجام دهید. شاید موضوعی در رابطه با انجمن آمیش^۴ یا مذهب بنیادگرای عیسا مسیح قدیسان آخر زمان (FLDS) (۸) یا بودیسم تبتی‌ها در خبرها بیاید. گفتن چنین سخنی «این خیلی جالب است که این افراد به ایکس وای زد اعتقاد دارند» می‌تواند مایه‌ی یک گفتگو پربار شود. البته، نخست جا پای خود را محکم کنید.

سوم، برای پدیدار شدن تنوع اعتقادی موجود در هر خانواده‌ای بکوشید. باری این یک توهم است که خود را مانند جزیره‌ای سکولار از هر سو احاطه شده با قبیله باپتیست جنوبی مانند دریایی از مذهب یگانه‌پرستی ببینید. همیشه تنوعی در اندیشه آزاد، در اعتقادات واقعی و آرامش بخشی متفاوت بودن وجود دارد. در دیدار بعدی یا گردهمایی شکرگزاری خویشان و اقوام کسانی را بیابید که مذهبی بوده ولی دارای اندیشه باز هستند و مشغول گفتگویی جالب شوید و به آسانی شنونده باورهای مذهبی باشید. این زمان‌ها هنگام چالش‌های انتقادی نیست بلکه چشمان را با علاقه گشوده و به پرده پر نقش و نگار شگفت‌انگیز باورها بنگرید.

سرانجام، که مورد علاقه من نیز هست: آزمون بلیف-او-ماتیک^۵ را به نشانی وبسایت www.beliefnet.com انجام داده، پیرامون نتیجه آن می‌گیرید گفتگو کرده و از اعضای دیگر خانواده بخواهید که این آزمون را انجام دهند. این آزمون بیست پرسش چندگزینه‌ای پیرامون جهان‌بینی پرسیده سپس فهرستی از اصول عقاید و باورهای و درصد هم پوشانی باورهای شما با آن اصول عقاید را مشخص می‌سازد. من ۱۰۰ درصد انسان‌گرای سکولار، ۹۲ درصد جهان‌گرای توحیدگرا و ۷۶ درصد بودائی تراودا^۶ هستم. امسال (۱۸ درصد) کمتر از سه سال پیش (۳۸ درصد) یهودی هستم ولی یک کم بیشتر کاتولیک شده‌ام (۱۸ درصد نسبت به ۱۶ درصد). خوب مگر می‌شود که این آغازگر گفتگوی جالب و مفرحی نباشد. **بهترین ایده:**

4. Amish community مسیحی یک فرقه مسیحی

5. Belief-o-Matic Quiz

6. Theravada Buddhist

بخش نهم: گنج

پیش از دیدوبازدید بعدی این لینک را به همه اعضای خانواده ایمیل بزنید. قرص‌های قلب مادر بزرگ ایمان آورده را دم دست بگذارید چون ممکن است بفهمد که هفتاد درصد اسلام گراست. البته این نمره نزدیک به نتیجه‌ای است که مسیحیان بنیادگرا به دست خواهند آورد. بروید به www.beliefnet.com و در منوی بالای صفحه بر روی بلیف-او-ماتیک کلیک کنید. اگر این آزمون گفتگویی را در میان خویشاوندان شما به راه انداخته من بسیار مایل هستم که بشنوم با ایمیل برای من به نشانی dale@ParentingBeyondBelief.com بنویسد.



قاعده، بریتانیا!

بر طبق مطالعه ارزش‌های اروپایی امروزه تنها ۳۸ درصد از ساکن انگلستان خود را معتقد به دین معرفی می‌کنند. بر اساس برخی برآوردها، درست نیمی از چهره‌های شاخص انگلستان (سیاستمداران، هنرمندان، دانشگاهیان و افراد شاخص دیگر) از بی‌دینی خویش آشکارا سخن می‌گویند. بویی و مزه‌ای از دیدگاه بی‌دینی از انگلیس قدیم:

انجمن انسان‌گرای انگلیس

www.humanism.org.uk

یک سازمان ملی انسان‌گرا گسترده و فعال با وب‌سایتی پربار و سودمند.

سرویس آگهی‌های عمومی انجمن انسان‌گرای انگلیس (BHA)

www.youtube.com/watch?v=0OY3y_fBpAs

تنها می‌توان حسرت شبیه و مانند این لب کلام ۲ دقیقه‌ای طنزآمیز باشکوه درباره دیدگاه انسان‌گرا را در امریکا خورد.

کمدی بدون خدای پت کاندل

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

www.patcondell.net

اگر تفسیرهای پرهیجان هوشمندانه، گویا، آشتی‌ناپذیر و شوخ‌طبعانه (ضد) دینی را دوست دارید، نیازی نیست به جای دیگر مگر به سایت پت کاندل سر بزنید. البته برای افراد کم‌دل نیست. تا هنگام نوشتن این کتاب پت چهل تفسیر کوتاه و یک دی‌وی‌دی (DVD) گردآوری کرده که از طریق وبسایتش در دسترس است. (بنگرید به www.youtube.com/patcondell)

نگران جهان

www.thoughtfortheworld.org

بی‌بی‌سی (BBC) اجازه حضور اندیشمندان بدون دین را در برنامه «اندیشه‌ی روز» پیرامون اندیشه‌های شخصی نمی‌دهد. انجمن انسان‌گرای اسکاتلند در برابر آن یک پادکست عالی از اندیشمندانی مانند استفان لا، تیم میلز، نیکل واربورتون، آتونی کلیفورد گرلینگ و کیت هودسون^۷ (نه، آن که نظر شماست نه) تهیه کرده است.



پرسش: می‌دانم که بنیادگرایان مذهبی به طور کلی درباره کیفر و تنبیه‌های جسمی اشتیاق فراوانی دارند. زمانی که نوبت به تربیت آزاداندیش می‌رسد آیا موضع‌گیری درستی پیرامون تنبیه‌ها کودکان برای نظم وجود دارد؟ و اگر تنبیه بدنی به طور کلی جایی ندارد در عوض چه گزینه‌ای وجود دارد؟

پاسخ: حق با شماست: بنیادگرایان دینی گرایش به هواداری از تنبیه بدنی و اغلب به دستور «کسی که چوب را باز دارد، از پسر خویش نفرت می‌کند»، کتاب‌های مقدس استناد می‌کنند. از دو جهت چیزی خنده‌داری در متوسل شدن به متون کتاب‌های مقدس وجود دارد. چیز خنده‌دار یک، این متون مقدس نیست. مورد خنده‌دار ۲ منبع واقعی آن است - یک شعر (به طور

7. Stephen Law, Tim Mills, Nigel Warburton, A.C. Grayling, and Kate Hudson

بخش نهم: گنج

کامل) هزل سروده شده به وسیله سموئیل باتلر^۸ که می‌خواهد سیخونکی به بنیادگرایان زمان خودش، پیورتین‌های انگلیسی، بزند. ولی برای خودداری از تنبیه بدنی تنها دلیل بنیادگرایی دینی نیست بلکه من چیز بهتر و به همان وسوسه‌انگیزی دارم - استدلال.

فقط به خاطر افشاگری اجازه دهید اعتراف کنم که کودک‌انم را تنبیه بدنی کرده‌ام. این ماجرای اتفاقی و مربوط به خیلی وقت پیش است پیش از آنکه دیدگاه والای تربیتی کنونی را داشته باشم. هنوز هم اعتراف آن مایه سرافکنندگی و شرمساری من است. هر بار شکستی را در تربیت کردن من پدیدار می‌سازد. این موضوع بیش از هر چیز دیگر شکستی دوگانه را در اطمینان من به منطق نمایش می‌دهد.

هر بار که پدر یا مادری دست خود را بر روی بچه‌ای بلند می‌کند در واقع می‌گوید که نمی‌تواند موضوع را با منطق پیش ببرد. در این روند کودک یاد می‌گیرد که زور جانشینی قابل قبول برای خرد و منطق بوده و هم چنین می‌آموزد که بابا و ماما به زور اطمینان بیشتری نسبت به خرد دارند.

اینک من می‌کوشم تا رفتار نادرست را با درخواست از آن‌ها برای تشخیص و نام دادن به مشکل اصلاح کنم. «گوش سگ را نکش» را با «چرا کشیدن گوش‌های سگ ممکن است فکر بدی باشد؟» جایگزین می‌کنم و از آن‌ها می‌خواهم دلیل بیاورند نه اینکه فقط اطاعت کنند. تمرین خوبی است.

دومین شکست کمابیش به همان اندازه شکست نخست ویرانگر بود. تنبیه بدنی کاری از پیش نبرد. حتا در واقع اوضاع را بدتر نیز کرد. مطالعه - هم چنین با نام «خردورزی سازمان یافته»^۹ نیز شناخته می‌شود - تحمیل می‌کند. یک فراتحلیل از هشتادوهشت مطالعه تنبیه‌های جسمی که در دانشگاه کلمبیا^{۱۰} توسط الیزابت تامپسون گرشوف^{۱۱} گردآوری شده بود نشان داد

8. Samuel Butler

9. Systematic reason

10. Columbia University

11. Elizabeth Thompson Gershoff

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

که ده پیامد منفی با تشبیه بدنی همبستگی دارد که از میان آن‌ها می‌توان به آسیب دیدن رابطه والدین - کودک، افزوده شدن کردار ضداجتماعی و پرخاشگرانه و افزودن شدن احتمال خشونت‌های فیزیکی به فرزندانش توسط بچه تشبیه شده. (۹)

این پژوهش تنها همبستگی را در یک مورد مثبت نشان داد: اطاعت بی‌درنگ.

خوشبختانه غیر از تشبیه بدنی چیزهای بسیاری دیگر وجود دارد که توجه آن‌ها را به همان خوبی یا بهتر به سوی خود کشیده بدون اینکه چنین تأثیرات منفی جانبی داشته باشد. یک طرح نظم و انضباطی که از یک سو از عشق الهام گرفته و هم چنین از دانش رهنمود می‌گیرد خوشایندترین گزینه‌ای را می‌یابد که کاری خواهد بود. تشبیه بدنی در هر دو مورد نادرست است. به جای آن فهرستی از امتیازات روانی مورد علاقه کودک تهیه کرده و آن‌ها را مشروط به کردار نیک نمایید. اگر بنا باشد میان یک تشبیه بدنی سریع یا یک هفته زود به رختخواب رفتن انتخابی صورت گیرد بدون شک بچه‌های من‌ترکه و تا شدن را برمی‌گزینند. خیلی بد. مسکن سریع گزینه‌ای را به ارمغان نمی‌آورد.

البته رمز موفقیت هر گونه برنامه انضباطی باید تا پایان راه دنبال می‌شود. اگر بچه‌ها بفهمند که تهدیدها توخالی است همه نقشه‌ها نقش بر آب می‌شود.

امیدوارم روشن باشد که همه‌ی این تقویت‌های منفی باید با عشق، امید و تقویت‌های مثبت آماده و مهیا شود- نه خراشنده باشد و درهم‌شکننده. هر از گاهی هنگام انجام کنش‌های نیک و زمانی که برخوردی خوبی دارند آن‌ها را دریابید و ضرورت اینکه آن‌ها را گرفتار نتیجه کنش کنید، کاهش می‌یابد. این موضوع پایه‌ای منطقی دارد.

در درازمدت اگر آماج نهایی ما تربیت افراد بالغ خودکار است ما تنها نباید کودکانی با انضباط بار آوریم بلکه باید خود-انضباط باشند. بنابراین اگر شیوه تربیتی شما مانند روش من بسیار خوب بر خرد استوار باشد بی‌خیال تشبیه بدنی باشید. همه‌ی ما انسان‌ها برای آینده‌ای برای کاسته شدن پرخاش، خشونت و هر گونه دیگری از بیماری‌های ضداجتماعی سرمایه‌گذاری کرده‌ایم که تشبیه بدنی موجب و باعث این مشکلات شناخته می‌شود. پیش از هر چیز دیگر و در گام نخست با بچه‌ها گفتگوی منطقی داشته باشید. تقویت مثبت کنید. از این‌ها گذشته

بخش نهم: گنج

زمانی که همه موارد به شکست رسید- و بدون شک، گاهی هر راهی به شکست می‌رسد- به سراغ دسته مؤثر و کارای تنبیه غیر بدنی پیامدهای کردار بروید. هنگام ضرورت امتیاز و برخورداری را از بچه گرفته و سلب کنید. مهلت بدهید یک ابراز روشن عدم رضایت بیشتر مواقع زیاده از حد دست کم گرفته می‌شود.

افزون بر این نیرومندی و قدرت گفته ساده‌ای پیرامون نارضایتی و ناخشنودی خود را فراموش نکنید. برای بچه‌ها نارضایتی والدین بیش از آن اهمیت دارد که شما گمان می‌کنید.

جایگزین‌های تنبیه بدنی

آکادمی آمریکایی پزشکی کودکان

www.aap.org/publiced/BR_Discipline.htm

بهترین شیوه برای منضبط کردن کودکم کدام است؟

مرکز انضباط کارآمد

www.stophitting.com سپس بر اینک کلیک کرده: Discipline at

ParentSupport : سپس Home

ده رهنمود برای نظم و انضباط مؤثر و کارآمد برای بچه‌ها

تربیت مثبت

www.positiveparenting.com/resources/articles.html سپس: نه

کاری که به جای حرف زدن باید انجام داد

برای اطلاعات بیشتر درباره تنبیه‌های بدنی به www.HumanistParenting.org مراجعه

کرده و بر لینک One Safe Generation کلیک کرده و سپس بروید: Corporal

Punishment



تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

یک نسل قابل اعتماد

www.HumanistParenting.org سپس لینک: One Safe Generation

از نوشته‌های وبسایت:

یک نسل قابل اعتماد یک ابتکار عمل انسان‌گرایانه برای ساختن جهانی انسانی‌تر، اخلاقی‌تر و مسئولیت‌پذیرتر، با شکستن میراث زنجیره‌ای ترس و خشونت است. آماج ما به وجود آوردن این امکان برای یک نسل است که بتواند رها از خشونت بالیده و رشد کند. در حمایت از این هدف «one safe generation»، ما در این ابتکار عمل پیشگام شده تا با خشونت بر ضد بچه‌ها در میدان‌های جنگ، در اجتماع و در خانه مبارزه کنیم. در هنگام ترس خرد، قوه‌ی داوری و اخلاق ما انسان‌ها به شدت ناقص عمل می‌کند. نمونه‌های از افراد، گروه‌ها و ملت‌هایی که در زیر نفوذ ترس بیمارگونه اندیشه و کرداری نادرستی داشته بیرون از شمارش است.

خشونت و نابهنجاری‌های از نسلی به نسل دیگر تداوم پیدا می‌کند زیرا قربانی‌های خشونت در کودکی احتمال دست زدن به خشونت بر ضد نسل بعد دارد. از تنبیه‌های بدنی و کم محلی به فرد تا خدمت اجباری سربازی کودکان و قربانی شدن نامتناسب کودکان در جنگ، هر نسل بالغ و فعال دارای انتخابی برای به میراث گذاشتن سنت خشونت ترس است - یا می‌تواند این ماترک را از میان ببرد.

با این تشخیص که همه‌ی کردارهای نابهنجار اجتماعی - از درگیری‌های خشن بنیادگرایان مذهبی تا سرکوبی آزادی بیان - همگی بدون برو و برگردد ریشه در ترس دارد انسان‌گرایی می‌تواند توان و انرژی ما را بر روی این ریشه متمرکز ساخته تا همزمان با کار کردن بر روی آن آسیب‌هایی وارد آمده به وسیله‌ی جنبه‌های گوناگون آن را بشناسیم. یک نسل آزاد شده از چنگال خشونت و ترس شاید بیشتر خردمند، بیشتر درد آشنا، دارای ایمان بیشتری به خود بوده و احتمال بسیار کم‌تری دارد که با بچه‌های خود با خشونت برخورد کند. با فراهم کردن وسایل تا تنها یک نسل با امنیت رشد کند، ترس سنتی به میراث مانده شاید خورد شده و آینده از نو ساخته شود.

نهاد یک نسل قابل اعتماد، پژوهش‌ها و منابع معتبری را در یک نقطه قابل دسترسی منفرد گرد آورده است؛ با هواداران خشونت در تالارهای عمومی مبارزه می‌کند؛ با انتشار دیدگاه‌های شخصی مقابل سردبیر در روزنامه‌ها و وضع قانون؛ و ترغیب پشتیبان‌ها برای سازمان‌های و هواداران موجود از سیاست‌های پیشرو عمومی پیرامون موضوعات مربوط در سه جبهه حمایت می‌کند: (۱) تربیت بدون خشونت؛ (۲) هواداری از سیاست‌های اجتماعی پیشرو برای کودکان؛ (۳) حفاظت از کودکان از تأثیرات جنگ.

فرانکلین روزولت^۱ در شناساندن ترس به عنوان دشمن، بیانیه‌ای درباره موضوع مهم همیشگی بزرگ‌تر از موضوعات دیگر مورد شناخت خود صادر کرد. برای اطلاعات و منابع بیشتر برای تربیت نسلی از کودکان بدون ترس و با امید بیشتر که نیاکان حتا رؤیای آن را هم نداشتند، بروید به **One Safe Generation**

ترانه‌های عالی وقت رفتن به رختخواب برای خانواده‌های آزاداندیش

Imagine (John Lennon)—the anthem of idealism
Little Boxes (Malvina Reynolds)—in praise of nonconformity
Questions (Tom Chapin)—a hat-tip to the inquiring mind of childhood
Cat's in the Cradle (Harry Chapin)—a heartbreaking wakeup for busy parents
The Galaxy Song (Eric Idle/Monty Python)—for that cosmic perspective!

خواندنی‌های پیشرفته برای نوجوان‌های آزاداندیش

1. Franklin Roosevelt

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

بله در اینجا نیز سه گانه‌ی مواد تاریک او وجود دارد، ستاره‌شناسی تیم فریس، فیزیک براین گرینه و بیخدایی بحث‌انگیز هریس، داوکینز و دنت. ولی در زیر سه کتابی که اغلب کمتر از فهرست خوانندگان عالی نقل قول می‌شود برای نوجوانان آزاداندیش:

داستانی

Haddon, Mark. *The Curious Incident of the Dog in the Night-time* (London: Jonathan Cape, 2003)

Foer, Jonathan Safran. *Extremely Loud and Incredibly Close* (New York: Houghton Mifflin, 2005)

بسیاری از مفسران همانندی و شباهت بسیاری را میان این دو داستان شگفت‌انگیز گوشزد کرده‌اند. هر یک از این داستان‌ها از زبان یک پسر بچه عالی و با ذهنیت دانشیک و علمی تعریف می‌شود که پدر یا مادرش را از دست داده و در جهان بزرگ‌تر در موقعیتی برای یافتن راه‌حل رازی قرار گرفته است. موردی که کم‌تر بیان می‌گردد این هست که هر دو تن راوی خویش را به عنوان غیر الهیاتی معرفی می‌کنند. نتیجه آن اندیشه‌ای ژرف دوگانه‌ای پیرامون مرگ، از دست دادن عزیزان، معنا و نیروی اراده شخص که باید در بیشتر آزاداندیشان تشدید شود. هر دو این داستان‌ها به صورت صوتی در سایت به نشانی www.audible.com در دسترس است. (من به ویژه کتاب برخورد کنجکاو را توصیه می‌کنم چون دارای یک دیدگاه یگانه و منحصر به فرد درباره یک راوی اوتیسم است - و به ویژه فایل صوتی آن.)

غیر داستانی

Hitchens, Christopher. *Letters to a Young Contrarian* (New York: Basic Books, 2001)

هیچنمی گوید، قیتا جوستی‌تا، روات کاکوم - «بگذارید عدالت اجرا شود حتا اگر عرش فروافتد.» این کتاب بی‌همتا مجموعه‌ای از نامه‌های هیچنمی به یک دانشجوی نظری است که از اختلاف عقیده به عنوان یک ارزش والا هواداری کرده و دگراندیش را به عنوان یک نیروی اخلاقی حیاتی برمی‌شمارد. هیچنمی به صورت همیشگی خودش با آمیختن منطق سوزنده و پرهیز له کردن و نابود ساختن واژه‌ها. معارض جوان می‌تواند هم چون یک آغازگر کارا خدمت کرده

بخش نهم: گنج

و اعترافی نیرومند برای شخص جوان برای ورود به زندگانی بزرگسالی که دگراندیشی دلاورانه نقشی در آن دارد.



درباره ترس

تمرکز **یک نسل قابل اعتماد** بر کاهش تهدیدهای واقعی با امنیت فیزیکی بچه‌ها است. ولی پوشش رسانه‌ای، رنگ و لعاب‌های اینترنت و حتا بسیاری از کتاب‌های تربیت بالاترین کوشش خود را برای منحرف و گمراه ساختن توجه به تهدیدهایی معطوف کرده است که حتا در مقایسه به طور آماری بزرگ نیست.

ترس مایه بالا رفتن فروش روزنامه شده و ترافیک آنلاین را هدایت می‌کند پس نیمی از شایعات شهری که «هر ۴۰ ثانیه یک بچه دزدیده می‌شود» و «بچه دزدی از سال ۱۳۶۱ خورشیدی (۱۹۸۲ میلادی) تا کنون ۴۴۴ درصد افزوده شده» همیشه بازگو نشده و پیوسته ادامه پیدا می‌کند. کتاب‌های تربیتی مسیحی کمابیش همیشه این فرصت را به سود خویش مصادره کرده و بوق هشدار «ارزش» مرعوب بودن را به صدا درمی‌آورند. در بوق می‌دمند که بزهکاری از کنترل و مهار خارج شده است. اخلاقیات در حال فروریختن است. فرزندان ما بیش از پیش در معرض خطر بسیار بزرگ بارداری نوجوانان، بچه دزدی و مرگ‌های خشن هستند. به پدر و مادران ترسیده راهکاری پیشنهاد می‌شود - خدا.

ولی آیا این ادعاهای ترسناک به راستی درست است؟ آیا کودکان ما دارای ایمنی کمتر بوده و کم‌تر از گذشته اخلاقیات را رعایت می‌کنند؟ **آمارهای زیر را بررسی کنید:**

- بر آمارهای اداره دادگستری امریکا، نرخ جنایت‌های در سراسر کشور از سال ۱۳۷۳ (۱۹۹۴ میلادی) به طور پیوسته در حال کاهش بوده و در سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۵ میلادی) به پایین‌ترین حد خود رسیده است. (۱۰)

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

- بارداری در نوجوانان در حال کاهش است. بر طبق گزارش سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی) نهاد گات‌مچر^۲ از سال ۱۳۶۹ خورشیدی (۱۹۹۰ میلادی) بارداری در نوجوانان ۳۶ درصد کاهش یافته که پایین‌ترین نرخ در طول این سی سال است. (۱۱)
 - نرخ بچه دزدی - که کمابیش همیشه بسیار کوچک بوده - پیوسته رو به کاهش است. نرخ بزه‌کاری آزار و خشونت با کودکان نزدیک به ۵۰ درصد از سال ۱۳۵۲ خورشیدی (۱۹۷۳) کاهش یافته است. نرخ قتل بچه‌ها به پایین‌ترین حد خود در چهل سال گذشته رسیده است. (۱۲) یک بچه فرضی نزدیک به ۵۰ درصد احتمال بیشتر دارد که در هر لحظه از سال بمیرد از برخورد یک شهاب سنگ یا پیکر آسمانی (۱ به ۲۰,۰۰۰) و با پایان دادن جهان بمیرد تا به وسیله یک غریبه دزدیده شود (یک در یک میلیون). (۱۳)
- خوب چرا از چیزهای غیرمحمتم می‌ترسیم و خطرات بسیار بزرگ‌تر را نادیده می‌گیریم؟ مقاله‌ای در ساینفیک امریکن مایند^۳ این پژوهش روانی را جمع‌بندی کرده است:
- **ما از چیزهایی می‌ترسیم که تاریخ موروثی ما آماده برای ترسیدن آن کرده است**، مانند مجبوس شدن، ارتفاعات، مار، عنکبوت و انسان‌های متعلق به قبیله‌های دیگر.
 - **ما از چیزهایی می‌ترسیم که نمی‌توانیم آن‌ها را کنترل کنیم**، خودروها امنیت کمتری از هواپیما دارند ولی فرمان خودرو در دست ما قرار دارد نه هواپیما.
 - **ما از چیزهای نزدیک (غریبه‌هایی که پیرامون ما هستند) بیش از احتمالات درازمدت می‌ترسیم (گرمایش زمین).**

2. Guttmacher Institute

3. Scientific American Mind

• **ما از تهدیدهای حاضر در خاطره‌ها** می‌ترسیم. هر سقوط هوایما، هر بچه دزدی، هر تهاجمی به هر خانه‌ای پوشش خبری در رسانه‌ها دارد و به طور چشمگیری بسیار بیشتر از تهدیدات واقعی به آن پرداخته می‌شود. (۱۴)

ما می‌توانیم با برآورد و ارزیابی خسارت به صورت خردمندانه برای بچه‌هایمان بهترین امنیت و محیطی با کمترین ترس را فراهم آورده و در برابر کاسبکارهای فرشته ترس و دمنده در بوق هشدارهای اخلاقی تسلیم نشویم.

پرسش: چرا «آفتابی شدن» والدین بدون دین اهمیت دارد؟ آیا دور از توجه بودن به سود بچه من نیست؟

پاسخ: یکی از آماج‌های اصلی ما به عنوان پدر و مادر باید ساختن جهان خردمندانه برای کودکان باشد. یکی از بهترین راه‌هایی که برای انجام آن بری پدر و مادران بی‌دین وجود دارد با ساختن جهانی است که ناباوری دینی در آن موضوع مهمی تلقی نشود. البته این هدف است - نه فرهنگ مسلط، نه اینکه دین‌ها از نقشه حذف شود بلکه به سادگی ناباوری یک موضوع عادی بشود.

ما می‌توانیم چیزهای فراوانی از جنبش‌هایی پیشرو پیشین یاد بگیریم. حمایت و هواداری از نژادپرستی هنگامی دشوار می‌شود که شخص فردی را از نژاد دیگری بشناسد و عاشق او شود. زمانی که شخص بداند که در همسایگی یا کودک خودش هم‌جنس گراست، هم‌جنس‌گرای هراسی از میان می‌رود. همین موضوع در رابطه با ناباوری دینی نیز درست است. امروزه پیرامون افراد مذهبی را ناباوران نامریی فراگرفته است. این موضوع به افراد مذهبی کمک می‌کند تا تصویر خنده‌داری از بدون دین‌ها به عنوان شخصی «آن بیرون‌ها» بسیار دور، با چشمان خون‌بار، نفرت‌انگیز، بیگانه و تهدیدآمیز داشته باشند. در عوض زمانی که آن‌ها فهمیدند که سوزان، دختر عمو دوست‌داشتنی و معمولی خودشان خدا را قبول ندارد برای سازگار شدن با اطلاعات جدید باید یک تغییر نیرومند به وجود آورند.

بسیاری از افراد بدون دین گمان می‌کنند این تغییر مایه خفت و خواری آن‌ها در چشم دیگران می‌شود. ولی من پس از گفتگو با صدها تن از ناباوران، به راستی با صدها تن گفتگو

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

کردم درباره تجربه «آشکار کردن» خود با خوشحالی می‌توانم اعلام کنم که در کل به صورت برعکس پیش خواهد رفت: به جای خار شدن در چشم دوستان و خویشاوندان، بیشتر افراد مذهبی دیدگاه کلی خود از ناباوران را ارتقا می‌دهند، البته نه خیلی زیاد، بهتر می‌شود. با قرار گرفتن صورت شخص آشنا و عزیزان خود تصویر خنده‌دار ذهنی آن‌ها کم رنگ‌تر می‌شود. اگر هر شخص بدون دینی باورها و اعتقادات خویش را برای اطرافیان خویش آشکار سازد، با آرامی و با لبخند، بعید نیست یک شبه گرایش فرهنگی مسلط درباره ناباوری مذهبی به شدت دستخوش تغییر شود. به هیچ رو ترس و عدم اطمینان مهر تأیید نخواهد خورد ولی شاید تصویر ساده‌انگارانه از بدون دین‌ها به طور ضروری پیچیده‌تر، با ظرافت بیشتر و دقیق‌تر ترسیم شود. همیشه بهتر از آنچه گمان می‌کنید با آشکار کردن اندیشه‌ها برخورد خواهد شد و هم چنین این کار گام بسیار بلندی برای اجازه به کودکان به سوی اندیشیدن آزادانه و به طور مستقل به چالش کشیدن باورهای دینی است.

یادداشت‌ها

- ۱- یک نام دوم تنها به آن اضافه شده تا بشود هم اتاقی واقعی دانشگاهی من، فیل گراوس.
- ۲- Yonish, Stephen, and David Campbell, Religion and volunteering in America. In Smidt, Corwin, Religion as Social Capital (Waco, TX: Baylor University Press, 2003)
- ۳- Brooks, Arthur C. Religious faith and charitable giving, in Policy Review (October/November 2003)
- ۴- Warren Buffett (#1), Bill Gates (#2 along with his wife Melinda, who is Catholic), and George Soros (#3). Cited in 50 Most generous philanthropists, Business Week. Accessed April 13, 2008, from <http://bwnt.businessweek.com/philanthropy/06/index.asp>

بخش نهم: گنج

- ۵- متن در <http://richarddawkins.net/article,903,n,n>. یک پاسخ بسیار اندیشمندانه در www.dailykos.com/story/2007/4/19/18451/0971. Site accessed May 30, 2008
- ۶- گرگ اپستاین، روحانی انسان‌گرا در هاروارد، زمانی که می‌گوید «دانش و خرد مهم هستند ولی دانش و خرد در بیمارستان به دیدار شما نمی‌آیند»، درست به وسط خال می‌زند.
- ۷- متن کامل در www.firstunitariansociety.org/sermons0203/092202.htm#092202..htm. Accessed July 11, 2008
- ۸- Fundamentalist Church of Jesus Christ of Latter Day Saints
- ۹- Gershoff, Elizabeth Thompson. "Corporal Punishment by Parents and Associated Child Behaviors and Experiences: A Meta-Analytic and Theoretical Review," *Psychological Bulletin*, 128 (2002), 539–579
- ۱۰- www.ojp.usdoj.gov/bjs/gvc.htm#Violence
- ۱۱- Accessed June 11, 2008, from www.guttmacher.org/pubs/2006/09/12/USTPstats.pdf
- ۱۲- National Center for Juvenile Justice 2006 report. Accessed June 8, 2008, from www.ojjdp.ncjrs.gov/ojstatbb/nr2006/downloads/chapter2.pdf
- ۱۳- "A fistful of risks," *DISCOVER Magazine* (April 1996), 82.
- ۱۴- Myers, David G. "The Powers and Perils of Intuition," *Scientific American Mind* (June/July 2007), 48–51

فیلم های پیشنهادی با دسته بندی

فیلم های پیشنهادی با موضوعاتی مربوط به سواد دینی، بلوغ و بررسی مرگ است. چکیده و نقد آن ها در نتفلیکس (www.netflix.com) یا بانک اینترنتی فیلم (www.imdb.com) موجود است.

فیلم های مربوط به سواد دینی				
نام فیلم	سن ۴-۷	۷-۱۱	۱۱-۱۴	۱۴-۱۸
Prince of Egypt (G)	*	*		
Joseph, King of Dreams (G)	*	*		
Kirikou and the Sorceress (NR)	*	*	*	
Jesus Christ Superstar (G)	*	*	*	*
Fiddler on the Roof (G)	*	*	*	*
Little Buddha (PG)		*	*	*
Heaven Can Wait (PG)		*	*	*
Oh, God! (PG)		*	*	*
The Mission (PG)		*	*	*

پیوست یک: فیلم های پیشنهادی با دسته بندی

فیلم های مربوط به سواد دینی				
نام فیلم	سن ۴-۷	۷-۱۱	۱۱-۱۴	۱۴-۱۸
The Message (PG)		*	*	*
The Nativity Story (PG)		*	*	*
Jason and the Argonauts (NR)		*	*	*
Inherit the Wind (NR)			*	*
Gandhi (PG)			*	*
Jesus Camp (PG-13)			*	*
The 10 Commandments (G)			*	*
Saved (PG-13)			*	*
Seven Years in Tibet (PG-13)			*	*
Kundun (PG-13)			*	*
Bruce Almighty (PG-13)			*	*
Evan Almighty (PG-13)			*	*
Romero (PG-13)				*
Dogma (R)				*
Jesus of Montreal (R)				*
Schindler's List (R)				*
Black Robe (R)				*
Agnes of God (R)				*

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

فیلم های بررسی موارد مربوط به بلوغ			
نام فیلم	۷-۱۱	۱۱-۱۴	۱۴-۱۸
To Kill a Mockingbird (NR)	*	*	*
Remember the Titans (PG)	*	*	*
Stand and Deliver (PG)	*	*	*
Believe in Me (PG)	*	*	*
Coyote Summer (G)	*	*	*
Hairspray (PG)	*	*	*
October Sky (PG)	*	*	*
Searching for Bobbie Fisher (PG)	*	*	*
Dead Poet's Society (PG)		*	*
Son of Rambow (PG-13)		*	*
Sixteen Candles (PG) *		*	*
Lean on Me (PG-13)		*	*
Mean Girls (PG-13)		*	*
Odd Girl Out (PG-13)		*	*
Dirty Dancing (PG-13)		*	*
Double Happiness PG-13		*	*
Forrest Gump (PG-13)		*	*
Pretty in Pink		*	*
Bend It Like Beckham (PG-13)		*	*
Mask (PG-13)		*	*
Hoop Dreams (PG-13)		*	*
Whale Rider (PG-13)		*	*
Real Women Have Curves (PG-13)		*	*
Juno (PG-13)			*

پیوست یک: فیلم های پیشنهادی با دسته بندی

فیلم های بررسی موارد مربوط به بلوغ (ادامه)			
نام فیلم	۱۱-۷	۱۴-۱۱	۱۸-۱۴
Stand by Me (R)			*
Good Will Hunting (R)			*
Boyz N the Hood (R)			*
Into the Wild (R)			*
Billy Elliot (R)			*
Thirteen (R)			*
Muriel's Wedding (R)			*
Mystic Pizza (R)			*

فیلم های مربوط مرگ و از دست دادن عزیزان				
نام فیلم	سن ۷-۴	۱۱-۷	۱۴-۱۱	۱۸-۱۴
Charlotte's Web (G)	*	*		
Mr.Magorium's Wonder Emporium (G)	*	*	*	
Bambi (G)	*	*		
Brian's Song (G)		*	*	*
Tuck Everlasting (PG)		*	*	
On Golden Pond (PG)		*	*	*
My Girl (PG)		*	*	
Big Fish (PG-13)		*	*	*
Edward Scissorhands (PG-13)		*	*	*
Defending Your Life (PG)			*	*

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

فیلم های مربوط مرگ و از دست دادن عزیزان (ادامه)				
نام فیلم	سن ۴-۷	۷-۱۱	۱۱-۱۴	۱۴-۱۸
Dead Poet's Society (PG)			*	*
Stepmom (PG-13)			*	*
What Dreams May Come (PG-13)			*	*
Life Is Beautiful (PG-13)			*	*
Philadelphia (PG-13)				*
My Life as a Dog (PG-13)				*
Harold and Maude (PG)				*
Wit (PG-13)				*
Kolya (PG-13)				*
Dead Man Walking (R)				*
The Green Mile (R)				*
The Meaning of Life (R)				*
One True Thing (R)				*
Ponette (NR)				*
Schindler's List (R)				*

* - شانزده شمعدان درست چند هفته پیش از ساخته شدن رتبه (PG-13) رتبه بندی شد.
اگر امروز دوباره رتبه بندی شود بدون شک رتبه (PG-13) را خواهد آورد.

فهرست اصول

فهرست اصول، آیین‌نامه‌ها، ارزش‌ها و آرمان‌هایی که در این کتاب به آن‌ها اشاره شده است:

هفت اصل جهان‌گرای توحیدگرا

ما اعضای جماعت انجمن جهان‌گرای توحیدگرا پیمان می‌بندیم که تأیید و ترویج کنیم:

- ارزش و کرامت ذاتی هر یک از انسان‌ها را
- برابری، عدالت و همدردی در روابط انسانی
- پذیرش همدیگر و تشویق برای رشد روحی در جماعت خودمان
- کاوش آزادانه و با مسئولیت برای حقیقت و معنا.
- حق آزادی عقیده و استفاده از روند دموکراتیک بدون محدودیت در جامعه ما
- آماج ما برای جهانی یکپارچه به همراه صلح، آزادی و عدالت است.
- به این شبکه در هم تنیده از همه‌ی موجودات احترام می‌گذاریم که ما انسان‌ها نیز بخشی از آن هستیم.

گام‌های طلب بخشش

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

به کار گرفتن فلسفه اخلاق برای به‌دردخور و مفید ساختن زندگانی. نویسندگان همکار شامل لوئیس کلرمن، دون مونتاگونا و جون جانسون لوئیس^۱.

مرحله ۱: اعتراف به کردار نادرست و اشتباه

- مشخص کنید که چرا کردار ویژه‌ای آسیب‌رسان است. بدون درک اثرات زیان‌آور رفتار خود، تغییر دشوار خواهد بود. کوشش برای درک درد و رنج از دیدگاه شخص آسیب‌دیده و تلاش برای درک اثرات این درد و رنج بر خود.
- اعتراف نزد خود و دیگران به نادرست و اشتباه بودن کردار. اگر بناست روابط بهبود یابد، توان اعتراف زبانی به کردار نادرست و اشتباه نخستین گام مهم است.
- ابراز واقعی و راستین تأسف خود به همه‌ی کسانی که در حوزه‌ی این رفتار نادرست قرار گرفته‌اند. زمانی که اثرات نامطلوب رفتار درک شد و توانایی ابراز تأسف راستین پیش آمد شاید شخص آماده تغییر و بهتر شدن باشد.

مرحله ۲: جبران

- کوشش از ژرفای احساسات برای سرافراز ساختن خود و افراد درگیر. نشانه‌های حالتی از دفاع ضعیف را به نمایش نگذارید. دل می‌خواهد که با آسیب‌ها رسانده روبرو شد. نخستین گام به سوی بهبود روابط را با کوشش‌های سخاوتمندانه و عمل‌گرایانه خود برای آشتی بردارید.
- در جستجوی «کنش و عملی» باشید که برابر با «اشتباه و خطا» شما باشد. این کار را با تقاضا از افراد زیان‌دیده انجام دهید و بکوشید کار مثبتی هم ارز و متعادل با موارد منفی را انجام دهید. این کنش در نهایت تنها به صورت نمادین

1. Lois Kellerman, Don Montagna, and Jone Johnson Lewis

پیوست ۲: فهرست اصول

است زیرا هیچ شخصی نمی‌تواند زیان‌های گذشته را از میان ببرد. با این حال این نشانه‌ی ضروری از نیت خوب و پیشمانی واقعی است.

- جبران را در بجا و به موقع انجام دهید. هر چه بیشتر درنگ کنید، زخم‌ها بیشتر چرک می‌کند. بنابراین با سرعتی کنش و عمل کنید که روند احساسات شما اجازه می‌دهد،

مرحله ۳: برای تغییر متعهد شوید

- پیمان و تعهد روشن و واضح برای تغییر الگوهای رفتاری زیان‌آور خود بدهید. شاید باید روشن شود که چه رخدادهایی ماشه‌ی واکنش مخرب و ویرانگر شما را به کار می‌اندازد و در جستجوی راه‌هایی برای پرهیز از قرار گرفتن در چنین موقعیت‌ها برآمده یا برای واکنش و پاسخ متفاوتی تمرین کنید.
- به صورت آشکار و مرئی بر اساس تعهد خویش عمل کنید. تغییر نه تنها باید به سخن باشد بلکه باید در عمل هم انجام شود مانند مشاوره و رایزنی‌های مناسب، تغییر در مسیر مهارت ارتباط، تقاضای آشکار برای کمک به تشخیص الگوهای گزندآور و حمایت از شخص نه واکنش بر اساس چنین اعمالی.
- احترام گذاشتن به روند تغییر. اعتراف پیش خود و دیگران که تغییر کردن سخت است و کرداری که ریشه در ژرفای وجود انسان یافته است به تندی ناپدید نمی‌شود. خود را به دلیل اشتباه و لغزش سرزنش نکنید و از زیان‌آور بودن روش‌های پیشین چشم‌پوشی نکرده و یا آن‌ها را کم‌اهمیت به شمار نیاورید. به جای آن واقعیت را بدون فراموشی آرمان بپذیرید.

دوازده ارزش اساسی مدرسه یکشنبه جامعه اخلاقی سنت لوئیس

- اخلاق دین من است.
- هر شخص به‌خودی‌خود بی‌همتا و مهم است.

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

- حق هر شخص است که با او رفتاری منصفانه و با مهربانی انجام شود.
- هرکسی می‌تواند به من چیزی یاد دهد.
- من بخشی از زمین هستم؛ سراسر زمین و زندگانی روی آن برای من گرامی است.
- من از جهان پیرامون با استفاده از حواس، ذهن و احساسات می‌آموزم.
- من عضوی از جامعه جهانی و بین‌المللی هستم که به همکاری همه انسان‌ها برای صلح و عدالت وابسته است.
- می‌توان از گذشته برای ساختن آینده یاد گرفت.
- پرسیدن برای من آزاد است.
- من آزادم هر چه آنچه را برگزینم که باور دارم.
- من مسئولیت انتخاب و کردار خودم را دارم
- می‌کوشم ارزش‌هایم را فعال نگه دارم.

اعلامیه انسان‌گرا: بیانیه اصول

از انجمن انسان‌گرای سکولار (www.secularhumanism.org)

- ما متعهدیم برای درک گیتی و حل دشواری و مشکلات انسان‌ها خرد و دانش را به کار گیریم.
- ما تلاش برای بی‌اعتبار ساختن خرد انسانی، رفتن در پی توضیحات جهان با اصطلاحات فراطبیعت و یافتن راه نجات بیرون از جهان را محکوم می‌کنیم.
- ما باور داریم که یافته‌های دانش و فناوری می‌تواند در بهبود زندگی انسان‌ها نقش داشته باشد.
- ما به جامعه‌ای باز و پلورالیست باور داریم و هم چنین باور داریم که دموکراسی بهترین تضمین پاسداری و حفاظت از حقوق بشر از نخبگان تمامیت‌خواه و اکثریت سرکوبگر است.
- ما متعهد به اصل جدایی دین و دولت هستیم.

پیوست ۲: فهرست اصول

- ما هنر مصالحه و مذاکره را به عنوان ابزاری برای حل اختلاف و رسیدن به درک دوطرفه ترویج می‌کنیم.
- ما توان خود را صرف امنیت دادن به عدالت و انصاف در جامعه نموده هم چنین می‌کوشیم تا تبعیض و تعصب را از میان ببریم.
- ما به حمایت از محرومان و معلولان به صورتی اعتقاد داریم که آن‌ها بتوانند به روی پای خود بایستند.
- ما می‌کوشیم تا از وفاداری به تقسیمات کوتاه‌فکرانه بر اساس نژاد، دین، جنسیت، ملیت، عقاید، کلاس، گرایش‌ها جنسی یا قومیتی رهایی یافته و برای کار با یکدیگر برای یک هدف خوب برای انسان‌ها تکاپو می‌کنیم.
- ما می‌خواهیم از زمین حفاظت کرده و آن را به سوی پیشرفت ببریم تا برای نسل‌های آینده حفظ شده و هم چنین از تحمیل رنج بیهوده به گونه‌های دیگر پرهیز کنیم.
- ما باور داریم که باید هم اکنون و از این جهان بهره و لذت برد و باید استعداد‌های خلاقانه خود را به حداکثر رشد رساند.
- ما به ترویج فضیلت‌های اخلاقی اطمینان داریم.
- ما به حق داشتن حریم خصوصی احترام گذاشته، انسان‌های بالغ بزرگسال باید اجازه داشته باشند که دلخواه خویش را برآورده ساخته، گرایش‌های جنسی خویش را ابراز کرده، تولیدمثل آزادانه را انجام داده، به بهداشت درست و جامع دسترسی داشته و با احترام زندگی را بدرود گویند.
- ما به معرفت مشترک اخلاقی باور داریم: نوع‌دوستی، راستی، درستی، صداقت، مسئولیت. اخلاق انسان‌گرا در برابر راهنمایی انتقادی خردمندانه، پاسخگو و مسئولیت‌پذیر است. معیارهای اصولی وجود دارد که ما انسان‌ها با همکاری آن‌ها را یافته‌ایم. اصول اخلاقی با پیامدهای خود سنجیده می‌شود.

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

- ما به شدت متوجه آموزش اخلاقی به کودکان خود هستیم. ما می‌خواهیم خرد و مهربانی در درون آنها پرورش یابد.
- ما به اندازه دانش دل‌مشغول هنر نیز هستیم.
- ما شهروندان جهان هستیم و از کشفیاتی که هنوز باید در گیتی انجام گیرد سرشوق آمده و انگیزه می‌گیریم.
- ما به افزودن ادعاهای غیرقابل آزمایش به قلمرو دانش باور نداریم ولی ذهن ما بر روی اندیشه‌های نو باز است و ما سرنخ‌های تازه‌ای برای اندیشیدن خویش می‌جوییم.
- ما تأکید می‌کنیم که انسان‌گرایی به عنوان جایگزین واقعی برای الهیات نومیدی و ایدئولوژی خشونت بوده و به عنوان منبع غنی از اهمیت شخصی و رضایت واقعی در خدمت به دیگران است.
- ما به جای بدبینی به خوش‌بینی اعتقاد داریم، به جای نومیدی به امید، به جای تعصب و دگم ما به دانش خویش می‌افزایم، حقیقت به جای نادانی، شادمانی به جای احساس گناه و معصیت، مدارا به جای ترس، عشق به جای نفرت، همدردی به جای خودخواهی، زیبایی به جای زشتی و خرد به جای ایمان قلبی یا نابخردی.
- ما باور داریم که انسان گنجایش درک کاملی از بهترین و شرافتمندانه‌ترین کنش‌ها را دارد.

چهل کاری که می‌توان برای تربیت یک کودک بااخلاق انجام داد.

از کتاب انسان‌های اخلاقی و چگونه آنها به این درجه رسیدند نوشته آرتور ب. دوبرین^۲.
با کسب اجازه برای چاپ.

احساسات

2. Arthur B. Dobrin

هیجان‌ها پایه اساسی اخلاق است.

- با احساسات کودکان هماهنگ باشید.
- احساسات خویش را توضیح دهید.
- درباره گمان خود از احساسات احتمالی دیگران سخن بگویید.
- داستان‌های خیال‌پردازانه بخوانید.
- برای بچه‌های خود آواز بخوانید.

خرد

احساسات باید با خرد راهنمایی شوند

- دلیل بیاورید که چرا از کردار کودک خود ناراحت یا خشنود هستید.
- دلیل بیاورید که چرا شما می‌خواهید از قانونی پیروی کنند.
- کودک خود را تشویق به بازی با گروه‌های مختلفی سنی بکنید.
- با پرسش‌های خلاقانه کودکان را در گفتگوهای اندیشمندانه شرکت دهید.
- اندیشیدن مستقل را ترویج دهید.

عزت نفس

عزت نفس پیش‌نیاز کردار اخلاقی است

- با احترام با کودک خود رفتار کنید.
- دلبستگی خویش را به فعالیت‌ها، پروژه‌ها و رؤیاهای کودک ابراز کنید.
- به گزینش آماج و اهداف کودک کمک کرده و او را تشویق به دیدن پایان راه کنید.
- وظیفه‌ای به خوبی انجام شده را ستایش کنید.
- در صورت لزوم هنگام روبرو شدن با جمعیت به طور زبانی و احساسی از کودک پشتیبانی کنید.

نظم

تربیت آزاداندیشان: راهنمای کاربردی پرورش کودکان فارغ از اصول مذهبی

هر رفتار و کردار داری پیامدهایی است

در انضباط و نظم درخواستی خود- نه بوالهوس- ولی انعطاف‌پذیر باشید.
تهدید نکنید؛ هرگز مسخره نکنید.
شدت کیفر و گوشمالی باید با بدی کنش بد هماهنگ باشد.
انضباط به همراه توضیحات.
انتقاد در خلوت و خصوصی.

پیش‌داوری

رفتار منصفانه به طور برابر با همه انسان‌ها بنیاد اخلاق است

گرایش‌های خویش را بررسی کنید.
نمونه‌های رفتاری را ارائه کنید که بر خلاف پیش‌داوری‌های جمعی و اجتماع است.
از سر هیچ پیش‌داوری یا تفسیرهای کورکورانه بدون چالش نگذیرید.
به کودکان کتاب‌های بدهید که نشان می‌دهد انسان‌های گوناگونی با هم بازی کرده،
کار کرده و با هم زندگی می‌کنند.
درباره تفاوت‌های میان انسان‌ها گفتگو کنید ولی به طور طبیعی نه با شگفتی.

ارزش‌ها

برخی از ارزش‌ها مهم‌تر از برخی ارزش‌های دیگر هستند

به کودکان خود بگویید چه کسانی را ستایش می‌کنید و چرا.
جوری زندگی کنید که دوست دارید بچه‌های شما زندگی کنند.
اهمیت حفاظت از ضعیف و بی‌پناه را نشان دهید.
نظری درباره دلسوزی بگویید- کودکان باید بدانند که غم و اندوه دارای ارزش مهمی
است.

به کودکان خود بگویید به چه چیزی ارزش داده و چرا به آن ارزش می‌دهید.

عادت‌ها

اخلاق از راه مشاهده و عمل فراگرفته می‌شود

برای کمک کودکان به دیگران فرصت‌هایی را به وجود آورید.
درباره افراد خوب واکنش مثبت زبانی انجام دهید.
با کودکان خود در اجتماع و خدمت‌رسانی داوطلبانه همکاری کنید.
نیت خوب را در کودکان تشویق کرده و توقع داشته باشید.
به کودکان خویش کمک کنید تا به قول‌ها و پیمان‌های خود عمل کنند.

اجتماع

اخلاق مستلزم وجود انسان‌های دیگر است

درباره برنامه‌های تلویزیونی، موسیقی و فیلم‌هایی که کودکان شما می‌بینند یا می‌شنوند گفتگو کنید.
در آموزش و پرورش کودکان درگیر شوید.
خوراک خوردن خانوادگی را به یک فرصت مهم و منظم تبدیل کنید.
فعالیت‌هایی را تشویق کنید که بچه‌ها شما را با دیگران به همکاری وامی‌دارد.
به جهان بیرون از خانه علاقه‌مند باشید.